
مسجد و کودک و نوجوان
برگزیده مقالات کتاب‌های
۳







برگزیده مقالات کتاب های فروغ مسجد شماره ۱-۷، جلد چهارم

تهیه و تنظیم: مرکز رسیدگی به امور مساجد
انتشار: چاپ دوم ،پاییز ۱۳۹۷

مدیر هنری: محسن هادی

نشانی: تهران. خیابان جمهوری اسلامی. خیابان دانشگاه جنوبی.
نبش کوچه عطارد. پلاک ۵.
کد پستی:۱۳۱۶۷۱۳۴۹۹
تلفن: ۶۶۴۹۷۰۲۷
www.masjed.ir



فهرست

۱۵ | بررسی تحلیلی نظام تربیتی مسجدمحور
۴۹ | نقش مساجد در شکل گیری هویت دینی کودکان و نوجوانان
۹۱ | نقش خانواده و امام جماعت، در تشویق کودک و نوجوان به نماز جماعت و حضور در مسجد
۱۴۵ | تربیت مسجدی کودک در سیره اهل بیت علیهم‌السلام
۱۷۵ | حکم فقهی آوردن کودکان به مسجد
۲۱۱ | بررسی جاذبه‌ی رفتاری اهالی مسجد در جذب و حفظ کودکان و نوجوانان
۲۵۳ | الزامات نرم افزاری حضور کودکان و نوجوانان در مسجد
۲۹۹ | روش های تعلیم مفاهیم و اموزه های دینی به کودکان و نوجوانان
۳۴۷ | تدوین و تبیین عوامل ارتباطی مسجد و مدرسه:
۳۷۹ | ورزش نوجوانان و جوانان در مساجد باید ها و نباید ها
۴۱۳ | بازی کودکان در مسجد
۴۴۳ | مسجد به مثابه یک رسانه و جایگاه آن در تربیت کودک و نوجوان
۴۷۷ | مسجد مجازی و نقش آن در تربیت دینی کودکان و نوجوانان
۵۱۳ | طرح صالحین، دستاوردها و پیشنهادها


مدیریت مسجد
منابع اصلی

» دیباچه

در طلیعه چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی و بعد از چهار دهه تلاش و مجاهدت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، فکر و کلام رسا و راسخ امام راحل به گوش می رسد که: «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است.»[1]

در تمام این سال‌ها، فعالیت های شایان توجهی در بسیاری از نهادها و سازمان های متولی در حوزه مسجد صورت گرفته است. اما دانش تخصصی مدیریت مسجد و تدوین نظریات و تجربیات مرتبط با آن، در این دوره، امری مغفول و فراموش شده بود که در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی و عطف به فرمایش امام عزیز قدس سره که پیروزی ما برای اداره مسجد است، بر آن شدیم، داشته های خود را در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به تعبیر مقام معظم رهبری، به

۱ : ۵۹/۴/۲۰

عنـوان «مرکـز و مرجـع مقبـول، آگاه و نافذالکلمـه ای در امـر مسـاجد[1]» محسـوب می‌شـود، در حـوزه هـای مطالعاتـی، برنامـه‌ای و عملیاتی تجمیع و تدویـن نموده و به محضـر صاحـب نظران، دسـت انـدرکاران و کارگـزاران عرصه مسـجد تقدیـم نماییم. امیـد اسـت ضمـن مطالعه و بهره مندی از ایـن مجموعه، با ارائه نظرات و پیشـنهادات خـود، در تکمیـل هـر چـه بهتر و کیفـی محصولات در حوزه مدیریت مسـجد، سـهیم باشـید. فرامـوش نکنیم «چنانچه مسـاجد کیفیت شایسـته خود را بیابـد، هزینه های مادی و معنوی بسـیاری از دوش جامعه، مردم و مسـئولان برداشـته خواهد شـد[2]».

مرکز رسیدگی به امور مساجد

۱ : ابلاغیه ی رهبر معظم انقلاب به آیت الله مهدوی کنی برای تاسیس مرکز
۲ : رهبرمعظم انقلاب ۱۳۹۰/۷/۱۹

فروغ مسجد

برگزیده مقالات کتاب های فروغ مسجد شماره ۱-۷،

جلد چهارم

» مقدمه

«آن‌قدر آدم سازی و پرورش انسان‌های والا و با ایمان مهم است که اگر یک روحانی همت خود را صرف کند و در طول زمان بتواند تعدادی انسان مناسب و استوار بسازد کار بزرگی را انجام داده است.»

پرورش و تربیت انسان‌ها کار مقدسِ عظیمی است، تا آنجا که خداوند بزرگ وظیفه اصلی همه پیامبران علیهم‌السلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام را تعلیم و راهنمایی انسان‌ها می‌داند. اهمیت این مسئله زمانی روشن‌تر می‌شود که خداوند خود را نیز معلّم و ربّ انسان‌ها معرفی می‌کند.

مقام ربوبیت بندگان ذاتاً متعلق به خداوند متعال بوده و تنها ربّ واقعی اوست. وظیفه پرورش انسان‌ها توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه معصومین علیهم‌السلام در طول مقام ربوبیت الهی است که از طرف خداوند بر عهده ایشان گذارده و تفویض شده است. چنانچه می‌بینیم این وظیفه بعد از ائمه معصومین علیهم‌السلام به عهده علمای امت اسلام گزارده شده و همواره بزرگان دینی ما از صدر اسلام تاکنون به این مهم توجه ویژه داشتند. نقل است از مرحوم آیت الله خوشوقت پرسیدند چرا کتاب نمی‌نویسید و مکتوبات ندارید، ایشان اظهار می‌دارند: من آدم نویسی را

مهم‌تر می‌دانم. نوشتن کتاب خوب است و برکت دارد اما خیلی از کتاب‌ها خوانده نمی‌شوند و خاک می‌خورند؛ در حالی که اگر آدم‌ها تربیت شدند نه تنها خیانت نمی‌کنند بلکه خدمت‌های فراوانی می‌کنند و استاد نیز در همه آنها شریک است. اینها همه نشان از اهمیت و جایگاه ویژه تربیت انسان‌ها در چهارچوب نظام معرفتی اسلامی است.

از طرفی، باید توجه داشت که تعلیم و تربیت چنانچه در اسلام نیز به آن اشاره شده سن مشخصی ندارد و انسان در تمام طول زندگی می‌تواند همواره در حال تعلیم و تربیت باشد؛ لیکن میزان تأثیرپذیری در سنین مختلف متفاوت است و همه روانشناسان اسلامی و غیراسلامی بر این مهم تأکید دارند که در دوران کودکی و نوجوانی، روح و روان انسان، شکل اصلی خود را پیدا می‌کند و شخصیّت کودک و نوجوان در این دوران همانند موم نرم قابل شکل دادن است. لذا این قابلیت را در این برهه باید غنیمت شمرد تا بتوان انسانی در طراز اسلامی آن پرورش داد. از آنجا که وظیفه تربیت و تعلیم به عهده عالمان دین می‌باشد شاید سخن گزافی نباشد اگر بگوییم بهترین و مقدس‌ترین مکان برای تربیت کودک و نوجوان مسجد است. تجربه تاریخی صدر اسلام تاکنون نیز به همین مهم اشاره دارد که همواره از ابتدای بعثت پیامبر تاکنون انسان‌های پاک، باتقوا و تأثیرگذار در دین و در جهت تعالی پرچم اسلام، در مسجد پرورش یافته و رشد نموده‌اند. چه اینکه محل پرورش انسان‌ها در زمان رسول خدا ﷺ مسجد بود و اساساً مسجد مبنای هر حرکت آموزشی و تربیتی بوده است. در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نیز، با اندک تأمل در سیره بانیان و پیشتازان آن درمی‌یابیم که همه پرورش یافته مساجد بودند و شهدای گرانقدر انقلاب نیز از خانه خدا مسیر عروج به ملکوت را آغاز کردند.

مرکز رسیدگی به امور مساجد با عنایت به این موضوع پر اهمیت و البته با علم به تلاش همه جانبه نظام سلطه و دشمنان قسم خورده در به انحراف کشاندن نسل آینده فرزندان انقلاب، سال ۱۳۹۳ را سال مسجد و کودک و نوجوان نام‌گذاری نموده و در تلاش است با مجموعه‌ای از برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی،

متولیـان و اثرگـذاران و دغدغه‌منـدان حـوزه تربیـت را بـه اهمیـت و حساسـیت ایـن موضـوع رهنمـون سـازد. امیـد اسـت مسـاجد، ایـن خانه‌های امیـد همچون گذشـته مهـد تربیـت و اعتـلاء فرهیختگان و آینده‌سـازان فردای روشـن ایران و جهان اسـلام باشـند و خادمـان و خدمت‌گـزاران مسـاجد بیـش از پیـش در ایـن راه قـدم بردارند.
این مجموعه نیز حاصل تلاش جمعی از پژوهشـگران و اندیشـمندان حوزه و دانشـگاه اسـت کـه بـا هـدف ارائـه تحلیل هـا و راهکارهـای علمی و عملـی برای جذب و رشـد و پـرورش همـه جانبه شـخصیّت کـودکان و نوجوانان، به رشـته تحریر درآمده اسـت.
ضمـن سـپاس از نویسـندگان خـوش ذوق و دغدغه‌منـد و همکاران گرانقـدر در دفتر مطالعـات و پژوهش‌هـا، امیدواریـم ایـن اثـر، در نـگاه شـما گرامیـان بـه ویـژه ائمـه جمعـه و جماعـات مقبـول افتـاده و پیشـنهادات و نظـرات ارزشـمند خویـش را از خادمـان خویـش در معاونـت فرهنگـی اجتماعـی مرکـز دریـغ نفرماییـد.

بررسی تحلیلی نظام تربیتی مسجدمحور

اکرم حسینی مجرد[1]

چکیده

مسجد به عنوان یک نهاد اجتماعی مؤثر در جامعه اسلامی، اهداف، اصول و روش‌های معینی دارد. در صورتی که ارکان نظام تربیتی، با ارکان نهاد مسجد منطبق باشد، آن را نظام تربیتی مسجدمحور می‌نامیم. بر اساس آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام هدف بنیادی مسجد، ارتباط و اتّصال با خداوند عالم است. اهداف دیگر مسجد، اهداف واسطی هستند و مسجد نقش واسطه را در نیل انسان به آنها دارد. هدایت، طهارت و قرب از جمله اهداف واسطی هستند. اصول حاکم بر مسجد نیز صبغه تربیتی دارند و مبتنی بر هر یک از آنها، تعدادی روش تربیتی تعریف می‌شو د. ۱- اصل عبادت و معنویت: روش‌های بهره‌گیری از فرصت

[1] ۱.دانشجوی دکترای الهیات دانشگاه الامام الاوزاعی بیروت
Email: Ahoseini56@gmail.com.

حضـور، پرهیـز از لغـو و روش طهـارت. ۲- اصـل اجتماع و جماعـت: روش‌های رعایت حـال ضعیفـان، نظـم، رعایـت آداب معاشـرت. ۳- اصـل امام‌محوری: روش‌هـای دقّت در انتخـاب امـام اصلـح، شـناخت و رعایـت حـقّ امـام، تبعیّـت کامـل از امـام، رعایت سلسـله مراتـب در صـف نمـاز. ۴- اصل عدالـت: روش تقـوا و ادای حقـوق دیگران. بر اسـاس ایـن اصـول و روش‌هـای تربیتـی، فضای مسـجد، فضایـی جذّاب بـرای حضور کـودکان و نوجوانـان آمـاده و کارآمـد بـرای تربیـت همه‌جانبـه آنان خواهـد بود.

واژگان کلیدی:
تربیت، مسجد، اصول تربیتی، روش‌های تربیتی، نظام تربیتی مسجدمحور.

» مقدمه

تربیت یکی از علوم کاربردی است و براساس چارچوب و تعاریف نظری که پشتوانه آن است، قرار است به صحنه عمل وارد شود. از هر زاویه که به موضوع خود نگاه کند و طبق همان اهدافی که، چشم‌انداز خود ساخته، به همان صورت عمل می‌کند. وقتی سخن از نظام تربیتی به میان می‌آید، انتظار می‌رود مطابق واژه «نظام» (سیستم)، اجزائی برای آن تعریف شود و نقطه ورود و خروج تعیین گردد. در حقیقت هر نظام تربیتی حدّاقل نیازمند تعریف سه رکن خویش است: اهداف تربیتی، اصول تربیتی و روش‌های تربیتی.

پیش از آن، نظام تربیتی باید نوع نگاه خود را به مقوله تربیت، روشن سازد. نحله‌ها و مکاتب تربیتی هیچ‌گاه خود را فارغ از چارچوب های بنیادین و اصول نظری معرفی نمی‌کنند. حتّی مکتب‌هایی چون رفتارگرایی، که بر رفتار تأکید می‌کنند و اهداف کلّی و آرمانی را چندان قابل مطالعه و تحقیق نمی‌دانند نیز، هرگز ادّعایی در شکستن حصر قواعد و اصول کلّی حاکم بر رفتار ندارند؛ چرا که پذیرش همین قواعد و اصول کلی سبب امتیاز و تشخیص مکاتب تربیتی و جدایی آنها از یکدیگر می‌شود. آنچه همه، بر سر آن اتفاق نظر دارند داشتن هدف و روش‌های متناسب با آن است. انتخاب هدف‌های تربیتی در نوع انسان‌شناسی مختلف ریشه دارد و هدف‌ها، تعیین کننده نوع روش‌های تربیتی هستند. (مشایخی راد، ۱۳۸۱، ص۵۰ تا ۸۰) نگاه متفکّرین مسلمان به تربیت چنین است: «تربیت با صنعت فرق دارد. با توجه به همین تفاوت، انسان می‌تواند جهت تربیت را بشناسد. صنعت، «ساختن» است به این معنی که شیء، یا اشیاء را تحت نوعی پیراستن و آراستن قرار می‌دهند؛ میان اشیاء و قوای آنها ارتباط برقرار می‌کنند. قطع و وصل‌هایی در جهت مطلوب انسان صورت می‌گیرد و آن گاه این شیء می‌شود مصنوعی از مصنوع‌های انسان. فرض کنید که از گل یک حلقه انگشتر یا یک زیور دیگری می‌سازیم، آن را شکل می‌دهیم یا به قول معروف پرداخت می‌کنیم؛ وضع مخصوصی به آن می‌دهیم و می‌شود یک مصنوع برای ما، ولی تربیت، پرورش دادن است؛ یعنی استعدادهای درونی را

کـه بالقـوه در یـک شـیء موجود اسـت بـه فعلیّـت در آوردن و پـروردن، لهـذا تربیت فقـط در مـورد جاندارهـا یعنـی گیـاه و حیـوان و انسـان صـادق اسـت و از همین‌جـا معلـوم می‌شـود کـه تربیـت بایـد تابـع و پیـرو فطـرت، یعنـی تابـع و پیـرو طبیعت و سرشـت شـیء باشـد. اگر بنا باشـد یک شـیء شـکوفا بشـود، باید کوشـش کرد همان اسـتعدادهایی کـه در آن هسـت بـروز و ظهـور بکند. اما اگر اسـتعدادی در یک شـیء نیسـت، بدیهـی اسـت آن چیـزی که نیسـت و وجـود نـدارد، نمی‌شـود آن را پرورش داد. (مطهـری، بی‌تـا، ج۲۲، ص: ۵۵۲)

حـال سـؤال این اسـت کـه در این فرآیندِ پرورش و شکوفاسـازی اسـتعدادها، مسـجد بـه عنـوان یـک نهـاد دینـی- اجتماعی چـه نقشـی می‌تواند ایفـا کند؟ اگر یـک نظام تربیتـی بخواهـد بـا محوریّت مسـجد تعریف شـود، چینش ارکان اصلی خـود (اهداف، اصـول، روش‌هـا) را چگونه قـرار دهد؟

مقالـه حاضـر کوشـش می‌کنـد تـا بـا نـگاه تـازه‌ای به نهـاد مسـجد، به سـؤالات فوق پاسـخ دهـد. در ایـن نـگاه تـازه، مسـجد نهـادی اسـت کـه اهـداف خاصّـی را دنبـال می‌کنـد و بـرای تحقّـق آنهـا، اصـول و روش‌هـای خـاصّ خـود را دارد. امـا از آنجا که مخاطبِ مسـجد «انسـان» اسـت؛ همه آن‌چه گفته شـد «از اهداف واصول و روش‌ها» ناظـر بـه پـرورش و تربیت انسـانی اسـت. بنابرایـن نظام تربیتـی مسـجدمحور، ارکان خـود را بـا ارکان مسـجد تطبیـق می‌دهد.

بـرای شـناخت ارکان و اصـول مسـجد، مبنـا را آیـات قـرآن و روایـات اهـل بیـت علیهم‌السلام قـرار دادیـم و بـر اسـاس آنها، چهارچـوب نظام مسـجد و نظام تربیتی مسـجدمحور را اسـتخراج نمودیـم. همیـن مسـئله، نـوآوری و نقطـه امتیاز این نوشـتار اسـت.

» الف) معنای محوریّت مسجد در نظام تربیتی

معنـای محوریّـت مسـجد در تربیـت یا یک نظـام تربیتی را، بر اسـاس این‌که مسـجد در کـدام عرصـه و کـدام رکـن از ارکان نظـام تربیتـی دخیـل باشـد و محـوری دیـده شـود، می‌تـوان از چنـد جهـت لحـاظ کرد:

۱. نظـام تربیتـی مـا همـان اهدافـی را دنبـال نماید که نهاد مسـجد، در پی آنهاسـت. در واقـع تقـدس و نـگاه الهـی مسـجد را، در تربیت مدّنظر قـرار دهیم.

۲. نظـام تربیتـی مسـجدمحور، در معنـای دوم، می‌توانـد بـه نظامـی تربیتـی اطـلاق شـود کـه اصـول خـود را برگرد اصول مسـجد چینـش کرده اسـت. به عبارتـی قواعد و دسـتورالعمل‌های کلّـی آن بـا محـور اصول و ارکان اساسـی مسـجد صادر می‌شـود.

۳. وجـه سـوم از معانـیِ محـور بودن مسـجد در تربیت، این اسـت که نظـام تربیتی، از همـه روش‌هـا و دسـتورالعمل‌های جزئی مسـجد در حیطه‌های مختلـف، برای تحقق اهـداف تربیتـی خـود، بهـره می‌گیـرد. پـس نظـام تربیتـی مسـجدمحور بـه معنـای سـوم، نظامـی اسـت کـه روش‌های مسـجدی، در محوریّـت روش‌های آن قـرار دارد.

۴. وجـه چهـارم، بـا نگاهـی حداکثـری، جمـع همـه مـوارد پیشـین اسـت. در وجـوه سـه گانـه‌ای کـه ذکر شـد، بـه حضـور حدّاقلی مسـجد یا بـه تعبیـری کمتریـن بهره تربیتـی از ارکان مسـجد در نظـام تربیتـی بسـنده شـده بود. بـه گونه‌ای که یـا تطابق در اهـداف، یـا تطابـق در اصـول و یـا تطابـق در روش، کافی بـود تا یک نظـام تربیتی را نظـام تربیتـی مسـجدمحور بنامیم.

امـا معنایـی کـه نوشـتار حاضر بـرای تعریف نظـام تربیتی مسـجدمحور درنظـر دارد، محوریّـت در یـک یـا دو عرصـه را کافـی نمی‌داند. در ایـن معنا لازم اسـت که در همه ارکان نظـام تربیتـی «اهـداف، اصـول و روش‌هـا» تناظـر و تطابق با ارکان مسـجد به وجـود آید.

» ب) شناخت نهاد مسجد

برای استنباط این معنا که تربیت مسجدمحور چیست و چه تمایزی با دیگر نظام‌های تربیتی دارد، شناخت دقیق نهاد مسجد ضروری است. مسجد را نباید تنها ساختمانی پنداشت که با ندای اذان، مسلمانان را برای ادای فریضه نمازهای پنج‌گانه در خود جمع می‌کند و نقشی جز یک ظرف مکانی ندارد؛ مسجد صرف‌نظر از بنای ظاهری -که البته همین بنای ظاهری از جنبه‌های دیگر موضوعیت و اهمیّت دارد- یک نهاد اثرگذار و تعیین کننده اجتماعی در جامعه اسلامی است.

نهادِ مسجد، تعاملی دوسویه با مخاطبان خود دارد به این معنا که مخاطبان مسجد -که در عرف به جهت آن‌که کارکرد اول و مهم مسجد نماز است، «نمازگزاران» خوانده می‌شوند- علاوه بر تأثیرات مثبتِ عمیق و ماندگاری که از حضور مستمر در مسجد می‌گیرند، و یا آثاری منفی که به دلیل بی‌اعتنایی به مسجد وترک حضور در آن خواهند دید، می‌توانند در کارکردهای مختلف نهاد مسجد به صورت مثبت و منفی نقش ایفا کنند.

رسول گرامی اسلام ﷺ برای کمترین ارتباط با مسجد یعنی تنها، نشستن در مسجد چنین آثاری را برای مؤمنان پیش‌بینی فرمودند: «ای ابوذر! تا زمانی که در مسجد نشسته‌ای خداوند متعال به تعداد هر نفسی که می‌کشی، یک درجه در بهشت به تو می‌دهد و فرشتگان بر تو درود می‌فرستند و برای هر نفسی که در مسجد می‌کشی ده حسنه برایت نوشته می‌شود و ده گناه از تو پاک می‌گردد.»[1](مجلسی، ۷۷ / ۸۵ / ۳)

همسایه مسجد بودن و به راحتی از کنار آن گذشتن، ممکن است برای اعضای جامعه اسلامی گران تمام شود. این یکی از نقاطی است که اثبات می‌کند مسجد یک موجود زنده و اثرگذار است، نه ساختمانی آجری یا سنگی؛ چرا که شکایت او از همسایگانِ بی‌اعتنا، از سوی پروردگار چنین پاسخی دارد: از امام صادق علیه‌السلام

[1] - یا أبا ذَرٍّ، إنّ اللهَ تعالی یُعطیکَ ما دُمتَ جالسا فی المَسجدِ بِکُلِّ نَفَسٍ تَنَفَّستَ دَرَجةً فی الجَنَّةِ، و تُصَلّی علَیکَ الملائکةُ، و تُکتَبُ لَکَ بِکُلِّ نَفَسٍ تَنَفَّستَ فیهِ عَشرُ حَسَناتٍ، و تُمحی عنکَ عَشرُ سَیّئاتٍ.

روایت است: «مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خداوند متعال شکایت کردند. خداوند عزّ و جلّ به آنها وحی فرمود: به عزّت و جلالم سوگند که حتی یک نماز از آنان نپذیرم و عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم و رحمت من به آنان نرسد و در بهشت، همسایه من نشوند.»[1](مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۸۵، ح ۷۷)

روشن است تأثیر منفی که با بیان روایت فوق به عنوان نمونه‌ای از آثار تعامل با مسجد ذکر شد، نتیجه عملکرد خود افراد است و تأثیری است که خودشان با بی‌اعتنایی یا غفلت و عدم حضور در مسجد بر زندگی خود می‌گذارند.

اما در این سوی ارتباط، یعنی نقشی که مخاطبان مسجد می‌توانند ایفا کنند: یکی از نقش‌هایی که در منابع اسلامی بیان شده، عمارت و آباد کردن مساجد است. «إِنَّما یَعْمُرُ مَساجِدَ اللهِ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الیَومِ الْآخِرِ وَ أَقامَ الصَّلاَةَ وَ آتَی الزَّکاةَ وَ لَمْ یَخْشَ إِلاَّ اللهَ فَعَسَی أُولئِکَ أَنْ یَکُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِینَ »(توبه / ۱۸) (جز این نیست که مساجد خدا را آن کس آباد می‌کند که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد و نماز بگزارد و زکات بپردازد و جز از خدا نترسد. امید است که اینان از رهیافتگان باشند.)

«پیامبر اسلام ﷺ در پاسخ به سؤال ابوذر از چگونگی آباد کردن مساجد فرمود: [به این گونه که] در آنها صداها بلند نشود، به سخنان و کارهای نادرست و بیهوده پرداخته نشود، در آنها خرید و فروش صورت نگیرد و تا زمانی که در مسجد هستی از کارهای لغو و بیهوده دست بکش. اگر چنین نکنی در روز قیامت نباید کسی جز خودت را ملامت کنی.»[2](مجلسی، ۱۴۰۳ق،ج ۲، ص ۳۷۴، ح ۳۶۶۱)

آن‌گونه که آیه شریفه فوق اشاره می‌کند، آبادکردن مساجد تنها از کسانی برمی‌آید که چهار ویژگی داشته باشند: ایمان به خدا (مبدأ)، ایمان به روز واپسین (معاد)، برپایی نماز، پرداخت زکات.

---

[1] - «شَکَتِ المَساجِدُ إلی الله تعالی الذین لا یَشهَدُونَها مِن جیرانِها، فَأوحَی اللهُ عزّ و جلّ إلَیها: و عِزَّتی و جلالی لا قَبِلتُ لَهُم صلاةً واحِدَةً، وَ لا أظهَرتُ لَهُم فی الناس عَدالَةً، و لا نالَتهُم رَحمَتی، و لا جاوَرُونی فی جَنَّتی.»

[2] - «و قد سَأَلَهُ أبو ذَرٍّ عن کَیفیّهِ عِمارَهِ المَساجِدِ ـ لا تُرفَعُ فیها الأصواتُ، و لا یُخاضُ فیها بالباطِلِ، و لا یُشتَری فیها و لا یُباعُ، و اترُکِ اللَّغوَ ما دُمتَ فیها، فإن لَم تَفعَل فلا تَلُومَنَّ یَومَ القِیامَهِ إلاّ نَفسَکَ.

» ج) اهداف مسجد؛ اهداف تربیتی

۱. پرستش و ارتباط با خدا

هدف بنیادی مسجد، ارتباط و اتصال با خداوند عالم است و مهم‌ترین رکن مسجد یعنی نماز، در راستای این هدف بنا شده است.

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده‌است: «هرگاه به در مسجد رسیدی بدان که تو به آستانِ خانه پادشاهی بزرگ و پر شکوه آمده‌ای، که جز پاکان بر بساط او قدم نگذارند و اجازه نشستن در مجلس او، جز به صدّیقان داده نشود...تو برای پرستش و همدمی با او آمده‌ای.»[۱](مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۳۷۳، ح ۸۳)

بر اساس فرمایش حضرت صادق علیه‌السلام هدف از حضور در مسجد، عبادت، و مؤانست با خدای متعال است.

پس اگر نظام تربیتی، بر مبنای انسان‌شناسی اسلامی و قرآنی، نقطه نهایی سیر تربیتی را برای انسان، لقاء حضرت حق قرار دهد، در حقیقت هدف نهاد مسجد را، درمحوریّت اهداف خود قرار داده؛ و این می‌تواند اولین وجه از مفهوم محوریّت مسجد در نظام تربیتی باشد. این هدف، با هدفی که قرآن کریم از خلقت انسان بیان می‌کند، مطابقت کامل دارد: «و من جن وانس را نیافریدم مگر برای این‌که مرا (به یکتایی) پرستش کنند.»[۲] امّا عبادت چیست؟ «ظاهر عبادت، به انجام پاره‌ای از اعمال ظاهری (مانند رکوع، سجده، طواف و...) اشاره دارد. اما حقیقت عبادت، عبارت از آن است که انسان خود را در برابر رب خویش، در مقام مملوکیت و مربوبیت قرار دهد. پس حقیقت عبادت، عبودیّت است. پس به یک معنی می‌توان گفت که هدف خلقت، عبودیّت است نه عبادت؛ و هدف تربیت، ساختن «عبد» است نه «عابد». زیرا می‌توان عابد بود و عبد نبود؛ چنان‌که شیطان، شش هزار سال عبادت نمود اما تنها عابد بود نه عبد.»(باقری، ۱۳۸۵، ص ۵۵)

نکته‌ای لازم به توضیح است؛ و آن اینکه پرستش و عبودیت که به عنوان یکی

---

۱ - «إذا بَلَغتَ بابَ المَسجِدِ فاعلَم أنّکَ قَصَدتَ بابَ بیتِ مَلِکٍ عَظیمٍ لا یَطَأُ بِساطَهُ إلاّ المُطَهَّرُونَ و لا یُؤذَنُ بمُجالَسَهِ مَجلِسِهِ إلاّ الصدِّیقُونَ...فإنّکَ قَد تَوَجَّهتَ للعِبادَهِ لَهُ، و المُؤانَسَهِ...»

۲ - «و ما خلقت الجن و الإنس إلا لیعبدون» ذاریات: ۵۶

از اهـداف بنـا نمـودن نهـاد مسـجد از آن یـاد کردیـم، یکـی از اصـول مسـجد نیـز هسـت کـه در قسـمت اصـول مسـجد، از زاویـه‌ای دیگـر بـه آن خواهیـم پرداخـت. یعنـی انجـام عبـادات (ذکـر، نماز، تـلاوت قـرآن، و حتـی پرداختن به مسـائل علمی) بـه عنـوان دسـتورالعمل‌های کلـی (اصـول) در ارتبـاط بـا مسـجد، از سـوی شـارع مقـدس، امـر شـده اسـت. پـس تکـرار عبـادت در دو بخـش اهـداف و اصول مسـجد، آگاهانـه و بـا توجـه بـه دو نوع نگاه اسـت. پرسـتش و ارتبـاط و همدمی بـا خالق عالم (بنابرفرمایـش معصـوم(ع)) از طرفـی یکـی از مهم‌تریـن اهداف بنای مسـجد وحضور در مسـجد اسـت، و از سـوی دیگـر، یـک اصل و دسـتور اسـت.

۲) اهداف واسطی مسجد

ذیـل ایـن عنـوان، می‌خواهیـم بـه اهدافـی اشـاره کنیـم، کـه نهـاد مسـجد واسـطه می‌شـود تـا انسـان مؤمـن بـه آنهـا نائـل شـود. در حقیقـت هماننـد انجـام عبـادت و پرسـتش نیسـتند کـه مسـجد بـه طور مسـتقیم به قصـد انجام آن کار سـاخته شـده باشـد؛ بلکـه اهدافی هسـتند کـه به گونه‌ای غیر مسـتقیم و به واسـطه همـان عبادت و عبودیـت، انسـان بـه آنهـا می‌رسـد؛ و در ایـن میـان، نهـاد مسـجد، نقـش واسـطیِ پررنـگ و مهمـی دارد، و نیـل بـه این اهداف را آسـان‌تر و سـریع‌تر می‌کنـد. به همین سـبب آنهـا را اهـداف واسـطی مسـجد نامیدیم.

۲-۱. هدایت و رشد

خداونـد خلقـت را بـا هدایـت همـراه نمـود؛ «ربنـا الـذی اعطـی کل شـیء خلقـه ثم هـدی» (طـه/ ۵۰)در رابطـه بـا انسـان، هدایـت در دو مرحلـه انجـام می‌پذیـرد. در نخسـتین مرحلـه، هدایـت بـه معنـی نمـودن راه اسـت. ایـن هدایـت شـامل هدایـت رسـولان و نیـز هدایت فطـری خواهدبود، زیرا در هر دو «نمـودن» راه انجام می‌پذیرد. در نـوع دیگـر از هدایـت، تنهـا نمـودن راه در نظر نیسـت، بلکه «پیمـودن» آن مطمع نظـر اسـت. هـادی در ایـن معنـی، کسـی نیسـت کـه راه را نشـان دهـد؛ بلکه کسـی اسـت کـه راه را بـرود و هدایـت شـونده را به دنبال خـود ببرد. (ایصال الـی المطلوب)

هدایـت، گاه در قـرآن بـا واژه «رشـد» بیـان می‌شـود. «رشـد» در فرهنـگ قـرآن بـه معنـای توسـعه یـا نمـوّ بـه کار نرفتـه، بلکـه بـه مفهـوم هدایـت اسـتعمال شـده اسـت. راغـب اصفهانـی در مفردات می‌گوید: «الرَّشَـدُ و الرُّشْـدُ: خلاف الغیّ، یسـتعمل اسـتعمال الهدایه»(راغـب اصفهانی، ۲۱۴۱ق، ص ۴۵۳) پس معنـای مقابل آن «غیّ» بـه معنای گمراهـی اسـت.(باقری، ۱۳۸۵، ص ۵۵)

در تربیـت مسـجدمحور، هـر دو نـوع هدایت محقق می‌شـود و متربی پس از شـناخت راه، بـا هدایت‌گـری مسـجد، راه را نیز طـی می‌کند.

۲-۲. طهارت و حیات طیّبه

در اسـلام کلیـه معـارف و اصـول اخلاقـی و احکام، به مسـئله طهارت و نجاسـت ناظر هسـتند.اصل توحید، طهارت کبری معرفی شـده و مشـرک کسـی اسـت که طهارت وجـودی خـود را از دسـت داده اسـت. طهـارت بـه ایـن معنـای وسـیع، کـه شـامل اعتقـادات و اخـلاق واعمـال می‌گـردد، یـک هـدف غایی در تربیت اسـلامی اسـت. از ایـن هـدف بـا عنـوان حیـات طیّبـه نیز یـاد شـده اسـت. (همان) «مـن عمـل صالحاً مـن ذکـرٍ او أنثـی و هـو مؤمـنٌ فلنحیینهُ حیـاه طیبه»(نحـل / ۹۷) آیه بـر این دلالت دارد کـه خـدای تعالـی مؤمنـی را کـه عمـل صالـح کنـد، به حیـات جدیـدی غیر آن حیاتـی کـه به دیگـران نیـز داده، زنده می‌کنـد. این حیـات، حیاتی اسـت خالص، که خباثتـی در آن نیسـت کـه فاسـدش کنـد یا آثـارش را تباه سـازد. (طباطبایـی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۴۹۳)

طهـارت نیز مفهومی اسـت که عـلاوه بر جنبه هـدف بودن، یکی از دسـتورالعمل‌های جزئـی نیز محسـوب می‌شـود. لذا در بخشـی دیگر تحـت عنوان یکـی از روش‌ها بدان می‌پردازیم.

۲-۳. قرب الهی

خـدای متعـال بـه همـه بنـدگان خود نزدیـک اسـت؛ آن هم نهایـت قـرب و نزدیکی:

«مـا انسـان را آفریدیـم...و مـا بـه او از رگ گـردن نزدیک‌تریـم.»[1] پـس دور بـودن و نزدیـک شـدن بـرای او معنـا نـدارد؛ اما این بندگان هسـتند کـه به فراخور حالشـان و بـه نسـبت تلاششـان، به خالـق خویش تقـرب می‌جویند. «قـرب الهی» برای انسـان، یـک هـدف عالـی اسـت. زندگـی بنـده، بـا تـلاش بـرای هرچـه نزدیک‌تـر شـدن بـه معبـودش معنـا پیـدا می‌کنـد و اگـر چنیـن تـلاش و چنین مقصـدی نباشـد، زندگی شـبیه مـرگ می‌شـود. امـام علـی(ع) در بخشـی از دعایـی کـه آن را به نـوف بکالی تعلیـم نمـود، فرمـود: «خدایـا! کسـی کـه ولع یاد تـو، او را به خود مشـغول نسـازد و بـه جـوار قـرب تو رخت سـفر برنبنـدد، زندگیـش برای او مـرگ اسـت و مرگش مایه حسـرت او.»[2](مجلسـی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۹۵، ح ۱۹۴)

امـا نیـل بـه ایـن هـدف چگونه بـرای انسـان حاصل می‌شـود؟ یکـی از راه‌هـا، انس با سـجده اسـت. امـام صـادق(ع) فرمـود: «بـه خـدا قسـم زیانـکار نباشـد هر کـه حتّی در تمـام عمـر یـک بـار حقیقت سـجده را بـه جـای آورد، و رسـتگار نباشـد هرکه در چنیـن حالتـی (سـجده) با پـروردگارش خلـوت کند، اما چونان کسـی باشـد که خود را می‌فریبـد و از خوشـی دنیـا و آسـایش آخـرت کـه خداوند بـرای سـجده کنندگان آمـاده کـرده غافـل و بی‌خبر اسـت. کسـی که در سـجود، به خدا خوب تقرّب جسـت، هرگـز از او دور نشـد و هرکـه بـه سـاحت خدا بی‌ادبی کـرد و حرمت او را نگه نداشـت و در حـال سـجودش بـه جـز او دل بسـت، هرگـز به خـدا نزدیک نشـد. پـس، چونان کسـی سـجده کـن کـه در برابـر خـدا خاکسـار و ذلیـل اسـت و می‌داند کـه از خاکی آفریـده شـده، کـه مردمـان آن را پایمـال می‌کننـد و تـو را از نطفـه ای بـر آورده، که همگان آن را نجس می‌دانند و از نیسـتی، هسـت شـده اسـت. خداوند معنای سـجود را وسـیله تقـرّب دل و درون و روح [بنـده] بـه خـود قرار داده اسـت. پـس هرکه به او نزدیـک شـود، از غیـر او دور گـردد. مگـر نمی‌بینی کـه در ظاهر نیز حالت سـجده جز بـا کنـار گذاشـتن همه چیز و چشـم پوشـیدن از هـر آنچه دیـدگان می‌بیننـد تحقّق نمی‌یابـد. خـدا باطـن کار را نیـز چنین خواسـته اسـت.» (مجلسـی، ۱۴۰۳ق،ج ۱۶ع

---

[1] -«و نحن اقرب الیه من حبل الورید» ق: ۱۶

[2] - إلهی إنّهُ مَن لَم یَشغَلهُ الوُلوعُ بِذِکرِکَ، و لَم یَزوِهِ السَّفَرُ بِقُربِکَ کانت حیاتُهُ علَیهِ میتهً، و مِیتتُهُ علیهِ حَسرَهً.

ص ۱۳۶، ج ۸۵)

راه دیگـری را نیـز پیامبـر گرامـی اسـلام ﷺ درحدیثـی معرفـی فرمود: فـردی به نام مجاشـع عـرض کـرد: ای رسـول خـدا! راه نزدیـک شـدن بـه حـق چیسـت؟ حضرت فرمـود: دور شـدن از نفْس.[1](مجلسـی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۷۲، ج ۷)

از فرمایـش امیـر مؤمنـان حضـرت علـی ؑ نیـز راه دیگـری بـرای تقرب جسـتن به حضـرت حق فهمیده می‌شـود: «پرهیزگاری، در زمان حیاتـت مایه عصمت ونگهداری تـو [از گنـاه] اسـت وبعـد از مـرگ موجـب قـرب منزلـت تـو می‌شـود.»[2](محمدی ری‌شـهری، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۴۱۹)

[1] - « فقالَ: یا رَسولَ الله ، فکَیفَ الطَّریقُ إلی قُربِ الحَقِّ ؟ قالَ: التَّباعُدُ مِنَ النَّفسِ»

[2] -: «إنَّ التَّقوی عِصمَةٌ لَکَ فی حَیاتِکَ، و زُلفی لَکَ بَعدَ مَماتِکَ.»

» د) اصول حاکم بر نهاد مسجد؛ اصول تربیتی

هرجا سخن از اصل و اصول به میان می‌آید، معنای پایه و اساس به ذهن متبادر می‌شود. اما کاربردهای وسیعی که این واژه در علوم و فنون مختلف دارد، ایجاب می‌کند که در هر مبحث، منظور دقیق از «اصل» روشن شود تا تفاوت‌های ظریف معنایی، سبب اختلاط و اشتباه نشود. مثلاً هنگامی که در حیطه علوم تجربی از اصول فیزیک یا اصول روان‌شناسی سخن می‌گوییم، نظر به مجموعه یافته‌هایی از این علوم داریم که به منزله قانون‌مندی‌های شناخته شده در باب موجودات مورد مطالعه، در نظر گرفته شده‌اند. در علوم کاربردی مانند علوم تربیتی نیز متناسب با ویژگی این علوم، اصل، معنای معینی خواهد داشت. ویژگی بارز علوم کاربردی در این است که این علوم، در پی ایجاد تغییرات مطلوب در عرصه‌های مختلف، وبدست آوردن قواعد کلی برای تعیین و هدایت تغییرات مورد نظر هستند. پس معنای «اصل» در علوم کاربردی، قاعده عامه ای خواهد بود که می‌توان آن را به منزله دستورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل استفاده کرد. اما رابطه اصول و روش‌های تربیتی؛ اصول و روش‌ها از یک سنخ هستند زیرا هر دو دستورالعمل هستند با این تفاوت که اصول، دستورالعمل‌های کلی، و روش‌ها، دستورالعمل‌های جزئی‌تر هستند. روش‌ها بر اصول مبتنی هستند بنابراین روش‌ها را بر اساس همان اصولی که در دامنه آنها قرار گرفته‌اند، به صورت زیرمجموعه هر اصل، دسته‌بندی می‌کنیم. (باقری، ص ۶۶-۶۳)

۱. اصل عبادت و معنویت

« مسجد خانه خداست»؛ این مهم‌ترین تعریفی است که از مسجد ارائه می‌شود و ارتباط مستقیم آن را با عالم ملکوت ثابت می‌کند. قرآن کریم صریحاً مساجد را به خدا نسبت می‌دهد و از آنِ اومی‌داند: «وَ أَنَّ المَساجِدَ لِلّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللهِ أَحَدا»(جن / ۱۸)همانا مساجد(سجده‌گاه‌ها) از آنِ خداست، پس هیچ کس را با خدا مخوانید. پیامبر خدا ﷺ در روایتی فرموده‌اند: «در تورات نوشته شده است

کـه: خانه‌هـای مـن در روی زمین مسـجدهایند. پس، خوشـا بنده ای کـه در خانه‌اش خـود را پاکیـزه کنـد و سـپس در خانـه مـن، بـه دیـدارم بیایـد. بدانیـد! بـر میزبـان اسـت کـه میهمـان را گرامـی دارد. هـان! آنـان را که در تاریکی‌های شـب به مسـاجد می‌رونـد، بشـارت بـادا به نور درخشـان در روز رسـتاخیز.»[1] (مجلسـی، ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص ۳۷۳، ح ۸۳)

پـس براسـاس فرمایـش رسـول اکـرمﷺ مؤمنیـن بـا حضـور در مسـجد بـه ملاقات خـدای سـبحان می‌رونـد و میهمـان او می‌شـوند. اتفاقی کـه در هیچ جایـگاه دیگری در زمیـن رخ نخواهـد داد و مسـجد بـه واسـطه ایـن ویژگـی منحصـر بـه فـرد، بر هر مکانـی ممتـاز اسـت. روایتـی از امـام صـادقؑ نیـز مؤیـد این مطلب اسـت:

«بـر شـما بـاد رفتـن به مسـاجد ؛ زیـرا مسـاجد خانه‌هـای خـدا در روی زمیننـد. هر کـه پـاک و پاکیـزه وارد آنهـا شـود خداونـد او را از گناهانـش پـاک گردانـد و در زمره زائـران خـود قلمـدادش کنـد. پـس، در مسـاجد نمـاز و دعـا بسـیار بگزاریـد.»[2] (ابن بابویـه، ۱۳۷۶، ص۵۸۴، ح ۴۴۰)بنابرایـن معنویـت اصیـل اسـلامی و ارتباط با خدای متعـال، یـک اصل اساسـی در نهاد مسـجد اسـت.

۱-۱. روش بهره‌گیری از فرصت حضور

اهـل مسـجد بایـد از همـه لحظـات حضـور در خانـه خـدا، بیشـترین اسـتفاده و بهره معنـوی را ببرنـد. لـذا پیامبر اکـرمﷺ آنها را به انجام سـه کار ویژه در مسـجد دعوت می‌کنـد.« هر نشسـتنی در مسـجد لغو و بیهوده اسـت، مگر نشسـتن سـه کـس: نماز گـزاری کـه [قـرآن] قرائـت کنـد، کسـی کـه ذکر خـدا بگویـد و کسـی که بـه دنبال دانشـی باشـد.»[3] (مجلسـی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۸۶، ح ۷۷)این نشـان از طلایی بودن همـه لحظـات در مسـجدبودن اسـت. بر اسـاس کلام رسـول خـداﷺ تنهـا کاری که ارتبـاط و اتصـال بـا خالق را محکم کنـد، ارزش انجام دادن در مسـجد دارد. کار علمی

---

[1] - فـی التَّـوراه مَکتـوبٌ أنّ بُیُوتـی فـی الأرض المَسـاجِدُ، فَطُوبـی لِعَبـدٍ تَطَهَّـرَ فـی بَیتِـهِ ثُـمَّ زارَنـی فـی بَیتـی، ألا إنّ علـی المَـزُورِ کَرامَـهَ الزائـرِ، ألاَ بَشِّـرِ المَشّـائینَ فـی الظَلَمـاتِ إلـی المَسـاجِدِ بالنُّـورِ السّـاطِعِ یَـومَ القیامَه.

[2] - «علَیکُـم بإتیـانِ المَسـاجِدِ؛ فإنّهـا بُیـوتُ اللهِ فـی الأرضِ، و مَـن أتاهـا مُتَطَهِّـرا طَهَّـرَهُ اللهُ مِـن ذُنوبِـهِ و کُتِـبَ مِـن زُوّارِهِ فَأکثِـرُوا فیهـا مِـن الصَّـلاه و الدُّعاء»

[3] - کُلُّ جُلوسٍ فی المَسجِدِ لَغوٌ إلاّ ثلاثَهً: قِراءهُ مُصَلٍّ، أو ذِکْرُ اللهِ ، أو سائلٌ عن عِلمٍ.

در کنـار قرائـت قـرآن و ذکر خدا قرار داده شـده و اهمیّت بسـیار آن جـای تأمل دارد.

۱-۲. روش پرهیز از لغو

گـذران وقـت گران‌بهـا بـه سـخنان بیهـوده و بی‌ثمـر، بـا فضـای معنوی مسـجد بلکه در مجمـوع، بـا سـبک زندگـی اسـلامی در تضـاد اسـت. اجتنـاب از کارهـای بی‌فایده و باطـل، دسـتورالعمل دیگـری بـر پایـه اصـل عبـادت و معنویـت مسـجد اسـت. در این‌بـاره حدیثـی از پیامبـر گرامی اسـلام ﷺ نقل شـده که آن را در تفسـیر آبادکردن مسـاجد آوردیـم امـا بـه جهـت آن‌کـه تناسـب زیادی بـا این بحـث دارد، مجـدد ذکر می‌کنیـم. «پیامبـر خـدا ﷺ ـ در پاسـخ بـه سـؤال ابـوذر از چگونگـی آبـاد کـردن مسـاجد ـ فرمـود: [بـه این گونه کـه]در آنها صداها بلند نشـود، به سـخنان و کارهای نادرسـت و بیهـوده پرداختـه نشـود، در آنهـا خرید و فـروش صورت نگیـرد و تا زمانی کـه در مسـجد هسـتی از کارهـای لغو و بیهوده دسـت بکش. اگر چنیـن نکنی در روز قیامـت نبایـد کسـی جز خـودت را ملامت کنـی.» (طبرسـی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۷۴، ج ۲۶۶۱)

۱-۳. روش طهارت

خانـه خـدا بایـد همـواره طاهـر و پـاک باشـد به همیـن سـبب حفظ طهارت مسـجد از دسـتورات اکیـد احـکام اسـلامی اسـت. «اگـر مکلـف ببیند که مسـجدی آلـوده به نجاسـت شـده واجـب اسـت آن‌را ازالـه کنـد و ایـن وظیفـه مخصـوص کـف مسـجد نیسـت بلکـه شـامل همـه اجـزاء آن از زمیـن، دیوارها و سـقفش و حتـی بنابراحتیاط شـامل سـمت بیـرون دیوارهایـش می‌شـود. وجـوب تطهیـر آنچـه گفتـه شـد کفائی اسـت و ایـن تکلیـف اختصـاص بـه کسـی‌که آنهـا را نجـس کـرده نـدارد همچنان‌که ایـن تکلیـف در صـورت امـکان تطهیـر فوری اسـت و اگـر انجام ایـن وظیفـه نیازمند بـه دادن مـال باشـد دادن مـال نیـز واجب اسـت و اگر تطهیر مسـجد مسـتلزم کندن آن و یـا خـراب کـردن مقداری از سـاختمان آن باشـد جائـز و بلکه واجب اسـت و اگر مکلـف نجاسـتی را مثـلاً در مسـجد ببینـد و وقت نمازهم رسـیده باشـد واجب اسـت

قبـل از نمـاز مسـجد را تطهیـر کنـد البتـه ایـن صورتـی اسـت کـه وقت نماز وسـیع باشـد. در مسـاجد فرقـی بیـن آباد و خرابـه و متروکه آنهـا نیسـت».(امام خمینی تقدس سره، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۱۳)

عـلاوه بـر آن، مؤمنـان اهـل مسـجد نیـز بـرای حضور در مسـجد بـه وضـو و طهارت توصیـه شـده‌اند. پیامبـر اکـرم صلی الله علیه و آله فرمـود: «همانـا خداونـد به سـه کس وعـده داده، بـدون حسـاب وارد بهشـت شـوند، و هریـک هشـتاد هـزار نفـر را شـفاعت کننـد: ۱- مـؤذن ۲- امـام جماعـت ۳- کسـی کـه وضـو بگیرد، سـپس به مسـجد رفتـه و نماز را بـه جماعـت بـه بخوانـد.»[1] (نـوری، بی‌تـا، ج ۱، ص ۴۸۸)

بهـا دادن بـه معنویـت و ایجـاد گرایش‌هـای الهـی و قدسـی در نوجوانـان و جوانـان، بهتریـن و مؤثرتریـن ابـزار تربیتـی اسـت کـه می‌توانـد آنها را بـا جذبه‌هـای توحیدی و لذت‌هـای معنـوی، از جاذبه‌هـای پـوچ مـادی و لذت‌هـای زودگـذر منصـرف کنـد. سـه روش ذکـر شـده در اصـل عبـادت و معنویـت، روش‌هایـی هسـتند کـه تنهـا در تربیـت مسـجدمحور می‌تـوان آنهـا را بدیـن شـکل یافـت. حتـی والدیـن در بهتریـن شـرایط تربیتـی یـا بهتریـن مربیـان، منهـای فضـای مسـجد قادر بـه چنیـن تربیتی نخواهنـد بـود. مسـجد بـا ایجـاد فرصـت ذکـر، قرائـت قـرآن و علـم آمـوزی و از همه مهم‌تـر تفکـر و بصیـرت افزایـی، عالی‌تریـن فرصـت تربیتـی را در اختیار جوانـان قرار می‌دهـد. در تربیـت مسـجدمحور بایـد در ایجـاد این فضا توسـط مربی تلاش شـود تا نوجـوان ایـن فرصـت را از دسـت ندهـد. لـذت و جاذبه ایـن فراگیری، خـود به جذب بیشـتر ایـن قشـر کمـک خواهد کرد. از سـوی دیگـر، خویشـتن‌داری و پرهیـز از امور لغـو، یعنی سـخن بیهوده، رفتار مغایر با قداسـت مسـجد، تمرینی اسـت بـرای اصلاح اخـلاق و رفتـار نوجوانـان کـه بـا تکـرار و تـداوم، برایشـان ملکه و شـاکله شـخصیتی می‌شـود و بالاخـره، روش تربیتـی حفـظ طهـارت در مسـجد، نوجـوان را بـه طهـارت ظاهـر و باطـن دعـوت می‌کنـد. طهارتـی کـه نوجـوان از حضـور در مسـجد کسـب می‌کنـد، ضمانتـی اسـت بـرای داشـتن یـک زندگـی مطهـر و بـه دور از آلودگی.

[1] - اِنَّ اللّهَ وَعَـدَ اَنْ یَدْخُـلَ الْجَنَّـةَ ثَلاثَـةَ نُفُـورٍ بِغَیْـرِ حِسـابٍ وَ یَشْـفَعَ کُلَّ واحِـدٍ مِنْهُـمْ فـی ثَمانیـنَ اَلْفاً اَلْمُـوذِّنُ وَ الْاِمـامُ، وَ رَجُـلٌ یَتَوَضَّـأُ ثُـمَّ یَدْخُـلُ الْمَسْـجِدَ فَیُصَلّـی فِـی الْجَمـاعَـةِ.

۲. اصل اجتماع و جماعت

برپایی نماز جماعت از ابتدای تأسیس نهاد مسجد به دست رسول خدا ﷺ، یکی از ارکان جدایی ناپذیر مسجد بوده است. اگر چه نماز فرادی و انجام عبادت فردی هم در مسجد بی‌مانع است، اما آن‌چه که اصالت داشته و دارد، جماعت‌محوری است. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «هر که برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود، برای هر قدمی که برمی‌دارد هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه درجاتش بالا رود و اگر در آن حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بگمارد که در قبرش به عیادت او روند و انیس تنهایی او باشند و تا زمانی که برانگیخته شود برایش آمرزش طلبند.»[1] (مجلسی،۱۴۰۳ق، ۷۶ / ۳۳۶ / ۱)

اصل جماعت، تنها در مورد نماز جماعت صادق نیست بلکه به معنایی عام‌تر، به این حقیقت اشاره دارد که همه شئون اصلی مسجد و اموری که در آن صورت می‌گیرد، در زمره کارهای گروهی و جمعی است. علاوه بر نماز جماعت پنج‌گانه، کارهایی مانند آموزش معارف اسلامی و مسائل دینی، خطابه و وعظ و روشن‌گری، تلاش برای رسیدگی به معیشت مؤمنان نیازمند و جلسات مشورتی و تصمیم‌گیری، با مشارکت جمعیِ مؤمنان و اهالی مسجد انجام می‌گیرد. به طور کلی مسجد جایگاه گردآمدن و حلقه‌زدن اعضای جامعه اسلامی است.

۲-۱. کارکردهای اجتماع مؤمنین در مسجد

اجتماع مؤمنان در مسجد چند بُعد یا چند کارکرد مهم دارد که آنها را بر اساس منابع اسلامی البته به اختصار بررسی می‌کنیم.

۲-۱-۱. دیدار با برادران ایمانی

همان‌طور که گفته شد صِرف حضور در مسجد و نشستن در آن، نتایجی چون درجات بهشتی و حسنات دارد، صِرف گردهم‌آیی مؤمنین و ملاقات با یکدیگر

[1] - «مَن مَشی إلی مَسجِدٍ یَطلُبُ فیهِ الجَماعَةَ کانَ لَهُ بِکُلِّ خُطوَهٍ سَبعونَ أَلفَ حَسَنه، و یُرفَعُ لَهُ مِن الدَّرَجاتِ مِثلُ ذلکَ، و إن ماتَ و هُو علیٰ ذٰلکَ وَکَّلَ اللّٰهُ بِهِ سَبعینَ أَلفَ مَلَکٍ یَعُودُونَهُ فی قَبرِهِ، و یُؤنِسُونَهُ فی وَحدَتِهِ، و یَستَغفِرُونَ لَهُ حتّی یُبعَثَ.»

در مسجد، اثرات شگرف و گران‌سنگی دارد. امام علی(ع) «دیدار برادران، گر چه اندک باشند، غنیمت بزرگی است.»[1] (کلینی، ۲ / ۱۷۹ / ۱۶) رسول خدا(ص) یکی از ثمرات رفت و آمد به مسجد را، پیداکردن برادران ایمانی می‌دانند که در راه خدا دوستی می‌کنند. «شخص مسجد رو، دست کم یکی از این سه چیز نصیبش می‌شود: یا دعایی که به درگاه خدا می‌کند و خداوند با آن او را به بهشت می‌برد، یا دعایی که به سبب آن خداوند بلای دنیا را از او برمی‌گرداند و یا برادری که به خاطر خداوند عزّ و جلّ به دست می‌آورد.»[2] (طوسی، ۴۷ / ۵۷) دیدار با برادران ایمانی ثمرات ارزش‌مند وبی‌بدیلی دارد که تعدادی از آنها را برمی‌شمریم.

۱-۱-۱-۲. شادی و آبادانی دل‌ها

این تجمع مؤمنانه در فضایی که معنویت، اساس آن است و هدف، یک امر متعالی و بی‌زنگار است، کمترین فایده‌اش، آرامش روحی ـ روانی برای فرد است. پیامبر خدا (ص) فرمودند: «مؤمن با مؤمن آرام می‌گیرد، چنان که جگرِ تشنه با آبِ سرد.»[3] (راوندی، ۱۰۰ / ۵۸)احساس باهم بودن، با جمعی هم‌هدف و همسو، هماهنگ و همراه شدن، دیدار چهره به چهره با کسانی که در فرهنگ اسلام، باهم برادرند[4]،(حجرات / ۱۰) فرد را زنده‌دل و با نشاط می‌کند. در بیان رسول اکرم(ص)، دیدار برادران ایمانی یکی از سه چیزی است که سبب شادی مؤمن می‌شود: پیامبر خدا (ص) ـ به علی (ع) ـ فرمود: «ای علی! مؤمن از سه چیز شاد می‌شود: دیدار برادران، افطار کردن روزه، و عبادت آخر شب.»[5] (مجلسی، ۷۴ / ۳۵۳ / ۲۲)و در روایتی از امام علی (ع) آمده است: «دیدارِ نیکان، مایه آبادانی دل است.»[6] (مجلسی، ۷۷ / ۲۰۸/ ۱) از ویژگی‌های جوانی، نشاط و شادابی و

---

۱ - «لقاءُ الإخوانِ مَغنَمٌ جَسِيمٌ و إن قَلُّوا.»

۲ - لا يَرجِعُ صاحِبُ المَسجِدِ بأقَلِّ مِن إحدَى ثلاثٍ: إمّا دُعاءٍ يَدعُو بِهِ يُدخِلُهُ اللهُ بِهِ الجَنَّةَ، و إمّا دُعاءٍ يَدعُو بِهِ لِيَصرِفَ اللهُ بِهِ عَنهُ بَلاءَ الدنيا، و إمّا أخٍ يَستَفِيدُهُ فِي اللهِ عزّ و جلّ.

۳ - إنّ المؤمنَ لَيَسكُنُ إلَى المؤمنِ كما يَسكُنُ قلبُ الظَّمآنِ إلَى الماءِ البارِدِ.

۴ - «انما المؤمنون اخوه» .

۵ - «يا عَلِيُّ، ثلاثُ فَرحاتٍ لِلمُؤمِنِ: لِقَى الإخوانِ، و الإفطارُ مِن الصِّيامِ، و التَّهَجُّدُ مِن آخِرِ اللَّيلِ.»

۶ - «لِقاءُ أهلِ الخَيرِ القَلبِ.»

مطالبـه شـادی اسـت. جماعت‌محـوری در مسـاجد و اجتماع گروه‌های سـنی مختلف در فضایـی مطبـوع و معنوی، پاسـخ مناسـبی اسـت بـه این نیـاز نوجوانـان و جوانان. یافتـن همسـالان مؤمـن و ارتباطی سـالم با آنان در مسـجد، یکـی از مهم‌ترین و البته آسـیب‌پذیرترین نیازهـای دوران نوجوانـی را بـه خوبی برطرف می‌کند. نقش مسـجد و بـه ویـژه امـام جماعـت و بزرگان، در این خصـوص جدی و حیاتی اسـت. باید عوامل ایجـاد نشـاط معنـوی و ظاهـری ایـن قشـر را، در مسـجد فراهم کـرده و موانـع آن را رفـع سـازند و تحمـل وظرفیـت مجموعه مسـجد را برای حضـور نوجوانان بـالا ببرند.

۲-۱-۱-۲. رویش محبت

محبـت در مناسـبات افـراد جامعه اسـلامی حـرف اول را می‌زنـد. کاربـرد واژه برادری بـرای بیـان ایـن روابـط، نشـان دهنـده جایـگاه ویژه محبـت اسـت. یکـی از کارهایی کـه محبـت و مـودت را افـزون می‌کند، دیـدار و ملاقات بـا یکدیگر اسـت. پیامبر خدا ﷺ فرمودنـد: دیـد و بازدیـد بـذر محبّت را می‌رویانـد.[۱] (مجلسـی، ۷۴ / ۳۵۵ / ۳۶)

۳-۱-۱-۲. زنده نگه‌داشتن احادیث اهل بیت علیهم‌السلام

دیـدار و زیـارت مؤمنـان، کـه یکـی از ثمـرات حضـور جماعـت مسـلمین در مسـجد اسـت، موجـب احیـای یـاد و نـام و فرهنـگ متعالـی اهل بیـت عصمـت و طهارت علیهم‌السلام می‌شـود. امـام صـادق علیه‌السلام فرمودنـد: دیـد و بازدیـد کنیـد که دیـدار شـما از یکدیگر موجـب زنـده شـدن دل‌هـای شـما و یـاد کـرد احادیـث مـا می‌شـود و احادیـث مـا شـما را بـه هـم مهربـان می‌کنـد. اگـر بـه آنها عمـل کنیـد، کمـال و نجـات می‌یابید و اگـر رهایشـان کنیـد، گمـراه و هـلاک می‌شـوید. پـس بـه احادیـث مـا عمـل کنید کـه در ایـن صـورت مـن ضامـن نجـات شـما هسـتم.[۲] (کلینـی، ۲ / ۱۸۶ / ۲)در این فرمایـش حضـرت صـادق علیه‌السلام بـه دیدار و دیـد و بازدیـد، امر می‌کننـد- تَـزاوَرُوا- این صیغـه امـر، خـود حکایـت از اهمیّـت مسـئله دارد. سـپس دو نتیجـه را بر ایـن دیدار

۱ - «الزِّیارَهُ تُنبِتُ المَوَدَّه.»

۲ - تَـزاوَرُوا فـإنّ فـی زیارَتکُـم إحْیـاءً لقُلوبکُـم، و ذِکـرا لأحادیثنـا، و أحادیثُنـا تُعَطِّـفُ بعضَکُـم عَلـی بعـضٍ، فـإن أخَذتُـم بهـا رَشَـدتُم و نَجَوتُـم، و إن تَرَکتُمُوهـا ضَلَلتُـم و هَلَکتُـم، فَخُـذُوا بهَـا و أنـا بِنَجاتِکُـم زَعِیـمٌ.

مترتـب می‌داننـد: زنـده شـدن دل‌ها و ذکـر احادیث اهـل بیت علیهم‌السلام. ذکـر احادیث نیز نتیجه‌ای در بردارد و آن مهربان شـدن مؤمنان نسـبت به یکدیگر اسـت. و سـرانجام، مقصـد نهایـی یعنـی سـعادت و نجـات، بـا عمـل بـه احادیث ائمـه معصومیـن علیهم‌السلام به دسـت می‌آیـد.

نکتـه قابـل تأمـل این اسـت کـه این مسـیر اشـاره شـده در روایت، بـا دیدار بـرادران ایمانـی آغـاز می‌شـود و این مسـئله، ارتبـاط تنگاتنگی نیـز با اصل عبـادت و معنویت نهـاد مسـجد دارد. زیـرا نجـات و رسـتگاری انسـان که در گـرو اتصال به معبـود یگانه اسـت، از هیـچ راهـی غیـر از مسـیر اولیـای معصـوم خـدا امکان‌پذیـر نیسـت. «مـن اراد الله بـدأ بکـم و مـن وحّـده قبـل عنکـم و مـن قصـده توجّـه بکـم»[1] هرکـه خدا را اراده کنـد، از شـما شـروع کنـد و هـر کس خـدا را به یگانگی شـناخت، از تعلیم شـما پذیرفـت و هرکـس خـدا را طلـب کـرد، از راه توجـه به شـما طلـب کرد.

۲-۱-۲. هم‌افزایی فکر و اندیشه

یکـی دیگـر از ثمـرات اجتمـاع و گردآمـدن مؤمنان در مسـجد، هم‌افزایی اندیشـه‌ها و عقل‌هاسـت. شُـور و مشـورتی کـه قرآن بـر آن تأکیـد می‌کند،[2] در مسـجد می‌تواند بـه شـکلی ایـده‌آل صـورت بگیرد. زیـرا مؤمنانی که در مسـجد حاضر می‌شـوند، از هر قشـر و لبـاس و شـخصیتی هسـتند و تخصّص‌هـای گوناگونـی دارنـد. از عالـم دیـن و آگاه بـه منابـع دینـی تـا متخصّصین فنـی و پزشـکی، و افرادی بـا مهارت‌های مختلف زندگـی. اشـخاص مسـن و دنیـا دیـده، تـا جوانان پرانـرژی و بـه اصطلاح امـروزی. از سـوی دیگـر، جماعتـی کـه در این خانـه خـدا گردآمده‌اند، نسـبت به بـرادران ایمانی خـود دلسـوزند و غالبـاً منافـع دیگران را بر خـود ترجیـح می‌دهنـد. امیرالمؤمنین به کمیـل فرمـود: ای کمیـل! مؤمنان با هـم برادرند و برای برادر چیزی مقـدّم تر از برادر نیسـت.[3] (مجلسـی، ۷۷ / ۲۶۹ / ۱)پس جمع مشـورتی با مؤمنان مسـجدی، می‌تواند

---

[1] - زیارت جامعه‌ی کبیره.

[2] - «و شـاورهم فـی الأمـر.» و در کارهـا بـا آنـان مشـورت کـن. (آل عمـران، ۱۵۹)/ «و أمرهـم شـوری بینهـم» و کارهایشـان بـه صـورت مشـورت در میـان آنهاسـت. (شـوری، ۳۸).

[3] - «یا کُمَیل، المؤمنونَ إخْوَةٌ، و لا شیءَ آثَرَ عندَ کُلِّ أخٍ مِن أخیهِ.»

بسیار غنی و راه‌گشا باشد. ضمن این‌که در روایتی از حضرت جوادالأئمه علیه‌السلام باروری و شکوفایی عقل، به عنوان یکی از نتایج دیدار با برادران ایمانی برشمرده می‌شود: «ملاقات با برادران، موجب رفع دلتنگی و سبب باروری عقل می‌شود، هر چند اندک و کوتاه باشد.»[1](کلینی، ج ۲، ص ۳۵۳)

این ظرفیت مغتنمِ مسجد، می‌تواند نمود و جلوه بسیار مثبتی در نهاد خانواده داشته باشد. رفع نیازهای مشاوره‌ای برای حل اختلافات، در مسجد به خوبی می‌تواند محقق شود. طبیعی است امام جماعت به تنهایی قادر به پاسخگویی نخواهد بود و ضروری است واحدهای مشاوره‌ای منظم و کارآمدی در موضوعات مبتلا به مردم، مثل مشاوره تربیتی، مشاوره تحصیلی، مشاوره ازدواج و حتی مشاوره‌های اقتصادی تشکیل شود.

ظرفیت مهم دیگری که نهاد مسجد برای اجرایی نمودن روش هم‌افزایی فکری دارد، اندیشه پویا و نوآورانه نوجوانان و جوانان است. مسجد بستر امنی است برای بروز استعدادهای فکری نوجوان که از سوی دیگر، خود، بهره‌های فراوانی هم می‌برد. کمک به بروز این استعداد، به تکامل شخصیتی نوجوان نیز کمک شایانی می‌کند و روح امید را برای ساختن آینده روشن در آنها می‌دمد. یکی از راه‌های تحقق این امر، تأسیس اتاق فکر جوان در مساجد است تا با حمایت و هدایت جمعی از فرهیختگان مسجدی، از این ظرفیت طلایی استفاده شود.

۲-۱-۳. تعاون در برّ و تقوا

علاوه بر هم‌افزایی فکری و مشورت، همکاری و مساعدت عملی مؤمنین در امور خیر از آثار و برکات حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت است. «تعاون» که در لفظ خود (باب مفاعله) مفهوم همکاری دوجانبه را مستتر دارد، بی شک محتاج حضور جماعت است و در محیط انفرادی محقق نمی‌شود. تعاون واژه‌ای قرآنی است. قرآن تعاون را در دو جهت تعریف می‌کند:

اول تعاون در برّ و تقوا. که به آن امر و سفارش می‌کند: «و تعاونوا علی البرّ و

[1] - «مُلَاقَاهُ الْإِخْوَانِ نُشْرَةٌ وَ تَلْقِيحُ الْعَقْلِ وَ إِنْ كَانَ نَزْراً قَلِيلًا.»

التقـوی» و (همـواره) در راه نیکـی و پرهیـزکاری بـا هـم تعـاون کنید.(مائده/۲)
دوم تعـاون در گنـاه و تعـدّی کـه از آن نهـی می‌کنـد: «و لا تعاونـوا علـی الإثـم و العـدوان» و (هرگـز) در راه گنـاه و تعـدّی همـکاری ننمایید.(مائـده / ۲)
اهالـی مسـجد می‌تواننـد در رعایـت تقـوا و حفـظ حـدود الهـی، یاری‌گـر همدیگـر باشـند. در کنـار انسـانهای باتقوا نشسـتن و معاشـرت با آنـان، آگاه یا ناخـودآگاه، فرد را بـه حفـظ حریـم و حـدود تشـویق می‌کند.
امـام رضـا علیه‌السلام در روایتی فلسـفه نماز جماعت و سـپس آثـار آن را برمی‌شـمرند که از جملـه آنهـا، تعاون مؤمنـان در امور خیر و پیشـگیری از معاصی اسـت: «نماز جماعت از آن رو وضـع شـده اسـت تـا اخـلاص و توحیـد و اسـلام و عبـادت خداوند آشـکار و هویـدا باشـند و شـهرت یابنـد؛ زیـرا اظهار ایـن امور، حجّتی اسـت برای خـدای یگانه بـر مردمـان شـرق و غـرب عالـم؛ و نیـز، تـا منافـق و سـبک شـمارنده [نمـاز و دین] آنچـه را اقـرار کـرده و پذیرفتـه اسـت به جای آورَد و اسـلام [خـود] را هویدا سـازد و بـر آن مواظبـت نمایـد، و نیـز تـا شـهادت‌دادن‌های مردم به مسـلمان بـودن یکدیگر، روا و ممکـن باشـد. عـلاوه بـر این‌هـا، نمـازِ جماعـت موجب کمـک کردن بـه یکدیگر در راه نیکـی و تقـوا و باز داشـتن از بسـیاری از معاصی خداوند عزّ و جلّ اسـت.»[1](حر عاملـی،۵ / ۳۷۲ / ۹)
نهـاد مسـجد که یکـی از پایگاه‌های اجتماعیِ مسـلمین اسـت، یک فرصـت و ظرفیت مغتنـم اسـت بـرای مشـارکت اعضـای جامعه اسـلامی در حـل مشـکلات اجتماعی و نیـز در دخالـت بجـا و مشـروع در امـور سیاسـی- حکومتـی. از نظر امـام خمینی قدس‌سره «ایـن مسـجدالحرام و مسـاجد دیگـر در زمـان رسـول اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مرکـز جنگ‌هـا و سیاسـت‌ها و مرکـز امـور اجتماعـی و سیاسـی بـوده؛ این طور نبوده اسـت در مسـجد پیامبـر، همـان مسـائل عبـادی نماز و روزه باشـد، مسـائل سیاسـی‌اش بیش‌تـر بوده. اسـلام می‌خواهـد که مـردم آگاهانه بـرای مصالح مسـلمین در آن‌جا فعالیـت کنند.»

[1] - «إنّما جُعلَت الجَماعَـةُ لئَـلاّ یکـونَ الإخـلاصُ و التَّوحیـدُ و الإسـلامُ و العبـادَةُ لله إلاّ ظاهـرا مَکشـوفا مَشـهورا؛ لأنَّ فـی إظهـارِهِ حُجّـةٌ علـی أهـلِ الشَّـرقِ و الغَـربِ لله وَحـدَهُ، و لیَکـونَ المُنافـقُ و المُسـتَخِفُّ مُؤَدِّیـا لِمـا اُقِـرَّ بـهِ یُظهِـرُ الإسـلامَ و المُراقَبَـهَ، و لیَکُـونَ شَـهاداتُ النـاسِ بالإسـلامِ بَعضِهِـم لِبَعـضٍ جائـزَةً مُمکِنَـةً، مَـع مـا فیـهِ مِـنَ المُسـاعَدَهِ علـی البِـرِّ و التَّقـوی، و الزَّجـرِ عـن کَثیـرٍ مِـن مَعاصِـی اللهِ عَـزَّ و جَـلَّ.»

(امـام خمینـی، ۱۳۷، ج ۱۸، ۶۷)

تعـاون در بـرّ و تقـوا، یکـی از بهتریـن شـرایط تربیتـی را فراهـم می‌کنـد تـا انـرژی فـراوان نوجوانـی در خدمـت اهداف عالی انسـانی و اسـلامی قرار گیرد. شـور و حرارت نوجـوان، بـه دنبـال عرصه‌ای بـرای ظهور اسـت و همین ویژگی، دسـت فرصت طلبان را بـه نعمـت بی‌نظیـر جوانـی دراز می‌کنـد. مسـجد بـا سـاماندهی کارهـای جمعـیِ مفیـد و ضـروری در حیطه‌هـای اجتماعـی و سیاسـی، بـا لحـاظ توانایی‌هـای سـنین مختلـف حتـی کـودکان نقـش بی‌بدیلـی در این خصـوص دارد.

بیشـتر آثاری که حاصل از اجتماع مسـلمین در مسـجد اسـت، در صدر اسـلام یعنی در اولیـن مسـاجد هـم مصادیـق تامی داشـته اسـت. بیشـتر امـور اجتماعی مـردم در مسـجد رتق و فتق می‌شـده اسـت. آموزش مسـائل دین و تبیین آیات وحی، مسـائل مدیریـت جامعـه اسـلامی توسـط پیامبـر اکـرم ﷺ در مسـجد بـه انجـام می‌رسـیده اسـت کـه پرداختـن تفصیلـی به آنهـا، خارج از موضوع نوشـتار ماسـت.

۲-۲. روش‌های مبتنی بر اصل اجتماع و جماعت

دسـتورالعمل‌هایی کـه مربـوط به حضـور در جمع مؤمنان در مسـجد، چه هنـگام نماز جماعت چه در سـایر اوقات وارد شـده اسـت، همه در شـمار روش‌های تربیتی اسـلامی هسـتند. تعـدادی از روش‌هـای خاص مسـجد در بعـد جماعت بدین تربیت اسـت:

۱-۲-۲. روش رعایت حال ضعیفان

امـام علـی ؑ در نامـه خـود بـه اشـتر نوشـت: «و چـون بـرای مردم بـه امامـت نماز ایسـتادی، نـه چنـدان بـا طـول و تفصیـل برگـزار کـن کـه مـردم از نمـاز جماعـت خسـته و گریـزان شـوند و نـه [با فرو گـذاردن واجبـات و آدابـش] آن را ضایع گردان؛ زیـرا در میـان کسـانی کـه بـا تو نمـاز می‌خواننـد، افـراد بیمـار و گرفتار نیز هسـتند. هنگامـی کـه رسـول خـدا ﷺ مـرا بـه یمن فرسـتاد از ایشـان پرسـیدم کـه چگونه با آنهـا نمـاز بگـزارم؟ فرمـود: هم‌چون ناتوان‌تریـن آنان نماز بگـزار، و با مؤمنـان مهربان

باش.»[1](نهج‌البلاغـه، نامـه ۵۳)

ایـن روش در جـذب کـودکان و نوجوانـان بـه مسـجد و حفـظ ارتباط آنان با مسـجد، بسـیار مؤثـر اسـت. اگرچـه نوجـوان بـا انـرژی سرشـارش، قاعدتـاً در زمـره ضعیفـان محسـوب نمی‌شـود امـا روحیـه خاص او در این سـنین، سـبب می‌شـود کـه برگزاری نمـاز بـه صورتـی مختصـر و کوتـاه، او را در مسـجد پایدارتر نگـه دارد.

۲-۲-۲. روش نظم و ترتیب در صفوف جماعت

یکـی از جلوه‌هـای وحـدت مسـلمانان کـه بـرای هـر ناظـر و شـاهدی جذبـه خاص و دوست‌داشـتنی دارد، صفـوف منظـم و فشـرده مسـلمانان در نمازهای جماعت اسـت، ایـن جلـوه حتـی برای غیر مسـلمانان هـم جذبه خاصـی دارد، و یکـی از عوامل جلب دیگـران بـه اسـلام همین شـکوه عظمـت، ترتیب و ترکیب مسـلمانان اسـت.

با کمال تأسـف باید گفت که این موضوع مهم آن چنان که باید در مسـاجد ما رعایت نمی‌شـود و مـردم بـه نظـم و ترتیب عـادت نکرده‌انـد؛ در صورتی کـه پیامبر اکرم ﷺ شـخصاً پیـش از نمـاز صف‌هـا را منظـم می‌کردنـد و توصیه‌هـا و دسـتورالعمل‌های فـراوان بـرای رعایـت این موضـوع مهم صـادر می‌فرمودنـد. (ابوالقاسـمی، ۱۳۷۸) ابن مسـعود می‌گویـد: پیامبـر اکـرم ﷺ بـا دسـتان مبارکشـان، شـانه‌های مـا را در نمـاز منظـم می‌کردنـد و می‌فرمودنـد: «مرتـب بایسـتید، پراکنـده نباشـید، چـون در میان قلب‌هـا و دل‌هـای شـما پراکندگـی ایجاد می‌شـود.»[2] (نـوری، ۱۲ / ۵۰۷ / ۶)در جای دیگـر می‌فرماینـد: «صف‌هـای خـود را منظـم کنیـد و شـانه‌های خـود را در کنار هم قـرار دهیـد، تـا اینکه شـیطان بین شـما رخنه نکنـد.»[3] (نـوری، ۱۲ / ۵۰۷ / ۶)

از امـام علـی ؑ روایـت شـده اسـت کـه فرموده‌انـد: «خلأهـای میـان صف‌هـا را پـر کنیـد. ایـن کار بایـد از صـف اول شـروع شـود و صف‌هـا به ترتیـب تکمیل شـوند، که ایـن گونـه ایسـتادن در نماز، نـزد پیامبـر گرامیتان محبوبتر اسـت. صف‌هـا را تکمیل

[1] - و إذا قُمتَ فی صلاتِکَ للناسِ فلا تَکُونَنَّ مُنَفِّرا و لا مُضَیِّعا؛ فإنّ فی الناسِ مَن بِهِ العِلَّـهُ و لَهُ الحاجَـهُ، و قد سَألتُ رسولَ اللهِ صلی الله علیه و آله حِینَ وَجَّهَنی إلی الیَمَنِ: کیفَ اُصَلّی بِهِم ؟ فقالَ: صَلِّ بِهِم کَصلاهِ أضعَفِهِم و کُن بالمُؤمِنینَ رَحیما.

[2] - «استووا، و لا تختلفوا، فتختلف قلوبکم.»

[3] - «سووا صفوفکم، و حاذوابین مناکبکم، لئلا یستحوذ علیکم الشیطان.»

کنیـد، بدانیـد کـه خداونـد و فرشـتگان بـر کسـانی کـه صف‌هـای نمـاز جماعـت را تکمیـل و منظـم می‌کننـد درود می‌فرسـتند. »[1] (نـوری، ۶ / ۵۰۵ / ۶)

در چنـد حدیـث وحـدت صفـوف بـا وحـدت قلـوب هم‌سـنگ و همراه دانسـته شـده اسـت. (حـر عاملـی، بـاب ۷۰، ح ۷ و ۹ و ۱۰) ایـن مسـئله حکایت از رازهـای پنهان و فلسـفه نمـاز جماعـت دارد چون وحـدت قلوب بزرگ‌تریـن نیاز انسان‌هاسـت. یکی از عواملـی کـه می‌توانـد وحدت آفرین باشـد، عمل به احکام و دسـتورالعمل‌های اسـلام و توصیه‌هـای مکـرر مبنـی بـر حضور در جماعـت مسـلمانان و اقامه نمـاز جماعت به شـکل صحیح و درسـت آن اسـت. (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸)

حالـت صف‌هـای منظـم و متراکـم، عـلاوه بـر زیبایـی و شـکوهی کـه دارد، روحیـه اقتـدار و هماهنگـی را در نمازگـزاران بـه ویـژه نوجوانان تقویت می‌کنـد. ضمن این‌که ایـن روش تربیتـی در مسـجد، کـودک و نوجـوان را بـرای نظـم در امـور فـردی نیـز ترغیـب می‌نمایـد.

۳-۲-۲. روش رعایت آداب معاشرت

حضـور در هـر جمعـی، رعایـت یک‌سـری از آداب اجتماعـی را اقتضـا می‌کند. اسـلام بسـته کاملـی از آداب معاشـرت و ظرایـف ارتباطـات انسـانی را ارائـه می‌کنـد. نـکات دقیقـی کـه در اخـلاق اجتماعی رسـول خدا ﷺ و اهـل بیت عصمت علیهم‌السلام بدان اشـاره شـده، هـر یـک حکمت‌های آشـکار و نهفتـه بسـیار دارنـد و در تربیت انسـان متعالی مؤثرنـد. آراسـتگی ظاهـری و خوشـبو بودن، یکـی از آدابی اسـت که بـرای حضور در مسـجد، بـه طـور ویـژه به آن تأکید شـده اسـت. پیامبر خـدا ﷺ فرمود: «هـر که این سـبزی بدبـو (سـیر) را بخورد به مسـجد مـا نزدیک نشـود، امّا اگر کسـی آن را بخورد ولـی به مسـجد نیاید اشـکالی نـدارد.» (مجلسـی، ۸۴ / ۹ / ۸۳)

ایـن روش تربیتـی، روش‌هـا و دسـتورالعمل‌های جزئی‌تـر فراوانـی دارد کـه همـه ذیـل آداب معاشـرت بـا مـردم چـه آداب کلامـی چـه آداب ظاهـری و رفتـاری قـرار

[1] - «سـدوا فـرج الصفـوف، مـن اسـتطاع ان یتـم الصـف الاول و الـذی یلیـه، فلیفعـل، فـان ذالکـم احـب الـی نبیکـم، واتمـوا الصفـوف، فـان الله و ملائکتـه یصلـون علـی الذیـن یتمـون الصفـوف. »

می‌گیرند. تبلیغ این نکات رفتاری، به خصوص تبلیغ غیر زبانی و عملی، آثار تربیتی عمیق و ماندگاری بر کودکان و نوجوانان دارد. رعایت این نکات به ظاهر ساده، شخصیتی محبوب و جذاب از انسان می‌سازد که در جذب و تأثیرگذاری مثبت بر نوجوانان بسیار نقش دارد.

۳. اصل امام‌محوری

گفته شد که یکی از مصادیق کارهای جمعی در مسجد و شاید محوری‌ترین و مهم‌ترین آنها، نماز جماعت است. دو رکن اساسی نماز جماعت، امام است و مأموم. تبعیّت کامل از امام در همه افعال نماز، بر مأموم واجب است. اقتدا کردن به امامی که حائز شرایط است، درسی است که مأموم از نماز جماعت، برای زندگی خود برمی‌گیرد. علاوه بر نماز، معمولاً مدیریت سایر امور مسجد، زیر نظر همان امام است و اهالی مسجد، باز در کارها تابع کسی خواهند بود که معیارهای اسلامی را برای امامت جماعت داراست.

تبعیّت از امام جماعت، تمرین ولایت‌مداری است. ولایت که به فرموده اهل بیت عصمت علیهم‌السلام از پایه‌های اصلیِ بنای اسلام است و اطاعت از آن بر مسلمین واجب، در نهاد مسجد در سطحی پایین‌تر و در نمونه‌ای کوچک‌تر به ظهور می‌رسد.

نکته دیگر آن است که از توصیه‌هایی که به طور دقیق در اسلام به امام جماعت می‌شود، نقشِ محوری و مهم امامت جماعت روشن می‌گردد. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در سفارش به محمّد بن ابی بکر هنگام گماردن او به فرمانداری مصر نوشت: «به نمازت بنگر که چگونه است ؛ زیرا تو امام [جماعت] مردم خود هستی. [سزاوار است] که نماز را کامل به جای آوری و سبک و ناقص برگزارش نکنی؛ زیرا هر پیش‌نمازی که برای مردمی نماز گزارَد و در نماز آنها کم و کاستی باشد، گناهش به گردن اوست و از نماز آنها چیزی کم نمی‌شود. نماز را کامل به جای آر و بر آن مراقبت نما، تا تو نیز همانند پاداش همه آنها را داشته باشی و این [پاداش تو] چیزی از ثواب آنها نمی‌کاهد.[۱](طوسی، ۲۹ / ۳۱)

۱ - فی وصیّتِهِ لِمحمّدِ بنِ أبی بکرٍ حینَ وَلاّهُ مِصرَ ـ وَ انظُرْ إلی صلاتِکَ کیفَ هِی فإنّکَ إمامٌ لِقَومِکَ (یَنبَغِی لکَ)

۳-۱. روش دقّت در انتخاب امام اصلح

شایستگی‌های امام جماعت تأثیر فوق العاده‌ای بر مأمومین دارد. تأکید اسلام همیشه بر انتخاب اصلح است و تا وقتی با معیارهای دقیق اسلامی، و نه براساس سلایق شخصی، گزینه بهتری برای انتخاب وجود دارد، دین اجازه انتخاب سطح پایین‌تر را نمی‌دهد. لذا در خصوص انتخاب امام جماعت که نمونه و جلوه‌ای از امامت مسلمین است، هشدارهای اکیدی در بیانات ائمه معصوم علیهم‌السلام وجود دارد.

امام صادق علیه‌السلام از پدران بزگوارش نقل می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «امامان قافله سالاران، راهنمایان شما به سوی خداوند هستند بنابراین دقّت کنید که چه کسی می‌خواهد راهبری شما را در دین و نمازتان عهده دار باشد.»[۱] (حر عاملی، ج ۵، باب ۲۶، ح ۴)

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:«اگر دوست دارید نماز شما خوب و بی‌آلایش باشد بکوشید بهترین فرد را به امامت برگزینید.»[۲](حر عاملی، ج ۵، باب ۱۱، ح ۷)

امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال که چه کسی برای امامت جماعت شایسته‌تر است از قول رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «پیش‌نمازی مردم را کسی به عهده گیرد که قاری‌تر (قرآن خوان تر یا قرائتش بهتر) باشد؛ اگر در قرائت یکسان بودند آن که در هجرت مقدمتر است، پیش‌نماز شود و اگر در هجرت نیز یکسان بودند آنکه سنّش بیشتر است به عهده گیرد ؛ اگر هم‌سن بودند. آن که به سنّت داناتر و در دین فقیه‌تر است، امامت کند. هیچ یک از شما در خانه کسی بر صاحب خانه مقدّم [در پیشنمازی] نشود و نه بر صاحب نفوذی در قلمرو نفوذش.»[۳](کلینی، ۳ / ۳۷۶ / ح ۱)

فردی از امام دهم علیه‌السلام سؤال کرد: آیا می‌توانم به کسی اقتدا کنم که نسبت به او شناخت ندارم؟ امام، پاسخ دادند. «نماز نخوان، مگر پشت سر کسی که به

أن تُتِمَّها و لا تُخَفِّفَها، فَلَیسَ مِن إمامٍ یُصَلّی بِقَومٍ یَکونُ فی صلاتِهِم نُقصانٌ إلاّ کانَ علَیهِ، لا یَنقُصُ مِن صلاتِهِم شَیءٌ، و تَمِّمْها و تَحَفَّظْ فیها یَکُن لکَ مِثلَ اُجُورِهِم و لا یُنقِّصُ ذلکَ مِن أجرِهِم شَیئا.

۱ - «ائمتکم وافدکم الی الله فانظر وا من توفدون فی دینکم و صلاتکم. »

۲ - «ان سرکم ان تزکوا صلاتکم فقدموا خیارکم.»

۳ - لَمّا سُئلَ عَمَّن أحَقُّ أن یَؤمَّ ـ إنَّ رسولَ الله صلی الله علیه و آله قالَ: یَتَقَدَّمُ القَومَ أقرَؤهُم للقرآن، فإن کانُوا فی القراءَه سَواءً فَأقدَمُهُم هجرَهً، فإن کانُوا فی الهجرَه سَواءً فَأکبَرُهُم سنّا، فإن کانوا فی السِّنِّ سَواءً فَلیَؤمَّهُم أعلَمُهُم بِالسُّنَّهِ و أفقَهُهُم فِی الدِّینِ، و لا یَتَقَدَّمَنَّ أحَدُکُمُ الرَّجُلَ فی مَنزِلِهِ، و لا صاحِبَ (الـ)سُلطانِ فی سُلطانِهِ.

دیـن او اعتمـاد داشـته باشـی.»[1] (حر عاملـی، ج ۵، بـاب ۱۲، ح ۱)

۳-۲. روش شناخت و رعایت حق امام

امـام سـجاد علیه‌السلام فرمودنـد: «حـق پیش‌نمـاز این اسـت که بدانـی چه مسـئولیت‌های بزرگـی را بـه خاطـر تـو تحمـل کـرده اسـت. او کاروان‌داری میـان تـو و خداونـد و نماینـده و سـخن‌گویی اسـت کـه از سـوی تـو سـخن می‌گوید، بـرای تو دعـا می‌کند و خواهـش می‌نمایـد، در صورتـی کـه تـو نـه از جانـب او سـخن می‌گویـی و نـه دعـا می‌کنـی، نـه تقاضایـی را مطـرح می‌سـازی! اگـر او بـا مشـکلی مواجـه شـد و گناهی کـرد بـا او شـریک نیسـتی ولـی اگـر کوتاهـی و کـم توجهی از او سـر زنـد گناهش به گردن اوسـت. تو در قبال عملکرد او مسـئول نیسـتی ولی او مسـئولیت تو را پذیرفته و خـود را آمـاج بلایـت قـرار داده و نمـازش را سـپر نمـاز تـو کرده اسـت، پس قدرش را بـدان و حقـوق او را رعایـت کن.»[2](حرانـی، ۱۴۰۴، ۲۶۶)

۳-۳. روش تبعیّت کامل از امام

همان‌گونـه کـه نمـاز، مجموعـه‌ای از آداب، اذکار، مقدّمات، موخّرات و شـرایط خاصی اسـت کـه انسـان را به عبودیّـت راهنمایـی می‌کند و در واقع دانشـگاهی بـرای تعلیم و تربیـت اسـت، نمـاز جماعـت نیز چنین اسـت؛ چـون راه و رسـم زندگـی، حضور در جامعـه، رفتـار بـا بـرادران دینی، رابطـه امام و مأمـوم و... نیز طی آن آموخته می‌شـود و مؤمنـان درس تبعیّـت از امـام و در یـک صـف و کنـار هم بـودن را تمریـن می‌کنند درسـت همانند سـربازان کـه با انجـام دادن عملیّاتی چون رژه، پوشـیدن لباس متحد و فـرم خـاص و سـایر حرکت‌هـا و برنامه‌هـا در عمـل نظـم پذیـری، تبعیّـت، سلسـله مراتـب و... را تمریـن می‌کننـد. پیامبـر اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمـود: «امـام، امـام شـده اسـت تا

---

[1] - «لا تصل الاخلف من تثق بدینه.»

[2] - «وَ أَمَّا حَـقُّ إِمَامِـکَ فِـی صَلَاتِـکَ فَـأَنْ تَعْلَـمَ أَنَّـهُ قَـدْ تَقَلَّـدَ السِّـفَارَةَ فِیمَـا بَیْنَـکَ وَ بَیْـنَ اللَّهِ وَ الْوِفَـادَةَ إِلَـی رَبِّـکَ وَ تَکَلَّـمَ عَنْـکَ وَ لَـمْ تَتَکَلَّـمْ عَنْـهُ وَ دَعَـا لَـکَ وَ لَـمْ تَـدْعُ لَـهُ «۵» وَ طَلَـبَ فِیـکَ وَ لَـمْ تَطْلُـبْ فِیـهِ وَ کَفَـاکَ هَـمَّ الْمَقَـامِ بَیْـنَ یَـدَیِ اللَّهِ وَ الْمُسَـاءَلَهِ لَـهُ فِیـکَ وَ لَـمْ تَکْفِـهِ ذَلِـکَ فَـإِنْ کَانَ فِـی شَـیْءٍ مِـنْ ذَلِـکَ تَقْصِیـرٌ کَانَ بِـهِ دُونَـکَ وَ إِنْ کَانَ آثِمـاً لَـمْ تُکْـنْ شَـرِیکَهُ فِیـهِ وَ لَـمْ یَکُـنْ لَـهُ عَلَیْـکَ فَضْـلٌ فَوْقَـی نَفْسَـکَ بِنَفْسِـهِ وَ وَقَـیْ صَلَاتِـکَ بِصَلَاتِـهِ فَتَشْـکُرَ لَـهُ عَلَـی ذَلِـک.»

مأمومـان از او پیـروی و بـه دنبـال او حرکـت کننـد.»[1] (فیض کاشـانی، ج ۲، ص ۱۰) بنابرایـن در تمامـی حـرکات و سـکنات بایـد پشـت سـر امـام بـود. پیامبـر اکرم ﷺ فرمودنـد: «نمازگـزاران در صفوف جماعت سـه دسـته اند: دسـته اول کسـانی که نماز آنهـا بـا اشـکال مواجه اسـت. دوم: کسـانی که فقط ثـواب و بهره یک نمـاز نصیب آنها می‌شـود. سـوم: کسـانی که بـه انـدازه هر رکعت ثـواب تعیین شـده در نمـاز جماعت بـه آنهـا عطا می‌شـود. جابـر بن عبـدالله انصاری عرض کـرد: یا رسـول‌الله ﷺ! توضیح بیشـتری بـرای مـا بدهیـد! پیامبر ﷺ فرمودند: گروه اول کسـانی هسـتند کـه قبل از امـام سـر خـود را در سـجود و رکوع بلنـد می‌کنند و یا پاییـن می‌آورند. دوم: کسـانی کـه همزمـان بـا امـام به رکوع و سـجده می‌روند. سـوم: کسـانی که پس از امـام رکوع و سـجده می‌کننـد و تنهـا همین گـروه از ثواب جماعـت بهره مند می‌شـوند.»(نوری، ج ۶، ص ۴۹۲)

۳-۴. روش رعایت سلسله مراتب در صف نماز

در فرهنـگ اسـلام، هـرگاه بـرای کاری، امـام یـا فرماندهـی تعییـن می‌شـود، بـرای جانشـینی و جبـران خـلأ احتمالـی پیش‌بینی لازم صـورت می‌پذیرد؛ بـه همین رو در نمـاز جماعـت کـه یکـی از صحنه‌هـای حرکت جمعی اسـت، صـف اول و نزدیک‌ترین جایـگاه بـه امـام بـا فضایل و ثـواب فوق العـاده‌اش، اختصـاص به کس یا کسـانی دارد کـه صاحـب علـم و کمال باشـند و در صـورت نیاز و بروز هر مشـکلی برای امـام، نماز را ادامـه دهند. (ابوالقاسـمی، ۱۳۷۸)

امـام محمـد باقـر علیه‌السلام می‌فرمایـد: «کسـانی کـه نزدیـک امـام می‌ایسـتند بایـد از صاحبـان خـرد، اندیشـه، دانـش و تقوا باشـند، اگر امـام در خوانـدن نماز، یـا آیه‌های قـرآن اشـتباه کـرد، یـا آن را فرامـوش نمود، یـا به هر دلیلـی در ادامه نماز با مشـکلی مواجـه شـد او را یـاری دهند.»[2]

در رتبه‌بنـدی موقعیّت‌هـای دارای فضیلـت، ایـن حدیـث از امـام رضـا علیه‌السلام نقل شـده

[1] - «انما جعل الامام اماما لیوتم به.»

[2] - «لیکن الذین یلون الامام منکم اولو الاحلام منکم و النهی، فان نسی الامام او نفایا قوموه.»

است: «بهتریـن موقعیّـت در نمـاز جماعت صف اول اسـت و بهترین نقطـه، جایگاهی اسـت کـه بـه امـام نزدیکتـر اسـت. پـس اگر پشـت سـر امـام قـرار گرفتید تـا زمانی کـه امـکان پیـدا کـردن جایـگاه نمـاز در صـف اول وجـود دارد در صـف دوم قـرار نگیرید.»[1](نـوری، ج ۶)

۴. اصل عدالت

از اصـول مسـجد، اقتـدا کـردن مؤمنـان بـه فـردی اسـت که بایـد حائز شـرط عدالت باشـد. تعریـف عدالـت در کتـب فقهـی چنیـن آمده‌اسـت: «عدالـت حالتـی نفسـانی اسـت کـه انسـان را بـر ملازمـت تقـوا وادار می‌کنـد و مانع از این می‌شـود که انسـان گناهـان کبیـره بلکـه بنابـر أقـوا، صغیره‌هـا را هـم انجـام دهـد؛ تا چه رسـد بـه اصرار بـر آنهـا کـه از گناهـان کبیره حسـاب شـده اسـت، و مانـع می‌شـود از این‌که انسـان کارهایـی بکنـد کـه عرفـاً حاکی از لاابالـی بودن او نسـبت به دین اسـت و احتیاط آن اسـت کـه اجتنـاب از کارهایـی که منافـات با مـروت دارد، معتبر باشـد، اگرچـه بنابر أقـوا، معتبـر نیسـت. و امـا گناهـان کبیره، هر معصیتی اسـت که نسـبت بـه آن وعده و تهدیـد بـه آتـش یـا عقـاب داده شـده اسـت، یا شـدیداً بـا آن برخورد شـده اسـت، یـا دلیلـی دلالـت می‌کنـد کـه آن گنـاه از بعضـی از کبائـر بزرگتر یـا مانند آن اسـت، یـا عقـل حکـم می‌کنـد کـه کبیره اسـت، یـا در اذهان اهـل شـریعت و تدین مسـلماً چنیـن اسـت یـا نصّـی (از وحی) وارد شـده که کبیـره اسـت.»(امام خمینـی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۹۹)

شـرایط و نصـاب حدّاقلـی بـرای امـام جماعـت، همان‌هایی اسـت که در کتـب فقهی و رسـاله‌های عملیّـه ذکـر شـده اسـت.[2] (امـام خمینـی، ۱۳۶۳، ص ۲۹۱) امـا ایـن سـقف تعالـی بـرای امام نیسـت؛ امام جماعت می‌تواند در مسـیر رشـد معنـوی، احراز شـرایط باطنـی و تزکیـه خویـش گام بـردارد و مأمـوم خـود را نیز دسـتگیری کند.

---

[1] - «افضـل الصفـوف اولهـا، و افضـل اولهـا مـا قـرب مـن الامـام - فـان کنـت خلـف الامـام، فـلا تقـم فـی الثانـی، ان وجـدت فـی الاول موضعـا»

[2] - «امـام جماعـت بایـد بالـغ و عاقـل و شـیعه دوازده امامـی و عـادل و حـلال زاده باشـد و نمـاز را بـه طـور صحیـح بخوانـد، و نیـز اگـر مامـوم مـرد اسـت امـام او هـم بایـد مـرد باشـد و اقتـدا کـردن بچـه ممیـز کـه خـوب و بـد را می‌فهمـد بـه بچـه ممیـز دیگـر جایـز نیسـت. و احتیـاط واجـب آن اسـت کـه امـام زن نیـز مـرد باشـد.»

ملّا محمد مهدی نراقی پیرامون شرایط باطنی امام جماعت می‌گوید: «سزاوار است امام جماعت در میان مردم به فزونی صفای دل و رو آوردن به خدا و خشوع و خضوع و دیگر شرائط باطنی ویژگی و امتیاز داشته باشد؛ زیرا او پیشوای ایشان است و نفوس آن جماعت را به سوی خدا می‌کشاند پس بسیار زشت است که دل او در نماز غافل یا در وادی وسوسه‌های باطل باشد و از این بدتر و زشت‌تر و ناپسندتر آن که التفات دل او به کسانی که در پشت او هستند بیشتر از التفات دل به صاحب مُلکی باشد که بر همه احاطه دارد. آیا از دانای نهانی‌ها شرم نمی‌کند که خود را به عنوان پیشوای امّت می‌گمارد و در جای رسولان خدا و اوصیای راشدین او می‌ایستد و از ایشان نیابت می‌کند، در حالی که دل او از عموم مردمی که به او اقتدا نموده‌اند بیشتر از عظمت و جلال الهی دگرگون می‌شود. پس هر امام جماعتی باید خود را بیازماید اگر این صفات پلید در او نبود امامت کند وگرنه ترک نماید و خود را به هلاکت نیفکند.» (نراقی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۴۵۲)
اصل عدالت، اگر برای امام جماعت، شرط است، برای مأمومین هم الگوی زندگی است. عدالتی را که به معنا و تعریف دقیق فقهی آن ذکر شد، می‌تواند در معنای عام‌تر و وسیع‌تری در نظر گرفته شود و مثلاً عدالت اجتماعی را هم لحاظ کرد.

۴-۱. روش تقوا

تقوا روشی است که بر اساس اصل عدالت استخراج می‌شود. تقوا یعنی حفظ حریم و مرزهای الهی. با حفظ حدود است که می‌توان از گناهان کبیره و صغیره دور ماند و حالت نفسانی عدالت را بدست آورد. با تقواست که راه خروج از هر تنگی نفسانی یا مادی گشوده می‌شود: «و من یتق الله یجعل له مخرجاً»(طلاق/۲)
تقوا امام و مأموم را در حیطه عدالت حفظ می‌کند. «التُّقَی رَئِیسُ الأَخْلَاق؛ تقوا در رأس همه ارزش‌های اخلاقی است.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۱۰) پس روش تقوا شایسته است که در نظام تربیتی مسجدمحور، در رأس همه روش‌های تربیتی نیز قرار گیرد. امام(ع) فرمود: «بر تقوا و راستی مواظبت کن، که دین در این دو

جمع است.»[1] (محمدی ری‌شهری، ج ۴، ص ۱۷۶)

روش تقوا، در زیرمجموعه خود روش‌های دیگری را اقتضا می‌کند. از پیامبر خدا ﷺ روایت شده است: «آدمی در زمره تقوا پیشگان نباشد مگر آنگاه که سخت‌تر از حسابرسی شریک از شریکش، از خود حساب کشد تا بداند که از کجا خورده است، از کجا آشامیده است، از کجا پوشیده است، از حلال یا از حرام؟»[2] (محمدی ری‌شهری، ج ۳، ص ۸۳)محاسبه یکی از روش‌های ذیل تقواست.

امام علیه السلام: «کسی را که تقوا بلند مرتبه اش کرده است، پَست مشمارید و کسی را که دنیا بالا برده است، بزرگ ندانید.»[3](نهج‌البلاغه / خطبه ۱۹۱)

۴-۲. روش ادای حقوق دیگران

از شعبه‌های عدالت، چه عدالت فقهی و چه عدالت اجتماعی، رعایت حقوقی است که فرد مسلمان نسبت به دیگران بر گردن دارد. هر قدمی که انسان بر خلاف اصل عدالت و رعایت حقوق غیر، بردارد، حکم ظلم را دارد؛ و ظلم عواقب گرانی دارد. یکی از نتایج به گردن داشتن مظلمه، نهی الهی از ورود به مسجد است.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «خداوند به من وحی فرمود که: ای از تبار پیامبران! ای از تبار هشدار دهندگان! به قوم خود هشدار ده که هرگاه یکی از آنان نسبت به یکی از بندگان من مظلمه‌ای به گردن داشته باشد، به هیچ‌یک از خانه های من وارد نشود؛ زیرا تا زمانی که در برابر من به نماز ایستاده او را لعنت کنم مگر این که آن مظلمه را رد کند. در این صورت گوش شنوا و چشم بینای او شوم و از دوستان و برگزیدگان من باشد؛ و در بهشت، همراه پیامبران و صدّیقان و شهیدان، همسایه من شود.»[4](مجلسی، ۸۴ / ۲۵۷ / ۵)

---

[1] - «الإمامُ عليٌّ عليه السلام: علَيكَ بالتَّقوى و الصِّدقِ، فَهُما جِماعُ الدِّينِ.»

[2] - «لا يَكونُ الرَّجُلُ مِنَ المُتَّقينَ حتّى يُحاسِبَ نَفسَهُ أشدَّ مِن مُحاسَبَةِ الشَّريكِ شَريكَهُ، فَيَعْلَمَ مِنْ أينَ مَطْعَمُهُ ؟ و مِن أينَ مَشْرَبُهُ ؟ و مِنْ أينَ مَلْبَسُهُ ؟ أ مِن حِلٍّ أمْ مِن حَرام.»

[3] - «لا تَضَعوا مَن رَفَعَتهُ التَّقوى، و لا تَرفَعُوا مَن رَفَعَتهُ الدنيا .»

[4] - «أوحَى اللهُ إلَيَّ أن يا أخا المُرسَلينَ يا أخا المُنذِرينَ أنذِرْ قَومَكَ لا يَدخُلُوا بيتا مِن بُيوتي و لأحَد مِن عِبادِي عِندَ أحَدِهِم مَظلمَةٌ، فإنّي ألعَنُهُ ما دامَ قائما يُصَلّي بينَ يَدَيَّ حتّى يَرُدَّ تلكَ المَظلمَةَ، فَأكُونَ سَمعَهُ الذي يَسمَعُ بِهِ، و أكُونَ بَصَرَهُ الذي يُبصِرُ بِهِ، و يكونَ مِن أوليائي و أصفيائي، و يكونَ جارِي مَعَ النَّبِيِّينَ و الصِّدِّيقينَ و الشُّهَداءِ في الجَنَّةِ.»

» نتیجه

بایـد مسـجد را از نـو شـناخت. نـگاه تازه مسـئله محور و ناظـر به مشـکلات پیرامونی بـه نهاد مسـجد بـه عنوان یـک پایگاه مهـم در اجتماع مسـلمانان، نقش خـاص آن را بیـش از پیـش معرفـی می‌کنـد. این نوشـتار، سـعی نمود نـگاه تحلیلـی و نظام‌مندی به مسـجد داشـته باشـد و از تک تک زوایای نظام مسـجد، برای نظام تربیتی اسـلامی توشـه برگیرد. با این نگاه و با توجه به فلسـفه وجودی مسـجد و فلسـفه ارسـال دین بـرای بشـر، ایـن نتیجه حاصل شـد که اهـداف مسـجد، تربیتی، و اصـول و روش‌های حاکـم بـر آن نیـز، اصـول و روش‌هایـی تربیتـی هسـتند. اگرچـه از منظر اسـلام، امر تربیـت، هیـچ‌گاه بـرای انسـان تعطیـل نمی‌شـود؛ امـا بهتریـن و طلایی‌تریـن فرصت بـرای بهتریـن و مؤثرتریـن تربیـت، دوران کودکـی و نوجوانـی اسـت. لـذا هـر یک از اصـول و روش‌هـای تربیتی مسـجد، برای قشـر کـودک و نوجوان، اهمیّـت خاص دارد و برنامه‌ریـزی ویـژه می‌طلبـد.

حاصـل آن‌کـه نظـام تربیتـی مسـجدمحور کـه بـا اهـداف و اصـول و روش‌هایـش تـا حـد امـکان و وسـع، معرفی شـد، ثابـت می‌کند کـه کارآمدی و نتیجه‌بخشـی بسـیار بیشـتر و سـریع‌تری نسـبت بـه نظام‌هـای تربیتـی دیگـر دارد و برای جامعه اسـلامی کنونـی، بهتریـن انتخاب اسـت.

» منابع:

» قرآن کریم.
» ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، تهران، کتابچی، چاپ ششم،۱۳۷۶ ش.
» ابـن شـعبه حرانـی، حسـن بـن علـی، تحـف العقـول، تصحیـح غفـاری، علـی اکبـر، قـم، جامعـه مدرسـین، چـاپ دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق.
» ابوالقاسـمی، محمدجـواد، امـام و مأمـوم در جلـوه گاه حضـور، تهـران، یـاس کبـود، چاپ دوم، زمسـتان. ۱۳۷۸.
» امام خمینی قدس سره، رساله الأحکام(رساله توضیح المسائل)، انتشارات رشیدی، ۱۳۶۳.
» امـام خمینـی قدس سره، سـید روح الله، تحریرالوسـیله، ترجمـه قاضـی زاده و اسـلامی، دفتـر انتشـارات اسـلامی، ۱۳۶۶.
» امـام خمینـی قدس سره، سـید روح الله، تحریرالوسـیله، ترجمـه قاضـی زاده و اسـلامی، دفتـر انتشـارات اسـلامی، ۱۳۶۶.
» امـام خمینـی قدس سره، سـیدروح‌الله، صحیفـه نـور، تهـران، وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی، سـازمان مـدارک فرهنگـی انقـلاب اسـلامی، ۱۳۷۰.
» باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵.
» تمیمـی آمـدی، عبـد الواحـد بـن محمـد، غـرر الحکـم و درر الکلـم، قـم، دار الکتـاب الإسـلامی، چـاپ: دوم،۱۴۱۰ق.
» حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام ، چاپ: اول،۱۴۰۹ق.
» راغـب أصفهانـی، حسـین بـن محمـد، مفـردات ألفـاظ القـرآن، بیـروت- دمشـق، دار القلـم- الـدار الشـامیه، ۱۴۱۲ق.
» راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر (للراوندی)، قم، دار الکتاب، چاپ اول، بیتا.
» طباطبایـی، سـید محمـد حسـین، تفسـیرالمیزان، ترجمـه سـید محمدباقـر موسـوی همدانـی، دفتـر انتشـارات اسـلامی، بی‌تـا.
» طبرسـی، حسـن بـن فضـل، مـکارم الأخـلاق، قـم، انتشـارات شـریف رضـی، چـاپ چهـارم ، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ ش .
» طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی للطوسی، قم، دار الثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
» فیض کاشانی، محجه البیضاء، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
» قمـی، شـیخ عبـاس، مفاتیـح الجنـان، ترجمـه الهـی قمشـه ای، مرکـز نشـر فرهنگـی رجـا، چـاپ اول، ۱۳۶۹.
» کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
» مجلسـی، محمـد باقـر بـن محمـد تقـی، بحـار الأنـوار، بیـروت، دار إحیـاء التـراث العربـی، چـاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
» محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مؤسسه علمی-فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۹.
» مشـایخی راد، شـهاب الدیـن، اصـول تربیـت از دیـدگاه اسـلام، «روش شناسـی علـوم انسـانی»، پاییـز۱۳۸۱، شـماره ۳۲، ص۵۰ تـا ۶۸.
» مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، بی‌تا.
» نراقـی، مـلا مهـدی، علـم اخـلاق اسـلامی، (ترجمـه جامـع السـعادات) ترجمـه سـید جـلال الدیـن مجتـوی، قـم، انتشـارات حکمـت، چـاپ چهـارم، ۱۳۷۷.
» نـوری، حسـین بـن محمـد تقـی (محـدث نـوری)، مسـتدرک الوسـائل و مسـتنبط المسـائل، قـم، مؤسسـه آل البیـت علیهم السلام ، بی‌تـا.
» نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.

نقش مساجد در شکل‌گیری هویت دینی کودکان و نوجوانان

ابراهیم اخوی[1]

چکیده

هویت دینی همانند دیگر ابعاد هویتی هر انسانی، نیازمند زمان و برنامه‌ریزی درست تربیتی برای شکل‌گیری صحیح می‌باشد. در رویکرد تربیت دینی، توجه به مکان و فضای روان‌شناختی حاکم بر آن، از عناصر مهم شمرده می‌شود. مسجد، به عنوان نهاد و نماد دینی، سهمی بسزا در شکل‌گیری هویت دینی مثبت یا آشفتگی هویتی دارد. از این رو، در مقاله حاضر برآنیم تا راهبردها و راهکارهای هویت بخشی مسجد به گروه سنی کودک و نوجوان و نیز آسیب‌های فراروی آن بررسی شده و زوایای گوناگون این مسئله گردد.

کلید واژه‌ها:

هویت، مسجد، هویت دینی، کودک، نوجوان، تربیت دینی.

[1] . دانش آموخته حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد روان‌شناسی.
email:e.akhavi@gmail.com

» مقدمه

هویت دارای ابعاد گوناگون و تعریف‌های متنوعی است. ساده‌ترین راه درک این مفهوم این است که آن را با واژه خودیابی معادل بدانیم. با توجه به این، ابعاد آن هم قابل درک خواهد بود. به عنوان مثال در هویت دینی، فرد نسبت به عقاید و باورهای مذهبی خود به نوعی شناخت و ثبات می‌رسد. دستیابی به این خودیابی دینی، نیازمند پیمودن مسیری صحیح و بهره‌گیری از همه منابعی است که چنین شناخت عمیقی را به او ارزانی می‌کنند. ابتدایی‌ترین منبع دستیابی به دین، والدین و سپس محیط‌های مرتبطند. مدارس مذهبی، دوستان، منابع مطالعاتی، سبک زندگی والدین و برنامه‌های معنوی که در طول زندگی فرد رخ می‌نماید، همگی در این شکل‌گیری سهیم است. مساجد، یکی از مراکزی است که سهم شایسته‌ای در رسیدن افراد به چنین بینش ژرفی دارند. مساجد، در ابعاد آموزشی، احساسی و نیز زمینه‌سازی برای تولید رفتارهای دینی، سبب بروز و شکل‌گیری هویتی در مخاطبان می‌گردد که از آن به هویت دینی یاد می‌کنند. زمانی که از هویت یاد می‌کنیم، از پروسه‌ای یاد می‌کنیم که جرقه‌های اولیه آن در سال‌های نخستین زندگی پدید آمده، در نوجوانی نیرو می‌یابد و در جوانی به یک انتخاب و منش تبدیل می‌شود. از این رو، همانند یک ساختمان بلند که از آجرهای متعددی تشکیل شده است، نظام شکل‌گیری هویت دینی نیز مدیون رخدادهای فکری، احساسی و رفتاری در طول زندگی است که با تکمیل آن هویت دینی پدیدار گشته و با پایبندی به آن، با یک شخصیت دینی ماندگار روبرو خواهیم شد. به تعبیر دیگر، هویت مسئله‌ای تحول‌نگر است به طوریکه تمام دوره‌های زندگی از خردسالی تا کودکی و نوجوانی در رسیدن به وضعیتی شفاف و مشخص و یا آسیب‌دیدگی در شکل‌گیری هویت در هر یک از ابعاد آن، نقش دارند. از این رو، زمانی که به عنوان مثال از نقش مکان‌های مذهبی در شکل‌گیری هویت دینی سخن به میان می‌آید، این نقش در سراسر مدت زندگی بزرگسال امروز و خردسال دیروز سهم داشته و مؤثر بوده است.

آنچه مهم به نظر می‌رسد، توجه به ظرافت‌هایی است که به واسطه مسجد در

شـکل‌گیری ایـن هویـت نقـش دارنـد و بی‌توجهـی بـه آن، ممکـن اسـت سـبب بروز آسـیب‌هایی در مرتبطـان بـا مسـجد گـردد و نـه تنهـا هویـت دینـی محکمـی را بـه آنهـا نبخشـد، بلکـه بـا بروز مسـائلی چـون دلزدگـی، بداخلاقی‌هـا و مانند آن شـاهد مسـجدگریزی و حتـی دین‌گریـزی کسـانی باشـیم که دوره‌ای از سـن خـود را با این مـکان مقـدس مأنـوس بـوده و اکنون به سـویی دیگر کشـیده شـده‌اند که تناسـبی با فضـای فکـری و معنـوی پیـش از آن ندارد.

» الف) تعریف هویت و اقسام آن

تعریف هویت با واژه ها و اصطلاحات گوناگونی همراه گردیده است و تفاوت‌هایی از جهت زاویه نگاه به این مسئله وجود داشته است. به نظر دکتر محمد رضا شرفی، روان‌شناس و نویسنده کتاب جوان و بحران هویت، از جهت تعریف عملیاتی هویت، می‌توان چنین گفت که اگر آدمی برای پرسش‌های زیر پاسخ‌های مطمئن و متقاعدکننده‌ای بیابد، در حقیقت هویت خویش را باز یافته است:

بداند جایگاه، منزلت و مرتبت او دقیقاً چیست و چه تعریفی دارد؛

آگاه باشد که چه پیوندها، رشته‌ها و ارتباط‌هایی او را به خود و جهان خارج از خود متعلق می‌سازد؛

درک کند که چه نقش‌ها، وظایف و مسئولیت‌هایی در قبال خود و دیگران بر عهده دارد؛

شناخت واقع‌بینانه‌ای از توقعاتش نسبت به خود و دیگران به دست آورد و نسبت خود را به گذشته، حال و آینده به درستی بداند. (محمدرضا شرفی، ۱۳۸۰، ص)

همچنین ایشان هویت را به فردی (شخصی)، خانوادگی، ملی، دینی، اجتماعی، فرهنگی و تمدنی تقسیم می‌کند.

برخی دیگر از محققان معتقدند در اصل هویت امری چند لایه یا چند سطحی است و بر پایه تعدد قرار دارد. این لایه‌ها و سطوح هویت زندگی انسانی از هستی درونی فرد تا هستی جهانی وی را در بر می‌گیرد. بنابراین مفهوم، هویت دارای پیچیدگی زیادی می‌باشد و این امر باعث شده است که این مفهوم دارای ابعاد متفاوت باشد؛ از جمله هویت اجتماعی، هویت فردی، هویت شغلی، هویت خانوادگی، هویت قومی و هویت دینی. (خدیجه سفیری و زهرا نعمت الهی؛ ۱۳۹۱، ص ۳۹-۷۰) در مقاله حاضر، درصدد تبیین هویت دینی و نقش مسجد در شکل‌گیری این هویت هستیم.

» ب) تعریف و اهمیت هویت دینی

بـر اسـاس نظر پژوهشـگران، هویـت دینی را می‌تـوان مجموعه‌ای شـناختی، اعتقادی و روانـی شـامل ارزش‌هـا، هنجارهـا، باورهـا، احساسـات، نمادهـا، طـرز تلقی‌هـا و آگاهی‌هـای مختـص بـه یـک خـود فردی-اجتماعـی دانسـت کـه حـول یـک محـور غایـی (مفهـوم مقـدس) سـازمان یافته اسـت بـا اثرگـذاری بـر کنش‌هـای اجتماعی، از یک سـو سـبب همبسـتگی و انسـجام درون‌گروهـی (درون دینـی) در میان اعضای گـروه (دینـداران) می‌شـود و از سـوی دیگـر موجبـات تمایـزات برون‌گروهـی (بـرون دینـی) را بـا دیگـر افـراد و گروه‌هـا فراهم مـی‌آورد. همچنین هویت دینی را به سـبب اهمیـت فـوق العـاده و جایـگاه والای آن می‌تـوان مهم‌تریـن بعـد هویـت دانسـت که نقـش بسـزایی در هویـت بخشـی بـه افـراد جامعـه ایفـا می‌کنـد. (رئوفـی، محمـود؛ ۱۳۸۹، ص۹۱-۱۱۲) اهمیـت ایـن مسـئله تـا جایی اسـت کـه گفته‌اند بـرای کودک دنیایـی ارزش دارد کـه بتـوان از راه مذهب آن را شـناخت. (پورشـه، سـوزانه؛ ۱۳۸۶، ص ۷۰).

» ج) ابعاد هویت دینی

خـود هویـت دینی هـم دارای سـطوح و لایه‌های گوناگونی اسـت که در روان‌شناسـی دیـن از آن صحبـت بـه میـان آمـده اسـت کـه بـا توجه بـه موضوعـات مرتبـط با آن ماننـد محیط‌هـای تربیـت دینـی، والدیـن و دیگـر عناصـر شـکل‌گیری هویـت دینی می‌توانـد متفـاوت باشـد. بـر اسـاس پژوهشـی، هویت دینی یکـی از ابعـاد مهم هویت اجتماعـی اسـت کـه متضمـن سـطحی از دینـداری اسـت کـه بـا «مـای جمعـی» یا همـان اجتمـاع دینـی مقارن اسـت. در واقع هویت دینی نشـان دهنده احسـاس تعلق و تعهـد بـه دیـن و جامعـه دینـی اسـت. هویـت دینـی در واقع همـان آثـار و عوارض ناشـی از حمـل وصـف دیـن بـر فـرد دیندار اسـت. به تعبیـر بهتر بـا پذیـرش دین به عنـوان یـک اصـل اعتقـادی، در زندگی فرد مؤمـن تغییـرات و نتایج مهمـی در وجوه مختلـف حیـات حاصـل می‌شـود. با توجـه به اینکـه یکـی از ویژگی‌های هویـت، ابعاد چندگانـه آن اسـت، هویـت دینی نیـز دارای ابعاد مختلفی اسـت که موارد زیر شـامل می‌شـود.

۱. بعد دینداری و نگرش به نفس دین

«دینـی بـودن» عنوان عامی اسـت که به هـر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشـانه‌های دیـن در آن متجلـی باشـد اطـلاق می‌شـود. تجلـی ارزش‌هـا و نشـانه‌های دینی بودن فـرد را می‌تـوان در نگـرش، گرایـش و کنش‌هـای آشـکار و پنهـان او شناسـایی کرد. فـرد متدیـن از یک سـو، خـود را ملزم بـه رعایت فرامیـن و توصیه‌های دینـی می‌داند و از سـوی دیگـر، اهتمـام و ممارسـت‌های دینـی، او را بـه انسـانی متفاوت بـا دیگران مبـدل می‌سـازد. بدیـن طریق می‌تـوان بـا دو نشـانه او را از دیگران بازشـناخت؛ یکی از طریـق پایبنـدی و التـزام دینـی‌اش و دیگـری پیامد دینـداری و آثار تدیّـن در فکر و جـان و عمـل فـردی و اجتماعـی او. پـس دینـداری بـه بیـان کلـی، یعنـی داشـتن اهتمـام دینـی به نحـوی که نگـرش، گرایش و کنش‌های فـرد را متأثر سـازد. گلارک و اسـتارک ویژگی‌هـای مرتبـط با دینـداری را حول پنـج بعد زیر جمع‌بنـدی کرده‌اند کـه در ایـن بررسـی بدان اسـتناد شـده اسـت. ایـن پنج بعد به شـرح زیر اسـت.

- بعـد اعتقـادی یـا باوردینی که نوعـی ادراک فردی برخاسـته از معرفت دینی اسـت کـه دربـاره حقانیـت اصـول دینـی به فـرد بینـش خـاص می‌دهـد. در واقع ایـن بعـد دربرگیرنـده باورهایی اسـت کـه انتظار مـی‌رود یک فرد با توجـه به دین خـاص خود بـه آن‌ها اعتقاد داشـته باشـد.
- بعـد مناسـکی و اعمـال دینی که مشـتمل بر دو دسـته می‌باشـد؛ یکی تحت عنوان شـعائر و مناسـک مطرح اسـت و عبارت اسـت از آداب و رسـوم و مراسـمی کـه هـر دیـن از پیـروان خود انتظـار دارد کـه بدانها عمل شـود؛ دیگری پرسـتش و دعـا کـه اعمـال دینـی و خصوصـی و غیر رسـمی اسـت که فـرد آن‌هـا را فقط با رضایـت خاطـر و بـدون هیچ گونـه اجباری انجـام می‌دهد.
- بعـد عاطفـی یا تجربی کـه ناظر به عواطـف، تصورات و احساسـات پیروان یک دیـن بـه وجودی ربوبـی، همچون خدا یا واقعیتـی غایی و اقتداری متعالی اسـت.
- بعـد فکـری یـا دانش دینی که مشـتمل بـر اطلاعـات و دانسـته‌های بنیادی در مـورد معتقـدات هر دین اسـت.
- بعـد پیآمـدی یـا آثـار دینـی کـه ناظـر بـر اثـرات باورهـا، اعمـال، تجـارب و دانـش دینـی بـر زندگـی روزانه اسـت و به عبـارت دیگـر تأثیر و انعـکاس دین در رفتارهـای روزمره اسـت.

۲. بعد فرهنگی (تعهدی)

تعهـد دینـی مجموعـه‌ای از عناصر شـناختی نمادین و عملی اسـت که میراث سـنتی خـاص را تشـکیل می‌دهـد. مثل آموزه‌هـا، کتابها، رفتارهـا و آیین‌ها، تاریخ اندیشـه‌ها و شـیوه‌های اندیشـه‌ورزی کـه ریشـه در فعالیت‌هـای اجتماعـی اجتماعـات دارد، عـادات غذاخـوردن، لباس پوشـیدن، امـور بهداشـتی و نظایر آن که با نظـام اعتقادات مرتبطانـد، هنـر و آموزه‌هـای زیباشـناختی کـه بـه طـور عملی توسـعه یافته اسـت و بـا ایـن اعتقـادات ارتباط دارد و نظایـر آن عناصر بعـد فرهنگی هویت اسـت. در واقع، بعـد فرهنگـی، نگـرش مثبـت به میـراث فرهنگـی ـ مذهبی مسـلمانان و تـلاش برای حفـظ و نگهداری آن اسـت.

۳. بعد تاریخی (تعلقی)

منظـور از آن آگاهـی و کسـب دانـش نسـبت بـه پیشـینه تاریخـی دیـن و احسـاس تعلـق خاطـر و دلبسـتگی بـدان اسـت. این بعد بـه آگاهی مشـترک افراد یـک جامعه از گذشـته تاریخـی دیـن خود و احسـاس دلبسـتگی بـه آن و اهتمام به حفـظ و زنده نگهداشـتن آن دلالـت می‌کنـد. (سـفیری و نعمـت الهـی ۱۳۹۱، ص ۳۹-۷۰)

هویت دینی و سلامت روانی

پژوهش‌هـا حاکـی از آن اسـت که دسـتیابی بـه هویت دینـی محکـم و صحیح، نقش بسـزایی در سـلامت روحـی و روانـی افـراد هـم ایفـا می‌کنـد. در پژوهـش علیخانـی تحـت عنـوان «رابطـه هویـت دینـی و سـلامت روان در دانشـجویان دانشـگاه آزاد اسـلامی» نتایـج بـه دسـت آمـده نشـان داد کـه بیـن هویـت دینـی و سـلامت روان رابطـه وجـود دارد. افـراد دارای هویـت دینـی موفـق، از تعامـلات و کنـش اجتماعـی مطلـوب برخـوردار بـوده، سـطح اضطـراب و افسـردگی آنها پایین اسـت. افـراد دارای هویـت دینـی آشـفته و دیـررس، دارای سـطح اضطـراب و افسـردگی بـالا و از لحـاظ کنـش اجتماعـی افـرادی ناموفـق می‌باشـند. همچنین در پژوهشـی که توسـط کزدیا و همـکاران، تحـت عنـوان «تردیدهای مذهبی و سـلامت روان در نوجوانان و جوانان» صـورت گرفـت، نتایـج حاصل از آن همبسـتگی مثبتـی را بین تردیدهـای مذهبی در سـطوح مختلـف ایمـان مذهبـی، بـا اضطراب و افسـردگی نشـان داد. در واقـع هر چه افـراد از لحـاظ اعتقـاد دینـی خـود را قـوی کننـد، سـلامت روانـی بهتـری دارنـد. در پژوهشـی، کـه توسـط کاویکاالنـا در خصوص محل عبادت، سـازگاری، سـلامت روانی در میـان مـردم اهـل پلینـزی در روز مقـدس، صـورت گرفـت، نشـان داد که شـرکت در مجالـس مذهبـی، سـازگاری جمعی و سـلامت روانـی را بهبود می بخشـد، زیرا در ایـن مجالـس، افـراد بـا اصلاح سـبک سـازگاری جمعـی و افزایـش میزان امیـدواری، سـلامت روانـی بهتری را کسـب مـی کنند.

نتیجـه نهایـی ایـن پژوهـش چنیـن گـزارش شـده اسـت: هرچـه افـراد هویـت دینی خـود را بسـازند، سـلامت روان آنهـا تضمیـن مـی شـود و بـرای زندگی خـود هدف و

معنـای لازم را کسـب مـی کنند. (حمید، گلسـتانی پـور و کریم نـژاد ۱۳۹۲، ص۷۹-۹۳) معنـای مقابـل ایـن پژوهـش چنیـن می‌شـود کـه اگـر عناصـر دسـت‌اندرکار در شـکل‌گیری هویـت دینـی کـودکان و نوجوانـان، ماننـد مبلغـان دینـی و مسـئولان مسـاجد بـا لحـاظ نکـردن ظرافت‌هـای کاری متناسـب بـا گـروه هـدف و رفتارهـای ناصـواب گریبانگیـر باشـند، در پدیدآیـی هویتـی نامطمئـن و آسـیب‌زا از جهت دینی نقـش داشـته‌اند و پیامدهـای مـادی و معنـوی آن را درک خواهنـد کـرد.

» د) هویت دینی و آسیب‌های فراروی آن

در زمانه کنونی بیش از هر وقت دیگری، مزاحم‌هایی برای شکل‌گیری هویت دینی وجود دارند. با توجه به رشد اطلاعات و دسترسی افراد حتی از سنین پایین به ابزارهای جهانی مانند اینترنت و ماهواره، روند شکل‌گیری هویت دینی نیز دستخوش نوساناتی است. از آنجا که وسایل ارتباط جمعی از جمله عوامل مهم در جریان جامعه‌پذیر شدن و تشکیل هویت افراد است و با توجه به اینکه تماشاگران پرمصرف، حس خطر و ناامنی شدیدتری از تلویزیون دریافت می‌کنند، بدین ترتیب ارتباط آنان با جمع کاهش یافته و در نتیجه میزان فردگرایی‌شان افزایش می‌یابد و همین امر تأثیراتی بر هویت دینی آن‌ها دارد. وسایل ارتباط جمعی از جمله عوامل مهم در جریان جامعه‌پذیر شدن و تشکیل هویت افراد است و جهانی سازی فرهنگی، فرهنگ‌ها و هویت‌های موجود را در کنار هم قرار می‌دهد که نتیجه آن نوعی نسبی شدن، همزیستی و رقابتی روزافزون است. بدین ترتیب با افزایش استفاده از وسایل ارتباطی، نسبی‌گرایی مردم افزایش می‌یابد و همین امر بر هویت دینی آن‌ها تأثیراتی می‌گذارد. از این رو، توجه به دست‌اندازهای مسیر پدیدآیی هویت دینی، می‌تواند در عبور موفق و سالم از آن مؤثر باشد. بنابراین، توجه به برخی از پژوهش‌های انجام شده لازم است.

آخوندی (۱۳۷۷) در تحقیقی با عنوان «هویت ملی و مذهبی جوانان مشهدی و تأثیر روابط اجتماعی بر آن» اذعان می‌کند که شرکت در مراسم مذهبی و ملی از عوامل تعیین کننده هویت ملی و مذهبی است و تماشای فیلم از طریق ویدئو از عوامل تضعیف کننده این رابطه است. سیدرضا عاملی (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان «تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین» آورده است که مذهب نقش تعیین‌کننده‌ای در قوت و ضعف شهروندی یک کشور و هویت فردی و اجتماعی آن جامعه دارد. به عبارت دیگر هنگامی که فرد خود را متعهد به دین بداند، نسبت به انجام تعهدات فردی و اجتماعی دیگر نیز متعهد می‌شود. حسین لطف‌آبادی و وحیده نوروزی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی چگونگی نگرش دانش آموزان دبیرستان و پیش دانشگاهی ایران به جهانی شدن و تأثیر آن

بـر ارزش‌هـا و هویـت دینـی و ملـی آن‌هـا» بیـان می‌کنند کـه پذیرش جهانی‌سـازی (نگـرش منفعـل) بیشـتر از همـه متأثـر از ضعـف هویـت ملـی و دینـی اسـت. نگرش فعـال بـه پدیـده جهانی شـدن و نگـرش مخالـف آن ناشـی از نیرومنـدی هویت دفاع از سـرزمین و قـدرت هویـت اعتقـادی و عملکـردی اسـت. بهـزاد دوران (۱۳۸۵) در تحقیقـی بـا عنـوان «تأثیـر اینترنـت بـر هویـت همسـالان» ابـراز می‌کنـد کـه وجود رابطـه میـان کاربـری اینترنـت و هویـت همـالان تأیید نشـده و میان هویـت همالان زن و مـرد تفـاوت معنـی‌داری مشـاهده نشـده اسـت و دیگـر اینکه هویت همـآلان با متوسـط وقـت صـرف شـده در روز بـرای تماشـای فیلم‌هـای ویدئویی رابطـه مثبت و معنـی‌دار دارد.

دستاوردهای نهایی این پژوهش در چند جمله بدین شرح گزارش شده است:

- میـزان اسـتفاده زمانـی اینترنـت بـه طـور مسـتقیم بـا میـزان هویـت دینی رابطـه معنـی‌دار معکوسـی بـه میـزان ۰/۱۱درصـد دارد؛ یعنـی با افزایـش میزان اسـتفاده زمانـی اینترنـت، هویـت دینـی مـردم کاهـش می‌یابـد.
- بیـن میـزان مصرف‌گرایی مـردم با میزان هویـت دینی آن‌ها رابطـه معنی‌دار معکـوس وجـود دارد؛ یعنـی هرچه مـردم مصرف‌گراتر باشـند میـزان هویت دینی آن‌هـا کاهـش می‌یابد.
- میـزان اسـتفاده زمانـی ماهـواره، بـه طـور مسـتقیم بـا میـزان هویـت دینی رابطـه معنـی‌دار معکوسـی بـه میـزان ۰/۳۰درصـد دارد؛ یعنـی با افزایـش میزان اسـتفاده زمانـی ماهـواره، هویـت دینـی مـردم کاهـش می‌یابـد.
- میـزان اسـتفاده برنامـه‌ای ماهـواره، به‌طـور مسـتقیم بـا میزان هویـت دینی رابطـه معنـی‌داری بـه میـزان ۰/۲۷درصـد دارد؛ یعنـی بـا افزایش میزان اسـتفاده برنامـه‌ای ماهـواره، هویـت دینـی مـردم کاهـش می‌یابد.
- افزایـش ارتباطـات جهانـی و جهانی شـدن، موجـب ایجاد تغییـرات فرهنگی بسـیاری در جوامـع مختلـف شـده اسـت. رواج ارزش‌هـای گوناگـون از جملـه لذت‌گرایـی، مصرف‌گرایـی، نسـبی‌گرایی و فردگرایـی عوامـل تهدید کننـده تعلق خاطـر بـه هویـت دینـی بـه خصـوص در میـان جوانـان اسـت. در واقـع، هویـت

فرهنگـی و دینـی از تهاجـم فرهنگـی تهدیـد می‌شـود. همان‌طـور کـه کاسـتلز نیـز جهـان آینـده را صحنـه کارزار دو قـدرت معتبر یعنـی جهانی شـدن و هویت می‌دانـد. (سـفیری و نعمـت الهـی ۱۳۹۱، صفحـه ۳۹-۷۰) مهم‌تریـن یافتـه ایـن تحقیـق نشـان می‌دهـد کـه هرقـدر میـزان اسـتفاده افـراد از اینترنـت و ماهواره بیشـتر شـود میـزان هویـت دینـی آنهـا کاهـش می‌یابـد. (همان)

» هـ) رابطه تلویزیون و هویت دینی

برخـی گمـان دارنـد اسـتفاده از رسـانه تلویزیـون بـه عنـوان ابـزاری بـرای تبلیـغ و شـکل‌گیری هویـت دینـی تـا جایـی اسـت کـه حتـی می‌توانـد جایگزیـن مناسـبی بـرای تربیـت دینی مسـتقیم والدین، مربیـان و مبلغان گردد و پدیدآیـی هویت دینی را سـبب شـود. بـرای بررسـی ایـن گمانـه، پژوهشـی علمـی و میدانـی توسـط آقـای خیـری انجـام شـد که نتایـج حاکی از آن اسـت که تلویزیـون در سـطح هویت فردی نمی‌توانـد ابـزار مناسـبی بـرای تبلیغ دینی باشـد؛ چه در این سـطح احساسـات غرایز غلبـه داشـته و در تلویزیـون زمینـه بهـره گیـری از سـرگرمی و امـور ملایـم بـا طبع زیسـتی او فراهـم اسـت و حـال و هـوای آن بـا حال و هوای مسـجد که آدمـی خود را در فضایـی معنـوی احسـاس می‌کند و احسـاس تکلیـف در او تبلور می‌یابـد، متفاوت اسـت. پـس بایـد تـلاش کـرد افـراد با مراکـز تبلیـغ سـنتی از جملـه مسـجد ارتباط برقـرار کننـد؛ چـه اینکـه در این فضا زمینه شـکوفایی اسـتعدادهای فطـری و ادراکی فراهـم می‌گـردد. نهایـت تأثیر تبلیـغ تلویزیونی در سـطح هویت فـردی، تأثیر اقناعی اسـت. ایـن تأثیـر با تأثیـر ارشـادی و افزایش دهنده شـناخت و انگیزش فاصله بسـیار دارد. بـرای ترویـج دیـن بایـد درمقـام تربیـت برآمـد و تربیت فضا و شـرایط مناسـب خـود را مـی طلبد. در مسـجد اسـت که هم فضای مناسـب برای هویـت پذیری دینی فراهـم مـی شـود و هـم از تـوده‌ای شـدن افـراد در جامعـه ماشـینی و صنعتـی امروز جلوگیـری بـه عمـل می‌آیـد و مسـجد اسـت که سـازنده افـراد آمـاده فـداکاری برای دیـن و کشـور می‌باشـد. تلویزیـون ممکـن اسـت بـه ایـن امـور بپـردازد امـا بـا تغییر کانـال حـال و هـوای مخاطـب عوض می‌شـود ولی حال و هوای مسـجد همـواره ثابت اسـت. (خیری ۱۳۸۷، ص۳۹-۵۴)

» و) بحران هویت؛ تفسیر، بررسی عوامل و نشانه‌های آن

بیشترین تلاش برای دستیابی به هویتی جامع و مشخص از دوران نوجوانی آغاز می‌شود. البته زمینه‌های آن پیش از نوجوانی وجود داشته‌اند. دکتر دن فونتل، روان‌شناس کودک و نوجوان معتقد است که در دوران بلوغ، سطح فکر افراد گسترش پیدا کرده و تعالی می‌یابد. نوجوانان همزمان با شناختن هویت خود، قادر به تفکر انتزاعی هستند. آنها درباره مسائل کاملا جدی فکر می‌کنند، سؤالاتی چون من چه کسی هستم، چه چیزهایی اهمیت دارند، معنی و مفهوم زندگی چیست و به چه اموری باید معتقد بود، دارند. نوجوانان بر اساس پاسخ‌هایی که در برابر پرسش‌های خود می‌یابند، درباره جهانی که در آن به سر می‌برند، قضاوت می‌کنند. آنها می‌توانند به گونه‌ای بنیادین و تندروانه، آرمان‌گرا شوند و رو در رو با ارزش‌ها و سبک زندگی والدین خود که به طور معمول محافظه کارانه و واقع‌گرایانه است، قرار گیرند. (دن‌فونتل، ۱۳۸۵، ص ۲۸) بر اساس نظر دکتر شرفی، نوجوانان می‌توانند نقش‌های مختلفی را تجربه کنند، آنها را کاملا بیازمایند، برگزینند و دوست بدارند. کسانی که در نوجوانی با هویت‌های متعارض درست روبرو می‌شوند، به احساس جدیدی از خود دست پیدا می‌کنند که هم تقویت کننده و نشاط‌آور است و هم قابل قبول. نوجوانی که در حل بحران هویت ناموفق است، احساس گم‌گشتگی و رنج می‌کند. در این حالت فرد ممکن است از همسالان و خانواده‌اش منزوی شود یا هویت خود را در هویت جمع گم کند. تعداد زیادی ازکارهای غیرعادی نوجوانان ممکن است به دلیل سرگردانی نقش باشد. در اواخر نوجوانی، امکانات شغلی برای رشد هویت مسئله‌ای اساسی به شمار می‌رود. اعمال جنسی، سیاسی، مذهب و ارزش‌های اخلاقی نیز موضوعات مهمی برای تصمیم‌گیری‌های نوجوان هستند. باورهای مذهبی والدین به بسیاری از نوجوانان تلقین می‌شود، ولی آنها در اواخر نوجوانی متوجه می‌شوند که می‌توانند خودشان درباره مذهب تصمیم بگیرند. در مورد هویت سیاسی نیز بیشتر نوجوانان انتخاب‌های سیاسی والدین را منعکس می‌سازند، ولی در اواخر نوجوانی، به رأی خود عمل می‌کنند. متأسفانه برخی

از نوجوانـان بـرای کسـب اسـتقلال، همیشـه تصمیم‌هایـی مخالـف نظر والدین‌شـان اتخـاذ می‌کننـد. چنین رفتـاری نه فقط مـلاک موفقیت در رشـد خودکفایی یا هویت نیسـت، بلکـه نماینـده نوعـی هویـت منفی نیـز می‌باشـد. (شـرفی ۱۳۸۰، ص۱۷)

» ز) بحران هویت از نگاه اسلام

نوجوان در حقیقت نوعی بحران شناختی ـ عملی را تجربه می‌کند که او را به سوی یافتن حقایق جهان هستی و سپس عمل مناسب با آن فرا می‌خواند. به طور کلی می‌توان این مرحله را جستجو برای جهان‌بینی صحیح به منظور راه‌یابی به اهداف زندگی نامید. در تعدادی از روایات، پرداختن به این امر برای جوانان ضروری دانسته شده و گفته شده است که جوان باید در حال آموختن باشد و یا به دانش صحیح دست یافته باشد. امام علی (ع) به انگیزه انسان در پیگیری و حل بحران هویت بدین صورت اشاره می‌کنند که انسان دارای عطشی است که فقط با پیمودن راه خدا و لقای او فرو می‌نشیند. ایشان در جای دیگر انسان فرزانه و شایسته لطف خدا را کسی می‌داند که به حل سه سؤال درباره خود راه یافته باشد: از کجا آمده است؟ در کجاست؟ به سوی چه مقصدی راه می‌پوید؟ این سه شناخت در حقیقت دستیابی به نوعی معرفت درباره نفس است که لازمه‌اش شناخت مبدأ نفس یعنی خدای متعال، مقصد و منتهای نفس و شناخت نفس در این عالم است. از نظر اسلام آنچه در بحران هویت اهمیت اساسی دارد، مسائل اصیل جهان‌بینی است که در چگونگی شکل‌گیری نیروهای بالقوه فرد تأثیری عمیق به جای می‌گذارد. بنابراین می‌توان گفت حل صحیح مسائل اساسی در جهان‌بینی می‌تواند راه را برای حل مسائل دیگر باز کند. کسی که نسبت به خدای متعال شناخت پیدا کرده و به هدف و فلسفه وجودی انسان در این جهان پی برده است، با کسی که به این معرفت دست نیافته، در رفتارها و جهت‌گیری‌ها بسیار متفاوت است. (بی‌ریا و همکاران ۱۳۷۴، ص۹۹۷)

» ح) پیامدهای فقدان هویت

یکـی از راه‌هـای شـناخت اهمیـت هویت‌بخشـی دینـی و دیگـر ابعـاد هویتـی، توجـه کـردن بـه پیامدهـای فقـدان آن اسـت. زمانی کـه فرد پس از سـال‌ها هنـوز به وضعیت مشـخصی درباره مسـائل اصلی زندگی خود مانند مذهب دسترسـی پیدا نکرده باشـد، بـا آسـیب‌هایی روبـرو می‌شـود. برخـی از ایـن آسـیب‌ها از منظـر متخصصـان تربیتـی چنیـن تبییـن شـده‌اند که تحول بلـوغ، تصویر ذهنـی از بدن و هویت شـخصی نوجوان را تهدیـد می‌کنـد. نوجـوان بـا در نظر گرفتـن تجربیات گذشـته و قبول تحـولات بلوغ می‌خواهـد هویـت خویـش را از نـو بازسـازی کند. حتـی مخالفـت و سـتیز نوجوانان با والدیـن خـود و عصیـان آنهـا در برابـر ارزش‌هـا و قدرت‌هـا و دخالت‌های دیگـران برای تثبیـت هویـت و جدا نمـودن هویت خویش از سـایرین اسـت.

معمـولا والدیـن بـا این وضعیـت بحرانی نوجوانـان برخورد خوبـی ندارنـد و اغلب این وضعیـت را درک نمی‌کننـد. در خانواده‌هـا نوجوانـان مـورد بی‌مهـری قـرار می‌گیرند و در مواقعـی کـه نیـاز شـدید به دوسـتی و تفاهم متقابـل دارند، مورد هجـوم و انتقاد قـرار می‌گیرنـد. در هنـگام بحـران هویـت، نوجـوان دچـار تضادهـا و کشـمکش‌های ضـد و نقیـض اسـت. بـه پـدر و مـادر خـود علاقـه دارد و از طرفـی بـه خاطـر امـر و نهی‌هـای مکـرر آنـان تنفـر هـم دارد. هـم وابسـته بـه آنـان از نظـر اقتصادی اسـت و هـم می‌خواهـد مسـتقل عمـل کند و بـا آنهـا مخالفت می‌کنـد. این تضادهـای درونی بـه رفتارهـای متضـاد می‌انجامـد و باعـث رفتارهـای خصمانـه والدیـن می‌شـود. اگـر والدیـن ایـن بحران درونـی و تضادها را درک نکنند و نتوانند تفاهم مشـترکی داشـته باشـند، ایـن تضادهـا به عصیان و سرکشـی تبدیل می‌شـود. در بحـران هویت نوجوان شـدیداً دچـار اضطـراب و ناراحتـی ذهنی اسـت. بـه صورتی کـه نمی‌توانـد جنبه‌های مختلـف شـخصیت خـود را در یـک خویشـتن قابـل قبـول و هماهنگ سـازمان دهد. بـه هنـگام بحـران هویـت نوجـوان در سـه مورد یا بیشـتر از مـوارد زیر دچـار تردید و شـک اسـت: اهداف بلنـد مدت؛ انتخاب شـغل آینـده؛ الگوهای رفاقت؛ رفتـار و تمایل جنسـی؛ تشـخیص مذهبـی؛ نظـام ارزش‌هـای اخلاقـی و تعهـد گروهـی. ایـن علائـم حداقـل سـه مـاه وجـود دارند و باعـث اشـکال در عملکـرد اجتماعی می‌شـوند بحران

هویت نوجوان را به ابهام و سردرگمی می‌کشاند و دارای عوارضی مانند اختلال در احساس زمان و وقت، احساس شدید نسبت به خویش و شکل‌گیری هویت منفی است. (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۰) مسئولیت گریزی، از دست دادن توان و استعداد، دلمشغولی‌های بی‌هدف، ناتوانی در مهار هیجانات و داشتن شخصیتی منفعل نیز از عوارض ناکامی در شکل‌دهی هویت برای نوجوان است. (شرفی ۱۳۸۰، ص ۲۰-۲۴) برای کمک به نوجوانی که هویت خویش را بازنیافته و خود را نشناخته و در نقش خود ابهام دارد باید روابط باز و صمیمانه‌ای به وجود آورد و با تکیه بر نقاط مثبت وی او را به تجربه ارزش شخصی رهنمون شد. مشاوره فردی با نوجوانی که دچار بحران هویت است باید متوجه تأمین شرایطی باشد که تهدید را در فرد تقلیل دهد و موانع ادراکات وی از خویش را برطرف نماید. در برخورد مشاوره ای با چنین نوجوانی تفاهم توام با همدلی و احترام مثبت نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. در این صورت نوجوان از خویشتن بیشتر آگاه می‌شود و برای زندگی خود معنایی می‌یابد و مسئولیت انتخاب‌ها و تصمیم‌های زندگی خویش را بر عهده می‌گیرد. مشاوره گروهی نیز به شناخت هویت و توجه به علایق و کسب مهارت‌ها مخصوصاً ارتباطات اجتماعی به نوجوانان کمک می کند. نوجوانان در مشاوره گروهی فرا می‌گیرند که: همسالان آنان نیز مشکلاتی دارند، علی رغم اشتباهاتی که دارند اعضای گروه آنها را می‌پذیرند، قادر به درک دیگران هستند، می‌توانند به دیگران اعتماد کنند، وقتی احساسات خود را بیان کنند خود را بهتر می‌شناسند، با تبادل نظر در مشاوره گروهی افراد گروه هویت خود را درک می کنند و به ارزش خویشتن پی می‌برند و اهداف قابل وصولی را دنبال می‌کنند و مهارت های اجتماعی را رشد می‌دهند. (احمدی ۱۳۷۸، ص ۳۰) خودشناسی، تعیین هدف برای زندگی، پرورش خلاقیت، مسئولیت پذیری، تصحیح برداشت‌های شخصی، پذیرش جنسیت، الگوگرایی متعادل، بازآفرینی خاطرات دوران کودکی، تحلیل صحیح رویدادهای زندگی، مثبت گرایی، پرورش توانایی‌های فردی، تعدیل انتظارات دیگران و مانند آن، از دیگر پیشنهادهای روان‌شناسان برای دستیابی به هویت فردی است. (شرفی، ۱۳۸۰، ص ۲۰-۲۴)

» ط) شکل‌گیری هویت دینی با تکیه بر مسجد

۱. کودک و مسجد

«ایریس یاب» از کسانی است که مطالعات زیادی درباره مسائل معنوی کودکان و نوجوانان داشته است. وی درباره کودک و ارتباط او با مسجد می‌نویسد: «حضور در مسجد و دیگر مکان‌های مذهبی، زمینه‌ساز رشد معنوی کودکان است. مکان‌های مقدسی همچون مسجد به خدا اشاره دارند؛ از این رو، در اسلام برای مسجد قداست و اهمیت خاصی بیان شده و مسلمانان به استفاده از این مکان معنوی تشویق شده‌اند.» (یاب، ایریس، ۱۳۸۶، ص۱۲۹) همچنین در آموزه‌های دینی فرهنگ ارتباط با مسجد حتی در ریزترین مسائل آن مانند نحوه ورود و خروج به مسجد، توصیه به معطر و آراسته بودن، تمیز نگهداشتن مسجد، حفظ توجه معنوی در مسجد و پرهیز از جلوه‌های دنیاخواهی، اقامه نماز در مسجد و... مطرح شده است. در کنار این سفارش‌های معنوی، لازم به یادآوری است که معماری یک مکان مقدس هم ممکن است بتواند عظمت خدا را به یاد بیننده بیاورد یا احساس حضور خدا را در انسان زنده کند. این مکان‌ها معمولا دارای اهمیت تاریخی ـ مذهبی هستند. مکان‌های مقدس و معماری‌هایی که بیانگر حضور خداوند هستند، روح کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این فضاهای معنوی، زمینه روانی انس با مسائل دینی را در کودکان ایجاد می‌کنند. از ویژگی‌های عمده مساجد و مکان‌های مذهبی مانند زیارت‌گاه‌ها و حرم امامان معصوم علیهم‌السلام، امکان برقراری ارتباط با خداوند است. کودکان به همراه والدین خود در مراسم معنوی متعددی مانند شب‌های قدر، جشن میلاد معصومین و نیز مراسم شهادت آنان، مراسم دعا و نیایش‌های هفتگی، برگزاری مراسم نماز جماعت و دیگر عبادت‌ها که اکثراً در مسجد برگزار می‌شود، شرکت می‌جویند و گام‌های اولیه رشد معنوی خود را در چنین فضایی بر می‌دارند. بهره‌وری معنوی از این روش، منوط به مراعات شرایط آن و در نظر گرفتن پاره‌ای از محدودیت‌هایی است که کودک با آن روبروست. از این رو در این نوشته برآنیم تا نخست برداشت کودکان از این مکان مقدس و سپس راهکارهای بهره‌مند

ساختن کودک و استفاده از مسجد به عنوان یک پایگاه خداشناسی را مورد بررسی قرار دهیم.

۲. آمادگی کودکان برای بهره‌وری از مسجد

آمادگی روانی کودکان درباره حضور در مساجد متفاوت است. به گونه‌ای که خردسالان تا ۱۰ سالگی، نسبت به کودکان سنین بالاتر از چنین مکان‌هایی لذت کمتری می‌برند و این عدم علاقه در سن ۸ سالگی به اوج خود می‌رسد. در حالیکه کودکان سنین ۱۰ تا ۱۳ سالگی، احساس می‌کنند که مساجد باعث می‌شوند شخصیت اخلاقی و معنوی بهتری پیدا کنند. رفتن به مساجد لذت بخش می‌شود. لذت‌های عقلانی از داستان‌ها و مراسم دینی فزونی می‌یابد. همچنین دیدار دوستان و روابط دوستانه با بزرگترها آنان را متوجه لذت اجتماعی می‌کند. از نظر فرزندان ۱۳ ساله و بالاتر، عامل اعتقاد و ایمان است که بزرگسالان را به این مراکز می‌کشاند و به این محیط‌ها بیشتر به عنوان محل اجتماع مؤمنان و معتقدان به دین نگریسته می‌شود تا به یک ساختمان یا یک مؤسسه. به اعتقاد این گروه سنی، مشارکت در مراسم عبادیِ محیط‌های مقدسی چون مساجد، مایه تقویت ایمان و نزدیک‌تر شدن آنان به حالت معنوی و ارزش‌های اخلاقی می‌گردد.

۳. راهکارهای بهره‌مندسازی کودکان از مسجد

ایریس یاب و دیگر فعالان حوزه معنوی سازی کودکان، برای استفاده بهتر از مکان‌های مذهبی به ویژه مساجد، به والدین و مربیان مذهبی پیشنهادهایی دارند که می‌توانند در مسیر معنوی کودک از طریق ارتباط با این مکان‌های و اتفاقات خوب و بدی که در آن می‌افتد، اثربخش‌تر باشد. و گام‌های نخستین و حیاتی شکل‌گیری هویت دینی را در آنها تقویت کند:

- از برداشت کودکان نسبت به مکان‌های مذهبی همانند مسجد آگاهی داشته باشید تا بتوانید پاسخ‌گوی احساسات و پرسش‌های آنان در این زمینه باشید.

- برای شرکت کودکان خود در مراسم مذهبی برنامه‌ریزی کنید.
- با توجه به شرایط سنی و توانایی فرزند خود، او را تشویق کنید تا در فعالیت‌های گروه‌های مذهبی مانند هیئت‌ها شرکت کند.
- زمینه آشنایی فرزند خود را با اعضای گروه‌های مذهبی فراهم آورید. آنها را در برنامه‌های مخصوص کودکان شرکت دهید و تشویق‌شان کنید تا در کلاس‌ها یا برنامه‌های آمادگی برای عضویت در گروه شرکت کنند. حضور آنها در این جلسات و فعالیت‌ها می‌بایستی منظم باشد.
- فرزند خود را به تنهایی برای شرکت در مراسم مذهبی نفرستید بلکه او را همراهی کنید تا به او نشان دهید که به ارزش‌های دینی و مذهبی احترام می‌گذارید.
- نوع رفتار در مراسم مذهبی و اماکن مقدس را به فرزند خود بیاموزید.
- قبل از شرکت در مراسم، ماهیت آن را به زبانی ساده و قابل درک برای فرزند خود شرح دهید و علت شرکت خود را برایش توضیح دهید.
- فرزندتان را با مراسم و تشریفات مذهبی آشنا سازید.
- فلسفه و جزئیات مراسم مذهبی را برای فرزندتان توضیح دهید تا حضور او در این مراسم آگاهانه باشد.
- به فرزندتان بیاموزید که هنگام دعا کردن چگونه باید دست‌ها را نگاه داشت. همچنین حرکات نماز را به او بیاموزید.
- قبل از برگزاری مراسم، در صورت امکان فرزند خود را به دیدن مکان برگزاری مراسم ببرید و کارهایی را که باید انجام بدهد، برایش توضیح دهید.
- رفتارهای شایسته را برایش توضیح دهید و سعی نمایید که او را به تمرین آنها تشویق کنید.
- رعایت حقوق و احترام به دیگران را در تمامی موقعیت‌های زندگی، به فرزندتان بیاموزید. اگر در طول روز، برخوردی آموزشی با او نداشته باشید، انتظار رعایت حقوق دیگران در مراسمی مذهبی یا رسمی، کاری بیهوده خواهد بود.

- در صورت بی‌فایده بودن تمهیدات یاد شده، هنگام شرکت در مراسم، وسایل بازی مورد علاقه او را با خود ببرید تا خسته‌کنندگی مراسم باعث بروز رفتارهای ناهنجار در فرزندتان نشود. در این خصوص از بردن اسباب بازی‌های پر سر و صدا خودداری کنید. کتاب‌های داستان به ویژه کتاب‌هایی که موضوع مذهبی دارند، مناسب به نظر می‌رسد. در طول هفته این کتاب‌ها را از دسترس او دور نگهدارید تا هنگامی که آنها را به او می‌دهید، برایش تازه و جذاب باشد.
- مکان مناسبی را برای نشستن انتخاب کنید. مکانی را انتخاب کنید که هر لحظه بتوانید بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران، فرزندتان را به بیرون ببرید.
- به فرزندتان بگویید ترک محل مراسم در هنگام برگزاری سخنرانی‌ها و اعمال عبادی، کاری پسندیده نیست و اگر مجبور به ترک محل است، حتما باید به سرعت برگردد.
- در محافل مذهبی به جای اعتراض به سر و صدای کودکان، به پدر و مادر آنها کمک کنید تا مشکل فرزندشان را حل کنند.
- شما می‌توانید خردسالان ناآرام را در آغوش گرفته و مدتی کوتاه به خارج از محل مراسم ببرید.
- خانواده کودکان ناآرام، به درک متقابل شرکت کنندگان در مراسم نیاز دارند. در این زمینه خانواده‌هایی که چنین مشکلی ندارند، می‌توانند با کمک کردن به آنها، الگویی مناسب در زمینه توجه و دلسوزی برای دیگران باشند.
- فعالیت‌های ویژه‌ای را برای کودکان ناآرام برنامه‌ریزی کنید.
- بسیاری از گروه‌های مذهبی، برنامه‌های خاصی را برای کودکان در نظر می‌گیرند، هر چند که شرکت بچه‌ها دست کم در بخشی از مراسم عبادی، بسیار سودمند است و آنها خود را عضوی از جامعه‌ای بزرگتر حس خواهند کرد و هویت مذهبی به تدریج در آنها شکل خواهد گرفت.
- اگر نمی‌توان مراسمی خاص کودکان برگزار کرد، دست کم بخشی از

مراسـم اصلـی را می‌تـوان به کـودکان اختصـاص داد مثـلا قرائت آیات الهـی را به آنهـا سـپرد، نصـب پوسـتر و پرچم‌هـا را بـه آنهـا محـول کـرد و یـا گروه سـرود یا شـعرخوانی مذهبی تشـکیل داد.

- جلسـات آمـوزش مذهبـی را برگزار کنیـد. بعضی از گروه‌هـای مذهبی، اقدام بـه برگـزاری کلاس‌هـای مخصـوص کـودکان می‌کننـد. اگـر چـه بهتر اسـت این کلاس‌هـا توسـط افـراد خبـره و کارشـناس برگـزار شـود، اما خود شـما بـه عنوان عضـو گـروه، داوطلـب اداره و برگـزاری ایـن کلاس‌هـا شـوید. می‌توانیـد متـون آموزشـیِ دارای محتـوای مناسـب را از مراکـز مذهبـی تهیـه کنید.
- از فرزنـد خـود بخواهیـد چشـمانش را ببنـدد. سـپس از او بپرسـید هنگامی کـه مشـغول دعاسـت یـا دربـاره خـودش فکـر می‌کنـد، دوسـت دارد در کجا باشـد؟
- فرزنـد خـود را بـه مسـجد و مـکان مذهبـی ببریـد و هنرهـای نمادینـی را کـه در ایـن بناهـا بـه کار رفتـه اسـت، بـرای او توضیـح دهیـد. مثـلاً می‌توانید به آیاتـی کـه بـرای محـراب در نظـر گرفته می‌شـود یا نمادهـای هنری کـه در مکان مذهبـی اسـتفاده می‌شـود و معمـولا طرحـی متعالـی و صعـودی دارد، اشـاره کنیـد.
- فرزندتـان را تشـویق کنیـد تـا بـه مکان‌های مقـدس دیگران احتـرام بگذارد. در ایـن مکان‌هـا آهسـته سـخن بگویـد، بـه زائـران خیـره نشـود و با مراسـمی که برگـزار می‌کننـد، همراهـی کند.
- اختصـار در برنامه‌هـای مذهبـی و میزان حضـور کودک در مسـجد را رعایت کنیـد. اگـر شـما بیـن بهره‌منـد شـدن از تکمیـل یـک دعـای طولانـی و رعایـت حوصلـه کودکـی که اکنون کنار شـما نشسـته اسـت، مخیر شـدید، حتما شـرایط کـودک خـود را در نظـر بگیـرد؛ زیـرا با این کار برای معنوی شـدن یک انسـان در آینـده نزدیـک سـرمایه‌گذاری کرده‌اید.
- کودکان را مجبور به شرکت در مراسم مذهبی نکنید.
- مقدمـات حضـور در مسـجد و نیـز برنامه‌هـای زمـانِ بـودن در مسـجد را بـه گونـه‌ای متنـوع کنیـد کـه فرزند شـما همیشـه مایـل به ایـن حضور باشـد. خرید مقـداری خوراکـی قبـل از حضـور و در مسـیر رسـیدن به مسـجد به همـراه توجه

عاطفی پس از خروج از مسجد می‌تواند نقش بسزایی در تشویق فرزندتان داشته باشد.

- هوا و دمای نامناسب مسجد، سر و صدای زیاد، نامنظم بودن برنامه‌ها، طولانی و دشوار بودن مسیر رسیدن به مسجد، سخت‌گیری والدین در انجام همه مستحبات و برنامه‌های مسجد، توجیه نبودن کودک نسبت به زمان و طول برگزاری مراسم، سرگرم نشدن کودک با فعالیت‌های آرام و مناسب و نیز برخورد بد مسئولان مسجد، از آسیب‌هایی است که لازم است والدین قبل از بردن کودکان به مسجد در نظر داشته باشند. یادمان باشد که ناخوشایندسازی حضور در مسجد، ممکن است فرزندمان را با انبوهی از خاطرات بد نسبت به این مکان مقدس روبرو کند که آثار منفی بسیاری در دینداری کودک امروز و بزرگسال فردا به جا خواهد گذاشت. (اخوی ۱۳۹۰، تک‌نگاره)
- اعتقاد به یاوران و محافظ‌های نادیدنی، با وقایع به ظاهر بی‌محتوایی شروع می‌شود. با الگوهای سرشار از عشقی که بزرگترها بی‌منظور و ساده‌انگارانه در اختیار کودک قرار می‌دهند. مثلا کودکی که در زمین بازی، در یک پارک سرگرم بازی است و از روی حصار کم ارتفاع می‌افتد و مجروح می‌شود. مادر او را از زمین بلند می‌کند و به شوخی به او می‌گوید: خوب شد که یک فرشته مواظبت بود! این حرف برای کودک یک پیام جدی به شمار می‌رود. او باور می‌کند کسی که نمی‌تواند او را ببیند، از او محافظت می‌کند و به همین دلیل آرامش می‌گیرد. برای کودکان مهم است که تا جای امکان، هر چه بیشتر محافظ داشته باشند. دانستن این که یک نفر هست که از من محافظت می‌کند، به کودک جسارت و نیرو می‌بخشد و او را از ترس ناشی از تنها گذاشته شدن حفظ می‌کند. شاید اشاره به داشتن یک فرشته محافظ در طول روز و زندگی روزمره را نتوان تربیت مذهبی به شمار آورد ولی هدف از آن باز کردن فضای دنیای کودک است. باز کردن دنیایی که بیشتر دریافت کردنی است تا مصرفی. باید برای ارضای نیازهای خود تلاش کرد و تنها نباید به حاصل تلاش دیگران اکتفا نمود. دنیایی ارزش دارد که بتوان از

راه مذهـب آن را شـناخت. آنتـوان گزوپـری، نویسـنده فرانسـوی می گویـد: «اگر خواسـتی یـک کشـتی بسـازی، مـردم را بـرای جمـع آوری چـوب و تهیه وسـایل لازم دور هـم جمـع نکـن، وظیفـه هـر یـک را مشـخص و کار را بیـن آنها تقسـیم نکـن، بلکـه حسـرت رفتـن و رسـیدن به دریـای وسـیع و بـی انتهـا را در دل آنها بیـدار کـن. یـک نظریـه پـرداز به نـام «آنجـلا م . ت . رانیـدرز» یقیـن دارد که هر کودکـی ایـن حسـرت رسـیدن به دریـا یا همـان زندگـی نامحسـوس را حس می کنـد. از نـگاه او، تربیـت مذهبـی فضای خالی زندگـی هر کودکی را پـر می کند.» (سـوزانه پورشـه، ۱۳۸۶ص۷۱) بـر ایـن اسـاس، زمانـی که قرار اسـت مسـجد در شـکل‌گیری احساسـات مذهبـی کـودکان ما نقش داشـته باشـد، بایـد راهکارهای رغبـت برانگیـز معنـوی (مانند معرفی مسـجد به عنـوان مکان اجتماع فرشـته‌ها) و مـادی (ماننـد نکته‌هایـی کـه دربـاره ایجـاد علاقه به مسـجد گفته شـد)، به کار گرفته شـوند.

» ی)نوجوان و مسجد

۱.چند واقعیت روان‌شناختی درباره نوجوان

۱-۱. بر اساس پژوهش‌های انجام شده، شرایط خارجی متعددی می‌توانند تأثیراتی مثبت یا منفی در رشد معنوی نوجوانان ایجاد کنند. نحوه برخورد دوستان یک نوجوان با او و ارزش‌هایی که به آن پایبندند، در تصویری که او از خدا و مکان‌های منسوب به خداوند مانند مسجد به دست می‌آورد، و نیز باورهای همسو با این گرایش‌ها، بسیار مؤثر خواهند بود. اگر محیط نوجوان سرشار از خوبی‌ها، حقیقت و زیبایی باشد، تصویر او از خودش، از دیگران و از جهان پیرامونش، خوب و حقیقی و زیبا خواهد بود. ایمان، تحت تأثیر تجارب شخصی، متحول می‌شود.

۱-۲. نوجوانان در خارج از خانواده ارتباطات متعددی ایجاد می‌کنند. دوستان صمیمی، فعالیت‌های ورزشی، هنری، مذهبی و سیاسی، در مرکز توجهات نوجوانان قرار دارند. کثرت فعالیت و ارتباط کودکان در سنین نوجوانی، فرصت کمی برای آنها باقی می‌گذارد تا با خانواده خود همراهی کنند. شما قادر نیستید نوع دوستان فرزندتان را انتخاب و یا دوستانی را به او تحمیل کنید، اما قادرید شرایط را به گونه‌ای آماده کنید که ارتباط او با نوجوانان مورد علاقه بیشتر شود. اگر فرد مذهبی فعالی هستید، رفت و آمد خانوادگی خود را با دوستان مذهبی‌تان افزایش دهید تا فرزندان شما فرصت و موقعیت‌های بیشتری برای برقراری ارتباط با هم داشته باشند. یا او را به مسجدی که در آن دوستان هم سن و فعال با فرزند نوجوان شما وجود دارد، هدایت کنید.

۱-۳. دوستی‌های صمیمانه اهمیت زیادی در زندگی نوجوانان دارند. یک نوجوان به دوست یا دوستان صمیمی نیاز دارد تا رازهای خود را با آنها مطرح کرده و به درد دل بپردازد. برخی از محققان این حالت را «نیاز به آینه» نامیده‌اند، زیرا نوجوان در پی یافتن کسی است که شخصیت و هویت او را منعکس سازد. نیاز

متقابـل نوجوانـان بـه آینه شـدن برای یکدیگـر، به طـرق مختلفی ابراز می‌شـود. آنها سـعی می‌کننـد نوع پوشـیدن لبـاس، آرایش موی سـر، نحـوه صحبت کـردن و حتی راه رفتـن خـود را مشـابه دوسـتان خـود کرده و بـا رفتارهـای والدین خـود مرزبندی کننـد، بـه همیـن جهـت دچـار نوعـی گیجـی و پریشـانی می‌شـوند. بـر این اسـاس، بـا نگاهـی درون دینـی درمی‌یابیـم کـه نیـاز بـه آینـه بـا مصداقـی از روایت همسـان اسـت کـه می‌فرمایـد: «اهـل ایمـان، آینـه یکدیگرند کـه در آن کاسـتی‌ها و نقصان‌ها دیـده می‌شـوند و جبـران می‌شـوند». [1] در کنـار ایـن روایـت، بـه آدابـی کـه دربـاره مسـجد گفتـه شـده نیـز نگاهـی می‌اندازیـم کـه از اهالی مسـجد خواسـته شـده تا با ظاهـری آراسـته و متناسـب بـا مسـجد حضـور یابنـد. نتیجـه‌ای کـه از این دسـتاورد روان‌شـناختی و آموزه‌هـای دینـی می‌گیریـم، ایـن اسـت کـه نوجـوان از طریـق انس بـا مسـجد، نـه تنهـا بـه نیازهـای فکـری خود پاسـخ می‌دهـد، بلکـه جهـت عاطفی و نیـاز بـه گـروه هـم تأمیـن می‌گـردد و مهم‌تـر اینکـه در جهـت تطبیق با گـروه هدف کـه اهـل مسـجد می‌باشـند، ظاهـری پسـندیده‌تر و مقبول‌تـر را برمی‌گزینـد؛ زیـرا هنگامـی کـه نوجوانـان طـرز لبـاس پوشـیدن و یا رفتـار خاصـی را می‌پذیرنـد، مانند پذیـرش ظاهـر بچه‌هـای مذهبـی کـه بـا مسـجد تعامـل دارنـد، سـعی می‌کننـد تـا خـود را بـا سـنت‌ها و آداب و رسـوم رایـج در بیـن دوستان‌شـان تطبیـق دهنـد. آنهـا مایـل نیسـتند بـه دلیـل داشـتن هویتی متفاوت از دوسـتان خـود، از سـوی آنها طرد و منـزوی شـوند. نوجوانـان اگـر بلندتـر از دوستان‌شـان باشـند، کمی قـوز می‌کنند و اگـر دوستان‌شـان در فعالیتـی شـرکت نکننـد، آنهـا نیـز شـرکت نخواهند کـرد و اگر دوستان‌شـان دوچرخـه داشـته باشـند، آنهـا هـم بایـد دوچرخـه داشـته باشـند. این نـوع تطبیق‌پذیـری، در ارتبـاط بـا انتخاب دیـن و مذهب نیـز صادق اسـت. نوجوانان، مذهبـی را می‌پذیرند که در جمع دوسـتان آنها ارزشـمند اسـت. اگـر فرزند نوجوانتان گفـت کـه می‌خواهـد فعالانـه در یـک جمـع مذهبـی یا گـروه سیاسـی شـرکت کند متعجـب نشـوید. سـعی کنیـد فرزندتـان را در فعالیت‌هـای اجتماعـی، مذهبـی یـا

[1] . قـال رسـولُ اللهِ ﷺ: «المؤمـنُ مِـرآةُ لأخیـهِ المؤمـنِ، یَنْصَحُـهُ إذا غـابَ عنـه، و یُمیـطُ عنـه مـا یَکْـرهُ إذا شَـهِدَ؛ مؤمـن آینـه بـرادر مؤمـن خویـش اسـت. در غیابـش بـرای او خیرخواهـی می‌کنـد و در حضـورش، ناخوشـایندی‌ها (باورهـای نادرسـت) را از او دور می‌گردانـد. » (بحارالأنـوار، ج۷۴، ص۲۳۳، ح۲۹)

سیاسی مشارکت دهید، زیرا آنها در سن نوجوانی مستعد ابراز وجود و پایبندی به تعهدات هستند. (ایریس یاب ۱۳۸۶، ص۱۲۶)

۱-۴. یکی از مسائل نگران کننده درباره نوجوان، تمایل بیش از حد او به دوستان خود است. دوستی‌های صمیمانه اهمیت زیادی در زندگی نوجوانان دارند. یک نوجوان به دوست یا دوستان صمیمی نیاز دارد تا رازهای خود را با آنها مطرح کرده و به درد دل بپردازد. نوجوان مایل است بیشتر وقت خود را در گروه همسالان خود بگذراند، در مهمانی‌ها و جشن تولدشان شرکت کرده و پایبندی خود به دوستی‌ها را اثبات کند. دوستی‌هایی که در فضای مسجد ایجاد می‌شود، زمینه بروز دوستی‌های حرام و نادرست را از بین برده و عزت نفس معنوی همراه با آن و نیز شخصیت مسجدی بودن، سبب سلامت روانی و معنوی فرد می گردد. با پذیرش نیاز نوجوان به رشد اجتماعی و گروه همسالان، این نیاز او را با سوق دادن وی به دوستان مناسب و گروه‌های دینی مطلوب فراهم کنند. از این رو در سخنی از امام علی علیه‌السلام، یکی از مزایای ارتباط با مسجد، به دست آوردن دوستان خوب و همراهی با آنان دانسته شده است. حضرت در سخنی والا می‌فرمایند: «مَنِ اختَلَفَ إلی المَسجِدِ أصابَ إحدَی الثَّمانی: أخا مُستَفادا فی الله ، أو عِلما مُستَطرَفا، أو آیَةً مُحکَمَةً، أو رَحمَةً مُنتَظَرَةً، أو کَلِمَةً تَرُدُّهُ عن رَدیً، أو یَسمَعُ کَلِمَةً تَدُلُّهُ علی هُدیً، أو یَترُکُ ذَنبا خَشیَةً أو حَیاءً؛ هر که به مسجد آمد و شد کند، به یکی از این هشت چیز دست یابد: یافتن برادری به خاطر خدا، یا دانشی جدید، یا آیتی محکم، یا رحمتی که آن را چشم به راه بود، یا سخنی که او را از هلاکت برهاند، یا شنیدن جمله‌ای که او را به هدایت رهنمون شود، یا آنکه گناهی را از ترس و یا شرم ترک گوید. »[1] اثرپذیری نوجوان از همسالان، مسئله‌ای است که همه کارشناسان به آن باور دارند. بخش مهمی از دانسته‌ها و باورهای نوجوان از طریق دوستان و محیط رفاقت تبادل می‌شود. در کلام حضرت هم این نکته برجسته شده است که همراهی با اهل مسجد،

[1] . الأمالی للصدوق، ص۴۷۴.

سبب ترک بسیاری از گناهان است و مانعی به نام حیا از دوستان مسجدی، به عنوان عاملی بازدارنده از خطاهای فکری و رفتاری است. با توجه به این قانون روان‌شناختی، می‌توان از چنین روحیه‌ای برای انتقال مفاهیم دینی و انس با مسجد به نوجوانان بهره گرفت. به عنوان مثال، با تشکیل حلقه‌های انس در مسجد و فراهم‌سازی زمینه‌هایی برای فعالیت گروهی نوجوان در این مکان مقدس، به شکلی غیرمستقیم، بسیاری از پیام‌ها را به او منتقل کرد.

۱-۵. نوجوان نیازمند فراهم شدن زمینه‌ای برای اندیشیدن و خلوت کردن با خود است. یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های مسجد برای نوجوان، فراهم شدن شرایطی برای اندیشیدن درباره خود، زندگی و آینده است. وقتی نوجوان احساس می‌کند که در کنار بهترین‌ها نشسته است، آمادگی ایجاد تغییرات جدید را هم در خود می‌بیند و این به وی قدرتی می‌دهد که درباره مسیر زندگی خود یک دیده‌بان تازه شود، اشتباهات احتمالی را پیدا کنید، کمبودها را شناسایی کرده و از همان‌جا برای هجرت و کوچ کردن به سمت بهتر شدن خود را آماده کند. بعضی از دانشمندان هم برای حل مسائل علمی خود گاهی به مسجد پناهنده می‌شدند تا در سایه حمایت‌های معنوی خداوند و فضای روشن مسجد بتوانند به روشنایی علمی تازه‌ای دست یابند. نوجوان با حضور در مسجد می‌تواند افکار پراکنده خود را با مهمان شدن در خانه خدا جمع‌بندی کرده و برای تصمیم‌گیری و پرواز معنوی خود را آماده می‌کند.

۱-۶. نوجوانان می خواهند با کمک خدا دنیا را اصلاح کنند. تا حدود ۱۲ سالگی، تصور نوجوان از خدا یک تصور مثبت است. سپس امکان تفکر منطقی در او به وجود می آید و نوجوان می فهمد که خوبی و بدی با همه سایه ها و ضمائم آنها در دنیا وجود دارند. دعای نوجوان در این مرحله زندگی، بیشتر شامل خواسته های فوری و بی درنگ است تا کم کم در سن جوانی این ارتباط رشد می یابد و به ارتباط خاصی میان خدا و انسان تبدیل می شود. نوجوانان بزرگتر، نگرانی

هـا و آرزوهایـی دارنـد که آنهـا را کاملا رک و راسـت در دعاهای خود بیـان می کنند. نیـاز پذیرفتـه شـدن در جامعـه نیـز از جملـه خواسـته های آنهاسـت. بـه کمک خدا دنیـا را اصـلاح کـردن، براندازی ظلـم و انجـام کارهـای خارق العـاده، آرزوی بیشـتر نوجوانـان اسـت کـه عملـی شـدن آنهـا را بـه کمک خـدا امـکان پذیـر می داننـد. به ایـن ترتیـب نوجـوان بـه ارزش هایـی ماننـد آمادگی کمک بـه دیگران و همـدردی با انسـان هـای دیگر نزدیک می‌شـود. (سـوزانه پورشـه؛ ۱۳۸۶، ص ۷۲)

۲.ارتباط، رکن شکل‌گیری هویت دینی نوجوان

ارتبـاط، زمینـه تأثیرگـذاری و انتقال پیام اسـت. زمانی که ارتباطـی صحیح و دوطرفه شـکل می‌گیرد، سـفره‌ای گسـترده می‌شـود کـه بهره‌های مـادی و معنوی سرشـاری را بـا خـود همـراه می‌کنـد. اگـر ایـن ارتبـاط بـا رویکـردی دینـی و هدفمنـد آغـاز و مدیریـت شـود، نتایـج بهتری ارزانـی دو طرف آن خواهد شـد و آنگاه که ایـن ارتباط، بـا مؤلفـه‌ای بـه نام اسـتمرار همراه باشـد، ایـن نتایج ماندگاری و اثربخشـی بیشـتری خواهـد داشـت. در موضـوع کنونـی، هـر دو عنصر به خوبی دیده می‌شـود. بـه عبارتی دیگـر، زمانـی کـه امـام جماعت مسـجد و دیگر مسـئولان مرتبـط با مسـجد، به قصد انتقـال پیام‌هـای دینـی بـا نوجـوان ارتبـاط می‌گیرنـد، عنصـر هدفمندی وجـود دارد و آنـگاه کـه در طـول سـال بـه مناسـبت‌های مختلـف و شـیوه‌های گوناگـون ایـن ارتبـاط را ادامـه می‌دهـد، از اسـتمرار هم بهره جسـته انـد. نتیجه ایـن تعامل، گرایش نوجوانـان بـه نمـاد دینی یعنی روحانـی و به دنبـال آن، قـرار دادن برنامه‌های معنوی مسـجد در فهرسـت کارهـای روزانه در طول سـال خواهد شـد.

۳.توجه به نماد و نهاد

لبـاس روحانیـت، نمـادی از دیـن و دین‌داری اسـت و روحانی فردی اسـت کـه رفتارها و منـش او بـرای دیگـران حجـت به شـمار می‌آیـد. در مهـارت ارتباط نیز تصریح شـده اسـت کـه عمـده تأثیرگذاری مـا در ارتباط بـه عوامل ظاهـری و زبان بدن بـر می‌گردد. در روان‌شناسـی دیـن نیز بر این مسـئله تاکید شـده اسـت که تحول دینـداری در افراد

با حرکت از نماد و سمبل آغاز و به سوی نهادینه شدن سرازیر می‌شود. برای توجه بیشتر به این مسئله، تمثیل زیر می‌تواند یاری رسان خوبی باشد:

«پیرمردی به قصد آزمایش سطح فکر سه فرزند خود، از آنها خواست تا هر کدام به شیوه‌ای که مناسب می‌دانند، انبار خانه را پر سازند و به آنها گفت که برنده کسی است که در زمان کمتر و با هزینه کمتری بتواند از عهده پر کردن همه جای انباری بر آید. فرزند اول موفق شد انبار را پر از شن و ماسه کند و حتی دریچه‌های نور را هم مسدود نماید. روز بعد، فرزند دوم توانست در مدت کمتری انباری را با کاه پر سازد. نوبت به فرزند سوم رسید. او لحظه‌ای به داخل انباری رفت و برگشت و اعلام کرد که کارش تمام شده است. همگی با شگفتی وارد انباری شدند ولی آن را خالی یافتند. تنها شمعی در آن روشن شده بود. پیرمرد از فرزندش خواست تا برایشان توضیح دهد. فرزند گفت من شمعی روشن کرده‌ام و با نور آن همه جای این مکان را پر کرده‌ام. اکنون همه روزنه‌های این انباری از نور شمع پر شده است. »

پر کردن روح و جان نوجوان از خاطرات خوب نسبت به روحانی، نقش برجسته‌ای در آینده دینی او خواهد داشت. نوجوان امروز با ارتباطی که از سوی روحانی با او گرفته می‌شود، می‌تواند احساس خوش بودن با روحانی را تجربه کند و می‌تواند در اثر ناکارآمدی ارتباط، برداشتی نامناسب از دین و دینداری در روان او شکل بگیرد که پاک سازی این برداشت به زمان زیاد و شرایطی متفاوت بستگی دارد. بر این اساس، بخشی از اثرگذاری ارتباط با نوجوانان در این مهم نهفته است و تمام برخوردهای امام جماعت با نوجوان، جایگاه ویژه خود را خواهد داشت.

۴.تنوع بخشی به ارتباط

یکی از اسرار جذابیت دوستی‌ها در دنیای نوجوانان و جوانان، متنوع بودن آن است. زمانی که نوجوان با دوست خود در قالب‌های گوناگون تحصیلی، علمی، ورزشی، مذهبی و عاطفی ارتباط می‌گیرد، گوناگونی ارتباط او را به سمت تداوم و تعامل بیشتر می‌کشد. حال اگر این ارتباط فقط یک بعد و جنبه داشته

باشـد، بـه مراتـب از میـزان و مؤثربـودن آن کاسـته خواهـد شـد. برپایـه تحقیقـات انجام شـده، بیشـتر یادگیری‌ها به شـکل غیررسـمی و غیرمسـتقیم انجام می‌شـود و حضـور ارتبـاط گیرنـده در موقعیت‌هـای گوناگون، سـبب انتقال پیام‌هـا در قالب‌های غیررسـمی آن خواهـد شـد. بر این اسـاس، یکـی از قوانین ارتباط‌گیـری امام جماعت بـا نوجوانـان، توجـه بـه ایجـاد تنـوع در ایـن رابطـه و فراهم‌سـازی زمینـه بـرای آن اسـت. اگـر ارتبـاط بـا نوجوان تنهـا در قالب نمـاز جماعت و سـخنرانی خلاصه شـود، ارتباطـی یک‌سـویه و کم‌تنـوع خواهـد بـود کـه نتیجـه آن کم‌رغبتـی بـه تـداوم در ارتبـاط اسـت ولـی زمانی کـه شـکل‌های ارتباط گسـتره بیشـتری می‌یابد، بـه همان میـزان برداشـت‌های معنـوی و فرهنگـی فزون‌تـری بـر آن بـار خواهد شـد.

۵.پیش‌نیازهای ارتباط

مهـارت ارتبـاط هماننـد دیگـر مهارت‌هـای فـردی و اجتماعـی، نیازمند فراهم شـدن مقدماتـی اسـت تـا نتایـج سـودمند را بـه دنبال داشـته باشـد. یکـی از ایـن زمینه‌ها، خصوصیـات فـردی امـام جماعـت اسـت. روحانیانـی کـه از روحیـه برون‌گرایـی و مردم‌آمیـزی برخوردارنـد، بـه اثربخشـی ارتبـاط ایمان دارند، سـطح تحمـل و حوصله مطلوبـی در آنهـا وجـود دارد، از اطلاعـات موجـود در دنیـای نوجوان ماننـد اطلاعات ورزشـی، فنـاوری و ماننـد آن، بی‌اطـلاع نیسـتند، مخاطب‌شناسـی خوبـی دارنـد، از نیازهـای فکـری و عاطفـی کنونی دانش‌آموزان بـه خوبی باخبرند و در محتوا و شـیوه ارائـه آن بـه مخاطبـان از خلاقیت خوبـی برخوردارند، در ارتباط و میـزان تأثیرگذاری آن موفق‌تـر خواهنـد بود.

۶.راهکارهای ارتباط

۶-۱. ارتباط عاطفی

از آنجـا کـه عاطفـه در دنیـای روانـی انسـان‌ها بـه ویـژه نوجوانـان، عاملـی مهـم در ارتباط‌گیـری اسـت، اولیـن نکتـه در راهکارهـا نیـز بـه ایـن مسـئله اختصـاص دارد. معنـای دیگـر جملـه این اسـت که لازم اسـت امـام جماعـت حضور عاطفی بیشـتری

در دنیـای نوجـوان داشـته باشـد و بسـتری را فراهـم سـازد تـا اصـل روان‌شـناختی «خوشایندسـازی» شـکل بگیـرد و دانش‌آمـوزان از یـادآوری نـام و شـخصیت امـام جماعـت، احسـاس خوبی پیـدا کنند و خاطـره‌ای خـوش را تداعی نماینـد. این اصل، سـبب تکـرار و تمایـل بـه بیشـتر شـدن ارتبـاط خواهـد شـد. در نقطـه مقابـل نیـز، چنانچـه نوجـوان از حضـور روحانـی محـل در مدرسـه، احسـاس ناخوشـایندی مانند خسـتگی، یکنواختـی، سـخنان مغایر بـا نیازهای کنونـی نوجوان و ماننـد آن را تجربه کنـد، بـه شـدت از ایجـاد رابطـه بـا روحانـی و مکان‌هـا و برنامه‌هایـی کـه وی در آنها نقـش دارد، گریـزان خواهـد شـد و نوعـی دلزدگـی در وجـود وی پدیـد می‌آیـد. بـه عنـوان پیشـنهاد می‌تـوان مـوارد زیـر را در تقویـت بعد عاطفـی ارتباط امـام جماعت و دیگـر عناصـر مسـجد بـا نوجـوان مـورد توجه قـرار داد:

- حضـور روحانـی یـا یکـی از دسـت‌اندرکاران مسـجد بـه عنـوان بیننـده برخی از مسـابقات ورزشـی نوجوان در مدرسـه یا محیط‌های ورزشـی مناسـب با شـئون روحانیت
- نقـش روحانـی و رابطـان مسـجد در پذیـرش و اهـدای جوایـز برترین‌هـای علمـی، ورزشـی، پرورشـی و ...
- پیشنهاد و پذیرش برخی از مسابقات فرهنگی مانند کتاب‌خوانی از سوی مسجد
- تعییـن ملاک‌هـای دانش‌آمـوز برتـر اخلاقـی از سـوی مسـجد و اهـدای جایزه ویـژه بـه فرد
- تقدیر از برترین‌های علمی، ورزشی و پرورشی در مسجد
- ارتبـاط امـام جماعـت و مربیـان مسـجد در قالب مشـاور مذهبی بـا دانش‌آموزان در مدرسه
- حضـور پررنـگ امـام جماعـت و مربیـان در مناسـبت‌های مذهبـی بـه ویـژه روزهـای تولـد معصومین علیهم‌السلام.

۶-۲. ارتباط آموزشی

دانش‌آمـوزی از نـگاه دیـن، یک امتیاز به شـمار می‌آید و روحانی محل بـه عنوان نماد دیـن، می‌توانـد مشـوق و یاری‌دهنـده ایـن فضیلت باشـد. زمانـی که زمینـه بهره‌وری

از دانـش دینـی و علـوم مرتبـط بـا آن، بـرای دانش‌آمـوزان نوجـوان فراهـم می‌گردد و تـوان اسـتفاده از سـفره علمـی یـک دین‌شـناس بـه وجـود می‌آیـد، می‌تـوان از آن بـه عنـوان روشـی مهم در اثربخشـی و مانـدگاری ارتباط نـام برد. احسـان علمی امام جماعـت و آمـوزش مسـائلی کـه نیازهای فکـری اکنـون و آینده نوجـوان و دانش‌آموز را تأمیـن می‌کنـد، هیـچ‌گاه از حافظـه فراگیرنـده پـاک نخواهد شـد و خـود زمینه‌ای بـرای ارتبـاط بـا دیگـر عالمـان دینی خواهد شـد. البتـه یـادآوری این نکتـه ضروری اسـت کـه در ایـن بخش هم، توجه بـه ذائقه و تـوان مخاطب در یادگیـری و بهره‌وری از روش‌هـای سـاده، فعال و جـذاب، سـودمندتر خواهد بود.

در این بخش می‌توان به روش‌های زیر اندیشید:

برگـزاری کلاس‌هـای تقویتـی در مسـجد: برخـی از ایـن کلاس‌هـا می‌توانـد توسـط خـود روحانـی تدریس شـود مانند عربـی و برخی دیگر توسـط نیروهای مسـجد اداره می‌شـوند.

آمـوزش مسـائل دینـی: علاقـه به دیـن در نوجوان همـگام با جهش در رشـد فیزیکی، بـا برجسـتگی بیشـتری اتفـاق می‌افتـد و نیـاز به دانسـتن آنچه حـدود الهـی معرفی شـده‌اند، در این سـن از شـدت و رغبت بیشـتری برخوردار اسـت.

آمـوزش اخـلاق: تمایـل بـه کامـل شـدن و دور شـدن از خصوصیـات منفـی، نیـازی روان‌شـناختی اسـت و ماننـد جـوی روان در دل و جـان دانش‌آمـوزان طـراوت ایجـاد می‌کنـد. چنانچـه امام جماعت بـه صورت منظم جلسـات اخلاقی را بـا عنوان‌هایی چون آداب معاشـرت، مهارت‌هـای زندگی و شـیوه‌های موفقیت در تحصیـل و زندگی، می‌تواند زمینـه را بـرای شـکوفایی همـه جانبـه دانش‌آمـوزان فراهـم کـرده و یـادگاری روشـن و لذت‌بخـش از یـک روحانـی را در دل و جـان آنهـا بـرای همیشـه باقـی بگـذارد.

طـرح سـؤال‌های مهـم دربـاره دین همراه بـا معرفی منابـع و تعیین زمان مشـخص برای پاسـخگویی بـه آنها، بخشـی از حضور فکـری روحانی در ذهـن و جان دانش‌آموز اسـت.

۷. بایسته‌های همراه‌سازی دانش‌آموزان

جـذب، مقدمـه همراه سـاختن مخاطبان بـا محتوای خوب شماسـت. در قرآن، محبت بـر تبعیت مقدم شـده اسـت و ثمره ایـن همراهی، دریافت محبت بیشـتر اسـت: «قُلْ إِنْ كُنْتُـمْ تُحِبُّـونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونـی يُحْبِبْكُـمُ اللَّهُ وَ يَغْفِـرْ لَكُـمْ ذُنُوبَكُـمْ وَ اللَّهُ غَفُـورٌ رَحِيمٌ؛ بگـو اگـر خـدا را دوسـت می‌داریـد (کـه بایـد هـم بداریـد) بایـد مـرا پیـروی کنید تا خـدا هـم شـما را دوسـت بـدارد و گناهانتـان بیامـرزد کـه خـدا آمـرزگار و مهربـان اسـت».[1] زمانی که شـما بـا رفتارها و گفتارهـای خود، بذر محبـت را در دل مخاطبان می‌پاشـید، می‌توانیـد بـا اسـتقبال آنهـا و تأثیرپذیـری بیشـتر روبـرو شـوید. بـر ایـن اسـاس، لازم اسـت افـرادی که به نمایندگی از مسـجد بـا مخاطبـان کار تربیتی انجام می‌دهنـد، بـه چنـد نکتـه کاربردی توجه داشـته باشـند:

- شـرط اساسـی موفقیـت شـما در کار، آشـنایی بـا دنیـای روان‌شـناختی مخاطبـان اسـت.
- حالت مربی بودن را حداقل برای شروع یک ارتباط خوب کنار بگذارید.
- خودتـان را برای روبرو شـدن بـا رفتارهای عجیب و غریـب برخی از مراجعان مسـجد آماده کنید.
- صداقـت را از همـه چیـز مهم‌تـر بدانیـد و بـرای پاسـخ به سـؤالات سـخت از آنهـا فرصـت بگیرید.
- بـه هیـچ وجـه اسـرار نوجـوان همراه خـود را فـاش نکنیـد؛ حتی بـه صورت شـوخی یـا کنایه
- با آرامش خود، به نوجوان ناآرام کمک کنید.
- از سـر و وضـع ظاهـری آنهـا تعجـب نکنیـد و آنهـا را همانگونـه که هسـتند، بپذیرید.
- توجـه داشـته باشـید که در رقابـت فرهنگی شـما فقط یک پیشـنهاد دهنده هسـتید نـه تحمیـل کننـده؛ پـس سـعی کنید جذابیـت سـخن و رفتارتـان را بالا ببریـد و بـه او حق انتخـاب بدهید.

[1] . آل‌عمران : ۳۱

- شکل‌گیری شخصیت، نیازمند فرصت است. به اندازه کافی به او فرصت تفکر، تغییر و تجربه کردن بدهید.
- هر نوجوان را یک دین‌آموز متفاوت با دیگران در نظر بگیرید و برای هر کدام وقت مجزایی اختصاص دهید.
- از عصبانی شدن بپرهیزید و با رفتار خود الگوی یک متدین کامل را برای او داشته باشید.
- نوجوان به رفتار شما و میزان تأثیر دینداری در شما بیشتر از سخنان‌تان توجه می‌کند.
- رفاقت را جایگزین رقابت ساخته و در برابر برخی از ادعاهایی که از نوجوانان می‌شنوید، آرام، متین و ساکت باشید.
- همیشه به خود یادآور شوید که من کار ظریف و سختی را پذیرفته‌ام و چنانچه با موفقیت از عهده این کار برآیم، پاداش معنوی بسیاری دریافت خواهم کرد.
- از تعریف‌های بی‌مورد درباره توانمندی‌های خود بپرهیزید؛ زیرا با مقاومت روانی مخاطبان خود روبرو خواهید شد.
- در استفاده از کلماتِ حساس، خوش‌سلیقه باشید. برای نوجوان، احترام قائل شدن شما به شخصیت او بسیار مهم است.
- احترام به نظر نوجوان را در عمل نیز نشان دهید.
- هدف اصلی کنترل مخاطب نیست، بلکه هدف تغذیه فکری درست او و تأثیرگذاری بر خلوت‌های آن است.
- پل ارتباطی خود را قوی کنید و زمینه ارتباطات بعدی نوجوان را با خودتان فراهم آورید.
- در موضع‌گیری‌های خود حساسیت‌های روانی مخاطبان‌تان را در نظر بگیرید.
- به مخاطب خود در شکل‌گیری هویت دینی کمک کنید.
- احساسات او را جریحه‌دار نکنید.

- تکیه گاه نوجوان خود باشید ولی ایجاد وابستگی نکنید.
- سعی کنید دینداری او را با ملاک‌های درست پیوند بزنید نه با افراد.
- برای درک حقایق عجله نکنید.
- نیاز او به تجربه کردن آموزش‌های شما را بپذیرید.
- احساساتی نشوید و بر احساسات خود مدیریت همراه با اعتدال را حاکم کنید .
- گفتگوهای خود را دو طرفه کنید تا گفتگوی ثمربخشی داشته باشید.
- پاسخی بدون قضاوت در گفتگوهای خود داشته باشید.
- به مخاطب خود مارک و برچسب‌های منفی نزنید.
- از تناقض گویی بپرهیزید زیرا مخاطب شما از حرف‌های متناقض می رنجد .
- همدردی صادقانه داشته باشید.
- فرصت ارائه نظر و ابراز وجود در مسائل گوناگون را به نوجوان بدهید.
- خانواده بزرگترین پناهگاه است. نوجوان خود را به اعتماد و ارتباط بیشتر با خانواده تشویق کنید. توجه داشته باشید که پیوند محکم با خانواده سبب کاهش آسیب‌هاست.
- توجه به جنبه‌های مثبت و تشویق و ترغیب آنها، سبب افزایش اعتماد به نفس نوجوانان است.
- سلیقه‌های ورزشی، هنری و علمی نوجوان را تخریب نکنید. اگر الگوهای نامناسبی دارد، به تدریج درباره ملاک‌های صحیح ذهن او را آماده تغییر کنید .
- صبور باشید. صبوری شما بیشترین کمک را به راه‌یابی نوجوانان به سوی دینداری خواهد کرد.
- او را تشویق کنید که در میان خواسته‌های خود چارچوب‌ها، حقوق و احترام دیگران را رعایت کند، اما از انتقادات مکرر خودداری کنید.
- حتی دشوارترین نوجوانان هم با زبان نرم و منطق شما می‌توانند تبدیل

بـه افرادی متعادل شـوند.

- برخوردهـای شـما بایـد متناسـب بـا توانایی‌هـا و روحیـات در حـال رشـد مخاطب‌تـان باشـد.

۸. آسیب شناسی ارتباط

ارتبـاط تربیتـی از سـوی امـام جماعـت و مربیـان مسـجد بـه منظـور زمینه‌سـازی بـرای انتقـال پیـام دیـن، معنـا می‌یابـد. ایـن ارتبـاط، می‌تواند هـم در آغـاز و هم در تداوم، دسـتخوش آسـیب‌هایی شـود که آشـنایی با آنها، مقدمه‌ای برای پیشـگیری و ارتقای سـطح ارتباط سـازنده و هدفمند اسـت. در این نوشـتار به برخی از آسـیب‌های ارتبـاط توجـه بیشـتری می‌کنیم.

۹. ارتباط یک سویه

واژه ارتبـاط بـه رابطه‌ای دو طرفه اشـاره دارد. زمانی، رابطه سـودمند و تأثیرگذار می‌شـود کـه در آن تعامـل وجـود داشـته باشـد. چنانچـه مربـی، بـرای مـدت زیاد به صـورت یک طرفـه ارتباطـش را ادامـه دهـد، نتیجـه‌ای از آن نصیبـش نمی‌شـود. لازم اسـت مربـی با کاسـتن از سـطح ارتباط از طرف خود، فرد را به فعال‌سـازی دامنه ارتباط با خود ترغیب نمایـد و زمینه آن را نیز فراهم سـازد. چنانچه شـما پیوسـته ارتباطی یـک طرفه را دنبال کنیـد و فـرد مقابـل تمایلـی بـه ایـن رابطـه نداشـته باشـد، چنیـن ارتباطـی بی‌هدف و بی‌فایـده خواهـد بـود و به شـخصیت تربیتی شـما آسـیب می‌زند.

۱۰. افراط و تفریط در ارتباط

زیاده‌روی و کم‌کاری، هر دو آسـیب ارتباط سـازنده هسـتند. زمانی که مربی مسـجد، دامنـه ارتبـاط بـا مخاطـب را بـه جزئی‌تریـن مسـائل زندگـی او بکشـاند و در چنیـن ارتباطـی غـرق شـود، دیگـر نمی‌توانـد نقـش تبلیغـی خـود را بـه خوبـی ایفـا کننـد. تصـور کنیـد فـردی در باتـلاق گیـر افتاده و شـما از راه رسـیده‌اید و قصـد کمک به او را داریـد. آیـا درسـت اسـت که در کنـار او قرار بگیرید و نزدیک شـدن خـود را به این

حـد برسـانید، یا لازم اسـت کـه از فرد گرفتـار و نیازمند کمک، کمـی فاصله بگیرید و در زمـان و بـا تدارک شـرایط لازم، او را یاری رسـانید. زمانی که مربـی دینی ارتباطی بی‌حـد را دامـن بزنـد، طبیعـی اسـت کـه از هنر تأثیرگـذاری خـود دور می‌شـود. در مقابـل نیـز، تفریـط در ایـن زمینـه ناپسـند اسـت؛ ماننـد فـردی کـه همیشـه منتظر اقـدام اولیـه از سـوی مخاطبـان بـرای ارتبـاط می‌ماند و خـود گامی بـر نمی‌دارد.

۱۱. شوخی‌های نامناسب

شـوخی در سـخن، ماننـد نمـک در غذاسـت. ایـن جملـه حکیمانـه را بـه یاد داشـته باشـید. زمانـی کـه شـوخی از اسـتاندارد خـود بگـذرد، بـه رابطـه مفیـد و هدفمنـد شـما آسـیب می‌زنـد. خصوصـا اگر شـوخی بدون حـد و مرز صحیحـی اتفـاق بیافتد. مربـی مذهبـی کـه هـر نـوع طنـز و لطیفـه را صرفـا بـا هـدف خندانـدن یـا بـه بهانه جـذب مخاطبـان بـه کار می‌گیـرد، دیگـر نمی‌توانـد یـک الگـوی اخلاقـی متفـاوت و سـازنده باشـد. تنزیـل شـخصیت در ایـن حـد، نه تنهـا کمکی بـه سـودمندی ارتباط نمی‌کنـد، بلکـه شـما را در نـگاه مخاطبـان به فـردی سـاده و فاقد مهارت‌هـای کافی تبدیـل می‌کنـد. در ایـن بـاره، مراقبت بیشـتر درباره شـوخی‌ها و جوک‌های جنسـی اسـت کـه بـه هیـچ وجـه نبایـد از زبان مبلـغ گفته شـود. همچنیـن شـوخی‌هایی که توهیـن بـه قومیت‌هاسـت و بنا بـر فتاوای مراجـع محترم، حرمت دارد. شـوخی درباره مقدسـات و بـا کلیدواژه‌هایـی چـون خـدا، پیامبران، مناسـک دینـی و ماننـد آن نیز، مراقبـت ویـژه‌ای را می‌طلبـد.

۱۲. تماس‌های تلفنی، پیامکی و اینترنتی

برخـی بـه بهانـه ارتباط هـر چه بیشـتر با مخاطبـان، از روش‌هـای نوین ارتبـاط بهره می‌گیرنـد. اصـل مسـئله خـوب و مفید اسـت ولی مشـکل در شـکل اجرای آن اسـت. چنانچـه مربـی یک مسـجد تمام‌وقـت و فوری پاسـخگوی پیامک‌های ارسـالی باشـد یـا وقـت زیـادی را پای رایانه بـه بهانه مشـارکت در اتاق‌های گفتگوی مجازی سـپری کنـد و یـا مشـغول تبـادل فایل‌هـا، کلیپ‌هـا و نیـز نامه‌هـای الکترونیکی باشـد، دیگر

فرصتی برای اندیشیدن و استفاده بهینه از زمان نخواهد داشت. تبلیغ سنتی و چهره به چهره، اقتضائات خود را دارد و کار اصلی تربیت در ارتباط حضوری و هدفمند تعریف می‌شود نه ارتباطات مجازی. برای ارتباطات غیرحضوری خود، زمان مشخصی را اعلام کنید تا مخاطبان توان هماهنگی با شما را پیدا کنند و خود شما نیز قادر به پاسخگویی باشید.

۱۳. لحاظ نکردن جنسیت در ارتباط

مراعات حریم‌های فقهی در ارتباط بسیار مهم است. شما به عنوان یک نماینده از دین، چهره‌ای معنوی به شمار می‌آیید و انتظار مخاطبان این است که در تمام جنبه‌ها، آموزه‌های دین را پیاده کنید. از طرف دیگر، به دلیل زیبایی پیام‌هایی که منتقل می‌کنید، محبوبیت خاصی نصیب شما می‌شود و این محبوبیت می‌تواند در ارتباط با جنس مخالف، گاهی آسیب زننده باشد. یادمان باشد که انتقال عاطفی به صورت ناخواسته و خودکار در این مسیر جریان می‌یابد؛ از این رو، لازم است مربی ترجیحاً همجنس مخاطبان باشد. چنانچه این زمینه وجود نداشته باشد، از همسرتان بخواهید در جلسات شما شرکت کند. تلاش کنید جلسات به شکل گروهی برگزار شود و از دادن مشاوره حضوری به جنس مخالف بپرهیزید و اجازه تماس با همراه‌تان را به او ندهید. هر نوع شوخی فردی در جلساتی که با مخاطبان غیرهمجنس دارید، می‌تواند دردسر ساز شود.

۱۴. مهارنکردن احساسات

یادمان باشد که قرار است با ابزار ارتباط، مخاطبان را به سوی دین و پیام‌های آن جذب کنیم نه به سمت خودمان. پس لازم است احساسات خود را مهار کرده و از هزینه کردن بیهوده و نامناسب آن پرهیز کنیم. گاهی به دلیل مهار نشدن چنین سرمایه‌ای، ارتباط به نزدیک‌ترین حد ممکن توسعه می‌یابد و کار به جایی می‌رسد که مربی احساس دلتنگی و وابستگی به مخاطب را در خود مشاهده می‌کند که بروز چنین حالتی، نشان از مهار نشدن احساسات در طول ارتباط است. شما

دوستی محدودی را برای ایفای بهتر نقش تبلیغی ایجاد کرده‌اید و بس. ممکن است این وابستگی در طرف مقابل شما هم پدید آید که پدیده خوشایندی نیست؛ به ویژه زمانی که مخاطبان شما نوجوان و جوان باشند، احتمال بروز این آسیب، قوت بیشتری می‌یابد. استاندارد ارتباط این است که مخاطبان، به کمک شما به منبع عاطفی اصلی یعنی خداوند و معصومین علیهم‌السلام وصل شوند.

» منابع

کتاب:

» احمدی، سید احمد، **روان‌شناسی نوجوانان و جوانان**، تهران، نشر نخستین، چ۸، ۱۳۷۸.

» باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چ۲، ۱۳۸۰.

» بی‌ریا و همکاران، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج۲، تهران، سمت، ۱۳۷۴.

» پورشه، سوزانه، چگونه ارزشها را به فرزندانمان منتقل کنیم، ترجمه سپیده خلیلی، تهران، نشر پنجره، چ۱، ۱۳۸۶.

» شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، چ۲، ۱۳۸۰.

» فونتنل، دن، کلیدهای رفتار با نوجوانان، ترجمه مسعود حاجی زاده-اکرم قسطاسی، تهران، صابرین، چ۱۱، ۱۳۸۵.

» یاب، ایریس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، مترجم: دکتر مسعود حاجی‌زاده، تهران، کتاب‌های دانه از مؤسسه انتشارات صابرین، چ۳، ۱۳۸۱.

مقالات:

» اخوی، ابراهیم، تک‌نگاره‌های کودک خداشناس، جامعه‌المصطفی العالمیه، ۱۳۹۰.

» حمید، نجمه، گلستانی پور، مرتضی؛ کریم نژاد، فرزاد؛ «رابطه ساده و چندگانه هویت دینی، سلامت روان و خوش‌بینی»، فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی و دین: بهار۱۳۹۲، شماره ۲۱، ص ۷۹-۹۳.

» خیری، حسن، «مقایسه فضای تبلیغی تلویزیون و مسجد»، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، آبان ۱۳۸۷، شماره ۱۳۱، ص۵۴-۳۹.

» رئوفی، محمود؛ دو فصلنامه دین و ارتباطات، سال هفدهم، شماره اول و دوم (پیاپی ۳۸-۳۷)، بهار-تابستان، پاییز-زمستان ۱۳۸۹، صص۱۱۲-۹۱.

» سفیری ، خدیجه؛ زهرا نعمت الهی؛ «رابطه ابزارهای جهانی شدن و هویت دینی»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱، صص ۷۰-۳۹.

نقش خانواده و امام جماعت، در تشویق کودک و نوجوان به نماز جماعت و حضور در مسجد

عسکری اسلام‌پور کریمی[1]

چکیده

این نوشتار، با روش توصیفی (Descriptive) و کتابخانه‌ای، به تبیین جایگاه و نقش خانواده در تربیت و آموزش مسائل دینی کودکان و نوجوانان و روش‌های جذب آنان به مسجد و نماز جماعت می‌پردازد.

مقاله حاضر در سه فصل به شرح ذیل تدوین گردید: در فصل اول به تعریف مهم‌ترین مفاهیم مورد کاربرد در این تحقیق پرداخته شد، که عبارت‌اند از: مفهوم خانواده، امام جماعت، مسجد، نماز، نماز جماعت.

در فصل دوم به نقش خانواده در جذب کودک و نوجوان به نماز جماعت و مساجد

[1] -دانش آموخته حوزه علمیه قم و مدرس حوزه
Email: karimi-ae@yahoo.com.

پرداختـه شـد؛ در ایـن راسـتا ابتـدا وظیفه خانـواده در تربیـت فرزندان مورد بررسـی قـرار گرفـت. سـپس، سـنّ شـروع پـرورش و آمـوزش کـودکان و نوجوانـان و اصول و روش‌هـای آمـوزش احـکام و مسـائل دینی به آنـان تبیین گردید، در پایـان این فصل، مهم‌تریـن روش‌هـای جـذب کـودک و نوجـوان بـه نمـاز جماعـت و مسـاجد توسـط خانـواده مورد بررسـی قـرار گرفت.

در فصـل آخر(سـوم) نقـش امـام جماعت در جذب کـودک و نوجوان بـه نماز جماعت و مسـاجد مـورد بحـث قـرار گرفـت و به نقـش ممتـاز و ویژه امـام جماعت بـه عنوان مدیـر طبیعـی مسـجد در جـذب کـودکان و نوجوانـان به مسـجد و نمـاز جماعت، به طور مشـروح پرداخته شـد.

واژگان کلیدی:

نمـاز، مسـجد، نمـاز جماعـت، خانـواده، امـام جماعـت، اصـول آمـوزش، روش‌هـای جـذب کـودک و نوجـوان.

» مقدمه

دوران کودکی و نوجوانی، سرشار از عطوفت و نشاط و لبریز از شادی‌هاست، در این دوره، والدین شاهد احساسات پاک و بی‌آلایش کودکانه هستند. کودکان امانت‌های الهی در نزد ما بزرگسالان به حساب می‌آیند و غنچه‌های باطراوت بوستان زندگی هستند.

ظرافت، شکنندگی و انعطاف‌پذیری شخصیت کودک و نوجوان، پیچیدگی و حساسیت تربیت آنان را آشکار می‌کند. در تربیت کودکان اولاً باید روانشناسی خاص آنان را شناخت، ثانیاً با احتیاط و ظرافت هرچه تمام‌تر در جهت رشد و شکوفایی شخصیت آنان قدم برداشت. یکی از ابعاد بسیار مهم تربیت کودکان، تربیت مذهبی آنان است. تقویت نیروی ایمان و باورهای مذهبی کودکان تأثیر به‌سزایی درجلوگیری از خطاها و لغزشهای آنان دارد. این سخن حقیقتی انکارناپذیر است و در میان خانواده‌ها از دیرباز امری مسلّم و پذیرفته شده می‌باشد. تاریخ و تجربه نشان داده است افرادی که از اعتقادات عمیق مذهبی برخوردار بوده‌اند و به اصول و ارزش‌های آن پایبندی خود را نشان داده‌اند، معمولاً افرادی صالح و به دور از خطاها و مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی هستند. آنان که به آیات قرآن، ایمان عمیق دارند و خود را در حضور خداوند عالمیان حس می‌کنند و به پیام‌های آسمانی آن گوش دل می‌سپارند کمتر در معرض آلودگی‌ها و اشتباهات هستند .

اگر تربیت مذهبی با رعایت اصول، روش‌ها و اندیشه‌ای درست استوار گردد، موجب رشد و پیشرفت می‌شود و فرد را از سقوط می‌رهاند، برای زحمات کودک پاداشی از درون تهیه می‌شود، آلودگی‌ها در او روی به کاهش می‌گذارد، اضطراب و وسوسه‌ها که مخصوصاً در سنین نوجوانی و جوانی عارض فرد می‌شود،از میان می‌رود و آرامش نسبی برای او حاصل می‌آید.

یکی از بهترین راه‌های تقویت ایمان مذهبی، ایجاد جوّی مذهبی و فضائی جّذاب در محیط زندگی کودک و نوجوان است و مسجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه برای جذب کودکان و نوجوانان نقش به‌سزایی در تقویت ایمان و روح معنوی

آنـان ایفـا می‌کنـد، البتـه بـه این شـرط کـه محیط مسـجد نیز بـرای کـودک جذاب و بانشـاط باشـد. برایـن اسـاس، ترغیـب کـودکان و نوجوانـان بـه حضور در مسـجد و شـرکت در نمـاز جماعـت، یکـی از اهـداف تربیتـی اسـلام اسـت؛ زیرا شـرکت مداوم در جمـع مسـلمانان، عـلاوه بـر آنچه بیان شـد، سـبب تعالی روح انسـان و اسـتحکام عقیـده و فکـر می‌گـردد. حـال سـخن این اسـت کـه: نقـش خانـواده و امـام جماعت مسـجد در جـذب تشـویق کـودکان و نوجوانـان بـه مسـجد و نماز جماعت چیسـت؟ بـه طـور کلّـی زمـان آمـوزش نماز در چه سـنّی اسـت؟ چه اصـول و روش‌هایـی را در آمـوزش مسـائل دینـی بـه کـودک و نوجـوان بایـد رعایـت کرد تا بـه نتیجـه مطلوب دسـت یافـت؟ خانـواده بـه عنـوان اولین نهـاد متصدّی تربیـت کودک و امـام جماعت بـه عنـوان مدیـر فرهنگی مسـجد بـا چـه شـیوه‌هایی می‌تواننـد کـودکان و نوجوانان را بـا مسـجد و نمـاز جماعـت مأنـوس کننـد. در ایـن نوشـتار نسـبتاً مفصّـل برآنیم تا بـا مطالعـه در آموزه‌هـای دینـی و نظرات کارشناسـان خبره، پاسـخی درخـور توجه و قانـع کننـده‌ای برای سـؤالات یـاد شـده بیابیم.

» الف) تعریف مفاهیم

۱. خانواده

خانواده،[1] یک واحد زیستی (بیولوژیکی) است که تشکیل آن مبتنی بر پیوند زناشویی است و براساس آن افراد دارای رابطه سببی یا نسبی بوده و با یکدیگر خویشاوند هستند. محقّقان علوم اجتماعی، خانواده را به «گروهی از افراد که روابط آنان با یکدیگر بر اساس هم‌خونی شکل می‌گیرد و نسبت به هم خویشاوند محسوب می‌شوند،» تعریف کرده بودند. گروهی دیگر از جامعه‌شناسان، برای تعمیم خانواده، به گونه‌ای که افزون بر روابط هم‌خونی، مواردی همچون فرزندپذیری و پذیرش‌های اجتماعی و قراردادی را نیز دربرگیرد، خانواده را این گونه تعریف کردند: «گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش، با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند.» (ساروخانی ۱۳۷۹، ۱۳۵)

۲. امام جماعت

واژه «امام» در لغت به معنای پیشوا است. امام، کسی است که از او پیروی می‌کنند و به وی اقتدا می‌شود، خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن، حق باشد یا باطل. (قریشی ۱۴۱۲ق، ذیل واژه«امام»)

جماعت به معنای گروهی است که گرد هم آمده‌اند. امام جماعت در اصطلاح، فردی است که در بین گروهی که می‌خواهند نماز اقامه کنند، جلوتر از همه بایستد و دیگران به او اقتدا کنند. برای امام جماعت شرایطی وجود که در منابع فقهی مطرح شده است.

عنوان «امام جماعت مسجد» در میان جامعه مسلمانان از گذشته‌های دور تاکنون بسیار مورد استفاده قرار گرفته و به کارگیری این واژه در ادبیات ما مرسوم و معمول است. اگر چه استفاده از این واژه از نظر حقوقی و عرفی عاری از اَشکال

[1] -Family.

اساسی و مبنایی است؛ ولی با توجّه به مفهوم محدودی که از این ترکیب به ذهن متبادر می‌شود، وظایف و مسئولیت اندکی برای آن متصّور می‌شود. امام از نظر لغوی به معنای پیشوا، پیش‌نماز، خلیفه، فرمانده سپاه، راهنمای مسافران است. مفهوم «امام مسجد»، بالاتر از امام جماعت است، وقتی می‌گوییم امام، هم نماز جماعت را شامل می‌شود و هم نماز جمعه را؛ چون در مسجد هم نماز جماعت خوانده می‌شود و هم نماز جمعه. به هر حال، منظور از امام جماعت، شخصی با تحصیلات عالی دینی است که آشنایی کافی و وافی در حوزه‌های فقهی و احکام و مسائل شریعت اسلامی دارد. وی شرایط و الزامات ذکر شده در منابع دینی را برای امامت مسجد(در عصر غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و در حاکمیت ولی امر حاضر مسلمین) داراست.

۳. مسجد

واژه «مَسجد» اسم مکان است که از «سَجَدَ» اشتقاق یافته، به معنای سجده‌گاه و محل عبادت بوده و با کلماتی چون «سَجده» و «سُجود» هم‌خانواده است. واژه مسجد، در مجموع ۲۸ بار در قرآن کریم ذکر شده است.

در تعریف لغوی مسجد در معاجم و فرهنگ‌های لغت تعابیر گوناگون وجود دارد که در واقع، تمامی آنها به یک معنا بازگشت می کند. زجاج در تعریف مسجد می‌گوید: «المَسجَد والمَسجِد، الذی یُسجَد فیه، وَ کلُّ مَوضعٍ یُتَعَبَّد فیه فَهُو مَسجِد» مسجَد یا مسجِد، جایی است که در آن سجده می‌شود و هر جایگاهی که در آن عبادت شود، آنجا مسجد است. (الزبیدی، ج۲، ۳۷۱) و ابن اعرابی گفته است: «المسجَدُ یفتح الجیم، محرابُ البیوت و مصلّی الجماعات» (همان)

همچنین در مفردات راغب اصفهانی آمده است :«المسجدُ موضعِ الصّلاه اعتباراً بالسّجود» (راغب اصفهانی، ۲۷۱)

در لغت‌نامه‌های فارسی نیز «مسجد» به معنای سر به زمین نهادن، جای عبادت مسلمانان، خانه خدا و محل سجود آمده است.(دهخدا ۱۳۳۲ش، ج۴۳، ۳۸۴)

همچنین مسجد، به معنای محل و موضعی که در آنها سجده کنند و هر محلی

کـه آن عبـادت کننـد نیـز آمـده اسـت و از طرفـی مسـجد، اسـم اسـت بـرای محـل عبـادت، خـواه در آن سـجده بکنـد و خـواه اینکـه سـجده نکنند.(همان)
جـای خوانـدن نمـاز، نمـازگاه (عبادتخانه، خانـه‌ای که برای گـزرادن نماز می‌سـازند، نیـز از دیگر اسـتعمالات لغت مسـجد اسـت. (همان)
در اصطـلاح شـرعی، مسـجد بـه مـکان معیـن و موقوف برای نماز اطلاق شـده اسـت. (نجفـی ۱۳۹۲ ق، ج۱۴، ۶۱)

۴. نماز

واژه فارسـی «نمـاز» از واژه پهلـوی «نِمـاک» گرفتـه شـده و آن هـم بـه نوبـه خود از ریشـه باسـتانی «نِـم»، بـه معنـای «خـم شـدن و تعظیم کـردن» مأخوذ اسـت که به تدریـج بـر معنی «صـلاه» یعنی عبادت ویژه مسـلمانان منطبق شـده اسـت. (خزائلی ۱۳۵۸ش، ۳۳۸)
بـر اسـاس برخـی اسـناد تاریخـی، گروهـی از ایرانیـان تـازه مسـلمان در سـال‌های حکومـت اعـراب بر ایران، به جـای واژه «صلوه» از کلمه «نِماک» اسـتفاده می‌کرده‌اند و هنـگام فراخوانـدن مـردم بـه سـوی نمـاز بـه جـای «الصلـوه» واژه «النِّمـاک» و به جـای «حـیَّ عَلَـی الصَّـلاه» عبارت «بشـتابید به سـوی نِمـاک» را بـه کار می‌برده‌اند. (راشـدی ۱۳۷۸ش، ج۱، ۶۵)
بـا توجـه بـه مـوارد کاربـرد واژه نمـاز می‌تـوان بـرای آن سـه معنـای کلـی در نظـر گرفـت:
۴-۱. خدمـت و خدمتـکاری، اطاعـت و فرمانبـرداری، سـرفرود آوری و تعظیم، سـر به زمیـن نهادن، کرنـش و تکریم، اظهـار طاعـت و بندگی.(همان)
واژه هـای نمـاز بـردن، در نمـاز آمـدن، بـه نمـاز آمـدن، در نمـاز آوردن، بـه معنـای پرسـتش کـردن، عاجـزی نمـودن، خم شـدن، به علامـت تعظیم و بندگـی و به خاک افتـادن بـه قصـد تعظیـم در برابـر پادشـاهی یـا بزرگـی دیگر بـه کار رفته اسـت.
۴-۲. کلمـه نمـاز بـه معنای پرسـتش و ادای طاعـت ایزد متعال و عرض نیاز به سـوی خـدای عالمیـان اسـت؛ بـه طریقـی کـه در شـریعت پیامبران وارد شـده اسـت که در

ایـن معنـا معاد کلمه «صلوه» اسـت. (همـان، ۶۷)

۴-۳. چـون شـرط نمـاز طهـارت اسـت و کلمـه نمـاز مفهـوم طهـارت و پاکیزگـی را تداعـی مـی کنـد، کلمه «نمازی» منسـوب به نمـاز و به معنای دوسـتدار نماز اسـت؛ هـم چنیـن بـه معنـای پـاک و طاهر نیـز بـه کار رفتـه اسـت. در تعبیر دیگـر، نمازی کـردن بـه معنـا پاک کردن، شسـتن، آب کشـیدن و غسـل دادن اسـت و «نماز کن» بـه معنای شسـت وشـو کننـده بـه کار می‌رفته اسـت. (همـان، ۷۱)

فرهنـگ عمیـد نمـاز را چنیـن معنـا کرده اسـت: «پرسـتش، نیـاز، سـجود، بندگی و اطاعـت، خـم شـدن بـرای اظهـار بندگـی و اطاعـت و یکـی از فرایـض دیـن، عبـادت مخصـوص و واجـب مسـلمانان کـه پنـج بـار در شـبانه روز به‌جـا می‌آورنـد.» (عمیـد ۱۳۶۹ش، ج۲، ۱۹۱۹)

صلـوه، از لفـظ عربی «صلّوها» مشـتق شـده اسـت و در منابع سـریانی الفاظی مشـابه و معـادل بـا اقامه صلوه به چشـم می‌خـورد. (راشـدی ۱۳۷۸ش، ج۱، ۷۳)

برخـی از متأخـران ریشـه آن را «آرامـی» پنداشـته‌اند و با پژوهش‌هایی کـه به تازگی عمـل آمـده اسـت، این احتمال قوّت گرفته که اصل «صلوه» سـریانی اسـت و سـپس بـا جـاری شـدن آن در زبـان جنـوب عربسـتان شـاعران آن را در اشـعار خـود به کار برده‌انـد و بعـد از آن اعـراب شـمالی، لفظ «صلـوه» را از آنهـا گرفته‌اند.

نمـاز فعّالیتـی عبادی و مشـروط به طهارت اسـت که مشـتمل بـر نیّت، قیـام، قرائت، رکـوع و سـجود و تشـهد و سـلام اسـت و در صورت حضـور قلب فضایـل اخلاقی را در پـی دارد و بـا تأکیـد بر درون انسـان خـود حقیقی او را به سـوی کمال مطلوب سـوق می‌دهـد و بیانگـر جهان بینی اسـلامی اسـت.

۵. نماز جماعت

در دیـن اسـلام، نمـازی کـه بـه صـورت گروهـی خوانـده شـود و در آن به امـام اقتدا شـود، «نمـاز جماعـت» نامیده می‌شـود.

در نمـاز جماعـت، شـخصی کـه امـام جماعـت اسـت جلوتـر از همـه و رو بـه قبلـه می‌ایسـتد و سـایر نمازگـزاران بـه وی اقتـدا می‌کننـد. نمازهایـی کـه می‌تـوان بـه

صـورت جماعـت خوانـد، شـامل نمازهـای یومیّـه (نمـاز صبح، نمـاز ظهر، نمـاز عصر، نمـاز مغـرب و نمـاز عشـا) و نمـاز میّت، نمـاز جمعه، نماز عیـد فطر و نمـاز عید قربان می‌باشـند. بـه شـخصی کـه در نمـاز جمعـه به‌عنوان امـام جماعـت می‌ایسـتد، «امام جمعـه» گفتـه می‌شـود.(دهخدا ۱۳۳۲ش، ۷۷۲)

» ب) نقش خانواده در جذب کودک و نوجوان به نماز جماعت و مساجد

۱. وظیفه‌ی خانواده در تربیت فرزندان

نقش خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی، مسئله‌ای غیرقابل تردید است. تأثیر خانواده در فرزندان از نظر فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی بسیار مهم و با ارزش است؛ زیرا آنان، مبانی زندگی را در آنجا فرا می‌گیرند و خوب و بد را از آنجا می‌آموزند. از این رو، بیشتر «بایدها» و «نبایدها» «خوبی‌ها» و «زشتی‌ها» و روحیات کودک در خانواده پایه‌گذاری می‌شود.

خانواده، اولین کلاس درس و نخستین بستر شکفتن است و کودک دروس اولیه زندگی را از پدر و مادر و اطرافیانش فرامی‌گیرد. از این‌رو، اگر زبان والدین عربی باشد، کودک به زبان عربی آشنا می‌شود، و اگر فارسی باشد، به زبان فارسی و اگر ترک باشد به زبان ترکی ... اگر خانواده اهل ساز و دهل و ترانه و تصنیف باشند، کودک از همان خردسالی به طور نهادی آنها را می‌آموزد. اگر والدین اهل مسجد و نماز و دعا و عبادت باشند باز روی قانون تبعیّتِ کوچکتر از بزرگتر، مُهر را از مقابل والدین برداشته و به تقلید از آنها خم و راست می‌شود و می‌بوسد.

خلاصه، چشمان درخشان کودکان شب و روز حرکات اهل خانه (پدر و مادر) و اعمال آنها را می‌نگرند و گوش‌های حسّاس آنان، مانند یک دستگاه گیرنده قوی و مجهّز، مواظب حرکات و سکنات آنهاست. «ویژگی‌های رفتاری والدین، طرز فکرها، آداب و رسوم، تقلیدها، تعصبات، سطح اندیشه و فرهنگ آنها، امکانات مادّی و معنوی آنان و همچنین کسانی که آدمی به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم تحت تأثیر آنهاست در کودک اثر می‌گذارند. (جهانگرد ۱۳۷۲ش، ۱۴)

خانواده به ویژه والدین، تأثیرات پایداری بر روی شخصیت کودک و نوجوان دارند و این به‌ویژه از دو جهت مهم می‌باشد؛ یکی اینکه اوّلین کسانی که کودک با آنها روبه‌رو می شود والدین هستند و دیگر اینکه والدین به نحوی تا آخر عمر با فرزندان می‌باشند و هر دو، تأثیر و تأثر متقابل بر روی هم دارند. مرحوم فلسفی می‌نویسد: اوّل معلّمی که درس زندگی به کودک می‌آموزد و در دل پاک او نقش‌های خوب و بد ترسیم می‌کند، پدر و مادر است.» (فلسفی ۱۳۴۴ش، ج۱، ۲۶۹)

آموزه‌های دینی، بزرگ‌ترین مسؤلیت والدین را تربیت صحیح فرزندان می‌داند. بر این اساس، در نظام تربیتی اسلام، تربیت خانوادگی از اهمیّت ویژه‌ای برخوردار است؛ خداوند متعال در آیه ۱۳۲ طاها درباره مسئولیت والدین در تربیت عبادی اهل خانواده به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلوهِ وَاصْطَبِرْ عَلَیْهَا...؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و خود در آن کار پایداری کن.» (طه/۱۳۲)

همچنین قرآن کریم می‌فرماید: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَکُمْ وَأَهْلِیکُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَهُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند، نگه دارید.» (تحریم/ ۶) در حدیثی امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «هنگامی که این آیه شریفه نازل شد، مردم گفتند: یا رسول‌الله! چگونه ما خودمان و اهل و عیالمان را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ حضرت فرمود: خودتان کارهای خیر انجام بدهید؛ خانواده خود را به کارهای نیک تذکر بدهید؛ آنها را بر اطاعت و عبادت خداوند تأدیب و تربیت نمایید. سپس امام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی یَقُولُ لِنَبِیِّهِ ﷺ وَ أْمُرْ أَهْلَکَ بِالصَّلاهِ وَ اصْطَبِرْ عَلَیْها؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش!»(طه/۱۳۲) وَ قَالَ وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولًا نَبِیًّا وَ کانَ یَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلاهِ وَ الزَّکاهِ وَ کانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِیًّا(مریم/۵۴ و ۵۵) و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده‌هایش صادق، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود! و همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره مورد رضایت پروردگارش بود.» (نوری، ج۱۲، ۲۰۱، باب ۸، ح۵)

ابوسعید خدری می‌گوید: وقتی آیه ۱۳۲ سوره مبارکه «طه» نازل شد، پیامبراکرم ﷺ تا نُه ماه، وقت نماز به درب خانه حضرت فاطمه علیهاالسلام و امام علی علیه‌السلام می‌آمد و دستگیره در خانه را می‌گرفت و پس از سلام بر اهل خانه، به دستور آیه عمل می‌نمود و می‌فرمود: «الصّلاه الصّلوه، یَرحمکُم الله؛ بشتابید به سوی نماز، بشتابید به سوی نماز، خداوند رحمتش را شامل حالتان کند.» (مجلسی ۱۴۰۴ق، ج۱۶، ۲۰۳) و سپس آیه تطهیر را تلاوت می‌فرمود. قندوزی حنفی پس از ذکر این حدیث می‌گوید: «این حدیث از ۳۰۰ نفر از صحابه و یاران پیامبر ﷺ

روایت شده است.» (قندوزی حنفی، ۱۷۴)

با توجّه به این که نگاه‌داشت خود و خانواده از آتش دوزخ، جز از راه عمل به دستورهای خداوند متعال حاصل نمی‌شود و از سوی دیگر، عمل به دستورهای خداوند نیز متوقف بر تربیت دینی صحیح است، این آیه شریفه دلالت بر این دارد که خداوند متعال، والدین را مسئول تربیت دینی فرزندان می‌داند. روایاتی که در ذیل این آیه آمده نیز همگی بیانگر این موضوع است. به عنوان مثال، در روایتی آمده است: زمانی که این آیه نازل شد، یکی از مسلمانان نشست و مشغول به گریه شد و گفت: من از دست خودم عاجز بودم، اکنون مسئول خانواده خود نیز شدم. در این هنگام پیامبر ﷺ به ایشان فرمودند: همین که آنان را به آنچه خود را امر می‌کنی، امر کنی و از آنچه خود را از آن نهی می‌کنی، نهی کنی [برای انجام مسئولیت] کفایت می‌کند. (کلینی ۱۴۰۵، ج۵، ۶۲، ح۱)

با تأمّل در آموزه‌های دینی، ضرورت تربیت فرزندان در محیط خانواده به خوبی روشن می‌شود، به نحوی که سعادت و خوشبختی جامعه بسته به آن است و اگر کودک و نوجوان درست تربیت شود، به تدریج زمینه رشد و تکامل مادی و معنوی جامعه فراهم می‌گردد.

اسلام به مسئله تربیت و آموزش فرزندان تا آن حد اهمیّت داده که آن را حقّ مسلّم فرزند بر پدر دانسته است. امام سجاد علیه‌السلام نیز در «رساله حقوق» بدین وظیفه خطیر چنین اشاره می‌فرماید: «عمل کن درباره فرزند خویش، چون عمل کسی که می‌داند اگر به فرزند خود احسان کند پاداش داده می‌شود و اگر بدرفتاری کرد مؤاخذه و عقاب می‌گردد.» (نوری ۱۴۰۸ق، ج۱۵، ۱۶۸)

در جای دیگر، امام با تفصیل بیشتری می‌فرماید: «امّا حق فرزند تو این است که بدانی او پاره‌ای از وجود توست و در نیکی و بدی خود در این دنیا به تو وابستگی دارد و تو در تربیت و ادب‌آموزی و خداشناسی او مسئولیت داری و باید او را در اطاعت فرمان خدا، در آنچه مربوط به تو و اوست، کمک رسانی. در احسان به او پاداش می‌گیری و در بدی به او کیفر می‌بینی. عمل تو درباره او مانند کسی است که یقین دارد به کارهای نیکوی او در دنیا آرایش می‌یابد و به واسطه

حسـن قیـام بـه وظایـف و مسـئولیت‌ها در پیشـگاه خداوند معذور اسـت.» (مجلسـی ۱۴۰۴ق، ج۱۵، ۷۴)

امـام سـجاد﵇ در ایـن حدیـث شـریف بـه مسـئولیت پـدران در تربیـت فرزنـدان تصریـح فرمـوده اسـت. امـام﵇ پرورش‌هـای اخلاقـی و ایمانـی فرزنـد را از وظایـف مسـلّم مذهبـی آنـان (پـدران) دانسـته و خاطـر نشـان نمـوده اسـت کـه تربیت‌هـای پسـندیده پـدران، ماننـد ادای یـک فریضـه مذهبـی موجب اجـر و پاداش در پیشـگاه خداونـد اسـت و پرورش‌هـای ناپسـند ماننـد تـرک واجب یـا ارتـکاب گناه، پـدران را مسـتحق عقـاب و کیفـر الهـی خواهـد کرد.

در آموزه‌هـای دینـی «عـاق والدیـن» و «عـاق فرزنـدان» هـر دو مطـرح اسـت کـه بر اسـاس آن، همچنـان کـه فرزنـدان در اثـر ترک حقـوق والدین بـه آثـار وخیمه عقوق والدیـن مبتـلا می‌شـوند، والدیـن نیز در صـورت ترک حقـوق فرزندان به آثـار وخیمه آن مبتـلا می‌شـوند. چنانکـه پیامبراکرمﷺ در ضمن سـفارش‌هایی بـه امام علی﵇ فرمـود: «ای علـی﵇! خـدا لعنـت کنـد پـدر و مـادری را که فرزنـدان خویـش را بد تربیـت کننـد و موجبـات عـاق خـود را فراهـم نماینـد. ای علـی﵇! همان‌گونـه کـه فرزنـد عـاق والدیـن می‌شـود، والدیـن نیـز عـاق فرزنـد خواهنـد شـد.» (حـرّ عاملـی ۱۴۰۹ق، ج۱۵، ۱۲۳)

۲. سن شروع پرورش و آموزش کودکان و نوجوانان

از نظـر اسـلام، تربیـت و آمـوزش از گهواره آغاز می‌شـود و در خانواده شـکل می‌گیرد. مقدمـات و پایه‌گـذاری آن از مرحلـه تشـکیل جنیـن و حتّـی قبـل از آن اسـت. ولـی آنچـه کـه صـورت رسـمی دارد از لحظه تولّد اسـت و بـا ذکر اذان و اقامـه در دو گوش کودک شـروع می‌شـود.

بعدهـا و بـه تدریـج در مراحـل مختلـف زندگـی، والدیـن وظایفـی در قبـال کـودک دارنـد کـه بـه عنـوان مربّـی بایـد بـه ادای آن بپردازنـد. بـدون شـک تا حـدود هفت سـالگی، اعمـال قـدرت و فشـار مطـرح نیسـت؛ حتّـی رفتـار مذهبـی کـودک صورت بـازی و سـرگرمی دارد. سـعی و تـلاش والدیـن باید بر این باشـد کـه تکالیف مذهبی

بـر کـودک سـنگین نیایـد و او را خسـته نکنـد. در طـول مـدت تربیت در هفت سـال اول، کوشـش بـر ایـن اسـت کـه مصداق‌هـا و مدل‌هایی عرضـه و ارائه شـوند که برای کـودک درس‌آمـوز باشـند و شـیوه تربیـت بـه گونـه‌ای باشـد که نیـازی بـه اصلاح و تجدیـد نظـر در آن ضـرورت پیـدا نکنـد که بسـیاری از لغزش‌هـای مذهبی افـراد در ایـن رابطه اسـت.

از وقتـی کـه دسـتگاه ادراکـی طفل شـروع بـه فعالیت می‌کنـد، و حـس کنجکاویش بیدار می‌شـود، پیوسـته از منشـأ و علل اشـیاء سـؤال می‌کنـد و روانش بـرای پذیرش خالـق جهـان بـه عنـوان علّت حقیقی همـه پدیده‌ها آماده اسـت. بنابرایـن، قبل از آن کـه عقـل کـودک به خوبی شـکوفا شـود و در راه تحصیل علـم و درک حقایق عقلانی قـدم بـردارد، طفلـی پـاک نهـاد و بـا ایمـان و خـوش اخـلاق بـار آمـده باشـد، چـون بشـر قبـل از آن‌کـه در راه اثبـات وجـود خـدا از نیـروی عقلـش کمـک بگیـرد، فطرتاً بـه خداونـد جهـان متوجـه اسـت،(روم/۳۰) و بـرای ایجـاد حـس ایمـان در کـودک، اسـتدلال‌های عقلـی ضـرورت نـدارد و همـان نیـروی فطـری بـرای پـرورش ایمـان کافی اسـت.

«ایمـان بـه خـدا از مهم‌تریـن ارزش‌هایی اسـت که بایـد در دل و جان کـودک بذر آن را بـارور کـرد؛ ایـن ایمـان، در آینده بـه او امید به زندگـی و اعتماد به خالـق را خواهد بخشـید و در او مانعـی دینـی پدیـد خواهـد آمـد که از ارتـکاب گناهان بـازش خواهد داشـت.» (رفعت ۱۹۹۱م، ۲۴۹)

تعلیـم و تربیـت در ایـن مرحلـه بایـد بـه دور از شـتابزدگی و ضمن یـک روش مداوم و متناسـب بـا رشـد عقلـی و میـزان پختگـی زبانی او صـورت گیـرد. در منابـع روایی حضـرات معصومـان علیهم‌السلام ایـن پیوسـتگی و تـداوم در آمـوزش را در سـنین کودکی، به ویـژه از سـه چهـار سـالگی به بـالا چنیـن معرفـی فرموده‌اند:

عبـدالله بـن فضالـی از امـام باقـر علیه‌السلام یـا امـام صـادق علیه‌السلام روایت کـرده اسـت که آن حضـرت فرمـود: «هـرگاه کـودک بـه سـه سـالگی رسـید، هفت مرتبـه کلمـه توحید را بگویـد. وقتـی سـه سـال و هفـت مـاه و بیسـت روز وی تمـام شـد، هفت بـار بگوید محمـد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرسـتاده خداسـت؛ هنگامـی که چهار سـالش کامل شـد، هفت بـار درود

بـر پیامبـر ﷺ و آل پیامبـر بفرسـتد. زمانـی کـه پنـج سـالش بـه پایـان رسـید، به او گفتـه شـود که دسـت راسـت و چپش کدام اسـت. پـس از آن او را رو به قبله نشـانده و به او گفته شـود سـجده کن. شـش سـاله که شـد، شسـتن دسـت و صورت را به او بیاموزنـد، آن گاه امـر بـه نمـاز کننـد. هـر زمـان نه سـالش تمام شـد، وضـو را به وی بیاموزنـد و اگـر انجـام نـداد، تنبیـه بدنـی کننـد و همچنین نمـاز را به او یـاد دهند و اگـر اطاعـت نکـرد، کتـک بزنند. وقتی وضـو و نمـاز را آموخت، خداوند پـدر و مادرش را می‌بخشـد.» (حـرّ عاملـی ۱۴۰۹ق، ج۱۵، کتـاب النـکاح، ابواب احـکام الاولاد، باب ۸۲، ۱۹۳، ح۳)

همچنیـن امـام صـادق علیه‌السلام فرمودنـد: «مـا کـودکان خـود را وقتـی پنـج سـاله‌اند، به نمـاز امـر می‌کنیـم؛ ولـی شـما کودکانتـان را وقتـی هفـت سـاله شـدند، به نمـاز امر کنیـد. مـا کـودکان خود را وقتـی هفت سـاله‌اند، بـه روزه وامی‌داریم؛ به انـدازه‌ای که تـوان دارنـد، چـه تا نصف روز باشـد یا بیشـتر یـا کمتر. وقتی تشـنگی و گرسـنگی بر آنـان چیـره شـد، افطـار می‌کنند تـا اینکه بـه روزه، عادت کننـد و تـوان آن را بیابند؛ ولـی شـما کودکانتـان را وقتـی نُه سـاله شـدند، به انـدازه‌ای که تـوان دارنـد، به روزه وا داریـد و وقتـی تشـنگی بـر آنـان چیره شـد، افطار کننـد.» (صـدوق ۱۴۰۵ق، ج۱، ۱۸۲، ح۸۶۱)

درستی چنین شیوه تربیتی را دانش روانشناسی جدید نیز به اثبات رسانده است:

کـودک در سـن دو تـا سـه سـالگی از جنبـه کلامـی قـادر خواهـد بـود ادراک خـود را دربـاره بسـیاری از اشـیا و روابـط [بیـن آنهـا] بیـان کنـد و در پایـان سـه سـالگی می‌توانـد جمـلات را براسـاس قواعـد زبانـی رایـج بـه‌کار گیرد و ایـن آمادگـی، امکان سـاخت جمـلات ابتدایـی و صحیح را بـرای وی فراهـم می‌آورد.(منصـور ۱۴۰۷، ج۲، ۱۳۲)

عمق‌بخشـی ایمـان کـودک بـه خـدا، در تربیـت وی ضـروری اسـت. کـودک در ایـن مرحلـه، از جهت‌هـای مختلـف، کـه از جملـه آنهـا ایمـان بـه خداسـت، مقلّـد پـدر و مادر اسـت.

دکتـر بنیامیـن اسـپاک، روانپزشـک آمریکایـی می‌گویـد: «زمینـه عشـق و ایمـان به

خـدا در کـودک، همـان زمینـه عشـق و ایمـان والدیـن به خداسـت.»
سـپس می‌افزایـد: «میـان سـه تـا شـش سـالگی، کـودک تـلاش می‌کنـد تـا در همه چیـز از والدینـش تقلیـد کنـد، پـس اگـر آنـان از خدا بـرای او سـخن بگوینـد، ایمان کـودک بـه خـدا نیـز دقیقـاً بـه گونـه‌ای خواهـد بـود کـه در ضمـن کلماتشـان به او آموخته‌انـد.» (اسـپاک ۱۹۸۰م، ۲۴۸)
کـودک در ایـن مرحلـه پیوسـته بـه روابـط محبّت‌آمیز و دوسـتانه گرایـش دارد تا آن کـه محبـوب واقـع و یـک سـر و گردن از دیگـران برتر و بالاتر محسـوب شـود.
«تأکیـد ورزیـدن بـر صفـات خاصـی، چـون رحمت و دوسـتی و گذشـت تا حـدّ اعلای آن، و تـا حـد ممکـن عدم یادکـردنِ صفاتی چون عقـاب و انتقام الهی.» (همـان، ۲۵۱)
در نتیجـه، تصویـری کـه کـودک در اندیشـه خـود از خـدای تعالـی خواهـد داشـت، تصویـری زیبـا خواهـد بـود کـه دوسـتدار اوسـت، از ایـن‌رو تعلّـق خاطـرش بـه ذات مقـدّس الهـی افزایـش یافتـه و او را بخشـنده دوسـتی و رحمـت بـه خـود خواهـد پنداشـت.
در دو روایـت مزبـور به نکات بسـیار دقیقی اشـاره شـده اسـت که رعایـت آنها کفایت می کند :
وقتـی کـودک به سـن سـه سـالگی رسـید، از او بخواهید کـه هفت بار عبـارت «لا اله الا الله» را بگوید.
سـپس، او را بـه حـال خـود وا گذاریـد تـا بـه سـن سـه سـال و هفـت مـاه و ۲۰ روز برسـد. در ایـن هنـگام، بـه او آموزش دهیـد که هفت بـار بگوید: «محمد رسـول الله»
سـپس، تـا چهـار سـالگی او را آزاد بگذاریـد. در آن هنـگام، از وی بخواهیـد کـه هفت مرتبـه عبـارت: «صلـی الله علیه و آلـه» را تکـرار نماید.
سـپس تـا پنـج سـالگی او را آزاد بگذاریـد. در ایـن وقـت، اگر کودک دسـت راسـت و چـپ خـود را تشـخیص داد، او را در برابـر قبلـه قرار دهید و سـجده را بـه او بیاموزید.
در سن شش سالگی، رکوع، سجده و دیگر اجزای نماز را به او آموزش دهید.
وقتـی هفـت سـال او تمام شـد، بـه او بگویید که دسـت و صـورت خود را بشـوید(در مـورد وضـو نیـز بتدریـج وضـو گرفتـن را بیاموزیـد) سـپس، بـه او بگوییـد کـه نمـاز

بخواند.

آنـگاه کـودک را بـه حـال خـود وا گذاریـد تـا نه سـال او تمام شـود... در ایـن هنگام، وضـو گرفتـن صحیـح را بـه او بیاموزیـد و او را بـه نماز خوانـدن وادارید.

والدیـن بایـد بـا پیروی از سـیره اهل بیت علیهم‌السلام دسـتورات الهی را به صـورت گام به گام و بـا فاصلـه مناسـب زمانـی به کـودکان تعلیـم دهند تـا آنها هـم از یادگیری خسـته نشـوند و هـم بتواننـد آنچـه را فرامی‌گیرنـد، تمریـن کننـد. نحـوه آموزش معـارف به کـودکان نیـز بایـد این‌گونـه باشـد که ابتـدا خداشناسـی، توحیـد و نبـوت را آموزش دهنـد و سـپس به سـراغ احکام عملـی بروند. همچنیـن از آموزش امـور زندگی مانند شـناخت دسـت راسـت و چـپ نبایـد غفلـت کـرد. اسـتفاده از تنبیـه بـه عنـوان یک روش در تربیـت کـودک نیـز از روایـت نخسـت فهمیده می‌شـود.

بـه هـر حـال، بایـد کـودکان را در خردسـالی بـه فراگیـری و اقامه نمـاز و گرفتـن روزه تمریـن داد تـا بـه تدریـج بـرای آنـان عـادت و ملکـه شـود، و هنـگام سـن تکلیـف، به خوبـی آمـاده باشـند. حتّـی بـا توجـه بـه اینکـه کـودکان از تنبیه بدنـی منع شـده‌اند، امّـا در مـورد زمینه‌سـازی و تحریـک و وادار کـردن آنـان بـه نمـاز، گاهـی ائمـه علیهم‌السلام امر بـه تنبیـه فرموده‌انـد. فقهـای عظام نیـز معتقدنـد در تمریـن دادن کودک به نمـاز، در صـورت لـزوم، بـه مقـداری کـه دیه واجـب نشـود، می‌تـوان او را تنبیـه کـرد. از روایات اسـتفاده می‌شـود کـه اگـر کـودکان در خواندن نماز سسـتی کننـد، می‌توان آنـان را با رعایـت موازیـن شـرعی، تنبیـه (از زبانـی تا عملـی) کرد. البتـه در روایـات، از نظر زمان و سـن بازخواسـت اختـلاف وجـود دارد. از ایـن رو، نمی‌تـوان دقیقـاً مشـخص کـرد که در چـه سـنّی می‌تـوان آنـان را بـا تنبیـه به نمـاز واداشـت. در تعـدادی از روایـات زمان بازخواسـت و تنبیـه از شـش یا هفت سـالگی آمده اسـت. بـرای مثـال، پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودنـد: «وقتـی فرزندانتان شـش سـاله شـدند، امـر کنید نمـاز بخواننـد؛ وقتی هفت سـاله شـدند، (در صـورت لـزوم) می‌توانیـد آنهـا را بزنید.» (نـوری مازندرانـی ۱۴۰۸ق، ج۳، ۱۹)

۳. اصول آموزش احکام و مسائل دینی به کودکان و نوجوانان

آمـوزش مفاهیـم دینـی بـه کـودکان گرچـه امـری بسـیار مقـدّس و والا اسـت، امّـا موفقیت در آن، در گرو آگاهی و شـناخت اصول و روش‌های آموزشـی متناسـب با آن اسـت. بنابرایـن روش‌هـا و شـیوه‌های آمـوزش نماز در کـودکان و نوجوانـان بر اصولی اسـتوار اسـت، که بـه ذکـر مهم‌تریـن آنهـا می‌پردازیم:

۳-۱. اصل فطری بودن مسائل دینی

از جملـه مهم‌تریـن نکاتـی کـه در خصـوص آمـوزش دینی کـودکان در روایـات آمده اسـت، مسـئله فطـری بودن توجـه به دین و خداسـت. طبـق نصّ صریح دین اسـلام، میـل به پرسـتش، نیایـش، کمال‌طلبـی، حقیقت‌جویـی و... در کودک امـری فطری و درونـی اسـت. ایـن موضـوع را شـواهد تاریخی همچون: پرسـتش بت، خورشـید و گاو و سـاختن بهتریـن مکان‌هـا بـرای معابـد و آیـات(روم/۳۰) و روایات تأییـد می‌کند.

پیامبراکـرم ﷺ فرمودنـد: «هـر فرزنـدی بـر فطـرت توحیـد و خداپرسـتی متولّـد می‌شـود، و ایـن پـدر و مـادر او هسـتند کـه او را بـه دیـن یهـودی یـا مسـیحی و یـا زردشـتی سـوق می‌دهنـد. (و او را از راه فطـرت دور می‌سـازند) » (بخـاری ۱۴۱۹ق، جـزء ۲، بـاب الجنائـز، ۱۱۸)

همچنیـن در روایتـی از امـام صـادق علیه‌السلام آمـده اسـت: « حضـرت موسـی علیه‌السلام عـرض کـرد: پـرودگارا! کـدام عمـل نزد تو برتر اسـت؟ فرمود: دوسـت داشـتن کـودکان؛ زیرا فطـرت آنـان را بـر توحیـد و یگانگـی خـود آفریـدم و اگـر آنـان را بمیرانم بـا رحمتم داخـل بهشـت می‌گردانـم.» (مجلسـی ۱۴۰۴ق، ج۱۰۱، ۷-۹)

در بررسـی تاریخـی، ایـن موضـوع ثابت شـده کـه پرسـتش، جزئی از وجود و کشـش فطری انسـان اسـت. گاهی که میل و روح پرسـتش از سـوی انبیا در مسـیر صحیحی قـرار گرفتـه، بـه خداپرسـتی ختـم شـده اسـت و گاهـی بـر اثـر جهـل، انحـراف و لجاجـت، موجـودات و اشـیای گوناگون پرسـتش شـده‌اند.

شـهید مطهـری رحمه‌الله در ایـن بـاره می‌فرمایـد: «یکـی از پایدارتریـن و قدیمی‌تریـن تجلّیـات روح آدمـی و یکـی از اصیل‌تریـن ابعـاد وجـود انسـان‌ها حـس نیایـش و پرسـتش اسـت. مطالعـه آثـار زندگی بشـر نشـان می‌دهـد هر زمـان و هرجا که بشـر

وجـود داشـته اسـت، نیایـش و پرسـتش هـم وجـود داشـته اسـت. چیزی که هسـت شـکل کار و شـخص معبـود متفاوت شـده اسـت؛ از نظر شـکل، از رقص‌هـا و حرکات دسـته جمعـی مـوزون همـراه بـا یـک سلسـله اذکار و اوراد گرفتـه تـا عالی‌تریـن خضوع‌هـا و خشـوع‌ها.» (مطهـری ۱۳۸۰، ۱۰۵)

۳-۲. اصل تدریجی بودن آموزش مسائل دینی

یکـی از اصولـی کـه رعایـت آن آموزش لازم اسـت، آمـوزش گام به گام مسـائل دینی و عبـادی بـه فرزنـدان اسـت. تربیت کـردن و تربیت‌پذیـری، امری تدریجی اسـت و با رعایـت توانایـی و قـدرت افراد ممکن می‌شـود. هیچ انسـانی جز براسـاس تواناییش و جـز بـا حرکـت تدریجی و درسـت، به کمـال دلخواه نمی‌رسـد. تربیت بایـد هماهنگ بـا طاقـت، تـوان و گنجایـش افـراد و بـه صـورت تدریجـی صـورت گیـرد. منظـور از پـرورش تدریجـی، هماهنگـی رونـد تربیـت با رشـد تدریجی فرزندان اسـت.

انسـان از زمـان تولـد تـا سـنین بزرگسـالی توانایی‌هـای جسـمی، ذهنـی و عاطفـی یکسـانی نـدارد، بلکه در هر دوره از رشـد بـا خصوصیات ویژه آن دوره ظاهر می‌شـود. قـرآن کریـم در طـول ۲۳ سـال به‌تدریـج بـر پیامبراکـرم ﷺ نـازل شـد. خداونـد در آیـه ۱۰۶ از سـوره «اسـراء» بـه این نکته اشـاره می‌فرمایـد: «و قرآنی کـه آیاتش را از هـم جـدا کردیـم تـا آن را بـا درنگ بـر مـردم بخوانـی و آن را به‌تدریج نـازل کردیم.» بـرای اینکـه فرزندانـی بـا نشـاط در زمینـه عبـادت و مسـائل دینـی پـرورش دهیـم، لازم اسـت تکالیـف دینـی را در نظـر آنهـا آسـان جلـوه داده و یادگیری و انجـام آن را در طـول زمـان و چنـد سـال توزیـع کنیـم. چنان کـه در روایـات آمده اسـت: «وقتی کودک سـه سـاله شـد، کلمه «لااله الا الله» را یـادش بدهید. سـپس او را رها کنید تا به سـن سـه سـال و هفت ماه و بیسـت روز برسـد، آنگاه «محمد رسـول الله» را یادش بدهید. سـپس تا سـن چهار سـالگی رهایش کنید و در سـن چهار سـالگی صلوات بر محمـد را یادش بدهید.» (شـیخ حـرّ عاملـی ۱۴۰۹ق، ج۱۵، ۱۹۴-۱۹۳)

دانشـمندان تعلیـم و تربیـت نیـز بـا توجـه بـه توانایی‌هـای ویـژه دوران کودکـی در آموختـن مفاهیـم و معـارف، رعایـت اصـل تدریـج را مسـئله مهمـی دانسـته‌اند کـه

غفلت از آن نتیجه‌های جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد.
به نظر «پستالوزی»، مربی بزرگ تعلیم و تربیت سوئیسی، با توجه به اصل تدریج در آموزش، سرعت و شتاب‌زدگی را زیان‌آور دانسته است و می‌گوید: «طبیعت، شایستگی‌های برتر آدمی را که همانند گوهری که در صدف پنهان است، در او پنهان کرده است. اگر صدف را پیش از وقت بشکنید، گوهری ناقص خواهید یافت.» (نقیب زاده ۱۳۷۵، ۱۴۷)
غزالی می‌گوید: «یکی دیگر از وظایف معلم این است که به قدر فهم فراگیر سخن گوید و یکباره در تربیت نخست، آنان را از امور آشکار به موارد دقیق، و از ظاهر و علنی به پنهان و خفی منتقل نکند.» (غزالی۱۳۷۶، ۱۳۸)
بنابراین، باید آموزش احکام و مسائل دینی، متناسب با سطح درک و قوای ذهنی و روانی متعلمان باشد. والدین و بزرگسالان نباید انتظار داشته باشند، که کودکشان به یکباره اهل عبادت و مسجد و نماز جماعت شود. برنامه عادت دادن او به نماز و آموزش و انس با مسجد و محراب، باید بر اصل تدریج مبتنی باشد. کودک نباید یکباره بار سنگینی از وظایف دینی را بر دوش خود احساس کند، و خود را به انجام دادن آن موظف بداند.

۳ـ۳. اصل تسهیل در آموزش مسائل دینی

در برنامه‌های جمعی و عبادات اجتماعی اسلام، روی موضوع خودداری از تندروی و سخت‌گیری و خسته کردن افراد عنایت خاصی مبذول گردیده و اولیای گرامی علیهم‌السلام توصیه‌های فراوانی نموده‌اند که مبادا از رعایت حال و حفظ نشاط افراد غفلت شود و در عبادات و مراسم اسلامی، به جای جاذبه و علاقه و سازندگی، تنفّر و دافعه صورت گیرد.
به همین دلیل، در احادیث متعدّدی، توصیه شده است که نمازهای جمعه و جماعات به گونه‌ای نباشد که به سبب طولانی شدن و سنگین بودن، حقوق ضعیفان و سالمندان و کودکان ضایع گردد.
معاذ بن جبل که در یکی از مساجد مدینه پیش‌نماز بود، روزی در نماز جماعت

سـوره بزرگـی را تـلاوت کـرد و نمـاز را آن قدر طـول داد که مردی در اثر خسـتگی و ناتوانـی طاقـت نیـاورد و نتوانسـت نمـاز خـود را با جماعت بـه پایان برسـاند؛ در میان نمـاز، قصـد فـرادا کـرد، نماز خـود را تمام نمـود و به سـراغ کار خود رفـت. وقتی این خبـر بـه اطـلاع پیامبـر ﷺ رسـید، آن حضرت بسـیار ناراحت شـدند و دسـتور دادند معـاذ را حاضـر کننـد. آن گاه بـا ناراحتـی بـه او فرمودنـد: «ای معاذ! این طور نباشـد کـه مـردم را از نمـاز جماعـت فـراری بدهـی. بلکـه در نمـاز جماعت سـوره‌های کوتاه را بخـوان.» (حرّ عاملـی ۱۴۰۹ق، ج۵، ۴۷)

تسـهیل در آمـوزش مسـائل دینی کـودکان و نوجوانان، از اهمیّت مضاعف و به‌سـزایی برخـوردار اسـت. در دوران خردسـالی، در نمـاز باید به گونه‌ای عمـل کنیم که کودک احسـاس خسـتگی نکنـد. نبایـد نمـاز را بـرای او سـنگین و کسـل کننده بسـازیم. به مصلحـت اوسـت کـه نمازهـا را بـا ذکرهـای طولانـی و رکـوع و سـجودهای خسـته کننـده، طولانـی نکنیم. حتّی سـفارش شـده اسـت به خاطـر چند کودکی که با شـما بـه نمـاز ایسـتاده‌اند، آن را سـریع‌تر بخوانیـد، از برخـی کارهای مسـتحبی صرف نظر کنیـد، هشـیار باشـید کـه او کودک اسـت و حـال و روحیه شـما را ندارد، بـه ویژه که از حـالات و رفتـار شـما سـردرنمی‌آورد و معنـای عبارات شـما را نمی‌فهمـد.» (قائمی ۱۳۷۵، ۳۵)

امـام سـجاد علیه‌السلام کودکانشـان را دسـتور مـی‌داد تا نماز مغرب و عشـا را با هـم بخوانند و نمـاز ظهـر و عصـر را نیـز بـا هـم بخواننـد و در مـورد این که هـر نمـازی را در وقت فضیلـت و مخصـوص خـودش بخواننـد بـر آنـان سـخت نمی‌گرفـت؛ بـه آن حضـرت عـرض شـد: آنهـا نمـاز را در غیـر وقـت فضیلتـش می‌خواننـد. فرمـود: ایـن کار برای آنـان بهتـر اسـت از این کـه بخوابنـد و نمـاز نخوانند.(کلینـی ۱۴۰۵ق، ج۲، ۴۰۹)

بعضـی والدیـن و مربیـان کـه اصـرار دارنـد از روی جبـر و اکـراه و بـدون توجـه بـه حـال و روحیـه کـودک او را نمـاز خـوان بـار آورنـد، آنـان ناخـودآگاه لامذهب‌هـای آینـده و افـرادی عقـده‌ای می‌پرورانـد. چنیـن افـرادی، در نخسـتین فرصتـی کـه به قـدرت و اسـتقلالی دسـت یابنـد، دیـن و عبادت را تـرک خواهند کرد. طبیعی اسـت، مسـئولیت چنیـن وضعـی بـر عهـده کسـانی اسـت، کـه چنیـن زمینـه‌ای را فراهـم

کرده‌انـد. (قائمـی ۱۳۷۵، ۳۶)

فرزنـد امـام ﷺ در مصاحبـه‌ای نیـز نقـل کرده اسـت: یـادم می‌آیـد زمانی همسـرم از روی عـادت خانوادگـی، صبح‌هـا دختـرم را از خـواب شـیرین بیـدار می‌کرد کـه نماز بخوانـد، امـام ﷺ کـه در جریان قرار گرفتند، برایش پیغام فرسـتاد: «شـیرینی اسـلام را بـه مـذاق بچـه تلـخ نکـن!» و چقدر این حـرف به جا بـود و تأثیر عمیقـی بر روحیه دختـرم گذاشـت، بـه طـوری کـه بعـد از آن، خودش سـفارش می‌کـرد که بـرای نماز صبـح حتمـاً بیدارش کنیـم. (کریمی‌نیـا ۱۳۸۶، ۲۰۴)

والدیـن و مربّیـان بایـد توجـه داشـته باشـند کـه، کاربـرد خشـونت و شـدّت عمـل آخریـن راه حلـی اسـت کـه بایـد مـورد اسـتفاده قـرار گیـرد؛ تجربـه نشـان می‌دهد فرزندانـی از پـدران خشـن کـه تنها با خشـونت و تنبیه، آنهـا را وادار بـه انجام تکالیف دینـی می‌کرده‌انـد، در بزرگسـالی از دیـن فاصلـه گرفتـه و علّـت جـز کینـه و نفرتـی که نسـبت به خشـونت والدین در دل داشـته‌اند نبوده اسـت. (سـادات ۱۳۷۸، ۱۲۷)

۳-۴. اصل اعتدال و میانه‌روی در آموزش مسائل دینی

اعتـدال و میانـه‌روی، همان‌گونـه که از نامش پیداسـت، به معنای پیمـودن و گزینش راه میانـه و وسـط و عـدم تمایل بـه دو طرف افراط و تفریط اسـت.

قـرآن کریـم، امّـت اسـلام را امّت میانـه و وسـط می‌نامد. (بقـره/۱۴۳) براین اسـاس، در آییـن اسـلام، هیچ‌گونـه افـراط و تفریطـی وجود ندارد و مسـلمانان برخلاف سـایر فرقه‌هـا، از مقرراتـی پیـروی می‌کننـد کـه قانـون گـذار آن، به تمـام نیازهـای فطری بشـر آگاه بـوده و همـه جهـات زندگـی جسـمی و روحـی او را در نظر گرفته اسـت.

رعایـت اعتـدال در زندگـی حضـرات معصومـان ﷺ بـه ویـژه در زندگـی پـر برکـت پیامبراکـرم ﷺ در کلیـه اعمـال و رفتارشـان به روشـنی دیده می‌شـود. امام علی ﷺ دربـاره پیامبـر ﷺ فرمودنـد: «سـیره‌اش تعـادل و میانـه‌روی بـود.» (نهـج البلاغـه، کلمـات قصـار، ۶۷)

پرهیـز از افـراط و تفریـط، قاعـده اساسـی زندگـی اسـت. از طریـق رعایـت میانه‌روی بـه معنـای واقعـی کلمـه می‌تـوان بهتـر به هـدف رسـید. در تربیـت دینـی و آموزش

نمـاز نیـز از ایـن اصـل باید پیروی نمود. «درسـت اسـت کـه توصیه‌ها و تشـویق‌های پیشـوایان دین، هر انسـان محبّ پـروردگار را به انجام دادن عبـادات راغب می‌گرداند، امّـا توانایی‌هـا و آمادگی‌هـای روحـی او نیـز شـرط اسـت. اگـر او با تحمیـل عبادت بر خـود، لـذّت عبـادت را از خویـش سـلب کنـد و خـود را در آن امـر به مشـقّت اندازد، نـه عبـادت او عبادتی سـالم محسـوب می‌شـود، و نه خـود او از عبادتش بهـره معنوی می‌بـرد.» (مظلومـی ۱۳۶۶ش، ۱۴۲)

ظرفیـت انسـان بـرای عبـادت، یـک ظرفیت محدود اسـت. بنابراین، باید سـعی شـود عبـادت بـا نشـاط باشـد. اگـر نشـاط از بین بـرود، عبـادت تحمیلـی می‌شـود. پیامبر اکـرم ﷺ فرمودند:

«بـه راسـتی ایـن دیـن، متیـن و اسـتوار(حکیمانه و دور از افـراط و تفریـط) اسـت، با مـدارا در آن قـدم بردارید و عبـادت خـدا را بر بندگان خـدا تحمیل نکنیـد وآن را در نظـر آنـان، ناپسـند جلوه ندهیـد تا همچون سـوارکار افراط جویی شـوید که نه سـفر را بـه پایـان بـرده و نـه مرکبی باقی گذاشـته اسـت.» (کلینـی ۱۴۰۵، ج۲، ۸۷)

در دسـتگاه الهـی، کمیّـت بـر کیفیـت، سـیطره نـدارد. امام صـادق علیه‌السلام فرمـود: «من در طـواف کعبـه بـودم کـه پدرم بـر من گذشـت. در آن موقع مـن جوان بودم و شـور و تلاشـی در عبـادت داشـتم. پـدرم دیـد کـه عـرق از سـر و رویـم می‌ریـزد، بـه مـن فرمودنـد: فرزنـدم! (زیـاد خـود را خسـته مسـاز) هر گاه خداونـد بنده خود را دوسـت بـدارد، او را وارد بهشـت می‌کنـد، و بـا طاعـت کـم و ناچیـز از او راضـی و خشـنود می‌شـود.» (کلینـی ۱۴۰۵، ج۲، ۸۶)

متأسـفانه عـدّه‌ای از والدیـن، مبلّغـان و مربیـان بـه دلیـل نـا آگاهـی از مراحل رشـد و تحـوّل روانـی کـودکان و نوجوانـان و همچنیـن بی‌اطلاعـی از شـیوه و روش‌هـای برخـورد حضـرات معصومـان علیهم‌السلام در ایـن بـاره، بـا اتکا بـه دانسـته‌ها و تجربیـات غیر علمـی و نادرسـت خویـش، اعمالـی را مرتکـب می‌شـوند، کـه در برخـی موارد بسـیار مضـرّ بـه حـال کـودکان و نوجوانان اسـت

۳-۵. اصل تکرار و مداومت در آموزش مسائل دینی

یکـی از اصـول آموزش مسـائل دینی به کـودکان و نوجوانان، اصل «تکـرار و مداومت» اسـت. بـدون تردیـد تربیـت و آمـوزش بـا اقدامـات قطعـی و گسسـته از هـم و بدون تکـرار تحقـق پیـدا نمی‌کنـد. خداونـد آدمی را طـوری آفریده اسـت که بایـد اقدامات تربیتـی بـه طـور مرتـب و مسـتمر و مکـرّر بـر او اعمـال شـود تـا در متربـی نهادینـه گـردد. علـت تکـرار انجـام دسـتورات دینـی در طـول روزها و ماه‌هـا و سـال‌ها نیز در ایـن ویژگـی آدمـی نهفتـه اسـت؛ از ایـن‌رو خانواده‌ها بـرای آمـوزش مسـائل دینی و تقویـت روحیـه نمازخوانـی در فرزنـد بایـد برنامه داشـته باشـند و این برنامـه به طور مـداوم و مکـرّر اجـرا شـود. البتـه معنـای مداومـت، آن نیسـت که بـا تکرار مـلال‌آور خواسـته‌های خـود، روح او را آزرده کننـد و شـیرینی عبادت و نمـاز را در کام وی تلخ نماینـد. بسـیاری از جنبه‌هـای مداومـت می‌توانـد نامرئـی و غیـر مسـتقیم باشـد. بـه طـور مثـال هـر بار سـجاده نماز را جلـوی دیـدگان فرزند خردسـال پهـن می‌کنیم تا او را نسـبت بـه نمـاز علاقه‌منـد کنیـم. اگر ایـن عمل را بـه برنامه هر روز خـود تبدیل کنیـم خواهیـم دیـد کـه اثـر خـود را خواهد داشـت اصـولاً اتصـال و ارتباط بـا روح و روان کـودک را نبایـد رهـا کرد.

بسـیاری از افـکار و اعمـال، در سـایه تمرین و عمل مکرّر در انسـان تثبیت می‌شـوند. حتّـی ایمـان آدمـی هـم، نوعـی تثبیت در سـایه عمـل اسـت؛ «لَا یَثْبُـتُ الإیمـانُ إلاّ بعمَـل؛ هـر قـدر عمـل مکرّر باشـد، امـکان تثبیـت آن بیشـتر خواهـد بـود.» (کلینی ۱۴۰۵، ج۲، ۳۸)

گفته‌انـد: «روزی پیامبـر ﷺ قصـد خوانـدن نمـاز داشـتند و امام حسـین علیه‌السلام در کنار جـدّ بزرگوارشـان در صـدد همراهـی با آن حضـرت بودنـد، پیامبر ﷺ تکبیـر گفتند، ولـی امـام حسـین علیه‌السلام نتوانسـتند آن را تکـرار کننـد، پیامبـر تکبیـر دوم و سـوم و چهـارم و پنجـم و ششـم را گفتنـد، در نهایـت بـرای هفتمیـن بـار، تکبیـر امـام علیه‌السلام صحیـح ادا شـد و نمـاز آغـاز گردیـد.» (مجلسـی ۱۴۰۴ق، ج۴۳، ۳۰۷)

والدیـن و مربّیـان بایـد از ایـن شـیوه رفتـار پیامبـر ﷺ به عنـوان الگو و سرمشـق در امـور تربیتـی بهـره گیرنـد. آنـان باید هماننـد آن حضرت، مراحل رشـد کـودک را در نظـر بگیرنـد و سـعی کننـد با صبـر و حوصله، بـه نیاز فطری کودکان پاسـخ مناسـب

دهنـد. هنـر بـزرگ والدیـن و مربیـان ایـن اسـت کـه دنیـای کـودک را درک نمایند و بداننـد کـه برخـی از مسـائل کـه ممکـن اسـت بـرای بزرگسـالان خسـته کننـده باشـد، بـرای کـودکان لذّت‌بخـش اسـت. کـودک از تکـرار مکـرّرات همچـون خواندن و ذکـر مکـرّر قصه‌هـا و داسـتان‌ها اصـلاً خسـته نمی‌شـود. اگـر بیـان این داسـتان‌ها بـا صـوت خـوش و ریتـم و آهنـگ مطلوب باشـد، کودک کامـلاً مجـذوب و علاقه‌مند می‌شـود. در ایـن بـاره، مـادران بـه خوبـی می‌داننـد کـه بعضـی قصه‌هـا را صدهـا بار تکـرار کرده‌انـد، ولـی بـاز هم کودک به آن علاقه نشـان داده اسـت. از این‌رو سـفارش می‌شـود کـه والدیـن، نمـاز و آیـات قرآن را بـا حال مناسـب و صوت و آهنـگ موزون قرائـت کننـد، تـا کـودکان بیشـتر بـه کلام الهـی جـذب شـوند. در ایـن بـاره، والدین می‌تواننـد بـه قرائـت نمازهـای علمای ربّانـی گوش دهنـد و آنها را ضبـط کنند تا هم خودشـان و هـم کوکانشـان، بهره‌مند شـوند.

۳-۶. ایجاد هماهنگی میان خانواده و مسجد در آموزش مسائل دینی

یکـی از عوامـل مؤثر در تکوین شـخصیت علمی، معنوی و جسـمی کـودک و نوجوان، ایجاد هماهنگی و همکاری مثبت و سـازنده بین خانواده، مدرسـه، مسـجد و رسـانه‌ها و غیـره اسـت. برای رسـیدن به اهـداف تربیت دینـی و ترویج فرهنگ نمـاز، همکاری همـه نهادها، بـه ویژه نهادهـای فرهنگی و تربیتی، ضـرورت تام دارد.

خانـواده، مدرسـه و مسـاجد در انجـام دادن وظایـف تربیتـی و پرورش مسـائل دینی، مکمـل یکدیگرنـد. پیونـد و ارتبـاط نزدیـک خانـواده، مدرسـه و مسـجد و دیگـر متصدّیـان امـور فرهنگـی و تربیتـی بـا یکدیگـر، در واقـع پیونـد اسـتوانه‌های تربیت صحیـح و منطقـی اسـت. امروزه، لازم اسـت مدارس یـک علاقه واقعـی و باطنی، برای حضـور مسـتمر و ارتبـاط نزدیـک دانـش آمـوزان بـا مسـاجد، در آنـان ایجـاد کننـد. البتـه، مـدارس نبایـد فقـط بـه سـاختن نمازخانه‌هـا اکتفـا کننـد. هر چند سـاخت و توسـعه نمازخانه‌هـا اقدامـی مثبـت و ارزنـده بـرای رسـیدن بـه ارزش‌هـا و مقدّسـات والای دینـی اسـت، امّـا هیـچ‌گاه جـای مسـجد و آثـار سـازنده آن را نمی‌گیـرد.

بایـد همـه تـلاش دسـت انـدرکاران تعلیـم و تربیت، بـر این باشـد که پیونـدی واقعی

ـ نـه ظاهـری و صـوری ـ بیـن خانـه، مدرسـه و مسـجد ایجـاد کننـد. بـا ایـن گونـه پیونـد، هـم خانـه به فضایـی اسـلامی و آکنـده از ارزش‌هـای معنوی تبدیل می‌شـود و هـم، مسـجد و مدرسـه نقـش سـازنده و هدایتگری در زمینـه ارزش‌هـای دینی ایفا می‌کننـد. از ایـن رو، بـا هماهنگـی و یکسـانی فضـای حاکـم و ارزش‌هـای معنـوی و دینی در خانه، مدرسـه و مسـجد، بسـیاری از تعارضات و مشـکلاتی که ممکن اسـت بـرای کـودکان در نتیجـه ناهماهنگـی بین این نهادهـای تربیتی ایجاد شـود، بر طرف می‌گـردد.

فرهنـگ انس گرفتن با مسـجد و در رأس آن نماز جماعت بـه عنوان یک حرکت ارادی، آگاهانه و مستمر، باید از آغاز دوران کودکی در نظام تربیتی خانواده، مدرسه و جامعه به عنـوان یـک اصـل مهم تربیتی مدّنظر قـرار بگیرد تا فطرت خداجوی کـودک به گونه‌ای رشـد و پرورش یابد، که هیچ عامل و شـرایطی نتواند موجبات انحراف او را فراهم سـازد. امـروزه اگـر خانواده، مدرسـه و مسـجد و دیگر متصدّیـان امور فرهنگی و تربیتی، نسـل جدیـد را بـه سـوی یـک هـدف و روش واحـدی سـوق ندهنـد، نمی‌تـوان امیـدی بـه پیشـرفت دینی جامعه داشـت. اگـر این متصدّیانِ اصلـیِ تربیتی در برنامه‌هـا و روش‌ها هماهنگـی لازم را نداشـته باشـند، در رونـد رشـد دینـی کـودک و نوجـوان اختـلال به وجـود خواهـد آمد؛ کـه اولین عارضه آن، تعارض و دو گانگی ارزشـی اسـت. متأسـفانه، بایـد اذعـان کـرد که فعّالیت‌هـا در این راسـتا، هماهنـگ، هم‌جهت و همخوان نیسـت. حتـی در مـواردی، ممکـن اسـت بـا فعّالیت‌هـای مـوازی و گاهی مغایـر، انـرژی و توان یکدیگـر را خنثـی و کاهش دهنـد. به عنوان مثـال، بعضی خانواده‌هـا اطلاعات چندانی از دیـن و نحـوه آمـوزش مسـائل دینـی بـه فرزنـدان خـود را ندارنـد. از طرفی، مدرسـه تکالیـف سـختی بـر بچه‌های ایـن گونه خانواده‌هـا تحمیل می‌کنـد. این تعـارض باعث می‌شـود کـه نوعـی دو گانگـی در کودکان و نوجوانـان به وجود آید. مثـال دیگر این که، برخـی خانواده‌هـا کـه بـه مذهب توجّه دقیـق و لازم ندارنـد، در محافـل و میهمانی‌ها ـ بـدون توجـه به مسـائل شـرعی ـ بـرای بچه‌هایشـان لباس هایـی انتخـاب می‌کنند که بـا آن مجالس تناسـب داشـته باشـند از سـویی، اصـرار مدارس بـر این اسـت که دانش آمـوزان پوشـش و لبـاس مناسـب با شـرع بپوشـند. در اینجا، بـرای بچه‌ها ایـن تعارض

بـه وجـود می‌آیـد که مدرسـه راسـت می‌گویـد یا خانـواده؛ حـرف مدرسـه را بپذیرد یا خانـه را؛ تابـع کدام‌یک باشـد؟

و مثـال دیگـر، بسـیاری از خانواده‌هـای مذهبـی تـلاش می‌کننـد فرزندانشـان را بـا مسـجد و نمـاز جماعـت مأنـوس کنند، ولـی بعضـی از متولّیان مسـجد، مانـع حضور کـودکان بـه مسـجد و نمـاز می‌شـوند و می‌گوینـد: مسـجد جـای کودکان نیسـت.

۴. خانواده و روش‌های جذب کودک و نوجوان به نماز جماعت و مساجد

هرجـا سـخن از مسـائل تربیتی اسـت، اولین و مهم‌تریـن پایگاهی که بایـد بدان توجه کـرد، خانـواده اسـت؛ زیـرا منش، شـخصیت، ایمـان مذهبـی و بسـیاری از رفتارهای آدمـی در خانـواده شـکل می‌گیرد.

مسـجد بـه عنـوان مهم‌تریـن پایگاه بـرای جذب کـودکان نقـش به‌سـزایی در تقویت ایمـان و روح معنـوی آنـان ایفـا می‌کنـد. بـر ایـن اسـاس، یکـی از مسـائل مهـم در خانواده‌هـای مذهبـی، آگاهـی از روش‌هـای صحیـح ایجـاد علاقـه و گرایـش فرزندان نسـبت بـه حضـور در مسـجد و نمـاز جماعـت اسـت. برخـی از خانواده‌هـا بـا وجـود تلاش‌هـای بسـیار، موفـق به ایجاد انـس و علاقه نمی‌شـوند و گروهی دیگـر پرداختن بـه ایـن مسـائل را بـا رفتارهایـی نامناسـب همـراه می‌کننـد. در اینجـا، بـه مهم‌ترین روش‌هایـی کـه توسـط خانواده در جذب کـودک و نوجوان به نماز جماعت و مسـاجد، مفیـد اسـت اشـاره می‌کنیم:

۴-۱. جذب و آموزش، سپس رفتار

پیامبراکـرم می‌فرماینـد: «کودکانتـان را گرامـی بداریـد و بـا آداب و روش پسـندیده بـا آنهـا معاشـرت نماییـد.» (مجلسـی ۱۴۰۴ق، ج۲۳، ۱۱۴) یکـی از اصـول تربیـت دینـی، ایجـاد علاقه‌منـدی کـودکان بـه انـس و ارتبـاط بـا مسـجد و محـراب اسـت. کودکـی کـه از همـان اوان طفولیـت خـود را در کنـار عبـادت والدیـن و در جمع‌های معنـوی و اماکـن مقـدس می‌یابـد، زمینـه بیشـتری بـرای آمـوزش و انـس دیـن و پرسشـگری دربـاره دیـن و امـور دینی در او شـکل می‌گیـرد. از این رو بـر والدین لازم

است شرایطی فراهم کنند که کودک با کارشناس دین، یعنی امام جماعت و مسجد مأنوس گردد تا با مسائل دینی بیشتر آشنا شود و به پاسخ بسیاری از پرسش‌های خود که والدین نتوانستند او را قانع کنند، دست یابد. البتّه والدین باید خود را برای پاسخگویی به سؤالات دینی کودک آماده سازند؛ آگاهی کودکان از چگونگی انجام فرایض دینی و نیز دانستن فلسفه انجام آن به گونه‌ای محدود، می‌تواند مشوّق خوبی برای انجام این کار و استمرار آن باشد؛ مثلاً درباره نماز خواندنِ کودکان و فضیلت رفتن به مسجد، اگر در سن مطالعه هستند کتاب‌های مناسب تهیه شود و در مناسبت‌هایی به آنان هدیه داده شود.

۴-۲. رفتار محبّت‌آمیز با کودکان و نوجوانان

یکی از شیوه‌های نفوذ در روح کودک و نوجوان خو گرفتن با او و رفتارهای جذّاب و عاطفی است. تحقیقات روانشناسی نشان داده است که از بین عواملی نظیر شباهت، قدرت و صمیمیّت، عامل صمیمیّت تأثیری قوی‌تر بر جای می‌گذارد. ایجاد صمیمیّت و رابطه محبّت‌آمیز باعث می‌شود که فرزندان از والدین و در خواستهای آنان پیروی کنند، زیرا می‌ترسند که در غیر این صورت، عشق و علاقه آنان را از دست بدهند. بنابراین با استفاده از علائق خانوادگی، اعلام جهت، نشان دادن رحمت و عنایت، تحریک عواطف و گاهی نیز استفاده توأمان از مهر و قهر می‌تواند بسیار ثمربخش باشد.

بدون تردید، «راه سالم پیوند با جهان، راه عشق است.» (شولتس، دوآن، ۸۲) اریک فروم، روانشناس آلمانی، با بیان این مطلب، حدّ و مرز عشق و محبّت را از ارتباط انسان‌ها با یکدیگر فراتر برده، آن را نوعی رابطه با جهان تلقی می‌کند، خانواده‌ای که رنگ الهی یابد، عاطفه اعضاء خانواده در آن بسیار مشهودتر خواهد بود، و عاطفه، صمیمیّت و همدلی را در پی خواهد داشت. بنابراین، بهترین ابزار تمرین کودک بر فرمان‌پذیری، آن است که احساس عشق و محبّت کند.

دکتر «یسری عبدالمحسن» می‌گوید: «مهم‌ترین عواملی که کودک و نوجوان را بر طاعت و فرمانبرداری مساعدت می‌کند، دوستی و محبّتی است که از جانب

تمـام افـراد خانواده احسـاس می‌کنـد.» (رفعـت ۱۹۹۱م، ۳۲۸)
وسـایلی کـه در کـودک و نوجوان، روحیـه اطاعت‌پذیـری را پدید مـی‌آورد، عبارت‌اند از: امنیّـت، محبّـت، منزلـت، آزادی و نیـاز به نیـروی کنترل کننده.
دکتر «فاخر» این نیازها را به گونه زیر معرفی کرده است:
«نیـاز بـه تثبیـت ذاتـی یا منزلـت [فـردی و اجتماعی]، این کـه به موجودیّـت و مقام او معتـرف باشـند و به وی توجه نشـان دهنـد ... و نیاز به امنیّت، محبّت و اسـتقلال.» (فاخر ۱۹۸۵ م، ۱۰۰-۱۰۱)
بنابرایـن، اگـر کـودک یا نوجـوان از جانـب والدین محبّت، دوسـتی و جایـگاه ویژه‌ای را احسـاس کنـد، خواهد کوشـید کـه این جایگاه را بـه منظور فراهم سـاختن رضایت آنـان، حفـظ کنـد؛ و مهم‌تریـن مصـداق رضـا، اطاعـت از آنـان اسـت. پیامبراکرم ﷺ فرموده اسـت:
«خـدا رحمـت کنـد پـدر و مـادری را کـه فرزندشـان را بـر نیکـی بـه پـدر و مـادر مسـاعدت کنند.»(مجلسـی ۱۴۰۴ ج۷۴، ۶۰)
روش مساعدت نیز به گونه‌ای باید باشد که پیامبراکرم ﷺ مشخص کرده است:
«خـدا رحمـت کنـد بنـده‌ای را کـه فرزنـدش را بر کارهـای نیک یاری دهد، به سـبب احسـان، مـدارا، آمـوزش و ادب آموزی به وی.» (نـوری ۱۴۰۸ق، ج۲، ۶۲۶)
کودکـی کـه [در خانـواده] از محبّـت و منزلت لازم برخوردار باشـد، در انجـام فرامین پـدر و مـادر، بـا آن کـه اسـتقلال طلبـی را دوسـت دارد، هیـچ احسـاس کوچکـی و خـواری نخواهـد کـرد. همچنیـن به واسـطه همین محبّتی کـه از آن برخوردار اسـت، آمادگـی تقلیـد و پیـروی از رفتـار پـدر و مادر در وجودش ریشـه می‌دوانـد، در نتیجه رفتـار آنـان بـر او بازتـاب پیـدا خواهـد کـرد و بـه خواسـته‌های آنـان پاسـخ مثبـت خواهد داد.

۴-۳. الگو بودن والدین در محافظت بر شعایر دینی، به ویژه نماز

مهم‌تریـن نـوع یادگیـری انسـان، یادگیری مشـاهده‌ای اسـت. بر همین اسـاس، یکی از روش‌هـای تربیـت، تربیت به وسـیله الگو اسـت، کـه می‌تـوان آن را«روش الگویی»

نامید.

انسان‌ها به الگو نیازمندند. در خانواده، پدر و مادر می‌توانند بهترین الگوی کودکان و نوجوانان باشند و اگر چنین شود، در شکل‌گیری رفتار آنها بسیار مؤثر خواهند بود. کودکان و نوجوانانی که شاهد حرکت سپندگونه والدین هنگام نماز هستند، به‌طور قطع به این نکته توجه بیشتری خواهند داشت. البته هرچه رابطه والدین با فرزندان عاطفی‌تر باشد، آنها بیشتر تأثیر می‌گیرند. هرچند پند و نصیحت هم اثرهایی دارد؛ امّا رفتار الگویی مؤثرتر است. شاید بر همین اساس گفته‌اند که صدای عمل بلندتر است.

اولین الگوهای رفتاری برای کودکان، والدین هستند و رفتار آنان مورد تقلید و همانندسازی کودکان قرار می‌گیرد ـ دختر از رفتار مادر و پسر از رفتار پدر ـ بیشتر متأثر می‌شود.

کودکان به قدری باهوش هستند که حتّی می‌توانند احساس والدین را از انجام یک کار درک کنند. مثلاً اگر پدر و مادری در خواندن نماز سستی کنند یا آن را کاری خسته کننده بدانند، با این کار به فرزندان خود آموخته‌اند که نماز عملی خسته کننده و تکراری است؛ ولی اگر برای نماز خود ارزش قائل شدند و خصوصاً بعد از به‌جا آوردن نماز، نشاط بیشتری پیدا کردند و اخلاقشان نسبت به قبل از آن تغییر بهتری داشت، کودک می‌آموزد که نماز شادی‌آفرین و محبّت‌بخش است.

پدر و مادر که الگوی فرزندان هستند، باید این امور را در همه ابعاد آن پیاده کنند. دستورات دینی می‌گوید که انسان‌ها باید چگونه زندگی کنند، چگونه رشد کنند. مبادا به کودکانمان بگوییم نماز بخوان، ولی خودمان دروغ بگوییم و کارهایی که نباید انجام دهیم، مرتکب شویم. اگر فضای خانه آمیخته با ارزش‌های معنوی باشد و پدر و مادر خود ارزش‌های الهی و تکالیف دینی را در زندگی خویش جدی بگیرند، کودکان به طور غیر مستقیم و به صورت مشاهده‌ای از این فضای معنوی متأثر می‌شوند و علایق دینی در آنها به طور طبیعی پرورش می‌یابد.

اگر والدین در قالب الگوهای رفتاری کودک و نوجوان، نگرشی مطلوب و مثبتی به مسجد و نماز جماعت داشته باشند و آموزش دینی فرزندان خود را در قالب

وظیفـه‌ای اساسـی تلقـی کننـد، بـه یقین ایـن گونه برخـورد تأثیـر بسـیاری در رفتار کـودک و نوجـوان خواهـد داشـت. پـدر و مـادری کـه بـه مسـجد می‌رونـد و فرزندان خویـش را از همـان دوران کودکـی در مجالـس و محافـل مذهبـی همراهـی می‌کنند سـبب تقویـت احسـاس پـرورش مذهبـی در آینده‌سـازان جامعه می‌شـوند.

الگـو شـدن در اخـلاق و عمـل و نقـش اساسـی آن در تربیـت، دایـره‌ای وسـیع دارد. از کانـون خانـواده و تأثیـر سرنوشت‌سـاز رفتـار پـدر و مـادر، بـر فرزنـدان، تـا معلّمان و مربّیـان آمـوزش و پـرورش و اسـاتید دانشـگاه‌ها و مراکـز تعلیـم و تربیت و رؤسـای ادارات و نهادهـا و عالمـان دین(ماننـد امـام جماعـت مسـجد) و در نهایـت مسـئولان عالـی رتبـه نظام را شـامل می‌شـود.

نکتـه شـایان توجـه این که: باید والدین و همه دسـت انـدرکاران در امـر تربیت، عملاً الگـو باشـند و تنها دعوتگر زبانی نباشـند.

در احادیـث آمـده اسـت: «بـه وسـیله کـردار شایسـته و اعمـال نیـک خـود راهنما و راهبـر مـردم بـه سـوی فضیلت‌هـا شـوید و تنهـا دعوتگـر زبانی نباشـید.» (مجلسـی ۱۴۰۴ق، ج۵، ۱۹۵، ح۱۹)

بنابرایـن، والدیـن و مربیّـان بایـد از نخسـتین دوران کودکـی، هـم خـود بـه عنـوان الگـوی مناسـب بـرای کـودکان و نوجوانـان بـوده و هـم افراد دیگـری را کـه اهل نماز هسـتند بـه عنـوان الگو معرّفی نماینـد و بالطبع کـودکان و نوجوانـان و جوانان هرچه از الگوهـای مناسـب‌تر و والاتـری بهره‌منـد شـوند، کمتـر دچـار آسـیب نمازگریزی و مسـجدگریزی می‌شـوند. دربـاره تأثیر نقش الگـوی مطلوب و محبوب در شـکل‌گیری شـخصیت انسـان، سـخن فـراوان گفته شـده اسـت. ذکر خاطـره‌ای از یکـی از عارفان بـزرگ می‌توانـد شـاهد نیکویـی بـر اثبات مدعا باشـد:

روزی از «سـهل شوشـتری» کـه از عرفـای بـزرگ و اهـل کرامـات بـود، پرسـیدند: چگونـه بـه این مقام رسـیدی؟ گفـت: در کودکی نزد دایـی‌ام زندگی می‌کـردم. وقتی ۷ سـاله بودم، نیمه شـبی از خواب برخاسـتم. دایی‌ام را دیدم که رو به قبله نشسـته، عبایی به دوش کشـیده، عمّامه‌ای دور سـرش پیچیده و مشـغول نماز خواندن اسـت. از حالـت او خوشـم آمـد، کنارش نشسـتم تـا نمازش تمام شـد. آن‌گاه از من پرسـید:

پسـر، چرا نشسـته‌ای؟ بـرو بخواب.
گفتم: از کار شما خوشم آمده، می‌خواهم پهلوی شما بنشینم. گفت: نه، برو بخواب.
رفتـم و خوابیـدم. شـب بعـد نیـز از خواب بیدار شـدم. وقتی از دستشـویی برگشـتم، بـاز هـم دایـی مشـغول نماز خوانـدن بود. کنارش نشسـتم. بـه من گفت: بـرو بخواب.
گفتـم: دوسـت دارم هـر چـه شـما می‌گویید، مـن هم تکـرار کنم.
دایـی‌ام مـرا رو بـه قبلـه نشـانید و گفـت: یک مرتبـه بگو «یـا حاضر یا ناظـر» من هم تکـرار کـردم. سـپس دایـی گفت: برای امشـب کافی اسـت. حـالا برو بخـواب. این کار چنـد شـب تکـرار شـد و هـر شـب عبـارت «یـا حاضر و یـا ناظـر» را چنـد بـار تکرار می‌کـردم. کـم کـم وضـو گرفتـن را هـم آموختـم. در نهایـت کار بـه جایی رسـید که مـن بـدون ایـن کـه نزد دایی بـروم، خودم قبـل از اذان صبـح بیدار می‌شـدم و پس از نمـاز تسـبیح به دسـت می‌گرفتم و پیوسـته تکرار می‌کـردم: «یاحاضر و یـا ناظر» و از ایـن کار حـظّ روحانـی می‌بـردم تـا این کـه به ایـن مقام و مرتبه رسـیدم. (دسـتغیب شیرازی ۱۳۷۰، ۱۸)

۴ـ۴. تشویق و ترغیب کودکان به حضور در مسجد و نماز جماعت

تشـویق و ترغیـب، یکـی از مهم‌تریـن ابـزار تربیتـی اسـت کـه بـرای برانگیختگـی و شکوفاسـازی اسـتعدادهای انسـان بـرای رسـیدن بـه کمـال قابـل بهره‌گیـری اسـت. قـرآن کریـم بـه شـیوه‌های گوناگونی بـه تشـویق و ترغیـب پرداخته اسـت. آیاتی که نعمت‌هـای بهشـتی را بیـان می‌کننـد و آیاتی که از بشـارت سـخن می‌گوینـد، از این دسـته آیـات هسـتند.[۱] یکـی از راه‌هـای جـذب فرزنـدان به حضـور در مسـجد و نماز جماعـت، تشـویق و ترغیب اسـت. آنان برای مشـتاق شـدن به کاری بیـش از هر چیز بـه تشـویق و تأییـد نیـاز دارنـد، زمانی کـه کودکـی صورتش را بـه مهر می‌چسـباند، بجـای ایـن کـه حالتش را به سـجده بزرگسـالان درآورید، بایـد همان رفتـار کودکانه را تحسـین کنیـد، ایـن سـبب می‌شـود رفتـار بارهـا تکـرار شـود و بـا رشـد ذهنـی

[۱] -نسـاء، آیـه۱۶۵؛ حدیـد، آیـه ۷ و ۱۸؛ انشـقاق، آیـه۲۵؛ مائـده، آیـه۹؛ رعـد، آیـه۲۲ و ۲۴؛ اراف، آیـه۴۲ و... نمونه‌هایـی از آیـات بشـارت‌آمیز قـرآن کریم‌انـد کـه بـه تشـویق و ترغیـب بنـدگان بـرای انجـام کارهـای نیـک می‌پردازنـد.

و حرکتی، زمینه یادگیری سجده درست نیز فراهم می‌شود؛ با گذشت زمان هنگامی‌که کودک به نوجوانی می‌رسد، با عبادت انس می‌گیرد؛ او را به‌عنوان کودکی نمازخوان به همه معرّفی کرده و کارهای او را به اسم نماز بستایید؛ همچنین نوجوانانی که به سن تکلیف نرسیده‌اند هم تشویق و تأییدشان لازم است.

تشویق اگر به گونه‌ای پسندیده و بجا باشد، بسیار کارساز است. تأثیر تربیتی تشویق، گاهی چنان است که جهت زندگی افراد را دگرگون می‌سازد.

اگر تشویق قبل از انجام عملی پسندیده باشد، موجب شوق و رغبت شخص می‌شود، و اگر پس از انجام آن عمل باشد؛ سبب تقویت و پایداری این رفتار در او می‌گردد؛ بنابراین والدین محترم می‌توانند در دو مرحله فرزندانشان را به عبادت و حضور اماکن مذهبی دعوت کنند. ابتدا آنها را ترغیب به نماز خواندن و آن هم در مسجد کنند و در صورت انجام، به تشویق آنها بپردازند. با توجّه به اینکه تشویق فرزندان نوعی توجّه و شخصیت دادن به آنها است، سعی می‌کنند خود را از کانون توجّه و محبّت والدین دور نسازند. از این طریق به تکرار عمل یا رفتار مورد نظر پرداخته، تا جایی که جزئی از شخصیّت رفتاری آنها می‌گردد.

تشویق کودک، می‌تواند یک تشویق مادّی یا معنوی باشد. پاداش و تشویق مادّی حتّی می‌تواند با خرید یک شکلات، اسباب بازی، یا یک گردش تفریحی، و بازی و سرگرمی صورت گیرد. تهیه وسایلی که موجب تشویق کودک می‌شود مثلاً سجاده، چادر نماز برای دختر یا قبله نما برای پسر و... البته، هر چند این نوع پاداش‌ها خوب است، امّا نباید از پاداش‌های معنوی و روحی نیز غفلت کرد.

در سرگذشت بزرگانی می‌خوانیم زمانی که کودک بودنده‌اند از پدرانشان بابت شرکت در نماز جماعت صبح جایزه دریافت داشته‌اند و آن ابتکار را شیرین و مؤثر و به یاد ماندنی قلمداد می‌کنند. گاهی یک آفرین و نوازش تاثیر بیشتری دارد.

نقل شده است که پسر بچه‌ای در نزد پیامبر ﷺ عطسه کرد و سپس گفت: «الحمدالله» پیامبر ﷺ به او فرمود: «بارَکَ اللهُ فِیکَ؛ آفرین برتو.» (کلینی ۱۳۴۴ش، ج۴، ۴۷۴) همین ابراز محبّت از سوی والدین به فرزند، می‌تواند

بهتریـن پـاداش بـرای آنهـا تلقّی شـود. پـدر و مـادر گرامی باید توجّه داشـته باشـند کـه تشـویق و پـاداش نقـش موثّـری در تربیـت فرزندشـان دارد، البته بـه گونه‌ای که بدانـد چـرا مـورد تشـویق واقـع شـده‌اند. تشـویق باید متناسـب بـا رفتار نیـک فرزند باشـد، نـه بیشـتر و نـه کمتـر از آنچـه شایسـتگی دارد. دوری از افـراط و تفریـط، و رعایـت تعـادل نیـز از ضروریـات تشـویق اسـت.

۴-۵. عادت‌دهی کودک به نماز و مسجد

وقتـی انسـان عملـی را بـه طـور مسـتمر تکـرار کـرد بـه تدریـج بـا آن خـو می‌گیرد و حالتـی در نفـس بـه وجـود می‌آیـد کـه اصطلاحـاً عـادت نامیـده می‌شـود.(امینی ۱۳۷۳، ۸۸)

یکـی از خصوصیـات مهـم دوره کودکی، عادت‌پذیری اسـت. در ایـن دوره در کودکان از طریـق حضـور در مسـاجد و نمازخانـه دبسـتان و مشـاهده نماز جماعـت بزرگترها، عـادت و اسـتمرار ایجاد می‌شـود.

دکتـر قائمـی در ایـن باره می‌نویسـد: «باید کـودک را به مظاهر عمل و تکـرار در ظاهر انـس دهیـم تـا باطـن او شـکل گیرد. تجـارب و تعالیـم علمی نشـان داده‌انـد، که حتّی عمـل ریایـی در صـورت تکـرار در فـردی تثبیـت می‌شـود. پـس از تثبیـت، می‌تـوان یـک عمـل ریایـی را بـه صـورت واقعـی و بی‌ریـا درآورد؛ بـه شـرط ایـن که نیّـت عمل را تغییـر دهـد. ایـن روش، بـه ویـژه دربـاره کـودکان در دوره ابتدائی مؤثر اسـت. مثلاً، ممکـن اسـت کـودک یـا نوجوانی از طرف امام جماعت تشـویق شـود و خاطره خوشـی در ذهنـش شـکل بگیـرد. وی مدّتـی به خاطر همین تشـویق، به مسـجد مـی‌رود. پس از مدّتـی، جاذبه‌هـای معنـوی مسـجد و حـالات نماز گزاران بـه هنگام نماز، ایـن فرد را مجـذوب خـود می‌کنـد و او را فـردی مذهبـی بـار مـی‌آورد. این گونـه، ما کـودک را به تکـرار ظاهـر در عبـادت سـوق می‌دهیـم، تا زمینـه برای انس بـه عبـادت، تثبیت عمل و ایجـاد عـادت، در او فراهـم آید.» (قائمـی ۱۳۷۵ش، ۳۶ و ۳۷)

بنابرایـن، یکـی از روش‌هـای جـذب کـودکان، نوجوانـان و جوانـان بـه مسـجد و نماز جماعـت، عـادت دادن به آن اسـت.

امـام علـی﵇ یکـی از روش‌هـای تربیتـی را عـادت می‌دانـد کـه از آن بـه عنـوان طبیعـت دوم یـاد می‌کنـد و می‌فرمایـد: «نفـس را بـه انجـام مـکارم و تحمّـل بـار گـران عـادت ده، تـا شـرف نفس پیدا کـرده، آخرتـت آبـاد، وسـتایش کنندگانت زیاد شـوند.» (آمُـدی ۱۳۶۶، ج۱، ۱۸) بـر ایـن اسـاس، اسـلام سـفارش می‌کنـد فرزندان را از کودکـی بـه نمـاز و روزه عـادت دهیـد تـا تقیّد بـه فرائض در بزرگسـالی بـر آنان دشـوار نگـردد. (حـرّ عاملـی ۱۴۰۹ق، ج۷، ۱۶۸)

اگـر والدیـن، فرزنـدان خـود را از کودکـی و نوجوانی بـه حضور در مسـجد و خواندن نمـاز و عبـادات عـادت دهنـد، ایـن سـنّت پسـندیده بـه تدریـج در ذهـن آنـان نقش بسـته و بـا آن مأنـوس می‌گردنـد.

۴-۶. ارتباط کودکان با مسجد و اماکن مذهبی

مشـاهدات انسـان یکـی از عوامل مؤثر در تربیت وی اسـت. قرآن کریـم در آیات متعدد انسـان‌ها را بـه «دیـدن» و «فکر کـردن» دعوت می‌کنـد. بین «دیدن» و «بـاور کردن» رابطـه مسـتقیم وجـود دارد. والدین باید کاری کنند که فرزنـدان با صحنه‌های گوناگون اقامـه نمـاز و آمـاده شـدن بـرای اقامه نماز مواجه شـوند. شـرکت در نمازهـای جماعت مسـجد محلّـه، شـرکت در نماز جمعه و موارد مشـابه بـه آن می‌توانـد در تقویت روحیه نمازگـزاردن و انـس با مسـجد و محراب فرزندان مؤثر باشـد.

حضـور کـودکان در مسـجد و اماکـن و برنامه‌هـای مذهبـی، بـه ویـژه نمـاز جماعـت مسـجد، اگـر با تشـویق همراه باشـد، آنان را به حضور در مسـجد و اقامـه نماز ترغیب می‌کنـد. شـهید مطهـری﵀ بـا توجه به نقش مسـجد در تشـویق کودکان بـه عبادت معتقـد اسـت: «بچـه را بایـد در محیـط نماز خوانـدن برد. اگـر در جمع نباشـد و نماز خوانـدن جمـع را نبینـد، بـه ایـن کار تشـویق نمی‌شـود. چـون اصلاً حضـور در جمع مشـوّق انسـان اسـت. آدم بـزرگ هم وقتـی خـودش را در جمع اهل عبـادت می‌بیند، روح عبـادت بیشـتری پیـدا می‌کنـد، کـودک که بیشـتر تحت تأثیر اسـت. متأسـفانه کـم رفتـن مـا بـه مسـاجد و مجالـس دینـی و ایـن کـه کـودکان کم‌تـر در مجالـس مذهبـی شـرکت می‌کننـد، سـبب می‌شـود کـه این‌هـا از ابتدا رغبـت به عبـادت پیدا

نکننـد، ولـی ایـن بـرای شـما (والدین) وظیفـه اسـت ... باید ما بـا بچه‌هـای خودمان برنامـه مسـجد رفتـن داشـته باشـیم تـا بچه‌هـا بـا مسـاجد و معابـد آشـنا شـوند. ما خودمـان کـه از بچگـی بـا مسـاجد و معابد آشـنا بودیم در ایـن اوضاع و احـوال امروز چـه قـدر بـه مسـجد می‌رویم کـه بچه‌هـای ما کـه هفت‌سـاله شـده‌اند به دبسـتان و بعـد بـه دبیرسـتان بعـد بـه دانشـگاه رفته‌انـد، ولی اصلاً پایشـان به مسـاجد نرسـیده اسـت، بروند... خـوب، این‌هـا قهراً از مسـجدت فـراری می‌شـوند.» (مطهـری ۱۳۷۳، ۹۹-۱۰۰)

البتـه بـرای موفّقیت در این کار لازم اسـت بـرای کودکان و نوجوانـان، در کنار عبادت و نمـاز برنامه‌هـای متنـوع و جذّابـی وجود داشـته باشـد؛ماننـد اهدای جوایـز، کارت تشـویق، پخـش شـیرینی و شـکلات در بیـن کـودکان کـه زمینـه جـذب آنـان را بـه عبـادت و مسـجد فراهـم می‌کنـد. از امـام حسـن علیه‌السلام نقل شـده اسـت کـه فرمودند: نمـاز ظهـر یا عصـر را در محضـر پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله خواندم؛ همیـن که حضرت سـلام دادند بـه مـا فرمودنـد: بـر جایتـان بمانیـد و آن‌گاه بـرای تقسـیم ظـرف حلوایـی در میـان نمازگـزاران از جـا برخاسـتند و بـه هـر کـدام مقـداری حلـوا می‌خوراندند تـا اینکه به مـن رسـیدند؛ مـن کـودک بـودم، آن حضرت قـدری حلـوا به مـن خوراندند، سـپس فرمودنـد بـاز هـم بدهـم؟ عـرض کـردم آری، آن حضـرت بـه خاطـر خردسـال بودنم بـاز هـم مقـداری بـه مـن خورانیدنـد و بدیـن حـال بودنـد تـا آنکه بـه همـگان حلوا خوراندنـد. (فقیهـی ۱۳۸۴، ۵۹)

دکتـر شـرفی نقـل می‌کند: در وقف‌نامـه یکی از عالمـان بزرگ که حدود یـک قرن پیش می‌زیسـته آمـده اسـت کـه فرمود: آنچـه از من بجا مانـده آن را گردو بخرید و در مسـجد نگـه‌داری نماییـد تـا آنـگاه کـه کودکانی همراه با والدینشـان به مسـجد می‌آینـد، به آنها هدیـه دهیـد، تـا عشـق و علاقـه به خـدا، مسـجد و منبر از ابتـدا در آنهـا جوانه زنـد و در بزرگ‌سـالی هم اهل مسـجد و معنویت شـوند. (شـرفی ۱۳۶۸، ۲۱۶)

متأسـفانه در برخـی مـوارد رفتـار و برخوردهـای دور از انتظـار بعضـی از مؤمنـان نمازگـزار نسـبت بـه کـودکان و نوجوانانـی کـه بـا اشـتیاق بـرای نمـاز جماعـت بـه مسـجد آمدنـد، موجـب سـرخوردگی و شـاید انحـراف آنـان از مسـیر دیـن و خواندن

نمـاز شـود. شـخصی می‌گویـد: «در کوچکی همیشـه سـعی می‌کردم نماز خـود را در مسـجد بخوانـم. روزی در حـال نمـاز متوجه شـدم پیرمـردی مراقب من اسـت. نمازم کـه بـه پایـان رسـید، پیرمرد به من گفت: نمازت درسـت نیسـت و سـپس با سـخنان نیشـدار خـود مـرا ملامـت کـرد. من غرق در سـکوت بـودم؛ هـرگاه می‌خواسـتم از او بپرسـم کجـای نمـاز مـن اشـتباه اسـت، اجـازه نمـی‌داد و پیوسـته می‌گفـت: نمازت درسـت نیسـت و امثـال تـو حق ندارند به مسـجد بیاینـد. از آن به بعـد تصمیم گرفتم دیگـر بـه مسـجد نـروم و در منـزل هـم نمـاز نخوانم؛ ایـن نخسـتین قدم بـرای ترک کامـل نمـاز و انحرافـم از طریق اسـلام بـود» (فقیهـی ۱۳۸۴، ۸۱)

ایـن در حالـی اسـت کـه سـیره حضـرات معصومـان علیهم‌السلام کامـلاً با ایـن شـیوه برخورد مخالـف اسـت. جابربـن عبـدالله می‌گویـد[1]: از امـام باقـر علیه‌السلام در مـورد کودکانـی کـه بـرای نمـاز واجـب در صف جماعت شـرکت می‌کنند، سـؤال کـردم؛ امـام علیه‌السلام فرمود: آنـان را در آخـر صف‌هـای نمـاز جماعـت بـا هـم نگذاریـد، بلکـه در بین بزرگسـالان پراکنـده سـازید.» (طوسـی ۱۴۰۶ق، ۳۸۰)

از ایـن حدیـث شـریف اسـتفاده می‌شـود: بایـد نسـبت بـه کـودکان و نوجوانانـی کـه در نمـاز جماعـت شـرکت می‌کننـد، طـوری رفتـار شـود کـه احسـاس بی‌توجهـی و بی‌احترامـی نکننـد؛ زیـرا بـا ایـن شـیوه، هـم احتـرام آنـان حفظ شـده و هم بـه آنان شـخصیّت داده‌ایـم و هـم انگیـزه حضـور آنان در مسـجد و نماز جماعت بیشـتر شـده و در عیـن حـال بـه نمـاز جماعـت نیـز نظم خاصـی بخشـیده‌ایم.

[1] -«سَأَلْتُهُ عَنِ الصِّبْيانِ اِذا صَفُّوا فِي الصَّلاهِ الْمَكْتُوبَه. قالَ: لا تُؤَخِّروهُمْ عَنِ الصَّلاهِ وَ فَرِّقُوابَيْنَهُمْ».

» ج) نقش امام جماعت در جذب کودک و نوجوان به نماز جماعت و مساجد

یکی از ارکان اصلی هر مسجد که از متولّیان فرهنگی اثرگذار مساجد محسوب می‌شود، امام جماعت است که در آموزه‌های اسلامی دارای منزلتی ارزشمند است. پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «خداوند وعده داده است که سه نفر را بدون حساب وارد بهشت نماید و هر یک از آنها شفاعت هشتاد هزار را بنماید؛ مؤذن، امام جماعت و کسی که وضو بگیرد و وارد مسجد شود و در جماعت نماز بخواند.» (نوری ۱۴۰۸ق، ج۶، ۴۴۹) در میان تمام کسانی که به گونه‌ای در اداره امور مسجد دخالت دارند، امام جماعت به عنوان مدیر طبیعی مسجد دارای نقشی ممتاز و ویژه است؛ به طوری که صلاحیّت‌ها، شایستگی‌ها، عملکرد، شخصیّت و چگونگی برخورد و رفتار او با مردم، به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان به طور مستقیم بر مسجد و جذب افراد اثر می‌گذارد.

در ادامه به مهم‌ترین نقش‌های امام جماعت در جذب کودکان و نوجوانان به مسجد و نماز جماعت اشاره می‌شود:

۱. رعایت نظافت و آراستگی ظاهر

خداوند متعال به عنوان یک قانون همیشگی که شامل تمام اعصار و قرون می‌شود دستور فرموده: «ای فرزند آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید.» (اعراف/۳۱)

از آنجایی که امام جماعت به عنوان روحانی و رهبر معنوی در مسجد و اجتماع در قالب الگو و نمونه خوبی‌ها مطرح است، اگر به بهترین وجه ممکن لباس بپوشد، تمیز باشد، محاسن مرتب داشته باشد و از عطر و بوی خوش استفاده کند، مواظب نظافت دهان و دندان و احیاناً بوی بد دهان خود باشد و در نظافت و آراستگی ظاهری خود کوشا باشد، می‌تواند در جذب کودکان و نوجوانان که طبع پاک و آرام دارند، نقش به سزایی داشته باشد.

۲. رعایت احکام شرعی و اخلاقیات

امـام جماعـت بایـد دارای اخـلاق نیکو و شایسـته‌ای باشـد و با مردم، به‌ویـژه کودکان و نوجوانـان بـه خوبـی مـدارا کنـد. امـام جماعتـی موفق اسـت کـه مؤمـن و عامل به باورهـا و احکام شـرعی و اخلاقیات باشـد.

در روایتـی از امـام صـادق علیه‌السلام آمـده اسـت: «به وسـیله کـردار شایسـته و اعمال نیک خـود راهنمـا و راهبـر مردم به سـوی فضیلت‌ها شـوید و تنها دعوتگر زبانی نباشـید.» (مجلسی ۱۴۰۴ق، ج۵، ۱۹۸، ح۱۹)

وقتـی کـودکان و نوجوانـان مشـاهده می‌کننـد کـه امـام جماعـت آنچـه را می‌گوید، خـود عامـل بـه آن اسـت، بـه توصیه‌هـای او بیشـتر توجـه نمـوده و عمـل می‌کننـد. وقتـی کـودکان و نوجوانـان مشـاهده کننـد، امـام جماعت، زودتـر از دیگـران به طور منظـم و سـر وقـت در مسـجد حاضـر می‌شـود و بعـد از نماز و مراسـم برای پاسـخ به سـؤالات آمـاده اسـت و...، آنـان نیـز بـه حضـور در مسـجد و شـرکت در نمـاز جاعت رغبـت پیـدا می‌کنند.

۳. تشویق کودکان و نوجوانان به حضور در مساجد و نماز جماعت

یکـی از عوامـل و ابزارهـای جـذب کـودکان و نوجوانـان در زمینه‌هـای گوناگـون از جملـه حضـور در مسـاجد و نمـاز جماعـت، تشـویق امـام جماعـت اسـت.

همـه انسـان‌ها، حتّـی بزرگسـالان، تـا آخـر عمر نیاز بـه تشـویق دارند. تشـویق موجب رغبـت و دلگرمـی و نشـاط و تحـرّک می‌شـود و انسـان را بـه جدّیـت وادار می‌کنـد. انسـانی کـه مـورد تشـویق قـرار گیرد و احسـاس آرامـش و رضایـت خاطـر و اعتماد به نفـس می‌کنـد و بـرای جدّیت بیشـتری و تحمّل دشـواری‌ها آماده گـردد. برعکس، اگر مورد نکوهش یا ناسپاسـی قرار گرفت، دلسـرد و بی‌رغبت می‌شـود و احسـاس حقارت و ضعـف می‌کنـد، بـه گونـه‌ای که تـوان خویـش را از دسـت می‌دهـد و نمی‌تواند حتّی از اسـتعدادهای موجـود خویـش نیز اسـتفاده کند. (امینـی ۱۳۷۳ش، ۱۳۵)

تشـویق کـودکان و نوجوانـان نمی‌توانـد منحصر بـه افراد یا نهـاد خاصّی باشـد. یعنی اگـر فقـط خانـواده چنیـن کاری را انجـام دهـد، تأثیـر مطلـوب و کامـل را نخواهـد

داشـت؛ بلکـه بایـد همـه عواملـی که بـه نوعی بـا آنـان مرتبط هسـتند، به ایـن نکته اساسـی توجـه داشـته باشـند. تشـویق را نمی‌تـوان منحصـر بـه دادن جایزه دانسـت، بلکـه برخوردهـا و فضای ایجاد شـده توسـط دیگران نیز مشـوّق خوبی بـرای کودکان و نوجوانـان اسـت. البتـه لازم اسـت در تشـویق افـراد به گونـه‌ای عمل کرد کـه تأثیر مطلـوب و ماندگاری داشـته باشـد.

تشـویق کـودک و نوجوانـی کـه در مسـجد حاضـر شـده بـه گونـه‌ای که با شـخصیت و روحیّـات او موافـق باشـد، پاسـخی اسـت بـه خواسـته‌های درونـی او در زمینه ذهن و عاطفـه‌اش کـه دوام حضـور او و آغـاز حضـور دیگـر افـراد هم‌سـن و سـال او را نوید می‌دهـد. بـا توجـه بـه روحیات ایـن گروه سـنّی، این تشـویق نبایـد طوری باشـد که نتیجـه عکـس داشـته باشـد؛ زیـرا تشـویق مسـتقیم ایـن توهّـم را ایجـاد می‌کند که نوجـوان و جـوان در مقابـل ارزش‌هـای مـادی واکنـش می‌دهنـد و جـذب می‌شـوند. بنابرایـن، تشـویق‌ها بایـد غیر مسـتقیم و حتّـی الامـکان در مقابل انجام کاری باشـد. بـا توجّـه به‌روحیـات ایـن گـروه سـنّی، راه‌هـای زیر بـرای تشـویق آنان بـه حضور در مسـجد و نمـاز جماعـت توصیه می‌شـود:

۳-۱. معرفی کودک و نوجوان نمونه

مناسـب اسـت جـوان نمونـه در طـول هفتـه یـا مـاه یـا فصـل یـا سـال، توسـط امام جماعـت، برگزیـده و معرفی گـردد. البته، این معرفی به شـکل اعـلام در تابلو اعلانات یـا در ضمـن برنامه‌های مسـجد در مناسـبت‌های مذهبی امکان‌پذیراسـت. پسـندیده اسـت کـه قبـل از اعـلام، امـام جماعـت در مـورد اهمیّـت اسـتفاده از دوره نوجوانی و جوانـی در اسـلام سـخن بگویـد و از نوجوانی و جوانـی حضرات معصومـان علیهم‌السلام یا علما و عرفـا، حکایتـی را نقـل نمایـد. سـپس هدیه‌ای به رسـم یادبـود به او داده شـود.

۳-۲. جایزه ویژه

برخـی نوجوانـان و جوانـان در مـدّت خاصی پـا به مسـجد گذاشـته و در آن ثابت‌قدم می‌شـوند. بهتـر اسـت امـام جماعـت ایـن فرصـت را غنیمـت شـمرده و بـرای تـداوم

حضـور او جایـزه ویـژه‌ای را تهیـه کنـد. مثلاً کـودک و یـا نوجوانی در مـاه رمضان، در مراسـم نمـاز جماعـت، سـخنرانی دینی، دعا، نیایش و مراسـم شـب‌های قـدر به طور منظّـم و فعّـال حضـور داشـته اسـت! بهتر اسـت چنیـن فـردی در عید فطـر در میان نمازگـزاران نمـاز عیـد، مورد تشـویق و تمجید قـرار گیرد و به عنوان کـودک، نوجوان یـا جـوان نمونه، معرفـی گردد.

۴. ارتباط عاطفی با کودکان و نوجوانان

کـودکان، نوجوانـان و جوانـان، امـام جماعـت را بـه عنوان آیینـه تمام‌نمـای خوبی‌ها و مکرمت‌هـای انسـانی و سـمبل پاکـی، صداقـت، صفـا، شـجاعت، مـروّت، انسـانیت، شـکیبایی، ایثـار و گذشـت می‌شناسـند. بنابرایـن بـرای جـذب آنـان به مسـجد، امام جماعـت بایـد بـا آنهـا دوسـت شـده، در غـم و شـادی آنـان شـریک شـود، از آنـان احوالپرسـی کنـد، بـا آنـان بـه اردو رود، حتّـی در صـورت امـکان در میادین ورزشـی آنـان حضـور یافتـه و آنـان را مـورد تشـویق قـرار دهـد. و از فرصت‌هـای مناسـب بـه منظـور بیـان مقصود اسـتفاده کنـد؛ در حالی کـه بعضـی از روحانیان، ائمـه جماعات بـا اتّخـاذ تدابیـر نامناسـب و حالت‌هـای عالمانـه بـه خـود گرفتـن، سـنگین و رنگین حرکـت کـردن بی‌حـدّ، هم کلام نشـدن بـا دیگران، به ویـژه کودکان و نوجوانـان و ...، بیـن خـود و آنـان فاصلـه می‌اندازند.

بنابرایـن، روابـط و احترام‌های امام جماعت و کودکان و نوجوانان نباید در چارچوبی خشـک و رسـمی باقی بماند؛ بلکه می‌بایسـت به برقراری روابط عاطفی منجر شـود، یعنی کودکان و نوجوانـان و جـوان، امام جماعت را به عنوان یکی از دوسـتان خود بپذیرد.

امـام جماعـت بـرای ایـن کـه سـطح روابط خـود با آنـان را بـه این حـد برسـاند، باید بـه نـکات متعـدّدی توجّـه داشـته باشـد و در امـور گوناگونـی، همـراه آنان باشـد؛ در مشـکلات بـه آنهـا کمـک کنـد؛ موفّقیت‌هایشـان را بـه آنها تبریـک بگویـد؛ از غم‌هاو ناراحتی‌هـای آنهـا ابـراز تأسـف و انـدوه کنـد، هدایـای کوچکـی مثل عطر، تسـبیح و انگشـتر بـه عنـوان یـادگاری به آنهـا تقدیم کنـد؛ در صورت امـکان، کمی در مسـائل خصوصـی آنهـا وارد شـود، مثلاً روز تولّدشـان، به آنهـا تبریک بگوید و سـایر اقداماتی

از ایـن قبیـل کـه بـا توجّه به شـرایط امـام جماعت و فرهنـگ و روحیـات اهالی محل در برقـراری و تـداوم ارتباطـی دوسـتانه و محبّت‌آمیـز مؤثر اسـت.
بهتـر اسـت ارتبـاط امـام جماعـت کـودکان و نوجوانـان و جوانـان به روابـط حضوری محـدود نگـردد و ارتبـاط کتبـی بیـن آنـان و امـام جماعت نیز بسـیار مفید اسـت. در ایـن صـورت کـودکان و نوجوانـان و جوانـان از ایـن کـه امام جماعـت به آنهـا احترام گذاشـته و بـه طـور خصوصـی، مطلبـی را بـرای آنهـا بیان کرده، احسـاس شـخصیت کـرده و بـه امـام جماعـت نزدیـک شـده و مطالبی را کـه حضـوری نمی‌تواننـد، بیان کننـد، بـه صـورت کتبی بـا امـام جماعـت در میـان می‌گذارند.
امـام جماعـت بایـد هـم بـا نوجوانـان و جوانان داخل مسـجد بـه گرمی برخـورد کند تـا حضـور آنهـا در مسـجد تداوم یابـد و هم با کـودکان، نوجوانـان و جوانـان بیرون از مسـجد، تـا زمینه حضـور آنان در مسـجد فراهم شـود.

۵. تکریم و احترام

امـام جماعتـی کـه به رفتـار، ارزش‌ها، گفتـار و نظریات کـودکان، نوجوانـان و جوانان احتـرام می‌گـذارد، در جلـب و جـذب آنـان به مسـجد بسـیار مؤثر اسـت. وقتی جوان احسـاس کنـد، امـام جماعـت در صـدد ایـن نیسـت کـه نظریـات خـودش را بـه او تحمیـل کنـد و بـه نظریـات او احتـرام می‌گـذارد، احسـاس شـخصیّت می‌کنـد و از ایـن روابـط و آشـنایی، خوشـحال می‌گـردد. البتـه احترام امـام جماعت به کـودکان، نوجوانـان و جوانـان بـه معنـای پذیرفتن تـامّ و تمام نظریـات آنها بدون دلیل نیسـت، بلکـه بـه معنـای شـنیدن و تحمّـل کردن آنهـا و تعیین راهی حسـاب شـده و مدبّرانه جهـت هدایت آنهاسـت.
بهتـر اسـت بـه کـودکان، نوجوانـان و جوانـان در حدّ امـکان فرصت داده شـود تا آنان خـود را بـروز دهنـد و نظریـات و افکارشـان را مطـرح نماینـد، آن‌گاه بـه اصـلاح آنهـا پرداخته شـود.
بـه هـر حـال، در آییـن اسـلام بر تکریـم کـودکان، نوجوانـان و جوانـان تأکید بسـیار شـده اسـت. خانواده، مدرسـه، اجتمـاع همه و همه بایـد فضایی برای تکریـم و احترام

آنها باشد، به ویژه مسجد که از تقدّس و موقعیتی خاص برخوردار است. ارضای نیاز به احترام و عزّت نفس به احساساتی نظیر اعتماد به نفس، ارزش، قدرت، موفّقیت، کفایت، شایستگی، کسب اعتبار و حیثیت و مثمر بودن در جامعه منتهی خواهد شد که البته همه این‌ها مبتنی بر رفتار مسئولانه این گروه‌های سنّی است که استحقاق احترام را داشته باشند و نه براساس تعریف و تمجیدهای ظاهری و بی‌مورد. اگر امام جماعت و دیگر متولّیان مساجد به این نکته توجه نمایند، گامی بزرگ در مسیر جذب کودکان و نوجوانان و جوانان برداشته‌اند. فضای توأم با احترام و تکریم، انسان را به سوی خود می‌کشد. حتّی گاهی در مسجد خطاهایی از نوجوان سر می‌زند که باید با تذکّرات صمیمانه و در خفا او را متوجه اشتباهش کرد تا به مقاومت و عناد کشیده نشود. به ویژه درباره کودکان و جوانان که حسّاسیت دارند و موعظه باید کوتاه و بلیغ و سنجیده و با اوضاع و شرایط فکر او مناسب باشد و همچنین در عین نرمی و مدارا، گام به گام باشد.

۶. بها دادن به کودکان و نوجوانان

ستایش‌خواهی و جلب توجّه، دو نوع از خواسته‌های این گروه‌های سنّی در عرصه ذهن و عاطفه است. بنابراین بها دادن به آنان، عامل مهمی در راستای تأمین خواسته و جلب توجّه آنها به مسجد و نماز جماعت است. البته این به معنای اختیارات زیاد و غیر منطقی کودکان، نوجوانان و جوانان و یا پذیرش هر نوع نظر و سلیقه آنها نیست.

به هر حال، احترام و بها دادن به شخصیت جوان و مسؤلیت‌سپاری به این گروه‌های سنّی، از شیوه‌های مهم تربیتی شمرده می‌شود. نوجوانان و جوانان، با همه مشکلات و واقعیات این دوران، برای ایفای نقش و انجام مسؤلیت‌های مختلف توانایی بسیار دارند. عدم اعتماد به آنان و بی‌توجّهی به توانایی‌هایشان، مانع شکوفایی استعدادهای آنهاست و در نتیجه به عدم رشد مطلوب آنان می‌انجامد. به طور کلّی علاوه بر مطالب فوق، دیگر مصادیق احترام و بهاء دادن به نوجوانان و جوانان عبارت‌اند از:

۶-۱. عضویت در هیئت امنای مسجد

عضویت یکی از نوجوانان و جوانان متعهّد و مؤمن مسجدی در هیئت امناء، به نوعی بها دادن به وی است. این اقدام باید سبب ایجاد رقابت سازنده میان آنان، برای به دست آوردن این پست باشد.

۶-۲. مشورت و نظرخواهی از کودکان، نوجوانان و جوانان

شایسته است امام جماعت و اعضای هیئت امناء، برای فعّالیت‌های گوناگون مسجد، نظر کودکان، نوجوانان و جوانان را جویا شوند و در صورت امکان، پیشنهادهایشان را اجرا کنند. این اقدام سبب خودباوری و احساس شخصیت در آنان می‌شود. آنان از این که می‌بینند با آنان مشورت می‌شود و نظرهایشان در تصمیم‌گیری‌های مسجد اثر دارد، خوشحال می‌شوند و مسجد را از خود می‌دانند. در نتیجه، پیوسته در مسجد و برنامه‌های آن حاضر خواهند شد.

۶-۳. مسئولیت سپاری

با توجّه به این که کودکان، نوجوانان و جوانان مشتاقند در فعّالیت‌های گروهی و جمعی شرکت نمایند و به آنان در این ارتباط بها داده شود، لازم است از آنان در انجام کارهای مسجد، نظیر پیگیری فعّالیت‌های عمرانی و فرهنگی، دعوت به عمل آمده و آنان را در این ارتباط ترغیب و تشویق کنند. به عنوان مثال پیگیری انجام برنامه اعتکاف در یک مسجد توسط نوجوانان و جوانان صورت گیرد. موضوع ثبت نام را به آنان واگذار کرده و در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نظرات آنان نیز خواسته شود، یا آنان را برای پیگیری نیازهای فرهنگی مسجد به ادارات تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه روانه سازند. یا برای مثال در یک مراسم، برنامه پذیرایی بر عهده کودکان و نوجوانان و جوانان باشد. در هر صورت باید به آنها مسئولیت داده شود و همچون بزرگان از مشارکت‌های آنان در فعّالیت‌های مسجد استفاده گردد. این اقدام با روحیه پرشور و نشاط نوجوان و جوان تناسب دارد و سبب ایجاد وابستگی آنان به مسجد می‌شود.

۷. برقراری جلسات و برنامه‌های ویژه برای کودکان، نوجوانان و جوانان

امـام جماعـت باید برای هر سـلیقه و جمعیّتی برنامه مناسـب داشـته باشـد. مسـاجد بایـد بـرای کـودکان، بزرگسـالان، دانشـجویان، جوانـان و...، برنامـه خاصّـی داشـته باشـند. بـرای آنهـا کـه اهـل دعـا هسـتند برنامـه دعـا، بـرای آنهـا کـه اهل کتـاب و مطالعـه هسـتند، کتابخانـه و سـالن مطالعه و برای کـودکان و نوجوانان آنچه مناسـب سـلیقه آنـان اسـت، برنامه‌ریـزی شـود. امام جماعـت ضمن احاطـه علمی، بایـد بداند چـه مسـائلی را در ایـن دوره بایـد بـرای نوجوانـان و جوانـان گفـت کـه از دیـن زده نشـوند و در عیـن حـال بایـد آن مسـائل را بـا زندگی تطبیـق داد. کـودکان، نوجوانان و جوانـان نیازهـای مخصـوص بـه خـود دارنـد؛ روحیـات و علایـق آنها با بزرگسـالان متفـاوت اسـت. امـام جماعـت می‌بایسـت بعـد از مخاطب‌شناسـی دقیـق و آگاهـی از نیازهاو سـلایق آنان، جلسـاتی را ویژه آنها تشـکیل دهد و مفاهیمی از دین اسـلام را برایشـان بیـان کنـد کـه بـا سـلایق، روحیـات و نیازهای آنان متناسـب باشـد.

مـوارد زیـر موضوعـات مناسـبی بـرای گفتگو بـا جوانـان اسـت: «ازدواج در اسـلام»، «عشـق مجـازی یـا حقیقـی؟»، «زیبایـی»، «نیایـش»، «روابـط دختر و پسـر»، «آثار نمـاز در زندگـی زوج‌های جوان»، «اخلاق جنسـی»، «آثار نماز»، «انحراف جنسـی»، «چشـم چرانی»، «مسـائل روان‌شناسـی جوانـان مثل اعتمـاد به نفس و امیـد.» البته بهتـر اسـت بـرای ارائـه هر موضوع بـه نکات روان‌شناسـی جوانـی، روحیـات جوانان و اصـول جذّابیـت و اثرگـذاری توجّـه شـود؛ مثلاً در هـر موضوع، عنـوانِ زیبـا و جذّابی انتخـاب شـود تـا توجّـه جوانان را بیشـتر جلـب کند، مثـلاً صحبت در موضـوع روابط دختـر و پسـر بـا عناوینـی همچـون «دختـری بـا کفشـهای کتانـی» و صحبـت در موضـوع آثـار نمـاز درزندگـی زوج‌هـای جـوان با عنـوان «مـرد و زن معراجـی» انجام شود.

جلسـه نبایـد حالـت سـخنرانی و خطـاب مسـتقیم داشـته باشـد؛ بلکـه باید بـه صورت گفتمـان برگـزار گـردد تا کـودکان، نوجوانـان و جوانان بتواننـد نظر و سـؤال‌های خود را بیـان کننـد. مطالب در قالب مناظره، داسـتان، خاطره و پرسـش و پاسـخ بهتـر قابل ارائه اسـت. بهتـر اسـت قالب‌هـای گوناگونی انتخاب شـود تا جلسـات متنـوّع و جـذّاب گردد.

متنـوّع نبودن برنامه‌ها، کسـالت‌آور و خسـته‌کننده اسـت. به عبارت دیگـر، همان‌گونه کـه بـدن انسـان از خـوردن غذاهـای یکنواخـت افسـرده و بی‌اشـتها می‌شـود، طـرح مباحـث تکراری نیز اسـباب خسـتگی و افسـردگی اهل مسـجد، کـودکان، نوجوانان و جوانـان را فراهـم نمـوده، روح و جـان آنان را کـه از لطافت و ظرافـت خاصّی برخوردار اسـت، ملـول و آزرده می‌سـازد. امام علـی علیه‌السلام می‌فرماید: «این قلـوب آدمیان همچون بـدن آنهـا گاه، خسـته می‌شـود؛ پـس [بـرای رفـع خسـتگی آن] از حکمت‌هـای نو و تـازه بهره جوییـد.» (نهج البلاغـه، حکمت ۹۱)

۸. دعوت شخصیّت‌های موجّه و محبوب کودکان و نوجوانان

انسـان در مراحـل گوناگـون زندگـی خویـش به الگـو نیـاز دارد؛ زیرا با افزایش سـن و تجربه‌هـای ذهنـی، تقلیـد بـه صورت آگاهانـه صورت می‌گیـرد و در حیطـه اراده قرار می‌گیـرد در ایـن حـال، فـرد می‌کوشـد خـود را بـا شـخص یـا اشـخاصی کـه افرادی قابـل قبول هسـتند همسـان کنـد و نگرش‌هـا و ویژگی‌های رفتـاری و اخلاقی آن فرد یا اشـخاص را برای خود سـر مشـق قـرار دهد.(اسـحاقی ۱۳۸۱ش، ۶۷-۶۸)

یکـی از خواسـته‌های اجتماعـی جوانـان الگوپذیـری اسـت. او در جامعـه، خواسـتار کسـانی اسـت کـه در رفتـار و گفتـار بـرای او الگـو باشـند. (قائمـی ۱۳۷۹ش، ۴۵)

امـام جماعـت و دیگـر متولّیـان مسـجد بایـد شـخصیت‌های محبـوب و مـورد پسـند نوجـوان و جـوان را در سـطح شـهر شناسـایی کرده و آنـان را به مسـجد دعوت کنند تـا در جمـع نمازگـزاران حاضـر شـوند یـا این کـه اگـر شـخصیت برجسـته و توانایی اسـت، مراسـم سـخنرانی بـرای او تشـکیل دهند.

ایـن کار بـا مشـورت و همـکاری خـود نوجوانـان و جوانـان امکان‌پذیـر اسـت. بـرای مثـال معلمـان و مدیـران بـه مسـجد فراخوانده شـوند. این کار بایـد از نظـر تبلیغاتی و فرهنگـی بـه خوبـی پوشـش داده شـود. بـرای مثال بـا نصـب پـلاکارد در مقابل در مسـجد بـه مدیـر دبیرسـتان خیر مقـدم گفته شـود.

بـه طـور کلـی دعـوت از هنرمنـدان، ورزشـکاران و دیگر شـخصیّت‌های محبـوب این قشـر، بـرای حضـور در میـان نمازگـزاران، حرکـت مثبتـی اسـت کـه چگونگـی آن را

موقعیت جغرافیایی مسجد و سطح فرهنگی محل تعیین می‌کند.

۹. رعایت حال نمازگزاران، به ویژه کودکان و نوجوانان در نماز جماعت

کسانی که در نماز جماعت شرکت می‌کنند از گروه‌ها و اصناف مختلف تشکیل می‌شوند و هر کدام دارای حوصله و ظرفیت مخصوصی هستند که رعایت و اهتمام به آن بر امام جماعت لازم است.

انس بن مالک می‌گوید: «هیچ‌گاه پشت سر هیچ امامی نماز نگزاردم که نمازش از پیامبر کوتاه‌تر و کامل‌تر باشد.» (بخاری ۱۴۱۹ق، ج۱، ۱۷۳)

در روایت آمده است: مرد نابینایی نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله! من مرد نابینایی هستم، و چه بسا صدای اذان را می شنوم، امّا کسی نمی یابم که مرا برای خواندن نماز جماعت با شما به مسجد بیاورد، پیامبر ﷺ فرمود: «طنابی از منزلت به مسجد ببند و بدین وسیله در نماز جماعت مسلمانان شرکت کن.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج۵، ۳۷۷)

از این روایت استفاده می‌شود که در عصر پیامبراسلام ﷺ تمامی مسلمانان، حتّی افراد ناتوان در نماز جماعت شرکت می‌کردند، و به این ترتیب مساجد آن روزگار، به ویژه مسجد پیامبر از جهت برگزاری آیین جماعت بسیار فعّال بوده است. با توجه به روایاتی از پیامبر ﷺ نقل شده است، آن حضرت سعی می‌کرد که نماز جماعت ایشان طول نکشد که باعث خستگی افراد نمازگزار شود و حتّی از امامان جماعتی که رعایت حال نمازگزار نکرده‌اند نیز به شدّت اعتراض کرده است. در کتاب «معالم القربه» از بخاری نقل شده که ابومسعود گفته است: «مردی به پیامبر ﷺ عرض کرد: من به لحاظ ضعف و ناتوانی از حضور در نماز جماعت فلان کس خودداری می‌کنم؛ زیرا او نماز را خیلی طول می‌دهد. ابومسعود گفته است: پیامبر اعظم ﷺ در این‌باره برای مردم سخنرانی کرد. من هرگز پیامبر ﷺ را در سخنرانی این چنین خشمگین ندیده بود.» آن حضرت خطاب به حاضران فرمود: «برخی از شما، مردم را گریزان می‌سازند. اگر کسی امامت گروهی را برعهده بگیرد، باید از طولانی کردن نماز پرهیز کند؛ چون در نماز جماعت افراد ناتوان،

سالمند و نیز کسانی که کار و پیشه دارند، یافت می‌شوند.» (اِبْن اُخُوَّه ۱۳۶۷ش، باب ۴۷، ۲۶۶)

در روایتی دیگر از پیامبراکرم ﷺ آمده است: «کسی که امامت گروهی را به عهده گیرد و در حاضر شدن [برای نماز] و قرائت و رکوع و سجده و نشستن و برخاستن خود، راه اعتدال و میانه را در پیش نگیرد، نمازش مورد پذیرش نخواهد بود و از کتف‌های او تجاوز نمی‌کند و جایگاه چنین امام جماعتی نزد خداوند همچون جایگاه سلطان ستمگر و تجاوزگری است که برای اصلاح رعیّت خود تلاش ننموده و فرمان الهی را در میان آنان به پای نداشته است...» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج۸، ۴۲۰)

متأسفانه در برخی مساجد، مستحبّات بین نماز به اندازه‌ای طولانی می‌شود که عدّه‌ای نماز دوم را فرادا خوانده و گاهی به همین دلیل در مسجد حاضر نمی‌شوند و از فیض جماعت محروم می‌مانند. به یقین ثواب نماز جماعت با انجام حدّاقل مستحبات همراه با جمعیّتِ بیشتر بسیار بهتر از نماز طولانی با انجام همه مستحبات خواهد بود. آمار نشان می‌دهد که آنچه مردم، به ویژه اقشار نوجوان و جوان را از مسجد گریزان می‌سازد، طولانی کردن نماز و فاصله بین دو نماز است. (قرائتی ۱۳۸۷ش، ۷۹) امام صادق ؈ می‌فرمایند: «يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ تَكُونَ صَلَاتُهُ عَلَى صَلَاةِ أَضْعَفِ مَنْ خَلْفَهُ؛ بر امام جماعت سزاوار است که در نمازش رعایت حال ضعیف‌ترین افراد پشت سرش را بکند.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج۸، ۴۲۰)

امام صادق ؈ درباره سیره پیامبراکرم ﷺ در نماز جماعت، از پدر گرامیش نقل می‌کند که فرمود: «پیامبر ﷺ هنگام خواندن نماز جماعت، صدای گریه طفلی را شنید که مادرش او را با خود به مسجد آورده بود. آن حضرت نماز را کوتاه کرد تا مبادا نگرانی در مادرش پیدا شود.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج۵، ۴۷۰)

امام علی ؈ می‌فرمایند: «آخرین سخن پیامبر ﷺ با من این بود که: علی جان! در نماز جماعت حال ضعیف‌ترین مأموم را مراعات کن.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج۵، ۴۴۷) این حدیث شریف گویای آن است که یکی از راه‌های جلب و جذب مسلمانان به کانون مسجد و نماز جماعت، کوتاه برگزار نمودن نماز جماعت است. پیامبراکرم ﷺ در اقامه نماز جماعت و ایراد سخن، رعایت حال همه مردم

را می‌نمـود و بـه اختصـار ولـی جامـع و کامل نمـاز می‌خواند. کوتاه سـخن می‌گفت و در تبییـن راز آن می‌فرمـود: «خداونـد همـان گونـه که مـرا به اقامه فرائـض و واجبات فراخوانـده، مـرا بـه مـدارا و نرمـی با مـردم فرمـان داده اسـت.» (کلینـی ۱۴۰۵، ج۲، ۱۱۷، ح۴، بـاب المـداراه) آن حضـرت بـه مبلغـان اعزامـی نیز همیـن روش را توصیه می‌نمـود.

بـه هـر حـال، از سـیره نورانـی پیامبراکرم و روایات و سـخنان حضـرات معصومین علیهم‌السلام اسـتفاده می‌شـود کـه می‌تـوان نمـاز را کامـل خوانـد یعنـی تمامـی اذکار و اجـزاء و ارکان و رکـوع و سـجود نمـاز را بـا طمأنینـه و بـه صـورت کامـل انجـام داد و از آنهـا چیـزی کـم نکـرد، ولـی در عین حـال آن را مختصـر و کوتـاه خواند؛ مثلاً سـوره‌های کوتـاه در نمـاز خوانـد و اذکار رکـوع و سـجود را یکبـار و بـا قرائـت کامـل اداء کـرد و یـا حتّـی بعضـی ذکرهـای مسـتحبی را در نمـاز تـرک کـرد. بنابرایـن، در برنامه‌های جمعـی و عبـادات اجتماعی اسـلام، روی موضوع خودداری از تندروی و سـخت‌گیری و خسـته نکـردن افـراد، عنایت خاصی شـده اسـت.

۱۰. حضور امام جماعت در جمع کودکان و نوجوانان

همـه کـودکان و نوجوانـان در مسـجد حاضر نمی‌شـوند و امـام جماعت نیـز نمی‌تواند در برخوردهـای گـذری در بیـرون از مسـجد بـا همه افراد محـل، ارتباط برقـرار کند؛ بـه همیـن دلیـل برای برقـراری ارتباط کامل با گروه‌های سـنّی یاد شـده، می‌بایسـت در مکان‌هایـی کـه آنـان در آن اجتماع دارنـد، حاضر گردد.

دبسـتان‌ها، مـدارس، دبیرسـتان‌ها، کتابخانه‌هـا، میادیـن ورزشـی، کافی‌نـت و پارک‌هـا، مکان‌هایـی هسـتند کـه معمولاً کـودکان و نوجوانان و جوانـان در آن حضور دارنـد. برخـورد بـا آنـان و برقراری ارتباط بـا آنها در هر کـدام از ایـن مکان‌ها، ظرافت و حساسـیت مخصـوص بـه خـود دارد و شـیوه مناسـب بـا آن را می‌طلبد.

ایـن اقـدام امـام جماعـت، سـبب جلـب توجّه آنـان شـده و زمینـه مناسـبی را برای حضـور جوانـان در مسـجد فراهـم می‌کنـد.

۱۱. سرکشی امام جماعت از خانواده‌های شهدا و جانبازان

همه فعّالیت‌های امام جماعت باید با محوریّت خانواده صورت گیرد تا جذب خانواده‌ها به مساجد تسهیل شود. سرکشی امام جماعت از خانواده‌های شهدا و جانبازان، یکی از فعّالیت‌هایی است که وی می‌تواند انجام دهد. در برخی مساجد این برنامه با اعلام قبلی و با حضور نمازگزاران مسجد انجام می‌پذیرد که آثار مثبت بسیاری را به همراه داشته است. چنین برنامه مستمر و هفتگی می‌تواند به گونه‌ای تنظیم شود که این سرکشی هر شش ماه یا سالی یکبار تکرار شود. توجّه به خانواده‌های شهدا و جانبازان را می‌توان در سیره پیامبر ﷺ مشاهده نمود؛ روزی آن حضرت همراه با گروهی از اصحاب بعد از نماز، از مسجد حرکت کردند و به دیدار خانواده «سعد بن ربیع» که از شهدای جنگ احد بود، رفتند و اعضای خانواده را مورد محبّت و رحمت خویش قرار دادند. (همدانی رفیع الدین ۱۳۸۳ش، ۳۲۱-۳۴۵)

پیامبر ﷺ پس از شهادت جعفر بن ابی طالب در جنگ موته، به خانه او رفت و با حضور خویش موجب تسلّی دل خاندان او گردید. (بلاذری، ج۲، ۲۹۸)

امام جمعه و جماعت باید از پیامبر اسلام ﷺ تأسی بجویند. نمازگزارانی که به دلایل مختلف، خود یا خانواده آنها مورد محبّت امام جماعت و نمازگزارن قرار می‌گیرند، این تفقّد را از برکت معنوی و اجتماعی مسجد تلقی می‌کنند. این عمل آثار مثبت بسیاری را به همراه خواهد داشت که مهم‌ترین آن ترغیب نمودن خانواده‌ها و فرزندان آنها به حضور در مساجد است.

۱۲. ارائه مشاوره روانشناسی با نگرش مذهبی

اهمیّت معنویت و رشد معنوی در انسان‌ها، در چند دهه قبل به صورتی فزاینده توجّه روانشناسان و متخصّصان بهداشت روانی و اخلاقی را به خود جلب نموده است. فلسفه اُمانیستی و علم پوزیتیوستی غرب در قرون اخیر مانند دو لبه یک قیچی و با روش‌های گوناگون سعی نمودند تا گفتمان الهی و معنوی را از صفحه روزگار و از زندگی بشریت حذف نمایند. در حالی که در قرن ۲۱ ضمن اظهار عجز

از ایـن خواسـته، به دیـن و معنویت عـروج کردند.
دین کامل اسـلام برای همه ابعاد و شـئونات زندگی بشـر دسـتورات مؤثری ارائه کرده اسـت. برخی از این دسـتورات باید توسـط متخصّصان دینی از منابع مربوط اسـتخراج و تشـریح شـوند. از طرفـی عصـر کنونی، با توسـعه همـه جانبه تکنولوژی‌هـای ارتباط جمعـی، عصـر انفجـار اطلاعـات نام‌گـذاری شـده اسـت و مفاهیمـی چـون دهکـده جهانـی و جهانـی شـدن مطـرح اسـت. ایـن موضـوع آسـیب‌های اجتماعـی و اخلاقی نـو پدیـد و مشـکلات رفتـاری و اعتقـادی جدیدی را به وجـود آورده اسـت. تحقیقات انجـام شـده حتّـی در کشـورهایی کـه دین رسـمی آنها اسـلام نیسـت، نشـان داد که گرایـش نوجوانـان و جوانـان و نونهـالان به مذهـب و انجام فعّالیت‌هـای مرتبط با دین یـا انجـام تشـریفات مذهبـی به صـورت کلّـی در کاهش ناهنجـاری رفتـاری آنها مؤثر اسـت. بـر اسـاس این تحقیقـات رفتار با ریسـک بـالا (مانند رفتـار پُر خطر جنسـی و مصـرف مـواد مخـدر و...) در جوانانـی که به کلیسـا و معابد و خصوصاً مسـاجد گرایش دارند، بسـیار کمتر اسـت.(والس و فورمـن، ۱۹۹۸، ۷۴۱ ـ ۷۲۱)
روانشناسـی دینـی یـا همـان روانشناسـی مذهبـی از مباحث جدیدی اسـت کـه باید در راسـتای فعّالیت‌هـای فرهنگـی مسـاجد بـه آن توجّه شـود و اسـاس مشـاوره‌های مذهبـی قـرار گیرد.

منابع

» قرآن کریم.
» نهج البلاغه.
» آمُدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶ش.
» حرّ عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۹ق.
» مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ق.
» طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۶ق.
» صدوق، ابی جعفر، محمدبن علی بن حسین بن باویه قمی، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، چاپ ششم، ۱۴۰۵ق.
» نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
» موسوی الخمینی، سیدروح‌الله، امام در سنگر نماز، قم، ستاد اقامه نماز و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ ، دفتر هفتم، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
» کریمی‌نیا، محمدعلی، الگوی‌های تربیت اجتماعی، قم، پیام مهدی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
» جهانگرد، یدالله، نحوه رفتار والدین با فرزندان، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۲ش.
» مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۳ش.
» کلینی، محمدبن یعقوب، اصول و فروع الکافی، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق/ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۴۴ش.
» فیض کاشانی، ملا محسن، المحجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۳۴۹ش.
» قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم، دارالاسوه، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
» حسام الدین هندی، کنز العمّال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
» فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، نشر معارف اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۴۴.
» نوابی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و نابهنجار، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
» شولتس، دوآن، روانشناسی کمال، الگوهای شخصیت سالم، ترجمه گیتی خوشدل، نشرنو ۸۲، ۱۹۷۷م.
» نقیب زاده، میرعبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش پرورش، تهران، طهوری، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ش.
» غزالی، محمد، میزان العمل، ترجمه علی اکبر کسمایی، تهران، سروش، ۱۳۷۶ش.
» عزیزی تهرانی، علی اصغر، ترک نماز چرا، دارالصادقین، پاییز ۷۷.
» جرجانی، سید شریف علی بن محمد، التعریفات، المطبعه الخیریه المنشاه، الطبعه الاولی، ۱۳۰۶ش، صص ۶۴-۶۳.
» فاخر، عاقل، علم النفس التربوی، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ یازدهم، ۱۹۸۵م.
» رفعت، محمد، قاموس الطفل الطبّی، بیروت، دارالمکتبه الهلال، ۱۹۹۱م.
» امینی، ابراهیم، تربیت، قم، بوستان، کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
» امینی، ابراهیم،اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات انجمن اولیاء ومربیان چاپ دوم، سال ۱۳۷۳ش.
» بخاری جعفی، محمّدبن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
» دستغیب، عبدالحسین، توحید و نبوت در داستانهای شهید، تهران، نشر بنیاد بعثت، چاپ دوم،

۱۳۷۰ش.
» منصور، علی، علم النفس التربوی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
» اسپاک، بنیامین، مشاکل الآباء فی تربیه الابناء، بیروت، مؤسسه‌العربیه للدراسه و النشر، چاپ سوم، ۱۹۸۰م.
» فقیهی، علی نقی، شیوه های ترغیب و جذب به نماز، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری مهر تابان، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
» شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحول انسان، تهران، ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۸ش.
» باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۷ش.
» اسحاقی، سید حسین، سلوک علوی، قم، انتشارات بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
» حیدری، غلامحسین، روش‌های دعوت کودکان و نوجوانان به نماز درخانواده، مجله پیوند، ۱۳۸۶، شماره ۷ و ۸ و ۹ و ۱۴، صص ۳۳۱-۳۳۰.
» شرفی، محمدرضا و محرم آقازاده و منوچهر فضلی‌خانی، بلوغ و نوجوانی، تهران، مؤسسه فرهنگی منادیان تربیت، ۱۳۷۹ش.
» شرفی، محمدرضا، مبانی و آثار روانشناختی نماز، مجله تربیت، ۱۳۸۰، سال۱۶، شماره اردیبهشت، ۱۷.
» سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران، شیوه‌های برخورد با کودکان، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش.
» سادات، محمدعلی، رفتار والدین با فرزندان، تهران، اولیا و مربیان، چاپ ششم، ۱۳۸۰ش.
» دیلمی، حسن، هزار و یک نکته درباره نماز، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۸ش.
» واعظی نژاد، حسین، طهارت روح، قم، نشر ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۴ش.
» قائمی، علی، اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی، تهران، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ش.
» قائمی، علی، جوان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح، تهران، دفتر مشاور رئیس سازمان صدا و سیما در امور جوانان، ۱۳۷۹ش.
» احمدی، مجموعه مقالات دومین کنگره سراسری انجمن‌های اولیا و مربیان کشور، ۱۹۴.
» مطهری، مرتضی، احیای تفکر اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۰ش.
» مظلومی، رجبعلی، با تربیت مکتبی آشنا شویم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۶ش.
» ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.
» قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.
» طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرین(فرهنگ لغت) ، تحقیق: حسینی اشکوری، احمد، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
» الخوزی الشرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشواره، بیروت، المکتب الحجازیه.
» زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، المکتبه الحیاه.
» راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، قم، مکتبه الرضویه.
» دهخدا، علی اکبر (علامه دهخدا) ، لغتنامه، تهران، چاپ مجلس، ۱۳۳۲ ش.
» زرکشی، محمدبن عبدالله، اعلام المساجد باحکام المساجد، تحقیق ابو الوفاء مصطفی المراغی، دارالکتب المصریه، قاهره، ۱۴۰۳ ق.
» نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ ق.
» راشدی، حسن، نمازشناسی، تهران، نشر ستاد اقامه نماز، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
» ابن منظور، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۱۳ق.
» عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹ش.

» خزائلی، محمد، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۸ش.
» قندوزی حنفی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، قم، انتشارات اسوه.
» قرائتی، تقی، آیین امامت مسجد، قم، مؤسسه مسجد، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
» بشّار عوّاد مَعروف و همکاران، المسند الجامع، بیروت، دارالجیل، چاپ اوّل، ۱۴۱۳ ق/۱۹۹۳ م.
» اِبْن اُخُوَّه، ضیاءالدین محمد بن محمد بن احمد بن ابی زید قرشی، معالم القربه فی احکام الحسبه، مترجم جعفر شعار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷ش.
» بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الأشراف، دارالمعارف، قاهره.
» همدانی رفیع الدین، اسحاق بن محمد، سیرت رسول الله (به روایت عبدالملک ابن هشام) ، ترجمه مدرس صادقی، جعفر، تهران، نشرمرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ش.

» John M. Wallace Jr, Tyrone A. Forman(1998), Religion's Role in Promoting Health and Reducing Risk Among AmericanYouth, Health Education & Behavior.

تربیت مسجدی کودک در سیره اهل بیت علیهم‌السلام

مهدی محمدی قناتغستانی[1]

چکیده

مسجد در تمدّن اسلامی، جایگاه ویژه‌ای داشته است. دستورات اسلام در قبال مسجد به گونه‌ای است که باعث ایجاد رفتار خاصی در فرد مسجدی می‌شود. این رفتار منجر به آن می‌شود که فردی مولّد برای اسلام تربیت گردد. از این رو تربیت افراد از بدو کودکی می‌تواند نسلی مسجدیِ با اخلاقِ خاص مسجد، به جامعه ارائه نماید. در این پژوهش با تکیه بر میراث روایی معصومین علیهم‌السلام سعی شده روش منظمی برای تربیت مسجدی مبتنی بر دلایل درونی و علل بیرونی مؤثر بر کودک ارائه گردد. در فصولِ دلایل، وراثت و شکل‌گیری شخصیّت و اعتماد سازی کودک به مسجد بررسی شده و در فصولِ علل، تأثیر تشکیل گروه‌های همسالان، الگوهای مسجدی و کیفیت اقامه نماز بر تربیت کودک

[1] . دانشجوی دوره دکتری تاریخ اسلام دانشگاه شیراز.
email:Mahdi_550bc@yahoo.com

بررسی می‌گردد. چهارچوب نظری این پژوهش بر اساس کتاب تربیت کودک استاد صفائی حائری قالب بندی شده و غالب منابع از منابع حدیثی دست اول شیعی هستند و عنوانی با نام نکته و اشاره در نظر گرفته شده تا مفهوم احادیث را به شرایط زمان حاضر نزدیک کرده و موارد استثناء را بیان دارد.

واژگان کلیدی:
مسجد، تربیت کودک، اهل بیت، تمدّن اسلامی، مراحل رشد کودک.

» مقدمه

مسجد مهم‌ترین پایگاه اسلام و اصلی‌ترین جایگاه تمدّن‌سازی انسان است. از آن رو که مسیر اصلی حرکت انسان به سوی خدا در بعد مکانی است. در تاریخ اسلام بیشتر دستاوردهای تمدّنی و فرهنگی پیوستگی تامی با مسجد دارند. آنچه که اهمیّت زیادی دارد تربیت نیروی انسانیِ پیوسته و همراه با مسجد است به گونه‌ای که علاوه بر آن اخلاق مسجدی را نیز اکتساب نماید. ثمربخش‌ترین تربیت برای نیل به این هدف، تربیت کودک مسجدی است؛ چرا که تربیت از کودکی، تلازم در بزرگسالی را به دنبال خواهد داشت زیرا شالوده فرد در هنگامی که پذیرای اهداف و عقاید است در دوران کودکی شکل می‌گیرد. از این رو اهل بیت علیهم‌السلام برای تربیت کودکِ مسجدی اهمیّت زیادی قائل بودند. این امر در گذشته جوامع اسلامی چنان رایج بوده که فصلی جداگانه برای این امر در احادیث و متون اسلامی قرار داده شده است. چرا که پیوند میان مسجد و نهادهای اجتماعی چنان عمیق بود که خواه ناخواه زندگی فرد با مسجد گره می‌خورد. با ورود سبک زندگی مدرن به جهان اسلام و کمرنگ شدن دین در زندگی مسلمانان، مساجد نیز کارکردهای فعّال خود را از دست دادند. تا جایی که نقش مسجد به صورت مهجور به نمازهای جماعت و مناسبت‌های مذهبی محدود شد و پیوند عمیق خود را با نهادهای اجتماعی از جمله خانواده، اقتصاد، آموزش و ... را از دست داد. در چنین شرایطی که تهاجم فرهنگی از نسل نونهال، تبلیغات خود را آغاز می‌کند، این سؤال برای ما مطرح می‌شود که تربیت مسجدی کودکان برای بار آوردن مسجدی‌های ثابت قدم چگونه باید باشد؟

مسلماً اولین گام برای پاسخ به این سؤال مراجعه به میراث تمدّن اسلامی است. مهم‌ترین این میراث قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام است که در وهله اول باید به آنها مراجعه نمود. اما پیچیدگی مطلب آن است که احادیث صریح در مورد تربیت مسجدیِ کودک در دست نیست، چرا که این نیاز اکنون ایجاد شده و در گذشته، کودک در پروسه جامعه‌پذیری مسجدی می‌شد. در حالیکه اکنون مسجد برای کودکانِ ما و حتّی خود ما غریب و نا آشنا است. از این رو

بـرای اسـتخراج مفاهیـم تربیتی مسـجدی در سـیره اهل‌بیـت علیهم‌السلام بایـد در گام اول به تقریـرات معصومیـن علیهم‌السلام توجـه نمود، سـپس متغیرهای بحـث را مورد توجـه قرار داد. ایـن متغیرهـا عبارتنـد از احادیـث مربـوط بـه تربیـت کـودک و احادیـث مربـوط به مسـجد. گام دوم آن اسـت کـه بـا اسـتفاده از ابـزار عقل ایـن منبع روایـی را مطابق با زمینه‌هـای اجتماعـیِ زمانـه خـود بـه کار بگیریـم. یعنـی طبق نیـاز زمانه خود شـرح دهیـم. ایـن مطلـب هـر چـه بـر اسـاس تجربـه شـخصی نبـوده و متکـی بـر نظریات علمـی باشـد نتیجه بهتـری خواهد داشـت.

فصـول ایـن پژوهش به سـه بخش کلّی تقسـیم می‌شـود: بخش اول تربیت در اسـلام بـر اسـاس احادیـث و چهارچوب نظری اسـت. بخـش دوم به عوامـل درونی که کودک را بـه مسـجد جـذب نمـوده و یـا از آمدن به مسـجد بـاز مـی‌دارد، می‌پـردازد و از این رو تحـت عنـوان «دلایـل» بـه معنی عوامـل درونی آمده اسـت. بخش سـوم به عوامل خارجـی مؤثـر در تربیت مسـجدی کودک می‌پـردازد و از این رو تحـت عنوان «علل» بـه معنـی عوامـل خارجـی آمده اسـت. در انتهـای هر فصل نیـز مطلبی تحـت عنوان نکتـه و اشـاره آمـده تـا هـم متـن احادیث را بـه زمان حاضـر نزدیک کنـد و هم نکات اسـتثناء و موانـع هر مبحث بر شـمرده شـود.

» الف) تربیت کودک در اسلام

تربیـت در اسـلام، پیـش از تولـد آغـاز می‌گـردد و تا حدود بیسـت سـالگی ادامه دارد در تمامـی ایـن مسـیر دسـتورات خاصـی مطابـق با شـرایط سـنی و اجتماعـی فرزند آمـده اسـت. اما بی شـک مؤثّرتریـن دوران تربیت، سـنین کودکی یعنی تـا حدود ۱۲ سـالگی اسـت. در ایـن زمـان والدین بیشـترین سـهم را در تربیت فرزند خـود دارند. دِیـن تربیتـی والدین نسـبت به فرزندانشـان زمانی ادا می‌شـود که وظایـف الهی خود را در تربیـت نسـل موفـق بـه جـا آورند. یکـی از اینها وظایـف والدین در قبال مسـجد اسـت. چنان‌کـه در حدیث شـریف از امام صـادق علیه‌السلام آمده:

«ثَلَاثَـةٌ يَشْـكُونَ إِلَـى اللَّهِ عَـزَّ وَ جَلَّ مَسْـجِدٌ خَرَابٌ لَا يُصَلِّى فِيـهِ أَهْلُهُ وَ عَالِـمٌ بَيْنَ جُهَّالٍ وَ مُصْحَـفٌ مُعَلَّـقٌ قَـدْ وَقَعَ عَلَيْـهِ الْغُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ.» (کلینـی ۱۴۰۷ق، ج۲، ۶۱۳)

سـه چیـز نزد خداونـد عزّوجلّ شـکایت کنند: مسـجد خرابی کـه اهالی [اطـراف] آن در آن نمـاز نخواننـد، و دانشـمندی کـه در میـان عـدّه‌ای نـادان قـرار گرفته باشـد، و قرآنـی کـه در کنـار طاقچه‌هـا گذاشـته شـده و غبـار رویـش را گرفته باشـد و کسـی آن را نخوانـد.

در بیانی دیگر از امیر المؤمنین علیه‌السلام آمد:

«لَيـسَ لِجـارِ المَسـجِدِ صَـلاةٌ إذا لَـم يَشـهَدِ المَكتوبَـةَ فـی المَسـجِدِ،إذا كانَ فارِغـا صَحيحـا.» (حمیـری ۱۴۱۳ق،۱۴۵)

اگـر همسـایه مسـجد، فـارغ و سـالم باشـد و برای گـزاردن نمـاز واجـب در آن حاضر نشـود، نمـازش پذیرفته نیسـت.

محمّـد بـن مسـلم از امام باقـر علیه‌السلام روایت کرده کـه آن حضرت فرمود: نماز آن کسـی کـه از همسـایگان مسـجد باشـد و در نمـاز جماعـت حاضـر نشـود، نمـاز نیسـت یـا نمازش درسـت نیسـت، مگر کسـی کـه بیمار یا گرفتـار و درگیر کاری ضروری باشـد. رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بـه جمعـی فرمـود: «حتمـاً باید به نمـاز جماعـت در مسـجد حاضر شـوید، در غیـر ایـن صـورت بـدون تردیـد خانه‌هایتـان را آتـش خواهـم زد.» (ابـن بابویـه، ۱۳۶۷، ص۲۸)

بـا ایـن ترتیـب اگر فـردی در تربیـت فرزند خود نکوشـد و آن را مسـجدی بـار نیاورد

بی‌گمان مسئولیت کم‌شدن افراد غیر مسجدی از نسلش بر گردن وی خواهد بود. در احادیث تربیتی به صراحت بیان شده که وظیفه پدر و مادر، تربیت صحیح و حسن کودک است. امام علی(ع) می‌فرمایند:

«مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَداً نُحْلًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۶۵)

پدر ارثی را برای فرزندش باقی نمی‌گذارد که بهتر از ادب و تربیت نیک باشد.

در بعضی از روایات، این تربیت به صورت مصداقی ولی دارای مفهومی کلی بیان شده:

«به کودکان مطالب سودمند بیاموزید، (عقاید شیعه را به آنها تعلیم دهید) تا مخالفان بر آنها غالب نشوند.» (حرانی، ۱۳۸۲، ۱۵۹)

انجام این مهم برای والدین هم فریضه است و هم می‌تواند مایه سعادت یا شقاوت آنها گردد، «حق فرزند این است که بدانی جزئی از وجود تو است، در دنیا با هر خیر و شری که دارد به تو منسوب است، در حسن تربیت، راهنمائی به خدا، و کمک به او در اطاعت از تو، و ایجاد روح فرمان‌برداری در او، مسئولی و در این باره پاداش یا کیفر داری؛ پس با وی چنان رفتار کن که در دنیا آثار نیک تربیتت زیب و زیور (و مایه سرفرازی) تو باشد، و (در آخرت) بر اثر انجام وظیفه در پیشگاه خدا معذور باشی، و لا قوه الا بالله.» (حرانی ۱۳۸۲، ۴۱۷)

همان‌طور که مشخص شد وظیفه سنگین تربیت بر گردن والدین است اما این تربیت راهکارهای خاص خود را دارد در بیان‌های معروفی از اهل بیت(ع) نقل شده:

«الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.» (کلینی ۱۴۰۷ق، ج۶، ۴۷)

کودک هفت سال بازی می‌کند، هفت سال خواندن و نوشتن می‌آموزد و هفت سال حلال و حرام یاد می‌گیرد.

«الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ.» (عاملی ۱۴۱۴ق، ج۷، ۳۳۴)

فرزند تا هفت سال سیّد و آقا است و هفت سال فرمانبردار و هفت سال وزیر و کمک است.

حـال بـه طـور اخـص، تربیـت کـودک بـرای حضـور در مسـجد بایـد چگونه باشـد تا نسـل نوخواسـته عضـو ثابت مسـجد باشـند؟

کسـی کـه می‌خواهـد کودکـی را بـه هدفـی، بـه مکتبی، بـه عقیـده‌ای پایبند سـازد، نبایـد اینهـا را بـه او تزریـق کند و تحمیل کنـد و با جایزه‌ها و کف‌زدن‌هـا او را حرکت بدهـد و بـا شـعارها او را داغ نمایـد. مـا می‌بینیـم آنهـا کـه در خانـواده مذهبـی و در دامـان روحانـی تربیـت شـده‌اند مادامی کـه در محیط سـنّتی بودند با همان سـنّت‌ها مأنـوس بوده‌انـد. اگـر از ایـن محیـط بیرون نمـی رفتند شـاید تا آخر عمر هـم معتقد و جـدّی می‌ماندنـد، امـا اینهـا هنگامـی کـه بـه محیط‌هـای بـاز و آزاد می‌رسـند و با ضدسـنّت‌ها روبـرو می‌شـوند، ناچار از گذشـته می‌برنـد و به نفرت و انزجار می‌رسـند. (صفائی‌حائـری ۱۳۸۷، ۳۸) البتّـه در جامعه‌هـای بسـته و یـا در جامعه‌هـای متضادی کـه رو بـه حرکـت گذاشـته‌اند، ماننـد جامعـه اصیـل اسـلامی می‌تـوان افـراد را بـا مذهـب آشـنا کـرد و می‌تـوان آنهـا را با سـنّت‌ها آشـتی داد، بـدون آنکه این آشـنایی و سـنّت نتیجـه بـد بدهـد، چون در ایـن جامعه سـنّت‌ها متحرکنـد و زیر بنـا دارند و مشـکلی ایجـاد نمی‌کننـد و لذا می‌بینیم پیشـوایان دسـتور می‌دهند که کـودک را با قـرآن و بـا مذهـب آشـنا کنیـد، و تمرینش دهیـد، زیـرا در جامعه اسـلامی تضادهای اجتماعـی بـه حرکـت در آمده‌انـد و تضـاد از بیـرون به درون افراد کشـیده شـده و در سـطح جامعـه تضـادی نیسـت، بلکه آنچـه باعث تشـنج و تزلـزل افکار و سـد حرکت باشـد از آن جلوگیـری می‌شـود و از میـان مـی‌رود. (صفائی‌حائـری ۱۳۸۷، ۴۴)

نیـل بـه ایـن امـر نیاز بـه آن دارد کـه مربّی کـودک - اعـم از والدین و معلمان - سـه ویژگـی را در وی بـارور کند:

- ۱. شخصیّت و استقلال
- ۲. حرّیت و آزادمنشی
- ۳. تفکر و تحلیل

هنگامـی که کودک شـخصیّت داشـته باشـد، تقلیـد نمی‌کند و تحت تأثیـر هر حرفی و هـر مکتبـی قـرار نمی‌گیـرد. حرّیت و آزاد منشـی کودک را می‌سـازند تـا اگر روزی بـه اشـتباهی پـی ببـرد، پیگیـری نکنـد و لجاجت نـورزد و عقیـده‌ای را بـر عقیده‌ای

ترجیح ندهد؛ مگر آنکه از رجحان و امتیازی برخوردار باشد. تفکر رکوردها را می‌شکند و هر گونه عقیده سنّتیِ مهاجم را مهار می‌کند و تحلیل می‌برد. تفکر و تحلیل آن هم در زمینه حرّیت و آزادی و با خصوصیت شخصیّت و استقلال، به نتیجه‌ای بزرگ خواهد رسید. این امر وقتی محقق می‌گردد که مربی سه روش در قبال کودک پیش گیرد. تزکیه، تعلیم و تذکر(عادت).

طبق چهارچوب نظری، این مبحث به دلایل داخلی و علل بیرونی تقسیم می‌شود تا درک بهتری از آن به دست آید. اولین دلیل داخلی و متقدّم بر علل که سازنده شخصیّت است. وراثت و امتزاجیست که با رفتار مسجدی همراه باشد. دیگر دلیل بررسی شده عوامل جذب روانی کودک است که قسمی از تفکر وی را شکل می‌دهد. در بخش علل به دو علت الگوهای مسجدی و گروه‌های همسالان پرداخته می‌شود. الگوهای مسجدی به عنوان مربّی دو وظیفه تزکیه و تعلیم را به صراحت به دوش می‌کشند و گروه همسالان تقریباً در هر سه قسم تربیت کودک، شخصیّت، حریت و تفکر مؤثرند. در فصل آخر نحوه جذب کودک و عوامل دافعه وی به صورت مصداقی در نماز جماعت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

» ب) دلایل داخلی

۱. وراثت

در تفکر اسلامی بخش قابل توجهی از تربیت مربوط به پیش از به دنیا آمدن کودک می‌باشد. ممکن است علم مدرن تا جایی با این نظر همراه باشد که تربیت به توارث و ژنتیک مربوط شود اما آنچه که در اسلام مطرح است، چندین گام فراتر از ژنتیک است. در بعضی از احادیث آمده که سعادت و شقاوت فرد از زمانی مشخص می‌گردد که در شکم مادر است.

رسول خدا ﷺ فرموده است خوشبخت در شکم مادرش خوشبخت است. (کلینی ۱۳۸۲، ج۱، ۱۵۲) یا در حدیثی دیگر آمده: «الشقی من شقی فی بطن امه» (کلینی ۱۳۸۲، ج۱، ۱۵۲) این امر بسته به آن است که والدین قبل و هنگام امتزاج نطفه چه میزان روحیه الهی داشته باشند. روایت است که امام زین العابدین علیه‌السلام گدایی را در روز عرفه دید که از مردم در خواست کمک می‌کرد، به او فرمود: «وای بر تو! آیا در این روز از غیر خدا در خواست می‌کنی؟! همانا که در این روز برای آنچه در شکم‌های زنان باردار وجود دارد، امید می‌رود که سعید باشند». (ابن بابویه ۱۳۶۷، ج۳، ۴۰) در جای دیگر آمده که اسحاق بن عمار گوید: «بحضرت صادق علیه‌السلام عرض کردم: نزد مردی می‌روم و بعضی از سخنم را می‌گویم او تمام مقصود مرا می‌فهمد و مردی دیگر نزد او می‌روم و تمام سخنم را به‌او می‌گویم او طبق گفته من جواب می‌دهد و مردی دیگر نزد او می‌روم و سخنم را می‌گویم او (چون مقصود مرا نمی‌فهمد) می‌گوید دوباره بگو. فرمود: ای اسحاق میدانی چرا چنین است؟ گفتم: نه، فرمود: آنکه تمام سخن تو را از بعض گفتارت می‌فهمد، کسی است که نطفه‌اش با عقلش خمیر شده است و آنکه پس از اتمام سخنت جوابت را می‌گوید کسی است که عقلش در شکم مادر با او آمیخته است و آنکه چون سخنش گوئی گوید: دوباره بگو کسی است که پس از بزرگ‌شدن عقلش به‌او آمیخته شده او است که می‌گوید دوباره بگو.» (کلینی ۱۳۶۲، ج۱، ص۳۰)

با توجه به این روایات مسجّل است که تربیت مسجدی کودک تا حدّ قابل

توجهی به رفتار والدین قبل از به دنیا آمدن کودک بستگی دارد. هر شخص در قبال مسجد وظیفه‌ای دارد. هنگامی که در قبال این وظیفه قصور ورزد احتمال این مطلب که فرزند وی مسجدی شود کمتر می‌گردد.

از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده: «هر نوزادی به فطرت خداشناسی و مسلمانی زائیده می‌شود جز آنکه پدر و مادرش هم آن کسانی هستند که او را منحرف می‌سازند و یهودیش می‌کنند، نصرانیش بار می‌آورند، کیش گبران به‌او می‌آموزند.» (ابن بابویه ۱۳۷۷،ج۱، ص ۵) طبق این روایت مسجّل است که نخستین گام تربیت کودک، از والدین آغاز می‌گردد. حال به تعدادی از روایات می‌پردازیم که اهمیّت مسجد را بیان می‌دارند.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند:«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ» (نوری ۱۴۰۸ق، ج۳، ۳۶۲) هنگامی که دیدید مردی بر رفت و آمد به مسجد مداومت می‌کند وی را مؤمن بدانید. خداوند متعال می‌فرماید: تنها آنان که ایمان به خداوند دارند مساجد خدا را آباد می‌کنند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر که پیاده به سوی مسجدها رود، پای خویش را بر هیچ خشک و تری ننهد جز آنکه این زمین تا زمین هفتم برای او خدا را تسبیح گویند و به پاکی یاد کنند.

بالعکس آن نیز در مورد محجوریت مسجد از امام صادق علیه‌السلام روایت شده: «شَكَتِ الْمَسَاجِدُ إِلَى اللَّهِ (تَعَالَى) الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَهَا مِنْ جِيرَانِهَا، فَأَوْحَى اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) إِلَيْهَا: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا قَبِلْتُ لَهُمْ صَلَاةً وَاحِدَةً، وَ لَا أَظْهَرْتُ لَهُمْ فِي النَّاسِ عَدَالَةً، وَ لَا نَالَتْهُمْ رَحْمَتِي، وَ لَا جَاوَرُونِي فِي جَنَّتِي» مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خداوند متعال شکایت کردند. خداوند عزّوجلّ به آنها وحی فرمود: به عزّت و جلالم سوگند که حتّی یک نماز از آنان نپذیرم و عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم و رحمت من به آنان نرسد و در بهشت، همسایه من نشوند. (طوسی ۱۴۱۴، ص ۶۹۶)

اینها و بسیاری موارد دیگر از احادیث که تأکید زیادی بر رفت و آمد به مسجد

دارنـد نشـانگر آننـد کـه رفـت و آمد به مسـجد بـر نطفه و فرزنـد تأثیـر می‌گذارد.
نکتـه و اشـاره: این امر مسـلم اسـت که وراثت موجـب تأثیر در ادب کـودک می‌گردد، پـس نخسـتین گام بـرای تربیـت کـودک مسـجدی را بایـد از پیـش از تولّـد وی آغاز کـرد و آن نیـز بـا پدرانـی مسـجدی اسـت. هـر گام پیشـتر یعنـی یـک راه محکـم تر برای نسـلی مسـجدی.

۲. شخصیّت سازی برای کودک

دیـن اسـلام بـرای تربیـت کـودک در دوره اوّل رشـد اهمیّـت زیـادی قائـل شـده و دسـتوراتی که در این باره وارد شـده اسـت بیشـتر متضمّن آن اسـت که فردی فعّال، متفکـر و مسـتقل بـار آید تـا فردی مذهبـی. چرا که مذهبی شـدن بـه راحتی ممکن اسـت ولـی عواقـب نامطلـوب زیـادی دارد. کودکـی کـه تربیـت مذهبـی بـدون تفکّر داشـته باشـد در معـرض خطـرات گوناگونی اسـت. از جملـه تفکّرات خشـک مذهبی کـه بـروز آن در اندیشـه‌های سـلفی مشـهود اسـت. امّـا کودکـی که تفکری مسـتقل داشـته باشـد و شـخصیّتی محتـرم بـرای وی به وجـود آورده باشـند ایـن چالش‌ها را نـدارد زیـرا هـم از مناعـت طبـع برخوردار اسـت هم بـا تعقّـل می‌تواند راه درسـت از راه نادرسـت را تشـخیص دهد.
روش‌هـای تربیتـی اسـلام برای کـودک از بدو تولد آغـاز می‌شـود از پیامبر ﷺ روایت شـده: روزی رسـول خـدا ﷺ جهـت خواندن نمـاز از خانه بیرون شـد. (یـا جهت نماز عیـد از شـهر بیـرون رفـت.) در آن زمـان امـام حسـین ؑ کـه طفلـی خردسـال بود هنـوز به‌سـخن گفتـن در نیامـده بـود. (به اصطـلاح هنوز زبان بـاز نکرده بـود) تا آنجا کـه نگـران بودنـد، مبـادا هرگز زبـان به سـخن گفتن باز نکنـد و بی‌زبان (لال) باشـد، رسـول خـدا ﷺ امـام حسـین ؑ را در حالـی کـه بـر گردن یا بـر دوش خـود گرفته بـود بیـرون آورد، و مـردم پشـت سـر آن حضـرت صف کشـیده بودنـد، پیامبر ﷺ آن حضـرت را در سـمت راسـت خـود قـرار داده و آهنـگ نمـاز کـرد و تکبیر گفـت، امام حسـین ؑ نیـز گفـت: «اللّه أکبـر» رسـول خـدا ﷺ چـون آواز تکبیـر او را شـنید دوبـاره تکبیـر گفـت، و امـام حسـین ؑ نیز بـار دیگر گفـت: «اللّه أکبـر» و این عمل

تکـرار شـد تـا اینکـه رسـول خـدا ﷺ هفت بـار تکبیـر گفـت، و امام حسـین ؑ نیز تکبیـر گفـت، و سـنّت بـر گفتن هفـت تکبیـر افتتاحیّه جاری گشـت.

ایـن عمـل در مرحلـه رشـد روانـی- اجتماعـی بـا نـام اعتمـاد در برابـر بی‌اعتمـادی شـناخته می‌شـود ایـن مرحلـه مهم‌تریـن و تأثیرگذارتریـن مرحلـه در رشـد کـودک اسـت. آنچـه از سـنّت پیامبـر ﷺ بـرای ما باقـی ماند، آن اسـت که کودک در سـنین ابتدایـی بـا مسـجد انـس داشـته باشـد آن هـم بـه گونـه‌ای کـه هویّـت و جهان‌بینیِ پیوسـته با مسـجد، داشـته باشـد.

همچنیـن از رسـول خـدا ﷺ دربـاره احتـرام بـه شـخصیّت کـودک نقـل شـده کـه فرمـود: پنـج چیـز اسـت که تـا بمیرم تـرک نکنم ... سـلام بر کـودکان، تـا روش پس از من باشـد.

بـا ایـن نـگاه، کـودک دارای هویّتـی مسـتقل شـناخته می‌شـود و از آسـیب‌های بی‌توجّهـی در امـان اسـت. ایـن روش در روان‌شناسـی رشـد اریکسـون، در مرحلـه دوم رشـد، تحـت عنـوان خودگردانـی و اتـکاء بـه نفـس در برابـر شـرم و شـک آمـده اسـت. ایـن رفتـار بـا ترکیبـی از رفتار رحمانـی ثمـره‌ای چنـد برابـر دارد. پیامبر ﷺ فرموده‌انـد: «بـوی فرزنـد از بـوی بهشـت اسـت و چـون پدر بـه فرزند خویـش بنگرد و او را خشـنود کنـد، بـرای او پـاداش آزاد کـردن بـرده‌ای اسـت»[1] و ایشـان همچنین می‌فرماینـد: «فرزندانتـان را بسـیار ببوسـید کـه بـرای شـما در قبـال هـر سـه بوسـه درجـه‌ای در بهشـت اسـت کـه انـدازه آن پانصـد سـال راه اسـت.»

و گفتـه شـده اسـت کـه پیامبـر ﷺ، امـام حسـن ؑ را می‌بوسـید، اقرع بـن حابس[2] گفـت: مـن ده پسـر دارم و هیـچ کـدام را نبوسـیده‌ام. پیامبـر فرمودنـد: «آن کس که رحـم و مهربانـی نکنـد بـه او مهربانی نمی‌شـود.» (نیشـابوری ۱۳۶۶، ۵۸۸)

محبّـت هـم ثمـره دنیـوی دارد هم ثمره اخـروی و تأثیـری معجزه‌آسـا دارد، چنان‌که امیرالمؤمنیـن ؑ می‌فرمایند: «لأن الإنسـان عبید الإحسـان» (مجلسـی ۱۴۰۴، ج۸، ۳۶۸) حـال انسـان عاقـل ایـن حالـت را برای کودک متصوّر شـود که محبّت از سـوی

[1] . مرحوم مجلسی هم در بحار الانوار، ص ۸۰، ج ۷۴، چاپ جدید، این دو روایت را از همین منبع نقل کرده است.

[2] . پـس از فتـح مکـه مسـلمان شـده اسـت. بـرای اطـلاع بیشـتر از شـرح حـال و بعضـی فرومایگی‌هـای او می‌تـوان بـه اسـد الغابـه، ابـن اثیـر، ص ۱۰۷، ج ۱، مراجعـه کـرد.

اعضای مسجد چه تأثیری می‌تواند داشته باشد.

مرحله بعد، شخصیّت‌دهی به کودک است. این امر از طریق واگذاری مسئولیت‌هایی به کودک میسّر است که بتواند از پس آنها بر آید و او را در جمع مطرح نماید. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده: «در طواف کعبه، کودکان خود را همراه ببرید و در سنگ زدن بر سر شیطان از آنان نیابت کنید.» (کلینی ۱۳۶۳، ج۴، ۳۳) أذان و اقامه گفتن کودکان در مسجد انجام امور مذهبی و فعّالیت‌های مسجدی در ایجاد شخصیّت مذهبی و مسجدی برای کودک بسیار مؤثر است. مطلب مهم آن است که هر چه این مراحل به صورت غیر مستقیم یا به قول استاد صفایی غیر تزریقی باشد، (صفائی‌حائری ۱۳۸۷، ۳۸) در این صورت است که فرزندی تربیت خواهد شد چرا که خود تحلیل‌گر است و در هر سنّی تعاملات خود با دیگران را در ارتباط با خدا می‌بینند. از صفوان جمال روایت شده: از امام صادق علیه‌السلام درباره صاحب امر امامت پرسیدم، فرمود: صاحب این امر بازی و بیهوده‌گری نکند، آنگاه ابو الحسن موسی که کودک بود و بزغاله‌ای مکّی همراه داشت و به‌او می‌گفت: «پروردگارت را سجده کن» آمد، امام صادق علیه‌السلام او را در آغوش کشید و فرمود: پدر و مادرم فدای کسی که بازی و بیهوده‌گری نکند. (پس امام علیه‌السلام اگر چه کودک باشد، از بزغاله‌ای هم که وسیله بازی کودکان است، استفاده ذکر خدا و یاد ربّوبیت او و خضوع در پیشگاه مقدسش می‌کند.) (کلینی ۱۳۶۲،ج۲، ۸۷)

نکته و اشاره: در حال حاضر چه میزان حضور اطفال در مساجد قابل تحمل است؟ سنّت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر آن بود که حسنین را از نوزادی با خود به مسجد می‌بردند ولی اکنون اگر کودکی موقع نماز باعث حواس‌پرتی عدّه‌ای گردد با وی چه برخوردی خواهد شد؟ همان‌گونه که در بالا بیان شد این سنین حسّاس‌ترین موقع برای تربیت یک انسان است. بنا به نظر اریکسون اگر اعتماد به نحو موفقیت‌آمیزی در کودک رشد یابد، او در دنیا احساس امنیّت خواهد کرد. اگر پرستار (در اینجا اعضای مسجد) ناسازگار، پس زننده یا از نظر عاطفی غیرقابل دسترس باشد، به رشد حس بی‌اعتمادی در کودک کمک می‌کند. عدم

توفیـق در رشـد اعتمـاد، بـه تـرس و باور این کـه دنیا ناسـازگار و غیرقابـل پیش‌بینی اسـت منجـر می‌گـردد، گاهـی قداسـت ما ممکن اسـت یک نسـل را از مسـجد و نماز جماعـت زده کنـد. شـاید نهیب پیرمرد مسـجدی بر سـر کودک چنـدان در آن لحظه مهـم نباشـد، امـا عوامـل جاذبـه‌ای هسـتند کـه بـه راحتـی کودکـی را که از مسـجد بریـده شـده به خـود جذب کننـد. آن هم با وجـود روایاتـی از معصوم کـه می‌فرماید: «و هـر خلافـی که از خردسـال سـرزند کفّـاره‌ای نـدارد.» (حرانـی ۱۳۷۶، ۴۶۸)

راه درمـان ایـن مطلـب نیـز کمی تـاب‌آوری و بردباری اسـت که سـیره عملی حضرت رسـول ﷺ مالامـال از آن اسـت از امـام صادق علیه‌السلام روایت شـده: جدّم رسـول خدا ﷺ بـا مـردم نمـاز ظهـر می‌خوانـد و دو رکعـت آخـر نمـاز را سـریع و خفیـف ادا کـرد. موقعـی کـه رسـول خـدا ﷺ نمـاز خـود را سـلام داد، پرسـیدند آیـا دسـتور جدیدی دربـاره نماز صادر شـده اسـت؟ رسـول خـدا ﷺ گفت: از چـه جهت؟ گفتند: شـما دو رکعـت آخـر نماز را بسـیار سـریع و خفیـف ادا کردید. رسـول خدا ﷺ بـه آنان گفت: آیـا فریـاد کودک را نشـنیدید؟ (کلینـی ۱۳۶۳، ج۵، ۲۰۴)

ایـن رفتـار را بـا عملکـرد مسـجدی‌های اکنون مقایسـه کنیـم حجت الاسـلام قرائتی در کتـاب خاطراتشـان آورده‌انـد کـه هفت سـاله بـودم که به یکی از مسـاجد کاشـان رفتـم، در صـف اوّل نمازجماعـت ایسـتاده بـودم که پیرمـردی مرا گرفـت و مثل گربه بـه عقـب پرتـاب کـرد و گفـت: بچـه صـف اوّل نمی‌ایسـتد! و ایـن در حالی بـود که با بی‌احترامـی هـم جایـی را غصـب کرد و هـم ذهن کودکی را نسـبت به نماز و مسـجد مکـدّر کـرد پـس از گذشـت سـال‌ها هنـوز آن خاطـره تلـخ در ذهنـم مانـده اسـت. (بهشـتی بیتا، جلـد ۱، ۷).

» ج) علل

۱. گروه همسالان

«فإن ید الله مع الجماعه، و إیّاکم و الفرقه! فإن الشاذّ من الناس للشیطان، کما أنّ الشاذّ من الغنم للذئب» (شریف الرضی ۱۴۱۴، ۳۱) همواره با گروه و جماعت باشید که دست قدرت الهی، همواره پشت سر جماعت است. از هر گونه تفرقه بپرهیزید که گروه اندک از مردم، طعمه شیطان هستند؛ همان‌گونه که گوسفندان جدا شده از گله، طعمه گرگ هستند.

این سخن امیر المؤمنین علیه‌السلام به خوبی اهمیّت گروه اجتماعی را از منظر دینی بیان می‌فرماید. گروه‌های اجتماعی از مهم‌ترین عوامل سلامت یا ناسالمی جامعه‌اند، چرا که به میزان قابل توجّهی از تأثیرات اجتماعی افراد، از این گروه‌ها می‌باشد. این اهمیّت برای گروه‌های نونهالان و کودکان اهمیّتی چند جانبه دارد. در گام اول ایجاد گروه‌های همسالان باعث تقویت واکنش صحیح و به موقع اجتماعی شده و کودک از سطح آگاهی اجتماعی بالایی برخوردار می‌شود. در گام بعدی باعث افزایش نشاط وی از طریق تعاملات با سایر افراد گروه می‌شود و در گام آخر روند جامعه‌پذیری را برای وی تسریع می‌کند. حال اگر این سه گام در مسجد برداشته شود بسیاری از هزینه‌های تربیتی، درمانی و امنیتی کم خواهد شد چرا که کودک به طور غیرمستقیم در تعامل با گروه همسالان در فضایی معنوی رشد مذهبی می‌یابد و از آفاتی چون تنهایی عدم جامعه‌پذیری و یا جذب در گروه‌های ناسالم اجتماعی به دور می‌ماند. این شرایط مانند آن نیست که کودک در فضایی کاملاً استریل و به دور از آلودگی باشد و با تماس با ناهنجاری‌های جامعه و فرهنگ غربی راه خود را عوض کند، بلکه آموزش گروه همسالان روندی بسته نیست، آموزشی غیر مستقیم و عمقی در رفتار فردی است که در زمینه ای مذهبی صورت گرفته و فرد را هم با شرایط بیرونی و هم با ارزش‌های دینی آشنا می‌سازد.

حال نکته مهم این است که تشکیل این گروه‌های هم‌سن چه گونه مقدور است؟

در زمان اهل بیت معصومین علیهم‌السلام به چند صورت این امر محقق می‌شد:
مساجد همواره برای عموم مردم باز بود و چون مرکز توجه و از مهم‌ترین اماکن شهر محسوب می‌شد این امکان فراهم می‌آمد تا به عنوان محل بازی کودکان یا به اصطلاح پاتوق آنها قرار گیرد. برعکس زمان حاضر که مساجد فقط در وقت نماز باز هستند.
همراهی کودکان با والدین برای حضور در نماز باعث می‌شد که زمینه‌های آشنایی فراهم شود.
به علّت اینکه در گذشته نهاد خانواده بسیط بود و روابط صله ارحام شیوع داشت عموماً کودکان روابطی محکم از جنس خویشاوندی داشتند و ظهور این امر در مسجد، گروه‌های منسجمِ کودکانی بود که به نماز، یادگیری قرآن و بازی می‌پرداختند.
اجتماعات درسی و قرائت قرآن در قالب مکتب‌خانه آن هم به صورت بسیار وسیع امری مهم در ایجاد گروه‌های همسالان بود. در مورد ابو القاسم ضحاک بن مزاحم هلالی نقل شده:
وی از تابعین و مفسّر قرآن بود. اصلش از کوفه بود ولی در بلخ و مرو و بخارا زندگی می‌کرد و از اصحاب امام علی بن الحسین علیه‌السلام نیز بود. وی نویسنده التفسیر الکبیر و التفسیر الصغیر است. روایت شده معلم اطفال بود و در مکتب‌خانه‌اش سه هزار کودک درس می‌خواندند و او به سبب ناتوانی خود و کثرت شاگردان سوار بر خر، میان ایشان می‌گشت. (ثقفی ۱۳۷۴، ۲۴۰)
أذان و اقامه و اموری از مسجد که به این قشر سنی واگذار می‌شد تا حد زیادی در ایجاد هویّت آنها مؤثر بود و به آنها شخصیّت می‌داد.
نکات یاد شده از نوع علت و معلول نیستند بلکه از نوع کنش و واکنش هستند، یعنی هریک از عوامل یاد شده مقوّم دیگری است و در یک راستا نتیجه مشترکی دارند و آن نیز ایجاد گروه‌های صمیمانه همسالان است. مجموع این عوامل باعث می‌گردد که مسجدی بودن برای جوامع اسلامی به صورت پایدار باقی بماند.
با ورود مدرنیته به جهان اسلام این گروه‌های همسالان به جاهای دیگر نقل

مـکان کـرد ماننـد مـدارس و گروه‌هـای دوسـتی کـه پاتوقشـان در پارک‌هـا بـود. بـا کـم شـدن جذّابیـت مسـاجد و جدایـی نسـل‌ها از یکدیگـر موجـب گردیـد کـم کـم گروه‌هـای همسـالان در مسـجد هویّـت خـود را از دسـت بدهنـد و تنهـا بـه صـور غیرمنسـجم ندرتـاً در بعضـی مسـاجد آن هم در قالـب کلاس‌های تابسـتانی، کودکان را جـذب مسـجد نماینـد. در صورتـی که در گذشـته جهان اسـلام، گروه همسـالان با مسـجد پیونـدی اجتماعـی و هویّتـی داشـتند لذا در آن زمـان این سـؤال اصلاً مطرح نبـود کـه چگونـه کودکان را به مسـجد جـذب کنیم؟ کـودک در مسـجد و محلّات با همسـالان خـود بـزرگ می‌شـد. هر محلّه، مسـجد خود را داشـت که با مسـجدی‌های خویشـاوند پـر می‌شـد زیـرا هـر یک فرزنـدان خـود را به مسـجد می‌آوردنـد. در واقع پیونـد گروه‌هـای همسـالان در مسـجد از طـرق مختلـف آن هـم بـا پیوندهای بسـیار محکمـی مانند نهـاد خانـواده بود.

نکتـه و اشـاره: مسـلماً شـرایط فعلـی قابل برگشـت بـه قالب زندگی گذشـته نیسـت و بایـد راهکارهـای مطابـق زمـان خـود اتخـاذ گـردد. امـا می‌تـوان از تاریـخ و سـیره معصومیـن علیهم‌السلام الهـام گرفـت. شـاید نتـوان حدیثـی در رابطـه بـا افزایـش آگاهـی اجتماعـی از طریـق گروه‌هـای همسـالان یافـت امـا می‌تـوان بـا ترکیب اصـول دینی نسـخه‌ای مطابـق بـا شـرایط زمانه یافت. بـه عنوان مثـال صله رحم مسـجدی‌ها فقط پیونـد دو دوسـت نیسـت بلکـه پیونـد خانواده‌ها هم هسـت. ایـن پیونـد از طریق دید و بازدیـد در مسـجد بـه همـراه فرزنـدان تثبیـت می‌گردد. امـام علـی علیه‌السلام در این باره می‌فرماینـد: «هـر کـه بـه مسـجد رفـت و آمـد کنـد، یکـی از ایـن هشـت چیـز را به دسـت آورد: بـرادری کـه در راه خـدا از او بهره‌منـد گردد، دانشـی برگزیده، نشـانه‌ای اسـتوار، رحمتـی مـورد انتظار، سـخنی کـه او را از تباهی باز دارد، سـخنی که بشـنود و او را بـر راه هدایـت رهنمـون شـود و یـا گناهی را به سـبب بیم یـا آزرم ترک کند.» (ابن بابویـه ۱۳۸۲، ۷۵)

متأسـفانه یادمـان رفتـه کـه بچه سـالم کسـی اسـت که شـور کودکی داشـته باشـد، انـرژی داشـته باشـد و هنگامـی کـه کـودکان بـه هـم می‌رسـند چـه نشـاطی از خود بـروز می‌دهنـد. ایـن امـر کامـلاً طبیعـی و دال بـر صحّـت روانی اسـت. اگر خواسـته

باشیم کودکی موقّر و ساکت مانند پیرمردی مسجدی که ۵۰ سال به عبادت پرداخته، داشته باشیم، تنها یک نتیجه بیشتر ندارد. از دست دادن نسلی که مسجدی‌های حال و آینده‌اند. این نکته را هم فراموش نکنیم، هنگامی که تعداد غیر مسجدی‌ها زیاد شد اقبال عمومی نیز با آنها می‌گردد چنانکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «انما الطاعه مع الجماعه» یعنی بیشتر مردم پیرو جمعیت‌ها هستند. (کلینی ۱۳۸۲، ج۲، ۱۱)

۲. الگوهای شخصیّتی مسجد، قهرمانان دینی

از هنگامی که تمدّن اسلامی پا به عرصه مدنیّت گذاشت،[۱] مسجد اساس این مدنیّت شد و غالب امور مهم از خانوادگی گرفته تا مسائل سیاسی و نظامی در مسجد تصمیم‌گیری می‌شد. از این رو افرادی که آمد و شدی به مسجد داشتند، (نمازگزاران) و مسئولین مسجد (سازنده، مؤذن و امام جماعت) هم از لحاظ اجتماعی جایگاه ویژه داشتند و هم دستورات اسلام بر اهمیّت نقش آنها تأکید می‌کرد. این امر که نخبگان جامعه در مسجد جمع شوند و از اعتبار اجتماعی زیادی نیز برخوردار باشند موجب می‌گردید تا مسجد مرکز توجّهات قرار گیرد و طبعاً کودک تمام الگوها و حتّی فانتزی‌های ذهنی خود را از این افراد می‌گرفت. حال با بررسی این الگوها در دو قسمت امام جماعت و نمازگزاران، تا حدّی ابعاد الگوبرداری و جذب کودک به مسجد را شرح می‌دهیم.

۲-۱. امام جماعت:

عالی‌ترین مقامی که تنها مسلمانانِ شایسته، برای آن در مسجد برگزیده‌اند، امامت جماعت است. از این رو پیش‌نماز باید شروط خاصی داشته باشد تا مسلمانان و مؤمنان بتوانند به وی اقتدا نمایند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره می‌فرمایند: «پیش‌نماز جماعت به‌منزله شخصی است که به نمایندگی نزد پادشاه یا بزرگی گسیل می‌گردد، پس برترین و شایسته‌ترین شخص را در نماز

[۱] . با هجرت پیامبر به مدینه دوران مدنیت اسلام آغاز شد.

پیش بدارید و به امامت گمارید.» باز آن حضرت فرمود: «اگر شما را خوش می‌آید یا خوش می‌دارید که نمازتان نیکو شود پس خوبان و برگزیدگانتان را به امامت در نماز پیش اندازید.» (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج۲، ۳۱)

این برگزیدگی در کتاب شیخ صدوق به صورت واضح شرح داده شده است: «... سزاوارترین افراد به پیش ایستادن (امامت جماعت یا پیش‌نمازی) کسی است که قرآن را بهتر بداند و بخواند، یا در قرائت بهتر باشد، و اگر چند تن همه در قرائت قرآن و جودت قرائت مساوی باشند پس آگاه‌ترین آنان به‌مسائل فقه و علوم شرعیّه، و اگر همه از جهت فقاهت برابر باشند، هر کدام از ایشان که زودتر هجرت کرده باشد، (یعنی از بلاد کفّار به بلاد اسلام هجرت کرده و قهراً به مسائل دینی آگاهی بیشتری پیدا نموده است) و اگر از حیث هجرت همه برابر باشند پس سالمندترین آنان (مراد سال‌های اسلام آوردن است آنکه سابقه بیشتری با اسلام دارد) و اگر در سنّ همه مساوی باشند پس نکوروی‌ترین و خوشروی‌ترین آنان شایسته است که جلو بایستد، و صاحب مسجد (که در آنجا امامت می‌کند) در مسجد خود سزاوارتر از دیگران به‌امامت است، و کسانی که نزدیک به امام در جماعت می‌ایستند باید صاحبان خرد و پرهیزکاران باشند تا اگر امام دچار سهوی شود، یا در موردی درماند و نداند راه صواب چیست یا نتواند آنچه را فراموش کرده به‌خاطر آورد او را راهنمائی و اعلام کنند، که چه باید انجام دهد، و با فضیلت‌ترین صف‌ها، صف‌های اوّل است و با فضیلت‌ترین جاها در صف‌های اوّل جای کسی است که به امام نزدیکتر است.» (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج۲، ۳۱)

طبق مطلب فوق امام جماعت باید از چند جهت بر سایر مردم برتری داشته باشد. این برتری‌ها موجب می‌شود که در امر نماز رهبری مسلمانان را به دست گیرد و از اعتبار اجتماعی زیاد برخوردار باشد. آنچه برای کودک اهمیّت دارد محبوبیت و مرکز توجه بودن است. در تمدّن گذشته اسلامی هنگامی که کودکِ خردسال وارد مسجد می‌شد خواه ناخواه متوجّه می‌شد که از مهم‌ترین افراد در مسجد پیش نماز است، این امر خود به خود باعث پر رنگ شدن این جایگاه و

صفـات آن فـرد بـرای کودک می‌شـد و تبعـاً اثرات تربیتـی خاص خود را هم داشـت، چنانکـه فقیـه، قـاری، افـراد مسـن، خیّرین و ... کـه امامـت جماعت را داشـتند مورد احتـرام قـرار می‌گرفتند.

امـا مهم‌تریـن ویژگی تثبیـت و پذیرش این الگـو خوش‌رفتـاری و نرم‌خویی پیش‌نماز و صـورت و ظاهـر پاکیـزه آن بود. وجود صفـات برگزیده دینی با رفتـار و ظاهر جذّاب موجـب می‌گردیـد کـه اولاً کـودک بـه مسـجد جـذب شـده و ثانیـاً از مهم‌تریـن فرد مسـجد الگوبـرداری نمایـد. اگر امـام جماعت این توانایی را داشـته باشـد که مخاطب خردسـال خـود را شـیفته خـود نمایـد بی‌شـک کـودکان از نمازگـزاران همیشـگی مسـجد خواهنـد شـد، چـرا کـه اکنـون به وضـوح شـاهد هسـتیم کودکی که شـیفته شـخصیتی مجـازی در تلویزیـون می‌شـود و رفتارهـای وی را مو به مـو انجام می‌دهد و سـعی می‌کند یک قسـمت از مجموعه شـخصیّت مورد علاقه‌اش را از دسـت ندهد.

نکتـه و اشـاره: بعضـی از نـکات زمینـه واحدی بـرای جوامـع مختلفی دارد و همیشـه جـواب مثبـت می‌دهـد ماننـد پاکیزگـی ظاهـری و آراسـته بـودن. از امـام رضـا علیه‌السلام سـؤال شـد در مـورد فرمایـش خـدای عـزّ و جـلّ: «خُـذُوا زِينَتَكُمْ عِنْـدَ كُلِ مَسْـجِدٍ» یعنـی زینـت خـود را برداریـد و خویشـتن را بیاراییـد نزد هر مسـجدی یعنـی هنگام هـر نمـازی، آن حضـرت فرمـود: «از جملـه آن زینت‌هـا، شـانه زدن بر مـوی برای هر نمـازی اسـت.» (ابـن بابویـه ۱۳۶۷، ج۱، ۱۷۴)

امـا بعضـی از ویژگی‌هـا بایـد نسـبت بـه شـرایط جامعـه، عرضـه گـردد تـا جایگزین مناسـبی بـرای الگوهای غیر اسـلامی باشـد. متاسـفانه بعضـاً خلط مباحـث اخلاقی با مسـائل عرفی موجب گردیده که از مسـیر سـیره معصومین علیهم‌السلام دور شـویم. به عنوان مثـال شـأنیتِ روحانیـت طبـق بعضی از تعاریـف عرفی بـه گونه‌ای بیـان می‌گردد که روحانـی را از بدنـه جامعـه جـدا کـرده، چـه رسـد به اینکـه مجـاز بداند مانند رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بـا کـودکان بازی نماید. رسـول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این بـاره می‌فرماینـد: «مَنْ كَانَ عِنْـدَهُ صَبِـيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَه.» (عاملـی، ۱۴۰۹ق، ج۲۱، ص ۴۸۶)

همچنیـن در داسـتان معروفـی از رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آمـده کـه روزی پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای نمـاز، بـه مسـجد می‌رفـت، در راه، گروهـی از کـودکان انصـاری، بازی مـی کردند، تا

آن حضرت را دیدند، دور آن حضرت آمدند، و به لباس او خود را آویخته ... هر یک می‌گفت: «کن جملی» شتر من باش! آن حضرت نمی‌خواست به مسجد دیر برسد. بلال حبشی از مسجد بیرون آمد و به جستجوی پیامبر ﷺ پرداخت، آن حضرت را در کنار جمعی از کودکان یافت، جریان را فهمید، بلال قصد کرد که کودکان را گوشمالی دهد، تا ایشان را آزاد کنند. آن حضرت، بلال را از اجرای تصمیم خود، نهی کرد و فرمود: تنگ شدن وقت نماز برای من محبوب‌تر از رنجاندن این کودکان است، سپس به بلال فرمود: برو حجره‌های خانه را جستجو کن و آنچه (از گردو و یا خرما و...) یافتی بیاور، تا خود را از این کودکان بخرم. بلال رفت و پس از جستجو، هشت دانه گردو یافت به حضور پیامبر ﷺ آورد، پیامبر به کودکان فرمود: «اتبعون جملکم بهذه الجویزات» آیا شما شتر خود را به این گردوها می فروشید؟ کودکان به این داد و ستد راضی شدند، و گردوها را گرفتند و آن حضرت را آزاد نمودند، پیامبر ﷺ به راه خود به طرف مسجد ادامه داد، در حالی که می فرمود: «رحم الله اخی یوسف باعوده بثمن بخس دراهم معدود» ... خداوند برادرم، یوسف را رحمت کند، که او را (برادرانش) به چند درهم اندک فروختند اما این کودکان، مرا به هشت دانه گردو فروختند، با این فرق که برادران یوسف، وی را از روی دشمنی فروختند، ولی این کودکان از روی نادانی فروختند. وقتی بلال این همه محبّت را دید، تحت تأثیر قرار گرفت، و به پای مبارک آن حضرت افتاد، و به اظهار تواضع کرد و گفت: «الله اعلم حیث یجعل رسالته» خداوند می داند که مقام رسالت را در وجود چه کسی قرار دهد؟[1]

امامت جماعت با کمی دقّت در انتخاب، بهترین الگو برای کودکان است که البته این امر نیز شرایط خود را دارد چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «پشت سر سه کس نباید نماز جماعت خواند کسی که عقیده‌اش و مذهبش برای تو نامعلوم است و کسی که درباره ائمه غلو کند، گرچه شیعه باشد! و کسی که آشکارا مرتکب گناه شود، گرچه در عقیده‌اش میانه رو باشد.» (ابن بابویه ۱۳۷۷،

[1] . مولف به کتاب نفائس الاخبار که این خبر متواتراً از این کتاب نقل شده دسترسی نداشت و لذا آن را از سایت زیر نقل نموده است
.http://www.ghadeer.org/site/qasas/lib/masjed/masged02.htm

ج۱، ۱۷۲) قسمی از این فرمایش جنبه الگو پذیری دارد تا افراد ناصالح به عنوان امام و الگو در مسجد قرار نگیرند.

۲-۲. نمازگزاران:

مؤمنانی که در گذشته جماعت مسجدی را تشکیل می‌دادند از اقشار مختلف بودند و اگر رفتار اسلامی را رعایت می‌نمودند موارد زیادی برای نسل نونهال وجود داشت تا بتواند از آنها پیروی نماید. از جمله این طبقات و اقشار می‌توان به غازیان و رزمندگان، علماء و دانشمندان، خیّرین، رؤسای اصناف و ... اشاره نمود. در موقعیت‌های خاص که هر یک از این افراد در مسجد به امور اسلامی تخصصی خود می‌پرداختند به الگویی مناسب برای کودکان بدل می‌گردیدند، به عنوان مثال، غازیان و رزمندگان.

گروه‌های نظامی به علّت دفاع از سرزمین، عقیده و جانبازی در این راه و نیز برخورداری از غرور و آزادگی و جسمی نیرومند، همواره محبوب‌ترین و مهم‌ترین طبقه اجتماعی پس از حاکمان و علمای دینی در تمامی جوامع بشری را تشکیل می‌دادند. این گروه‌ها غالباً منشأ ایدئولوژیک نیز داشتند. تحسین همگانی موجب می‌گردید تعداد قابل توجّهی از نوجوانان و حتّی در بعضی جوامع کودکان به این گروه‌ها پیوسته تا جنگجویان فردا شوند.

در تاریخ اسلام حرکت‌های جهادی از مساجد شروع می‌شد تا گروه‌های مطوّعه برای شروع اهداف مقدّس خود از خانه خدا کار خود را آغاز نمایند. این امر حالتی کلی در تاریخ اسلام بود و جهاد چه در زمان پیامبر ﷺ چه در زمان امیر المؤمنین علیه‌السلام و چه در سایر زمان‌ها و مکان‌ها مانند مرزهای هند، روم، شمال آفریقا، شمال آندلس، ماوراءالنهر و قفقاز، اجتماع غازیان ابتدا در مسجد بود.

رسم بر این قرار بود تا جنگجویان در مسجد اجتماع می‌کردند و مردم شهر نیز حاضر شده و برای رفتن آنها دعا می‌نمودند. مسلماً هیبت نظامیان و کار قدسی آنها، آن هم در جوّی به شدّت احساسی موجب می‌گردید که توجّه نسل جوان به مبدأ حرکت آنها جلب شود؛ و چه بسیار در تاریخ اسلام رخ داده که علماء

رهبـری حرکت‌هـای جهـادی را بـر عهـده گرفته‌اند آن هـم با تکیه بر نیـروی جهادی کودکانـی کـه خـود تربیـت نمـوده و به حـد نوجوانـی رسـانده‌اند، مثـال آن در زمان حاضـر، امام خمینـی قدس‌سره بود.

رزمندگانـی کـه در مسـاجد حضور دارند و کولـه باری از خاطره هسـتند، هم الگوهای مناسـبی بـرای گروه‌هـای نـو نهالنـد و هـم می‌تواننـد مسـجدی‌های پایـدار تربیـت نماینـد. ایـن امـر مسـتلزم برقـراری جلسـات خاطـره و معرفی این قشـر بـه کودکان است.

نکتـه و اشـاره: در زمـان حـال این امر مختص بـه رزمندگان دفاع مقدس نیسـت بلکه سـایر نظامیـان نیـز می‌تواننـد به عنـوان الگو معرفی شـوند. سـرگرد نیـروی انتظامی می‌توانـد در مسـائل امنیّـت شـهری بـه تربیـت ایـن نسـل بپـردازد و از درگیری‌های خـود بـا اشـرار بـرای ایـن نسـل الگـو بسـازد. نیـروی سـپاه پاسـداران می‌توانـد دید جهانـی کـودکان را گشـوده و برای آنان الگو شـود. متأسـفانه اقشـار نمازگـزار معمولاً از حرفـه خـود سـخن نمی‌گوینـد و امـام جماعت نیـز سـعی نمی‌کند تـا از این جمع مؤمنـان بـه عنوان ابـزار جذب نونهـالان اسـتفاده نماید.

نکتـه آخـر آنکـه «إِنَّمَا قَلْـبُ الْحَـدَثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَـهِ مَا أُلْقِـيَ فِيهَا مِنْ شَـيْءٍ قَبِلَتْه» (شـریف الرضـی ۱۴۱۴،۳۹۳) جـز ایـن نیسـت کـه دل نوجـوان همچون زمیـن میان تُهـی اسـت؛ هـر چـه در آن افشـانده شـود، همـان را مـی پذیـرد. آنچـه کـه بـرای ما شـاید دور از ذهـن و کم‌اثـر باشـد در فضای ذهنـی کودک اثربخش اسـت اگر خوراک از مسـجد ومسـجدی‌ها تأمیـن نشـود برای خود، خـوراک دیگری خواهد یافت. شـاید بـه خاطـر عـدم ریـا و خلـوص، توانایی‌های خـود را پنهـان کنیـم، امّا در ایـن صورت آنکـه خـود را می‌نمایاند طاغوت و دشـمن اسـت.

۳. کیفیّت اقامه‌ی نماز در مسجد

معـاذ بـن جبـل از صحابـه رسـول خـدا و از انصـار بـود وی از بـزرگان قـراء عصر خود محسـوب می‌شـد. وی بـه خوانـدن قـرآن علاقه زیـادی داشـت و هنگامی کـه به نماز می‌ایسـتاد سـوره‌های بلنـد می‌خوانـد. معـاذ بـن جبـل در زمان رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در

مسجدی امام جماعت بود. وی در نماز خویش قرائت را طولانی می‌کرد. روزی شخصی از کنار مسجد می‌گذشت و قصد کرد نماز را به جماعت بخواند. معاذ طبق معمول شروع به خواندن سوره طولانی کرد. آن شخص که برای رفتن عجله داشت، قصد انفراد کرد و نماز را به پایان برد و بر مرکب خویش نشست و رفت. این خبر به گوش رسول خدا ﷺ رسید. حضرت، شخصی را نزد معاذ فرستاد و فرمود: «معاذ! زنهار از اینکه فتنه‌ساز باشی و کاری کنی که مردم نماز جماعت را ترک کنند، تو را سفارش می‌کنم که سوره‌های کوتاه مثل «و الشمس» و مانند آن را بخوانی.» (ابن بابویه ۱۳۷۶، ج ۱، ۱۶۸)

در روایتی دیگر از امیر المؤمنین علیه السلام آمده که خدا می‌فرماید: به هنگام امامت، نماز را چندان طول مده، نماز جماعت نه باید نفرت‌آور باشد، نه دست و پا شکسته؛ در صفوف مأمومین، گروهی بیمارند و جمعی گرفتار کار (و رعایت آنها لازم است). موقعی که پیغمبر ﷺ مرا بسوی یمن می‌فرستاد پرسیدم چگونه برای آنها نماز بگزارم؟ فرمود: «مثل ضعیف‌ترین فرد آنان نماز بخوان و با مؤمنان مهربان باش.» (حرانی ۱۳۸۲، ۲۱۷)

طولانی شدن نماز برای افراد بزرگسال نیز بعضاً دشوار است چه رسد به کودکان. این امر می‌تواند کسالت زیادی برای کودکی باشد که در اوج انرژی خود است. به دید افراد کهنسال که امروزه غالبِ مسجدی‌ها را تشکیل می‌دهند، نمازی دلچسب است که مدّت زیادی انسان را به خدا مشغول دارد اما این برای افرادی در همان سن شایسته است نه تمامی سنین. آفت این اطاله نماز جماعت آن قدر زیاد است که رسول خدا ﷺ از آن به فتنه یاد نموده است. در روایات متعدّدی آمده که نماز را برای کودکان سبک بدارید تا از نماز زده نشوند.

استحباب در این است که نمازها هر یک در وقت خود و با فاصله خوانده شوند. این امر در زمان معصومین علیهم السلام امری جاری و مورد تأکید بود اما اهل بیت علیهم السلام برای اینکه این امر بر کودکان دشواری ایجاد نکند اجازه داده بودند که دو نماز را در یک وقت بخوانند. در روایتی از امام سجاد علیه السلام آمده: ... تا کودکان، نماز مغرب و عشاء را یک جا بخوانند. ابو محمد علیه السلام می‌گفت: زود خواندن نماز عشاء

بهتـر از آن اسـت کـه بخوابنـد و نماز عشـاء را نخواننـد. (کلینـی ۱۳۶۳، ج۲، ۳۲۰)
بـه تدریـج بـا بـالا رفتـن سـن، کـودک مهیـا می‌شـود تا اعمـال دینـی خود را بسـط دهـد. در روایتـی از امـام صـادق﵇ نقـل شـده کـه: مـا کـودکان خـود را در حالـی کـه پنـج سـاله هسـتند بـه خوانـدن نمـاز امـر می‌کنیـم، و شـما بـه اطفـال خویـش وقتـی هفـت سـاله شـدند دسـتور نمـاز خوانـدن دهیـد. همچنین مـا کـودکان خود را هنگامـی کـه هفـت سـاله شـدند بـه گرفتـن روزه امـر می‌کنیـم بـدان مقـدار کـه از یـک روز روزه می‌تواننـد، هـر چنـد تـا نصـف روز یـا بیشـتر از آن و یـا کمتـر از آن باشـد، و وقتـی تشـنگی یـا گرسـنگی بـر ایشـان غلبه کـرد افطـار می‌کنند تـا به این ترتیـب بـه گرفتـن روزه عـادت کنند و تـوان گرفتن آن را بیابند، و شـما نیـز فرزندان خـود را هنگامـی کـه نـه سـاله شـدند بگرفتـن روزه وادارید هر چقـدر از یـک روز را کـه می‌تواننـد روزه بگیرنـد، و وقتـی تشـنگی بر ایشـان غلبه کـرد روزه خـود را افطار کننـد. (ابـن بابویـه ۱۳۶۷، ج۱، ۴۲۶)
مسـئله تدریـج در تربیت کودک امری بسـیار مهم اسـت. امام علـی﵇ درباره تدریج در امـر نمـاز می‌فرماینـد: «علّمـوا صبیانکـم الصّلـوه، و خذوهـم بهـا اذا بلغـوا الحلم» منظـور از حلـم سـنّ بلـوغ اسـت. (خوانسـاری ۱۳۶۶، ج۴، ۳۵۳) پـس تـا آن زمـان بایـد ذهـن کـودک را آمـاده کـرد. اطالـه نمـاز بـرای کودکانـی کـه در نمـاز حاضرند باعـث تخریـب آنهـا نسـبت به مسـجد و نمـاز جماعت می‌شـود. در اصـول تربیتی نیز مماشـات بـا کـودک بـه صراحت ذکر شـده امام سـجاد﵇ یکـی از حقوق خردسـال بـر والدیـن آن می‌دانـد که از خطایـش درگذرند. (حرانـی ۱۳۸۲، ۴۲۷) پس به طریق اولـی تحمیـل آنچـه کـه برای وی واجـب نبـوده و در طاقت کودک نیسـت، امری غیر اسـلامی اسـت. امـام باقـر﵇ بر فرزند خود که پسـر بچه‌ای سـه سـاله بـود نماز کرد و فرمـود: اگـر بیـم آن نبـود کـه مـردم می‌گفتنـد: بنی هاشـم بر کـودکان خردسـال خـود نمـاز نمی‌گزارنـد، مـن بـر او نمـاز نمی‌خوانـدم (یعنی نماز بر کسـی کـه در این سـن باشـد لازم نبود). (عاملـی ۱۳۶۷، ج۱، ۴۷۲)
نکتـه و اشـاره: بعضـی از مسـاجد در قالب‌هـای گوناگـون سـعی کرده‌انـد فضایـی تلطیـف شـده بـرای نو نهـالان ایجـاد نمایند این امـر می‌تواند نوسـتالژی مناسـبی از

مسـجد در ذهـن کـودک باقـی گـذارد و هـم باعث می‌گـردد که نمـاز گـزاران مطابق دل خـود بـه نمـاز بپردازنـد و هم نونهالان بر فریضه‌ای دشـوار امر نشـوند. امـا باز این نکتـه مـورد تأکیـد اسـت که نمـاز جماعـت بایـد برای همه اقشـار سـبک باشـد زیرا بـه صراحـت حدیـث معصوم علیه‌السلام از ۸ سـالگی بایـد کودک را بـه نماز امر کـرد ولی نه نمـازی کـه بیـش از حوصله وی باشـد.

» نتیجه‌گیری

بهتریـن و آسـان‌ترین زمـان بـرای جـذب افـراد بـه مسـجد دوران کودکـی می‌باشـد. چـرا کـه ذهـن کـودک آمـاده پذیـرش اندیشـه و الگـو اسـت. اما بـه همان انـدازه که ایـن امـر آسـان می‌نماید در صـورت اشـتباه لطمـات جبران‌ناپذیـری را وارد می‌نماید تـا حـدّی کـه می‌تواند شـخصی را برای همیشـه از دین و مسـجد دور کند. متأسـفانه تبلیـغ بـرای جـذب کـودکان به مسـجد در زمـان ما بسـیار انـدک اسـت و آن قدری هـم کـه موجـود اسـت آفات خـاص خـود را دارد. امـر پژوهـش در مورد نحـوه تربیت کـودک مسـتلزم سـرمایه‌گذاری زیادی اسـت تا بتوان نسـلی تمدّن‌سـاز ایجـاد نمود. آنچـه بیـان شـد مجموعـه‌ای از احادیث بـود که با چینشـی خاص در پی ارائـه راهکار تربیتـی بـرای جامعـه حاضـر جهـت جـذب کـودکان بـه مسـجد اسـت. گام اول این تربیـت از پـدران و مـادران آغاز می‌شـود تـا در صلب مـردان و امتزاج آن نـزد مادران تأثیـر داشـته باشـد. گام دوم ایجـاد تمایـل درونـی بـرای کـودک هنـگام مواجهـه بـا محیـط مسـجد می‌باشـد. در ایـن گام سـن کـودک بیـن ۲ تا ۶ سـال در نظـر گرفته شـده تـا نسـبت به فضـای مسـجد مأنـوس شـده و در آن اطمینـان خاطر پیـدا کند. پـس از ایـن دو گام درونـی، بایـد علـل بیرونی مؤثر بر تربیت را بررسـی نمـود. از علل بسـیار مؤثـر در تربیـت صحیـح کودک چه اسـلامی چه غیر اسـلامی -تربیـت به طور عـام- گروه همسـالان هسـتند؛ چـرا که ایـن گروه‌ها باعـث افزایش آگاهـی اجتماعی بـرای فـرد شـده و وی را دارای واکنـش صحیـح، بـه موقـع و حتّی متقـدّم می‌کنند و در نتیجـه کـودک از سـلامت روانـی مـورد قبولـی بـر خـوردار می‌گردد. تشـکیل این گروه‌هـای همسـالان در مسـجد، هـم باعـث جامعه‌پذیـری طبیعی در میـان کودکان شـده، و هـم فضـای نوسـتالژیک مذهبـی بـرای آنهـا به وجـود مـی آورد که تـا پایان عمـر پیونـدی درونـی با مسـجد برقـرار می‌کننـد. پیوند مسـجد با نهادهای آموزشـی و رابطـه مسـجدی‌ها از طریـق صلـه رحـم، می‌توانـد در تشـکیل ایـن گروه‌هـا مؤثـر باشـد. مسـلماً ایـن اجتمـاع کـودکان در مسـجد با الگـو برداری از سـایر مسـجدی‌ها همـراه اسـت. البتـه بـه شـرطی کـه تخطئـه و خدشـه‌ای بـه شـخصیّت کـودک وارد نیاورنـد. ایـن الگوهـا امـام جماعـت و نمازگـزاران هسـتند. ایـن امر در صورتـی که به

خوبی برای کودک عرضه شود می‌تواند جایگزین مناسبی برای الگوهای غربی باشد. نحوه عرضه هم باید غیر مستقیم، در رفتار و به صورت برجسته باشد تا نقشی مؤثر داشته باشد. سرانجام تحمیل شرایط سهل بر کودک تا منجر به زده شدن وی از مسجد و نماز نشود تأثیر مهمی در مسجدی شدن کودک دارد. افراد باید مدّ نظر داشته باشند نسل جدید بسیاری از مؤلّفه‌های تربیتی گذشته را تحمل نمی‌کند چه بسا در گذشته پدری با تنبیه بدنی یک عمر پسرش را نماز خوان می‌کرد، این کار چه خوب، چه بد در شرایط خودش مؤثر بود اما امروزه باید راه‌های جدیدی اندیشید.

در پایان توصیه می‌گردد از دانش روان‌شناسانِ رشد، در تبیین دقیقِ نحوه جذب کودک به مسجد که بسیار مؤثر است، استفاده شود. دیگر آنکه منابع حدیثی تنها یکی از میراث اسلامی هستند. متون ادبی، عرفانی، فلسفی، تذکره ها و... همه مطالب زیادی در این مورد دارند که می‌توان با غور در آنها، مطالب راهگشایی به مسئولین اجرایی ارائه داد.

منابع

» ابـن بابویـه، محمـد بـن علـی، ترجمـه مـن لا یحضـره الفقیـه، مترجمـان علـی اکبـر غفـاری، محمـد جـواد غفـاری، و صـدر بلاغـی، تهـران، صـدوق،۱۳۶۷.
» ابـن بابویـه، محمـد بـن علـی، ثـواب الأعمـال و عقـاب الأعمـال، مترجـم صـادق حسـن زاده، تهـران، ارمغـان طوبـی، ۱۳۸۲.
» ابـن بابویـه، محمـد بـن علـی، گلچیـن صـدوق (گزیـده مـن لا یحضـره الفقیـه)، مترجـم محمـد حسـین صفـا خـواه، تهـران، فیـض کاشـانی، ۱۳۷۶.
» ابن بابویه، محمد بن علی‌الخصال، مترجم محمد باقر کمره ای، تهران، کتابچی، ۱۳۷۷.
» ابـن شـعبه حرانـی، حسـن بـن علـی، رهـاورد خـرد، مترجـم پرویـز اتابکـی، تهـران، نشـر و پژوهـش فـرزان روز، ۱۳۷۶.
» ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مترجم احمد جنتی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۲.
» بهشتی، سیدجواد، خاطرات حجه الاسلام قرائتی، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، بیتا.
» ثقفـی، ابراهیـم بـن محمـد بـن سـعید بـن هـلال، الغـارات، مترجم عبـد المحمـد آیتـی، تهـران، وزارت ارشاد،۱۳۷۴.
» حمیـری، عبـد الله بـن جعفـر، قـرب الإسـناد النـص، مصحـح مؤسسـه آل البیـت علیهم‌السلام قـم، مؤسسـه آل البیـت: ۱۴۱۳ق.
» خوانسـاری، محمـد بـن حسـین آقـا جمـال ، شـرح آقـا جمـال خوانسـاری بـر غـرر الحکـم و درر الکلم، مصحـح جـلال الدیـن حسـینی ارموی محـدث، تهـران، دانشـگاه تهـران، ۱۳۶۶.
» شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مصحح صبحی صالح، قم، هجرت،۱۴۱۴ق.
» شـیخ حـر عاملـی، محمـد بـن حسـن، وسـائل الشـیعه، مصحـح مؤسسـه آل البیـت علیهم‌السلام، قـم، مؤسسـه آل البیـت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
» شـیخ حـر عاملـی، محمـد بـن حسـن، هدایـه الأمـه إلـی أحـکام الأئمـه علیهم‌السلام ، مصحـح آسـتان قـدس رضـوی، بنیـاد پژوهش‌هـای اسـلامی، گـروه حدیـث، مشـهد، آسـتانه الرضویـه المقدسـه، مجمـع البحـوث الإسـلامیه،۱۴۱۴ق.
» صفائی حائری، علی، تربیت کودک، تهران، لیله القدر، ۱۳۸۷.
» طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، مصحح مؤسسه البعثه، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ق.
» فتـال نیشـابوری، محمـد بـن احمـد، روضـه الواعظیـن، مترجـم محمـود مهـدوی دامغانـی، تهـران، نـی،۱۳۶۶.
» کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، مترجم سید جواد مصطفوی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲.
» کلینـی، محمـد بـن یعقـوب، الروضـه مـن الکافـی یـا گلسـتان آل محمـد، مترجـم محمـد باقـر کمـره ای، تهـران، اسـلامیه، ۱۳۸۲.
» کلینـی، محمـد بـن یعقـوب، گزیـده کافـی، مترجـم محمـد باقـر بهبـودی، تهـران، علمـی فرهنگـی، ۱۳۶۳.
» کلینـی، محمـد بـن یعقوب‌الکافـی، مصحـح علـی اکبـر غفـاری و محمـد آخونـدی، تهـران، دارالکتـب الاسلامیه،۱۴۰۷ق.
» مجلسـی، محمـد باقـر بـن محمـد تقـی، مـرآه العقـول فـی شـرح أخبـار آل الرسـول، مصحـح سـید هاشـم رسـولی محلاتـی، تهـران، اسـلامیه،۱۴۰۴ق.
» نـوری، حسـین بـن محمـد تقـی، مسـتدرک الوسـائل و مسـتنبط المسـائل، مصحـح مؤسسـه آل البیت ، قـم، مؤسسـه آل البیـت۱۴۰۸ ، علیهم‌السلام.

حکم فقهی آوردن کودکان به مسجد

سید مصطفی بهشتی[1]

چکیده

مسجد به عنوان مهم ترین پایگاه دینی مسلمانان، مکانی ارزشمند برای رشد معنوی تمامی اقشار جامعه به حساب می آید که در روایات فراوانی به حضور در این مکان مقدس سفارش شده است. با این وجود تعداد قابل توجهی از فقها، آوردن کودکان به مسجد را مکروه دانسته اند. اما در مقابل برخی از فقها چنین کاری را مباح و برخی دیگر آن را مستحب دانسته و تنها، آوردن کودکانی را به مسجد مکروه می دانند که در زمینه طهارت مسجد قابل اعتماد نیستند و یا برای عبادت دیگران ایجاد مزاحمت می کنند. مستند حکم به کراهت، دو روایت ضعیف السند است که دلالت آن بر کراهت آوردن همه کودکان جای تحلیل و

[1] .دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد علوم حدیث
Email: behesht@gmail.com.

بررسـی مجـزا دارد. در مقابـل ایـن دو روایـت، روایـات و گزارشـات فراوانـی از سـیره پیامبـر ﷺ وجـود دارد کـه نـه تنها حکایـت از مباح بـودن آوردن کودکان به مسـجد دارد بلکـه گویـای اولویـت و حُسـن چنیـن کاری هـم هسـت. بـا ایـن حـال حتی در صـورت پذیـرش روایـت کراهت نیـز می تـوان راهکارهایی ارائه داد تا بـا «حفظ حریم عبـادی و طهـارت مسـجد» شـاهد ورود کـودکان به مسـجد باشـیم. در دوران کنونی که شـاهد هجمه فرهنگی دشـمن علیه کودکان و جوانان مسـلمان هسـتیم، مسـئله ارتبـاط کـودکان بـا مسـجد از اهمیـت بیشـتری برخـوردار شـده کـه لزوم بررسـی و تحلیـل ایـن موضـوع را دو چندان مـی کند.

» مقدمه

تربیت نسل دیندار و معتقد به آموزه های دینی یکی از دغدغه های آیینی ما است. انتقال آموزه های پربار و انسان ساز اسلام عزیز به نسل بعدی کاری بس دشوار است و بنا بر روایات مختلف وظیفه ای است که بر دوش یکایک ما سنگینی می کند. از طرف دیگر برای تربیت شایسته باید عوامل مختلفی نظیر مکان و زمان را نیز تعریف کرد که با توجه به جایگاه ویژه ای که دین اسلام برای «مسجد» در نظر گرفته، می توان گفت که بهترین فضای تربیتی برای کودکان مساجد است.

اما با این وجود، سؤال این است که آیا اسلام عزیز محدودیت سنی برای ورود کودکان به مسجد در نظر گرفته است و آیا مؤمنان را از آوردن کودکان به مسجد پرهیز داده است؟ اگر چنین محدودیتی وجود دارد آیا شامل تمامی کودکان می شود و یا اینکه قید و بند و تبصره ای در این مورد وجود دارد؟

پاسخ اجمالی به این سؤال این است که برخی از فقها بر اساس روایتی از پیامبر ﷺ و امام صادق علیه السلام، آوردن کودکان به مسجد را مکروه دانسته اند اما در کنار چنین فتوایی، تعدادی از فقیهان شیعه این کراهت را مخصوص گروه خاصی از کودکان دانسته و آوردن دیگر کودکان را نه تنها مکروه نمی دانند بلکه دارای اولویت و یا استحباب و گاه واجب معرفی کرده اند.

» الف) دیدگاه علمای گذشته و حال

۱. فتاوای مراجع معاصر

مراجعه به فتاوای مَراجع معاصر نشان می دهد که برخی از فقها به صورت کلی فتوا به کراهتِ آوردن کودکان به مسجد داده اند و هیچ قیدی برای آن بیان نکرده اند. برخی دیگر، فتوای کراهت را مقید به گروه خاصی از کودکان (نظیر آنها که احتمال رود مسجد را نجس کنند و یا آداب مسجد را مراعات نکنند) می دانند. برخی هم در کنار چنین قیدهایی فتوا داده اند که آوردن دیگر کودکان مستحب و گاه واجب است.

تقریباً همه مراجع در رساله خود آورده اند: «راه دادن بچه و دیوانه به مسجد مکروه است.» (توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۵۰۸) اما بعضی از فقها بعد از بیان این مسئله اضافاتی دارند که قابل بررسی است.

- آیت الله بهجت، استحباب جلوگیری از ورود کودکان به مسجد را مخصوص کودکان غیر ممیزی می داند که مراعات آداب مسجد را نمی کنند.
- آیت الله سیستانی، کراهت ورود کودکان به مسجد را تنها در مورد کودکانی می دانند که موجب زحمت نمازگزاران شوند و یا احتمال رود مسجد را نجس کنند. در غیر این صورت آوردن کودکان به مسجد نه تنها مانعی ندارد بلکه اولویت دارد.
- آیت الله فاضل ورود کودکان به مسجد را به شرط آنکه مزاحمتی ایجاد نکنند و باعث علاقه مندی آنها به نماز شود، مستحب می دانند.
- آیت الله مکارم نیز ورود کودکان به مسجد را با همان دو شرط یعنی مزاحمتی ایجاد نکنند و باعث علاقه مندی آنها به نماز شود، مستحب بلکه گاه واجب می‌دانند.

۲. دیدگاه علمای پیشین در این زمینه (پیشینه فقهی)

با کنکاش در کتب فقهیِ علمای گذشته و رصد دیدگاه آنها در این موضوع می توان چنین نتیجه گرفت که سه دیدگاه در این مسئله وجود دارد. (ر.ک: مفتاح

الکرامـه فـی شـرح قواعد العلامـه، ج ۶، ص ۲۸۷)

۲-۱. دیدگاه اول: کراهت

بسـیاری از علمـای پیشـین بـه دلیل وجـود دو روایت در ایـن باب، فتـوای به کراهت آوردن کـودکان بـه مسـجد داده اند. ایـن بزرگان عبارتند از: شـیخ طوسـی در النهایه (ص ۱۰۹) و المبسـوط (ج ۱، ص ۱۶۱)، ابـن ادریـس حلـی در السـرائر (ج ۱، ص ۲۷۹)، محقـق حلـی در المعتبـر (ج ۲، ص ۴۵۲)، علامـه حلـی در المنتهی (ج ۱، ص ۳۸۸) و نهایـه الإحـکام (ج ۱، ص ۳۵۶) و التذکـره (ج ۲، ص ۴۲۸)، شـهید اول در الـدروس (ج ۱، ص ۱۵۶)، البیـان (ص ۶۷)، الذکـری (ج ۳، ص ۱۲۴)، النفلیـه (ص ۱۴۳)، فیـض کاشـانی در مفاتیـح الشـرایع (ج ۱، ص ۱۰۴)، فاضـل اصفهانی (هندی) در کشـف اللثـام (ج ۱۰، ص ۴) و سـید یـزدی در العـروه الوثقـی (ج ۱، ص ۶۰۰).

۲-۲. دیدگاه دوم: اباحه

برخـی از علمـا نیـز بـا اینکـه در مقـام بیـان مسـئله بـوده انـد، امـا حکـم بـه کراهت نکـرده و تنهـا ورود دیوانـگان را مکروه برشـمرده انـد. بنابراین از دیدگاه این دسـته از علمـا، مانعـی بـرای آوردن کـودکان به مسـجد وجود نـدارد. ایـن بـزرگان عبارتند از: محقـق حلـی در الشـرائع (ج ۱، ص ۱۲۸) و المختصـر النافـع (ص ۴۹)، علامـه حلـی در إرشـاد الاذهـان (ج ۱، ص ۲۵۰) و محقـق سـبزواری در کفایـه الاحـکام (ص ۱۷).

۲-۳. دیدگاه سوم:

اختصاص کراهت به گروه خاصی از کودکان و مستحب بودن آوردن ما بقی کودکان به مسجد

برخـی از فقهـا و محدثـان نیـز کراهـت آوردن کـودکان بـه مسـجد را تنهـا مخصوص کـودکان غیـر قابـل اعتمـادی (ینبغی أن یـراد بالصّبی: مـن لا یوثق به) مـی دانند که احتمال دارد مسـجد را آلوده به نجاسـت کنند (لمحافظته علی التنزه من النّجاسـات) و یـا بازیگوشـی آنها سـبب مزاحمـت برای عبـادت دیگران باشـد (لمحافظتـه علی ... أداء الصّلـوات). امـا مـا بقـی کـودکان کـه در این زمینـه قابـل اعتماد هسـتند نه تنها

آوردنشـان بـه مسـجد مکـروه نیسـت بلکه مسـتحب هـم هسـت. چراکـه آوردن آنها بـه مسـجد تمرینـی بـرای انجـام عباداتشـان به حسـاب مـی آیـد و وا داشـتن آنها به عبـادت تمرینـی، خـود از مسـتحبات اسـت. (فالظاهر أنّـه لا یکره تمکینه بـل ینبغی القـول باسـتحباب تمرینـه علی فعـل الصّلاه فی المسـجد.)

ایـن بـزرگان عبارتنـد از: محقـق کرکـی در جامـع المقاصـد (ج ۲، ص ۱۴۹)، شـهید ثانـی در مسـالک الافهـام (ج ۱، ص ۳۲۹) و الروضـه البهیـه (ج ۱، ص ۵۴۶)، صاحـب مـدارک در المـدارک (ج ۴، ص ۴۰۱)، مقـدس اردبیلـی در مجمـع الفائـده و البرهان (ج ۲، ص ۱۵۳)، مجلسـی اول در روضـه المتقیـن (ج ۲، ص ۱۰۶)، علامـه مجلسـی در بحـار الانـوار (ج ۸۰، ص ۳۴۹) و محـدث بحرانـی در الحدائـق الناضـره (ج ۷، ص ۲۸۵) کـه هـر یـک بـه گونـه ای ایـن مطلـب را مطرح کـرده اند.

» ب) بررسی سندی و دلالی مستند فتوای کراهت

مستند این فتوا دو روایت هم مضمون است که در چندین کتاب کهن روایی شیعه آمده است.

۱. متن دو روایت مستند کراهت

۱-۱. روایت اول:

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ جَنِّبُوا مَسَاجِدَكُمُ الْبَيْعَ وَ الشِّرَاءَ وَ الْمَجَانِينَ وَ الصِّبْيَانَ وَ الأَحْكَامَ وَ الضَّالَّةَ وَ الْحُدُودَ وَ رَفْعَ الصَّوْتِ.»

امام صادق ﷺ فرمودند: «مسجدهای خود را از خرید و فروش و دیوانگان و کودکان و قضاوت و جستن گمشده و اجراء حدود و فریاد کشیدن دور بدارید.»

این روایت در سه کتاب تهذیب الاحکام ج ۳، ص ۲۴۹،علل الشرائع، ص ۳۱۹ و الخصال، ص ۴۱۰، با سند یکسان آمده است.

۲-۲. روایت دوم:

«عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ﷺ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص جَنِّبُوا مَسَاجِدَكُمْ صِبْيَانَكُمْ وَ مَجَانِينَكُمْ (و رَفْعَ أَصْوَاتِكُمْ) و شِرَاءَكُمْ وَ بَيْعَكُمْ (وَ الضَّالَّةَ وَ الْحُدُودَ وَ الأَحْكَامَ) اجْعَلُوا مَطَاهِرَكُمْ عَلَى أَبْوَابِ مَسَاجِدِكُمْ.»

امام کاظم ﷺ از پیامبر ﷺ نقل می کند که فرمود: «مسجدهای خود را از کودکانتان و دیوانگانتان و فریاد کشیدن و خرید و فروش و جُستن گمشده و اجرای حدود و قضاوت دور بدارید. دستشویی را نیز (با فاصله) در درگاه مساجدتان قرار دهید.»

این روایت نیز در چهار کتاب تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۴، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳، نوادر راوندی (به نقل از بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۴) و الجعفریات، ص ۵۱ آمده است. با این تفاوت که قسمت های داخل پرانتز در کتاب تهذیب و قسمت پایانی یعنی «اجعلوا مطاهرکم» در کتاب من لایحضره الفقیه نیامده است. البته در کتاب جعفریات نیز عبارت «إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى» به فراز «رَفْعَ

أَصْوَاتِكُمْ» اضافه شده است.

شایان ذکر است که این روایت در کتاب دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۹ (بر فرض اعتبار کتاب و مؤلف) نیز آمده است.

۲. بررسی سندی روایت

بررسی اسناد این دو روایات در کتب مذکور نشان می دهد که تمامی اسناد، ضعیف هستند که به اختصار دلیل ضعف سند هر یک از آنها بیان می شود.

۲-۱. سند روایت اول:

گفتیم که این روایت در سه کتاب حدیثی و با سندی یکسان آمده است. سند این روایت در هر سه کتاب مرسل و ضعیف است. چرا که در پایان سند، «عن بعض رجاله» آمده است. «مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِه»

۲-۲. سند روایت دوم:

سند شیخ طوسی در تهذیب الأحکام (اقلا) به دلیل ضعف عبدالله الدهقان (رجال النجاشی، ص ۲۳۱)، ضعیف می باشد. «عَنْهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدِّهْقَانِ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»

شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، سندی برای این روایت نقل نکرده و آن را مستقیما به پیامبر ص نسبت داده است.

علامه مجلسی در بحار الانوار این روایت را از نوادر راوندی نقل کرده و با استناد به سند داخلی کتاب، سند را نقل نکرده است. «النوادر لراوندی بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ» اما این روایت در نوادر راوندی که اکنون در دسترس است یافت نشد. دیگر بزرگان هم نظیر محدث بحرانی در الحدائق الناضره این روایت را به نقل از بحار مطرح کرده اند. بنابراین

ایـن روایـت در دسـت محدثـان بعـد از علامه مجلسـی نبوده اسـت.
امـا سـندی کـه محـدث راونـدی در ابتـدای کتـاب النـوادر، به امـام کاظـم (علیه‌السلام) نقل کـرده، بـه دلیـل آنکـه اکثر رجـال آن دارای توثیق خاص نیسـتند، ضعیف به حسـاب می‌آیـد.
همیـن سـند بـا اندکـی تفـاوت در ابتـدا، در کتـاب جعفریـات هـم آمـده اسـت کـه حداقـل بـه دلیـل آنکـه موسـی بـن اسـماعیل و پـدرش اسـماعیل بـه موسـی توثیق خـاص ندارنـد، ضعیـف السـند بـه حسـاب مـی آیـد. «أخبرنا محمـد حدثنی موسـی حدثنـا أبـی عـن أبیـه عـن جـده جعفر بـن محمـد عن أبیـه عن علـی(علیه‌السلام) قـال قال رسـول الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله)»ایـن روایـت در کتـاب دعائم الاسـلام هم بدون ذکر سـند آمده اسـت.
بنابرایـن ایـن روایـت بـا تمامـی اسـناد مذکور، ضعیف السـند اسـت.

۳. بررسی دلالی روایت

بـا اینکـه اسـناد ایـن دو روایت ضعیف اسـت اما بنابر قاعده تسـامح در ادله سـنن می تـوان از ضعف سـندی چشـم پوشـید. چـرا که بنابـر این قاعده کـه بر گرفتـه از اخبار «مـن بلـغ» اسـت مـی تـوان با چشـم پوشـی از ضعف سـندی حکـم به اسـتحباب و یـا کراهـت نمـود. محـدث بحرانـی ذیل این روایـت می گویـد: «أصحابنـا یکتفون فی أدلـه السـنن بأمثـال هـذه الاخبـار بـل ما هـو أضعـف.» (الحدائـق الناضـره، ج ۷، ص ۲۷۰) حـال بایـد دیـد کـه دلالت ایـن روایات چگونه اسـت.

۱- ۱. معنای لغوی صبیان

«الصبیـان» جمـع واژه «الصبـی» اسـت کـه در لغـت به معنـای کودک می باشـد. اما سـؤال ایـن اسـت که مقصـود از آن، کـدام دوره از دوران کودکی اسـت؟ کودک شـیر خـواره، کـودک خردسـال، کودک ممیـز، کـودک نوباوه و یـا نوجوان؟
بررسـی لغـوی نشـان مـی دهـد که «الصبـی» بـه تمامـی دوران های کودکـی اطلاق مـی شـود و نمـی تـوان دوران خاصـی را برای ایـن واژه مشـخص نمود.
گاهـی بـه نـوزاد شـیرخواره تـا هنگامی که از شـیر گرفته نشـده اسـت، الصبـی گفته

مـی شـود: الصَّبِـیُ: مـن لَـدُنْ یُولَـد إِلـی أَنْ یُفْطَـم. (لسـان العـرب، ج ۱۴، ص ۴۴۹). صبـی ... یـدل علـی صغر السـن. (معجـم مقائیـس اللغه)

گاه بـه کـودک خردسـال و کم سـن و سـال گفته می شـود: یقال: رأیته فـی صِباه أی فـی صغره. (کتـاب العین، ج ۷، ص ۱۶۸)

گاهـی هـم بـه کـودک نوبـاوه ای کـه نزدیـک سـن بلـوغ اسـت، اطـلاق مـی گـردد: الصَّبِـی: مـن لـم یبلُـغ الحلـم (مفـردات الفـاظ القـرآن، ص ۴۷۳)

و گاهـی هـم بـه نوجوان اطـلاق می گـردد. الصبی: الغلام. (لسـان العـرب، ج ۱۴، ص ۴۴۹)

در قـرآن نیـز دو بـار از این واژه اسـتفاده شـده که هر کدام اشـاره بـه دوران خاصی از کودکـی دارد. ایـن واژه در یک‌جـا بـه معنـای کودک شـیرخوار آمـده: «فَأَشـارَتْ إِلَیْهِ قالُـوا کَیْـفَ نُکَلِّـمُ مَـنْ کانَ فِـی الْمَهْـدِ صَبِیًّـا» (مریـم) به او (حضرت عیسـی) اشـاره کـرد. گفتنـد: «چگونـه بـا کودکـی کـه در گاهـواره اسـت سـخن بگوییـم؟!» (سـوره مریـم، آیه ۲۹)

و در جـای دیگـر بـه معنـای کودک خردسـال یا نوبـاوه آمده: «یـا یَحْیی خُـذِ الْکِتابَ بِقُـوَّهٍ وَ آتَیْنـاهُ الْحُکْـمَ صَبِیًّـا.» ای یحیـی! کتـاب (خـدا) را بـا قـوّت بگیر! و مـا فرمان نبـوّت (و عقـل کافـی) در کودکـی بـه او دادیم! (سـوره مریـم، آیه ۱۲)

بنابرایـن ایـن واژه توسـعه در مفهـوم کـودک دارد و بـه تمامی سـنین کودکی اطلاق می شـود.

۳-۲.روایت در مقام بیان محدوده حکم و مصادیق آن نیست

ایـن روایـت در مقـام بیـان حکم کلی اسـت و در آن بـه جزئیات و قیـودات و محدوده آن پرداختـه نشـده اسـت. شـاهد ایـن مدعـا، دیگـر فرازهـای ایـن روایـت اسـت کـه هیـچ محـدوده ای بـرای آنهـا هـم مطرح نشـده اسـت. در حالی کـه بنابر نـص معتبر می‌دانیـم کـه برخـی از مصادیـق آن نـه تنهـا مبـاح بلکه مسـتحب نیز هسـت.

بـرای نمونـه یکـی از فرازهـای ایـن روایت «رَفْـعَ الصَّوْتِ» بـه معنای فریاد کشـیدن و بـالا بـردن صـدا در مسـجد اسـت. در حالی کـه در مـورد اذان، نه تنهـا کراهتی وجود

نـدارد بلکـه مسـتحب اسـت که بـا صـدای بلند گفتـه شـود. «سَـأَلَ مُعَاوِيَهُ بْـنُ وَهْبٍ أَبَـا عَبْـدِ اللَّهِ ﷺ عَـنِ الأَذَانِ فَقَـالَ اجْهَـرْ وَ ارْفَـعْ بِـهِ صَوْتَـک». (من لایحضـره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۴)

همچنیـن در مـورد تکبیـر و صلوات نیـز در روایت از تعبیر «ارفعوا اصواتکم» اسـتفاده شده اسـت. (الکافی، ج ۲، ص ۴۹۴)

بنابرایـن ایـن روایـت بـه صـورت مجمل و کلـی حکمی را بیان داشـته اسـت که برای بـه دسـت آوردن محـدوده و مصادیـق آن باید بـه دیگر روایـات مرتبـط مراجعه کرد. بـه بیـان دیگـر بر فـرض پذیرش ایـن روایت، علـم اجمالی پیـدا می کنیم کـه آوردن برخـی از کـودکان بـه مسـجد کراهـت دارد. امـا بـرای روشـن شـدن ایـن مطلـب که ایـن نهـی بـه کـدام گـروه از کـودکان تعلق می گیـرد باید بـه دیگر آموزه هـای دینی مراجعـه کـرد و مصادیقـی از کـودکان را کـه یقیـن بـه اباحـه یا اسـتحباب یـا وجوب آوردن آنهـا بـه مسـجد داریـم، از حکم ایـن روایت خـارج نماییم.

۳-۳. امکان دست برداشتن از حکم کراهت در روایت

برخـی از فرازهـای ایـن روایـت از اسـاس توسـط برخـی از فقهـا مـورد پذیـرش قـرار نگرفته اسـت. چراکه با اسـتفاده از روایات معارض و یا گزارشـاتی از سـیره معصومان نتیجـه گرفتـه انـد که از اسـاس چنین کاری کراهت نداشـته اسـت. بـرای نمونه یکی از فرازهـای ایـن روایـت «الاحـکام» بـه معنای قضاوت اسـت کـه علامه حلـی در این باره مـی گوید:

«مسـأله: للشـیخ رحمـه الله قـولان فـی الحکـم فـی المسـاجد. قـال فـی الخـلاف: لا بـأس بـه و هـو اختیـار ابن إدریـس و کرهه فـی النهایـه و الأقـرب الأوّل. لنـا: انّ أمیر المؤمنیـن علیـه السـلام حکم فی جامـع الکوفه و قضی فیـه بین النـاس و دکّه القضاء مشـهوره إلـی الآن.) (مختلـف الشـیعه فی أحـکام الشـریعه، ج۳، ص ۹)

«شـیخ طوسـی در مـورد قضـاوت در مسـجد دو قول دارد. یکـی جـواز و دوم کراهت. امـا نظـر بهتـر و نزدیکتـر بـه واقع، جـواز اسـت. چراکـه امیرالمؤمنیـن ﷺ در جامع کوفـه بیـن مـردم قضـاوت می کرد و مـکان قضـاوت او هم اکنـون نیز به دکـه القضاء

مشـهور است.»
البتـه ایـن مطلـب تـازه ای نیسـت. چراکـه در بـاب تعارض میـان اخبار ممکن اسـت از محتـوای روایتـی دسـت برداریـم و ملتـزم بـه روایت دیگـری و یا آمـوزه ای قطعی از سـوی شـارع شویم.
بنابرایـن در مـورد کراهـت آوردن کـودکان بـه مسـجد هـم چنیـن حکمـی امـکان پذیـر خواهـد بـود. البتـه به شـرط آنکـه اولاً تعـارض میـان اخبار اثبـات شـود و ثانیاً هیچ‌گونـه وجـه جمعـی نتـوان بـرای حـل آن ارائـه داد.

۳-۴. مفهوم اصلی روایت با توجه به روح کلی حاکم بر آن

اگرچـه ملاکـی بـرای نهـی در این روایت مطرح نشـده و فلسـفه حکم، بیـان نگردیده اسـت امـا مـی توان بـا اسـتفاده از قرائن موجـود در دیگـر روایات و همچنین بررسـی فرازهـای ایـن روایـت بـه نکاتی کلیدی دسـت یافـت. به بیـان دیگر از میـان فرازهای گوناگـون ایـن روایت، مشـترکاتی پدیدار می شـود کـه در کنار روایـات دیگری که در بـاب کاربـری مسـجد وجـود دارد، مفهومـی جامع از ایـن روایت به ما عرضـه می‌کند. در نتیجـه بـا بـه دسـت آوردن ایـن مـلاک یـا مفهوم جامـع می‌تـوان معنـای نهی از آوردن کـودکان بـه مسـجد را بهتر فهمیـد و مقصود روایـت را درک نمود.

۱-۴-۳. مزاحمت با کاربری اصلی مسجد، ملاک نهی در روایت

کنـکاش در ایـن روایـت نشـان مـی دهـد کـه وجـه مشـترک تمامـی فرازهـای نهی شـده «ایجـاد مزاحمـت برای فعالیت اصلی در مسـجد» اسـت و هر یـک از این موارد می‌توانـد بـه نحـوی کاربـری اصلـی مسـجد را تحت الشـعاع قرار دهد. روشـن اسـت کـه کاربـری اصلـی مسـجد همچنان‌که از نـام آن پیدا اسـت و از آیات قـرآن و روایات بـر مـی آیـد، «عبـادت و یاد خدا» اسـت. قـرآن مـی فرماید:
«وَ مَـنْ أَظْلَـمُ مِمَّـنْ مَنَـعَ مَسـاجِدَ اللهِ أَنْ يُذْكَـرَ فِيهَـا اسْـمُهُ وَ سَـعى فِـي خَرابِهـا ....؛ کیسـت سـتمکارتر از آن کـس کـه از بـردن نام خـدا در مسـاجد او جلوگیـری کرد و سـعی در ویرانـی آنهـا نمـود؟!» (سـوره بقره، آیـه ۱۱۴)

بنابرایـن هـر چیـزی کـه با کاربـری اصلی مسـجد ـ یعنی عبـادت ـ در تعارض باشـد و یـا ایجـاد مزاحمـت بـا آن کنـد، مـورد نکوهـش قرار مـی گیـرد و بایـد از آن پرهیز گردد.

ایـن دلیل-یعنـی معارضـه بـا کاربـری اصلـی مسـجد ـ در برخـی از روایـات مرتبـط بـا کراهـت مسـجد بـه وضـوح مطـرح شـده اسـت. بـرای نمونه امـام صـادق علیه‌السلام می فرماید:

«نَهَـی رَسُـولُ اللَّهِ صلّی الله علیه و آله عَنْ سَـلِّ السَّـیْفِ فِی الْمَسْـجِدِ وَ عَنْ بَـرْیِ النَّبْلِ فِـی الْمَسْـجِدِ؛ پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله از شمشـیر کشـیدن در مسـجد (برهنـه کردن شمشـیر از غـلاف) و تراشـیدن تیر (و کمان) در مسـجد نهـی فرمود.»

سـپس امـام صـادق علیه‌السلام در ادامـه حدیـث، دلیـل ایـن نهـی پیامبـر را اینگونـه مطرح می کنـد:

«قَـالَ إِنَّمَـا بُنِـیَ لِغَیْـرِ ذَلِکَ؛ همانا مسـجد برای غیر چنین کارهایی بنا شـده اسـت.» (الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹)

در روایت دیگری نقل شده است که:

«سَـمِعَ النَّبِـیُّ ص رَجُـلًا یُنْشِـدُ ضَالَّـةً فِـی الْمَسْـجِدِ فَقَـالَ قُولُـوا لَـهُ لَا رَدَّ اللَّهُ عَلَیْـکَ ضَالَّتَـکَ فَإِنَّهَـا لِغَیْـرِ هَـذَا بُنِیَت؛ رسـول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شـنید که شـخصی در مسـجد برای (حیوان یا شـیء) گمشـده اش فریاد می کشـد. حضـرت فرمود: بـه او بگویید: خداوند گم شـده ات را به تو نرسـاند. مسـجد برای غیر این کارها سـاخته شـده اسـت.» (من لا یحضره الفقیـه، ج ۱، ص ۲۳۷)

بنابرایـن هـر کاری کـه با کاربری اصلی مسـجد ـ یعنی عبادت پـروردگار ـ در تعارض باشـد، نکوهیده خواهد بود.

حـال بـا توجـه بـه ایـن نکتـه بـه سـراغ فرازهـای ایـن روایـت مـی رویـم تـا ببینیـم حقیقتـاً وجـه مشـترک میـان همـه آنهـا همیـن نکتـه اسـت؟

۲-۴-۳. بررسی فرازهای گوناگون روایت

در مـورد خریـد و فـروش، کـه مسـئله بسـیار واضح اسـت. چرا کـه بارزتریـن مصداق

دنیـا کـه می‌توانـد انسـان را از یـاد خـدا باز دارد، مسـائل مالی اسـت. بـه همین دلیل اسـت کـه قـرآن در هنگامـه سـتایش بندگان خـاص خود مـی فرماید:
«رِجـالٌ لا تُلْهیهِـمْ تِجـارَةٌ وَ لا بَیْـعٌ عَـنْ ذِکْـرِ اللَّهِ؛ مردانـی کـه هیچ تجـارت و معامله ای آنـان را از یـاد خـدا غافـل نمی‌کنـد.» (سـوره نـور، آیه ۳۷)
امـا در مـورد صـدای بلنـد و پیـدا کردن گمشـده کـه آن هم لازمـه اش فریاد کشـیدن اسـت بایـد گفـت که حتی صـدای مناجات هـم اگر بلند باشـد، مزاحم عبـادت دیگران خواهـد بـود. چـه برسـد به صدای بلنـدی که برای یافتن گمشـده و یا هـر قصد دیگری باشـد. در روایـت پیشـین هم که بـه صراحت همین نکته مطرح شـده اسـت.
امـا در مـورد اجـرای احـکام (یا قضاوت) در مسـجد بایـد گفت که ازدحـام جمعیت و شـلوغی غیـر مرتبط با مسـجد، کاربری اصلی مسـجد را تحت الشـعاع قـرار می‌دهد و مزاحـم عبـادت دیگران خواهد شـد. همچنیـن برای محکـوم و خانـواده او نیز خاطره ای بـس دردنـاک و رنـج آور بـه یـادگار خواهد گذاشـت و برای همیشـه مسـجد را در ذهـن او نامبارک قـرار خواهد داد.
ورود دیوانـه بـه مسـجد نیز ممکن اسـت اذهان عموم مردم را به سـوی خود مشـغول کنـد و بـا حرکات غیـر عاقلانه خود کاربری مسـجد را بـر هم ریزد.

۳-۴-۳. مقید کردن کراهت با توجه به ملاک به دست آمده

ورود کـودک بـه مسـجد هم گاهـی ممکن اسـت چنین وضعیتـی را به همراه داشـته باشـد و مزاحمتـی بـرای عبـادت کننـدگان ایجاد کند. اما در هر صورت روشـن اسـت کـه همـه کـودکان چنیـن مزاحمتـی را ایجـاد نمـی کننـد و ورود همـه کـودکان به مسـجد بـا کاربری مسـجد در تعارض نیسـت.
در مـورد دیگـر فرازهـای ایـن روایـت هم ممکن اسـت چنیـن احتمالی وجود داشـته باشـد. یعنـی در هـر مـورد از فرازهـای مذکـور اگـر مزاحمت جـدی با کاربـری اصلی مسـجد پدیـدار شـود، نهـی روایت شـامل همان مـورد خواهد بـود. اما اگـر مصادیقی از ایـن فرازهـا یافـت شـد که نـه تنهـا منافاتی بـا کاربری اصلی مسـجد نداشـت بلکه بـر کیفیـت و کمیـت آن هم افـزود، شـامل نهی نخواهد شـد.

بـرای مثـال بـا اینکـه خریـد و فـروش و تجـارت، مصداقـی بـارز از رویکـرد مـردم به سـوی دنیـا اسـت امـا در مـورد خریـد و فـروش کتـاب، آن هـم کتبـی که بـا رویکرد معرفتـی و دینـی فراهـم آمـده، بایـد بـه گونـه دیگری حکـم کـرد. بنابراین اگـر ارائه کتـب سـودمند در مسـجد بتوانـد مردم را به عبـادت و یاد خدا بیـش از پیش متمایل کنـد و آن هـا را بـه کاربـری اصلـی مسـجد نزدیک تر گردانـد، می توان گفـت که اگر اولویـت نداشـته باشـد، مکـروه هم نخواهـد بود.

در مـورد آوردن کـودکان بـه مسـجد هم باید بـه همین نکته دقیق توجه ویژه داشـت. اگرچـه برخـی از کـودکان آن هـم در سـنینی خـاص، ممکـن اسـت مزاحمتـی برای عبـادت دیگـران ایجـاد کننـد. اما بسـیاری از کـودکان نه تنهـا مزاحمتـی ایجاد نمی کننـد، بلکـه بـه جهـت همراهـی بـا والدیـن باعث مـی شـوند تا آنهـا با خیـال راحت به عبـادت خـود بپردازند.

مادرانـی کـه بـا نـوزاد خود به مسـجد مـی آینـد اگـر مزاحمتی بـرای دیگـران ایجاد نکننـد، خـود باخیـال راحـت بـه عبـادت خواهنـد پرداخـت و در کنـار نگهـداری از کـودک خـود مشـغول راز و نیـاز خواهند شـد. امـا اگـر ورود همه کودکان به مسـجد را مکـروه بدانیـم، مسـجد آمـدن زن‌هـا، بیشـتر بـرای پیر زن‌هـا مصداق پیـدا خواهد کـرد. چراکـه هـر زنـی بـرای بـه دنیـا آوردن هـر کودکـی حداقل سـه سـال از آمدن بـه مسـجد محـروم خواهـد مانـد و بر فرض کـم تعـداد بودن فرزنـدان، نگهـداری هر کودکـی تـا رسـیدن بـه مرز بلوغ نیـز محرومیـت زمانی گسـترده ای را بـرای او ایجاد خواهـد کرد.

نکتـه دیگـر اینکـه در میـان کـودکان عـده ای هسـتند کـه خـود مشـغول عبـادت می‌شـوند و عبـادت تمرینـی را در مسـجد تجربـه می کننـد. این کودکان کـه معمولاً ممیـز هسـتند حتـی می‌تواننـد در امـورات مسـجد یاری رسـان بزرگترها باشـند و به طرقـی دیگـر امـورات عبـادی بزرگترها را سـهل و آسـان کنند.

در چنیـن مـواردی آیـا مـی تـوان گفت کـه اذان گفتـن و تکبیـر گویـی کودکانی که بـا عشـق و علاقـه خـود پـای به خانـه خدا نهـاده انـد و گاه با تمـام وجـود در صفوف نمـاز جماعـت مـی ایسـتند، از مصادیـق مخالفـت بـا کاربـری اصلی مسـجد انـد؟ آیا

چنیـن کارهایـی از سـوی چنین کودکانـی مزاحمتی برای عبـادت نمازگـزاران ایجاد مـی کنـد و یـا اینکـه بر عکـس گاه مسـیر عبـادی آنهـا را هموار مـی نماید؟

۴-۴-۳. مخلص کلام در باب مفهوم اصلی روایت:

اولاً: کاربری اصلی مسجد بنابر آیات و روایات گوناگون، «عبادت و یاد خدا» است.

ثانیـاً: بـا توجـه بـه قرائـن بیرونـی و درونـی ایـن روایـت، مـی تـوان گفـت کـه نهـی موجـود در روایـت در مورد مسـائلی اسـت که بـا کاربری اصلی مسـجد یعنی «عبادت و یـاد خـدا» در تعارض باشـد.

ثالثـاً: در هـر فـراز از ایـن روایـت اگـر مصداقی پیدا شـد که بـا کاربری اصلی مسـجد منافاتی نداشـت، شـامل نهـی روایـت نخواهد بود.

نتیجـه: بـر فـرض آنکه ایـن روایت دال بر کراهـت آوردن کودکان باشـد، تنها در مورد کودکانـی خواهـد بـود کـه برای امـور عبـادی مسـجد ایجاد مزاحمـت می کننـد. اما اگـر خـود مشـغول عبـادت شـوند و یـا به امـور عبـادی دیگران کمـک کننـد، آوردن آنهـا مـی تواند مسـتحب نیز باشـد.

۳-۵. اختصاص روایت به کودکان غیر ممیز و غیر قابل اعتماد

در بخـش پیشـین بـا اسـتفاده از وجه مشـترکی که میـان تمامی فرازهـای این روایت وجـود داشـت، چنین برداشـت شـد کـه کراهـت آوردن کـودکان به مسـجد، مقید به همـان وجه مشـترک می باشـد. بدیـن ترتیب آوردن هـر کودکی کـه مزاحمت جدّی بـا کاربـری اصلـی مسـجد یعنی «عبادت و یاد خدا» داشـته باشـد، مکروه اسـت.

امـا در ایـن بخـش به سـراغ قرینـه ای خواهیم رفـت که مختـص به فـراز «الصبیان» اسـت و وجـه اشـتراکی با کلیـت فرازهای روایـت ندارد.

۳-۵-۱. قرینه مشترک میان «الصبیان» و «المجانین»

توجـه در ایـن دو روایـت هـم مضمـون، نشـان دهنده آن اسـت کـه در هـر دو روایت «الصبیـان» و «المجانیـن» در کنـار یکدیگـر آمـده انـد که ایـن خود می توانـد قرینه خوبـی بـرای بـه دسـت آوردن مصادیق نهـی در «الصبیان» باشـد.

روشـن اسـت که نهی از آوردن «مجانین و دیوانگان» ریشـه در نداشـتن «قوه عاقله» و «تمییـز خـوب و بـد از یکدیگر» دارد. کنتـرل و مدیریت رفتار چنین افرادی بسـیار دشـوار اسـت و گاهـی پیامدهـای رفـت و آمد چنین اشـخاصی به مسـجد اصـلاً قابل پیـش بینـی نخواهد بود.

بـا ایـن وجـود باید دانسـت که حتی همیـن افراد هـم دارای مراتب گوناگونی هسـتند کـه گاه نهـی پیرامـون آنهـا را نیـز بـرای مـا مسـئله سـاز مـی کنـد. در بیـن بیماران مبتـلا بـه جنـون و یـا سـندروم داون مراتب پر فـراز و نشـیبی وجود دارد کـه حقیقتاً نمـی تـوان همـه آنهـا را یـک کاسـه کـرد و یک حکـم کلـی پیرامـون همه آنهـا داد. چراکـه برخـی از بیمـاران مذکـور به کلی از قـوه عاقله محـروم نبـوده و از این نعمت، بـه میـزان کمتـری نسـبت بـه افـراد سـالم، برخوردارند. در هر حال روشـن اسـت که مـلاک تشـخیص دیوانه، نداشـتن «قـوه عاقلـه» و توانایی «تمییز» اسـت.

بـا ایـن مقدمـه بـه سـراغ قرینـه مذکـور یعنی کنـار هـم قـرار گرفتـن «المجانین» و «الصبیـان» مـی رویـم. ایـن مسـئله مـی توانـد قرینـه ای باشـد بـر ایـن مطلـب کـه مقصـود از «صبیـان» در ایـن روایـت، کـودکان «غیـر ممیـزی» اسـت کـه بـه دلیـل نداشـتن «قـوه عاقلـه» و «تمییز»، رفتارشـان قابل پیـش بینی نیسـت و کنترل رفتار و مدیریـت آنهـا بسـیار دشـوار و گاه غیـر ممکن اسـت.

ایـن نکتـه همـان مطلبی اسـت کـه برخـی از علمای پیشـین بـا عنوان «کـودک غیر قابـل اعتمـاد» به آن اشـاره کرده انـد. در بخش دیدگاه علمای پیشـین گفته شـد که بزرگانـی نظیـر محقـق کرکـی، شـهید ثانـی، مجلسـی اول، علامه مجلسـی و محدث بحرانـی ایـن حدیـث را مختص به «کودکان غیـر قابل اعتماد» دانسـته و آوردن دیگر کـودکان را بـه مسـجد مسـتحب بر مـی شـمرند. محقق کرکی مـی گوید:

«ینبغـی أن یـراد بالصّبـی: مـن لا یوثـق بـه، أمـا مـن علـم منه مـا یقتضـی الوثوق به لمحافظتـه علـی التنزه مـن النّجاسـات، و أداء الصّلـوات، فالظاهر أنّه لا یکـره تمکینه، بـل ینبغـی القـول باسـتحباب تمرینـه علی فعـل الصّلاه فی المسـجد.»

«شایسـته اسـت کـه مقصود از «الصبی» کسـی باشـد که بـه او اعتماد نمی شـود. اما کودکـی را کـه (از رفتـارش) اعتمـاد بـه او فهمیـده مـی شـود (از دو جهت مـی توان

شـناخت.) یـا بـه جهـت مراقبـت آن کـودک نسـبت بـه «پرهیـز از نجاسـات» و یا به جهـت مراقبـت او نسـبت بـه «برگـزاری نمازها» اسـت. بنابـر این ظاهر این اسـت که آوردن چنیـن کودکـی بـه مسـجد کراهت ندارد. بلکه قول به مسـتحب بـودن (آوردن کـودک بـه جهـت) تمریـن دادن او بـر انجام نماز در مسـجد، شایسـته خواهـد بود.»

۲-۵-۳. مصادیق اعتماد به کودک

اعتمـاد بـه کـودک، ممکن اسـت از راه هـای مختلفی برای مـا اثبات شـود. اما در باب مسـجد بایـد ایـن اعتماد به تناسـب احکام مسـجد باشـد. بنابراین می تـوان گفت که مهم‌تریـن مـلاک اعتمـاد یا عـدم اعتماد به کودک دو مسـئله اسـت:

اول اینکـه: کـودک در امـور نجاسـت و پاکـی قابـل اعتمـاد باشـد و خود و مسـجد را آلـوده نکند.

دوم اینکـه: کـودک واقـف بـه اهمیت موضوع نماز بـوده و مزاحمتی بـرای نماز و دیگر عبـادات نداشـته باشـد. البتـه ایـن همـان نکته ای اسـت کـه در بخش پیشـین به آن اشـاره شـد که همـان وجه مشـترک میـان تمامی فرازهـای این روایت اسـت.

امـا در مـورد طهـارت مسـجد و مراقبت از آلوده نشـدن آن به نجاسـت بایـد گفت که ایـن از موضوعـات مهـم فقهـی اسـت کـه تأکیـدات فراوانی به آن شـده اسـت. تا آنجا کـه همـه فقهـا و مراجـع، نجـس کردن مسـجد را حـرام دانسـته و به وجـوب برطرف نمـودن آن نجاسـت، آن هـم به صورت فوری فتـوا داده اند. (توضیح المسـائل مراجع، ج ۱، ص ۵۰۱، مسـئله ۹۰۰)

شـیخ طوسـی هـم، نهـی در ایـن روایت را مرتبـط با موضوع نجاسـت می دانـد و منع آوردن کـودکان بـه مسـجد را بـه دلیـل اهمیـت رعایـت مسـئله طهـارت در مسـجد معرفـی مـی کنـد. (الخـلاف، ج۱، ص ۴۸۷)

بنابرایـن نهـی در ایـن روایـت بـرای کودکانـی اسـت کـه قابـل اعتمـاد نیسـتند و مهم‌تریـن مـلاک اعتمـاد بـه کـودکان در مسـجد، حفـظ حریـم عبـادی مسـجد و رعایـت طهـارت محیـط آنجـا اسـت.

نکتـه دیگـر اینکـه در بـاب طهـارت کـودکان، وضعیـت موجـود در جامعـه کنونی ما

بـا دوران گذشـته بسـیار تفـاوت پیـدا کـرده اسـت و بـا وجـود وسـائل و لبـاس های گوناگـون پیـش گیرنـده، احتمـال نجاسـت مسـجد در اکثـر کـودکان وجـود نـدارد. بنابرایـن آنچـه کـه بیـش از هـر چیـز بایـد رعایت شـود همـان رعایت حریـم عبادی مسـجد اسـت کـه در بخـش پیـش بـه تفصیـل بیان شـد.

۳-۵-۳. نتیجه:

۱ـ بـا توجـه بـه قرائـن، می توان گفـت که مقصود روایـت، کودکان غیر ممیزی اسـت که در محیط مسـجد قابل اعتماد نیسـتند.

۲ـ اعتمـاد بـه کـودک بـه تناسـب احـکام مسـجد اسـت کـه در دو موضـوع «رعایت طهـارت» و «حفـظ حریـم عبـادی مسـجد» خـود را نشـان خواهـد داد.

۳ـ امـروزه بـا وجـود لبـاس هـای پیـش گیرنـده، احتمـال نجاسـت مسـجد در اکثـر کـودکان وجـود نـدارد. بنابرایـن در دوران کنونـی تنهـا مسـئله «حفظ حریـم عبادی مسـجد» مـی توانـد مصـداق کراهـت آوردن کـودکان به مسـجد باشـد.

» ج) تعارض با سیره معصومان علیهم‌السلام و دیگر آموزه های دینی

کنـکاش در گزارشـات تاریخـی مرتبـط با ایـن موضوع، گویای آن اسـت که در سـیره پیامبـر خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهـل بیـت علیهم‌السلام نـه تنهـا نشـانه ای از کراهـت آوردن کـودکان بـه مسـجد بـه چشـم نمی خـورد؛ بلکـه دقیقا گزارشـاتی وجـود دارد کـه دقیقـاً مخالف آن است.

۱. گزارش های گوناگون روایی و تاریخی آوردن کودکان به مسجد

مراجعه به سیره نشان می دهد که:

اولاً: پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله هیچـگاه از آوردن کـودکان به مسـجد حتی شـیرخوارگان نهی نکرده و گاه بـه خاطـر گریـه کودکـی نمـاز را سـریع تـر به پایان رسـانده اسـت. ایـن روایت کـه بـا سـند صحیـح از امـام صـادق علیه‌السلام نقل شـده حاکـی از تأییـد پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله و به اصطـلاح تقریـر معصـوم بـر چنین عملی اسـت.

عَـنْ أَبِـی عَبْـدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَـالَ صَلَّی رَسُـولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله بِالنَّاسِ الظُّهْـرَ فَخَفَّفَ فِـی الرَّكْعَتَيْنِ الأَخِيرَتَيْـنِ فَلَمَّـا انْصَـرَفَ قَـالَ لَـهُ النَّـاسُ هَلْ حَـدَثَ فِی الصَّلَاهِ حَـدَثٌ قَـالَ وَ مَا ذَاكَ قَالُـوا خَفَّفْـتَ فِـی الرَّكْعَتَيْـنِ الأَخِيرَتَيْنِ فَقَـالَ لَهُمْ أَمَا سَـمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِـیِّ. (الکافی، ج ۶، ص ۴۸)

ثانیـا: خـود پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله از آوردن نوادگانـش بـه مسـجد پرهیـز نمـی کـرد و بـه گونه هـای مختلـف امـام حسـن و امـام حسـین علیهما‌السلام را مـورد ملاطفـت خـود قرار مـی داد. ایـن در حالـی اسـت که سـن آن دو بزرگوار در آن دوران کمتر از ۷ سـال بوده اسـت. شـواهد نشـان دهنده آن اسـت که این عمل بارها توسـط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تکرار شـده و از سـیره مـداوم آن بزرگـوار به حسـاب مـی آیـد. چنانچه ایـن مطلب در کتـب مختلف شـیعه و سـنی و بـه گونـه های متفاوت مطرح شـده که نشـان دهنده تکـرار و فراوانی قابـل ملاحظـه چنیـن عملـی در سـیره پیامبر خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در سـنین مختلـف کودکان اسـت.گاهی پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله حسـنین علیهما‌السلام را بـر دوش خـود سـوار مـی کرد و با شـادمانی ویـژه آن دو را بـه مسـجد مـی بـرد. (امالـی شـیخ صـدوق، ص ۴۳۷) گاهی آنهـا را به مسـجد می‌بـرد و کنـار خـود می‌نشـاند و مرتبـاً آن دو را می بوسـید.

«حَجَجْتُ فِی بَعْضِ السِّنِینَ فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ رَسُولِ اللهَ ﷺ فَوَجَدْتُ رَسُولَ اللَّهِ جَالِساً وَ حَوْلَهُ غُلَامَانِ یَافِعَانِ وَ هُوَ یُقَبِّلُ هَذَا مَرَّةً وَ هَذَا أُخْرَی.» (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۱۴)

گاهی حسنین علیهما السلام در هنگامه نماز، سوار بر دوش پیامبر ﷺ می‌شدند و وقتی دیگران می‌خواستند جلوگیری کنند، پیامبر ﷺ به آنها اجازه چنین کاری را نمی‌داد.

«رَأَیْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ یُصَلِّی فَسَجَدَ فَجَاءَ الْحَسَنُ علیه السلام فَرَکِبَ ظَهْرَهُ وَ هُوَ سَاجِدٌ ثُمَّ جَاءَ الْحُسَیْنِ علیه السلام فَرَکِبَ ظَهْرَهُ مَعَ أَخِیهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ فَثَقُلَا عَلَی ظَهْرِهِ فَجِئْتُ فَأَخَذْتُهُمَا عَنْ ظَهْرِهِ وَ ذَکَرَ کَلَاماً سَقَطَ عَلَی أَبِی یَعْلَی وَ مَسَحَ عَلَی رُءُوسِهِمَا.» (کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۲۷)

گاهی در نماز جماعت، پیامبر ﷺ قدری سجده‌اش را طول می‌داد. مردم بعد از نماز علّت را از پیامبر ﷺ جویا شدند. حضرت فرمود: فرزندم در حال سجده، بر پشتم سوار شد. نخواستم در سر برداشتن از سجده شتاب کنم. آنقدر صبر کردم تا کودک، خودش از پشتم پیاده شود.

«فَلَمَّا قَضَی رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الصَّلَاةَ قَالَ النَّاسُ یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّکَ سَجَدْتَ بَیْنَ ظَهْرَانَیْ صَلَاتِکَ سَجْدَةً أَطَلْتَهَا حَتَّی ظَنَنَّا أَنَّهُ قَدْ حَدَثَ أَمْرٌ أَوْ أَنَّهُ یُوحَی إِلَیْکَ قَالَ کُلُّ ذَلِکَ لَمْ یَکُنْ وَ لَکِنَّ ابْنِی ارْتَحَلَنِی فَکَرِهْتُ أَنْ أُعَجِّلَهُ حَتَّی یَقْضِیَ حَاجَتَهُ.» (السنن الکبری، ج ۱، ص ۱۷۱)

گاهی حسنین علیهما السلام به مسجد می آمدند و پیامبر ﷺ بعد از نماز، آن دو را روی پای مبارک خود قرار می داد. «عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: کَانَ النَّبِیُّ ﷺ یُصَلِّی فَجَاءَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنِ علیهما السلام فَارْتَدَفَاهُ فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ أَخَذَهُمَا أَخْذاً رَفِیقاً فَلَمَّا عَادَ عَادَا فَلَمَّا انْصَرَفَ أَجْلَسَ هَذَا عَلَی فَخِذِهِ الْأَیْمَنِ وَ هَذَا عَلَی فَخِذِهِ الْأَیْسَرِ ثُمَّ قَالَ ...» (الارشاد، ج ۲، ص ۲۸)

گاهی پیامبر ﷺ با شنیدن صدای گریه حسن و حسین علیهما السلام از منبر فرود می‌آمد و به سوی آنها می شتافت.

«أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بُکَاءَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ هُوَ عَلَی الْمِنْبَرِ فَقَامَ فَزِعاً ...»

(المناقب، ج ۳، ص ۳۸۵)

گاهی پیامبر ﷺ در حال سجده بود و امام حسین علیه‌السلام وارد مسجد می شد و از لابه لای جمعیت خود را به پیامبر ﷺ می‌رساند و بر دوش حضرت سوار می شد. پیامبر ﷺ هم در حالی‌که او را بر دوش خود نگه می داشت، دست مبارکش را پشت کمرش می گذاشت تا کودک نیافتد و در همین حال نماز را ادامه می داد.

«كَانَ الْحُسَيْنُ علیه‌السلام يَجِيءُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ هُوَ سَاجِدٌ فَيَتَخَطَّى الصُّفُوفَ حَتَّى يَأْتِيَ النَّبِيّ ﷺ فَيَرْكَبَ ظَهْرَهُ فَيَقُومُ رَسُولُ اللَّ ﷺ وَ قَدْ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى ظَهْرِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام وَ يَدَهُ الْأُخْرَى عَلَى رُكْبَتِهِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ.» (کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۷۳۵) شبیه همین مطلب در مورد امام حسن علیه‌السلام در منابع اهل تسنن نقل شده است. (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۱۷۸)

گاهی پیامبر ﷺ بر فراز منبر در حال خطابه بود که امام حسن علیه‌السلام از او بالا می رفت و بر گردن پیامبر ﷺ سوار می‌شد و دو پای او بر روی سینه پیامبر ﷺ آویخته می‌شد. پیامبر ﷺ هم او را بر دوش خود نگه می‌داشت تا خطبه به پایان برسد.

«كَانَ الْحَسَنُ علیه‌السلام يَأْتِيهِ وَ هُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ يَخْطُبُ فَيَصْعَدُ إِلَيْهِ فَيَرْكَبُ عَلَى عَاتِقِ النَّبِيِّ ﷺ وَ يُدْلِي رِجْلَيْهِ عَلَى صَدْرِ النَّبِيِّ ﷺ حَتَّى يُرَى بَرِيقُ خَلْخَالِهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْطُبُ فَيُمْسِكُهُ كَذَلِكَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ خُطْبَتِهِ.» (کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۷۳۵)

گاهی پیامبر ﷺ بر منبر خطبه می خواند که حسن و حسین علیهما‌السلام وارد مسجد می‌شدند و پیامبر ﷺ خود از منبر فرود می‌آمد و آن دو را بلند می کرد و پیشاپیش خود قرار می‌داد.

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْطُبُ عَلَى الْمِنْبَرِ فَجَاءَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلَيْهِمَا قَمِيصَانِ أَحْمَرَانِ يَمْشِيَانِ وَ يَعْثُرَانِ فَنَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنَ الْمِنْبَرِ فَحَمَلَهُمَا وَ وَضَعَهُمَا بَيْنَ يَدَيْهِ.» (سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۴ و سنن نسائی، ج ۳، ص ۱۹۳)

«گاهی پیامبر ﷺ در هنگام سخنرانی حسنین را با خود بر روی منبر می برد و آنان را روی زانوان خویش می‌نشاند.» (مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۵۴)

روزی پیامبر ﷺ برای گروهی نماز می‌خواند و حسین علیه‌السلام که بسیار کوچک بود نزدیک پیامبر قرار داشت. هرگاه پیامبر ﷺ به سجده می رفت حسین علیه‌السلام سوار بر پیامبر ﷺ می‌شد و پاهای خود را تکان می‌داد. هنگامی که پیامبر ﷺ می‌خواست بر خیزد او را به کنار خود می‌گذاشت و هنگامی که دوباره به سجده می‌رفت همین کار تکرار می‌شد. شخصی به پیامبر ﷺ اعتراض کرد که تو به گونه‌ای با کودکان برخورد می‌کنی که ما هیچگاه چنین نکرده ایم. پیامبر ﷺ فرمود: آگاه باشید! اگر به خدا و فرستاده اش ایمان دارید، باید به کودکان ترحم کنید و برخوردی عاطفی داشته باشید. «أَمَا لَوْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ لَرَحِمْتُمُ الصِّبْيَانَ.» (المناقب، ج ۴، ص ۷۱)

امام صادق علیه‌السلام می فرماید: روزی پیامبر ﷺ به نماز ایستاد و حسین علیه‌السلام در کنار او بود. پیامبر ﷺ هفت تکبیر گفت تا حسین علیه‌السلام به زبان بیاید. پیامبر ﷺ هفتمین تکبیر را که گفت، حسین علیه‌السلام آن را تکرار کرد. «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ فِي الصَّلَاةِ وَ إِلَى جَانِبِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَلَمْ يُحِرِ الْحُسَيْنُ التَّكْبِيرَ وَ لَمْ يَزَلْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُكَبِّرُ وَ يُعَالِجُ الْحُسَيْنُ التَّكْبِيرَ وَ لَمْ يُحِرْ حَتَّى أَكْمَلَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ فَأَحَارَ الْحُسَيْنُ التَّكْبِيرَ فِي السَّابِعَةِ.» (علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۳۱)

۲. رفت و آمد هدفمند کودکان به مسجد

دیگر گزارشات تاریخی و روایی نشان می دهد که در دورانی از سنین کودکی، رفت و آمد کودکان به مسجد بسیار هدفمند و با تدبیر ویژه انجام پذیرفته است. امام حسن علیه‌السلام در سن هفت سالگی در مجلس پیامبر ﷺ حاضر می شد و قرآن را می شنید و حفظ می کرد. آنگاه نزد مادرش می آمد و آنچه را که حفظ کرده بود بیان می کرد. هر وقت امام علی علیه‌السلام نزد حضرت فاطمه س می آمد آیات قرآن را از آن بانو می شنید. امیر المؤمنین علیه‌السلام می‌فرمود: یا فاطمه! این مطلب را از کجا می‌گوئی؟ می‌فرمود: پسرت حسن برایم گفته.

«أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه‌السلام كَانَ يَحْضُرُ مَجْلِسَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ هُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ

فَيَسْمَعُ الْوَحْيَ فَيَحْفَظُهُ فَيَأْتِي أُمَّهُ فَيُلْقِي إِلَيْهَا مَا حَفِظَهُ كُلَّمَا دَخَلَ عَلِيٌّ عليه‌السلام وَجَدَ عِنْدَهَا عِلْماً بِالتَّنْزِيلِ فَيَسْأَلُهَا عَنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ مِنْ وَلَدِكَ الْحَسَنِ.» (المناقب، ج ۴، ص ۷)

۳. پاسخ به دو اشکال

ممکن است گفته شود بردن حسنین علیهما‌السلام به مسجد به دلیل مقام عصمت آنها بوده و این مسئله نمی‌تواند دلیلی بر رجحان آوردن دیگر کودکان به مسجد باشد. اما پاسخ این است که این عمل را پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که به تعبیر قرآن اسوه نیکو برای مردم است، بارها و بارها در پیش روی مردم انجام داده و هیچگاه خود را تافته جدا بافته معرفی نکرده و همیشه همانند دیگران عمل کرده است. بنابراین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با عمل خود حکم جواز آوردن کودکان به مسجد را صادر کرده است.

ممکن است گفته شود که برخی از این روایات از منابع اهل تسنن و برخی دیگر که از منابع شیعی نقل شده، دچار ضعف سندی است.

اما پاسخ این است که اولاً کثرت این گزارشات که تنها به بخشی از آن اشاره شد، ما را به این اطمینان می رساند که رفت و آمد کودکان به مسجد در دوران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله امری عادی بوده و نهیی در کار نبوده است. ثانیاً اکثر این روایات در کتب معتبر و گاه با سند صحیح نقل شده‌اند. همانند روایت اول (کوتاه کردن نماز به دلیل گریه کودک) که در کتاب شریف کافی و با سند صحیح نقل شده است.

ثالثاً اگر این روایات تنها در منابع کم اعتبار شیعی و با سند ضعیف نقل شده بود، احتمال جعل از سوی غالیان، متصور بود. اما بسیاری از این نقل‌ها در کتب روایی و تاریخی اهل تسنن نقل شده که هیچ انگیزه ای برای جعل در میان آنها متصور نیست.

۴ـ تعارض میان سیره‌ی پیامبر ﷺ با روایت نهی

باید توجه داشت که حوادثی که در قالب گزارشات و روایات تاریخی نقل شد، در سنین مختلفی رخ داده است. برخی از این رخدادها مربوط به زمانی است که کودک هنوز به زبان نیامده و حدوداً دو یا سه ساله است. برخی مربوط به زمانی از دوران کودکی است که سوار شدن بر دوش پدر بزرگ برای کودک جذابیت دارد و احتمالا سن کودک، حداکثر چهار یا پنج ساله است. برخی از حوادث حاکی از آن است که کودک به آرامی کنار پیامبر ﷺ نشسته و از بازیگوشی کودکانه خبر چندانی نیست و یا اینکه کودک با اشتیاق به سخنان پیامبر ﷺ گوش داده و پس از حفظ، آن مطالب را برای مادر بیان می کند. این موارد هم می تواند برای سن شش یا هفت سالگی باشد.

۴-۱. تعارض جدی میان دو دسته از روایات و ترجیح روایات سیره بر روایت کراهت

با این مقدمه باید گفت که ظاهراً میان سیره معصوم با روایت کراهت، تعارضی جدی وجود دارد. چراکه هیچ یک از ملاک های پیش گفته در روایت نهی، در سیره معصوم رعایت نشده است.

به بیان دیگر هر یک از ملاک هایی که در باب روایت نهی گفته شد، مربوط به سن خاصی از کودکان است که ممکن است در گروهی از آنها ظهور و بروز داشته باشد. اما در سیره معصوم، آوردن کودکان در تمامی سنین وجود دارد و هیچ محدودیتی در آن مشاهده نمی شود.

برای نمونه یکی از ملاک هایی که در بخش پیشین گفته شد، «حفظ حریم طهارت مسجد» بود که بیشترین احتمال آن در مورد نوزادان و کودکان کم سن و سال است. اما همانطور که گفته شد، پیامبر ﷺ نه تنها از آوردن چنین کودکی نهی نکرده بلکه با ترحم نسبت به آنها، نماز را زودتر به پایان رسانده است.

یکی دیگر از ملاک های پیش گفته مزاحمت برای عبادت نمازگزاران بود که معمولاً در سن و سال کمتر از پنج یا شش سال صورت می گیرد. اما پیامبر ﷺ

نـه تنهـا در برابـر مزاحمت‌هـای معمـول کودکانـه، موضـع نگرفتـه بلکـه ترحـم و خویشـتنداری در برابـر آن را سـزاوار دانسـته اسـت. مزاحمـت هایـی کـه گاه از حال عـادی هـم خـارج شـده و نماز جماعت و یا سـخنرانی را تحت الشـعاع خـود قرار داده است.

بنابرایـن بـه نظـر می رسـد که میـان روایات سـیره و روایـت کراهـت، تعارضی جدی وجـود دارد کـه بـه راحتـی قابـل انحلال نیسـت. پس باید یک گـروه از ایـن روایات را بـر دیگـری ترجیـح داد و گـروه دیگـر را به ناچار کنـار نهاد.

امـا در اینکـه کـدام گـروه را بـر دیگری ترجیح بدهیم روشـن اسـت که: انبـوه روایات سـیره، قـدرت آن را دارد کـه دو روایـت ضعیـف السـند نهـی را کنـار بزنـد و خـود بر مسـند بنشیند.

۲-۴. وجه جمع میان روایات در صورت عدم پذیرش رجحان روایات سیره

البتـه بایـد توجـه داشـت کـه دو روایت کراهـت اگرچه ضعیف السـند هسـتند اما جابر ضعـف خـود را کـه عمـل فقهای پیشـین به آن باشـد، همـراه خـود دارند. با ایـن وجود اگـر اصـرار بـر یافتـن وجـه جمع هـم باشـد، باید گفت کـه اصل اولـی در ایـن موضوع، اسـتحباب و یـا اباحـه آوردن کـودکان بـه مسـجد اسـت. مگـر آنکه کـودک رفتـار آزار دهنـده ای داشـته باشـد و آداب مسـجد و طهـارت آن را آنچنـان تحـت الشـعاع قـرار دهـد کـه باعـث هتـک حرمـت مسـجد گـردد. در چنیـن شـرایطی آوردن کـودک بـه مسـجد کراهـت خواهد داشـت. البتـه رفتار پیامبر ﷺ نشـان می دهد کـه احراز چنین مسـئله‌ای بسـیار دشـوار اسـت و به راحتی بـا یک مزاحمت سـاده نمی‌تـوان کودکی را از آمـدن به مسـجد محروم کرد. ظاهر این گزارشـات حاکی از آن اسـت کـه نمازگزاران بایـد سـعه صـدر بیشـتری داشـته باشـند و رفتارهـای کودکانـه بچـه هـای مسـجد را مزاحمتـی جـدی بـه حسـاب نیاورنـد. چنانکه پیامبـر ﷺ به عنـوان امام جماعـت و یا سـخنران، بـالا رفتـن کـودکان از دوش خـود را در حین نمـاز و سـخنرانی، مزاحمت به حسـاب نمـی‌آورده و نـه تنهـا از آمدن کودک به مسـجد پرهیز نمی‌کرده، بلکـه با ادامه سـخنرانی و نمـاز، چنیـن رفتارهایی را عادی انگاشـته اسـت.

۵. راهکارهای پیشنهادی برای بر طرف نمودن کراهت احتمالی

در صورتی که اولویت روایات سیره نسبت به روایت کراهت را نپذیریم و به دنبال وجه جمع میان اخبار باشیم باید آوردن گروهی از کودکان را به مسجد مکروه بدانیم. اما با این حال می‌توان با برطرف نمودن نگرانی های موجود در روایت کراهت از این مانع نیز عبور کرد. برخی از آموزه‌های دینی هم موید این نکته است که به جای پرهیز از ورود کودکان به مسجد باید به فکر راه چاره و بر طرف نمودن ملاک های مانعیت بود. جابر می‌گوید:

«عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ﷺ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصِّبْیَانِ إِذَا صَفُّوا فِی الصَّلَاهِ الْمَکْتُوبَهِ قَالَ لَا تُؤَخِّرُوهُمْ عَنِ الصَّلَاهِ وَ فَرِّقُوا بَیْنَهُمْ؛ از امام باقر ﷺ در مورد کودکانی که در نماز واجب شرکت می‌کنند، سؤال کردم. حضرت فرمودند: آنان را در قسمت عقب صفوف قرار ندهید. بلکه آنان را در میان بزرگسالان پراکنده سازید.» (تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۸۰)

بنابراین حتی اگر کراهت مذکور را بپذیریم می توان با رفع موانع موجود و یافتن چاره‌ای مناسب، مسجد را برای حضور تمامی کودکان مهیا کرد و موضوع کراهت را از اساس برطرف نماییم. به بیان دیگر حتی اگر حکم بر جای خود باقی باشد می توان با برطرف کردن موضوع، از قرار گرفتن در حکم خارج شد.

یکی از ملاک های کراهت «حفظ حریم طهارت مسجد» بود. اما همان‌طور که گفته شد در دوره کنونی زندگی بشری تقریباً چنین مسئله ای نگران کننده نیست. زیرا لباس‌های پیش دارنده کنونی، نگرانی نجاست مسجد را برای کودکانی که چنین احتمالی برای آنها متصور هست، بر طرف می کند.

اما نگرانی دیگر «حفظ حریم عبادی مسجد» بود. به جز والدین که خود مأمور حفظ و نگهداری کودکان در محیط مسجد هستند می توان سه راهکار دیگر برای این مسئله در نظر گرفت.

۵-۱. مدیریت و آموزش کودکان در قالب فعالیت های فرهنگی

اول اینکه معمولاً مساجد، فعالیت های گوناگون فرهنگی ـ دینی برای سنین مختلف کودکان و نوجوانان دارند که همین مسئله می تواند در سازماندهی کودکان در محیط مسجد تأثیر گذار باشد. این فعالیت های جانبی اگر به صورت صحیح انجام شود از کودک پر جنب و جوش، یک مسجدی فعال و متدین می‌سازد. گذشته از اینکه آموزش کودکان برای حضور در محیط مسجد و تربیت آنها برای پشتیبانی فعالیت های عبادی مسجد نیز در همین قالب میسر خواهد بود.

۵-۲. قرار دادن مسئول نظم کودکان در مسجد

دوم اینکه به صورت مجزا نیز می توان فردی خوش سیما، خوش صحبت و خوش برخورد را مسئول نظم کودکان در مسجد قرار داد تا در صورت برهم ریختن نظم مسجد، مدیریت کودکان را بر عهده بگیرد.

۵-۳. فراهم آوردن اتاق بازی برای کودکان کوچکتر

سوم اینکه برای عده ای از کودکان آن هم در سنینی خاص که در داخل مسجد راهکاری برای نگهداری آنها موجود نیست، می توان اتاقی مخصوص فراهم کرد تا در آنجا به بازی و شادمانی خود مشغول باشند. البته به نظر می رسد که این اتاق باید در نزدیک ترین مکان ممکن به صحن اصلی مسجد قرار داشته باشد تا هم والدین، نگران کودک خود نباشند و هم کودک، حسّ حضور در مسجد را فراموش نکند. باید مراقب بود فراهم آوردن چنین محیطی کودک را از محیط اصلی مسجد دور نکند و او را به بهانه بازی به طور دائم از عبادت دور نسازد. بنابراین چنین مکانی باید برای کودکان کم سن و سال باشد و اگر برای کودکان با سنین بالاتر هم برنامه ای تنظیم می شود، نباید در هنگامه نماز و مراسمات اصلی مسجد انجام گیرد. پس برای کودکان بزرگتر می توان محیط را ساعتی پیش یا پس از نماز جماعت فراهم کرد و به همین بهانه آنها را با محیط عبادی

و نظـم مخصوص آن نیز آشـنا سـاخت.

۶. بررسی دیگر آموزه های دینی مرتبط با موضوع

دسـتیابی بـه دیـدگاه اصلـی شـارع در یـک موضـوع و یا به دسـت آوردن مـراد جدّی متکلـم در یـک فـرع فقهـی، کاری دشـوار اسـت کـه بایـد بـا بررسـی همـه جانبه آن موضـوع، صـورت پذیـرد. بـرای بـه دسـت آوردن تصویـری تمام نمـا از دیدگاه شـارع در یـک موضـوع، نمـی تـوان به صـورت جزیـره ای عمل کـرد و تنها به سـراغ روایات آن بـاب رفـت و دیگـر آمـوزه هـای دینـی مرتبـط بـا موضـوع را بـه حـال خـود رهـا کـرد. بنابرایـن، بـه جـز بررسـی روایاتـی کـه به صورت مسـتقیم بـا موضـوع بحث در ارتباطانـد، بایـد تعالیـم و آمـوزه هـای دیگـر را نیـز در نظـر داشـت و از روح حاکم بر مبانـی دینی هـم غافـل نماند.

۶-۱. مسجد تأمین کننده وظایف والدین در برابر فرزندان

در مـورد موضـوع مذکـور نیـز بـا اینکـه تا بـه اینجا تقریبـاً به مطلـوب رسـیده ایم اما توجـه بـه دیگر آمـوزه هـای دینی بـر اتقان تحلیـل ما خواهـد افزود.

از آیـات و روایـات فراوانـی کـه پیرامـون مسـئله خانـواده و تربیت فرزند در دسـت ما اسـت، چنیـن بـر می آید کـه والدین نسـبت به فرزندان خـود وظایف متعـددی دارند که برخـی از آنهـا عبارتند از:

۱ـ تربیت فرزند؛

۲ـ آموزش مسائل مورد نیاز فرزندان؛

۳ـ آموزش مسائل دینی به فرزندان؛

۴ـ مراقبت فرزندان در برابر انحرافات اعتقادی؛

۵ـ تمرین دادن کودکان به عبادت پیش از دوران تکلیف؛

۶ـ قرآن آموزی به فرزندان از سنین کودکی؛

۷ـ یافتن محیطی مناسب برای فعالیت های مختلف علمی، فرهنگی، تفریحی و ...

اینهـا تنهـا بخشـی از وظایـف والدیـن و جامعه در قبال کـودکان و نوجوانان مسـلمان

است که به صراحت در آیات و روایات متعدد مطرح گردیده است. اما جالب است که بدانیم امیر مؤمنان علی ﷺ مسجد را داروی تربیتی تمامی این دغدغه ها معرفی کرده و این پایگاه دینی را پاسخگوی اکثر نیازهای معنوی و دینی مسلمانان دانسته است.

شیخ صدوق در روایتی صحیح السند از امیرمؤمنان علی ﷺ چنین نقل می کند که حضرت بارها (کان یقول) می فرمودند:

«مَنِ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: أَخاً مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْماً مُسْتَطْرَفاً، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدًى، أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى، أَوْ يَتْرُكُ ذَنْباً خَشْيَةً، أَوْ حَيَاءً؛ هر کسی که به مسجدها (پی در پی) رفت و آمد داشته باشد یکی از این هشت (موهبت) به او می رسد: برادر مؤمنی که در راه خدا به او فایده رساند، یا دانشی ارزشمند و تازه، یا (دلیل و) نشانه ای محکم و استوار، یا رحمتی که از حضرت حق انتظار داشته (به او می رسد)، یا سخن حکمت آمیزی که او را از کارهای پست و نکوهیده باز دارد، یا سخن هدایت گری که او را به کارهای خیر راهنمائی کند، می شنود، یا ترک گناه از بیم الهی و یا ترک گناه به خاطر حیا و شرم.» (الخصال، ج ۲، ص ۴۰۹)

بنابراین مسجد بهترین محیطی است که می تواند دغدغه های گوناگون والدین در مورد فرزندانشان را لباس عمل بپوشاند و تربیتی شایسته را بر پایه مباحث دینی برای آنها فراهم کند.

۶-۲. خطر محیط های رویاروی مسجد و وجوب ارتباط کودکان با مسجد

روشن است که والدین هر چقدر هم که معتقد باشند، اگر درهای مسجد را به روی کودکانشان بسته ببینند، بالاجبار زیور زندگی خود را به محیطی دیگر می فرستند. محیط‌هایی که گاه ممکن است هم‌عرض مسجد قرار گرفته و مدعی تربیت دینی هم باشند.

این نکته پراهمیت در نگاهی کلان و عمیق‌تر محیط‌هایی همچون خانقاه و عبادتکده‌های انحرافی را به ما نشان می دهد که در عرض مسجد اما رویاروی

آن، جوانـان مؤمـن را بـه انحـراف و کـژی می‌کشـاند.
مسـلماً غفلـت مـا از کـودکان، حداقـل در دوران کنونـی پیامـدی جـز خسـارت و از دسـت دادن دل‌هـای پـاک آنهـا نخواهـد داشـت.

۶-۳. حکم ثانوی در مسئله، در صورت پایبندی به کراهت

بنابرایـن حتـی اگـر وجـوب یـا اسـتحباب آوردن کـودکان به مسـجد را از گزارشـات سـیره و روایـات مذکـور دریافـت نکنیم، باید به تناسـب شـرایط کنونی بـه آن پایبند باشـیم. بـه بیـان دیگـر بر فـرض آنکـه حکم اولـی بـرای آوردن کـودکان به مسـجد، کراهـت باشـد، اما هجمه سـنگین فرهنگی دشـمن علیه کـودکان و جوانان مسـلمان در دوران کنونـی، حکمـی ثانویـه ایجـاد مـی کند که جـز بردن کودکان به مسـجد ما را بـه وظیفـه دینیمـان منتهـی نخواهد کرد.
فرامـوش نکنیـم کـه تجربه پیـروزی انقلاب شـکوهمند اسـلامی هم ضـرورت تربیت ریشـه ای جامعـه را از دوران کودکـی بـه ما گوشـزد می کند. چراکه دریای خروشـان انقـلاب، بـدون جوانـان انقلابی که از رودخانه های مواج مسـاجد سـر بـرآورده بودند، بـه هیچ وجـه پدیدار نمی شـد.

» نتیجه‌گیری

۱ـ در شش کتاب حدیثی شیعه دو روایت هم مضمون آمده است که در آن از آوردن کودکان به مسجد نهی شده است.

۲ـ بررسی سندی نشان می دهد که هر دو روایت ضعیف السند هستند. اما بنا بر قاعده تسامح در ادلّه سنن می توان از ضعف سندی آن چشم پوشید.

۳ـ با توجه به قرائن، می توان گفت که مقصود روایت، تنها کودکان غیر ممیزی است که در مسجد قابل اعتماد نیستند.

۴ـ اعتماد به کودک به تناسب احکام مسجد تعریف می شود که در دو موضوع «رعایت طهارت» و «حفظ حریم عبادی مسجد» خود را نشان خواهد داد.

۵ـ امروزه با وجود لباس های پیش گیرنده، احتمال نجاست مسجد در اکثر کودکان وجود ندارد. بنابراین در دوران کنونی تنها مسئله «حفظ حریم عبادی مسجد» می تواند مصداق کراهت آوردن کودکان به مسجد باشد.

۶ـ در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، هیچ گزارشی مبنی بر نهی آنها از آوردن کودکان به مسجد وجود ندارد.

۷ـ رفتار پیامبر ﷺ در مواجهه با کسانی که کودکان خود را به مسجد آورده اند، حداقل حاکی از نوعی اجازه و یا رضایت است.

۸ـ پیش قدم شدن پیامبر ﷺ در آوردن نوادگان و کودکان خود به مسجد و کثرت چنین رفتاری از سوی ایشان، اگر نگوییم نشانگر حسن انجام چنین کاری است و دلالت بر وجوب یا استحباب آن دارد، قطعاً نشان دهنده مباح بودن آن خواهد بود.

۹ـ آوردن کودکان به مسجد که توسط پیامبر ص انجام شده در سنین مختلف کودکان بوده است. بنابراین جای وجه جمعی میان این دسته از گزارشات با روایت نهی باقی نمی‌ماند. بنابراین حکم به استحباب یا اباحه آوردن کودکان به مسجد بر کراهت ترجیح دارد.

۱۰ـ اگر اصرار بر یافتن وجه جمع میان این دو دسته از روایات باشد، باید گفت که اصل اولی، استحباب و یا اباحه آوردن کودکان به مسجد است و حکم به

کراهت مربوط به کودکانی است که حرمت «طهارت» و «روح عبادی مسجد» را حفظ نمی‌کنند.

۱۱ـ از سیره پیامبر ﷺ بر می آید که آن حضرت، رفتارهای معمول و مزاحمت های عادی کودکان را مزاحمتی جدی برای حریم مسجد به حساب نمی آورده و گویا با عمل خویش دیگران را به سعه صدر بیشتر واداشته است. پس با هر مزاحمتی نمی توان حکم به کراهت کرد.

۱۲ـ حتی در صورت پذیرش روایت کراهت نیز می توان راهکارهایی برای بر طرف کردن این مانع ارائه داد. آموزش کودکان در قالب فعالیت های فرهنگی، قرار دادن مسئول نظم کودکان در مسجد و فراهم آوردن اتاق بازی برای کودکان کوچکتر می تواند راهکاری برای «حفظ حریم عبادی مسجد» باشد و موضوع کراهت را از اساس حل کند.

۱۳ـ بررسی دیگر آموزه های دینی نشان می دهد که والدین وظایف فراوانی در قبال فرزندان خود دارند که مسجد می تواند بهترین محیط برای تأمین این وظایف باشد.

۱۴ـ هجمه گسترده فرهنگی از سوی دشمن به سمت کودکان مسلمان و خطر محیط‌های هم عرض مسجد ما را بر آن می دارد تا آوردن کودکان به مسجد را لازم بدانیم. بنابراین حتی اگر به حکم اولی آوردن کودکان به مسجد مکروه باشد، به حکم ثانوی و در شرایط کنونی جامعه حکم به لزوم یا استحباب و اباحه آوردن آنها به مسجد خواهد شد.

منابع

» قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
» ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه، بی تا.
» ابن بابویه شیخ صدوق، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
» ابن بابویه شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
» ابن بابویه شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
» ابن بابویه شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
» ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل البیت۱۳۸۵ ،ﷺق.
» ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب:، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
» ابن عساکر، علی بن حسین، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
» ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
» ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
» احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
» احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
» اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
» بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضره فی أحکام العتره الطاهره، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
» حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
» حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، إرشاد الأذهان إلی أحکام الإیمان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
» حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البیتﷺ، ۱۴۱۹ق.
» حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعه فی أحکام الشریعه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
» حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۲ق.
» حلّی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیه، ۱۴۱۸ق.
» حلّی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، المعتبر فی شرح المختصر، قم، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، ۱۴۰۷ق.
» حلّی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
» خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل مراجع، چاپ هشتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۴ق.
» راغب أصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
» سبزواری، محقق محمد باقر بن محمد مؤمن، کفایه الأحکام، بی تا.
» شهید اول، محمد بن مکی عاملی، البیان، قم، محقق، ۱۴۱۲ق.
» شهید اول، محمد بن مکی عاملی، الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

» شهید اول، محمد بن مکی عاملی، النفلیه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۸ق.
» شهید اول، محمد بن مکی عاملی، ذکری الشیعه فی أحکام الشریعه، ، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
» شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ق.
» شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد عاملی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.
» طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
» طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ق.
» طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۰ق.
» طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
» عاملی، جواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلاّمه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
» عاملی، صاحب مدارک، محمد بن علی موسوی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۱ق.
» فاضل هندی، محمد بن حسن بن محمد اصفهانی، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
» فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
» فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، مفاتیح الشرائع، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
» کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین عاملی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ق.
» کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
» مجلسی اول، محمد تقی بن مقصود علی اصفهانی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.
» مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
» محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
» مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
» نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
» نسائی، احمد بن شعیب، سنن نسائی، بیروت، دارالفکر، ۱۳۴۸ق.
» هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم، الهادی، ۱۴۰۵ق.
» یزدی، سید محمد کاظم بن عبد العظیم طباطبائی، العروه الوثقی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.

بررسی جاذبه‌ی رفتاری اهالی مسجد در جذب و حفظ کودکان و نوجوانان

ابراهیم نعیمی[1]

چکیده

هـدف از نـگارش ایـن مقالـه بررسـی جاذبـه رفتاری اهالی مسـجد در جـذب و حفظ نوجوانـان اسـت. روش تحقیـق به‌صـورت کتابخانـه‌ای، همـراه بـا حضـور میدانـی در تعـدادی از مسـاجد و مصاحبـه بـا اعضـای هیئـت امنـا و تعـدادی از نوجوانـان، برای کسـب اطلاعـات عینی اسـت.

مسـجد در شـرایطی می‌توانـد نقـش خطیر پرورش و انسان‌سـازی خـود را در تربیت دینـی، اخلاقـی، فرهنگـی، اجتماعـی، سیاسـی، اقتصـادی و حتّـی نظامی ایفـا نماید کـه بتوانـد به‌عنـوان یـک سیسـتم فعّـال و پویـا در جامعـه حضـور زنـده‌ای داشـته

[1] . استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی.
email:nueimi@atu.ac.ir

باشـد و ایـن زنده‌بـودن بـا حضـور کـودکان، نوجوانـان و جوانـان، اثربخشـی فکـری، شـناختی و رفتـاری خـود را در عمل نشـان دهـد. مجموعـه عوامل ده‌گانـه‌ای در این خصـوص مؤثرنـد کـه از بیـن عوامـل یـاد شـده، عوامـل مؤثـر در جاذبه‌هـای رفتاری اهالـی مسـجد مـورد بررسـی و تبیین قـرار گرفـت. ابتدا به بررسـی ابعـاد و مختصات موردنظـر از نوجـوان پرداختـه شـد و ویژگی‌هایـی کـه فـرد در ایـن دوره دارد بیـان گردیـد، به‌خصـوص بـه شـرح و بسـط اجمالـی نیازهـای اساسـی نوجـوان پرداختـه شـد، تـا بـا علـم بـه ایـن نیازهـا بتـوان تحلیـل روان‌شـناختی دقیق‌تـری از عوامـل مؤثـر در جـذب نوجوانـان در مسـجد ارائـه داد. سـپس بـه تبییـن دقیق‌تـر اعتمـاد، راه‌کارهـای ایجـاد آن، مسـئولیت و نحـوه مسئولیت‌سـپاری بـه نوجوانـان و نیـز بـه صـورت میدانـی علـل عـدم اعتماد هیئت امنای مسـاجد بـه نوجوانان بررسـی گردید. نتایـج حاصـل از ایـن تحقیـق ارائـه راهکارهایی بـرای ایجـاد جاذبه رفتـاری در اهالی مسـجد (روحانـی، هیئـت امنا و سـایر مسـجدی‌های فعّـال و مؤثر) ارائه اصـول تعامل صحیـح بـا نوجوانـان و مسئولیت‌سـپاری بـه نوجوانان بـود. همچنین اهالی مسـجد با عنایـت بـه نیازهـای اساسـی نوجوانـان و تلاش در جهـت ارضای آن نیازهـا در محیط سـالم امـکان جـذب حداکثـری نوجوانان بـه مسـاجد را دارند.

کلیدواژه‌ها:

مسجد، نوجوان، اعتماد، مسئولیت، ارتباط، تعامل.

» مقدمه

مسجد یک نظام اجتماعی بر مبنای اعتقاد است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. این نظام اجتماعی مجموعه‌ای از قواعد و اصول را ابداع و برای اعضای خویش نقش‌های متنوعی تعیین می‌کند. هر مسجد دارای مرزهایی هست که چگونگی سازمان‌بندی و روابط بین افراد را در این سیستم تعیین می‌کند. مرزها عبارت از مقرراتی است که معیّن می‌کند چه کسی و چگونه جزء این زیر منظومه است. عملکرد یا نقش مرز، حراست از عمل متمایزسازی سیستم است. این سیستم (مسجد) به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه اسلامی نقش مهمی در تربیت، آموزش و ایجاد نزدیکی بین اعضای خود که مسلمانان هستند، دارد. پایگاهی که همواره در روایات از آن به بزرگی یادشده است. یکی از رسالت‌های پیامبر اکرم ﷺ پس از دریافت وحی الهی و رسانیدن آن به مردم، ایجاد پایگاهی به نام مسجد بود تا مکانی برای عبادت و ذکر حق‌تعالی و تشکیل اجتماعات اسلامی و مردمی باشد. بعد از آن بود که مسلمین در صفوف وحدت‌بخش نماز جماعت که در مساجد برگزار می‌شد، روح تربیت و نشاط را در جامعه به‌وضوح مشاهده کردند. به‌طوری‌که اینک بعد از گذشت قرن‌های متمادی از پیدایش اسلام، مسجد نه‌تنها اعتبار و ارزش خود را حفظ کرده بلکه همواره در برهه‌های مختلف زمانی، نقش مهمی در تحوّلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته است. در کشور ما مخصوصاً در دوران انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، مسجد مکانی برای بسیج نیروهای مردمی، آموزش، سازمان‌دهی و پشتیبانی نیروهای بسیجی و مردمی بوده، در این میان حضور جوانان در کنار سایر قشرهای مردم دیده می‌شود. حضور آنان در نمازهای جماعت و تشکیل حلقه‌های کمک‌های مردمی، بسیج نیروهای اعزامی به جنگ، ایجاد رده‌های آموزشی و اموری مشابه، نقش مؤثرتری در رونق مساجد داشت، اما باگذشت زمان و سپری شدن آن روزهای سخت، نه‌تنها کارکرد مسجد در کشور تفاوت پیداکرده، بلکه با کمرنگ شدن حضور جوانان در مساجد به علّت‌های مختلف، رونق روزهای گذشته را ندارد. متأسفانه در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی به خاطر سهل‌انگاری، نبود

برنامه‌ریـزی صحیـح و بی‌اعتنایـی به این سـنگر اسـلامی، مسـجد در گرایش و جذب جوانـان ضعیـف عمـل کـرده اسـت. امـروزه بـا تغییـر نیازهـای نسـل جـوان و تحوّل روحیـات آنهـا، نقـش بـارز مسـجد به‌عنـوان کانـون تربیـت دینـی جوانان به‌روشـنی مشـخص می‌گـردد. جوانـی کـه امـروزه در قرن بیسـت و یکم به سـر می‌بـرد، جوانی اسـت کـه بـا بحـران معنویّـت و هویّـت دینـی و فرهنگـی روبـرو اسـت و بـا هجمـه فرهنگـی بیگانـگان دسـت و پنجـه نـرم می‌کند. بـر همه ما لازم اسـت تا از پیشـرفت چنیـن ویـروس خطرناکـی جلوگیـری کنیـم. پـس از اینجاسـت که مسـجد می‌تواند بـه روح پرسشـگر و کنجـکاو نوجـوان، پاسـخی درخور و متناسـب بـا نیازهایش بدهد و الگـوی شایسـته‌ای از دیـن و فرهنـگ ایرانی-اسـلامی بـه او معرفـی کنـد. (دژبانـی ۱۳۸۹)

از طـرف دیگـر بـرای همه‌کسـانی کـه به هـر نحـو در ارتباط بـا کـودکان و نوجوانان کار می‌کننـد، پاسـخ بـه ایـن سـؤال مهم اسـت که چـه رفتـاری را باید با نوجـوان در پیـش بگیرنـد کـه ضمن جـذب نوجوان، شـرایط ادامه همـکاری مثبت وی را داشـته باشـند. بـرای دسـتیابی بـه اصـول صحیح رفتـار بـا نوجوانان، ابتـدا نیازمند شـناخت علمـی و دقیـق آنهـا هسـتیم. ایـن مرحلـه خـود، کلیـد حـل بسـیاری از معضـلات دوران نوجوانـی اسـت. به‌عنـوان مثـال بیشـتر افـراد بزرگسـال، تغییـر و تحـوّلات روحـی نوجـوان را امـری غیرعـادی و نگران‌کننـده توصیـف می‌کنند و یـا حتّی اغلب والدیـن از منفی‌گرایـی فرزنـدان خـود رنـج می‌برنـد و آن را یک حادثه بـزرگ و صرفاً مرتبـط بـا خـود تلقـی می‌کننـد، حال‌آنکـه بـه اقتضـای سـنّ بلوغ، بیشـتر ایـن امور طبیعـی و مرحلـه‌ای گذرا و موقت اسـت. (شـرفی ۱۳۸۳) امام علـی(ع) در این زمینه می‌فرماینـد: «إِنَّمـا قَلـبُ الحَـدَثِ کَالـرضِ الخالیَـهِ مـا اُلقـیَ فیها مِـن شَـیْ ءٍ قَبِلَتهُ» دل نوجـوان ماننـد زمیـن آماده اسـت که هر بذری در آن افشـانده شـود، مـی پذیرد. (نهـج البلاغـه، نامه ۳۱)

فرهنـگ عمومـی جامعـه مـا الهـام گرفتـه از مکتـب روح‌بخـش اسـلام اسـت و ایـن جامعـه اسـلامی لازم اسـت بتوانـد فرهنـگ، ارزش‌هـا، باورهـا و اعتقـادات خـود را به نسـل نوجـوان و آینده‌سـازان کشـور منتقـل نمایـد. یکـی از مراکـز بسـیار مهـم کـه

می‌توانـد ایـن نقـش را ایفـا نمایـد، مسـجد اسـت. بـه دلیـل آنکـه مـردم در هـر روز چنـد نوبـت با مسـجد سـروکار دارنـد. صـدای اذان و وقت نمـاز را از مسـاجد دریافت می‌کننـد، بـرای نمـاز جماعـت در مسـاجد حاضـر می‌شـوند، در جلسـات قـرآن و سـخنرانی علمـا در مسـاجد حضـور پیدا می‌کنند، در مراسـمات مناسـبتی خاصی که برگزار می‌شـود و نیز در اعیاد، شـهادت‌ها و در مراسـم بزرگداشـت درگذشـتگان خود در مسـاجد حضـور می‌یابنـد، لـذا در صـورت وجـود جذّابیـت در بخش‌هـای مختلف اعـمّ از ظاهـری و معمـاری و نیـز در اهالـی مسـجد، هیئـت امنـا و روحانـی، می‌توان اثربخشـی بسـیار بیشـتری را در ذهـن و رفتـار مخاطبـان بر جـای گذاشـت. در حال حاضـر پـس از ورود بـه مسـجد، بـا نگاهـی گـذرا به جمـع حاضـر می‌تـوان به‌راحتی مشـاهده کـرد کـه اکثر حاضرین، افراد مسـن می‌باشـند و از نسـل جدیـد و نوجوانان تعـداد انگشت‌شـماری در مسـجد حضـور دارنـد. ایـن مشـاهده عینـی، بیانگـر ایـن واقعیـت اسـت کـه متولّیـان مسـجد به‌عنـوان یک عامل بسـیار مهـم ـ البتّـه در کنار سـایر عوامـل ـ نتوانسـته‌اند در جذب نسـل جدید بـرای حضـور در برنامه‌های عبادی و مذهبـی نقـش کاملـی را ایفـا نمایند.

بـا حضـور مرتـب در مسـاجد می‌توانیـم به وضـوح مشـاهده کنیم کـه فراوانی حضور مـردم و به‌ویـژه کـودکان و نوجوانـان در ایام سـال در مسـجد، از یک سـیر ناودیسـی و طاقدیسـی برخـوردار اسـت. یعنـی در ایامـی مثـل ماه محـرم به‌ویژه در دهـه اول و نیـز مـاه مبـارک رمضان به‌ویـژه در شـب‌های پر برکت قدر، شـاهد حضـور حداکثری مردم (طاقدیسـی) در مسـاجد هسـتیم، ولی در سـایر ایام سال، شـاهد حضور جمعی از مسـجدی‌های همیشـه در صحنـه و بـه یـک معنا حضور ناودیسـی عمـوم مردم در مسـاجد هسـتیم. ایـن موضـوع بیانگـر ایـن واقعیت اسـت که مـردم اعتقـاد درونی و قلبـی خـود را بـا همـه هجمه‌هـا، شـبهات و مشـقات همچنان حفـظ کرده‌انـد و این بـاور درونـی را در روزهـای خاصی در طول سـال بـه نمایش می‌گذارند؛ ولـی متولّیان امـور مسـجد بـرای جـذب ایشـان، به‌خصـوص کـودکان و نوجوانـان چه‌کارهایـی را می‌تواننـد انجـام دهنـد کـه شـاهد حضـور گسـترده‌تر و همیشـگی آنهـا در مسـاجد باشیم.

از طـرف دیگـر کـودکان و نوجوانـان در سـنین خـاص رشـد و بلـوغ قـرار داشـته و در ایـن سـنین، شـاهد رفتارهـای پرخطـر، تمایـل بـه تجربـه کـردن، آزمـون و خطـا نمـودن، اسـتقلال‌خواهی، اثبـات خـود و مـورد توجـه قـرار گرفتـن توسـط اطرافیان از سـوی ایشـان هسـتیم و اگـر ایـن تمایـلات رشـدی نوجوانان از سـوی یک مرکـز فعّال اعتقـادی و فرهنگـی مثـل مسـجد، در مسـیر صحیـح هدایـت نشـود، می‌توانیـم آثـار انحـراف ایـن نیـروی فوق‌العـاده را در جهـات دیگر مشـاهده کنیـم، ضمن آنکـه افراد و مراکـزی هـم هسـتند که به‌صـورت سـازمان‌یافته و در صورتی‌که نوجوانانمـان را جذب نکنیـم، آنهـا جذبشـان می‌کننـد و به‌سـوی هلاکـت سـوق می‌دهنـد. امـام صادق علیه‌السلام می‌فرماینـد: «بـادِروا أَحداثَکُـم بِالحَدیثِ قَبلَ أَن تَسـبِقَکُم إِلَیهِـمُ المُرجِئَهِ» به آموختن حدیـث بـه نوجوانانتـان پیـش از آن کـه منحرفین آنـان را گمراه سـازند، اقـدام نمائید. (تهذیـب الأحـکام، ج۸، ۱۱، ح۳۰) امـام خمینی رحمه‌الله در این ارتبـاط فرمایش حکیمانه و مدبّرانـه‌ای دارنـد، ایشـان می‌فرماینـد «به نماز و مسـاجد اهمیّت دهید کـه پرونده‌های دادگسـتری مـال بی‌نمازهاسـت و نمازخوان‌هـای واقعی در دادگسـتری پرونـده ندارند، شـیطان‌ها از مسـاجد و نمـاز می‌ترسـند، آنهـا می‌خواهنـد، از نمـاز جلوگیـری کنند و بعـد از خالـی کـردن سـنگرها حمله کننـد.» (صحیفـه نور،جلد۱۸)

ایـن ضرورت‌هـا موجـب پیدایـی ایـن موضوع تحقیق‌شـده اسـت که سـعی می‌کنیم در چنـد محور اصلی؛ بررسـی و شـناخت دقیق‌تـر نوجوان، خصوصیـات و ویژگی‌های نوجوانـی و نیازهـای اساسـی ایـن دوره، نقـش مسئولیت‌سـپاری به نوجوانـان، چرایی عـدم اعتماد متولّیان مسـاجد به نوجوانـان، راه‌های تعامل و ارتبـاط مثبت و اثربخش، صحیـح و جـذّاب، بـه این موضوعـات پرداخته و در نهایـت به جمع بنـدی جاذبه‌های رفتـاری اهالـی مسـجد برای جذب و حفـظ نوجوانان خواهیم رسـید.

بـرای اینکـه بتوانیـم نوجوانـان را بـه مسـاجد و شـرکت در برنامه‌هـای متعـدد آن، ازجملـه نمـاز جماعـت و سـایر برنامه‌هـای فرهنگی جذب کنیـم باید بـه مجموعه‌ای از عوامـل مؤثـر و مهـم در ایـن زمینـه، توجـه داشـته باشـیم کـه شـامل مـوارد زیـر می‌باشـد:

۱. شـناخت دقیـق نوجـوان، ابعـاد و مختصـات، ویژگی‌هـا و نیازهـای اساسـی او و

تـلاش در جهـت عالمانـه برخـورد کـردن بـا ایـن سـن خـاص و روحیـات حسّـاس.
۲. مسـجد، سـاختار کلّـی و معمـاری، محـل جغرافیایـی، داشـتن یـا نداشـتن برخی امکانـات جنبـی مثـل کتابخانه.
۳. هیئـت امنـا، ترکیـب سـنی، تحصیلـی، اخلاقـی و نحـوه تعامـل آنهـا بـا سـایرین به‌ویـژه نوجوانـان.
۴. روحانی، سن، سواد و تحصیلات، اخلاق و نحوه تعامل وی با نوجوانان.
۵. مؤلفه‌هـای اثربخـش در جـذب نوجوانـان کـه متناسـب با نیازهای سـن و سـال و اقتضـای حـال ایشـان اسـت از جملـه؛ اعتمـاد کردن بـه آنها ، مسـئولیت سـپاری به نوجوانـان بـرای اثبـات وجـود و نیز نحـوه تعامل صحیـح و جذّاب که موجـب گرایش ایشـان بـا ایجـاد یک احسـاس خـوب و انگیـزش درونی خواهـد بود.
۶. پایـگاه بسـیج، ترکیـب شـورا و تصمیم‌گیرنـدگان اصلـی، فعّالیت‌هـا و برنامه‌هـای جـذّاب کـه بخشـی از روحیّـات هیجان‌خـواه نوجـوان را در محیطـی سـالم، جـذب و پاسـخگو باشد.
۷. برنامه‌هـای فرهنگـی کانون‌هـای وابسـته بـه مسـجد از لحـاظ تنـوّع، تکثـر و پاسـخگویی بـه نیازهـای نوجوانـان.
۸. نگرش خانواده به مسجد و تشویق یا ممانعت از حضور نوجوانان در مساجد.
۹. نگرش اولیای مدرسه به مسجد محل و نحوه همکاری و تعامل با آنها.
۱۰. جـوّ دوسـتان و همسـالان نوجـوان، کـه همـراه و مشـوّق وی بـرای حضـور در مسـجد بـوده یـا مخالـف و مسـخره کننـده وی هسـتند.
۱۱. نوع تبلیغات رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما.
۱۲. ماهـواره، فضاهـای مجـازی و تلفـن همراه که امروزه به‌سـرعت در حال گسـترش بـوده و بیشـتر نوجوانان کنجـکاو را نیز جذب کرده اسـت.
بـا توجـه بـه هدف اصلـی این مقالـه که بررسـی جاذبه‌های رفتـاری اهالی مسـجد در جـذب و حفـظ نوجوانـان هسـت، سـعی می‌کنیـم کـه بیشـتر به ابعـاد مرتبط بـا این مـورد بپردازیـم و از بسـط سـایر مؤلفه‌هـا خـودداری خواهیم کرد.

» الف) نوجوان

روان‌شناسان برای فرآیند رشد انسان مراحلی را در نظر می‌گیرند که از شکل‌گیری انسان تا مرگ وی را در برمی‌گیرد. انسان در مراحل رشدی خود پس از دوران کودکی، دوره نوجوانی که در واقع دروازه ورود به دوره بزرگسالی است را تجربه می‌کند. در خصوص سن دقیق نوجوانی بین روان‌شناسان اتّفاق نظر قطعی وجود ندارد اما عموماً فاصله بین سال‌های ۱۲ تا ۲۰ سالگی را دوره نوجوانی قلمداد می‌کنند. (شرفی ۱۳۸۳، سالاری فر ۱۳۹۱)

نجفی (۱۳۸۲) در پژوهش خود چنین بیان می‌کند که: نوجوانی دوره پیچیده‌ای از رشد انسان است و درواقع صرف‌نظر از دوره نوزادی، در هیچ دوره‌ای از زندگی، تغییرات به‌اندازه نوجوانی، رخ نمی‌دهد. در طی این دوره، نوجوان بلوغ را تجربه می‌کند که بر رشد جسمانی، فیزیولوژیکی و روان‌شناختی تأثیر می‌گذارد و تغییرات فراوانی در مفهوم خود صورت می‌گیرد، نوجوان بحران هویّت را تجربه می‌کند، مسائل و مشکلات عاطفی افزایش‌یافته و نوجوان به دنبال تعیین نقش، جایگاه و مسئولیت خود در اداره زندگی است.

اریکسون (۱۹۵۰) اولین کسی بود که هویّت را به‌عنوان دستاورد مهم شخصیت نوجوانی و گامی مهم به‌سوی تبدیل‌شدن به انسانی ثمربخش و خشنود، تشخیص داد. تشکیل هویّت عبارت است از مشخص کردن اینکه چه کسی هستید، برای چه چیزی ارزش قائلید، چه کسانی برای شما ارزش قائلند و چه مسیری را می‌خواهید در زندگی دنبال کنید. (برک ۲۰۰۷، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۱)

مارسیا (۱۹۹۳) نوجوان را هویّتی در حال رشد تعریف می‌کند، هویّتی که در حال تبیین و تثبیت ساختار «من»، ساختار درونی و خود سازمان دهنده و پویایی آرزوها، اهداف، تجربیات، مهارت‌ها، باورها و تاریخچه فرد است. (به نقل از شهرآرا ۱۳۸۴) طبق نظر برزونسکی (۱۹۹۰) هویّت اساساً یک نظریه راجع به خویشتن است که شامل فرضیات، ساختارها و قیاس‌های منطقی منطبق با افراد است.

مینوچین (۱۹۷۴)، (ترجمه ثنایی، ۱۳۸۹) معتقد است هویّت مبتنی بر دو

رکـن اسـت؛ احسـاس تعلّـق و تمایـز. گروتوانـت و کوپـر (۱۹۸۵) یـادآور شـده‌اند که چگونگـی تعامـل والدیـن، معلمـان، همسـالان و افـراد مهـم و مؤثّـر در زندگـی فـرد، پیامدهـای رفتـاری ویژه‌ای را به همراه دارد. گلاسـر (۱۹۷۵) معتقد اسـت که نوجوان از طریـق تعامـل و درگیـری عاطفـی بـا اطرافیـان به توسـعه هویّـت خود می‌پـردازد، زیـرا خصوصیـات مشـترکی دارند.

حـال کـه بـه اجمال دانسـتیم ابعاد و مختصات نوجوان چیسـت و با بحـث هویّت‌یابی کـه مؤلّفه‌هـای بسـیاری درگـذر از ایـن بحران هویّـت مؤثرند آشـنا شـدیم، می‌دانیم کـه نوجـوان بـه دنبال کشـف و تکمیل چه چیزی اسـت، در نتیجـه می‌توانیم قضاوت بهتـری از شـرایط او داشـته باشـیم تـا بـا علـم بـه ایـن مـوارد بتوانیـم سـلامت روان نوجـوان را در خانـواده و جامعـه (مسـجد) تأمیـن کنیم. سـلامت روان آینـده جامعه، در گـرو تأمیـن سـلامت روان کـودکان و نوجوانـان آن جامعـه اسـت کـه بزرگسـالان آینده را تشـکیل می‌دهند. سـازمان بهداشـت جهانی در سـال ۲۰۰۱ مفهوم سـلامت روان را شـامل آسـایش ذهنی، احسـاس خـود توانمندی، خودمختـاری، کفایت، درک همبسـتگی بیـن نسـلی، شـناخت و توانایـی خـود در محقّـق سـاختن ظرفیت‌هـای عقلـی و هیجانـی خویـش می‌دانـد. (اصغـر نـژاد ۱۳۷۷) تحقیقـات نشـان می‌دهد در بیـن عوامـل مختلفی که در پرورش شـخصیت سـالم در کـودکان و نوجوانـان مؤثرند ؛ اعتمـاد، اسـتقلال دهـی و مسئولیت‌سـپاری و نحـوه برخـورد و تعامـل بـا نوجوانـان از مهم‌تریـن و بنیادی‌تریـن عوامـل در رشـد و سـلامت نوجوانـان بـه شـمار می‌آید و خانـواده جایـی اسـت که بـذر هویّـت، فرهنگ و شـخصیت هـر فـرد در آن پایه‌ریزی شـده و در مدرسـه و مسـجد تثبیت می‌شـود. (کمال نسـب ۱۳۸۵)

اگرچـه بیـن مراحـل مختلـف زندگـی حـدّ فاصـل وجود نـدارد و رشـد و نموّ انسـان به‌هم‌پیوسـته اسـت، ولـی تغییـرات و تحـوّلات دوران نوجوانـی به‌انـدازه‌ای بـارز و مشـخص هسـت کـه ایـن مرحلـه از سـن را به‌طورکلـی از سـایر مراحـل متمایـز می‌سـازد. ایـن تغییـرات و تحـوّلات نه‌تنهـا فیزیکی اسـت بلکـه در همه ابعـاد زندگی فـرد بـه وجـود می‌آیـد و بـا مجموعـه‌ای از خصائـص قابل‌رؤیـت و بررسـی هسـت. (معتمـدی ۱۳۸۳)

مجموعـه خصوصیاتـی کـه روان‌شناسـان ازلحـاظ فیزیکـی، روانـی و اجتماعـی برای دوره نوجوانـی برشـمرده‌اند به‌صـورت خلاصـه شـامل ایـن موارد هسـت:۱. بلـوغ؛ در ایـن دوره تغییـرات و تحـوّلات سـریع و عمیقـی در جسـم پدیـد می‌آیـد کـه سـبب پیدایـش خُلـق و خـو و رفتـار جدیـدی در فـرد می‌شـود. ۲. توجه خاص به پوشـش و وضـع ظاهـری ۳. سـن تکلیـف و مسـائل شـرعی ناشـی از آن ۴. دوره آرمان‌گرایی ۵. دوره انتقـال برزخـی ۶. دوره هویّت‌یابـی ۷. تخیّـل گرایـی ۸. دوسـتی‌های افراطی ۹. بی‌ثباتـی عاطفـی ۱۰. خواهش‌های متضـاد ۱۱. افراط در احساسـات ۱۲. ماجراجویی ۱۳. توجـه فزاینـده بـه جنس مکمل ۱۴. تعـارض و تنش با خانواده ۱۵. انتقاد نسـبت بـه همه‌چیـز و همه‌کـس جـز خـودش ۱۶. مشـکلات رفتـاری و درسـی ۱۷. زمینـه ابتـلا بـه آسـیب‌های اجتماعـی ۱۸. کاهـش نظـارت خانـواده و آزادی عمـل بیشـتر نوجوان (شـعاری نـژاد ۱۳۸۲)

» ب) نیازهای اساسی نوجوان

برای اینکه بتوانیم نوجوانان را در برنامه‌ها و فعّالیت‌های مسجد جذب کنیم، لازم است که به این نکته بسیار مهم روان‌شناختی توجه داشته باشیم که نوجوانان اصولاً دارای چه نیازهای اساسی هستند، زیرا با دانستن این نیازها، به شناخت بهتری از نوجوان که متناسب با ویژگی‌های شخصیتی هست، خواهیم رسید و در فعّالیت‌های مسجد توسط هیئت امناء و سایر اهالی مسجد، با علم به این شاخصه‌ها و تنظیم نحوه تعامل صحیح و جذّاب با اثربخشی افزون‌تری می‌توانیم به جذب نوجوانان در برنامه‌ها و امور مسجد نائل شویم.

۱. اثبات خود و ابراز وجود؛ نوجوان به‌شدّت نیازمند آن است که دیگران حضور او را قدر دانسته و ارج نهند و شخصیت او را به‌حساب آورند. این نوعی تمرین شخصیت برای او محسوب می‌شود که می‌خواهد در آینده‌ای نزدیک، به استقلال دست یابد و اتّکای خویش را از خانواده بردارد و متکی‌به‌خود شود. خانواده‌هایی که به این نیاز جامه عمل می‌پوشانند و به‌موقع پاسخگوی احتیاجات واقعی و اساسی شخصیت نوجوانان می‌شوند، کمتر در تقابل با نوجوانان خویش قرار می‌گیرند و این دوران را با آرامش بیشتری سپری می‌کنند. نوجوانان می‌خواهند خودی نشان دهند و به‌اصطلاح به اثبات ذات بپردازند تا برای بزرگسالی، دارای شخصیت مستقلی گردند. خانواده‌ها نیز باشخصیت دادن به آنها و تأیید این جنبه مهم از نیازهایشان و نیز میدان را برای تجلی اثبات شخصیت ایشان فراهم کردن، به تعادل لازم دست می‌یابند. (شرفی، ۱۳۸۳)

۲. نیاز به استقلال؛ در دوره نوجوانی وابستگی‌های عاطفی کمتر شده و به‌تدریج اتکای به خود و ملحق شدن به گروه‌های اجتماعی بیشتر می‌شود. در این دوره نوجوان سعی می‌کند، تصمیمات زندگی خود را به صورت مستقل گرفته و آنها را به‌انجام برساند. استقلال نوجوانان از ابعاد مختلفی قابل بررسی است، از جهات عاطفی، اقتصادی، فکری و فردی. (کشاورزی ۱۳۸۶)

۳. نیاز به جلب‌توجه و احساس دیده شدن (پذیرش و مقبولیت)؛ ازجمله نیازهای اساسی یک نوجوان این است که مقبول خانواده و اطرافیانش باشد. نوجوان

بایـد احسـاس کنـد کـه موقعیت مطلـوب و قابـل قبولی در بیـن افراد مهـم زندگی و اطرافیانـش دارد. اهالـی مسـجد با توجه بـه مراوداتی که بـا نوجوانان برقـرار می‌کنند و نیز سـوابق ذهنی و تجربیّات شـخصی که حاصل ارتباط با نوجوانان خودشـان بوده اسـت بـه برنامه عملی می‌رسـند که بـر اسـاس آن نوجوانان یک مسـجد از موقعیت و جایگاه یکسـانی در نزد ایشـان برخوردار نیسـتند، بلکه برخی در شـرایط بهتری قرار داشـته و بعضـی دیگـر در وضعیـت نامطلوبـی قرار گرفته‌انـد و این احسـاس نامطلوب توسـط نوجـوان می‌توانـد، منجـر بـه کناره‌گیـری و در نهایـت جدایـی نوجـوان از مسـجد شود.

ذکـر چنـد نمونـه از گفته‌هـای نوجوانـان در ایـن خصـوص: «مـن خیلـی در مسـجد کارکـردم ولـی هیچ‌کـس از مـن تشـکر نمی‌کـرد ولـی همین‌کـه بلندگـو از دسـتم بـه زمیـن افتـاد و صدمـه دیـد، مـورد تحقیـر همـه واقـع شـدم و مـرا بی‌دسـت‌وپا و بی‌عرضـه لقـب دادنـد.» «صورتـم جوش‌هـای زیـادی درآورده بـود و یکـی از بزرگان مسـجد هـر وقـت کـه مـرا می‌دیـد می‌گفـت ایـن جوش‌هـا را تخلیـه کـن خیلـی صورتـت بدشـکل شـده، حالـم را بـه هـم می‌زنـد. » «وقتی‌که بـرای اولیـن و آخرین بـار از بلندگـو اذان گفتـم، خیلـی اضطـراب داشـتم و صدایـم می‌لرزید و چنـد بار هم سـرفه کـردم، بعـد از اذان چنـد نفـر از پیرمردهـای مسـجد به مـن حملـه کردند که ایـن چـه وضعی اسـت؟ چـرا اذان را مسـخره کردی؟ بلد نیسـتی مگر مجبـوری؟ کی بـه تو گفتـه بـود کـه بـروی و اذان بگویی؟»

۴. احسـاس بزرگ شـدن؛ نوجوانان از شـنیدن مکرر «بچه» خسـته شـده‌اند و در سیر مراحل تکاملی خود دارای عجله و شـتاب بیشـتری هسـتند تا از این واژه جداشـده و فاصلـه بگیرنـد. آنهـا دوسـت دارنـد به‌عنـوان یک انسـان بزرگ مـورد توجـه و احترام باشـند و از شـنیدن مکرر«اون بچه اسـت»، «تو بچه‌ای»، « کار تو نیسـت»، «از پس ایـن کار برنمی‌آیـی» ملولند.

۵. جلـب اعتمـاد دیگـران؛ نوجـوان دوسـت دارد کـه مورد اعتمـاد واقع شـود و به وی کاری سـپرده شـود کـه مهـم اسـت و در شـرایط عـادی این کار بـه افـرادی بزرگتر از سـن او واگـذار می‌شـده اسـت. لذا تمـام تلاش خود را بـرای نشـان دادن توانش جمع

می‌کنـد تـا بتوانـد این اعتمـاد را ارزش گذاشـته و تقویـت نماید.
۶. نیـاز بـه شـهرت؛ یکـی از نیازهایـی کـه به‌خصـوص در عصـر حاضـر بـا گسـترش تبلیغـات رسـانه‌ای در بیـن نوجوانـان گسـترش بیشـتری یافتـه اسـت نیـاز بـه مطرح‌شـدن در جمـع و کسـب شـهرت اسـت. ایـن نیـاز بـرای نوجوانـی کـه در حال اسـتقلال‌خواهی هسـت به‌قـدری جـدّی اسـت که گاهـی اوقات بـرای حصـول به آن انـواع خطـرات مختلـف را بـه جـان می‌خرد. اهالـی مسـجد می‌توانند متناسـب با این نیـاز نوجـوان، اقـدام بـه ترتیـب دادن برنامه‌هایـی نماینـد که نوجـوان با نشـان دادن تـوان و لیاقـت خـود، ایـن نیاز خـود را نیز در جهت درسـت خود ارضا نمـوده و جذب فعّالیت‌هـای معنـوی گـردد.
۷. نیـاز بـه تعلـق بـه گـروه ؛ در جریـان رشـد فـردی و اسـتقلال‌طلبی نوجـوان و بـا کمرنـگ شـدن وابسـتگی بـه خانـواده، نوجـوان وارد گروه‌هـای همسـالان و سـایر گروه‌هـای اجتماعـی مثـل کانون‌هـا، انجمن‌هـا، هیئت‌هـا و بسـیج می‌شـود. نوجوان بـرای احسـاس تعلـق بـه گروه، بیشـترین فعّالیـت را از خود بـروز می‌دهـد. وارد گروه شـدن و تعلـق بـه گـروه، بـه معنـی پذیـرش و قبول گـروه توسـط نوجوان اسـت. هر نـوع رویـدادی کـه بـر ایـن پذیـرش اثـر بگـذارد، نوجـوان را دچـار تزلـزل، احسـاس بی‌اعتمـادی بـه خـود و احسـاس عدم‌کفایـت خواهـد نمـود. اینجاسـت کـه گـروه می‌توانـد اثـر نـرم و خـاص خـود را در تغییـر نوجوان نشـان دهد. در مـواردی نوجوان سـرخورده از گـروه بـه باندهـا و گروه‌هـای ناسـالم اجتماعـی می‌پیوندد تا بـر تنهایی و عـدم تعلّـق اجتماعـی خویـش فائق آیـد. (شـرفی ۱۳۸۳)
۸. نیـاز بـه هویّت‌یابـی و تثبیـت آن؛ به نظـر اریکسـون، هویّت عبارت اسـت از افتراق و تمییـزی کـه فـرد بیـن خـود و دیگـران می‌گـذارد. از دیـد او هویّـت یـک سـازه روانی-اجتماعـی اسـت کـه شـامل طـرز فکر، عقاید فـرد و نحـوه ارتباط او بـا دیگران می‌شـود. هویّـت فـردی نیـز جنبه‌هایـی از هویّـت اسـت کـه کمـک می‌کنـد فـرد خـودش را از دیگـران جـدا کنـد و شـامل دسـته‌ای از ارزش‌هـا، باورهـا و هدف‌هایـی اسـت کـه فـرد دارد و از دیـد دیگـران پنهان نیسـت. (برقـی مقـدم ۱۳۸۸) هویّت در کنشـی دائمـی بـا جهـان فیزیکـی و اجتماعـی رشـد می‌کنـد و ایـن فرآینـد رشـدی

در قالب ساخت‌های شناختی ظاهر می‌شود. هویّت اساساً یک نظریه راجع به خویشتن است که شامل فرضیّات، ساختارها و قیاس‌های منطقی منطبق با افراد است. (فیلیپس ۲۰۰۸، به نقل از انصاری ۱۳۸۸)

۹. نیاز به تجربه مسئول بودن؛ یکی از نیازهای بسیار مهم در نوجوانان این است که یک مسئولیت کاری به وی سپرده شود و آن کار با اجازه، هماهنگی، کمک و همکاری وی به‌انجام برسد. این نیاز نوجوان، همزمان چند نیاز دیگر را نیز ارضاء می‌کند مثل نیاز به جلب اعتماد دیگران، نیاز به احساس بزرگ شدن، نیاز به کسب احترام، نیاز به تجربه اندوزی، نیاز به مورد توجه واقع شدن و نیاز به اثبات خود. (کشاورزی ۱۳۸۶)

۱۰. نیاز به اشتغال فکری و جسمی؛ نوجوان سرشار از انرژی است و لازم است که این انرژی در موقعیت‌های مناسب به‌کارگرفته شود. اگر این اتفاق نیفتد با توجه به گرایش‌های جسمانی که در فرد ایجاد می‌شود، این انرژی به مسیرهای نادرستی منحرف خواهد شد، لذا لازم است که با برنامه‌ریزی دقیق بتوان اوقات فراغت نوجوان را از طریق برنامه‌های متنوع و مفرح فکری و جسمی در جهات مقبول، هدایت نموده و به‌صورت بهینه از آنها استفاده مطلوب را به عمل آورد.

۱۱. گرایش به کمال؛ مرز تفکیک انسان از سایر موجودات، عشق به برترین‌هاست که به معنای انسانیّت تجلّی می‌بخشد. از این منظر، کمال‌گرایی، به‌منزله نیاز روحی بشر تلقی می‌شود. کمال‌گرایی به نوجوانان بیش از بزرگسالان، پویایی می‌بخشد و آرمان نوینی فرا راه زندگیشان می‌آفریند. مذهب از سرچشمه‌های اصیل و منابع قابل اتکایی است که می‌تواند کمال‌گرایی نوجوان را ارضاء کند و برای پرسش‌های فطری نوجوان در خصوص ارزش‌های اخلاقی و معنوی، متصدّی تدوین ساختار ارزش‌ها شود. سلوک اخلاقی انسان را بر شالوده مذهب بهتر می‌توان بنا کرد. استخراج نمونه‌های بدیع و جذّاب از فرهنگ اسلامی در زمینه کمال‌جویی و استعلا و تدوین آنها در قالبی روان و شیوا، به نحو مطلوب و مؤثری اقناع‌کننده ذهن نوجوانان است. عرفان اسلامی، مظاهر کم‌نظیر و تکان‌دهنده‌ای از کمال جویان را در بردارد. نوجوان با درک دقیق و تفسیر صحیح کمال‌گرایی،

بـه نقطـه‌ای می‌رسـد کـه بـه بی‌حاصلـی و پوچـی بسـیاری از آرزوهای بشـری واقف می‌شـود، آنـگاه بـا چشـم‌اندازی گسـترده از قلّـه آگاهی به بسـتر حرکت‌های بشـری می‌نگـرد و در تکاپـوی روزمـره زندگـی، از اسـتعلای روحـی غافـل نمی‌ماند. (شـرفی ۱۳۸۳)

۱۲. نیـاز بـه معنویّـت؛ انسـان از ابتـدای تولّـد و در دوران طفولیـت سرشـار از فطرت پـاک و زلال اسـت و جوشـش‌های درونـی انسـان را که همـان بُعد اخلاقـی و مذهبی اسـت را سـبب می‌شـود. نوجـوان بـا دل و روح زلال و آرمان‌طلبـی کـه دارد به دنبال عدالت‌طلبـی و حقیقت‌جویـی و خداخواهـی اسـت. اعتقاد بـه خداوند، داشـتن ایمان و الگوهـای صحیـح رفتـاری و اعتقـادی، نه‌تنهـا روش زندگـی مناسـب را بـه کودکان و نوجوانـان می‌شناسـانند، بلکـه ارزش‌هایـی را کـه لازمـه یک زندگی سـالم اسـت به آنـان معرفـی می‌کننـد. بی‌اعتقـادی بـه ارزش‌هـای صحیـح زندگـی باعـث می‌شـود نوجوانـان معیارهـای بی‌ارزشـی را انتخـاب کننـد و درنهایت به سـرخوردگی و پوچی در زندگـی روآورند. (حجـازی ۱۳۹۱)

۱۳. نیـاز بـه تجربه‌انـدوزی؛ نوجـوان نیـاز دارد کـه در موقعیت‌هایـی قـرار بگیـرد که بتوانـد زندگـی اجتماعـی را یـاد بگیـرد، بـا دیگـران ارتبـاط برقـرار کـرده و در جهت رسـیدن بـه یـک هـدف مشـترک بـا کار جمعـی و گروهـی تـلاش کند و سـهم خود را در ایـن تـلاش جمعـی ادا نمایـد. در ایـن راه ممکـن اسـت با توجه به سـن و سـال و شـرایط نوجـوان اشـتباهات سـهوی هـم رخ دهـد ولـی اهالـی مسـجد بایـد بـا دید اغمـاض، اجـازه ایـن آزمـون و خطـا را بـرای رشـد هـر چـه بیشـتر نوجـوان بدهنـد. اگـر نوجـوان الان یـک اشـتباهی مرتکـب شـود و در محیطی دوسـتانه توأم بـا رأفت و عطوفـت معنـوی آن اشـتباه را تصحیـح کنـد، در آینـده از بسـیاری از آسـیب‌ها پیشـگیری خواهـد شـد و جامعـه هزینـه اشـتباهات بزرگتـر نوجـوان امـروز و جـوان فـردا را نخواهـد داد.

۱۴. نیـاز بـه تخلیـه هیجانـات؛ دوره نوجوانـی اوج دوره انـرژی، تحرّک و نشـاط و نیز اوج دوره هیجـان خواهـی و بی‌باکـی فـرد اسـت. بـا علـم بـه ایـن موضـوع می‌تـوان برنامه‌های آموزشـی متناسـب را از طریق پایگاه‌های بسـیج مسـتقر در مسـاجد برای

نوجوانـان طراحـی کـرده و در یـک محیـط معنـوی، کنتـرل شـده و مـورد تأیید این نیـاز نوجوانـان را جامـه عمل پوشـاند.

۱۵. نیـاز بـه کسـب احتـرام؛ همـه انسـان‌ها و از جملـه نوجوانان دوسـت دارنـد مورد تکریـم و احتـرام دیگـران باشـند و دیگـران در برخورد بـا آنها این احتـرام و ادب را در کـردار، گفتـار و حـالات چهـره و ظواهر رفتـاری خود نشـان دهند.

» ج) مسئولیت

واژه مسئولیت از لحاظ لغوی به معنی توانایی پاسخ‌دادن، و در عرف عمومی به مفهوم تصمیم‌گیری‌های مناسب و مؤثر است. منظور از تصمیم‌گیری مناسب، آن است که کودک و نوجوان در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می‌رود، دست به انتخابی بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش ایمنی، موفّقیت و آسایش خاطر وی شود. مسئولیت ارثی نیست و باید از طریق تجربه آموخته شود. (اسلامیه ۱۳۹۱)

یکی از راه‌های تربیت اجتماعی نوجوانان، نقش دادن به آنان در تصمیم‌سازی‌ها و پذیرش مسئولیت‌ها و ایفای آنهاست. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین» یعنی فرزند تا هفت سالگی سروری است که باید مورد احترام و اطاعت قرار گیرد و خواسته‌های صحیح او به نحو شایسته برآورده شود و در هفت سال دوم باید تحت تعلیم و تأدیب قرار گیرد و در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای فطری او به آموزش و پرورش او همّت گمارند و در هفت سال سوم وزیر است، پشتوانه و پشتیبان است یعنی کسی است که می تواند مسئولیتی را بپذیرد و به عنوان مشاور مورد مشورت قرار گیرد و از فکر و اندیشه او بهره برده شود.لازمه چنین نامگذاری در هفت سال سوم، تربیت و آمادگی فرزند برای پذیرش مسئولیت در دوره قبل از آن است. بنابراین لازم است کودک این آمادگی را در محیط خانه و ایّام تحصیل در مدرسه کسب نماید. مشورت کردن با نوجوانان نوعی جلب مشارکت آنان بوده و موجب رشد و تعالی شخصیت آنان می گردد، چه با این کار احساس مفید بودن و مستقل بودن کرده و راه مبارزه با مشکلات و یافتن راه حل برای آنها در آنان شکوفا می‌شود و اعتماد به نفس در ایشان تقویت می‌گردد. علاوه بر نظرخواهی از فرزندان نوجوان باید انجام برخی از امور را نیز به آنان واگذار کرد تا خود را بنمایانند. نشان دادن خود به خصوص در دوره نوجوانی، امری طبیعی است که اگر این نیاز به طور منطقی و صحیح ارضاء نشود، به شکل‌های غیر منطقی و نامعقول اشباع خواهد شد. با سپردن برخی مسئولیت‌های مربوط

بـه خانـواده، مدرسـه، مسـجد و یـا امـور شـخصی خـود فرزنـدان بـه آنها به تناسـب سنّشـان، می‌تـوان روحیـه کار و فعّالیـت، مؤثـر بـودن، نظـم و انضبـاط را در آنهـا بـه وجـود آورده و حـسّ مسـئولیت‌پذیری و مهارت‌هـای تصمیم‌گیـری را در آنهـا تقویت نمـود. (شـرفی ۱۳۸۳، کشـاورزی۱۳۸۶، اسـلامیه ۱۳۹۱)

» د) عوامل مؤثر در پرورش احساس مسئولیت در نوجوانان

برای اینکه بتوانیم احساس مسئولیت را در نوجوانان پرورش دهیم لازم است به مجموعه نکاتی توجه داشته باشیم.

۱. باور کردن توانایی‌های یک نوجوان و اعتماد کردن به او.

۲. نوجوان در دوران کودکی یاد می‌گیرد به شما اعتماد کند. حالا قضیه بر عکس است او می‌خواهد بفهمد که شما تا چه حد به او اعتماد دارید. (جودی فورد، ترجمه شهرآرای،۱۳۸۴)

۳. توجه کردن به یکی از نیازهای اساسی نوجوان که نیاز به اثبات وجود می‌باشد، نوجوان برای ثابت کردن خودش نیاز دارد که کاری به او سپرده شود تا او با علاقه و توان و تلاش، آن کار را به نحو احسن به انجام رسانده و برای خودش اعتبار کسب کند.

۴. مسئولیت و کار سپرده شده، به صورت عینی و دقیق مشخص شده باشد، تا امکان ذهنی شدن و اقدامات مغایر حذف شود. به طور مثال مسئولیت برگزاری جلسات قرآن که شامل ؛ هماهنگی با استاد برای زمان و مکان حضور، نصب اطّلاعیه و ثبت نام علاقمندان، آماده کردن کلاس و... می‌باشد به وی سپرده شود و مطابق با همان موارد اعلام شده هم، گزارش انجام کار اخذ شود.

۵. الگوگیری نوجوان در انجام مسئولیت از بزرگترها به ویژه امام جماعت مسجد، بدین منظور لازم است که بزرگان و به‌ویژه امام جماعت در انجام مسئولیت‌های خود دقّت کافی داشته باشند تا به عنوان الگو اثر مثبتی را بر نوجوانان داشته باشند.

۶. برای انجام درست مسئولیت‌های نوجوان، پیامدها و مشوّق‌های مناسب تعیین و اعلام شود.

۷. انجام امور مربوط به مسجد و تقسیم کار عامل مؤثر در تقویت احساس مسئولیت نوجوانان است.

۸. مشوّق‌های کلامی متناسب به همراه احترام به نوجوان و همکاری در جهت هر چه بهتر انجام شدن کار به عهده گرفته شده

۹. توضیح خواستن در فرآیند انجام مسئولیت و بررسی چالش‌های آن برای کمک به رفع موانع (براندن، ترجمه قراچه‌داغی، ۱۳۸۷)

۱۰. پرسش‌گری نوجوان؛ با شروع به انجام مسئولیت واگذار شده، نوجوان با مسائل متعدّدی روبرو می‌شود که برای حل آنها از راه‌های مختلف اقدام می‌نماید و پرسش‌های زیادی برایش مطرح می‌شود، پاسخگویی توام با صبر و حوصله به این پرسش‌ها موجب تقویت حس مسئولیت پذیری نوجوان خواهد شد. (فیشر، ترجمه کیان زاده، ۱۳۸۶)

۱۱. گاهی اوقات نوجوان یک کار را با روش خودش (روشی متفاوت از آنچه که تا به حال معمول بوده) به انجام می‌رساند و به همان نتایج یا بهتر از آن نتایج و یا با کیفیتی بهتر از قبل انجام می‌شود که در این صورت ضمن دادن اجازه این کار، باید مشوّق‌های کلامی و حمایت‌های عملی نیز صورت پذیرد.

» هـ) الگوهای عملی نوجوانان مسئولیت‌پذیر

الگوهـا و نمونه‌هـای اخلاقـی، همیشـه نیـروی محرکـه جامعـه بوده‌انـد و کاروان بشـریت را بـه اهـداف متعالـی و والا سـوق داده‌انـد. بـه ویـژه نوجوانـان کـه همیشـه مجـذوب قهرمانـان و سرمشـق‌های عالـی انسـانیّت بـوده انـد، در برابر ایـن جلوه‌های ارزشـمند، بـی اختیـار می‌شـوند و سـر تعظیـم فـرود می‌آورنـد. (شـرفی ۱۳۸۳)

۱. پیامبر اعظم ﷺ اسوه‌ی الهی

قـرآن کریـم بـا عنایت به نیاز انسـان برای داشـتن الگو در سـوره مبارکـه احزاب، آیه شـریفه ۲۱ چنیـن می‌فرمایـد: «و در شـخصیت رسـول خـدا ﷺ بـرای شـما الگویی الهـی وجـود دارد.» اگـر شـخصیت ارزشـمند حضـرت رسـول ﷺ بـه ویـژه در دوران نوجوانـی ایشـان بـه نوجوانـان معرفـی شـود و فضائـل اخلاقـی ایشـان کـه در عصـر جاهلیـت بـه عنـوان «محمـد امیـن» شـناخته شـده بودند تشـریح شـود، هالـه‌ای از پاکـی، قداسـت و حرکـت، نوجـوان را بـه وجد مـی‌آورد و شـیفته حضرتش می‌شـود. بیـان ویژگی‌هایـی همچـون امانـت، پاکـی و صداقـت، معصومیـت و معنویـت از بـدو تولـد و کودکـی، محـرک نوجوان بـرای تحصیل ارزش‌هـای الهی و معنوی می‌شـود و نیـروی خفتـه او را بـرای حرکـت و تـلاش بـه جریـان می‌اندازد.

۲. امام علی علیه‌السلام اولین موحّد

اولیـن شـخصیتی کـه به پیامبر خدا ملحق شـد، نوجوان ۱۰ سـاله‌ای بـه نام علی علیه‌السلام بـود، در عصـری کـه همـه بـزرگان و اشـراف قـوم، پیامبـر را تکذیـب می‌کردنـد، امـام علـی علیه‌السلام بـا تمـام وجـود از پیامبـر ﷺ و حقانیـت اسـلام دفـاع می‌کـرد و در حسـاس‌ترین و خطرناک‌تریـن برهه‌هـا یـار و همـراه رسـول الله ﷺ بـود، تشـریح جوانمردی‌هـا و مبـارزات قهرمانانه ایشـان، برای نوجوانی که شـیفته روحیه حماسـی و شـجاعت اسـت، همـراه بـا اخـلاق، تقـوا و کرامـت آن امام همـام، برای نوجـوان در برگیرنـده آثـار تربیتـی بزرگی اسـت.

۳. حضرت داوود علیه‌السلام قهرمان ۱۳ ساله

حکایت مؤثر دیگری که نوجوانان را جذب الگوهای راستین و واقعی می‌نماید، داستان حضرت داوود علیه‌السلام است که در پیکاری سهمگین، که هیچکس یارای مبارزه با جالوت را نداشت به نیروی ایمان و شهامت ذاتی و توکّل بر خدا، پای در راه مبارزه با او نهاد و او را از بین برد. خداوند نیز به پاداش این امر بزرگ، او را در مقام فرمانروایی و فرزانگی قرار داد. (شرفی ۱۳۸۳)

۴. اسامه فرمانده‌ی نوجوان

نوجوان ۱۸ ساله‌ای که در جنگ با کشور روم توسط شخص رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به مقام فرماندهی سپاه مسلمین منصوب شد.

۵. نوجوانان درخشان کربلا حضرت علی اکبر و قاسم علیهماالسلام

از جمله چهره‌های نورانی تاریخ کربلا این دو نوجوان پر افتخار هستند که شرح دلاوری‌های ایشان معمولاً در منابر ذکر می‌شود.

۶. حسین فهمیده، نوجوان ۱۳ ساله‌ای که الگوی رهبرش شد

حضرت امام خمینی قدس‌سره در تمجید از این نوجوان شجاع فرمودند: رهبر ما آن نوجوان ۱۳ ساله‌ای است که نارنجک به کمر بسته و به زیر تانک می‌رود.

» و) بررسی میدانی چرایی عدم اعتماد متولّیان مدیریت مساجد به نوجوانان در اداره امور

دوره نوجوانی با مختصات و ویژگی‌هایی که بیان شد، مهم‌ترین و حساس‌ترین دوران زندگی انسان به شمار می‌رود، این دوران همراه با تغییرات و دگرگونی‌های منحصر به فردی است که در هیچ مرحله دیگری وجود ندارد. از طرف دیگر، بسیاری از اهالی مسجد نیز که خود پدران و مادران نوجوانانی مشابه هستند، اطلاعات دقیقی نسبت به ویژگی‌های این دوره ندارند و نمی‌دانند باید با نوجوانان چگونه برخورد کنند و برخی از ایشان معتقدند که باید رفتاری را در پیش بگیرند که بزرگ‌ترهایشان و اهالی مسجد نسل قبل، در مورد آنها به کار گرفته‌اند. درحالی‌که با توجه به دگرگونی‌های اجتماعی و رشد علم و فناوری، فهم انسان‌ها و شناخت عقلی آنها و رفتارهایشان تغییر شکل داده و یا به‌کلّی منسوخ شده‌اند. با توجّه به مصاحبه‌هایی که با تعدادی از اعضای محترم هیئت‌امنا مساجد انجام دادم، اهمّ این دلایل را به شرح زیر دسته بندی و اعلام می‌شود:

۱. نوجوانان هنوز بچه هستند و زود است که کاری را به‌طور مستقل به آنها بسپاریم چون قطعاً از پس آن کار برنخواهند آمد و کار خراب خواهد شد.

۲. نوجوانان باهم لجبازی می‌کنند و کارها خراب می‌شود.

۳. میزان آگاهی و معلومات نوجوانان کم است و نمی توانند کار را به‌درستی به انجام برسانند.

۴. تجربه کافی برای انجام امور ندارند.

۵. ممکن است نوجوانان حرمت مسجد را در انجام کار نگه ندارند و کاری کنند که دور از شأن مسجد است.

۶. نوجوانان طهارت کافی را رعایت نمی‌کنند و بی‌احترامی به مقدسات می‌شود.

۷. نوجوانان در حین کار شوخی‌هایی می‌کنند که به بزرگ‌ترهای حاضر در مسجد بی‌ادبی می‌شود.

۸. آداب حضور در مسجد و نشستن صحیح در مسجد را رعایت نمی‌کنند.

۹. احکام شرعی را نمی‌دانند و در روند کار خلل وارد می‌شود.

۱۰. وقتی اشتباهی را به ایشان گوشزد می‌کنیم، نمی‌پذیرند.
۱۱. نوجوانان با سنّت‌ها و آداب و رسوم برنامه‌های مسجد همراه نمی‌شوند.
۱۲. صبر و حوصله کمی دارند و کار را نیمه رها می‌کنند.

» ز) اصول تعامل صحیح و جذّاب با نوجوانان

انسان موجود پیچیده و شگفت‌انگیزی است که تعامل با دیگران لازمه زندگی اوست. هنگام رویارویی با یک انسان، با دنیای عظیمی روبه‌رو می‌شویم که سیر در آن و یافتن پیچ‌وخم‌های آن مهارت و آگاهی زیادی را می‌طلبد. داشتن یک ارتباط کمابیش سالم با انسان‌های اطرافمان، مستلزم آشنا شدن با ویژگی‌های عمده رفتاری آنان است. این آشنایی و مهارت علی‌رغم تصور عمومی، نه‌تنها از طریق تحصیل و مطالعه به دست نمی‌آید، بلکه نحوه سلوک با مردم، یک هنر است. احتمال دارد یک نانوا بیشتر از یک پزشک در آن ظاهر باشد. داشتن تعامل با اطرافیانمان در گرو شناختی صحیح و البتّه نه همه جانبه، از افراد است چرا که هیچ‌گاه نمی‌توان یک انسان را از تمامی جوانب شناخت. هنگامی که یک شناخت کلّی از افراد به دست می‌آوریم می‌توانیم در جهت سازگار کردن خودمان با او و همچنین او با خودمان، گام‌های مؤثری برداریم. (شعاری نژاد، ۱۳۸۲)

مسجد یک سازمان اجتماعی کوچک است که روابط اعضای آن، بر مبنای اعتقادات دینی و درونی روحانی و سایر مسئولین با مردم و از جمله کودکان و نوجوانان، مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده روابط و مناسبات در این سازمان است. بدون تردید این روابط و تعاملات از اهمیّت بسیار بالایی برخوردار است، زیرا این روابط بسترهای لازم را برای جذب کودکان و نوجوانان و اجتماعی شدن بچّه‌ها و نیز سلامت جسم و روان آنان فراهم می‌کند.

در این بخش از مقاله تلاش می‌کنیم برخی از مهم‌ترین اصول تعامل صحیح با کودک و نوجوان در اختیار متولّیان عزیز مسجد قرار گیرد. با امید به اینکه عزیزان متصدی، بعد از آشنا شدن با این شیوه‌های صحیح برقراری رابطه و تعامل مثبت با کودکان و نوجوانان، محیطی سالم، پرنشاط و جذّاب را برای حضور و فعّالیت نسل جدید در مسجد مهیا نمایند.

۱. تبسّم به لب و چهره گشاده

در اولین برخورد دو انسان، نخستین چیزی که جلب توجه می‌کند حالت چهره

و صـورت ظاهـری فـرد می‌باشـد. اگـر صـورت فـرد حالتی بشّـاش و متبسّـم داشـته باشـد سـایر افـراد در خـود یک احسـاس راحتی بـرای برقـراری ارتباط با او احسـاس می‌کننـد. در تعالیـم اسـلامی، حدیثـی از امام علـی(ع) داریم که ایشـان می‌فرمایند: «المؤمـن بشـره فـی وجهـه و حزنه فی قلبـه» یعنی مومـن گشـاده‌رویی را در صورت نشـان می‌دهـد و انـدوه را در دل نگـه مـی‌دارد. بـه یاد داشـته باشـیم که اولیـن تأثیر بـه یـاد ماندنی‌ترین تأثیر اسـت. (فرخـی ۱۳۸۸)

۲. حالات ظاهری و بدنی

تحقیقـات روان‌شناسـان نشـان می‌دهـد بیـش از ۶۰ درصـد پیام از طریـق غیر زبانی بـه دیگـران منتقـل می‌شـود و تنهـا حـدود ۴۰ درصـد پیام‌هـا از طریـق گفتـار بـه مخاطبـان منتقـل می‌گـردد. ایـن امـر بدیـن معنـی اسـت که نـوع پوشـش ظاهری، حـالات بدنـی مـا در مکالمه بـا دیگران، حالات صـورت و چهره، نحـوه آرایش صورت، حـرکات سـر، نحـوه ایسـتادن، نحـوه اسـتفاده از دسـت‌ها در هنـگام صحبـت کـردن و در مجمـوع حالـت کلـی بـدن و چهـره بسـیار بیشـتر بـا مـا سـخن می‌گویـد. برابر پژوهش‌هـای انجـام گرفتـه، تأثیـر پیـام ؛ ۷% کلامـی، ۳۸ % بـه تُـن صـدا و لحـن آن و ۵۵% غیرکلامی(زبـان بـدن) اسـت. (اسـماعیلی ۱۳۸۸) بـه نظـر می‌رسـد حدیـث شـریف کـه می‌فرمایـد: «کونوا دعـاه للناس بغیر السـنتکم» مـردم را نه بـا زبانتان که بـا اعمـال و رفتارتـان بـه کار نیـک دعـوت کنید، ناظـر به همیـن بعـد از تأثیرگذاری عملـی، بیـش از گفتارهـای ظاهری باشـد. (خالقـی ۱۳۸۷)

۳. گوش دادن فعال

شـنیدن، عملـی غیـر ارادی اسـت کـه بـه توجّـه و دقّـت نیـازی نـدارد و ما مـدام در حـال شـنیدن اصـوات مختلفـی هسـتیم کـه بـه گوشـمان می‌رسـد، اما گـوش دادن عملـی ارادی و بـا خواسـت و انتخـاب گوش‌دهنـده اتفـاق می‌افتد. اصـوات گوناگونی کـه مـا عمومـاً متوجـه آنهـا نیسـتیم اگـر توجـه و دقّـت مـا را به خـود جلـب کنند و مـا بـه آنهـا گـوش دهیـم و مثـلاً بیـن اصواتـی که بـه گوش مـا می‌رسـد تمایـز قائل

شـویم کـه صـدای عُمَر اسـت یـا زید و نیـز چه می‌گویـد، در ایـن صورت مـا در حال گـوش دادن هسـتیم. گـوش دادنِ فعّـال یکـی از مهم‌ترین مـوارد در برقـراری ارتباط و تعامـل مثبـت بـا دیگـران اسـت کـه فنـون خُردتـری هـم دارد که بـا تمریـن قابل حصول اسـت. (شـفیع آبـادی ۱۳۹۳)

۴. گفتار در حد فهم و درک مخاطب

برقـراری رابطـه اثربخـش بـا مخاطب، مسـتلزم مکالمه در سـطح درک و فهم اوسـت والا گفتـاری کـه مخاطـب آن را نمـی فهمـد، ارزشـی بیـش از ارضـای غـرور و خـود بزرگ‌بینـی گوینـده نـدارد. در حدیـث شـریفی به نقل از رسـول خـدا ﷺ می‌خوانیم کـه می‌فرماینـد: «کلـم النـاس علـی قـدر عقولهـم» با مـردم به انـدازه سـطح درک و فهـم ایشـان سـخن بگوئیـد، مویّـد همین مطلب اسـت.

۵. نگاه کردن به چهره‌ی مخاطب

برقـراری ارتبـاط چهـره بـه چهره بـا مخاطب یکـی از اصـول انکارناپذیر بـرای تعامل اثربخـش می‌باشـد چـرا کـه مخاطـب احسـاس مثبت دیـده شـدن، مورد توجـه واقع شـدن و محتـرم بـودن می‌کند. لازم اسـت گوینـده در برقراری ارتباط بـه این موضوع مهـم توجـه داشـته باشـد. البتـه با توجـه به قیـود فرهنگـی و اعتقادی مـا در صورتی کـه گوینـده و مخاطب غیر همجنس باشـند، لازم اسـت که حریـم لازم را حفظ کرده و از نگاه‌هـای ممتـد پرهیـز نمایند.

۶. استفاده از کلمات تحسین آمیز و مشوّق‌های کلامی

نوجـوان در مراحـل رشـد خـود بـه شـدّت نیازمنـد مورد تحسـین واقع شـدن اسـت. اصـولاً همـه انسـان‌ها از مـورد تعریـف و تمجیـد واقـع شـدن خرسـند می‌شـوند و از گوینـده آن مطالـب نیـز، تصویـر مثبـت و مانـدگاری در ذهـن خود ترسـیم می‌کنند. چقـدر خـوب اسـت کـه در قبـال انجـام فعّالیت‌هـای درسـت، معقـول و خردمندانـه نوجوانـان، خسّـت به خـرج نداده و از ایـن ابزار افزاینـده رفتارهای مطلـوب به صورت

بجـا و منطقـی بهره‌منـد گردیـم. هنگامـی که بـا نوجوان روبرو می‌شـوید سـعی کنید بـا او برخـورد مثبـت داشـته باشـید از کلمه‌هـا و عبارت‌هـای تشـویق آمیـز اسـتفاده کنیـد و بـه دنبـال نقـاط مثبت او باشـید نـه عیب‌جویـی و ایـراد گرفتن. مفهـوم این اصـل ایـن اسـت کـه او را تشـویق کنیـد، نـکات مثبـت او را ببینیـد و یـادآور شـوید، توانایی‌هـای او را مدنظـر داشـته باشـید. (البـرزی ۱۳۹۰)

۷. همدلی

مبنـای مهـم روان‌شـناختی ارتبـاط مؤثر بـا نوجوانـان، فرآیند همدلی اسـت. همدلی لزومـاً مسـتلزم آن اسـت که نوجوان بدانـد والدین او را درک کرده‌انـد. چنین ارتباطی فراتـر از آن اسـت کـه صرفـاً بگوییـم «مـن احسـاس شـما را درک می‌کنـم.» بـرای همدلـی ابتـدا بایـد تجربه عاطفی نوجـوان را دقیقاً درک کرد و سـپس آنچه را والدین فهمیده‌انـد در قالـب کلمـات یـا اشـارات بـه نوجـوان منتقـل کـرد. طبیعی اسـت که علایـم غیرکلامـی در ارتبـاط والدیـن بـا نوجـوان نقـش مهمی ایفـا می‌کنـد. همدلی غیـر از همـدردی اسـت. همـدردی، نگرانـی، تأسـف یـا ترحمـی اسـت کـه شـخص ممکـن اسـت نسـبت بـه دیگـری احسـاس کنـد یا نشـان دهـد، امـا همدلـی عبارت اسـت از کوشـش بـرای هم احساسـی بـا دیگری بـرای درک احساسـات وی از دیدگاه خود اوسـت. همدلی مشـارکت در احسـاس دیگران اسـت، نه اظهار احساسـات خود. ایجـاد و رشـد همدلـی نیازمنـد تلاش در سـه بعد مهم شـناختی، عاطفـی و ارتباطی است:

۷-۱. مؤلفـه شـناختی همدلـی؛ والدیـن را ملزم می سـازد که رفتار نوجـوان را دقیقاً مشـاهده کـرده از معنـای مشـاهدات خـود آگاهـی یابند. همدلـی نیازمند آشـنایی با تجربـه رفتـاری نوجـوان و نیـز اطـلاع از تأثیـرات آن رفتـار اسـت؛ اطلاعاتـی نظیـر تأثیـرات رفتـار نوجـوان بر افـکار و عواطـف او و یا هنـگام رویارویی با مسـائل مختلف زندگی.

۷-۲. مؤلفـه عاطفـی همدلـی؛ نیازمنـد حسّاسـیت بـه احساسـات نوجـوان و گـوش دادن بـه گفته‌هـای او دربـاره احساسـات خویش اسـت. این احساسـات در قالب کلام،

حـرکات و یـا اعمـال نوجـوان جلوه‌گـر مـی شـود. ایـن مؤلفه‌هـا نیازمنـد هماهنگـی دریافت‌هـای والدیـن از عواطـف نوجـوان بـا رفتارهـای نوجوان اسـت.

۳-۷. مؤلفـه ارتباطـی همدلـی؛ متمرکـز بـر انتقـال ایـن نکتـه بـه نوجـوان اسـت که والدیـن او را درک کـرده، حقایقـی دربـاره تجـارب و رفتارهـای نوجـوان می‌داننـد و احساسـات کنونـی او را دقیقـاً درک مـی کننـد. بـه عبـارت دیگـر، همدلـی مسـتلزم آن اسـت کـه بـه نحـوی بـه نوجـوان منتقـل شـود کـه والدیـن او را درک مـی کنند. (رحیمـی نیـک ۱۳۸۹)

۸. ابراز عواطف مثبت

یکـی دیگـر از مبنـای روان‌شـناختی ارتبـاط مؤثـر والدیـن و نوجوانان، ابـراز عواطف مثبـت اسـت. مـا عواطـف مختلفـی را در طـول زندگـی روزانـه تجربـه می‌کنیـم و اظهـار می‌نماییـم. حالـت عاطفـی مـا در هـر لحظـه بـر ادراک، شـناخت، انگیـزش، تصمیم‌گیـری و قضاوت‌هـای بیـن فردی مؤثر اسـت. ابـراز عواطف مثبـت از دو طریق می‌توانـد بـر ارتبـاط والدیـن و فرزنـدان تأثیر گـذارد:

- نخسـت اینکـه والدیـن می‌تواننـد با ابـراز عواطـفِ مثبت، کاری کننـد که در فرزنـد موجـب احسـاس مطبـوع شـود و فرزنـد مایل می‌شـود آنچـه در مـا ایجاد خوشـایندی می‌کنـد انجـام دهد.
- دوم اینکـه وجـود والدیـن به هنـگام برانگیختگی عواطف مثبـت نقش مهمی در پیامـد علاقـه فرزنـد بـه والدیـن دارد و در واقـع، به شـکل‌گیری نگـرش مثبت بـه سـخنان والدیـن می‌انجامـد و زمینه را برای همـکاری و پذیرش پیشـنهادهای آنهـا فراهـم می‌کند.

بنابرایـن طبـق این دیدگاه، انسـان از کودکـی نیاز به توجه عاطفی مثبـت دیگران، آن‌هم به‌طـور غیرمشـروط دارد. آنچـه مهم اسـت اسـتمرار این توجـه عاطفی مثبت اسـت، زیرا والدیـن معمـولاً بـه فرزنـد خـود ایـن توجـه عاطفـی مثبـت را دارند، ولـی به‌تدریـج این توجـه مثبـت بـه رفتارهای خاصی از فرزند مشـروط می‌شـود و دوسـتی و عواطف مثبت خـود را مشـروط بـه خوب بـودن رفتـار کودک می‌کننـد در آن صـورت، این تلقّـی برای

کـودک شـکل می‌گیرد کـه گویا تمام شـخصیت او پذیرفته نشـده اسـت. بنابرایـن، باید والدیـن نسـبت به کودک پذیرش کامل داشـته باشـند. (کمالـی ۱۳۹۱)

۹. پذیرش مثبت غیرمشروط

یکی دیگر از مهم‌ترین مبانی روان‌شـناختی ارتباط مؤثر با نوجوانان پذیرش غیرمشـروط نسـبت بـه نوجوانان اسـت، بدین معنا که، نوجـوان را آن‌گونه که هسـت بپذیرند، هرچند ممکـن اسـت رفتـار او مـورد پذیرش آنـان نباشـد. باید به نوجـوان به‌عنوان یک شـخص مسـتقل احتـرام گذاشـت و بـرای او به‌عنوان یک انسـان بـا توانایی‌هـا و رغبت‌های خاص خـود، ارج و ارزش قائـل شـد. والدیـن مؤثـر بایـد نخسـت یـک شـنونده خوب باشـند تا بتواننـد در زمینـه تعبیـر و تفسـیر اطلاعـات و ارائـه کمـک و راهنمایـی و تأثیرگـذاری مطلـوب اقـدام ورزنـد. نوجوانـان نیـاز دارند کـه با تمام وجود احسـاس کنند مورد عشـق و علاقـه والدیـن، افـراد مهم زندگی، مربیّان و پذیرش غیرمشـروط توسـط آنان هسـتند، هرچنـد کـه اعمـال و رفتارشـان احتمالاً مـورد تأیید آنان نخواهـد بـود. به‌بیان‌دیگر، باید مفهـوم «مـن را دوسـت دارند اما از کارم خوششـان نمی‌آید» را با تفکیـک معنی در مورد والدیـن احسـاس کنند. (اون، ترجمه فهیـم، ۱۳۸۹)

۱۰. لزوم آموزش و تربیت

ایـن اصـل بـر این باور مبتنی اسـت که انسـان موجـودی یادگیرنده اسـت و کودک و نوجـوان همان‌طـور رفتـار می‌کنـد کـه آمـوزش می‌بیند و تربیـت می‌شـود. زمانی که کـودک رفتـار نادرسـتی از خـود بروز می‌دهد لازم نیسـت او را سـرزنش کنید. در این شـرایط توصیـه می‌شـود علـل بـروز آن رفتـار را بررسـی کنید. شـاید کـودک در این مـورد خـاص، آمـوزش ندیده اسـت و یـا ممکن اسـت به‌وسـیله یادگیریّ مشـاهده‌ای از محیـط، ایـن رفتار را آموخته باشـد.

۱۱. انعطاف، اغماض و سعه‌ی‌صدر

بـا اغمـاض و سـعه‌صدر بـا نوجـوان تعامـل کنیـد. حساسـیت و عکس‌العمـل شـدید

میـل بـه تکـرار آن رفتـار را در کودک و نوجوان بیشـتر می‌کنـد و به‌اصطلاح «جَری» می‌شـود. در برخـی مـوارد موجـب می‌شـود کـودک احسـاس گنـاه کنـد. در ایـن وضعیـت تکـرارِ رفتارِ نامطلوب مشـاهده می‌شـود. کـودک مقاومت و لجبـازی می‌کند و بالاخره ناامنی روانی، وسـواس و ناسـازگاری پدید می‌آید. شایسـته اسـت خطاهای کـودک یـا نوجـوان را به‌طـور محرمانـه، صمیمانـه، بامحبّـت و به‌طور غیرمسـتقیم به او متذکـر شـوید و از خطاهـای کوچـک نیـز چشم‌پوشـی کنید.

۱۲. اصل پذیرش و احترام متقابل

کـودک و نوجـوان را همان‌طـور کـه هسـت بپذیرید، نه آن‌طـور کـه در رؤیاهای خود تصور می‌کنیـد و بدانیـد اگـر کـودک یـا نوجـوان در خانـواده پذیرفتـه شـود و مـورد احتـرام قـرار گیـرد یـاد می‌گیـرد کـه خـود را بپذیـرد. کـودک بایـد بدانـد کـه چـه درسـخوان باشـد و چـه نباشـد، چـه زیبـا باشـد و چـه زشـت، چـه دختر باشـد و چه پسـر، نـزد مـادر و پـدر پذیرفتـه شـده و مـورد احترام اسـت.

۱۳. اصل پاسخگویی به پرسش‌های کودک و نوجوان

بـا پرسـش‌های کـودک بـه طـرق گوناگـون می‌تـوان روبـرو شـد. باید بـه حرف‌های کـودک به‌طـور فعّالانـه گـوش داد و بـه پرسـش‌های او باصداقـت، کوتـاه، سـاده و بـا ارائـه مثال‌هایـی و در حـدّ فهـم او پاسـخ دهیـد. محتـوای پاسـخ‌ها بایـد به‌تدریـج، متناسـب با سـن و ظرفیت ذهنی او باشـد. با سـؤال‌های کودک برخورد تشـویق‌آمیز داشـته باشـید و بـرای مثـال بگوییـد: «به‌به چه سـؤال خوبـی» و هنگام روبرو شـدن بـا سـؤال‌های گوناگـون کـودک او را دعـوت به اندیشـیدن کنیـد و بگوییـد: منظورت از ایـن سـؤال چیسـت؟ می‌توانـی بیشـتر توضیـح بدهـی؟ چطور شـد که این سـؤال بـه ذهنـت آمـد؟ خـودت چـی فکـر می‌کنـی؟ بیـا با هـم فکـر کنیـم و با هـم جواب درسـت را پیـدا کنیـم.... به‌هیچ‌عنـوان با پرسـش‌های کـودک برخورد تمسـخرآمیز و تحقیرآمیـز نداشـته باشـید. از بیـان عباراتـی مثل این چه سـؤالی اسـت می‌پرسـی یا ایـن فضولی‌هـا بـه تـو نیامده یـا خندیدن به سـؤالات کـودک جـداً خـودداری کنید.

در مـورد ایـن اصـل در طـی مطلب جدیـدی به‌طور مفصـل توضیح داده خواهد شـد.

۱۴. اصل قاطع و جدّی بودن

در کنـار تمـام اصـول برقـراری رابطـه انسـانی بـا کـودک و نوجـوان، اصـل دیگـری مطـرح می‌شـود و آن اصـل قاطـع و جدّی بودن اسـت. اکثـر والدین یا قاطع هسـتند یـا مهربـان؛ در حالی‌کـه معـدودی از والدیـن هـم قاطـع و هـم مهربـان هسـتند. تُن صـدا نشـان‌دهنده تمایـل شـما بـه قاطـع بـودن و مهربـان بـودن اسـت و همزمـان پیگیـری شـما بـا عمـل و رفتـار مناسـب، جـدّی بودن شـما را نشـان می‌دهـد. هرگز قاطـع بـودن را با خشـونت و سـختگیری یکـی ندانید. منظـور از قاطع و جـدّی بودن ایـن اسـت کـه همواره میـان شـما و فرزندتان باید اصولی حاکم باشـد و رعایت شـود. زمانـی کـه توصیـه می‌شـود با کـودک خود دوسـت باشـید به ایـن معنا نیسـت که با آنهـا جـدّی نباشـید و اجازه بدهید که کودک از دوسـتی با شـما سـوء اسـتفاده بکند. کـودک بایـد بدانـد از آزادی بی‌قیـد و شـرط برخوردار نیسـت و در مـواردی که پدر و مـادر مشـخص کرده‌انـد اگـر رعایـت نکنـد منـع می‌شـود و پدر و مـادر در ایـن مورد بـا او جـدّی هسـتند و تسـلیم گریـه او نمی‌شـوند. گاهی بـا قهر کردن موقـت و چهره را در هـم کـردن می‌تـوان بـه کودک یـاد داد از رفتـار او راضی نیسـتید.

بـا توجـه بـه مباحـث ذکرشـده، می‌تـوان جاذبه‌هـای رفتـاری اهالـی مسـجد را کـه منجـر بـه جـذب نوجوانان به مسـجد و فعّالیت‌هـای متنوع عبـادی ـ فرهنگی و حفظ ایشـان در ایـن مسـیر می‌گـردد را بـه شـرح جدول زیـر جمع‌بنـدی و اعـلام نمود:

دافعه‌های رفتاری اهالی مسجد	جاذبه‌های رفتاری اهالی مسجد
۱- دارای چهره‌ای عبوس، اخمو و ابرو درهم کشیده باشند.	۱- دارای چهره‌ای بشاش، خندان و معطر باشند.
۲- زبانی تندوتیز و بد داشته باشند.	۲- با زبانی نرم، شیوا و شیرین، سخن بگویند.
۳- توجّهی به صحبت‌های نوجوانان نکنند.	۳- به سخنان نوجوانان خوب گوش دهند.
۴- با گفتار و رفتار، موجب به خطر افتادن امنیت خاطر نوجوانان شوند.	۴- باکرامت نفس با نوجوانان تعامل کنند.
۵- احترام لازم را به نوجوانان قائل نباشند.	۵- احترام و ادب به نوجوانان را همچون بزرگان ابراز نمایند.
۶- به نوجوان سوء ظن داشته و بدگمان باشد.	۶- به نوجوان فرصت اندیشیدن بدهند.
۷- بی‌ملاحظه، نوجوان را سرزنش و تحقیر نموده و آبروی نوجوان را در بین سایرین ببرند.	۷- نیازهای نوجوانان را درک کرده و متوجه آنها باشند.
۸- بین نوجوانان رقابت ناسالم و نزاع ایجاد کنند.	۸- تشویق و قدردانی به‌موقع در کارها را به‌عنوان ابزاری برای ایجاد رقابت سالم بکار گیرند.
۹- در حضور جمع، مشکلات و نواقص نوجوانان را بگویند.	۹- در حضور جمع شایستگی‌های نوجوانان را بگویند.
۱۰- هیچ عذری را نپذیرند و خشن، برخورد سلبی کنند.	۱۰- عذر نوجوان را برای اشکالات کاری بپذیرد و دلسوزانه برای کارهای بعدی، او را راهنمایی کنند.
۱۱- سخنان نوجوان را مکرر قطع کرده بی‌توجهی کنند.	۱۱- اجازه ابراز وجود به نوجوانان بدهند.
۱۲- نوجوانان را بی‌عرضه بدانند و هیچ کاری به کسی واگذار نکرده و همه امور متمرکز دست خودشان باشد.	۱۲- به هر نوجوانی متناسب با توانش کار و مسئولیتی را واگذار کنند.
۱۳- نوجوانانی که لباس و ظاهری مناسبی ندارند را طرد کنند.	۱۳- نوجوانان را با هر لباس و ظاهری بپذیرند.
۱۴- بین نوجوانان تبعیض بگذارد.	۱۴- به همه با یک دید نگاه کند.

دافعه‌های رفتاری اهالی مسجد	جاذبه‌های رفتاری اهالی مسجد
۱۵- خیلی از نوجوانان را شایسته تعامل ندانند.	۱۵- با همه ارتباط و تعامل داشته باشند.
۱۶- راجع به موضوع چیزی ندانند ولی اصرار بر اجرای حرف خودشان داشته باشند.	۱۶- به مسائل و موضوعات مطرح‌شده تسلط علمی و فکری داشته باشند.
۱۷- خودشان به آنچه می‌گویند، عامل نباشند.	۱۷- آنچه را می‌گویند با عمل خود نشان دهند.
۱۸- فاقد برنامه بوده و هرلحظه یک‌جور رفتار کنند.	۱۸- در تعامل با نوجوان، یک برنامه تربیتی مشخص داشته باشند.
۱۹- سریع قضاوت کرده و زود تصمیم بگیرند.	۱۹- پیش‌داوری و قضاوت عجولانه نداشته باشند.
۲۰- از القاب زشت و زننده و تحقیرکننده برای مخاطب قرار دادن نوجوانان استفاده کنند.	۲۰- از القاب زیبا برای مخاطب قرار دادن نوجوانان استفاده کنند که موردپسند خودشان هم باشد.
۲۱- زیاد حرف بزنند و خیلی نصیحت کنند.	۲۱- سخنانشان ناظر به رشد نوجوانان باشد.
۲۲- حضورشان موجب طرد و فرار نوجوان از مسجد شود.	۲۲- مجموع کردارها به‌گونه‌ای باشد که نوجوانان را از روی میل، عشق و رغبت درونی به مسجد جذب کند.
۲۳- دیگران را دعوت به ذکر خدا و عبادت کند و خودش وقتش را در سایر امور صرف کند.	۲۳- ایمان و ذکر و یاد خدا در سخنان، رفتار و کردارشان مشهود و ملموس باشد.

» نتیجه‌گیری

بررسی‌های میدانی، تجربیات شخصی و گفتگو با نوجوانان و اعضای فعّال مساجد نشان می‌دهد، از جمله دلایلی که مانع جذب نوجوانان و جوانان به مسجد هست، سست شدن علایق و انگیزه‌های درونی، گرایش به معنویت‌های کذایی، جذّابیت امور مادی و شهوانی، رفتارهای غیر جذّاب و دفع‌کننده اهالی مسجد و برخوردهای سطحی آنها با نوجوانان، فقدان جهان‌بینی مطلوب و نداشتن باورهای صحیح و منطقی در این خصوص هست. اگر باورهای یک انسان، غیرمنطقی، سراب گونه و غلط باشد، طبیعی است که رفتار، اعمال و کردار مبتنی بر آن باورها صحیح، متکامل و سعادت آفرین نخواهد بود. اعمال و حرکات، کنش و واکنش‌های رفتاری و جلوه‌های عملی فرد، نمودی از باورهای درونی اوست، به‌طور مثال کسی که انسان باورمندی به یکتایی خدا و معاد باشد، در حقیقت انسانی وارسته و مؤمن است، ایمان و باورهای دینی و مذهبیش حتّی در ظاهر اعمال، رفتار، حرکات، سکنات، نگاه و برخوردهای او اثر می‌گذارد. برای نمونه از پوشش نامناسب و حضور در مجامع یا از ورود به مواضع اتهام و موارد احتمال لغزش و گناه پرهیز می‌کند و ما از روی مشاهده این رفتارها به مجموعه باورهای ارزشمند وی پی می‌بریم.

به نظر بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی و متخصصان علوم تربیتی، انضباط اجتماعی، مستلزم کنترل و تسلّط اجتماعی است و این پدیده خود متکی بر اجتماعی ساختن اعضاست، به‌گونه‌ای که آنان بخواهند مطابق انتظارات جامعه رفتار کنند. شناساندن انتظارات اجتماعی یک جامعه دینی به نسل نوجوان و جوان، آنها را قادر می‌سازد تا خود را در جایگاه پذیرش و مقبولیت اجتماعی ملاحظه نموده و برای ایفای نقش خود، آگاهانه وارد صحنه شوند. معرفی نهادها و مراکز اجتماعی به‌ویژه مراکز اعتقادی و هویّت دهی دینی همچون مسجد، و کارکردهای آنها ، برای نسل نوجوان یک ضرورت منطقی محسوب می‌شود. چراکه شناخت هر پدیده، مقدمه انس، الفت و در نهایت دل‌بستگی به آن است. ترغیب نوجوانان به بحث و اظهارنظر در خصوص زمینه‌های مشارکت اجتماعی

و حـدود مسـئولیت‌های آنـان در مسـجد، موجـب رشـد و تعالـی انضبـاط اجتماعـی خواهـد بـود. زیـرا عمـل به قواعـد و مقرراتـی کـه برخاسـته از تفکـر و اراده نوجوانان باشـد، پایبنـدی و تعهّـد عمیق‌تـری را بـه دنبـال خواهـد داشـت. پـرورش اعتماد به نفـس نوجوانـان و تقویـت حـسّ «خودبـاوری» در آنان، عـلاوه بر این‌کـه توانایی‌های عمومـی را افزایـش می‌دهـد، دامنـه مسـئولیت‌پذیری اجتماعـی را نیـز توسـعه می‌بخشـد. رسـول اکـرم ﷺ می‌فرماینـد: «اَوسِـعوا لِلشَّـبابِ فی‌المجلـس وَ اَفهِموهُمُ الحَدیـثَ فَاِنَّهُـمُ الخُلـوفُ وَ اَهـلُ الحَدیـثِ»؛ برای جوانـان در مجالس جـای بازکنید، و امـور نـو و جدیـد را بـه آنان تفهیـم کنید، چرا کـه این گـروه جایگزین شـما و درگیر مسـائل جدیـد خواهنـد شـد. (الفـردوس، ج ۱، ۹۸، ح ۳۲۰، بـه نقل از سـایت تبیان)

نوجوانـان و جوانـان مـا به‌طـور طبیعـی بـه کارهـای نـو و افـکار جدیـد علاقه‌منـد هسـتند. آنـان شـیفته مطالـب تـازه و سـبک‌های نویـن روزگار خـود می‌باشـند بـه سـخنان جدیـد باکمـال دقـت گـوش می‌دهنـد و دربـاره مطالـب نو بـا علاقه فـراوان گفتگـو می‌کننـد. امـام علـی ؑ می‌فرماینـد: «إذَا احتَجتَ إلَی المَشـوَرَه فـی أَمرٍ قَد طَـرَأَ عَلَیـکَ، فَاسـتَبدِه بِبدایَـهِ الشَّـبّانِ، فَإنَّهُم أَحَدُّ أذهانا وَأَسـرَعُ حَدسـا، ثُـمَّ رُدَّهُ بَعدَ ذلِـکَ إلـی رَیِ الکُهـولِ وَالشُـیوخِ لِیَسـتَعقِبوهُ وَیُحسِـنُوا، الاِختیـارَ لَـهُ فَـإنَّ تَجرِبَتَهُـم أَکثَـرُ»؛ هنگامی‌که در پیشـامدی احتیاج به مشـورت داشـتی ابتدا بـه جوانان مراجعه نمـا، زیـرا کـه آنـان ذهنـی تیزتر و حدسـی سـریع‌تر دارند، سـپس (نتیجـه) آن را به نظـر بزرگسـالان و پیران برسـان تـا پیگیری نموده، عاقبـت آن را بسـنجند و راه بهتر را انتخـاب کننـد زیـرا تجربـه آنـان بیشـتر اسـت. (شـرح نهج‌البلاغـه، ج ۲۰، ۳۳۷، ح۸۶۶) مسـجدی‌های مـا بایـد متحـوّل شـوند و پاسـخگوی نیازهـای روز نوجوانـان باشـند. یکـی از خلأهایـی کـه نوجوانـان اظهـار می‌دارنـد ایـن اسـت کـه اطلاعـات علمـی و بـه‌روز آنهـا بیشـتر از بزرگترهایشـان اسـت و در تعامـل بـا آنهـا بـه دلیـل فقـدان اطلاعـات لازم، عمومـاً با مخالفـت کردن، تندخویی و به‌حسـاب نیاوردنشـان، واکنـش نشـان می‌دهنـد. امـا ایـن واکنـش نبایـد به‌گونـه‌ای باشـد کـه راهـی بـرای برگشـت وجود نداشـته باشـد. امام علـی ؑ می‌فرماینـد: «اِذا عاتَبتَ الحَـدَثَ فَاترُک لَـهُ مَوضِعـا مِـن ذَنبِـهِ لِئَـلّا یَحمِلَـهُ الخـراجُ عَلَـی المُکابَـرَهِ» هـرگاه جـوان را توبیـخ

کـردی، برخـی خطاهـای او را نادیـده بگیـر، تا توبیـخ تو، او را بـه مقابله وادار نسـازد. (شـرح نهج‌البلاغـه ابن ابی الحدیـد، ج ۲۰، ۳۳۳، ح ۸۱۹) روان‌شناسـان معتقدند که؛ زیـاده‌روی در هـر احساسـی روی توانایـی فرد در داشـتن تفکـر منطقـی و معقول اثر می‌گـذارد. همان‌قـدر کـه فکـر می‌کنیـد سـزاوارید نوجوانان به شـما احتـرام بگذارند بـه آنهـا احتـرام بگذاریـد. برای جـذب نوجوانان، اهالی مؤثر مسـجد بایـد خلق خوش و روی بـاز خـود را بـا همـه مـردم به‌ویـژه نوجوانـان، آشـکار و پنهـان بـه نمایـش بگذارنـد. مسـجدها بایـد بـه امکانـات و ابزارهـای آموزشـی و اطلاع‌رسـانی روز ماننـد کامپیوتـر، انـواع سـراچه‌های مذهبـی و فرهنگـی، برنامه‌های آموزشـی در رشـته‌های مختلـف مجهـز شـوند و جاذبه‌هـای کافـی را بـرای جـذب نوجوانـان و جوانـان بـه خـود را داشـته باشـند. وضعیـت ظاهری مسـاجد، طولانی نشـدن نمازهـای جماعت، ویژگی‌هـای امـام جماعـت، کتابخانـه، فعالیـت کانون‌هـای فرهنگـی، پایـگاه بسـیج، هیئـت امنـاء و همـه اجـزاء حاضـر در مسـجد از عوامـل مؤثـر در جـذب نوجوانـان و جوانـان به مسـاجد می‌باشـند.

آموزش افراد مؤثر در مسـجد (روحانی، هیئت‌امنا و سـایر فعالان) در جهت شـناخت ویژگی‌هـا و نیازهـای نوجوانـان، افزایـش مهارت‌هـای اجتماعی و تغییر روابط، بسـیار مفیـد و ضـروری بـه نظـر می‌رسـد. توجـه بـه نقـاط مثبـت، تقویـت اعتماد بـه نفس و احسـاس خودبـاوری و خـود ارزشـمندی در نوجوانـان از ویژگی‌هـای اولیـای الهـی و مربیـان بـزرگ اسـت. امـام راحـل‌ﷺ در طـول عمـر پر برکتشـان همیشـه بـر نقاط مثبـت و توانمندی‌هـای نوجوانـان تأکیـد داشـته، عزّت‌نفـس و اعتماد به نفـس را در آنهـا تقویـت می‌نمودنـد. تکریـمِ شـخصیت چیـزی اسـت کـه نوجوانان سـخت بدان نیـاز دارنـد. وقتـی اعتمـاد نوجـوان بـه دوسـتی پایـدار بـا پـدر و مـادر جلـب شـد و نیـاز او از ایـن جهـت بـه نحـو شایسـته‌ای ارضـا گشـت، دیگـر او خـود با همـه وجود بـه دنبـال معیارهـا و ارزش‌هـای اخلاقـی و اجتماعـی مورد قبـول و پذیـرش «الگوی محبوبـش» کـه اینـک مـادر، پدر، امـام جماعت یا سـایر اهالی مسـجد اسـت، خواهد بـود. همچنیـن دریچـه قلـب نوجـوان به روی کسـی که بـه او محبّت کند باز اسـت و بـرای کسـی کـه محبّت کنـد و اعتمـادش را جلـب نماید، سـفره دلش را می‌گشـاید.

والدیـن از هرکسـی بـه او نزدیکترنـد، اگـر رازدار او باشـند، می‌توانند بـه دنیای درون وی راه یابنـد و او را هدایـت کننـد. موفقیـت در جـذب نوجوانـان آن‌قدر کـه به روابط مثبـت، مهربانانـه و اعتمـاد آمیز با نوجوانان وابسـته اسـت به هیچ مهـارت، ایده، ابزار یـا دسـتورالعملی بسـتگی ندارد. احساسـات متعادل داشـتن به معنـی بی‌تفاوت بودن نیسـت. شـور و شـوق داشـتن و با انـرژی و علاقه کارکـردن از ضروریـات فعّالیت‌های اعتقـادی اسـت. نوجوانـی کـه نیاز شـدید معنوی خود را در مسـجد جسـتجو می‌کند و بـا شـنیدن احادیث شـریف، جـذب برنامه‌های عبـادی و معنوی می‌گـردد. ازجمله، رسـول‌الله ﷺ می‌فرماینـد: «مَـنْ كانَ الْقُـرآنُ حَديثَـهُ وَ الْمَسْـجِدُ بَيْتَـهُ بَنَـى اللهُ لَـهُ بَيتـاً فـي الْجَنَّـهِ» (وسـائل الشـیعه، ج ۳، ۴۸۱) هر کـس که کلامش قـرآن و خانه‌اش مسـجد باشـد، خداونـد منزلی در بهشـت برای او بنـا می‌کند. امام حسـن مجتبی ؑ می‌فرماینـد: «اَهْـلُ الْمَسْـجِدِ زُوّارُ اللهِ وَ حـقٌّ عَلَى الْمَـزُورِ اَلتُّحفَهُ لِزائِـرِهِ» (کلمه الامام الحسـن، ۴۱) اهـل مسـجد زائـران خـدا هسـتند و بـر زیـارت شـونده اسـت کـه بـه زائرانـش هدیـه‌ای بدهـد. بایـد ایـن اخـلاق عملـی را در ظاهـر و رفتار اهالی مسـجد نیـز مشـاهده کند.

پیامبـر گرامـی ﷺ اسـلام، هـدف از بعثـت خـود را تکمیـل مـکارم اخـلاق معرفـی می‌فرماینـد و قـرآن کریـم نیـز بـه حضـرت موسـی ؑ می‌فرماینـد بـرای جـذب فرعـون بـا قـول نـرم و نیکـو سـخن بگو، لـذا از این فرمایشـات ارزشـمند که مناسـب فطـرت انسـانی می‌باشـد بـرای جـذب نوجوانـان که قلب نـرم و آمـاده‌ای دارنـد، باید بیشـترین بهـره را بـرد. امام علی ؑ می‌فرماینـد: «إنَّما قَلـبُ الحَدَثِ كَالـرضِ الخاليَهِ مـا اُلقـيَ فيهـا مِـن شَـيْ ءٍ قَبِلَتـهُ» دل نوجـوان مانند زمین آماده اسـت کـه هر بذری در آن افشـانده شـود، می‌پذیـرد. (نهج‌البلاغـه، نامـه ۳۱)

دادن مسـئولیت بـه نوجوانـان، چندیـن نیـاز از نیازهـای اساسـی آنـان را ارضـاء می‌نمایـد. بازخـورد مثبـت دادن بـه فعّالیت‌هـای نوجوانـان، مؤثرتریـن شـکل جذب آنـان می‌باشـد. اسـتفاده از بازخوردهـای عاطفـی مثبـت مثـل لبخنـد زدن، تشـکر کـردن، آرزوی موفقیـت کـردن یـا وقتـی نوجوانـان از مسـجد بیـرون می‌رونـد بـه هرکـدام جملـه مثبتـی بگوییـد حتّـی یـک لبخنـد و خداحافظ هـم بی‌تأثیر نیسـت.

اگـر مجبوریـد صحبتتـان را با نوجوانـی قطع کنید تا رفتار نامناسـب نوجـوان دیگری را تصحیـح کنیـد حتمـاً از او عذرخواهـی کنیـد یـا اگـر مشـغول صحبـت بـا فـردی هسـتید و تلفـن همـراه شـما زنـگ می‌زنـد و مجبـور بـه پاسـخ دادن هسـتید، حتماً از مخاطبتـان عذرخواهـی کنیـد. به‌جـای اینکـه روی اشـتباه نوجوان تمرکـز کنید او را به‌سـوی انتخـاب رفتـار مطلـوب هدایـت کنید. داشـتن رفتـار مناسـب را مهم‌ترین وظیفـه خـود بدانیـد و آن را در رأس امـور قـرار دهیـد تـا نوجـوان در عمـل شـما آن رفتارهـا را مشـاهده کنـد. به نوجـوان مرتبـاً بازخورد رفتـار مناسـبش را بدهید. برای ایـن کار رفتـار او را با اسـتفاده از واژه‌هـای مثبت توصیف کنیـد. از تمرکز بیش از حد روی رفتارهـای نامناسـبی کـه از نوجوانـی سـر می‌زند خـودداری کنید. بـه نوجوانان فرصـت بدهیـد تـا بـر رفتارشـان مسـلّط شـوند و بتواننـد به توصیه‌های شـما پاسـخ مناسـب بدهنـد. مـدام روابـط کاریتان را بـا نوجوانان هر چه بیشـتر مسـتحکم کنید. موقـع عصبانیـت قضـاوت نکنیـد. قبـل از آرام کـردن دیگـران خودتـان را آرام کنید. عمـل کـردن بـه مجموعـه مـوارد یـاد شـده از مؤثرتریـن عوامـل جـذب نوجوانان به مسـجد هسـت کـه بایـد بـه کار گرفتـه شـده و اثربخشـی آن را ملاحظـه نمود.

» منابع:

» نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
» اسلامیه، سمیرا، آموزش مسئولیت به کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۱.
» انصاری، عارفه، رابطه کیفیت مدیریت مرزهای خانواده با نوع هویّت و سلامت روان نوجوان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۲.
» اون، هارجی، ترجمه فهیم، فرشته، مهارت‌های اجتماعی و ارتباط میان فردی، تهران، نشر زندگی، ۱۳۸۹.
» براندن، ناتالی ترجمه قراچه داغی، مهدی، مسئولیت‌پذیری، تهران، انتشارات شباهنگ، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
» برقی مقدم، جعفر ؛ مشرف جعفری، بتول ؛ مظفری، سید احمد و گروسی قرشی، میرتقی، ارتباط سبک‌های هویّت با عوامل انگیزنده و احساس موفقیت، فصل‌نامه فراسوی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۱۳۵، ۱۳۸۸.
» برک، لورای، روان‌شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی، جلد دوم) ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر ارسباران، ۱۳۹۱.
» به پژوه، احمد، اصول برقراری یک ارتباط سالم و خوب با کودک، تهران، فصلنامه مادر، شماره ۲۴، ۱۳۸۷.
» سایت موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان: www.tebyan.ir
» تهذیب الأحکام، ج۸.
» حجازی، بنفشه، ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۱.
» خالقی ثمرین، عادل و شیخ پور، محمود، شیوه‌های ارتباط مؤثر، تهران، انتشارات تندیس علم، ۱۳۸۷.
» دژبانی، علی، راهبردها و راهکارهای جذب جوانان به مسجد، سازمان تبلیغات اسلامی اردبیل، ۱۳۸۹.
» رحیمی نیک، اعظم، تئوری نیاز و انگیزش، تهران، نشر زندگی، ۱۳۸۹.
» سالاری فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، تهران، سمت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
» شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تهران، منادی تربیت، چاپ ششم، ۱۳۸۳.
» شعاری نژاد، علی‌اکبر، روان‌شناسی رشد، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۲.
» شفیع‌آبادی، عبدالله، روش‌ها و فنون مشاوره، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۳.
» شهرآرا، مهرناز، روان‌شناسی رشد نوجوان «دیدگاه تحوّلی». تهران: علم، ۱۳۸۴.
» فیشر، رابرت، ترجمه کیان زاده، فروغ، آموزش یادگیری به کودکان، تهران: نشر رسش، ۱۳۸۶.
» کشاورزی، محمدعلی، مسائل نوجوانان و جوانان، تهران، نشر روزبهان، ۱۳۸۶.
» کمال نسب، مهدی، بررسی رابطه بین کمال‌گرایی مادران با سلامت روان دختران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵.
» کمالی، رضا، نشریه هموطن سلام، ۱۳۹۱.
» محمدخانی، شهرام، آشنایی با مشکلات روانی و اجتماعی شایع در بین کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات طلوع دانش، ۱۳۸۳.
» معتمدی، زهرا، رفتار با نوجوان. تهران: انتشارات لک‌لک، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
» منادی، مرتضی، عوامل مؤثر در بهبود زندگی، تهران: نشر آوای نور، ۱۳۹۱.
» نجفی، سید محمود، بررسی رابطه کار آیی خانواده و دین‌داری با بحران هویّت دانش آموزان

دختـر و پسـر پایـه سـوم رشـته‌های تحصیلـی نظـری مقطـع متوسـطه شـهر تهـران در سـال تحصیلـی ۸۱-۸۲. پایان‌نامـه کارشناسـی ارشـد. دانشـگاه علامـه طباطبایـی، ۱۳۸۲.

» مشـاهدات، تجربیـات شـخصی و گفتگوهـای نویسـنده مقالـه بـا تعـدادی از اعضـای محتـرم هیئت‌امنـا مسـاجد، دانـش آمـوزان، نوجوانـان مسـجدی و غیر مسـجدی.

الزامات نرم افزاری حضور کودکان و نوجوانان در مسجد

محمد حسین شریفی‌نیا [1]

چکیده

موضوع این جستار بررسی الزامات نرم‌افزاری حضور کودکان و نوجوانان در مساجد است. الزامات نرم‌افزاری به آن دسته از اقدامات رفتاری و برنامه‌های عملیاتی گفته می‌شود که ما را به هدف مورد نظر نزدیک می‌کند. در موضوع مورد مطالعه، یعنی جذب کودکان و نوجوانان به مسجد جاذبه‌های شخصیتی، ظاهری، کلامی و رفتاری امام جماعت، فعالیت‌ها و برنامه‌های مسجد، نگرش هیئت امنا و سایر مسؤلین مسجد و همچنین نوع رفتار خادم و نمازگزاران، از جمله الزامات نرم‌افزاری جذب گروه‌های سنی مذکور به مسجد می‌باشند. از این رو، پس از تبیین اهمیت انس کودکان و نوجوانان با مسجد، مهم‌ترین

[1] .دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
Email: sharifinia1@gmail

الزامـات نرم‌افـزاری انـس ایـن گروه‌های سـنی بـا خانه خدا بـه اختصار بیان شـده‌اند. بـه گمـان نگارنـده، نگرش مثبـت به حضور کـودکان و نوجوانان در مسـجد، آشـنایی بـا ویژگی‌هـای روان‌شـناختی کودکان و نوجوانـان، درک نیازهـا و انگیزه‌های کودکان و نوجوانـان، آگاهـی از مهارت‌هـای ارتبـاط بـا کـودکان و نوجوانـان و وقـت گذاشـتن بـرای کـودکان و نوجوانـان، پیـش شـرط هـر نـوع اقدامـی بـرای جـذب و اسـتمرار حضـور کـودکان و نوجوانـان در مسـجد اسـت. پـس از آن جاذبه‌هـای امـام جماعـت بـه عنـوان رکن اصلی مسـجد در سـه بعـد ظاهری، گفتـاری و رفتاری مـورد کنکاش قـرار گرفته‌انـد. در بعـد ظاهـری بـه اموری ماننـد آراسـتگیِ ظاهری، ژسـت و حالات بدنـی، تمـاس چشـمی و موقعیـت اجتماعـی اشـاره شـده اسـت. در بعـد جاذبه‌هـای گفتـاری امـام جماعـت مؤلفه‌هایی نظیـر رعایت احتـرام و ادب ، هم زبانـی و همدلی، اعتمادآفرینـی، رازداری، زیبـا سـخن گفتـن، خوب گـوش دادن و پرهیـز از پرگویی و نصیحـت کـردن مهم شـمرده شـده‌اند.

در بعـد جاذبه‌هـای رفتـاری بـر مهربانـی و صمیمیـت، تواضـع و فروتنـی، همدلـی و توجـه بـه کـودکان و نوجوانـان، واگذاری مسـئولیت به کـودکان و نوجوانـان، طولانی نکـردن نمـاز و سـخنرانی، تجلیـل از کـودکان و نوجوانان مسـجدی، چشـم پوشـی از خطاهـای کـودکان و دعـوت از فرزنـدان مأمومیـن تأکید شـده اسـت.

در بخـش برنامه‌هـای مسـجد، ضمن اشـاره بـه خصوصیـات برنامه‌های ویـژه کودکان ماننـد شـاد بـودن، کوتـاه بـودن، متنـوع بـودن، پرهیجـان بودن، متناسـب با سـطح شـناختی کـودکان بودن، پاسـخ گـوی نیاز کودکان بـودن و همراه با تشـویق و پاداش بـودن، تعـدادی از برنامه‌های مناسـب کـودکان از قبیل واگـذاری اذان‌گویی و مکبّری نمـاز جماعـت بـه کـودکان و نوجوانـان، دکلمه‌خوانـی و سـخنرانی‌های کوتـاه ویـژه کـودکان و نوجوانـان، تـلاوت قـرآن و خوانـدن دعاهـای بعـد از نمـاز توسـط کودکان و نوجوانـان، سـخنرانی و جلسـات پرسـش و پاسـخ مخصـوص کـودکان و نوجوانـان، اجـرای مسـابقات علمـی، دینـی، هنـری و ورزشـی مناسـب کـودکان و نوجوانـان، تشـکیل گروه‌هـای کتاب‌خوانـی بـرای کـودکان و نوجوانـان، برگزاری مراسـم جشـن یـا عـزاداری مخصـوص کـودکان و نوجوانان، کلاس‌های آموزشـی، تربیتـی و فرهنگی

بـرای سـنین مختلـف، برگـزاری اردوهـای درون و بـرون شـهری سـیاحتی و زیارتی، تهیـه روزنامـه دیـواری، حلقه‌های صالحیـن و اجرای تئاتـر و نمایش فیلـم به اختصار توضیـح داده شـده‌اند.

در پایـان ضمـن تشـریح نقـش نگـرش متولیـان مسـجد، رفتـار خـادم و نمازگـزاران مسـجد، تشـویق والدیـن و مربیـان، ارتبـاط بـا مـدارس و سـایر اقدامـات در جـذب کـودکان و نوجوانـان بـه مسـجد، فنون برقراری ارتباط با کودکان معرفی شـده اسـت.

کلید واژه‌ها:

مسـجد کودک‌محـور، کـودکان مسـجدی، جاذبه‌هـای امـام جماعـت، برنامه‌هـای مسـجد، ارتبـاط بـا کـودکان، جـذب کـودکان.

» مقدمه

در اسلام مسجد از جایگاه والا و بی‌بدیلی برخوردار است. مسجد خانه خدا نامیده شده و همگان از پیر و جوان، زن و مرد، خردسال و بزرگسال به حضور در آن فراخوانده شده‌اند.[1] (مجلسی، ۱۴۱۲ق؛ حرالعاملی، ۱۴۱۶ق)

این امر بدان جهت است که از نخستین روزهای تأسیس مسجد در صدر اسلام برای آن کارکردهای گوناگون عبادی، آموزشی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی تعریف گردید پیامبر اسلام ﷺ به مسلمانان آموخت که مسجد هم محل عبادت است و هم محل تعلیم و تربیت. در قرون اولیه اسلامی اصلی‌ترین مراکز آموزشی و تربیتی نخست مساجد و سپس مدارس بوده‌اند. (منیرالدین، ۱۳۶۸) حتی در برخی روایات فضیلت تعلیم و تعلم در مسجد النبی با جهاد در راه خدا برابر شمرده شده است.[2] (ابن حنبل،۱۴۱۲ق)

همچنین پیامبر ﷺ کسانی را که در مسجد به تعلیم و تعلم پرداخته بودند را بر افرادی که در مسجد به نماز و عبادت مشغول بودند، ترجیح داد و فرمود: گروهی که به امر آموزش پرداخته‌اند، برترند، زیرا من برای تعلیم و تربیت مبعوث شده‌ام.[3] (مجلسی، ۱۴۱۲ق)

بنابراین، نباید گمان کنیم که مسجد تنها محل اجتماع بزرگسالان و کهنسالان

---

[1] . قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَمَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فيهِ الْجَماعَةَ كانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَه سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَه وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجاتِ مِثْلُ ذلِكَ؛ پیامبر ﷺ می‌فرماید: کسی که به قصد شرکت در نماز جماعت به سوی مسجد گام بر می‌دارد، خداوند متعال در برابر هر گامی هفتاد هزار حسنه به او پاداش می‌دهد و به همین میزان درجات وی بالاتر خواهد رفت. (بحارالأنوار، ج۸۰، ص۳۸۴) قالَ الصادق ؈: عَلَيْكُمْ بِإِتْيَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللهِ فِي الأَرْضِ وَ مَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّراً طَهَّرَهُ اللهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كُتِبَ مِنْ زُوَّارِهِ فَأَكْثِرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلاَةِ وَ الدُّعَاءِ وَ صَلُّوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بِقَاعٍ مُخْتَلِفَهٍ فَإِنَّ كُلَّ بُقْعَهٍ تَشْهَدُ لِلْمُصَلِّي عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَهِ؛ بر شما باد به رفتن به مساجد، زیرا مساجد خانه‌های خداوند در زمین هستند و کسی که با طهارت به سوی مساجد برود خدای متعال او را از گناهانش پاک می‌کند و از زوارش نوشته می‌شود، پس زیاد در مساجد نماز و دعا بخوانید و در مسجدهای مختلف نماز بخوانید، چون در روز قیامت هر مکانی برای نمازگزارش گواهی می‌دهد. (وسائل الشیعه، ج۵، ص۳۷۲)

[2] . قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ مَنْ رَاحَ إِلَى مَسْجِدِي لِعِلْمٍ يُعَلِّمُهُ كانَ كَمَن غَزا فِي سَبيلِ اللهِ؛ پیامبر ﷺ فرمودند: هرکسی برای یاد گرفتن یا یاد دادن دانشی به مسجد من برود، گویا که در راه خدا جهاد کرده است. (مسند الامام احمد بن حنبل، ج۲، ص۳۵۰)

[3] . خَرَجَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَاذَا فِي المَسجِدِ مَجلِسان: مَجلِسٌ يَتَفَقَّهُونَ و مَجلِسٌ يَدعُونَ اللهَ وَ يَسأَلُونَه. فقالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ كِلا المَجلِسَين اِلىَ خيرٍ اَمّا هَؤلاءِ فَيَدعُونَ وَ اَمّا هَؤُلاءِ فَيَتعلّمونَ وَ يَفقّهونَ الجاهِلَ، هَؤلاءِ اَفضَل، بِالتَّعلِيمِ اُرسِلتُ ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُم؛ رسول اکرم ﷺ وارد مسجد شد و دید که در آن دو مجلس تشکیل شده است، یکی مجلس علم که در آن از معارف اسلامی بحث می‌شد و دیگری مجلس دعا که در آن مناجات می‌کردند. رسول اکرم ﷺ فرمود: هر دو مجلس خوب و مورد علاقه من است. آن گروه دعا می‌کنند و این گروه درس می‌خوانند و درس می‌دهند؛ ولی گروه علمی برتر از گروه دعا کننده هستند؛ چون من برای تعلیم مردم، مبعوث شده‌ام. سپس رسول اکرم ﷺ به گروه دانش‌پژوهان پیوست. (بحارالأنوار، ج۱، ص۲۰۶)

است که در آن فقط به عبادت و راز و نیاز با حق تعالی بپردازند؛ بلکه متعلق به کودکان و جوانان نیز هست تا در آن به تعلیم و تعلم بپردازند و به درستی تربیت شوند. متأسفانه در زمان ما برخی مساجد فقط محل تجمع بزرگسالان شده و کودکان و نوجوانان کمتر مایل به شرکت در برنامه‌های مسجد هستند. در حالی که مساجد باید همه اقشار، به ویژه کودکان، نوجوانان، جوانان و حتی خردسالان را به خود جذب کرده و نقش تربیتی مؤثری را برای این گروه‌های سنی بر عهده بگیرند.

بدیهی است برای تحقق این هدف ارزشمند باید امکانات و لوازم سخت‌افزاری مورد نیاز و همچنین الزامات نرم‌افزاری لازم مهیا شود تا زمینه حضور این گروه آینده‌ساز در مساجد فراهم گردد.

الزامات نرم‌افزاری به آن دسته از اقدامات رفتاری و برنامه‌های عملیاتی گفته می‌شود که ما را به هدف مورد نظر نزدیک می‌کند. در موضوع مورد مطالعه، یعنی جذب کودکان و نوجوانان به مسجد جاذبه‌های شخصیتی، ظاهری، کلامی و رفتاری امام جماعت، فعالیت‌ها و برنامه‌های مسجد، نگرش هیئت امنا و سایر مسؤلین مسجد و همچنین نوع رفتار خادم و نمازگزاران مسجد، از جمله الزامات نرم‌افزاری جذب گروه‌های سنی مذکور به مسجد می‌باشند. از این رو، اگر امام جماعت، متولیان مسجد و نمازگزاران علاقمند به حضور کودکان و نوجوانان در مسجد هستند و مایلند آنها را به مسجد جذب کنند، بایستی علاوه بر داشتن نگرش مثبت به این امر و اعتقاد به لزوم حضور کودکان و نوجوانان در مساجد، با شیوه‌های برقراری ارتباط خوب و مؤثر با این گروه‌های سنی نیز آشنا باشند. با توجه به این اهمیت حضور کودکان و نوجوانان در مساجد، در این مقاله نقش رفتارها و شیوه تعامل امام جماعت، متولیان مسجد و دیگر نمازگزاران با کودکان و نوجوانان در اشتیاق آنان به مسجد را بررسی می‌کنیم. علاوه بر این، ضمن بیان جاذبه‌های رفتاری و گفتاری آنان در ارتباط با کودکان و نوجوانان، مناسب‌ترین فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی امام جماعت و مسئولان مسجد در ارتباط با این گروه سنی را به اختصار توضیح خواهیم داد.

» الف) اهمیت حضور کودکان و نوجوانان در مسجد

کـودکان و نوجوانـان سـرمایه‌های اصلـی آینـده هـر جامعـه‌ای هسـتند و پیشـرفت و سـعادت جوامع به تربیت سـالم و شـکوفایی اسـتعدادها و خلاقیت‌های آنان بسـتگی دارد. از سـوی دیگـر، ایـن گروه سـنی تأثیرپذیرترین و آسـیب‌پذیرترین افـراد جامعه نیـز می‌باشـند. بـه همین دلیـل، سـرمایه‌گذاری بر روی ایـن افراد و تـلاش وافر برای جـذب آنان به مسـاجد، ضرورتـی انکارناپذیر اسـت.

حضـور کـودکان و نوجوانـان در مسـاجد دارای آثـار و بـرکات فراوانـی اسـت کـه در حیطـه فـردی می‌تـوان به مـواردی ماننـد فراگیـری معارف اسـلامی و احـکام دینی، آشـنایی بـا آداب معاشـرت و ارزش‌هـای اخلاقـی، تأمیـن نیازهـای روحـی و روانـی، بیمـه شـدن در برابـر آسـیب‌های اجتماعـی، غنی‌سـازی اوقـات فراغـت و جلوگیـری از اتـلاف وقـت آنـان، کشـف اسـتعدادها و بـروز توانایی‌هـا و خلاقیت‌هـا، آموختـن نظـم و انضبـاط و تقویـت روحیـه تعـاون و همکاری اشـاره کـرد. در حیطـه اجتماعی نیـز مـواردی از قبیـل حفظ سـرمایه‌های انسـانی جامعـه، ارتقـاء امنیـت خانوادگی و اجتماعـی، بهسـازی اخـلاق اجتماعی، تحکیم ارزش‌های انسـانی، کاهـش بزهکاری و کجـروی، افزایـش صمیمیت‌هـای بین فـردی و انسـجام گروهی، ارتباط با همسـالان و تشـکیل گروه‌های آموزشـی، فرهنگی، ورزشـی و خدمات‌رسـانی و همچنین تقویت هویـت دینـی و ملـی پـاره‌ای از آثـار ارتبـاط کـودکان و نوجوانان با مسـجد اسـت.

افـزون بـر فوایـد فوق، کـودکان مسـجدی بهترین مشـوقین والدین و همسـالان خود بـرای حضـور در مسـجد و انـس بـا خانـه خدا هسـتند. چه بسـیار فرزندانی کـه باعث مسجدی‌شـدن پـدر و مـادر و دوسـتان و هم‌کلاسـان خود شـده‌اند.

حضـور کـودکان و نوجوانـان در مسـجد از چنـان اهمیتی برخوردار اسـت کـه یکی از عالمـان بـزرگ کـه حدود یـک قرن پیش می‌زیسـته، در وقـف نامه خود آورده اسـت: «بـا آنچـه از مـن بـه جا مانـده گـردو بخریـد و در مسـجد نگهـداری نماییـد تـا وقتی کـودکان همـراه بـا والدین‌شـان بـه مسـجد می‌آینـد، بـه آنها هدیـه دهید تا عشـق و علاقـه بـه خـدا، مسـجد و منبـر از ابتـدا در آنهـا جوانـه زنـد و در بزرگسـالی هم اهل مسـجد و معنویت شـوند». (شـرفی، ۱۳۷۵)

وقتـی مسـجد مملـو از نوجوانـان و جوانـان باشـد، خود به خود مسـجد به یـک پایگاه فعـال و جـوان تبدیـل شـده و سرشـار از سـرزندگی، پویایـی و نشـاط می‌گـردد. در چنین مسـجدی هیچ کس احسـاس خسـتگی و خمودگی نمی‌کند و محیط مسـجد بـرای کـودکان و نوجوانـان بـه محیطی جذاب و پر نشـاط تبدیل شـده و عبادت برای آنـان شـیرین و دلچسـب می‌شـود و همـان طـور که امـام علـی(ع) می‌فرمایـد: نباید خـود را بـه زور بـه عبـادت وادار کـرد، بلکـه باید عبـادت را با نشـاط و شـادابی انجام داد.[1] (نهـج البلاغـه، نامه ۶۹)

پـس بـه طـور خلاصـه می‌تـوان گفـت حضـور کـودکان و نوجوانـان در مسـجد هـم سـبب گرایـش مثبـت آنـان بـه مسـجد، آموزه‌هـای دینـی، روحانیـت و انـس و الفت بـا محیط‌هـای مذهبـی می‌شـود، و هـم تقویـت اعتماد بـه نفـس و ارتقـای ارتباطات اجتماعـی آنـان را در پـی دارد. در بررسـی عوامـل نرم‌افـزاری حضـور کـودکان و نوجوانـان در مسـجد نخسـت جاذبه‌هـای امـام جماعـت را مـرور می‌کنیم، سـپس به سـایر عوامـل نظیـر نگرش هیئـت امنا و مسـئولین مسـجد، رفتار خـادم و نمازگزاران و اهمیـت ارتبـاط مسـجد و مدرسـه می‌پردازیـم.

[1] . قـالَ عَلـیٌ(ع): وَ خـادِع نَفسَـکَ فِـی الْعِبـادَه و ارفُـقْ بِهـا و لاتَقْهَرهـا، وَ خُـذْ عَفوَهـا و نَشـاطَها؛ نفـس خـود را بفریـب و بـه عبادتـش وادار و بـا آن مـدارا کـن و بـه زور و اکـراه برچیـزی مجبـورش نسـاز و بـه هنـگام نشـاط و شـادابی بـه عبـادت بپـرداز.

» ب) جاذبه‌های امام جماعت

امـام جماعـت بـه عنوان رکن اصلی مسـجد، نقـش والا و منحصر به فردی در اشـتیاق کـودکان و نوجوانـان بـه مسـجد ایفـا می‌کنـد. او کـه در واقع رهبـر و هدایـت کننده مجموعـه فعالیت‌هـای دینـی، تربیتـی و اجتماعی مسـجد اسـت، باید بـا تأثیرگذاری بـر هیئـت امنـا، مسـئولین و متصدیـان امـور مسـجد و همچنیـن نمازگزاران، بسـتر مناسـب را بـرای حضـور نوبـاوگان در مسـجد مهیـا نماید. از ایـن رو، باور شـخصی او بـه حضـور کـودکان و نوجوانـان در مسـجد، نحـوه عملکـرد او در ارتبـاط بـا کودکان و نوجوانـان و سـبک برخـوردش بـا نونهـالان در جـذب یـا دفـع آنـان بـه مسـجد و شـرکت در نمـاز جماعـت و سـایر برنامه‌هـای مذهبـی بسـیار مؤثـر اسـت. همچنین جاذبه‌هـای ظاهـری، گفتـاری و رفتـاری او نیـز در ایـن امر نقـش مهمی دارنـد. البته رفتـار بقیـه دسـت انـدرکاران و متولیـان مسـجد هـم در جـذب کـودکان و نوجوانان بـه مسـجد مؤثـر اسـت کـه در ادامـه ایـن نوشـتار بـر آن خواهیـم پرداخـت. در ایـن قسـمت نخسـت ویژگی‌هـای عمومـی امـام جماعـت و مسـؤلین مسـجد را کـه بـه مثابـه پیش‌شـرط حضـور کـودکان در مسـجد می‌باشـند، توضیـح می‌دهیم و سـپس جاذبه‌هـای ظاهـری، گفتـاری و رفتـاری امـام جماعـت راتبییـن می‌نماییـم.

۱. ویژگی‌های شناختی امام جماعت

نخسـتین بخـش از جاذبه‌هـای امـام جماعـت کـه وجـود جاذبه‌هـای دیگـر بـه آنهـا بسـتگی دارنـد، ویژگی‌هـای شـناختی و ذهنـی اوسـت. بی‌تردیـد امـام جماعتـی می‌توانـد در امـر جـذب کـودکان و نوجوانـان موفـق باشـد کـه بـه حضور کـودکان و نوجوانان در مسـجد باور داشـته باشـد و جذب این گروه‌های سـنی را از وظایف خود بدانـد. چنیـن امـام جماعتـی بایـد واجـد خصوصیات شـناختی زیر باشـد:

۱-۱. آشنایی با ویژگی‌های روان شناختی کودکان و نوجوانان

امـام جماعـت بایسـتی تـا حـدودی بـا ویژگی‌هـای عاطفـی، شـناختی، رفتـاری و هیجانـی کـودکان و نوجوانـان آشـنا باشـد. زیـرا هـر نـوع تعامـل و اثرگذاری بـر آنان

نیازمنـد اطـلاع از خصوصیـات روحی-روانی و نیازهای خـاص دوره کودکی و نوجوانی اسـت. بـه عبـارت دیگر بدون شـناخت دقیـق خصوصیـات روانی و رفتـاری کودکان و نوجوانـان نمی‌تـوان بـا آنهـا ارتبـاط برقـرار کـرد و آنـان را تحت تأثیـر قـرارداد. البته شـناخت دقیـق خصوصیـات نوبـاوگان و آگاهـی از تمـام ابعـاد و زوایای شـخصیتی و رفتـاری پیچیـده آنـان کاری تخصصی و دشـوار اسـت؛ اما اطلاع از برخـی ویژگی‌های کلیـدی آنـان می‌توانـد امـام جماعت را در رسـیدن به نتیجـه مطلوب یـاری دهد. در اینجـا بـرای نمونـه بـه چنـد خصوصیـت اصلی آنـان اشـاره می‌کنیم.

۱. یکـی از خصوصیـات کـودکان و نوجوانـان عدم ثبات در حـالات عاطفی و رفتارهای آنـان اسـت. آنان اغلـب هیجانی، زودرنج و کم تحمل هسـتند و گاهـی با کوچک‌ترین محـرک ناخوشـایندی، ناراحت و عصبانی می‌شـوند. از سـوی دیگر، آنهـا اغلب مایلند در کلیـه امـور به صورت مسـتقل عمـل کنند، اما معمولاً خیلی زود خسـته می‌شـوند و از زیـر بـار مسـؤلیت شـانه خالـی می‌کننـد (بیابانگـرد، ۱۳۷۶) کـه این امـر موجب انتقـاد اطرافیـان می‌شـود. در صورتـی که ایـن انتقـادات ادامه یابنـد، آنـان اعتماد به نفس‌شـان را از دسـت می‌دهنـد در نتیجـه نسـبت بـه اطرافیـان بی‌اعتمـاد شـده و از آنهـا دوری می‌کننـد. از ایـن رو، امـام جماعـت در برخـورد بـا نونهـالان بایـد صبور و پرتحمـل باشـد و کارهـای نـاروای آنهـا را با دیده اغمـاض بنگرد و تا جایـی که امکان دارد، از آنهـا انتقـاد نکنـد؛ چون ممکن اسـت برای همیشـه از مسـجد و روحانی بیزار شوند.

۲. تـوان ذهنـی و شـناختی کـودکان و نوجوانـان محـدود، امـا رو به گسـترش اسـت. نـوع تفکـر در دوران کودکـی عینـی و در دوران نوجوانـی انتزاعـی اسـت. (منصـور و دادسـتان، ۱۳۷۴) ایـن بـدان معناسـت که کـودکان وقتـی می‌توانند چیـزی را درک کننـد کـه آن را بـه صـورت عینـی دیده باشـند؛ بـه همین دلیـل، لازم اسـت بیان هر موضـوع انتزاعـی مثـل خـدا، عدالـت، دیـن، اخـلاق و ... بـا مثال‌هـای عینـی و قابـل مشـاهده ارائـه شـود تـا کـودکان بتواننـد آن را درک کننـد. امـا نوجوانـان قادرنـد بـا اسـتدلال و اسـتنتاج مفاهیـم منطقـی به نتیجه برسـند و بـرای درک مطالـب، نیازی بـه مثال‌هـای عینـی ندارنـد. در این دوره نوجوان می‌کوشـد خود را از امـور جزئی رها

کـرده و بـه کلیـات بپـردازد. طـی ایـن مرحله گرایش او نسـبت بـه مسـائل معنوی و ماوراءالطبیعه بیشـتر می‌شـود و مایل اسـت از اسـرار هسـتی و مسـائل بنیادین عالم سـر در آورد. (افـروز، ۱۳۷۵) بـه همیـن دلیـل در ایـن مرحلـه، ذهـن نوجـوان آماده تفکـر دربـاره دیـن و امـور معنـوی اسـت و به مسـائل فلسـفی علاقـه نشـان می‌دهد.

۳. کـودک و نوجـوان دوسـت دارد همـواره تصویـر مثبتـی از خـود داشـته باشـد. این نـگاه مثبـت بـه خـود، باعـث می‌شـود کـه او بـه دیگـران و آینـده نیـز نگاهـی مثبت داشـته باشـد. چنیـن احسـاس خوشـایندی موجـب رونق زندگی و نشـاط و شـادابی او می‌شـود و اگـر ایـن چنیـن شـد، بهتریـن زمینـه رشـد و تعالـی او فراهم می‌شـود. (ماسـن[1]، ۱۳۸۲) بـه همیـن سـبب، توصیـه می‌شـود امـام جماعـت در مواجهـه بـا کـودکان و نوجوانـان خصوصیـات خـوب آنـان را برجسـته سـاخته و آنها را نسـبت به آینده‌شـان امیـدوار سـازد.

۴. دیگـر خصوصیـت مهـم نوجوانـان تحول‌خواهـی، نوگرایـی، نشـاط و شـادابی، شـجاعت، و پـر انـرژی بـودن آنهاسـت. نوجـوان مدام می‌کوشـد تـا با انـرژی و نیروی فراوانـی کـه در اختیـار دارد، در شـرایط خـود دگرگونـی و تغییـر ایجاد کنـد و از این طریـق، بـه موقعیـت جدیـدی دسـت یابـد. ایـن امـر بـه او پویایی، طـراوت، نشـاط و شـادابی خاصـی می‌بخشـد و او را به سـمت کارهـای گروهی و فعالیت‌هـای اجتماعی سـوق می‌دهـد. (افـروز، ۱۳۷۵)

۵. کـودکان و نوجـوان دارای روحیـه‌ای لطیـف و حسـاس هسـتند و گاهی نسـبت به اطرافیـان و محیـط خـود بدبین شـده و احسـاس بیگانگـی می‌کننـد و در نتیجه یک حـس ناامنـی و تنهایـی آنهـا را فـرا می‌گیرد.

۱-۲. درک نیازها و انگیزه‌های کودکان و نوجوانان

موضـوع اساسـی دیگـر در جـذب کـودکان و نوجوانـان بـه مسـجد، تشـخیص نیازها و انگیزه‌هـای مخصـوص شـرایط سـنی آنـان می‌باشـد. پـر واضـح اسـت کـه آنهـا بـه مکان‌هـا و محافلـی می‌رونـد کـه به نوعـی پاسـخگوی نیازهایشـان باشـند. از این رو،

[1] . Mussen, P. H.

امـام جماعـت و سـایر متولّیـان مسـجد بایـد، از نیازهـای خـاص این گروه‌های سـنی آگاه باشـند و آن را در برنامه‌ریزی‌هـا و فعالیت‌هـای مسـجد مدنظـر قـرار دهند. وقتی امـام جماعـت بـه ایـن نیازهـا و انگیزه‌هـا واقـف باشـد، رفتـار کـودکان و نوجوانان را بهتـر درک می‌کنـد و راحت‌تـر بـا آنهـا کنـار می‌آید. زیـرا از نظـر روان‌شناسـان، نیاز مهم‌تریـن عامـل هـر نـوع رفتـار و فعالیتی اسـت. (ریـو[1]، ۱۳۸۷)

بنابرایـن آگاهـی از نیازهـای جسـمی، روانـی، عاطفـی، اجتماعـی، معنـوی، اخلاقی و شـناختی کـودکان و نوجوانـان نقـش مؤثری در جـذب آنان به مسـاجد دارد. در واقع، تنهـا در صورتـی برنامه‌ریـزان امـور فرهنگـی مسـاجد، قـادر خواهنـد بـود برنامه‌های جذابـی بـرای کـودکان و نوجوانـان تدوین کننـد که ایـن فعالیت‌ها در جهـت ارضای نیازهـای گوناگـون آنـان و مطابـق بـا سـلیقه‌ها و انگیزه‌هایشـان باشـد. بـدون شـک چنیـن برنامه‌هایـی می‌تواننـد بسـتر مناسـب بـرای جـذب و پـرورش کـودکان در مسـاجد مؤثر باشـد.

بـه عنـوان مثـال، یکـی از نیازهای مهم کودکان شـادی اسـت. آنهـا در صورتی جذب مسـجد می‌شـوند که در آن برنامه‌های شـاد و هیجان انگیز اجرا شـود. ولی متأسـفانه اغلـب برنامه‌هایـی کـه در مسـاجد اجرا می‌شـوند، از فضای شـاد و مفرحـی برخوردار نیسـتند و ایـن نیـاز کـودکان را بـرآورده نمی‌کننـد. عـدم ارضـای نیـاز به شـادی نیز باعـث کاهـش انگیزه آنان برای حضور در مسـاجد شـده اسـت.

مثـال دیگـر، نیاز به تنوع اسـت. کـودکان و نوجوانـان از امور تکـراری و یکنواخت زود خسـته می‌شـوند و مایلنـد سـخنرانی‌ها و برنامه‌هـای مسـجد متنوع باشـد. اما برخی مسـاجد در مراسـم و برنامه‌های مناسـبتی کمتر از سـخنرانان با سـواد، خوش‌بیان و معـروف اسـتفاده می‌کننـد و غالبـاً خـود امام جماعـت به ایـراد سـخنرانی می‌پردازد. ایـن امـر موجـب دل‌زدگی و گریـز نوجوانان و جوانان از مسـاجد می‌شـود. متاسـفانه متنـوع نبـودن برنامه‌هـای مسـاجد و نیـز ناآشـنابودن گردانندگان آن بـا شـیوه‌های نویـن جـذب کـودکان و نوجوانـان باعـث دوری ایـن عزیزان از مسـاجد و جـذب آنان بـه مراکـز تفریحـی نظیـر باشـگاه‌های ورزشـی، کافی‌نت‌هـا، پارک‌هـا و شـهربازی‌ها

1 . Reeve, T. M.

شـده است.

سـایر نیازهـای کـودکان و نوجـوان کـه توجه بـه آنها شـرط موفقیت هـر برنامه دینی و فرهنگی اسـت، بدیـن قرارند:

- نیـاز بـه محبـت، احتـرام و عدالت از سـوی والدیـن و همـه بزرگترهایی که با آنـان سـر و کار دارند.
- نیـاز بـه احسـاس آرامـش و امنیـت در خانه، مسـجد، مدرسـه و هرجایی که حضـور دارند.
- نیـاز بـه ورزش، تفریـح و بازی‌هـای فکـری فـردی و گروهـی کـه سـبب ورزیدگـی، شـادابی و کسـب تجربـه در زندگـی آنـان می‌شـود.
- نیـاز بـه آشـنایی با دیـن و معنویت بـه زبان سـاده و قابل فهم بـرای کودکان و نوجوانـان که زمینه متدین‌شـدن آنهـا در بزرگسـالی را فراهم می‌آورد.
- نیـاز بـه جامعه‌پذیـری، فراگیـری آداب معاشـرت، پـرورش حـس تعـاون، همیـاری و مشـارکت اجتماعـی.
- نیـاز بـه هنرنمایـی، ابـراز وجـود، خودشـکوفایی، کار و تحـرک و فعالیـت جسـمی و روحـی بـرای خدمـت بـه خـود و جامعـه. (قائمـی، ۱۳۷۰)

۱-۳. آگاهی از مهارت‌های ارتباط با کودکان و نوجوانان

از آنجـا کـه مهم‌تریـن وظیفـه امـام جماعـت تأثیرگـذاری بر اقشـار مختلف مـردم، از جملـه کـودکان و نوجوانـان اسـت و ایـن امـر بـدون برقـراری ارتبـاط سـازنده و مؤثر بـا آنـان ممکـن نیسـت، لازم اسـت آنهـا با فنـون و روش‌هـای ارتبـاط مؤثر، بـه ویژه اصـول ارتبـاط بـا کـودکان و نوجوانان آشـنا باشـند و آن را در روابـط میان‌فردی خود بـه کار گیرند.

مهم‌تریـن اصولـی کـه باید در هنـگام گفتگـو و ارتباط با کـودکان و نوجوانـان رعایت کنیـم تـا بتوانیـم آنهـا را جـذب کرده و بـه اسـتمرار ارتباط بـا خود علاقمند سـازیم، بـه شـرح زیر می‌باشـد:

- کـودک و نوجـوان شـیفته احترام و محبت اسـت. از این رو، بـه هرکس که با

آنهـا محترمانـه رفتـار کرده و نسـبت بـه آنها محبت نماید، جذب شـده و دوسـت دارند با او رابطه داشـته باشـند.

- کـودکان و نوجوانـان از سـرزنش و تحقیـر بیزارنـد. آنهـا چـون نمی‌تواننـد از خودشـان دفـاع کننـد، سـعی می‌کننـد با کسـانی که آنها را سـرزنش یـا نصیحت می‌کننـد، کمتـر روبرو شـوند.
- کـودکان و نوجوانـان بـا کسـی صمیمـی می‌شـوند کـه بتوانـد آنهـا را درک کنـد و بـه آنهـا توجـه کنـد. پس بـرای برقـراری ارتبـاط با آنان بایسـتی عـلاوه بر همزبانـی، بـا آنـان همدلـی کنیـم و آنـان را همـان گونه کـه هسـتند، بپذیریم.
- اگـر بخواهیـم بـر کـودکان و نوجوانـان تأثیـر بگذاریـم بایـد نیازهـای آنـان را بشناسـیم و بکوشـیم ارتبـاط مـا در جهـت تأمیـن نیازهـای آنـان باشـد. چـون انسـان‌ها در صورتـی ارتبـاط را ادامـه می‌دهنـد کـه طـرف مقابل به خواسـته‌ها و نیازهـای آنهـا توجه داشـته باشـد.
- کـودکان و نوجوانـان بیـش از بزرگسـالان نیـاز به احسـاس آرامـش و امنیت دارنـد. از ایـن رو، ارتبـاط بـا آنـان بایسـتی در فضایـی آرام، ایمن و سرشـار از صفا و صمیمیـت صـورت پذیرد.
- کـودکان و نوجوانـان عاشـق تعریـف و سـتایش‌اند. پـس از رفتارهـای خـوب و ویژگی‌هـای مثبـت آنـان مخصوصـاً در مقابـل دیگـران تعریـف و تمجیـد کنید. بـه هـر حـال تعریف، تحسـین و احترام بـه کـودکان و نوجوانان، مخصوصـاً اگر در جمـع صـورت گیـرد، تأثیر شـگرفی بر آنـان خواهد گذاشـت.
- کـودکان نسـبت به وسـایل شـخصی خود حسـاس هسـتند و مایل نیسـتند دیگـران حریـم خصوصـی آنهـا را نادیـده بگیرنـد. بنابرایـن، همـواره بـه علایـق و ارزش‌هـای کـودکان و نوجوانـان احتـرام بگذاریـد و هرگـز بـدون اجازه به وسـایل خصوصـی آنهـا مثـل گوشـی تلفـن همراه و دفترچه یادداشـت شـان دسـت نزنید و بـه مکالمـات تلفنـی آنها گـوش ندهید.
- کـودکان سرشـار از عواطـف و هیجان‌های پاک و بی‌آلایشـند و دوسـت دارند اطرافیانشـان احسـاس آنهـا را بفهمنـد. پس سـعی کنید احساسـات آنهـا را درک

کنیـد و بـه عواطـف آنها واکنش مناسـب نشـان دهید.

- یکـی از نشـانه‌های دوسـتی و صمیمیـت خودافشـایی و بیان مسـائل زندگی شـخصی اسـت. از ایـن رو، گاهی بـرای آنها از خاطـرات دوران کودکـی و نوجوانی خـود بگوییـد و بعضـی تجارب خود با فرزندانتان را برایشـان شـرح دهیـد. این امر احسـاس دوسـتی و نزدیکـی بین شـما و آنها را افزایـش خواهد داد.
- از آنهـا سـؤالاتی بپرسـید کـه دوسـت دارنـد دربـاره آن بـه دیگـران توضیح بدهنـد. مثـلاً از موفقیت‌هـا، افتخارات، مسـافرت‌ها و خاطرات شیرین‌شـان سـؤال کنیـد. ایـن امـر بچه‌هـا را شـاد می‌کنـد و بـه آنهـا نشـان می‌دهـد کـه شـما بـه مسـائل آنهـا توجه داریـد. (کامـکاری، ۱۳۸۰)

۲. جاذبه‌های ظاهری امام جماعت

پـس از ویژگی‌هـای شـناختی، اولیـن عاملی کـه در جذب کـودکان و نوجوانـان تأثیر دارد، وضعیـت ظاهـری امـام جماعـت اسـت. مهم‌تریـن خصوصیت ظاهـری که برای بچه‌هـا بیشـتر اهمیـت دارد عبارتند از: آراسـتگی ظاهری، ژسـت‌ها و حـالات بدنی و نـوع نـگاه کـردن امـام جماعت بـه آنها کـه در ادامـه به تبییـن آنهـا می‌پردازیم.

۲-۱. آراستگی ظاهری

آراسـتگی سـر و صـورت، طـرز لبـاس پوشـیدن، تمیـزی لباس و بـدن، بـوی دهان و حتـی لبخنـد زدن در جذابیـت یـا عـدم جذابیت فـرد تأثیر ناهشـیار و عمیقـی دارد. زیـرا بـرای اغلب مردم، وضعیت ظاهری شـخص بیانگر سـطح سـواد، طبقـه اجتماعی و اقتصـادی و عقایـد و ارزش‌های اوسـت.

امـام جماعـت بـه عنوان روحانـی و رهبر معنـوی نمازگـزاران باید الگـوی خوبی برای کـودکان و نوجوانـان باشـد. از ایـن رو، او بایـد بـه بهتریـن وجه ممکن لباس بپوشـد، تمیـز باشـد، محاسـن مرتـب داشـته باشـد، از عطـر و ادکلـن اسـتفاده کنـد، مواظب نظافـت دهـان و دنـدان و احیانـاً بـوی بـد دهـان خـود باشـد و در مجمـوع از نظـر ظاهـری آراسـته و زیبا باشـد.

بـه یـاد داشـته باشـیم کـه چهـره بـاز و متبسـم امـام جماعـت در هنـگام گفتگـو بـا نمازگـزاران بیانگـر آن اسـت کـه او از ارتبـاط بـا نمازگـزاران، بـه ویـژه کـودکان و نوجوانـان خوشـحال اسـت و از گفتگـوی بـا آنـان لـذت می‌بـرد.

۲-۲. ژست و حالات بدنی

شـاید ایـن جملـه را شـنیده باشـید که صـدای حـالات بدن بلندتـر از صـدای کلمات اسـت. ژسـت‌های بدنـی ابـزاری قدرتمند اسـت که می‌توانـد باعث تحکیم یـا تضعیف ارتبـاط مـا با دیگران شـود حالـت چهره اطلاعـات فراوانی از احساسـات و هیجان‌های درونـی مـا ارائـه می‌دهـد. به طوری کـه برخـی نظریه‌پـردازان معتقدند پـس از زبان، مهم‌تریـن منبـع اطلاعاتـی حـالات درونـی آدمهـا حـرکات چهـره آنهاسـت. حالـت چشـم، حـرکات ابـرو و دهان نشـان‌دهنده احسـاس غمگینی، شـادی، خشـم، تعجب یـا سـردرگمی ما می‌باشـد.

عـلاوه بـر ایـن، ژسـت‌های مـا از قبیل طرز نشسـتن، ایسـتادن یـا راه‌رفتـن پیام‌های مهـم را منتقـل می‌کننـد. بـرای مثـال، دسـت بـه سـینه نشسـتن حالـت تدافعـی را می‌رسـاند؛ اگـر پاهـا را روی یکدیگر قـرار دهید گویـا می‌خواهید بین خـود و دیگران مانـع ایجـاد کنیـد؛ وقتـی به جلو خم می‌شـوید، یعنـی آن موضوع برایتان مهم اسـت و بـا دقـت آن را دنبـال می‌کنیـد؛ برعکـس، دور شـدن از گوینـده و حالـت لـم دادن نشـانه کم‌توجهـی بـه گوینـده و عـدم علاقه به موضـوع مورد بحـث اسـت. بنابراین با دقـت بـه قـرار گرفتـن حالت‌هـای بدنـی مناسـب می‌تـوان علاقه و یـا عـدم علاقه به کـودک یا نوجـوان مخاطب را نشـان داد.

۲-۳. تماس چشمی

در هنـگام گفتگـو بـا کـودکان و نوجوانـان بـه آنـان نـگاه کنیـد، زیرا تماس چشـمی مسـتقیم و مناسـب، بیانگر توجه شـما به کودک و گفته‌های اوسـت. رسـول خدا ﷺ هنـگام گفتگـو، نـگاه گـرم و صمیمانـه خـود را از مخاطبان دریـغ نمی‌کـرد و همواره نگاه‌هـای خویـش را میـان یارانـش تقسـیم می‌کرد و به طـور برابر، تمـام اهل مجلس

را از توجـه خـود بهره‌مند می‌سـاخت. (طباطبایـی، ۱۴۱۹ق)
معمـولاً تمـاس چشـمی بـه دو منظـور بـه کار مـی‌رود: نخسـت نشـان دادن علاقـه و توجـه بـه مخاطـب، و دوم تسـلط بر مخاطب و کنتـرل وی. هر چه رابطـه بین دو فرد صمیمانه‌تـر باشـد، طـول مـدت تماس چشـمی آنها بیشـتر اسـت، در مقابـل، هر چه موقعیـت اجتماعـی طرفیـن فاصله بیشـتر داتشـه باشـد، تماس چشـمی کمتری بین آنهـا برقرار می‌گـردد. (مایاایوانوفـا[1]، ۱۳۸۵)
امـام جماعـت با حفظ ارتباط چشـمی خود با مخاطبـان، به ویژه کـودکان و نوجوانان می‌توانـد بازخـورد کلام خـود را چهـره و ژسـت‌های بدنـی آنـان دریافـت کـرده و در نتیجـه، شـیوه بیـان مطالب خـود را بهبود بخشـد. مثلاً با کم شـدن توجـه مخاطبین و از دسـت دادن تمرکـز و تمـاس چشـمی آنـان، به خسـتگی آنان پی برده و سـخنان خـود را جمـع و بـه آن خاتمه دهد.

۳. جاذبه‌های گفتاری امام جماعت

جاذبه‌هـای گفتـاری امـام جماعـت شـامل مـواردی اسـت کـه بـه کیفیـت بیـان و گفتگـوی او بـا کـودکان و نوجوانان مربوط می‌شـود. امـوری از قبیل رعایـت احترام و ادب کـودکان، هم‌زبانـی بـا آنان، جلـب اعتماد آنان، حفـظ رازهای نوجوانـان، توانایی زیبـا سـخن گفتـن و خوب گـوش دادن در ایـن حیطه قـرار دارند که بـه اختصار آنها را توضیـح می‌دهیـم.

۳-۱. رعایت احترام و ادب

نحـوه سـخن گفتـن مـا بـا کـودکان و نوجوانـان، تأثیـر عمیقـی در نگـرش و رفتـار آنـان نسـبت بـه مـا دارد. در واقـع، الگویـی کـه مـا در حـرف زدن بـا کـودکان ارائـه می‌دهیـم، بـه آنهـا می‌آمـوزد کـه چگونـه بـه ما پاسـخ بدهنـد. از ایـن رو، در سـخن گفتـن بـا کـودکان و نوجوانان همیشـه بایـد از کلمـات احترام‌آمیز و مؤدبانه اسـتفاده کنیـم تـا ضمـن ارائـه الگویی مناسـب، مهر خویـش را در دل آنـان بکاریـم و آنان یاد

[1] . Maiaivanovna, L.

بگیرنـد کـه بـا مـا و دیگـران محترمانه سـخن بگویند.[1] از سـوی دیگـر، همان‌طور که می‌دانیـم بـدون رعایـت ادب و احتـرام متقابـل نـه تنهـا گفتگـو تأثیـر مثبتـی در پی نخواهـد داشـت بلکـه غالبـاً بـر مشـکلات و تنش‌هـا خواهـد افـزود. بـه همیـن دلیل امـام علـی(ع) می‌فرمایـد: «دم فـرو بسـتن بهتـر از بی‌ادبانـه سـخن گفتـن اسـت.» (مجلسـی، ۱۴۱۲ق)

۳-۲. هم‌زبانی

توجـه بـه زبـان و سـطح فهـم مخاطـب، یکـی از مؤلفه‌هـای اصلـی هـر نـوع ارتباطی اسـت. امـام جماعـت در گفتگـو با کـودکان و نوجوانـان باید سـن، پایـگاه اجتماعی و سـطح درک آنـان را در نظـر بگیـرد و طـوری سـخن بگویـد که بـرای آنـان قابل فهم باشـد. همـان طـور کـه پیامبـر(ص) می‌فرماید: «مـا پیامبـران مأموریـم تا با مـردم به اندازه درک و عقلشـان سـخن بگوییم».[2] (الحرانی، ۱۳۶۳) درک محدود و روح لطیف آنـان نیازمنـد گشـودن زبـان کودکانـه و رعایـت ظرافـت در برخـورد با آنان اسـت. از ایـن روی، پیامبـر(ص) می‌فرماینـد: «هـر کس با کودکی سـر و کار دارد، بـا او کودکانه رفتـار کنـد».[3] (ابـن بابویـه، ۱۴۱۳ق) مولـوی هـم با اشـاره بـه همین حدیث شـریف می‌گویـد

چون که با کودک سر و کارت فتاد
هم زبان کودکی باید گشاد
(مثنوی، دفتر چهارم)

بـر ایـن اسـاس، تشـخیص موضوعـات مناسـب و مـورد نیـاز کـودکان و نوجوانـان و بـا زبـان کودکانـه سـخن گفتـن، هنـری اسـت کـه امـام جماعـت محبـوب کـودکان و نوجوانـان بایـد از آن بهره‌منـد باشـد. چنیـن امـام جماعتـی موضوعاتـی را انتخـاب

[1] . قَـالَ عَلـی(ع) اِذا فاتَـکَ الأَدَب فَالـزِم الصَّمـت؛ هـرگاه ادب از تـو رخـت بربسـت، سـکوت پیشـه‌نما . (بحارالأنـوار، جلـد۷۱، ص۲۹۳)
[2] . قَالَ رَسُولُ الله(ص): اِنّا مَعاشِرَ الاَنبیاء اُمِرنا اَنْ نُکَلِّمُ النَاسَ عَلی قَدْرِ عُقوُلِهِم .(تحف العقول، ص۳۷)
[3] . قَالَ رَسُولُ الله(ص): مَنْ کانَ عِندَهُ صَبِّی فَلْیَتَصّابُ لَهُ. (من لایحضره الفقیه، جلد۳، ص۴۸۳)

می‌نماید و آن را به گونه‌ای بیان می‌کند که با نیازهای نوباوگان هماهنگ بوده و توجه و اشتیاق آنان را به بحث برمی‌انگیزد.
بدین منظور پیشنهاد می‌شود امام جماعت از خود کودکان و نوجوانان بپرسد که بیشتر به چه موضوعاتی علاقمند هستند. ضمناً او می‌تواند با طرح چند سؤال سطح فهم و درک آنها را بسنجد و متناسب با همان سطح، با آنان سخن بگوید.

۳-۳. اعتمادآفرینی

عنصر دیگری که از ارکان یک ارتباط خوب و سازنده، به شمار می‌آید، اعتماد متقابل است. وقتی یک نوجوان به امام جماعت نزدیک می‌شود و با او رابطه برقرار می‌کند که بتواند به او اعتماد کند و از جانب او هیچ نگرانی نداشته باشد. در واقع، پیش‌شرط هر نوع گفتگوی سازنده و مؤثری، ایجاد فضای امن همراه با اعتماد است. همان طور که تا نگرانی حضرت ابراهیم علیه‌السلام از فرشتگانی که برای نابودی قوم لوط آمده بوده‌اند، برطرف نشد، از گفتگو با آنان خودداری نکرد.[۱] (سوره هود، آیه۷۴)
مهم‌ترین عناصر اعتماد آفرین در روابط گفتاری عبارتند از: راستگویی، خیرخواهی و خودافشایی.
راستگویی اصلی‌ترین عامل در جلب اعتماد طرف مقابل است. وقتی گوینده با صداقت، واقعیت‌ها را بیان می‌کند و شنونده مطمئن می‌شود که به او دروغ نمی‌گوید، می‌تواند به او اعتماد کند. به همین دلیل، امام‌باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «راستگویی را پیش از سخن گفتن بیاموزید».[۲] (کلینی، ۱۴۱۱ق)
دومین عنصر اعتمادسازی خیرخواهی است. ما انسان‌ها به کسانی که خیرخواه و دلسوز ما هستند، اطمینان می‌کنیم و حرف‌های ناگفته‌مان را بدون دغدغه، با او در میان می‌گذاریم. از این رو، پیامبران هنگام گفتگو با مردم، برخیرخواهی و

۱ . فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ؛ چون ترس از ابراهیم زایل شد و بشارت فرزند به او رسید، نمایندگان ما در باب قوم لوط به گفتگو پرداخت.
۲ . قَالَ الْبَاقِرُ علیه‌السلام تَعلَّموُا الصِّدقَ قَبلَ الحَديثِ (اصول کافی، جلد۲، ص۱۰۴).

دلسوز بودن خود تأکید می‌کردند.[1] (سوره اعراف، آیه۶۸)
معرفی خود و سخن گفتن در باب مسائل شخصی هم عامل دیگری برای جلب اعتماد مخاطب است. وقتی امام جماعت خودش را معرفی می‌کند و اهدافش را به روشنی توضیح می‌دهد، راه را بر هرگونه پیش‌داوری و شایعات می‌بندد. به همین دلیل، پیامبران الهی در گام نخست به معرفی خود و اهداف خود می‌پرداختند.[2] (سوره شعراء، آیه۱۶)

۳-۴. رازداری

رازداری یکی از نشانه‌های خردمندی و امانت‌داری است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «سینه خردمند، صندوق راز اوست».[3] (نهج البلاغه، حکمت۶) چه این رازها مربوط به خودش باشد، چه مربوط به دیگران. در اسلام تأکید زیادی بر رازداری و ممنوعیت افشای اسرار دیگران شده است؛ به طوری که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بر ملا نمودن راز برادر دینی را خیانت به او شمرده است.[4] (نوری، ۱۴۰۸ق)
بنابراین امام جماعت باید نسبت به حفظ رازهای دیگران اعم از خردسال و بزرگسال کاملاً مراقب باشد. این امر افزایش اعتماد دیگران به امام جماعت را به دنبال خواهد داشت.

۳-۵. زیبا سخن گفتن

زیبایی کلام موجب جذابیت و شیرینی آن و در نتیجه، پذیرش بهتر آن از سوی کودکان و نوجوانان است. این هنری است که قرآن کریم به نیکی از آن بهره برده و با قرار گرفتن در اوج قله فصاحت و بلاغت در دل‌ها نفوذ کرده است. خداوند در قرآن مجید به همه انسان‌ها توصیه می‌کند که به زیبایی سخن

---

[1] . أُبَلِّغُكُمْ رِسَالاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ؛ پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم در حالی که خیرخواه و امین شما هستم. مضمون این آیه در آیات ۷۹ و ۹۳ سوره اعراف، ۴۵ و ۴۷ سوره مریم و ۳۰ و ۳۳ سوره مؤمن نیز تکرار شده است.
[2] فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ نزد فرعون بروید و بگویید ما پیام‌آور پروردگار جهان هستیم.
[3] . قَالَ عَلِي علیه‌السلام: صَدرُ الْعَاقِلِ صَندوقُ سِرِّه.
[4] . قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: يَا اَبَاذَر! اَلمَجَايِسُ بالاَمانَه و اِفشاءُ سِرِّ اَخيكَ خِيانَةٌ فَاجْتَنِب ذلک؛ گفتگوها امانتند و افشای راز برادرت خیانت به اوست؛ پس همواره از آن اجتناب کن (مستدرک الوسایل، جلد۸، ص۳۹۸).

بگوینـد.[1] (سـوره بقـره، آیه ۸۳)

در تعالیـم اسـلامی توصیـه شـده کـه هرگز واژه‌هـای نامناسـب و القاب زشـت به کار نبریـد، حتـی هنگامـی کـه از شـخص یـا موضوعی به شـدت ناراحت هسـتید.

دلیـل ایـن امـر روشـن اسـت. زیـرا سـخنی کـه بـا نرمـی و عطوفـت همـراه باشـد، همچـون آهنگـی گوش‌نـواز، دلنشـین و تأثیرگـذار اسـت، خداوند متعال به موسـی و هـارون علیهما السلام توصیـه می‌کنـد حتی بـا فرعون کـه دعوی الوهیت داشـت و بر پـروردگار عالـم طغیـان کـرده بـود، به نرمی سـخن گویند.[2] (سـوره طـه، آیه۴۴) البتـه ملایمت هنگامـی ارزشـمند اسـت که بـا قاطعیت و شـفافیت همراه باشـد. چون نرمـی گفتار، ابـزاری اسـت بـرای القـای بهتـر حقیقت و آنـگاه که موجب زیـر پا نهادن حـق گردد، جلـوه‌ای از نفـاق و تظاهـر و چاپلوسـی خواهد بود. پس شایسـته اسـت امـام جماعت در عیـن نرمـی و ملایمـت، از گفتـن حقایق ابا نکند و سـخن حق را بـا کمال قاطعیت و شـفافیت بیـان نمایـد. بدین منظـور، امام جماعـت می‌تواند با اسـتفاده از روش‌های بیـان غیرمسـتقیم مثـل کنایـه، تعریـض، حکایـت و کلی‌گویـی در عیـن قاطعیـت و شـفافیت، از درگیـر شـدن مسـتقیم بـا مخاطب پرهیز کنـد. در این شـیوه‌ها که قرآن کریـم هـم در پـاره‌ای مـوارد از آنهـا بهـره بـرده، یک موضـوع ناخوشـایند نظیـر امر، نهـی، توبیـخ یـا حقیقتـی تلخ، بدون اشـاره مسـتقیم به شـخصی یـا گروه مـورد نظر بیـان می‌شـود بـه ایـن وسـیله مقصـود خـود را بـه طـور غیرمسـتقیم بـه مخاطب یا مخاطبـان القـا می‌نماید.

بدیـن ترتیـب، امـام جماعـت در عیـن حالـی کـه پیـام خـود را بـه فـرد مـورد نظـر انتقـال می‌دهـد، امـا بـه طـور مسـتقیم بـا او درگیر نمی‌شـود و آثـار سـوئی همچون دل‌آزردگـی و نفـرت از او را بـه دنبـال نـدارد و تأثیرگـذاری ارتبـاط را دو چنـدان می‌سـازد.

در مجمـوع، رعایـت خلاصه‌گویـی، بهره‌منـدی از آرایه‌هـای ادبـی ماننـد تشـبیه و کنایـه، تلفـظ روان کلمـات و جملات، برخورداری از سـاختاری منظـم و نیکو و توجه

---

[1] . وَ قُولُواْ لِلنَّاسِ حُسْناً.

[2] . فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ با او به نرمی سخن بگویید، شاید بپذیرد یا بترسد.

بـه جنبه‌هـای عاطفـی مخاطب همه به شـیوایی و رسـایی سـخن کمک کـرده و فهم و درک آن را آسـان‌تر می‌نمایـد.

۳-۶. خوب گوش دادن

در حالـی کـه بـه نظـر می‌رسـد گـوش‌دادن کاری بسـیار سـاده اسـت، اما اگـر خوب گـوش دادن هنـری اسـت که از هر کسـی بر نمی‌آیـد. گوش دادن فقط شـنیدن کلام طـرف مقابـل نیسـت؛ بلکـه توجـه بـه گوینـده و دیـدگاه او نسـبت به مسـئله مطرح شـده و درک احساسـات و انتظـارات او نیـز از عناصـر گـوش دادن فعال اسـت.

اگـر امـام جماعـت بخواهـد یـک شـنونده موفق باشـد و بـا کـودک و نوجـوان ارتباط مؤثـری داشـته باشـد، بایـد علاوه بر مـوارد فوق، بـه ژسـت‌ها و حالات بدنـی گوینده هـم توجـه کنـد و خـود نیز در هنـگام گوش دادن با ژسـت‌ها و حالت بدنی مناسـب و تـکان دادن سـر بـه او بفهماند که حواسـش کاملاً به اوسـت و به او توجـه دارد. مراقب باشـید در هنـگام حـرف زدن طـرف مقابـل از رفتارهایی مثـل خمیازه کشـیدن، نگاه کـردن بـه سـاعت یا بـه اطـراف و بی‌قـراری، خود را نسـبت بـه صحبت‌هـای گوینده بی‌اعتنـا و کـم حوصله نشـان ندهیـد؛ بلکه برعکس، باید با تماس چشـمی مناسـب و حـرکات چهـره علاقمندی خود را به شـنیدن سـخنان کـودک یا نوجوان ابـراز کنید. مثـلاً هنگامـی که هیجان‌زده می‌شـود و شـادی، غم یـا عصبانیت در چهـره و گفتار او نمایـان می‌شـود، بـا عکس‌العمل مناسـب و بـه موقع بـا او همدلی و همراهـی نمایید. در ایـن شـرایط، امـام جماعـت بایـد موقتـاً از احساسـات، خواسـته‌ها، افـکار و پیش‌داوری‌هـای خـود چشـم بپوشـد و گفتگـوی درونی خویـش را متوقـف کند و در هنـگام صحبـت طـرف مقابـل، در ذهـن خـود به فکر آمـاده کردن او پاسـخ نباشـد تا بتوانـد کلام و حـال او را بـه درسـتی درک کند. توجه داشـته باشـیم که اگـر به جای گـوش دادن، بـه فکـر پاسـخ دادن باشـیم، بخش زیـادی از حرف‌های شـنونده را اصلاً متوجـه نخواهیـم شـد و در نتیجـه اطلاعـات مهمی را از دسـت خواهیـم داد.

نکتـه قابـل توجـه ایـن کـه گـوش دادن یـک مهـارت چندگانه اسـت. یعنی عـلاوه بر شـنیدن سـخنان گوینـده، بـرای درک صحیـح گفتگوهـای او تـلاش کنیـم و بـرای

اطمینـان از درسـتی برداشـت خـود، اسـتنباط‌های خـود را بـه صـورت پرسشـی بـا گوینـده در میـان گذاریـم.

۳-۷. پرهیز از پرگویی و نصیحت کردن

پرگویـی، مکررگویـی و امـر و نهـی مسـتقیم بـا ویژگی‌هـای دوره کودکـی و نوجوانی سـازگار نیسـت و آنهـا را زود خسـته می‌کنـد. از ایـن رو، سـخنرانی‌های مسـجد، بـه ویـژه صحبت‌هـای بیـن دو نمـاز نبایـد طولانـی باشـد؛ چـون باعـث سـر رفتـن حوصلـه کـودکان و تـرک جلسـه سـخنرانی می‌شـود. افـزون بر ایـن، امـام جماعت و یـا سـخنران یـا از لحـن سـرزنش‌گونه یـا نصحیـت مسـتقیم بـه کـودکان و نوجوانان اجتنـاب کنـد؛ زیـرا ممکـن اسـت آنـان را نسـبت به امـام جماعت و مسـجد دلسـرد نمایـد و شـوق آنهـا بـه حضـور در مسـجد و برنامه‌هـای آن از بیـن بـرود.

۴. جاذبه‌های رفتاری امام جماعت

آخریـن تبلـور جذابیت‌هـای امام جماعـت در رفتارهای او نهفته اسـت. همان طور که می‌دانیـم رفتارهایـی کـه بر مهربانـی و صمیمیت، تواضـع و فروتنی، همدلـی و توجه بـه دیگـران، پـاداش کارهـای نیـک و اغمـاض از خطاها اسـتوار اسـت، بـرای همگان شـیرین و جـذاب هسـتند. در ایـن بخـش بعضـی از این رفتارهـای خوب و جـذاب را معرفـی می‌کنیم.

۴-۱. مهربانی و صمیمیت

برخـورد صمیمیانـه و همـراه بـا ملاطفـت و گشـاده‌رویی امـام جماعـت بـا کـودکان و نوجوانـان یکـی از مهم‌تریـن عوامـل جـذب و اسـتحکام حضـور آنـان در مسـاجد می‌باشـد. اگـر امـام جماعـت چنـد دقیقـه مانـده بـه اذان در مسـجد حضـور یابـد و گفتگویـی دوسـتانه، خیرخواهانـه و پدرانـه بـا کودکان و نوجوانان داشـته باشـد، آنان مجـذوب وی شـده و بـا اشـتیاق به مسـجد می‌آینـد. (موظف رسـتمی، ۱۳۹۱) گاهی یـک لبخنـد، یـک گفتگوی دوسـتانه، یک دسـت به شـانه نوجوان زدن، یکـی دو قدم

بـا او راه رفتـن و صحبت‌هـای نوجـوان را شـنیدن، می‌تواند مسـیر زندگـی او را تغییر می‌دهـد.

پـس، همان‌طـور کـه خداوند بـه پیامبر ﷺ خـود می‌فرماید: «اگر تندخو و سـخت‌دل بـودی، همـه از دور شـما پراکنـده می‌شـدند»[1] (سـوره آل عمـران، آیـه۱۵۹)؛ امـام جماعـت نیـز اگـر بدخلق و ترش‌روی باشـد، هیـچ‌گاه نمی‌توانـد کـودکان و نوجوانان را دور خـود جمـع کنـد. او بایـد بـا خوش‌خلقـی، مهربانـی، بردبـاری و آسـان‌گیری با نوبـاوگان دوسـت شـده و آنهـا را به مسـجد و اماکـن مذهبی جـذب نماید.

در ایـن صـورت، رابطـه امام جماعـت و نوجوانان در چارچوب رسـمی باقـی نمی‌ماند، بلکـه او یکـی از دوسـتان کـودکان و نوجوانـان بـه شـمار می‌آیـد کـه در مشـکلات بـه کمـک آنـان می‌شـتابد؛ موفقیت‌هایشـان را تبریـک می‌گویـد؛ بـه مناسـبت‌های مختلـف هدایـای کوچکـی بـه عنـوان یـادگاری بـه آنـان تقدیـم می‌کنـد؛ در سـلام کـردن بـر آنهـا پیشـی می‌گیـرد و آنـان را بـا القاب شایسـته خطـاب می‌کنـد. چنین امـام جماعتـی محبـوب مـردم، جوانـان و کـودکان خواهـد بود.

۴-۲. همدلی و توجه به کودکان و نوجوانان

منظـور از همدلـی، درک احسـاس کنونـی طرف مقابـل از اتفاق یا مشـکلی که برایش رخ داده و نشـان دادن حـس مناسـب بـا حـال فعلـی اوسـت. بـرای اینکـه بتوانیـم با دیگـران همدلـی نماییـم، بایـد بتوانیم خودمان را بـه جای او قرار دهیم و مسـئله را از منظـر او ببینیـم تـا بتوانیم حـس و حـال او را درک کنیم. در مقابل، همـدردی یعنی شـریک شـدن در غـم و رنـج دیگـران و درگیـر شـدن با مشـکل آنـان. روان‌شناسـان تأثیـر همدلـی را بیشـتر از همـدردی می‌دانند.

البتـه در برخـی مـوارد ایـن دو واژه را بـه جای هم بـه کار می‌روند. به هـر حال، خوب اسـت امـام جماعـت با نمازگـزاران، به ویژه نوجوانـان و جوانان همدلی کـرده و در غم و شـادی بـا آنان هم‌حسـی نمایـد. یادآوری می‌شـود در همدلـی لازم نیسـت کاملاً با گوینـده موافـق باشـیم؛ بلکـه تنها کافیسـت خودمان را به جای او گذاشـته و مسـائل

[1] . فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لاَنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ.

را از دریچـه نـگاه او بنگریـم و او را بـه خاطـر احساسـش مذمـت نکنیـم، حتـی اگر با او موافق نیسـتیم.

۴-۳. واگذاری مسئولیت به کودکان و نوجوانان

دادن مسـئولیت بـه کـودکان و نوجوانـان یـک راهـکار مناسـب برای علاقمنـد کردن کـودکان و نوجوانـان بـه حضـور در مسـجد اسـت. کودکـی کـه در مسـجد بـه او مسـئولیتی واگـذار می‌شـود، خـود را متعلـق بـه مسـجد و مسـجد را متعلـق به خود می‌دانـد و تمـام تـلاش خـود را بـرای انجـام هر چه بهتـر وظیفـه‌ای که به او سـپرده شـده، بـه کار می‌بنـدد. لـذا ضـروری اسـت پـاره‌ای از فعالیت‌های مسـاجد به دسـت آنهـا سـپرده شـود و امـام جماعـت و هیئت امناء مسـجد نظـارت و مدیریـت کارها را بـر عهـده گیرند.

برخـی مسـئولیت‌هایی کـه می‌توان به کـودکان و نوجوانـان داد عبارتنداز: مسـئولیت کتابخانـه، گفتـن اذان، و تکبیـر نمـاز، قرائـت قـرآن و دعـای پـس از نمـاز، مسـؤلیت کفشـداری، پهن‌کردن سـجاده‌ها ، سیسـتم صوتـی، برنامه‌ریزی و اجرای مناسـبت‌ها، تزئینـات و تبلیغـات، زیباسـازی مسـاجد، انجام برخـی کارهای فنی مسـجد و اموری کـه از عهـده آنها بـر می‌آید.

۴-۴. طولانی نکردن نماز و سخنرانی

از آنجـا کـه آسـتانه تحمـل کـودکان و نوجوانـان پایین اسـت، امـام جماعـت باید در هنـگام حضـور آنـان از طولانـی شـدن اقامـه نمـاز و سـایر برنامه‌هـای مسـجد، نظیر سـخنرانی و مراسـم دعـا و زیـارت بپرهیـزد. در این شـرایط بهتر اسـت امـام جماعت در هنـگام اقامـه نمـاز، تنهـا به واجبـات اکتفا کـرده و از مسـتحبات نمـاز مثل قنوت مفصـل یـا رکـوع و سـجود طولانی چشم‌پوشـی کنـد و برای جبـران آن، پـس از نماز بـه ذکـر و دعا بپـردازد.

۴-۵. تجلیل از کودکان و نوجوانان مسجدی

معرفی و تجلیل از کودکان و نوجوانانی که در نمازهای جماعت مسجد شرکت می‌کنند، یا در برنامه‌های مسجد فعال هستند، یکی از روش‌های مؤثر تشویق آنان به شمار می‌رود و بر تداوم حضور آنها در مسجد می‌افزاید. حداقل تجلیل آن است که بعضی مواقع بین دو نماز یا در پایان بعضی سخنرانی‌ها و مراسم‌ها، نام آنها توسط امام جماعت اعلام شده و از حاضرین خواسته شود برای سلامتی و موفقیت آنها صلوات بفرستند. این کار باعث تشویق آنان و دلبستگی بیشتر به مسجد و امام جماعت می‌گردد. ضمناً توصیه می‌شود با همکاری مؤمنین خیّر کتاب‌های متناسب با سن و پایه تحصیلی دانش‌آموزان تهیه شود و در مناسبت‌های مختلف به عنوان جایزه به کودکان حاضر در مسجد اهداء شود. در هر صورت، تعریف، تحسین و تشویق کودکان و نوجوانان، مخصوصاً اگر در جمع صورت گیرد، تأثیر شگرفی بر کودکان خواهد گذاشت و همیشه از آن به عنوان یک خاطره شیرین یاد خواهند کرد.

۴-۶. چشم‌پوشی از خطاهای کودکان

نباید توقع داشت که کودکان و نوجوانان مثل افراد بزرگسال رفتار کنند و تمام آداب و شرایط نماز و مسجد را رعایت نمایند. طبیعی است که نوباوگان متناسب با شرایط سنی و نیازهای دوره رشدی‌شان رفتار می‌کنند و یقیناً گاهی دچار اشتباه و خطا می‌شوند. امام جماعت و سایر بزرگان مسجد باید بیشتر خطاها و لغزش‌های آنان را نادیده انگاشته و با سعه صدر و خوش‌رویی آنان را راهنمایی کنند تا دوباره مرتکب اشتباه نشوند.

به یاد داشته باشیم بازی و شیطنت‌های کودکانه نیاز طبیعی کودک است و ما باید با درک شرایط و نیازهای کودکان، با سعه صدر و تحمل بالا این موارد را نادیده بگیریم؛ اما در عین حال، با شیوه‌های جذاب و نو به آنان بیاموزیم که مسجد مکانی برای عبادت پروردگار و آموزش معارف دینی است و ما باید با سکوت و آرامش، حرمت این مکان مقدس را پاس بداریم. به هر حال، منطبق

کـردن توقعـات و انتظاراتمـان بـا شـرایط سـنی آنها، باعـث تقویت دلبسـتگی آنان به مسـجد و تعالیـم دینـی می‌گـردد.

۴-۷. دعوت از فرزندان مأمومین

یکـی از راهبردهـای خلاقانـه بـرای جـذب نونهالان به مسـاجد این اسـت کـه امامان جماعـت از بزرگ‌سـالان و کهن‌سـالان مسـجدی بخواهنـد کـه گاهـی فرزنـدان و نوه‌هـای کوچـک خـود را بـه مسـجد بیاورنـد. بـا توجـه به ایـن که غالبـاً افراد مسـنّ بـه مسـجد می‌آینـد، اگـر هـر یـک از آنهـا یـک نفـر از فرزنـدان یـا نوه‌هـای خـود را بـه مسـجد بیاورنـد، حضور کـودکان و نوجوانـان در مسـاجد رونق می‌گیـرد. (موظف رسـتمی، ۱۳۹۱)

» ج) برنامه‌های مسجد

پس از جاذبه امام جماعت، مهم‌ترین عامل در جذب کودکان و نوجوانان به مسجد فعالیت‌ها و برنامه‌های مسجد است. یک مسجد کودک‌محور برای جذب کودکان و نوجوانان، باید فعالیت‌های گوناگونی انجام دهد تا بتواند افراد با علایق و نیازهای گوناگون را به سوی خود بکشاند. هر چند توضیح تمامی برنامه‌های مفید و جذاب در این مختصر نمی‌گنجد؛ ولی برای مثال، به چند نمونه از فعالیت‌های کم‌هزینه و قابل اجرا در اغلب مساجد اشاره می‌کنیم. اما پیش از توضیح این فعالیت‌ها لازم است. چند موضوع مهم را یادآور شویم:

- یک مشکل اساسی که در برنامه‌های بیشتر مساجد مشاهده می‌شود، این است که با وجود اینکه دختران بیش از نیمی از جمعیت کودکان و نوجوانان را تشکیل می‌دهند، ولی متأسفانه بیشتر برنامه‌ها و فعالیت‌ها، با نگاهی پسرانه تدارک دیده می‌شوند و دختران اغلب در حاشیه از آن بهره‌مند می‌گردند. امروزه در کمتر مسجدی می‌توان از برنامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان دختر سراغ گرفت و در برنامه‌ریزی‌ها کمتر به روحیات، خواسته‌ها و علایق دختران توجه می‌شود. بنابراین، متولیان مسجد باید با نگاهی جامع‌الاطراف و مبتنی بر شناخت علایق و نیازهای همه مخاطبان، در تمام فعالیت‌ها و برنامه‌های مسجد، نیازها و شرایط ویژه دختران را نیز در نظر بگیرند.
- برنامه‌ها و فعالیت‌های مسجد باید مبتنی بر هدف‌های اصیل و واقعی مخاطبان باشد. هرگونه هدف‌تراشی، هدف‌سازی بیرونی و تحمیلی نه تنها اثر فعالیت و اصالت تربیتی آن را از بین می‌برد، بلکه خود به تدریج به ضد آن تبدیل می‌شود، برای مثال اگر کودک از فعالیتی مانند بازی که یک فعالیت طبیعی است و ذاتاً واجد لذت درونی است، از طریق مشوق‌های بیرونی و پاداش‌های مادی تقویت شود به تدریج لذت‌های بیرونی، جایگزین لذت‌های درونی می‌شود و این فعالیت خودانگیخته اثر تربیتی خود را از دست می‌دهد. همین طور اگر رفتارهای دینی و عبادی که خود ذاتاً واجد لذت معنوی هستند، با تشویق‌های بیرونی برای مدتی به شکل افراطی

افزایش یابند، پس از چندی اساس و ریشه درونی این گونه رفتارها تضعیف می‌شود. (کریمی، ۱۳۸۱)

- بدیهی است کودک و نوجوان، هم باید بخندد و بازی کند و شاد باشد و هم باید به انجام تکالیف دینی خود بپردازد. نباید چنین به وی القا شود که مسجد جای خنده و شادی نیست، از این رو، لازم است برنامه‌های مسجد با زمینه‌ای شاد و لذت‌بخش اجرا شوند تا کودکان بدانند که در مسجد هم می‌توانند شاد و با طراوت باشند.

علاوه بر این، برنامه‌هایی مورد علاقه و توجه کودکان قرار می‌گیرند که کوتاه، متنوع و پر شور و هیجان باشند و در نهایت به تشویق و پاداش منجر شوند. بنابراین، برنامه‌های معرفی شده در مقاله حاضر در صورتی مورد استقبال کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرند که واجد شرایط فوق باشند.

نکته قابل توجه این که بین میزان علاقه‌مندی نونهالان به مسجد با میزان مشارکت آنها در فعالیت و برنامه‌های مسجد رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی هرچه کودک علاقه بیشتری به حضور در مسجد داشته باشد، میزان مشارکت او در برنامه‌های مسجد بیشتر خواهد بود. بنابراین، برای تداوم مشارکت آنان بهتر است در حین اجرای این فعالیت‌ها، اقدامات جذابی مانند اهدای جوائز، دادن امتیاز با کارت تشویق، پخش شربت، شیرینی و شکلات و اموری از این دست صورت گیرد.

۱. واگذاری اذان‌گویی و مکبری نماز جماعت به کودکان و نوجوانان

سپردن نقش مکبّری به کودکان اقدامی مؤثر در ترغیب آنان به حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت است. زیرا یکی از راه‌های علاقمند کردن نوجوانان و کودکان به مسجد همین تکبیر گفتن برای نماز جماعت است. البته نخست باید چگونگی تکبیر گفتن را به کودکان و نوجوانان آموزش داد تا آنان مکبر خوبی شوند. (موظف رستمی، ۱۳۹۱)

همان طور که می‌دانیم در گذشته تکبیرگویی در مساجد بسیار مرسوم بود؛ اما

درحـال حاضـر بـه دلیـل اسـتفاده از میکروفون‌هـای یقـه‌ای، تکبیرگویی تـا حدودی کم شـده اسـت. بـرای احیـای این سـنت نیکو بایـد امام جماعـت و متولیان مسـاجد از کـودکان و نوجوانـان بـرای مکبّری دعوت کـرده و تعدادی از علاقمنـدان را آموزش دهنـد تـا بـه صـورت دوره‌ای و نوبتی ایـن کار را انجـام دهند.
افـزون بـر ایـن، خوب اسـت گاهـی مؤذنین مسـاجد از بیـن کـودکان و نوجوانانی که قبـلاً تمریـن مؤذنـی کرده‌انـد و اذان را بـا صـوت زیبا و صحیـح ادا می‌کننـد، انتخاب شـوند. بـرای تصحیـح اذان و اقامـه کـودکان نیـز می‌توان بـا در اختیار گذاشـتن یک نـوار یـا سـی دیِ اذان، مؤذنیـن خوبی برای مسـاجد تربیـت نمود.

۲. برگزاری سخنرانی و جلسات پرسش و پاسخ ویژه کودکان و نوجوانان

یکـی از اصولـی کـه در نظـام آموزشـی کشـورهای پیشـرفته، مـورد توجه قـرار دارد، ایجـاد تفکـر انتقادی و تقویـت روحیه پرسـش‌گری و کنجکاوی هدفمنـد در کودکان و نوجوانـان اسـت. از آنجـا کـه به خاطر گسـترش وسـایل ارتبـاط جمعـی اعتقادات و باورهـای دینـی مـردم، به ویژه نسـل جـوان و نوجـوان، در معرض هجوم اندیشـه‌های متفـاوت قـرار گرفتـه و سـؤالات زیـادی در ذهـن نوجوانـان و جوانان به وجـود آمده، لازم اسـت بـا اتخـاذ سـاز و کارهـای مناسـب، فضای پرسـش‌گری در مبانـی اعتقادی و عبـادی دانش‌آمـوزان فراهـم گـردد. بدیـن منظـور پیشـنهاد می‌شـود در کنـار سـخنرانی‌های مسـجد یـا بـه طـور جداگانـه جلسـات سـخنرانی و پرسـش و پاسـخ ویـژه نوجوانـان و جوانـان منعقـد گـردد و در آنهـا از اسـاتید، معلمان و افـراد تحصیل کـرده و آشـنا بـا معـارف اسـلامی برای سـخنرانی و پاسـخگویی به سـؤالات دعوت به عمـل آید.

۳. اجرای مسابقات علمی، دینی، هنری و ورزشی مناسب کودکان و نوجوانان

برگـزاری مسـابقه‌ها یکـی از فعالیت‌هـای پردامنـه و کم‌هزینـه مسـجد اسـت کـه در صـورت مدیریـت صحیـح، درآمـدزا نیـز خواهـد بـود. کـودکان و نوجوانـان علایق گوناگونـی دارنـد. برخـی بـه ورزش، برخـی بـه هنر و برخی بـه مطالب علمـی و دینی

علاقه‌منـد هسـتند. بـرای مثـال، در مـاه مبـارک رمضـان پـس از نمـاز جماعـت و سـخنرانی، هـر شـب می‌تـوان یـک مسـابقه در موضوعـی خـاص اجـرا کـرد.
مسـابقاتی از قبیـل احـکام، قـرآن، نهج‌البلاغـه، حفـظ حدیـث، خطاطـی، نقاشـی، نویسـندگی، خاطره‌نویسـی، تهیـه روزنامه‌دیواری، عکاسـی، طراحی و انواع مسـابقات ورزشـی ماننـد: دو، دوچرخه‌سـواری، فوتبـال، والیبـال، تنیـس، و ... نقـش بسـیار سـازنده‌ای در ترغیـب کـودکان و نوجوانـان بـه مسـجد دارنـد. توصیـه می‌شـود ایـن مسـابقات در موضوعـات مختلـف و متناسـب بـا مناسـبت‌های مذهبـی و در رده‌های سـنی مختلـف برگـزار شـود. حضور امـام جماعـت در هنـگام برگـزاری مسـابقه‌ها یا اعـلام نتایـج در تقویـت پیونـد و ارتبـاط او بـا کـودکان و نوجوانـان اثرگذار اسـت.
همچنین اجرای مسـابقه‌های حضوری به صورت پرسـش و پاسـخ در مسـجد، هنگام برگـزاری مراسـم مذهبـی و اهـدای جوایـزی مثل کتاب و سـایر محصـولات فرهنگی نیـز هیجان‌آفریـن و جذاب هسـتند.

۴. تشکیل گروه‌های کتاب خوانی برای کودکان و نوجوانان

البتـه علاقمنـد کردن کودکان و نوجوانان به کتـاب و کتاب‌خوانی صرفاً از راه نصیحت و توجیـه و اصـرار و یـا تشـویق‌های مـادی و کلامـی بدسـت نمی‌آیـد؛ بلکـه بایـد از دریچـه نیـاز و خواسـته شـخصی آنها بـه این مسـئله پرداخـت. یعنـی کتاب‌خوانی را بـا مطالعـه کتاب‌هایـی شـروع کنیم کـه آنها دوسـت دارنـد و کم‌کم آنها را به سـمت کتاب‌هـای مفیدتـر و پربارتـر سـوق دهیـم. بدیـن منظـور توصیـه می‌شـود تعـدادی کتـاب رمـان و داسـتان مناسـب و مفیـد تهیـه شـود و در اختیـار بچه‌هـا قـرار گیرد. آنـگاه آنهـا را در گروه‌هـای ۳ یـا ۵ نفره سـازماندهی کنیـد تا در زمان‌هـای خاصی در مسـجد جمـع شـوند و با هـم کتـاب بخوانند.

۵. برگزاری مراسم جشن یا عزاداری مخصوص کودکان و نوجوانان

تشـکیل هیئت‌هـای مذهبـی ویـژه کـودکان و نوجوانـان بـا عناوینی همچـون هیئت علـی اکبـر علیه‌السلام، هیئـت علـی اصغـر علیه‌السلام و هیئـت حضـرت قاسـم علیه‌السلام برای پسـران و

هیئت حضرت رقیه(ع)، هیئت حضرت سکینه(ع) و هیئت فاطمه‌زهرا(س) برای دختران می‌تواند نقش برجسته‌ای در گرایش بچه‌ها به سوی مسجد ایفا نماید. از سوی دیگر، همکاری در جشن‌ها و چراغانی‌ها و سیاه‌کوبی در مراسم عزاداری و سینه‌زنی از اموری است که معمولاً نوجوانان و جوانان اشتیاق زیادی برای شرکت در آن از خود نشان می‌دهند. زیرا از این طریق حس مفید بودن، بزرگ‌شدن و توانایی انجام فعالیت‌های اجتماعی در آنها تقویت می‌شود. به علاوه، در طول این فعالیت‌ها بین آنها و بزرگترها تعاملاتی پیش می‌آید که باعث افزایش صمیمیت و انسجام اجتماعی آنان می‌گردد. خصوصاً اگر در اثنای کارها پذیرایی هم بشوند، در آنها لذت و شادی خاصی ایجاد می‌شود. در این بین حضور بزرگ‌ترها و چگونگی برخورد آنان با کودکان و نوجوانان از اهمیت زیادی برخوردار است.

۶. کلاس‌های آموزشی، تربیتی و فرهنگی برای سنین مختلف

یکی از مهم‌ترین خدمات مسجد به کودکان و نوجوانان، وجود انواع کلاس‌های آموزشی است. هر چند ممکن است بعضی بچه‌ها از کلاس و درس گریزان باشند، ولی برگزاری کلاس‌های مورد علاقه آنان نظیر آموزش سرود و تواشیح، روان‌خوانی و قرائت قرآن، کلاس‌های تقویتی رایگان، دوره‌های ورزشی، هنری، امدادگری و عقیدتی در جذب آنان به مسجد بسیار مؤثر هستند. علاوه بر این، می‌توان با امکانات اندکی کلاس‌های آموزش مهارت‌های زندگی یا آموزش حرفه‌آموزی در رشته‌های خیاطی، گلدوزی، گل‌سازی، هنرهای دستی، خطاطی، نقاشی و طراحی، عکاسی، فیلم‌برداری، ورزش‌های رزمی و شنا برای دختران و پسران برگزار کرد و بدین وسیله آنها را با فضای مسجد مأنوس ساخت.

۷. برگزاری اردوهای درون و برون شهری سیاحتی و زیارتی

کودکان و نوجوانان، روحیه پر شور، کنجکاو و جستجوگری دارند که می‌توان از آن برای هدایت و شکوفایی استعدادهایشان استفاده کرد. مسافرت و اردوهای درون

و بـرون شـهری ابـزار مناسـبی بـرای تحقـق ایـن هدف بـه شـمار می‌آیند. مسـافرت عـلاوه بـر ایـن کـه سـبب شـادابی روح و روان می‌شـود، زمینـه یادگیـری ارزش‌های اخلاقـی و جامعه‌پذیـری کـودکان و نوجوانـان را فراهـم می‌سـازد.

مسـاجد می‌تواننـد بـا همـکاری پایـگاه بسـیج و مـدارس همجـوار در ایـام تعطیـل و تابسـتان‌ها اردوهـا و سـفرهای زیارتـی و تفریحـی برگـزار کننـد. شایسـته اسـت بـه منظـور ترغیـب و ایجـاد انگیـزه در دانش‌آمـوزان بـه حضـور در مسـجد، دانش‌آموزان سـاعی و فعـال در برگـزاری نمـاز جماعـت مدرسـه و نیـز دانش‌آمـوزان مسـجدی در اولویـت ایـن اردوها باشـند.

بـه منظـور بهره‌برداری بیشـتر از ایـن موقعیت‌های ارزشـمند، توصیه می‌شـود اردوها و مسـافرت‌های دسـته جمعـی با حضـور امام جماعـت، برخی از اعضـای هیئت امنا و برخـی اولیـاء کـودکان و مربیـان آنهـا برگزار شـود. بی‌تردیـد حضور امـام جماعت در برنامـه کوهنـوردی، بازی‌هـا و اردوهـای کودکان در جـذب و تربیت دینی آنان بسـیار مؤثـر و سـازنده خواهد بود.

۸. تهیه روزنامه دیواری

نوبـاوگان اسـتعدادهای فراوانـی دارنـد که اسـتفاده بهینـه از آن باعث شکوفاسـازی و تقویـت اعتمـاد بـه نفـس آنان می‌گـردد. یکـی از فعالیت‌هایی کـه در پرکـردن اوقات فراغت و رشـد علمی و اجتماعی کودکان و نوجوانان بسـیار مؤثر اسـت، تشـویق آنان بـه تهیـه روزنامـه دیـواری در باب موضوعـات مورد علاقه خودشـان می‌باشـد. مطالب ایـن روزنامـه دیـواری با نظـارت بزرگترهایی کـه از طرف امام جماعت تعیین شـوند و با نویسـندگی، طراحی و نقاشـی کودکان و نوجوانان تهیه و سـپس در محل مناسـبی در مسـجد نصب گردد.

توصیـه می‌شـود ایـن کار در قالـب تیم‌هـای ۳ یـا ۵ نفـره انجـام گیـرد و بـرای هـر تیـم یـک سـرگروه بزرگتر تعیین شـود. سـپس آنهـا بین خود تقسـیم وظایـف نموده و هرکـدام متناسـب بـا توانمنـدی و علاقـه‌اش، قسـمتی از کار را بـر عهـده بگیـرد. شایسـته اسـت در پایـان کار، مطالـب روزنامـه دیواری توسـط امام جماعـت یا برخی

افـراد مـورد تأییـد ایشـان بازبینـی و نواقـص و اشـکلات احتمالـی آن برطـرف گردد. روزنامـه دیـواری می‌توانـد حـاوی مطالـب متنوعـی از قبیـل احـکام شـرعی کودکان و نوجوانـان، معـارف دینـی بـه زبـان سـاده، برخی آیـات و روایات مناسـب کـودکان، آشـنایی بـا شـخصیت‌های بـزرگ دینـی و ملـی، عکس‌هـای مناسـب و سـایر مطالب مـورد علاقـه دانش‌آموزان باشـد.

۹. حلقه‌های صالحین

امـام جماعـت می‌توانـد بـرای گروه‌هـای سـنی مختلـف حلقه‌هـای بحـث و گفتگـو تشـکیل دهـد و در آنهـا به کودکان آموزش‌هـای عقیدتی، اخلاقـی، تربیتی و فرهنگی ارائـه گـردد. هـر گـروه باید توسـط یـک مربی تحصیـل کـرده و خوش‌فکر اداره شـود و امـام جماعـت بـر موضوعـات مطرح شـده در ایـن حلقه‌ها نظـارت نمایـد. بی‌تردید، ایـن حلقه‌هـا کـه امـکان ارتبـاط چهـره بـه چهـره بـا کـودکان و نوجوانـان را فراهـم می‌سـازد، در رشـد دینـی و علمـی آنها بسـیار مؤثر اسـت.

۱۰. اجرای تئاتر و نمایش فیلم

بـا توجـه بـه روحیـه کـودکان و نوجوانـان و این کـه معمولاً آنـان حوصلـه و علاقه‌ای بـرای شـنیدن سـخنرانی و موعظـه از خود نشـان نمی‌دهنـد، بهتر اسـت برخی اوقات بـه جـای سـخنرانی از شـیوه‌های تبلیغـی دیگری اسـتفاده شـود. گاهـی نمایش یک فیلـم یـا اجـرای یک نمایش‌نامـه اثر چندیـن سـخنرانی را دارد.

از سـوی دیگـر، اجـرای نمایش‌نامه‌هـای معنوی و مناسـب بـا فضای مسـجد می‌تواند در تحـول فکـری و رفتـاری نوجـوان مؤثـر باشـد. وقتـی کـودک یـا نوجوانـی در نمایش‌نامـه‌ای نقشـی را برعهـده می‌گیـرد و بـرای اجـرای آن چنـد مرتبـه آن نقـش را بـازی کنـد، کم‌کـم نقـش خـود را بـاور می‌کنـد و آن را در رفتـار خـودش منعکس می‌سـازد.

» د) نگرش متولیان و مسئولان مسجد

اعضـای هیئـت امنای مسـاجد باید افـرادی تحصیل کرده، روشـنفکر، روزآمد و معتقد بـه حضـور کـودکان و نوجوانـان در مسـجد باشـند. آنهـا بایسـتی بـرای برنامه‌ریزی و اداره امـور مسـجد بـه انـدازه کافـی وقـت بگذارنـد و بـا تهیه وسـایل و امکانـات لازم، بسـتر مناسـب را بـرای حضـور کـودکان و نوجوانـان فراهـم نماینـد. علاوه بـر هیئت امنـاء، مسـئولین هیئت‌هـای عـزاداری، کانون‌هـای فرهنگـی و پایـگاه بسـیج نیز باید در ایـن زمینـه اتفاق نظر داشـته باشـند و از تعـارض و رقابت منفی برای خنثی‌سـازی فعالیت‌هـای یکدیگـر اجتنـاب نماینـد. زیرا، اگـر بعضی متولیان و مسـئولین مسـجد بـا آمـد و رفـت کـودکان و نوجوانـان به مسـجد موافـق نباشـند و وجود آنـان را مخل آرامـش نمازگـزاران و بـه هـم خـوردن نظـم و قداسـت مسـجد بدانند، امـکان جذب ایـن گروه‌های سـنی به مسـجد دشـوار می‌شـود.

نکتـه قابـل تأمـل این کـه متولیان و اهالی مسـجد باید کـودکان و نوجوانـان را همان طـور کـه هسـتند، بپذیرنـد و نسـبت بـه نـوع پوشـش، آرایـش سـر و صورت، سـبک گفتـار و برخـی رفتارهـای نامناسـب آنها با سـعه صـدر و اغماض برخورد کننـد. نباید بـه نوجوانـان چنیـن القا شـود که نوجوان مسـجدی نباید شـیک‌پوش و مرتب باشـد، یـا نبایـد اهل شـوخی و خنده و شـادمانی باشـد؛ یا نمی‌توانـد همانند سـایر نوجوانان امـروزی از لباس‌هـای شـاد و متنـوع و امروزی اسـتفاده کند.

ضمنـاً براسـاس سـفارش پیامبـر اکـرم ﷺ کـه جوانـان را مـورد مشـورت خـود قرار دهیـد، چـه خـوب اسـت کـه در ترکیب هیئـت امنـاء مسـاجد از جوانان نیز اسـتفاده شـود تـا در کنـار افـراد مسـن بـه اداره امـور مسـاجد بپردازنـد. مسـلماً جوانـان نیـز لیاقت‌هـا و توانایـی لازم را بـرای ایـن کار دارنـد و بهتـر بـا کـودکان و نوجوانـان کنار می‌آینـد.

») رفتار خادم و نمازگزاران مسجد

رفتـار خـادم و نمازگـزاران بـا کـودکان و نحـوه برخـورد آنـان بـا ایـن میهمانـان خدا نقـش مهمـی در جـذب یـا دفـع آنان بـه مسـجد دارد. در صورتی کـه افـراد مذکور با کـودکان مهربـان و خـوش رفتـار باشـند و با روی گشـاده، سـعه صدر و تحمـل بالا با آنـان مواجـه شـوند، کودکان با شـوق و اشـتیاق به مسـجد می‌آینـد؛ ولی اگـر آنها در مقابـل بازی‌هـا و رفتارهـای کودکانـه صبور نباشـند و با کودکان رفتار خشـن و تندی داشـته باشـند، کودکان از مسـجد گریزان خواهند شـد.

متأسـفانه گاهـی برخـورد نامناسـب و دور از احتـرام بعضـی از بزرگترها بـا کودکان و نوجوانانـی کـه به مسـجد می‌آینـد، باعث ناراحتی و دلزدگی آنان از مسـجد می‌شـود. نمازگـزاران و خـادم مسـجد نباید بـا تندخویـی و بداخلاقی مانع آمـد و رفت کودکان و نوجوانـان بـه مسـجد گردنـد. در مقابـل، نمازگـزاران و خادم مسـجد باید بـا رعایت حرمـت کـودکان و نوجوانـان و پرهیـز از تنـدی و خشـونت در برخـورد با آنـان، نقش مؤثـری در ترغیـب ایـن گروه سـنی به حضور در مسـجد ایفـا نمایند.

» و) ارتباط با مدارس

امامـان جماعـت مسـاجد بایـد تـلاش کننـد بـا مـدارس نزدیـک خـود ارتبـاط صمیمانـه‌ای برقـرار نماینـد. آنهـا می‌تواننـد بـا همـکاری هیئـت امنـای مسـجد، از مدیـر و مسـؤلان مـدارس دعـوت کننـد تـا در مسـجد حضـور یابنـد. از سـوی دیگر، ائمـه جماعـات نیـز بایـد گهگاهی به مدرسـه‌های پیرامون مسـجد سـر بزننـد و برای حضـور دانش‌آمـوزان در مسـاجد بـا مدیـران و معلمـان همفکـری نماینـد. بـه علاوه، آنهـا می‌تواننـد بـا همکاری هـم، زمینه حضـور و مشـارکت دانش‌آمـوزان در برنامه‌ها و مراسـم‌های جشـن و عـزاداری مسـجد را مهیـا سـازند. ایـن کار باعـث می‌شـود هم مـدارس معنوی‌تـر و مذهبی‌تـر شـوند و هـم حضـور کـودکان و نوجوانان در مسـاجد پررنگ‌تـر گـردد. برخـی اقداماتـی کـه می‌توانـد در جـذب دانـش آموزان به مسـاجد و پیونـد مسـتحکم‌تر آنهـا بـا ایـن مـکان مقدس کمـک نماید به شـرح زیر می‌باشـد:

۱. امـام جماعـت مسـجد حداقـل هفته‌ای یک بـار در نمـاز جماعت مـدراس هم‌جوار دانش‌آمـوزان سـخنرانی کند.

۲. حضـور امـام جماعـت در جلسـات سـتاد نمـاز مدرسـه، انجمـن اولیـاء و مربیـان، شـورای معلمیـن و برخـی مراسـم‌های مدرسـه و همچنیـن شـرکت در مراسـم اهداء هدایـا بـه دانش‌آمـوزان ممتـاز مدرسـه نیـز مفیـد و راه‌گشـا می‌باشـد.

۳. مسـاجد ترتیبـی اتخـاذ نماینـد کـه از دانش‌آمـوزان مـدارس هم‌جـوار، بـه عنـوان خادمیـن افتخـاری مسـجد بهـره جسـته و در مناسـبت‌های مختلـف، بـرای انجـام کارهـای مسـجد مثـل چراغانـی کردن، سـیاه‌پوش کـردن، توزیـع چای و شـیرینی و ماننـد آن از آنـان اسـتفاده نماینـد.

۴. چـون دانش‌آمـوزان در مقطـع سـنی‌ای قـرار دارند کـه نیازمند ابراز وجود و نشـان دادن آثـار و هنـر خـود بـه دیگران هسـتند، مشـارکت در برنامه‌های مسـجد می‌تواند بهتریـن موقعیـت را بـرای شـکوفایی اسـتعدادهای آنـان فراهـم نمایـد. مسـئولین مسـجد می‌تواننـد آثـار دانش‌آمـوزان از قبیـل نقاشـی، عکاسـی، خطاطـی، طراحـی، نشـریه دیـواری، شـعر، قصـه، خاطـره، نمایش هنـری و نظایـر آن را در مناسـبت‌های مختلـف و برنامه‌هـای متنوعـی که مسـاجد دارند، در معـرض نمایش قـرار دهند. این

امـر هـم بـه فعال‌تـر شـدن و غنی‌سـازی برنامه‌هـای مسـاجد کمـک می‌کنـد و هـم زمینـه بـروز اسـتعدادهای بالقـوه دانش‌آمـوزان را فراهم می‌سـازد.

۵. تجلیـل از دانش‌آمـوزان ممتـاز مـدارس توسـط امـام جماعـت و متولیـان مسـاجد نیـز تأثیـر فوق‌العـاده‌ای در ایجاد نگـرش مثبت دانش‌آمـوزان به مسـجد و برنامه‌های مذهبـی دارد. بدیـن منظـور توصیـه می‌شـود مسـئولین مسـجد هـر سـاله پـس از پایـان امتحانـات و مشـخص شـدن نفرات ممتـاز و برجسـته مدارس همجوار مسـجد در زمینه‌هـای علمـی، اخلاقـی، ورزشـی و سـایر زمینه‌هـا طـی نامـه‌ای کتبـاً از ایـن دانش‌آمـوزان و والدین‌شـان دعـوت نماینـد و در یـک مراسـم ویـژه از آنـان تجلیل به عمـل آورده و هدایایـی بـه آنـان اهـداء کننـد. ایـن امـر موجـب شـکل‌گیری نگـرش مثبـت بـه مسـجد در ایـن دانش‌آمـوزان و اولیـاء آنـان خواهد شـد.

۶. بعضـی مدیـران مـدارس بـرای ایجـاد پیونـد دانش آمـوزان بـا مسـاجد برنامه‌های تشـویقی و تجلیـل از دانش‌آمـوزان ممتاز درسـی و اخلاقی را در مسـاجد محل برگزار می‌کننـد. طـی ایـن اقـدام شایسـته، دانش‌آمـوزان در مسـاجد حضـور یافتـه و همراه بـا انجـام سـایر برنامه‌هـا، هدایـا و لـوح تقدیـر خـود را از دسـت مدیـر مدرسـه و امام جماعـت مسـجد دریافـت می‌نمایند.

۷. امـام جماعت‌هـا می‌تواننـد بـا همـکاری سـایر متولیـان و مدیـران مـدارس، دانش‌آمـوزان مـدارس پیرامـون مسـجد را در برنامه‌هـای مسـجد مشـارکت دهنـد و یـک مدرسـه را بـه عنـوان میزبـان و سـایر مـدارس را بـه عنـوان میهمـان تعییـن نماینـد. مثـلاً برگـزاری جشـن نیمـه شـعبان را، بـه یک مدرسـه واگـذار نماینـد و از دانش‌آمـوزان دیگـر مـدارس همجـوار، بـرای شـرکت دعـوت بـه عمـل آورنـد و ایـن برنامـه در طـول سـال بـه صـورت چرخشـی بـه دیگـر مـدارس واگـذار شـود.

حضـور والدیـن، معلمین و اولیاء مدارس و همچنین امام جماعت و مسـئولین مسـجد در ایـن برنامه‌هـا بسـیار مفیـد و مؤثـر اسـت و ضمـن تقویـت روحیـه دانش‌آمـوزان، باعـث رونـق مسـاجد خواهد شـد. ایـن روش، فوایـد و مزایـای زیـادی دارد که برخی از آنهـا بدیـن قرارند:

- دانش‌آمـوزان بـرای دیـدن برنامه‌هـای اجرا شـده توسـط همکلاسـی‌ها، هم

مدرسه‌ای‌ها و یا همسالان خود با شوق و رغبت بیشتری به مسجد می‌آیند.

- از آنجا که دانش‌آموزان دارای سلیقه‌های مختلفی هستند، برنامه‌های مسجد متنوع و جذاب خواهد شد.
- معمولاً برنامه‌هایی که توسط دانش‌آموزان طراحی و اجرا می‌شوند، بیشتر با روحیات و سلایق کودکان و نوجوانان سازگار و همسو می‌باشد و به همین دلیل بیشتر مورد توجه آنان قرار می‌گیرد.
- مسئولیت دادن به دانش‌آموزان در برنامه‌های مسجد موجب بالا رفتن اعتماد به نفس و تقویت عزت نفس آنان می‌گردد. این امر باعث جلب مشارکت فعالانه آنان در طراحی و اجرای برنامه‌های مسجد می‌شود و در نتیجه احساس تعلق کودکان و نوجوانان به مسجد را تقویت می‌نماید.

» ز) سایر اقدامات

عـلاوه بـر الزامـات نرم‌افـزاری فـوق، چند عامـل دیگر مرتبط با مسـجد نیـز در جذب و حضـور کـودکان مؤثرنـد کـه در اینجا فقط به سـه مورد نسـبتاً مهم‌تـر یعنی نظافت و زیبایـی مسـجد، اطلاع‌رسـانی مناسـب و درک فلسـفه نمـاز و آثـار و بـرکات حضور در مسـجد اشـاره می‌کنیم.

۱. آراستگی، نظافت و زیبایی فضای مسجد

از آنجـا کـه طبـع کـودکان و نوجوانـان پـاک و آرام اسـت، آنها بـه مکان‌هـای پاکیزه، آرام، شـاد، جـذّاب و دلپذیـر بیشـتر گرایـش دارنـد و از مکان‌هـای کثیـف، آشـفته، غمبـار و یکنواخـت دوری می‌کننـد. از ایـن رو، بـرای جـذب آنان به مسـاجد باید این مکان‌هـا آراسـته، پاکیزه، شـاد و پرتنوع باشـند. فرش‌هـای تمیز و پاکیـزه، در و دیوار رنگ‌آمیـزی شـده بـا رنگ‌هـای ملایـم و شـاد، بهره‌مند از نـور کافی و هـوای مطبوع، حیـاط بـزرگ و زیبـا و شبسـتانی معطـر و خوشـبو از مشـخصات یک مسـجد کودک و نوجوان پسـند اسـت.

عـلاوه بـر زیبایـی و تمیـزی، لازم اسـت مسـجد از سیسـتم گرمایشـی و سرمایشـی مطبـوع، جـا کفشـی خوب، سـرویس‌های بهداشـتی و وضوخانه تمیز، سیسـتم صوتی مناسـب، مهرهـای تمیـز و تزئینـات مناسـب نیـز برخوردار باشـد تـا کـودکان در آن احسـاس راحتـی و آرامـش کنند.

۲. اطلاع‌رسانی مناسب

معمـولاً یکـی از مشـکلات بیشـتر مسـاجد، نحـوه اطـلاع رسـانی برنامه‌هـا و فعالیت‌هایشـان بـه کـودکان و بـه دانش‌آمـوزان اسـت. متولیـان امـر بـه ویـژه امـام جماعـت و هیئـت امنـا، باید با اسـتفاده از روش‌هـای نوین اطلاع‌رسـانی، خانواده‌ها را در جریـان فعالیت‌هـای مسـجد قـرار دهند. عـلاوه بر این، آنهـا می‌توانند بـا همکاری مدیـران و مربیـان مـدارس، برنامه‌هـای مسـجد را به اطـلاع دانش آموزان برسـانند و تبلیغـات لازم در ایـن خصـوص را انجـام دهنـد.

۳. آشنا کردن کودکان با فلسفه و احکام نماز

تعـدادی زیـاد از کـودکان و نوجوانـان نمی‌داننـد چـرا باید نمـاز بخواننـد. و به همین علـت، میلـی بـه حضـور در مسـجد و نمـاز جماعـت ندارنـد. از ایـن رو، امـام جماعت بایـد بـه زبـان سـاده و قابـل درک برای کـودکان، فواید نمـاز و آثار و بـرکات آن را در زندگـی تشـریح کند. شناسـاندن نمـاز به کـودکان و نوجوانـان به عنوان عامـل ایجاد آرامـش و رفـع اضطـراب، از بیـن بـردن رذایـل اخلاقـی، بهتریـن و برترین یـاد خدا و بهتریـن وسـیله محبـوب شـدن در نـزد پـروردگار، باعـث تحکیـم اعتقاد کـودکان به نمـاز و مسـجد می‌گردد.

افـزون بـر ایـن، حضور مدیـران، معلمان و دبیران رشـته‌های مختلـف در نماز جماعت نیـز عامـل بسـیار مهمـی در جـذب دانش‌آموزان بـه نماز و مسـجد می‌باشـد. دبیران عزیـزی کـه از فرصتهـای خود در مسـاجد برای رفع اشـکالات درسـی دانـش آموزان اسـتفاده می‌کننـد، بـدون شـک باعث ترغیـب آنان به حضـور در خانه خدا می‌شـوند. نصـب احادیـث مربـوط به ثواب نمـاز جماعت با خط زیبا در مدرسـه و مسـجد، باعث شـوق بیشـتر کودکان به شـرکت در مراسـم نماز جماعت خواهد شـد.

از سـوی دیگـر، تشـکیل جلسـات بحـث و گفتگـو پیرامون فلسـفه نمـاز، فوایـد نماز، آثـار نمـاز و اسـرار نمـاز توسـط مـدارس و مسـاجد بـا دعـوت از سـخنرانان محبـوب دانش‌آمـوزان می‌توانـد سـبب تشـویق آنان بـه اقامه نمـاز و حضور در مسـاجد گردد. البتـه دعـوت بـه نمـاز همـواره بایـد بـا محبـت، مهربانـی و اخـلاق خـوش باشـد و از هرگونـه تنـدی و پرخـاش پرهیز شـود.

» ح) فنون برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان

با توجه به اهمیت آشنایی ائمه جماعات و سایر مسؤلین مساجد با فنون برقراری ارتباط مؤثر و سازنده با کودکان و نوجوانان، در پایان این مقاله به اختصار برخی از شیوه های ارتباط با کودکان را معرفی می‌کنیم. به طور کلی به مجموعه اصول ارتباطی و تکنیک‌های رفتاری، گفتاری و چهره‌ای که موجب برقراری ارتباط سازنده و رضایت‌بخش با دیگران شده و آنان را به فرد علاقمند می‌سازد، مهارت‌های ارتباطی و فنون جذب مخاطب می‌گویند. در اینجا برخی از این فنون را فهرست وار بیان می‌کنیم؛ اما پیش از آن نگاهی به سبک‌های ارتباط با کودکان می‌اندازیم. به طورکلی بزرگترها به سه شیوه با کودکان ارتباط برقرار می‌کنند:

برخی اغلب با کودکان به طور خشونت‌آمیز حرف می‌زنند. کودک را تحقیر می‌کنند و با جملاتی تهاجمی او را مخاطب قرار داده و به وی امر و نهی می‌کنند. در مقابل کودکان به شیوه‌های متفاوتی واکنش نشان می‌دهند؛ برخی می‌ترسند و خودشان را مخفی می‌کنند؛ بعضی بازیگوش و بی‌خیال هستند؛ و تعدادی هم با گستاخی، از آن سر می‌پیچند.

گروه دوم فقط با زبان ملاطفت، نرمی و محبت سخن می‌گویند. و هیچ‌گاه از خود قاطعیت و اقتدار نشان نمی‌دهند؛ اما گاهی ناگهان تغییر روش داده و با خشونت کلامی یا رفتاری کودک را وادار به انجام کاری می‌کنند.

و در نهایت افرادی که با روش برقراری ارتباط سالم آشنا هستند، به گونه‌ای مثبت، صمیمی، منطقی و قاطع سخن می‌گویند و ضمن احترام به کودک، به او می‌فهمانند که باید موقعیت و شرایط را در نظر بگیرد و درست رفتار کند. آنها می‌دانند که جملات و کلمات مثبت مانند: من به شما افتخار می‌کنم، عالی بود فرزندم و ... به کودک و نوجوان اعتماد به نفس و احساس شادی و خوشبختی می‌بخشد؛ رفتارش را بهتر می‌کند؛ و کوشش او را برای رسیدن به موفقیت افزایش می‌دهد.

اگر می‌خواهیم جزء گروه سوم باشیم، باید فنون ارتباطی زیر را که سبب بهینه

سـازی روابـط مـا با کـودکان و نوجوانان می‌شـود، مـورد توجه قـرار دهیم.
۱. نـام کـودک را بـا احتـرام صـدا بزنیـد. مثلا: آقـا مرتضی، مطهـره خانـم و ... این امر باعـث تقویـت عـزت نفـس کودک و علاقمندی بیشـتر او به شـما می‌شـود.
۲. در طـول حضـور کـودک، هـر چنـد دقیقـه یک بـار نـام او را ببرید. صدا کـردن نام کـودک توجـه او را بـه حرف‌های شـما جلـب می‌کند.
۳. بـرای بیـان مطالبتـان بیشـتر از جمـلات مثبـت اسـتفاده کنیـد. مثـلا بـه کودک نگوییـد: بـه مهـر دسـت نزن یا توی مسـجد نـدو. در مقابل بـه او بگوییـد: عزیزم! مهر را اینجـا بگـذار یـا شـما هـم بیا با مـا نماز بخـوان. البته مثبـت حرف زدن کار آسـانی نیسـت؛ اما تلاشـی ارزشـمند و پر فایده اسـت.
۴. هرگـز از کلام سرزنشـی یـا تحقیـر آمیـز مثـل: خجالـت نمی‌کشـی، پسـر بـد و ... اسـتفاده نکنیـد. ایـن نـوع کلمـات، احسـاس بی‌ارزشـی را در آنهـا به وجود مـی‌آورد.
۵. بـا کـودک یانوجـوان ارتبـاط چشـمی برقـرار کنیـد. تأثیـر واژه‌هـا را زمانـی بهتـر احسـاس می‌کنیـد کـه بـه چشـم‌هایش نـگاه کنیـد و بـا آرامـش بـا او حـرف بزنیـد.
۶. بـه تـن صـدا و لحـن کلامتـان توجـه کنیـد. بـا کودکی کـه غـر می‌زند، بـه تندی صحبـت نکنیـد. زمانـی که کودک آرام شـد، با او حـرف بزنید. بالا و پاییـن رفتن صدا بایـد متناسـب بـا موقعیـت باشـد. بـه هـر حال، بـا کـودک بـا خشـونت و داد و بیداد حـرف نزنید.
۷. بـه کـودکان وبـه ویـژه نوجوانان فرصت دهید تا حرفشـان را بزنند. اگـر می‌خواهید همـراه شـما باشـند، باید بـه آنها بگوییـد که چرا باید بـه این روش خـاص عمل کنند و بـه حرف‌هایتـان گـوش بدهنـد. کـودکان اگـر اهمیـت و ارزش پیـروی از حرف‌ها و دسـتورات شـما را بداننـد، خیلـی راحـت آن را می‌پذیرنـد. مثـلا بـه جای ایـن که به آنهـا بگوییـد: شـما نباید صـف اول نماز جماعت بایسـتید، بهتر اسـت بگوییـد: بعد از نمـاز همه جمع شـوید تـا اشـکالات نمازمان را برطـرف کنیم.
۸. همیشـه در هنـگام نهـی کـردن از عملـی، رفتـار جایگزیـن را بـه کـودک نشـان بدهیـد؛ بـرای مثـال بگوییـد: الان موقـع نمـازه، نباید توی مسـجد بدوی امـا میتونی اینجـا بنشـینی و نقاشـی نمـاز رو بکشـی و جایـزه بگیـری.

۹. کودکان نمی‌توانند چند دستور را به طور هم‌زمان انجام بدهند. پس خواسته‌هایتان را یکی‌یکی بیان کنید. ابتدا کارهای ساده‌تر را از کودک بخواهید و سپس او را به انجام کارهای پیچیده‌تر تشویق کنید.

۱۰. به جای برجسته کردن ناکامی‌ها و ناتوانی‌های کودک و سرزنش کردن او، به ویژگی‌های جذاب و رفتارهای مثبت او توجه کنید و بیشتر در مورد آنها صحبت کنید.

۱۱. کودکان شدیداً الگو پذیرند و از رفتار نزدیکان خود تقلید می‌کنند. پس با کودک خوش‌رفتاری کنید تا او هم رفتار خوبی داشته باشد. خوش رفتاری شما با کودک به او یاد می‌دهد چگونه باید رفتار کند، چه رفتاری پذیرفتنی است و چه رفتاری نادرست است. به عنوان مثال، اگر توقع دارید کودکان محترمانه حرف بزنند، خودتان با همین شیوه صحبت کنید و آنها را با الفاظ دخترخوبم، پسر خوبم، عزیزم، گلم مورد خطاب قرار دهید.

۱۲. با کودکان هم مهربان و هم جدی باشید. اگر درخواستی از کودک دارید، یا چیزی را به کودک توصیه می‌کنید، باید روی آن پافشاری کنید. درعین حال سعی کنید سخت‌گیر نباشید و چیزی فراتر از توانایی کودک از او نخواهید. اگر می‌بینید کودک تلاشش را می‌کند، به او کمک کنید تا کارش را بهتر انجام بدهد.

۱۳. گاهی از کودکان سؤال بپرسید تا آنها وادار به فکر کردن شوند. بهتر است سؤالات به گونه‌ای باشند که پاسخ آنها بله یا خیر نباشد و مجبور شود بیشتر حرف بزنند و دیدگاه‌ها و احساساتش را بیان کنند.

۱۴. اگر احساس می‌کنید کودک واکنش درستی به درخواست‌ها و حرف‌هایتان نشان نمی‌دهد و گیج شده است، پرسش و درخواستتان را دوباره تکرار کنید تا منظور شما را خوب متوجه شود. می‌توانید از او بخواهید آنچه را به او گفته‌اید تکرار کند تا بدانید منظورتان را درست فهمیده یا خیر.

۱۵. زمانی که می‌خواهید کودک کاری برایتان انجام دهد، به جای کلمات امری مثل تو باید ... ، از کلمات خواهشی استفاده کنید. مثلا بگویید: خیلی خوشحال

می‌شـم کـه هـرروز قبـل از نماز بیایـی و نوارهـای نمـاز را پهن کنی.
۱۶. در جمـع کـودکان، افـراد خجالتـی و کـم حرف یا بچه‌هـای کوچک‌تر را تشـویق بـه صحبـت و مشـارکت در بحث‌هـا کنیـد. گاهـی بچه‌هـای بزرگ‌تـر یا رودارتـر زیاد صحبـت می‌کننـد و بـه بچه‌هـای کوچک‌تـر و کم‌روتر فرصـت حـرف زدن نمی‌دهند. شـما سـعی کنیـد بـا وادار کـردن ایـن افراد بـه صحبـت، به همـه فرصت اظهـار نظر بدهید.
۱۷. کـودکان را همـان طـور کـه هسـتند، بپذیریـد. کودکـی کـه تأییـد می‌شـود و دیگـران، بـه خصـوص امـام جماعـت مسـجد بـه او بهـا می‌دهنـد، از اعتماد بـه نفس و احسـاس ایمنـی بالاتـری برخـوردار می‌شـود و در کارهایـش موفق‌تـر خواهـد بـود.
۱۸. وقتـی کـودک صحبـت می‌کنـد، تـا انتها به سـخنانش گـوش دهیـد و حرفش را قطـع نکنیـد. اگـر مـدام وسـط حرف کـودک بپریـد، ممکن اسـت او از مطـرح کردن دیدگاهایـش صـرف نظـر کند.
۱۹. گاهـی کـودکان در بیـان افـکار و احساساتشـان دچـار مشـکل می‌شـوند؛ گاهی، یافتـن کلمـات صحیـح برایشـان دشـوار می‌شـود؛ یـا موقعیـت چنـان ترسـناک بـه نظرشـان می‌رسـد کـه از بیـان آن چـه واقعاً احسـاس می‌کنند، می‌ترسـند؛ یـا نگران آن هسـتند کـه مورد تمسـخر یـا طرد دیگـران قرار بگیرنـد. در همه ایـن موقعیت‌ها، اصلی‌تریـن کار آرامـش بخشـیدن بـه کودکان اسـت.
۲۰. بـرای کـودکان ونوجوانان حاضر در مسـجد وقت بگذارید و تـلاش کنید تا ارتباط دوسـتانه‌ای بـا آنهـا برقـرار کنید. یادتان باشـد کـه گفتگو بـا کـودکان ونوجوانان یک مسـیر دو طرفه اسـت. با آنها حرف بزنید و منتظر شـنیدن پاسـخ‌ها و واکنش‌هایشـان باشـید. گـوش دادن نیز به انـدازه حرف زدن مهم اسـت. (پت[1]، ۱۳۷۶)

[1] . Pat, P.

منابع

» قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران و قم، دارالقرآن الکریم ، ۱۳۷۳.
» نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱.
» ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۳ق.
» ابن حنبل، احمد، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
» افروز، غلامعلی، چکیده‌ای از روان‌شناسی تربیتی، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۵.
» بیابانگرد، اسماعیل، روان‌شناسی نوجوانان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
» پت، پتری، شیوه برقراری ارتباط با کودکان و بزرگسالان، ترجمه، جواد شافعی مقدم و نیره ایجادی، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۷۶.
» حرالعاملی، محمدبن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البیت۱۴۱۶ ،علیهم‌السلام ق.
» الحرانی، حسن بن علی، تحف العقول، به تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
» ریو، جان مارشال، انگیزش و هیجان، ترجمه، یحیی سید محمدی، تهران، نشر ویرایش، ۱۳۸۷.
» شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحول انسان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
» طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹ق.
» قائمی، علی، خانواده و نیازهای کودکان، تهران، نشر امیری، ۱۳۷۰.
» کامکاری، کامبیز، اصول روان‌شناسی ارتباط با کودک، تهران، نشر روان‌سنجی، ۱۳۸۰.
» کریمی، عبدالعظیم، راهبردهای روان‌شناختی تبلیغ، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۱.
» کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
» ماسن، پاول هنری و همکاران، رشد و شخصیت کودک، ترجمه، مهشید یاسائی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۲.
» مایا ایوانونا، لیزینا، الگوهای ارتباطی کودک- بزرگسال- همسالان، ترجمه، محمدجعفر مدبرنیا، تهران، نشر دنیای نو، ۱۳۸۵.
» مجلسی، محمدباقر،بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۴۱۲ق.
» منصور، محمود و دادستان، پریرخ، دیدگاه پیاژه در گستره تحول روانی، تهران، نشر بعثت، ۱۳۷۴.
» منیرالدین، احمد، نهاد آموزش اسلامی، آموزش و پرورش اسلامی و پایگاه اجتماعی دانشمندان تا سده پنجم هجری در پرتو تاریخ بغداد خطیب بغدادی، ترجمه، محمدحسین ساکت، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
» موظف رستمی، محمد علی، روش‌های جذب نوجوانان و جوانان به مساجد و نماز جماعت، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۱.
» مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، به تصحیح عبدالکریم سروش، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
» نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لإحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.

روش‌های تعلیم مفاهیم و آموزه‌های دینی به کودکان و نوجوانان

حسن خلجی[1]

چکیده

تربیت دینی فرزند یک ضرورت است کسانی که تربیت کودکان ونوجوانان خود را از وظایف خویش به حساب نمی‌آورند و بیشتربه امور روزمره خود می‌پردازند، باید منتظر پیامدهای این بی‌توجهی‌ها باشند.

آشنا ساختن کودکان با مفاهیم و آموزه‌های دینی آنها را ازآسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌دارد؛ چرا که بسیاری ازشرارت‌های افراد ناشی از نداشتن تربیت دینی و اخلاقی می‌باشد و آموزش صحیح کودکان و نوجوانان با ارزش‌های دینی باعث می‌شود آنان دربرابر این انحرافات مقاومت بیشتری داشته باشند. والدین و مربیان اگر بخواهند کودکان را با معارف دینی آشنا کنند و این امررا

[1] . دانش آموخته حوزه علمیه قم ، کارشناس ارشد علوم تربیتی
Email: hasan6188@yahoo.com.

در آنـان نهادینـه سـازند، بایـد از سـنین کودکـی و نوجوانـی شـروع کننـد، زیـرا فردا دیـر اسـت. درنظـام تربیتی اسـلامی آغاز تعلیـم و تربیت با اسـتفاده از روش‌شناسـی و بررسـی شـیوه‌های صحیـح تربیتـی جایـگاه ویـژه ای دارد. درخـت پرثمـر تربیـت آنـگاه بـه بارمی‌نشـیند کـه نظریه‌هـای تربیتـی در قالب شـیوه‌های صحیح و درسـت بـه اجـرا درآیـد. روش تحقیـق در ایـن مقاله بـه صورت توصیفـی و تحلیلی می‌باشـد. نتایـج حاصلـه از ایـن تحقیق نشـان می‌دهد مربیـان و والدین با اسـتفاده از روش‌های تشـویق، بصیرت‌بخشـی، قصه‌گویـی، الگویـی و محبت می‌توانند کـودکان را با مفاهیم و آموزه‌هـای دینـی تعلیـم دهند.

کلید واژه‌ها:
کودک و نوجوان، تعلیم، روش شناسی، تربیت، آموزه‌های دینی.

» مقدمه

تربیـت دینـی فرزنـد یک ضـرورت است،کسـانی که تربیـت کـودکان و نوجوانان خود را از وظایـف خویـش بـه حسـاب نمی‌آورند و بیشـتربه امـور روزمره خـود می‌پردازند، منتظـر پیامدهـای ایـن بی‌توجهی‌هـا باشـند.حضرت علی(ع)دراین بـاره می‌فرماید: «و لاتکونـوا کجفـاه الجاهلیـه لا فی الدیـن یتفقهون و لا عـن الله یعقولن کقیض بیض فـی اداح یکـون کسـرها وزرا و یخـرج حضانها شـرا» (نهج البلاغه، خطبـه ۱۶۶) مانند سـتم پیشـگان دوران جاهلیـت نباشـید کـه نـه در پـی آگاهـی دینـی بودنـد و نه در شناسـایی خـدا اندیشـه می‌کردند، مثـل تخم افعـی در لانه پرندگان که شکسـتن آن گنـاه اسـت، زیـرا گمـان مـی‌رود تخم پرنـده باشـد، اماجوجه آن شـر و زیانبار اسـت. یعنـی ظاهـر شـما بـه حکـم محیـط اسـلامی باایمـان اسـت، ولـی درباطـن، صفـات جاهلیـت را دارید.

برایـن اسـاس می‌تـوان گفـت یکی از دلایل مهم آسـیب‌های فـردی و اجتماعی که در آینـده درافـراد به وجـود می‌آید بـی توجهی و غلفـت درتربیت دینـی دردوره کودکی و نوجوانـی اسـت. بـا ایـن اسـتدلال کـه حضـرت علـی(ع) دربـاره تربیـت پذیربودن کـودک و نوجـوان بـه امـام حسـن(ع) می‌فرماید:«إنّما قلـب الحـدث کالارض الخالیه مـا ألقـی فیهـا مـن شـیئ قبلته» (نهـج البلاغـه، نامـه ۳۱) قلـب نونهال ماننـد زمین خالـی اسـت که هرتخمـی درآن افشـانده شـود، می‌پذیرد.

امـام صـادق(ع) دربـاره ضـرورت و اهمیـت تربیـت دینـی کـودکان و نوجوانـان می‌فرماید:«بـادروا أولادکـم بالحدیـث قبـل أن یسـبقکم إلیهـم المرجئـه» (کلینـی، ج ۶، ص ۴۷) بـه ایـن معنـا کـه هرچـه زودتـر معـارف اسـلامی را بـه فرزنـدان خـود بیاموزیـد پیـش ازآنکـه منافقـان بـا آموزش‌هـای انحرافـی بـر شـما سـبقت گیرنـد. بنابرایـن «... کـودک در خطـر اخلاقـی را بایـد در ردیـف انحرافـات جوانـی قـرارداد، زیـرا اگـر از آن جلوگیری نشـود سـقوط درتبهـکاری او فراهـم می‌شـود.» (ژان پیاژه، ۱۳۶۹، ص ۱۱۹)

مولـوی راجـع به اینکه هرچه انسـان بزرگ‌تر می‌شـود صفـات او قوی‌تر و ریشـه‌دارتر می‌گـردد مثلـی مـی‌آورد آنجـا کـه می‌گوید: «مـردی خـاری در معبر کاشـت و مردم

ازایـن بوتـه خـار در رنـج بودنـد.او قـول داد کـه سـال دیگـر آن را بکند و سـال دیگر نیـز کاررا بـه سـال بعـد موکول کـرد و سـال‌های بعد نیزبـه همین ترتیـب عمل کرد. ازطرفـی، درخـت، سـال به سـال ریشـه‌دارتر می‌شـد و خارکـن ضعیف‌تـر می‌گردید. یعنـی میـان رشـد درخـت و قـوت او نسـبت معکـوس برقـرار بود. حـالات انسـان نیز ماننـد خاربُـن و خارکـن اسـت. روز به روز صفات درانسـان ریشـه‌های عمیق‌تری پیدا می‌کنـد و اراده انسـان را ضعیف‌تـر می‌کنـد، بنابرایـن قـدرت یـک جـوان دراصـلاح نفـس خـود، از یک پیر بیشتراسـت.» (مطهـری، ۱۳۷۱، ص ۷۹-۸۰)

سعدی نیز می‌گوید:

هر که در خردیش ادب نکنند
در بزرگی فلاح از او برخواست

چوب تر را چنان که خواهی پیچ
نشود خشک جز به آتش راست

مولـوی و سـعدی نیز بر این عقیده هسـتند که آموختن فضایـل و تربیت فرزندان باید از سـنین کودکـی و نوجوانـی آغاز شـود زیـرا دراین سـنین آمادگـی و صلاحیت‌های لازم بـرای امرتربیـت در آنان به میزان کافـی وجود دارد.

وقتـی محـور تربیـت، تقویـت و ارتقـای رفتارهای دینی درکـودکان و نوجوانان باشـد، مسـلماً فرزنـدان در برابـر آسـیب‌های اخلاقـی و اجتماعـی مصـون می‌ماننـد زیرا که بسـیاری از شـرارت‌های افـراد ناشـی از نداشـتن تربیـت دینـی و اخلاقـی می‌باشـد. والدیـن و مربیـان اگـر بخواهنـد کـودکان را بـا معـارف و آموزه‌های دینی آشـنا کنند و ایـن امـور را بـه آنـان تعلیـم دهنـد، باید از سـنین کودکـی و نوجوانی شـروع کنند، چرا کـه فردا دیراسـت.

امـا بـرای آشـنا سـاختن کـودکان با مفاهیـم دینی چـه باید کـرد؟ از چـه روش‌هایی اسـتفاده کنیـم؟ مؤثرتریـن روش‌هـا و عوامل کدامند؟ پاسـخ به این سـؤالات موضوع و محتـوای ایـن مقاله می‌باشـد.

» الف) ضرورتِ داشتنِ روش

روش‌شناسی و بررسی شیوه‌های تربیتی در نظام تربیتی اسلامی، جایگاه ویژه ای دارد. درواقع، درخت پرثمرتربیت، آنگاه به بار می‌نشیند که نظریه‌های تربیتی درقالب شیوه‌های صحیح و درست اجرا شود. برای موفقیت درهرکاری، آگاهی به اسباب و وسایلی که بتواند به گونه‌ای سریع و آسان، ما را دررسیدن به هدف یاری کند، لازم است. اتخاذ روش‌هایی که بتواند ما را به آسانی درپیمودن جاده موفقیت یار و مددکار باشد، ازشرایط توفیق درانجام هرکاری است. درقرآن کریم آمده است:

«لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها و لکن البرّ و أتوا البیوت من أبویها و اتّقوا الله لعلّکم تفلحون» (بقره، ۱۸۹) نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار به خانه درآیید (چه این کارناشایسته است) نیکی آن است که پارسا باشید و در هر کاری از راه آن وارد شوید.

درتفسیرآیه فوق فرموده‌اند که «وأتوا البیوت من أبوابها» یعنی باید هرکاری را از راه خودش انجام داد. (موسوی همدانی، ج ۳، ص ۸۰)

حضرت علی علیه‌السلام درباره ضرورت داشتن روش در کارها می‌فرماید:«ما خاصگان و یاران و گنجوران نبوت و درهای رسالت هستیم و در خانه‌ها جز از درهای آن نتوان وارد شد.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۴)

دراهمیت داشتن روش، امام صادق علیه‌السلام فرمود:«العامل علی غیربصیره کالسائرعلی غیر طریق فلا تزیده سرعه السیر الا بعدا» (تحف العقول،ص ۳۷۹) عمل‌کننده بی‌بصیرت مانند رهنوردی است که به بیراهه می‌رود. سرعت حرکت او را به هدف نمی‌رساند جز آنکه دورش سازد.

حضرت علی علیه‌السلام به مردم سفارش می‌کند که:«ای مردم آن کس که راه آشکار را بپیماد به آب درآید و آن کس که راه بیراهه را در پیش گیرد، در بیابان بی‌نشان می‌افتد.» (نهج البلاغه، کلام ۶۰۲۰۱) بنابراین هررشته‌ای ازعلوم شیوه و روش خاص خود را دارد که اگردرست به کار گرفته شود، نتایج مطلوبی به همراه خواهد داشت. تعلیم و تربیت نیز چنین است و مربیان و والدین می‌توانند با

شناسـایی بهتریـن شـیوه‌ها و روش‌هـا، در رسـیدن بـه اهـداف از آنهـا بهـره ببرند.

ادخلوا الابیات من ابوابها
واطلبوا الاغراض فی اسبابها

(مولوی، دفتر اول، بیت ۱۶۲۸)

» ب) روشِ تشویق

یکـی ازروش‌هـای بسـیار مؤثـر در آموختـن مفاهیـم و آموزه‌هـای دینـی بـه کودکان اسـتفاده از روش تشـویق می‌باشـد. تشـویق یـک شـیوه مناسـب درایجـاد انگیزش به سـوی کارهـای مثبـت می‌باشـد. تشـویق در روح کـودک و نوجـوان ایجـاد انگیـزش می‌کنـد و آنـان را بـه انجـام اعمـال نیـک تحریـض و ترغیـب می‌نمایـد. امیرمؤمنـان علـی(ع) دربـاره نقـش پـاداش و کیفـر الهـی در تربیـت آدمی‌می‌فرماید:«خـدای سـبحان پـاداش را بـر طاعـت و کیفر را برمعصیت خود قرار داده اسـت تـا بندگانش را از عذاب خویش باز دارد و به سـوی بهشـت روانه سـازد.» (نهج البلاغه، حکمت۳۶۸)

» مقصود از تشویق و تنبیه چیست؟

«مقصود از تشویق در پاسخ مثبت در برابر رفتار مطلوب کودک (متربی)، ابراز مهرورزی به او، واگذاری مسئولیت مناسب به او، وعده پاداش و ... جلوه‌گر می‌شود. نقطه مقابل تشویق تنبیه است که مقصود ازآن پاسخ منفی دربرابر رفتار نامطلوب متربی است و برای آن مصادیقی است، از جمله نگاه سرد، روی برگرداندن، بی اعتنایی، تغییر چهره، محروم ساختن، جریمه و تنبیه بدنی. با این بیان روشن می‌شود که تشویق، پاداش دادن به فردی است که تن به کوشش داده و سعی خود را کرده است و تنبیه مجازات نمودن [از راه‌های] مختلف است.» (بهشتی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۴۱)

ابن سینا فیلسوف و اندیشمند بزرگ اسلام تشویق را به منزله ضمانت اجرای تعلیم و تربیت، توصیه می‌کند و مصادیق تشویق و تنبیه را متنوع و متعدد می‌داند و معتقد است واکنش مربی در برابر رفتار ناپسند متربی باید متناسب و تدریجی باشد. ابتدا روگردانی، سپس ترش‌رویی، پس از آن ترساندن و آنگاه توبیخ است و مربی در شرایط خاص می‌تواند به تنبیه بدنی روی آورد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸۷)

برای ترغیب کودکان ونوجوانان به امور دینی، بهتر است اصلی‌ترین روش، تشویق باشد؛زیرا تعلیم وتربیت اسلامی بر سهولت، محبت و ملاطفت تأکید دارد. وانگهی از طریق تشویق می‌توان انگیزه و میل فطری او را به مهر و محبت و قدردانی تأمین و اعتماد او را جلب کرد. البته در صورتی که تشویق مؤثر واقع نشود و خطا و تخلفی از سوی متربی صورت گیرد به منظورآگاهی دادن به او و جلوگیری از اهمال کاری در انجام [اموردینی] می‌توان ابتدا به انذار و سپس به تنبیه روی آورد و منظور از تنبیه در اینجا تنبیه بدنی نیست؛ بلکه در درجه اول استفاده از روش‌هایی است که کودک را از انجام کارهای نامطلوب ناخشنود کند. بی‌توجهی، قهر (کوتاه مدت)، سرزنش، محروم‌سازی و امثال آن ازشیوه‌های تنبیهی هستند که جنبه انسانی داشته و برای تنبیه، بهتر است از آنها استفاده شود، نه تنبیه بدنی. (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳)

» شرایط تشویق

برای اینکه امرتشویق، زیان و خطری را برای کودک به دنبال نداشته باشد، رعایت نکات ذیل حائز اهمیت است.

۱- باید عمل یا اخلاق نیک کودک را تحسین کرد، نه خود او را. در ضمن او را باید متوجه کنیم که آنچه ارزشمند است عمل و صفت اوست.

۲- تشویق باید به‌جا و به‌موقع و متناسب با نوع رفتار کودک و نوجوان باشد و روحیه شخص در انتخاب شکل آن، یعنی زبانی، رفتاری، مالی، معنوی و ... ملاحظه گردد.

غزالی تفاوت‌های قابل توجه در انواع تشویق و ترغیب را این‌گونه بیان می‌کند: «اگر کودک را گویند: به دبیرستان شو تا به درجه ریاست رسی، وی خود لذت ریاست نداند که چه باشد؛ لکن باید گفت: به دبیرستان شو تا شبانگاه، چوگان و گوی به تو دهم، تا بازی کنی، تا کودک به حرص آن به دبیرستان شود و چون بزرگ‌تر شود، وی را ترغیب کند به جامه نیکو و زینت، تا دست از بازی بدارد. چون بزرگ‌تر شود وی را به خواجگی و ریاست وعده دهد و گوید: جامه دیبا، کار زنان باشد و چون بزرگ‌تر شود آنگاه گوید: خواجگی و ریاست دنیا اصلی ندارد که همه به مرگ تباه شود؛ آنگاه وی را به پادشاهی جاوید وعده دهد.» (عطاران، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۵۹)

۳- تشویق باید به‌گونه‌ای باشد که باعث ترغیب دیگران بشود، نه دل‌سردی آنان.

۴- تشویق باید به اندازه و معقول باشد و به هیچ وجه از حد تجاوز نکند، زیرا در این صورت موجب غرور و تباهی شخص می‌شود و نیز نباید کمتر از اندازه باشد، زیرا نتیجه مطلوب خود را ازدست می‌دهد.

۵- تشویق وسیله‌ای برای ایجاد انگیزه است؛ بنابراین نباید به صورت هدف در آید و تمام ذهن و فکر کودک را به خود مشغول سازد. زیرا در این صورت، نقش بازدارنده پیدا می‌کند.

۶- موقعی که کودک را تشویق می‌کنید باید علت آن را برایش بگویید و این

عمـل بایـد به‌گونـه‌ای صـورت گیرد که کـودک خود را مسـتحق آن ببینـد و آن را در درون تأییـد کند.

۷- تشویق در حضور جمع، اثر بیشتری دارد.

» ج) روش بصیرت‌بخشی

کلمـه «بصیـرت» بـه معنـای رؤیـت قلبـی و ادراک درونـی و باطنی اسـت و در کتب لغـت بـرای آن معانـیِ مختلفـی آورده‌انـد کـه بـه برخی از آنهـا اشـاره می‌کنیم.

۱. ادراک قلبـی: در مفـردات راغـب آمده اسـت:«به ادراک قلبی، گاهـی بصر و گاهی بصیـرت گفته می‌شـود.»[۱](راغب، ص ۱۲۷)

۲. چشم: گاهی هم به دستگاه بینایی بصیرت گفته می‌شود.

۳. اعتقـادات قلبـی: باورهای قلبی دینـی و حقیقت امور، بصیرت نامیده می‌شـود.[۲] (فراهیدی، ج۷، ص۱۱۷)

۴. زره و سـپر: زره، و آنچـه از سـلاح در بـر گرفتـه می‌شـود، بصائر نامیده می‌شـود. گاهـی بـه معنـای تُرس (سـپر) هم آمـده اسـت.[۳] (ابن منظـور، ج۴، ص ۶۸)

۵. هوشـمندی و عبـرت: بصیـرت، بـه هوشـمندی و زیرکیِ راسـتین، هوشـمندی بصیرت‌مندانـه، اطـلاق می‌شـود. همچنیـن بـه معنـای حجّـت و دلیل، اعتقـاد قلبی، ثبـات در دیـن و عبـرت نیـز بکار رفته اسـت.

در فارسـی، «بصیـرت» مترادف واژه‌هایی همچون: بیداری، هشـیاری، آگاهی، روشـن بینـی، دانایـی، بینایـی و درک صحیـح از ابعاد و نتایج امور و لایه‌هـای زیرین رخدادها بکار می‌رود.

بصیـرت چنیـن تعریـف شـده اسـت: «قـوه‌ای در قلب، نورانی به نور قدسـی اسـت که بـه واسـطه آن حقایـق و بواطـن را می‌بینـد، همان‌طـوری کـه چشـم، صـورت اشـیاء را می‌بینـد.» (جرجانـی، التعریفـات، ص ۲۰) دکتـر شـرفی در کتـاب تربیت اسـلامی بـا تأکیـد بـر دیـدگاه امام خمینـی قدس‌سره بصیـرت در تربیـت را اینگونه معرفـی می‌کند: «در حقیقـت، بصیـرت یـا بینـش بـه طـرز تلقـی آدمـی از امور و حـوادث نیـز اطلاق می‌شـود و بـه تعبیـری دیگـر، بینـش، نوعـی آگاهی عمیق و گسـترده اسـت.»

اهمّیّـت بصیـرت از آنجا روشـن می‌شـود کـه بصیرت، محور همه اعمال انسـان اسـت و عکس‌العمل‌هـای متفـاوت انسـان بـر سـاس بینـش و بصیـرت او شـکل می‌گیـرد و

---

[۱] . «یقال لقوه القلب المدرکه بَصیرَه وبَصَر نحو قوله تعالی: «فَکَشَفْنا عَنْ کَغِطاءَکَ فَبَصَرُکَ الْیَوْمَ حَدِیدٌ» (ق: ۲۲).

[۲] . البصیره اسم لما اعتقد في القلب من الدّین و حقیق الأمر.

[۳] . البَصیرَه: الدِّرْعُ، و کلُّ ما لُبِسَ جُنَّةٌ بَصِیرةٌ. و البَصِیرَةُ: التُّرس، و کل ما لُبِسَ من السلاح فهو بصائر السلاح.

ارزش و اعتبـار انسـان، وابسـته بـه نوع بینش اوسـت.
امیرمؤمنـان علـی(علیه‌السلام) می‌فرماینـد: «اگـر دیـده بصیرت، کور باشـد نگریسـتن چشـم سـودی نمی‌دهـد.»[1] (آمـدی، ص ۴۱)
بصیـرت بـه انسـان شـناخت عمیـق از جهـان هسـتی و عالـم آخـرت می‌دهـد کـه موجـب ارتبـاط کامـل و جامـع انسـان بـا آنهـا می‌شـود. بصیـرت و آگاهی نسـبت به مسـایل موجـب می‌شـود کـه فرد تعـادل خـود را در حوادثی کـه منتهی بـه فقدان‌ها و خسـران‌ها می‌شـود، از دسـت ندهد و محزون نشـود و همچنین در رویدادهایی که منجـر بـه کامیابی‌هـا می‌شـود، خـودش را گـم نکند.

۱. بصیرت‌بخشی در قرآن و روایات

در مکتـب تربیتـی اسـلام بـرای بهره‌گیـری بیشـتر از دیـن و حاکـم سـاختن آن بـر حیـات عـادی و مبـارزه بـا تقلیـد در مبانـی دیـن، ابتـدا همـگان را دعوت بـه تفکّر و تعقّـل در مفاهیـم و مبـادی دیـن و کشـف حقّانیت دیانـت الهی از میان ادیان سـنّتی و موروثـی می‌نمایـد و از تقلیـد و متابعـت کورکورانـه از آبـاء و اجـداد بـه شـدّت منع می‌کنـد. چنانچـه می‌فرمایـد:
«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذينَ لا يَعْقِلُونَ» (انفال/ ۲۲)
بدتریـن جنبنـدگان نـزد خداوند کسـانی هسـتند که تعقـل نمی‌کنند و از اسـتماع و اظهـار حق عاجـز و ناتوان هسـتند.
یکـی از محورهـای اساسـی در امرتعلیـم و تربیـت، توجـه بـه روش معرفـت و بصیرت می‌باشـد، معرفـت و بصیـرت بـه معنـای نوعـی آگاهـی عمیـق و گسـترده اسـت کـه نتیجـه آن ایجـاد پیونـد بیـن انسـان و واقعیـت مـورد نظر می‌باشـد.
اسـاس هدایـت اسـلام بـر اسـاس علـم و معرفـت اسـتوار اسـت، نـه تقلیـد و پیـروی کورکورانـه. اسـلام بـر آن اسـت تـا آنجـا کـه افـراد بشـر ظرفیـت و اسـتعداد دارنـد، دل‌هایشـان را پـر از علـم و معرفـت کنـد. معرفت به خـدا، معرفت به قیامـت، معرفت

[1] . نَظَرُ الْبَصَرِ لَا يُجْدِي إِذَا عَمِيَتِ الْبَصِيرَه.

بـه جهـان هسـتی و معرفـت به همـه پدیده‌هـای زندگی؛ شـناخت انسـان نسـبت به مسـایل زندگـی و آگاهـی او از موضوعـات گوناگـون، بـه ویـژه اندیشـه‌های دینـی و مذهبـی، تأثیـر فـراوان در رفتـار وی دارد؛ زیـرا بـا تجزیـه و تحلیـل وجود انسـان، به ایـن نتیجـه خواهیـم رسـید کـه مهم‌تریـن بخـش وجـودی او، بُعـد معرفتی اوسـت. خداونـد خـود را در ۳۸ مـورد، بصیـر معرفـی نمـوده و دعـوت پیامبـر و پیروانـش بـه سـوی خـدای بصیـر را، بـر مبنـای بصیرت دانسـته اسـت. (یوسـف/۱۰۸)

در قرآن کریم این روش مورد تصریح قرار گرفته است:

«قَدْ جاءَكُمْ بَصائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَفَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْها» (انعام/۱۰۴)

«آیـات الهـی و کتـب آسـمانی کـه سـبب بصیـرت شماسـت البتـه از طرف خـدا آمد پـس هـر کـس بصیـرت یافت خـود به سـعادت رسـید و هر کس کـور بمانـد در زیان افتاد.»

اگـر انسـان بصیـرت و آگاهی نداشـته باشـد نمی‌توانـد تکالیـف الهی را بشناسـد تا به اطاعـت از آنهـا تـن در دهـد و به هـدف حیات خویش برسـد.

پیامبر اکرم ﷺ دراین خصوص می‌فرمایند:

«کـور آن نیسـت کـه چشـم او نتواند ببیند، بلکه کور کسـی اسـت کـه بصیرتش کور باشد.»[1](نهج‌الفصاحه،ص۶۵۶،ح۲۳۷۳)

پیامبـر اکـرم ﷺ از سـوی خداوند مأمور می‌شـود بـه صراحت اعلام کنـد که «حرکت او و پیروانش بر مبنای بصیرت و روشـن‌بینی است.»[2](یوسـف، ۱۰۸)

۲. بصیر به چه کسی اطلاق می‌شود؟

در روایـات، بصیـر بـه کسـی اطـلاق می‌شـود کـه بعـد از شـنیدن سـخنان بـه تفکّـر می‌پـردازد، بعـد از مشـاهده امـور دربـاره آنهـا می‌اندیشـد، و از مایه‌هـای عبرتـی کـه در حـوادث اسـت عبـرت می‌گیـرد و تـلاش می‌کنـد در راهـی کـه دارای علایـم و نشـانه‌های واضـح اسـت، سـیر کنـد و در اثـر درک و بینـش درونـی حالتی بـرای او

[1] .«لیس الاعمی من یعمی بصره انما الاعمی من تعمی بصیرته».
[2] . «قُلْ هذِهِ سَبیلی أَدْعُوا إِلَی اللهِ عَلی بَصیرَهٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنی».

ایجـاد می‌شـود کـه از افتـادن در مهالـک پرهیـز می‌کند.[1](نهج البلاغـه، خطبه ۱۵۳) سـوق دادن بـه سـوی نـور و روشـنگریِ درون انسـان‌ها کـه وظیفـه پیامبـران الهـی بـوده، بـر مبنـای روش بصیرت صـورت می‌گرفت. زیرا در شـناخت بر مبنـای بصیرت و آگاهـی و تعقّـل، انحـراف و کـج‌روی نیسـت. در آموزش مسـائل دینی بـه کودکان و نوجوانـان نیـز بایـد شـناختی صحیح از انسـان و فلسـفه خلقت داشـت، زیـرا هنگامی کـه فـرد بـه فلسـفه و منافـع و مضـرّات موضوعـات آگاهی و شـناخت پیـدا می‌کند با قـدرت تشـخیص خـود، خیـر، خوبـی و صـلاح خویـش را انتخـاب می‌کنـد. بنابرایـن اساسـی‌ترین مرحلـه در تعلیـم وآمـوزش مسـائل دینی به کـوکان و نوجوانـان، ایجاد بینـش و بصیـرت اسـت. اگـر مبلغـان، مربیـان و والدین خواسـتار گرایش کـودکان و نوجوانـان بـه انجـام امـور دینـی هسـتند، بهتر اسـت به آنـان مزایـا و فواید ایـن امور را آمـوزش دهنـد و فلسـفه ایـن کار را به زبان سـاده برایشـان تبیین کننـد و مطمئن باشـند اگـر بتواننـد به شـیوه صحیـح، دگرگونی درونـی در کودک ایجاد کننـد، تغییر رفتـار و ترغیـب کـودکان و نوجوانـان در رعایت آموزه‌هـای دینی را مشـاهده خواهند کرد.

کودکان را میبری مکتب به زور
زان که هستند از فواید چشم کور

چون شود واقف به مکتب می دود
جانش از رفتن شکفته می شود.

می رود کودک به مکتب پیچ پیچ
چون ندید از مزد کار خویش هیچ
(مولوی،، دفتر سوم، ابیات ۴۵۸۵ تا ۴۵۸۷)

[1] . «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدَداً وَاضِحاً يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي.»

۳. آثار بصیرت‌آفرینی

- بصیرت، نگاه فرد را از سطح و پوسته رویدادها می‌گذراند و به عمق و باطن آنها نفوذ می‌دهد.
- بصیرت موجب تعادل و ثبات روح فرزندان می‌شود و آسیب‌پذیری در برابر حوادث و عوامل تهدیدکننده معنویت کمتر می‌شود.
- بصیرت مشکلات و سختی‌ها را آسان جلوه می‌دهد.
- توصیه‌های محقق نراقی[۱] درباره بصیرت‌آفرینی در متربیان؛

محقّق و فاضل نراقی بسیاری از رفتارهای نابهنجار، غیراخلاقی و غیردینی و وسوسه‌های شیطانی را ناشی از عدم بصیرت و بینش صحیح متربّی در مسایل اعتقادی، فکری، اخلاقی و اجتماعی و عدم شناخت وافی در افعال، رفتار و انگیزه‌ها و آثار و عوارض آنها می‌دانند و معتقد است با دادن بینش و شناخت درست می‌توان متربی را تربیت کرد و اخلاق وی را اصلاح نمود و از وقوع مشکلات روانی، رفتارهای زشت، و سرنوشتی ناخواسته پیش‌گیری کرد؛ از این رو این دو مربّی و متفکّر اسلامی در همه جنبه‌های تربیتی، بویژه تربیت اخلاقی، بر این روش تأکید می‌ورزند و معمولاً آن را پیش از روش‌های دیگر ذکر می‌کنند و اعتبار زیر بنایی برای آن قایلند.

محقّق و فاضل نراقی برای اجرای این روش و تحقّق بینش در متربّی توصیه می‌کنند که مربّی به امور زیر بپردازد:

۱. متربّی را از آیات و احادیث در مدح یا ذم صفات و رفتارهای مورد تعلیم و تربیت آگاه سازد و آثار و عوارض آنها را که در قرآن و کلمات معصومین علیهم‌السلام ذکر شده، به وی آموزش دهد و از وی بخواهد در باره آنها اندیشه و تامّل نماید.

۲. شناخت کافی از فضیلت و رذیلت ارایه دهد و حسن و قبح صفت یا رفتار را بیان نماید تا متربّی به تشخیص درست از نادرست و اخلاق و رفتار نیک از

---

[۱] . «ملا احمد نراقی»، فرزند مرحوم «حاج ملا مهدی نراقی»، درسال ۱۱۸۵ هجری قمری، مطابق با ۱۱۵۰ شمسی در نراق متولد شد. او از بزرگان علمای دین، و مجتهدین شیعه می‌باشد، که درعلم فقه، اصول، حدیث، رجال، نجوم، ریاضی، معقول و منقول، ادبیات و شعر تبحر داشته و علاوه بر علوم متداول عقلی و نقلی در بسیاری از علوم دیگر مهارتی بسزا داشته است.

اخـلاق و رفتـار ناپسـند برسـد و زیبایـی یـا زشـتی رفتاری را کـه می‌خواهد از او سـر بزنـد، بیابد.

امیـر المؤمنیـن علـی(ع) می‌فرمایـد: «هیچ حرکتی و فعالیتی نیسـت مگـر آن که تو در انجـام آن بـه علـم و معرفت نیاز داری» (تحـف العقول، ص ۱۷۱)

۳. ارتبـاط عینـی بیـن کمـال، شـرافت و رفتـار مطلوب با قـوت و عزت نفـس را برای متربّـی مکشـوف سـازد و رابطه نقصـان، بیماری‌هـای روانی و صفـات و رفتارهای ضد ارزشـی بـا ضعف و ذلّـت نفـس را تبیین کند.

یکـی از مهم‌تریـن عوامـل گرایـش و علاقـه کـودکان و نوجوانـان بـه انجـام یک عمل اخلاقـی، آگاهـی و شـناخت آنـان از فوایـد انجـام آن عمل می‌باشـد.

«در یکـی از تحقیقـات از میـان پانصـد نفـر بانوی کم‌حجـاب، اظهارات هشـتاد درصد آنـان نشـان داد کـه بی‌اطّلاعـی از فوایـد و آثـار پوشـیدگی و پیامدهای ناپوشـیدگی، اصلی‌تریـن عامـل کم‌حجابـی ایشـان اسـت؛ هـر چنـد انگیزه‌هـای دیگـری نیـز در رفتـار آنـان تأثیـر داشـته اسـت.» (غلامـی، سـایت باشـگاه اندیشـه، مبلغـان و پدیده کـم حجابی)

۴. از علـل و اسـباب بـروز صفـت یـا وقـوع عملـی که بـه صـورت ناخواسـته از متربّی صـادر شـده، پـرده بـردارد تـا متربّـی بـه درک درسـتی از آن چـه انجـام داده اسـت، برسـد و در آینـده از بـروز چنیـن رفتارهـای ناخواسـته پیشـگیری کنـد.

«در میـان بانـوان بـی تفـاوت بـه حجـاب، برخـی دخترانـی از خانواده‌هـای مذهبـی بودنـد کـه مادران ایشـان در توجیـه و تربیت آنـان موفّـق نبوده‌انـد. در نظرخواهی از مـادران، آنهـا اظهـار کرده‌انـد که با همـه اعتقاد خـود به خوبـی حجاب، نتوانسـته‌اند دلایـل قانع‌کننـده‌ای بـه فرزندانشـان ارایه کننـد.» (همان)

۵. شـناخت درسـتی از عظمـت، عـزت، قـدرت، محبّـت، رضایـت، خشـم، عدالـت و رحمـت خداونـد و قضـا و قـدر ارایـه دهـد تـا با بینـش صحیـح راه عبودیّـت و صراط مسـتقیم را در نیـل بـه هـدف عالـی تربیـت بپیمایـد و اگـر عملکردهـای نادرسـتی داشـت، مأیوس نشـود و راه صلاح را طی نماید.» (بهشـتی و همکاران، ج۴، ص۲۶۳)

۴. چگونه در کودکان بصیرت ایجاد کنیم؟

شـاید ایـن سـؤال در ذهن ایجاد شـود کـه برای ایجـاد آگاهی در کـودکان و نوجوانان چـه اقداماتـی بایـد انجـام دهیـم و چـه شـرایطی بایـد رعایـت شـود تـا کـودکان و نوجوانـان از روی آگاهـی، رفتارهـای اخلاقـی را انجـام دهنـد؟ راه‌کارهایی کـه در زیر بیـان می‌شـود کمـک خواهـد کرد تـا بینـش کودکتـان افزایـش یابد.

- قبـل از هـر اقدامـی بایـد سـطح درک و فهـم کـودک را بـه دسـت بیاوریم و بدانیـم چـه مقـدار بـه مطالبی کـه می‌خواهیم مطـرح کنیـم، آگاهی و فهـم دارد. سـپس بـر اسـاس سـطح آگاهـی آنـان فلسـفه انجـام فرایض دینـی را بـه صورت دوطرفـه بحـث کنیـم. البته ایـن امر باید به صـورت مباحثه و گفت‌وشـنود صورت پذیـرد زیـرا کـودکان در صحبت‌هـای یک‌طرفـه زود خسـته می‌شـوند و ممکـن اسـت در اثنـای صحبـت کـردن شـما بـه مسـائل دیگـری فکـر کننـد و بـه کلـی حواسشـان جـای دیگری باشـد.

چون که با کودک سر و کارم فتاد
پس زبان کودکی باید گشاد

(مولوی، دفتر چهارم، بیت ۲۵۷۷)

- شایسـته اسـت قبـل از شـروع بحث و تبـادل نظر بـا کـودک، آمادگی ذهنی و روحـی کـودک را در نظـر داشـته باشـیم، زیـرا در غیـر ایـن صـورت گفتگوی ما نتیجـه مطلـوب را در پـی نخواهـد داشـت. بـه عنوان مثـال تصوّر کنید بـا کودکی کـه مشـغول دیـدن یـک کارتـون جـذّاب اسـت و یـا چشـم‌هایش غـرق خـواب اسـت بخواهیـد دربـاره اهمیـت نمـاز صحبـت کنیـد. مطمئنـاً دراین‌گونـه مواقع مـا نمی‌توانیـم مطالـب را بـه کـودکان انتقال دهیـم؛ زیـرا او آمادگـیِ پذیرش این مطالـب را فعـلاً نـدارد. بنابراین آمادگیِ ذهنـی و روانی یکـی از کلیدهای موفقیت انتقـال مطالـب و یادگیـری کودکان می‌باشـد.

- هنـگام آگاهـی‌دادن بـه کـودکان، ضمـن بیـان حکمـتِ آفرینـشِ انسـان، فلسـفه نمـاز، و... مسـائل و مشـکلاتی کـه باعـث سـرخوردگی و دوری انسـان از انجـام اموراخلاقـی و دینـی می‌شـود را بـه آنهـا گوشـزد نماییـم. بـه عنـوان مثال محیط‌هـا، افـراد و رفتارهایـی کـه باعـث سسـتی در انجـام عمـل نماز می‌شـود را بـه آنهـا معرفـی کنیم.
- قبـل از گفتگـو با کودکان حتمـاً مطالب را مرور کنیم تا دچـار دگرگونی‌های گفتـاری و تناقـض در گفتـار نشـویم تـا بتوانیـم نتیجـه جالبـی از بحـث به‌دسـت آوریـم. زیـرا مرور مطالـب باعث انسـجام در گفتار می‌شـود.
- زمـان و مـدّت گفتگـو بـا کـودک بـا توجه بـه علاقه و شـور و شـوق کودکان ادامـه پیـدا کنـد. بـه عنوان مثـال گفتگوی مبلغـان و مربّیـان با کـودکان در مورد مسـائل دینـی، زمانـی موثـر خواهـد بـود کـه آنـان بـه لحـاظ روحـی و جسـمی آمادگـیِ لازم و کافی داشـته باشـند.
- در هنـگام صحبـت بـا کـودک از او نظرخواهـی شـود کـه چه عواملـی باعث دوری کـودکان از انجـام امـور معنـوی می‌شـود و بعـد از آگاهـی از ایـن عوامـل با یکدیگـر در مـورد علّـت بـه وجـود آمـدن این عوامـل و درمـان آن بحـث کنید.

» د) روش قصه گویی

قصـه یکـی از مقولههـای هنـر اسـت کـه همـواره در آمـوزش و یادگیـری و تربیـت نیـروی اندیشـه کاربـرد موثـری داشـته اسـت. «قصـه بیان‌گـر دیـدگاه انسـان درباره جهـان و عوامـل ناشـناخته پیرامـون او و وسـیله‌ای بـرای انتقـال و آمـوزش آداب و سـنن، اعتقـادات و تاریـخ یک نسـل به نسـل‌های دیگر بوده اسـت.» (دیویـی چمبرز، ۱۳۸۰، ص۵) در قصـه بـا القـای غیرِمسـتقیمِ محتـوای مـورد نظـر، بـه متربیـان، کیفیـت آمـوزش و پـرورش را می‌تـوان به طـور چشـمگیری افزایش داد و با اسـتفاده از آن می‌تـوان آگاهـی و بصیرتـی در انسـان ایجـاد کـرد کـه رفتار و افکار پسـندیده و ناپسـند را از یکدیگـر تشـخیص دهنـد و دربـاره آنهـا بـه تفکـر بپردازند.

کودکان بس افسانه ها می آورند
درج در افسانه شان بس سر و پند

هزل ها گویند در افسانه ها
گنج می جو در ویرانه ها

(مولوی، دفتر سوم، ابیات ۲۶۰۲و ۲۶۰۳)

قصّـه همـواره منعکس‌کننده دیدگاه انسـان دربـاره جهان و عوامل ناشـناخته پیرامون او و وسـیله انتقال و آموزش آداب و سـنن، اعتقادات، و تاریخ یک نسـل به نسـل‌های دیگـر بـوده اسـت. انسـان به خاطـر ویژگی‌هـای خاصّ روحـی‌اش به قصّـه علاقه دارد و چـه بسـا راه و رسـم قهرمانـان آن را الگـوی خـود قـرار می‌دهـد. (دیویـی چمبـرز، ۱۳۶۶، ص۵)پـس بـا قصّـه نـه تنها می‌توان انسـان را بـا میراث‌های فرهنگـی و آداب جامعـه خـود و جهـان آشـنا سـاخت وقـدرت تفکّـر او را پـرورش داد، بلکـه می‌تـوان زمینـه خودسـازی و جامعه‌سـازی را در او برانگیخـت. (پورخالقـی چتـرودی، ۱۳۷۱، ۱۶) محکم‌تریـن دلیـل بـر ریشـه‌دار بـودن علاقه انسـان بـه قصّـه، توجّـهِ کتاب‌های مذهبی و به خصوص قرآن مجید به قصّه اسـت. بسـیاری از نویسـندگان و شـاعران و

عرفـا نیـز افکار خـود را در قالب قصّه بیـان کرده‌اند. (رهگـذر، ۱۳۶۶، ۱۲) اصرار قرآن بـر قصّه‌گویـی و قصّه‌خوانـی هـر خواننده‌ای را به وجد و شـگفتی وا می‌دارد. انسـان از خـود می‌پرسـد کـه مگر قصّه چیسـت و چـه می‌کند کـه آفریدگار هسـتی در آخرین پیـام بـه آفریـده خویـش ایـن چنیـن قصّـه می‌گویـد و او را بـه تأمّـل در قصّه‌هـا فرا می‌خوانـد. در واقـع، پاسـخ ایـن پرسـش را بایـد در مفهـوم و معنای «قصّـه» در قرآن و «شـیوه قصّه‌نویسـی قرآن» جسـتجو کرد. (حسـینی (ژرفـا)، ۱۳۷۸، ۱۸)

«بـه جـرأت می‌تـوان گفـت کـه در میـان اقـوام و فرهنگ‌هـای گوناگـون، هیـچ قالب بیانـی بـه قـدر قصّـه نافـذ و مؤثّـر نبوده‌اسـت. این تأثیـر آن‌گاه کـه با بلاغـت و اعجاز وحـی همراه گشـته، بسـی افزون شـده اسـت. در طـول تاریـخ دعوت اسـلامی، مردم از همیـن قصّه‌هـای قرآنـی درس گرفته‌انـد، پیـام آموخته‌انـد، ادبیّاتـی مسـتقل بـر نهاده‌انـد، و بـا آنهـا زیسـته‌اند. در همان آغـاز دعوت نیـز قصّه‌گویی قـرآن از ابزارهای تبلیغـی آن بـود. بـه همیـن دلیل که قصّـه جایگاهی بلنـد در تربیت نفـوس و تهذیب جان‌هـا دارد.» (همـان، ۲۰)

» تأثیر قصه در کودکان و نوجوانان

۱. عبرت آموزی در اثر قصه و داستان

داستان‌ها و قصه‌ها بیان حال اشخاصی است که در گذشته زندگی می‌کردند و با رعایت و عدم رعایت اصول الهی و انسانی به سعادت یا شقاوت رسیده‌اند. شنیدن و گذر بر احوال شخصیت‌ها و قهرمان‌های قصه و تطبیق شرایط خود با آنها به انسان بینشی می‌دهد تا ضمن سنجش و ارزیابی رفتار و اندیشه خود به اصلاح و تقویت آنها بپردازند. قصه‌ها بیان حال انسان‌هایی هستندکه در گذشته مثل ما زندگی می‌کردند و اگر ما بتوانیم با بیان دقیق قصه‌ها به کودکان ونوجوانان کمک کنیم تا به خوبی اندیشه‌ها و آمال قهرمانان قصه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و سپس به واکاوی رفتار خود بپردازند مطمئناً تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در رفتار آنان مشاهده خواهیم کرد.

بشنوید ای دوستان این داستان
خود حقیقت نقد حال ماست آن

نقد حال خویش را گر پی بریم
هم ز دنیا هم زعقبی برخوریم

(مولوی ، دفتر اول، بیت ۳۵)

قصه‌ها به بیان تجربه‌های تلخ و شیرین بشر می‌پردازند که یادآوری این تجربه‌ها باعث آگاهی و عبرت افراد می‌شود. بیان حکایات و داستان‌ها برای این است که انسان‌ها از آن عبرت بگیرند و در برابر احکام الهی سر تعظیم فرود بیاورند و در همه احوال از تصمیمات خداوند خشنود باشند.

عبرت است آن قصه، ای جان مر تو را
تا که راضی باشی از حکم خدا

تا که زیرک باشی و نیکو گمان
چون ببینی واقعه بد ناگهان

دیگران گردند زرد از بیم آن
تو چو گل خندان گه سود و زیان

(مولوی، دفتر سوم، ابیات ۳۲۵۵تا ۳۲۵۷)

قرآن کریم برای هدایت و عبرت مردم از روش بیان قصه استفاده کرده است؛ به عبارت دیگر، مقصود قرآن از قصه‌گویی، سرایش داستان با ذکر امور درشت و ریز آن نیست، بلکه برای هدایت و سعادت مردم از زبان قصه استفاده می‌کند: « و کُلاً نَقُصّ عَلَیکَ مِن اَنباءِالرُّسُل ما نُثَبِّتُ بِهِ فُوادکَ و جائَکَ فی هذه الحَقُّ و موعِظَه و ذِکری للموءمنینَ» و هریک از سرگذشت‌های پیامبران را که بر تو باز می‌گوییم چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم، و در این اخبار حقیقت برای تو آمده و برای مومنان اندرز و تذکاری است. (هود/۱۲۰)

حرف قرآن را بدان که ظاهری است
زیر ظاهر باطنی بس قاهری است.

(مولوی، دفتر سوم، بیت ۴۲۴۴)

در سوره یوسف، بعد از اینکه به زحمت‌ها و رنج‌های کلی پیامبران و عکس العمل منفی اکثریت مخاطبین و سرنوشت برخی از کافرین اشاره می‌کند،

حکمت تمام آن داستان‌ها را پندآموزی آیندگان عاقل و پویندگان خردمند اعلام می‌کند؛ «لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الالباب ما کان حدیثا یفتری و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدی و رحمه لقوم یؤمنون؛ به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان پندی است، گفتاری دروغ نیست؛ بلکه توضیح تمام امور و برای گروهی که ایمان می‌آورند مایه هدایت و رحمت است» (یوسف/۱۱۱)

هست قرآن مر تو را همچو عصا
کفرها را درکشد چون اژدها

(مولوی، دفتر سوم، بیت ۱۲۰۹)

۲. ایجاد بصیرت و شناخت

یکی از محورهای اساسی در تبلیغ و تعلیم و تربیت، توجه به شاخص معرفت و بصیرت می‌باشد، قصه می‌تواند کمک شایانی در رسیدن به این شاخص بکند. ارایه قصه‌ها به شیوه صحیح می‌تواند نوعی آگاهی عمیق و گسترده که نتیجه آن ایجاد پیوند بین انسان و واقعیت مورد نظر است ایجاد نماید.

«قصه‌ها از ابزار بنیادین معنادهی و الگوی طبیعی تفکر محسوب می‌شوند که ما پیش از مدرسه از طریق افسانه‌ها، داستان‌های کودکانه و تاریخچه خانوادگی خود، آنها را فرا می‌گیریم. قصه‌ها ترکیب قدرتمندی برای سازمان‌دهی و انتقال اطلاعات و معنادهی به زندگی دارند. در واقع در جریان یک قصه ممکن است، شخصیت‌های آن با بحرانی مواجه شوند و در صدد حل آن برآیند. ارایه این روش به صورت مستقیم به افراد آسان نیست ولی می‌توان از طریق قصه‌گویی به این هدف دست یافت. (اسکندری، کیانی، زمستان ۱۳۸۶) «کودکان و نوجوانان ضمن داستان‌ها و افسانه‌ها با حقایق و تجارب زندگی آشنا می‌شوند: شادی و غم، کامیابی و ناکامی، امیدواری و نومیدی، محرومیت، ستم و ستم‌کار، عدالت و

عـادل، علـم و عالم، دموکراسـی و اسـتبداد و خلاصـه همه رنگ‌های زندگـی را تجربه می‌کننـد و آشـنا می‌سـازند.» (شـعاری نـژاد، ۱۳۶۴،۷۵)

پیام‌هـا و گزاره‌هـای مفهومـی نهفتـه در محتـوای قصه‌هـا و حکایـات را یکـی از مهم‌تریـن عوامـل آگاهـی و بینـش متربیـان می‌دانـد و نقش ایـن پیام‌هـا در تربیت و هدایـت انسـان‌ها بسـیار مفید اسـت، به‌گونـه‌ای که تأمـل و تفکر در محتـوای قصه‌ها افـراد را از گرفتارشـدن در رنج‌هـا و محنت‌هـا می‌رهانـد و راه‌کارهـا و مسـیرهای صحیـح را بـه آنـان می‌نمایانـد.

یک حکایت بشنو اینجا ای پسر
تا نگردی ممتحن اندر هنر

(مولوی، دفتر ششم، بیت ۲۷۳۶)

۳. ارایه‌ی الگوهای مناسب

درتعلیـم و تربیـت قصه‌گویـی روشـی اسـت کـه بـه وسـیله آن می‌تـوان بـه طـور غیرمسـتقیم در اعمـاق متربیـان تأثیـر گذاشـت. داسـتان‌نویس و قصه‌گـو، ضمن بیان وقایـع مهـم اقوام، ملل و شـخصیت‌های مهـم تاریخ، روح خواننده و شـنونده را به همراه خویـش تـا عمـق تاریـخ می‌بـرد، و الگوهایـی را برایش مجسـم می‌سـازد تـا از گفتار و رفتارشـان سـر مشـق بگیرند و پیـروی کننـد. «تأثیرات قصه و داسـتان، غیر مسـتقیم و نامرئـی اسـت. بـه طـور غیرمسـتقیم راه را نشـان می‌دهـد و هدایـت می‌کنـد، عبرت می‌دهـد، موعظـه می‌کنـد، تشـویق می‌نماید، می‌ترسـاند، امیـدوار می‌کند، همـه اینها بـه طـور غیرمسـتقیم القـا می‌شـود. و بـه همین جهـت پایـدار خواهـد بـود.» (امینی، ج۲، ۱۳۷۹، ۱۰۹) «در واقـع شـنیدن قصـه یکـی از کارهـای مـورد علاقـه (انسـان‌ها) اسـت. آنهـا بـا هیجـان زیـاد بـه داسـتان گـوش می‌دهنـد و خـود را دراختیـار قصه‌گو قـرار می‌دهنـد کـه در ایـن صورت بـه صـورت غیرمسـتقیم تأثیـرات لازم را می‌پذیرند. قصـه، نـه تنهـا پیام‌هـای مفیـدی بـرای (انسـان‌ها) دارد، بلکـه اگر بـه گونـه‌ای جذاب

و مناسب طراحی و بیان شود، (مخاطبان) می‌کوشند خود را با شخصیت‌های آن قصه همانند سازند.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ج۱، ص۲۴۹)

«دانشمندان تعلیم و تربیت، افسانه‌سازی و داستان‌سرایی را پلی می‌دانند که دنیای افسانه‌ای تخیلی کودک را به دنیای واقعی بزرگسالان ارتباط می‌دهد و چه بسا که انسان را به ارزش‌های اخلاقی راهنمایی می‌کند. داستان بزرگ‌ترین وسیله ظهور وجدان پاک و خوی و خصلت پسندیده در کودک است و ثبات این صفات در او به درجه نفوذ و تأثیر آن بستگی دارد. داستان یک معلم جذاب و دوست داشتنی است که کودک را با انواع فرهنگ‌ها و معرفت‌ها آشنا می‌کند.» (شعاری نژاد، ۱۳۶۴، ۷۶و۷۷)

») روش الگویی

یکـی از مهم‌تریـن انـواع یادگیری‌هـای انسـان، یادگیری مشـاهده‌ای اسـت. بر همین اسـاس، یکـی از روش‌هـای تربیـت، تربیـت به وسـیله الگو اسـت، کـه می‌تـوان آن را روش الگویـی نامیـد. ایـن روش در سرتاسـر زندگـی و ابعـاد مختلـف آن کاربـرد دارد و از آنجـا کـه محتـوای تربیـت را بـه صـورت عینـی و عملی ارایـه می‌دهـد، در انتقال مفاهیـم و آمـوزش برنامه‌های تربیتی، بسـیار مؤثر اسـت. شـاید به همین دلیل اسـت کـه در منابـع اسـلامی، بـر بهره‌گیـری از الگـو و پیـروی از اسـوه‌های حسـنه تأکیـد شـده است.

روش الگویـی، یکـی از شـیوه‌های مؤثّـر و مطلـوب در تربیـت کـودک اسـت. درایـن روش، فـرد، از فـرد یـا افـراد دیگـر بـه عنـوان سرمشـق و الگـو اسـتفاده می‌کنـد و با مشـاهده رفتـار دیگـران از آنهـا پیـروی و خـود را بـا آن هم‌سـاز می‌کنـد. بنابرایـن می‌تـوان گفـت: «الگـو، پیـروی عینـی و مشـهود از یک اندیشـه وعمـل در جنبه‌های گوناگـون، بـرای رسـیدن بـه کمال اسـت.»

تربیـت ابتدایـی انسـان، بـه طـور طبیعـی بـا روش الگویـی شـکل می‌گیـرد. کـودک در چنـد سـال نخسـت زندگـی خـود، همـه کارهایـش را از الگوهـای پیرامـون خـود الگوبـرداری می‌کنـد کـه در درجـه اول پـدر و مـادر اوینـد، و بـا تقلیـد از آنـان رشـد می‌کند و سـاختار تربیتی‌اش سـامان می‌یابد. کودک بسـیاری از رفتارها و عادت‌های خـود را در مرحلـه آغازیـن زندگـی از طریـق تقلیـد از دیگـران فـرا می‌گیـرد، وآن را جزئـی از رفتارهـای روزمـره خـود قـرار می‌دهـد. از ایـن رو روش الگویی در سـازمان دادن شـخصیت و رفتـار کـودک نقـش بـه سـزایی دارد. بـه عنـوان مثـال کـودک بـا تقلیـد از اطرافیـان سـعی می‌کنـد زبان را بیامـوزد و از طریـق والدین و سـایر اعضای خانـواده راه رفتـن را فراگیرد.

بانـدورا، دربـاره تکـرار رفتـار الگـو، تحقیـق بسـیار جالبـی انجـام داده اسـت، درایـن تحقیـق، وی «کـودکان یـک مهـد کـودک را بـه پنـج گـروه تقسـیم کـرد. در گـروه آزمایشـی اوّل، کـودکان بـه مشـاهده رفتـار الگـوی فـرد بزرگسـالی می‌پردازنـد کـه بـه طـور فیزیکـی و لفظـی بـه یـک آدم پلاسـتیکی حملـه می‌کنـد. درگـروه دوّم،

کـودکان حـوادث و رفتـار فـوق را در فیلمـی مشـاهده می‌کننـد. در گـروه آزمایشـی سـوّم، کـودکان رفتـار تهاجمـی شـخصیّت‌ها را در فیلـم کارتونـی می‌بیننـد. در گروه آزمایشـی چهـارم، کـودکان درهیـچ یـک از سـه موقعیّـت فـوق قـرار نمی‌گیرنـد. و بالاخـره در گـروه آزمایشـی پنجـم، کودکان به مشـاهده یک الگو با رفتـار آرام، مطیع وغیـر تهاجمـی مبـادرت می‌ورزند. بعـد از مشـاهده رفتارهای مختلـف در زمان معیّن شـده، تمـام کـودکان در موقعیـت یکسـانی قـرار داده می‌شـوند. آزمایشـگر از طریـق یـک پنجـره بـه مشـاهده رفتـار کـودکان می‌پـردازد و رفتارهـای تهاجمی شـفاهی و عملـی آنـان را یادداشـت می‌کنـد. در تحلیـل اطّلاعات به دسـت آمده از یادداشـت‌ها بـه ایـن نتیجه می‌رسـند کـه: الگوی پرخاشـگری را کـه گروه‌هـای اوّل تا سـوّم دیده بودنـد، رفتـار تهاجمـی بیشـتری نسـبت بـه گـروه چهـارم از خـود نشـان می‌دهنـد (گروهـی کـه هیچ مـوردی را مشـاهده نکردنـد). برعکـس، گروهی (گـروه پنجم) که الگـوی رفتـار آرام، مطیـع و غیـر تهاجمـی را مشـاهده کـرده بودنـد، رفتـار تهاجمی کمتـری نسـبت به گـروه کنترل (گـروه چهـارم) از خود نشـان می‌دادند.» (شـعبانی، ۱۳۷۱، ص ۶۳)

«کـودک، مقلّـد خوبـی اسـت و به آسـانی وبـدون هیچ گونـه زحمت و مشـقتی، فقط از راه تقلیـد می‌آمـوزد. او می‌بینـد، می‌شـنود و پـس از مدتـی تکـرار می‌کنـد. برخی پژوهش‌هـا نشـان داده‌انـد از سـنین تشـخیص یعنی حدود شـش سـالگی، پسـران از پـدران تقلیـد می‌کننـد و دختـران از مـادران، و ایـن تقلیـد در آنان ناآگاهانه اسـت.

کـودک در مسـیر رشـد، از افـراد بسـیاری الگـو می‌پذیـرد و تحـت تأثیـر دیده‌هـا وشـنیده‌های بسـیاری اسـت. همـه اطرافیـان بـه گونـه‌ای در او اثر می‌گذارنـد و مدل و الگـوی کـودک هسـتند، ولـی والدیـن و مربیان ازهمه آنهـا مهم‌تر و مؤثّرتر هسـتند و ایـن اهمیـت و تأثیـر در کـودکان تـا سـنین نوجوانـی همچنـان تـداوم دارد. بر این اسـاس، وظیفـه والدیـن و مربیـان در ایـن دوران بسـیار سـنگین اسـت و بایـد بـه فرزنـدان فرصـت بدهنـد تـا از اخـلاق و رفتار خـوب خـود بهره‌مند گردند. اگر سـخن نـاروا خـوب نیسـت نبایـد ایـن گونه سـخنان را در حضور کـودکان و نوجوانـان جاری کننـد، اگـر از آنهـا انتظـار کار خـوب دارنـد بایـد در کار خیـر بـرای کـودکان خـود

الگـو باشـند. اگـر دوسـت دارند کـودکان ونوجوانـان نماز اول وقـت بخواند خـود باید پیشـگام باشـند.» (مجموعـه مقـالات نمـاز و خانـواده، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۳۴)

۱. الگو در قرآن و سیره‌ی معصومین

در قـرآن کریـم، اسـتفاده از الگـو و اسـوه یکی از مهم‌تریـن روش‌هـای تربیتی معرفی شـده اسـت. قـرآن، نمونه‌هـا و مثال‌هـای بسـیاری را بیـان کـرده کـه بیان‌گـر تأثیـر فـراوان ایـن روش در یادگیـری و شـکل‌گیری شـخصیت انسان‌هاسـت. بـه عنـوان مثـال آن جایـی کـه داسـتان قابیـل را نقـل می‌کند کـه بـرادرش هابیل را کشـت اما نمی‌دانسـت با جسـد بـرادر چه کنـد، در اینجا خداوند کلاغی را فرسـتاد که مشـغول کنـدن زمیـن شـود تـا کلاغ مـرده را دفـن کنـد. قابیل بـا دیـدن این صحنـه از کلاغ آموخـت کـه چگونـه بـرادرش را زیـر زمین پنهان سـازد.

کندن گوری که کمتر پیشه بود
کی ز فکر و حیله و اندیشه بود

گر بدی این فهم مر قابیل را
کی نهادی بر سر او هابیل را

که کجا غایب کنم این کشته را
این به خون و خاک در آغشته را

دید زاغی زاغ مرده در دهان
بر گرفته تیز می‌آمد چنان

از هوا زیر آمد و شد او به فن
از پی تعلیم او را گورکن

پس به چنگال از زمین انگیخت گرد
زود زاغ مرده را در گور کرد

دفن کردش پس بپوشیدش به خاک
زاغ از الهام حق بد علم‌ناک

گفت قابیل آه شه بر عقل من
که بود زاغی ز من افزون به فن

(مثنوی معنوی، دفتر چهارم، ابیات ۱۳۰۱تا ۱۳۰۸)

خداوند در قرآن به صراحت رسول گرامی اسلام ﷺ را الگویی ارزشمند معرفی می‌کند و می‌فرماید: «البتّه شما را در اقتدای به رسول خدا چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر اوصاف و افعال نیکو، خیر و سعادت بسیار است برای آن کسی که به ثواب خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیارکند.»

خاک نجد از فیض او چالاک شد
آمد اندر وجد و بر افلاک شد

در دل مسلم مقام مصطفی است
آبروی ما ز نام مصطفی است

وقت هیجا تیغ او آهن گداز
دیده ی او اشکبار اندر نماز

در جهان آئین نو آغاز کرد
مسند اقوام پیشین در نورد

از کلید دین در دنیا گشاد
همچو او بطن ام گیتی نزاد

در نگاه او یکی بالا و پست
با غلام خویش بر یک خوان نشست

(اقبال لاهوری)

پیامبر گرامی اسلام ﷺ الگویی شایسته برای اصحاب بودند و آنان چگونگی عبادت کردن را از طریق روش الگویی از ایشان می‌آموختند. از ابی حازم روایت شده است که یک بار پیامبر ﷺ بر روی منبر نماز خواندند، وقتی نمازشان تمام شد رو به مردم کردند و فرمودند: «ای مردم، من این کار را به این دلیل انجام دادم که شما از من پیروی کنید و کیفیت خواندن نماز را از من یاد بگیرید.» بنابراین الگوهای پاک و با فضیلت، انگیزه و میل به پاکی و آراستگی به فضایل را در جوامع ایجاد می‌کنند و الگوهای ناپاک و بی‌فضیلت، جوامع را به ناپاکی‌ها و رذایل سوق می‌دهند. آن همه تأکیدی که بر نقش الگوها شده بدین دلیل است. الگوها چون مقبول واقع شوند دیگران را مطابق خود می‌سازند؛ چنان که هر هنری که استادی داشته باشد، جان شاگردش بدان هنر متّصف می‌شود.

هر هنر که استا بدان معروف شد
جان شاگردش بدان موصوف شد.

(مولوی، دفتر اول، بیت ۲۸۲۹)

۲. مسئولیّت الگوها

با توجه به نقش خطیر الگوها، مسئولیّتی بس سنگین نیز متوجه آنهاست. والدین و مربّیان زمانی می‌توانند از روش الگویی استفاده کنند و نتیجه بگیرند که موارد ذیل را رعایت کنند :

- والدین قبل از توصیه کودکان باید خود درانجام امور دینی پیشتاز باشند. کودکان و نوجوانان همواره رفتار مربّیان و والدین را مدّ نظر قرار داده و پیوسته این رفتارها را با امر و نهی آنها مقایسه می‌کنند و درصورتی از آنان پیروی خواهند کرد که خود آنها عامل به گفتارشان باشند.

امیر مومنان علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «من نصب نفسه للناس اماما فلیبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳)آن که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش بپردازد.

پروین اعتصامی در این باره نکته‌های زیبایی را به صورت شعر بیان می‌دارد:

ای که راستی به من آموزی
خود در ره کج از چه نهی پا را

آموزگار خلق شدیم اما
نشناختیم خود الف و با را

- مربیان و والدین بکوشند به صورت عملی و رفتاری کودکان را به اموردینی دعوت کنند. امام صادق علیه‌السلام والدین را به این امر توجه می دهند؛ آن جا که می‌فرمایند: «کونوا دعاه الناس بأعمالکم، و لا تکونوا دعاه بألسنتکم» (قرب الاسناد، ص ۷۷) مردم را با رفتار خویش به حق دعوت کنید نه با زبان خویش.

بزرگی سراسر به گفتار نیست
دوصد گفته چون نیم کردار نیست

(فردوسی شاهنامه)

حضرت علی(ع) نیز می فرمایند: «مردم را باغیر زبان (یعنی عمل خود) به نیکی دعوت کنید.»

پند فعلی خلق را جذاب تر
که رسد در جان هر با گوش و کر

اندر آن وهم امیری کم بود
در حشم تاثیر آن محکم بود

(مولوی، دفتر چهارم، ابیات ۴۸۵ تا ۴۸۶)

- مربیان و والدین همواره مراقب باشند، بین گفتار و عملشان تناقض به وجود نیاید، زیرا سلامت رفتار و گفتار مربّیان و والدین اهمیت اعمال را در نظر فرزندان چند برابر می کند. امام کاظم(ع) می‌فرماید: «یحفّظُ الاطفالُ بصلاحِ آبائهم» (مجلسی، ج ۶۸،ص ۲۳۶) رفتار کودکان در اثر خوبی‌های رفتار والدین حفظ می‌شود.
- شایسته است اشتیاق مربّیان و والدین درانجام اموردینی نسبت به کودکان چند برابر باشد. حضرت(ع) در این باره می‌فرماید: «الدّاعی بِلاعَمَلٍ کَرّامی بِلا وَتَرٍ» (نهج البلاغه، نامه ۱۳۷)؛ دعوت کننده بی عمل مانند تیرانداز بدون تیر است.

- الگوهـا، رفتارهایـی را بـه کـودکان توصیـه کنند کـه آنها توان انجـام دادنش را داشـته باشـند. بـه عبـارت دیگـر توصیـه والدیـن و مربّیـان محترم بـه گونه ای باشـد کـه کـودکان ظرفیّت و تـوان انجام دادن آن را داشـته باشـند.
- محبّـت ودلسـوزی بـه متربیـان : عشـق بـه متربّـی و پسـندیدن بـرای او آن چـه مربّـی بـرای خـود می‌پسـندد از لـوازم الگو شـدن یـا ارائه الگـو بـرای متربّی اسـت. قـرآن مجیـد از صفـات بـارز و مهـم رسـول خـدا ﷺ ایـن می‌داند کـه رنج و ناراحتـی مـردم بـرای ایشـان سـخت بـوده و حضرت نسـبت به مؤمنـان رئوف و مهربـان بوده‌انـد.

«لَقَـدْ جاءَكُـمْ رَسُـولٌ مِـنْ أَنْفُسِـكُمْ عَزيـزٌ عَلَيْهِ مـا عَنِتُّـمْ حَريـصٌ عَلَيْكُـمْ بِالْمُؤْمِنينَ رَؤُفٌ رَحيـمٌ» (توبـه، آیـه۱۲۸)؛ «بـه یقیـن، رسـولی از خود شـما به سـویتان آمد که رنج‌هـای شـما بـر او سـخت اسـت؛ و اصرار بر هدایت شـما دارد؛ و نسـبت بـه مؤمنان رئـوف و مهربان اسـت.»

- شایسـته ایـن اسـت کـه، فـردی کـه الگـوی دیگـران اسـت انسـانی بردبار و صبـور باشـد تـا بتوانـد بـرای متربّـی سرمشـق خوبـی باشـد. قـرآن کریم بـر این نکتـه تأکیـد دارد کـه صبـر و اسـتقامت از پیـش شـرط‌های پیشـوایان جامعه اسـت. «وَ جَعَلْنـا مِنْهُـمْ أَئِمَّةً يَهْـدُونَ بِأَمْرِنا لَمَّا صَبَرُوا وَ كانُوا بِآياتِنا يُوقِنُونَ» (سـوره سـجده، آیـه۲۴)؛ «و از آنـان امامـان (و پیشـوایانی) قـرار دادیـم کـه بـه فرمـان ما (مـردم را) هدایـت می‌کردنـد؛ چـون شـکیبایی نمودنـد، و به آیـات ما یقین داشـتند.»

۳. چگونه از روش الگویی در آموزش مفاهیم و آموزهای دینی استفاده کنیم

۳-۱. الگو شدن (امر به معروف عملی)

مربّیـان و والدیـن بـرای بـه کار بـردن روش الگویـی، درجهـت آمـوزش مفاهیـم و آموزه‌هـای دینـی بهتر اسـت با اسـتفاده ازشـیوه غیرمسـتقیم کـودکان و نوجوانان را بـه نمـاز دعـوت نماینـد بـه ایـن معنا کـه والدیـن و مربیـان در مـوارد برگـزاری امور دینـی پیشـرو باشـند و بـه ایـن وسـیله در کـودکان و نوجوانـان زمینه‌هـای ترغیب و تشـویق بـه ایـن امـور را فراهـم نمایند.

«امـر بـه معـروف لفظـی و امـر بـه معـروف عملـی بـه دو طریـق اسـت: مسـتقیم و غیرمسـتقیم. گاهـی کـه می‌خواهیـد امـر به معروف یـا نهـی از منکر کنید، مسـتقیم وارد می‌شـوید، حـرف را مسـتقیم می‌زنیـد، یعنـی اگـر می‌خواهیـد کسـی را وادار به کاری کنیـد می‌گوییـد: مـن از جنابعالـی خواهـش می‌کنم فـلان کار را انجـام دهید. ولـی یـک وقـت هـم بـه طـور غیرمسـتقیم بـه او تفهیـم می‌کنیـد، کـه البتّـه مؤثّرتر و مفیدتـر اسـت، یعنـی بـدون آن کـه او بفهمـد کـه شـما دارید بـا او حـرف می‌زنید، از کسـی کـه فـلان کار را کـرده اسـت تعریـف می‌کنیـد، کار او را توجیـه و تشـریح می‌کنیـد، می‌گوییـد: فـلان کـس در فـلان مـورد چنیـن عمل کـرده، این طـور رفتار کـرده و ... تـا او بدانـد و بفهمـد. ایـن، بهتـر در او اثـر می‌گـذارد کما این کـه عمل هم بـه طـور غیر مسـتقیم مؤثّرتـر اسـت.» (مطهری، مجموعـه آثـار،ج۱۷،ص۲۴۵)

۳-۲. الگوسازی

گاهـی اوقـات شـرایط بـه گونه ای اسـت کـه اسـتفاده از شـیوه مسـتقیم در آموزش مفاهیم دینی امکان‌پذیر نمی‌باشـد. بنابراین شایسـته اسـت از شـیوه‌های غیرمستقیم اسـتفاده کرد.بـرای الگوسـازی در کـودکان ونوجوانـان می‌تـوان از روش‌هـای ذیـل اسـتفاده نمود.

- بیان داستان و قصّه

قـرآن کریـم بـرای بهره‌برداری از این شـیوه، بسـیار غنی اسـت، به ویـژه آن که غالب الگوهـای قرآنـی کـه در قالـب داسـتان آمده‌انـد، نـو و تأثیرگذارنـد. قـرآن کریـم از داسـتان در جهـت تربیـت اخلاقـی انسـان‌ها، بیـش از ۱۲۲ بار اسـتفاده کرده اسـت. داسـتان بـرای همـه مراحـل سـنّی مفید و مـورد توجّه اسـت و محتوای داسـتان‌های قرآنـی متناسـب بـا سـطح اطّلاعات خوانندگان و شـنوندگان اسـت. خداونـد در مورد اهـداف قصّه‌گویـی، خـود، در قـرآن می‌فرمایـد: «بـی تردیـد، در بیـان داسـتان آنـان عبرتـی بـرای صاحبـان خرد اسـت. داسـتان‌های قرآنی سـخنی بـه افترا نیسـت، بلکه تصدیق کننده اسـت. همه آن چه پیش روی او (از کتب آسـمانی پیشـین) قرار دارد؛

و بیـان گـر هـر چیزی و هدایـت گر و رحمـت‌آور برای گروهـی که ایمـان می‌آورند.» تاریـخ، سرشـار از وجـود کسـانی اسـت که بـار خطایی بـه دوش گرفته‌اند و در مسـیر ناصـواب پیـش رفته‌انـد. تأمّـل در آثـار به‌جای‌مانـده از گذشـتگان، مـا را متقاعـد می‌کنـد کـه بـرای کنـاره گرفتـن از هـر خطایـی لازم نیسـت حتمـاً خـود بـه تجربه بنشـینیم و کیفـر ببینیـم بلکـه می‌تـوان از نتایـج اقدامات پیشـینیان، عواقـب امور را پیش‌بینـی کـرد.

- استفاده از شیوه نمایشی

«نمایـش، بـه عنـوان یک وسـیله بیانی، یک سلسـله حرکات به هم پیوسـته‌ای اسـت کـه دارای مفهـوم و پیامـی خـاص باشـد و از طریـق آن بـا مخاطبـان و تماشـاگران ارتبـاط برقـرار شـود. پس، نمایش، عملی اسـت گویا و حرکاتی اسـت ناطق، و بیشـتر از جنبـه «سـمعی-بصری» برخـوردار اسـت و بـه همیـن دلیـل، هـم گیرایـی خاصی دارد و هـم تأثیرگـذاری افزون‌تـر و نیـز ارشـاد غیـر مسـتقیم بـه مفاهیـم مـورد نظر می‌تواند داشـته باشـد.

در تئاتـر، روی حرکـت و رفتـار و نـوع سـخن و کیفیـت کلام و نحـوه تئاتـر حتّی نگاه و صـدا، دقّـت بـه کار مـی‌رود و ایـن به خاطـر تأثیری اسـت که «چگونگـی» هر عمل و حرکـت و کلام روی بیننـده می‌گذارد.

گاهـی بـرای تفهیـم یـک موضوع و القای یـک ایـده، مؤثرترین راه، «نمایش» اسـت و ایجـاد صحنـه‌ای کـه آن محتـوا بـه عینیّـت بنشـیند. در قرآن کریـم نیز از ایـن گونه تمثیل‌هـا و نمایش‌هـا و بیـان قصّه‌هـای عبرت‌آمـوز، فـراوان یاد شـده اسـت.

خمیـر مایـه نمایـش، در قالـب بیـان غیرمسـتقیم، یـا بایـد تربیتی و آموزشـی باشـد یـا بـه تفکّـر وادارد و یـا بینـش و بصیرتـی بدهـد، حتـی در نمایش‌هـای کمـدی نیز بایـد دارای «پیـام» باشـد. البتّـه آن چـه محتـوای سیاسـی و اجتماعـی، یـا تربیتی و اخلاقـی دارد، یـا بـه شـکل بازآفرینـی حـوادث تاریخـی و یـا در قالـب طنـز و کمدی اسـت یـا از جنبـه آموزشـی و علمـی برخـوردار اسـت، هریک اسـلوبی کامـلاً متفاوت بـا دیگـری دارد و بـا زبـان خـاصّ خویـش اسـت و سـمبل‌هایش هـم فـرق دارد. باید

دیـد تماشـاچی پـس از انجام نمایش، بیشـتر تحـت تأثیر صحنه‌هـای عجیب و غریب آن اسـت یـا محتـوای مـورد نظـر؟ هرچند کـه تأثیرگـذاری باید بیشـتر غیرمسـتقیم و نامرئـی باشـد و حالـت موعظـه مسـتقیم بـه خـود نگیـرد، ولـی نسـبت بـه بازتـاب یـک نمایـش در روح و رفتـار بیننـده نمی‌تـوان بـی تفـاوت بـود و در ملاک‌یابـی و ارزش‌گـذاری بـه حسـاب نیاورد.

جهت‌گیـری و سـمت‌دهی نمایـش را در مجمـوع بایـد سـنجید و نسـبت بـه صحـت بـازده و سـلامت تأثیـرش اطمینـان داشـت و بـه دقّـت نظرخواهـی کـرد. چـه بسـا تماشـاکنندگان یـک نمایش برداشـتی کامـلاً مغایر هدف و پیام نویسـنده و کارگردان داشـته باشند.

دربـاره زبـان نمایـش هـم بایـد توجّـه داشـت کـه وقتی هـدف نمایـش، القـا و انتقال یـک پیـام و اثرگذاری باشـد، بایـد از زبانی برخوردار باشـد که ویژگی وضـوح و تبیین را داشـته باشـد، نـه گیج‌کننـده و مبهـم و سـمبل‌های دور از ذهـن و فضـای ناآشـنا و بیگانـه بـا فرهنـگ مـردم کـه مخاطب آننـد. بـرای قشـرهای مختلـف، نمایش‌های مختلف لازم اسـت، متناسـب با درک و زمینه مخاطبان. (روزنامه جمهوری اسـلامی، ۲۷ اردیبهشـت ۱۳۶۱، ص ۲۰۷)

در ایـن روش اعضـای خانـواده یـا اعضـای کلاس، موضـوع منکـر یـا معـروف را بـه صـورت نمایش‌نامـه تهیـه کـرده و آن را بـا همـکاری فرزنـدان و یا هم‌کلاسـی‌ها اجرا می‌کننـد و از ایـن طریـق نتایـج اجـرا و عدم اجـرای معروف یـا منکر را بـه فرزندان و یـا دانـش آمـوزان متذکّر می‌شـوند.

«بـه عنـوان مثـال دانش‌آمـوز در حالـی کـه تـرش رو و عصبانـی بـه نظـر می‌رسـد، پتویـی را جمـع می‌کنـد و بـا خـود می‌گویـد: اعصابـم خـرد و خمیـر شـده. دیشـب دوبـاره میهمـان آمـده. میهمـان بـرای مـن یعنـی بـلا. سـپس روی پتـو می‌نشـیند و می‌گویـد: چـه می‌دانـم؛ شـاید پاهایـش نجـس بـوده، مرطـوب بـوده، بـه پتـو هـم سـرایت کـرده. پـس حـالا پتوی مـا را هم آلـوده و نجس کرده اسـت. باید بـروم و آن را بشـویم. دانش‌آمـوز در حالـی کـه نارضایتی از سـرو رویـش می‌بارد، پتو را زیر شـیر آب می‌گیـرد و سـه بـار می‌شـوید و فشـار می‌دهـد. سـپس می‌گویـد نمی‌دانـم حـالا

پـاک شـده یـا نه؟

در ایـن نمایـش دو اشـکال هسـت: یکـی این که با احتمـال نجس شـدن، نمی‌توان به نجاسـت پتـو حکـم کـرد. دوم ایـن که بـر فرض هم که نجس شـده باشـد، بـا یک بار شسـتن و فشـردن پـاک می‌شـود.» البتّـه در پایان نمایـش والدین یا مربّیان شایسـته اسـت دربـاره موضوع توضیـح ارایه کنند.

-شعر و ادبیات

بخـش عظیمـی از هنـر، سـوای آن چه به معماری و نقّاشـی، طرّاحی و خط، مجسّـمه سـازی و صنایـع دسـتی، فیلـم و نمایـش و ... مربـوط می‌شـود، در ارتباط بـا «قلم» و «بیان» اسـت.

آن ارزش‌هـای متعالـی کـه در محتـوای هنـر مکتبـی وجـود دارد مثـل بعـد معنوی، کمـال، هـدف‌داری خلقت، مشـیّت الهـی، ارتباط باخدا، شـهادت طلبی، ایثـار، ایمان، زیبایـی معنـوی و... توسـط قلـم و بیـان کـه شـاخه‌ای از هنر اسـت طـرح می‌گردد و از طریـق شـعر، داسـتان، فیلـم نامـه، نمایش نامـه، سـناریو، تألیف و ترجمـه و طنز و روزنامـه نـگاری، «بیان» می‌شـود.

وقتـی بنـا شـد کـه بـا اسـتفاده از شـیوه‌های هنـری، در جهـت انتقـال یـک فکـر و احسـاس یـا مکتـب و ایدئولـوژی کار کـرد، و ایمانی را جوشـاند و اندیشـه‌ای را جهت داد، اینجـا قلـم و نوشـته، نقـش اول را بـه عهـده دارد. امـا در این رابطه توجـه به این نکتـه لازم اسـت کـه اگـر به صحّـت و حقّانیـت ایده، بـه عنوان تنهـا تکیـه‌گاه نفوذ و تأثیـر، اعتمـاد شـود، گاهـی جاذبه‌های دیگری هم هسـت که آن را در اذهـان عادّی و ضعیـف، تحـت الشّـعاع قرار می‌دهـد. باید در کار نویسـندگی و اثر قلمـی، زبان هنری و جنبـه ادبـی نیرومنـد و مؤثّـری هم باشـد تا بـر تأثیر «حـق» بیفزاید.

اگـر کلام خداونـد ایـن همـه مؤثّر اسـت، جدا از اصالتـش، و این کـه کلام خدا و وحی آسـمانی اسـت، از نظـر بیـان و القـاء، زیبایـی و ظرافت‌هایـی دارد کـه در هیـچ کلام بشـری یافـت نمی‌شـود و تاکنـون هـم، بشـر از آوردن نمونه‌هایـی چـون قـرآن عاجز بوده اسـت.

یکـی از مهم‌تریـن ابزارهـا در رسـاندن پیـام، شـعر اسـت زیـرا شـعر اسـت کـه تخیّـل نیرومنـد ذهنـی لازم دارد و در شـعر، شـناخت ابعـاد مختلـف کلمات، ظرفیّـت و برد و کشـش و عمق و وسـعت واژه‌ها از نظر مفهومی، ضروری اسـت. در شـعر شـناخت و به کاربـردن عنصـر «وزن» حتمی اسـت. رعایت اصول و قواعد شـعری مثـل قافیه و ردیف و اوزان عروضـی مهـم اسـت. در شـعر بیشـترین حرف‌هـا را در کمتریـن عبـارات بایـد بیـان کـرد. بایـد کم گفـت و گزیده گفت چـون درّ. کلاًّ یک خلاّقیّـت عجیب و آفرینش و ابـداع و ابتـکار، در شـعر اسـت کـه در بیـان معمولـی و کتـاب نـگاری و قصّه نویسـی نیسـت یـا بـه مراتب کمتر اسـت. این‌ها اسـت که به شـعر، بعـد هنری می‌بخشـد و آن را از حسّاسـیّت «شـکل» و «محتـوا» تـا حد زیـادی برخوردار می‌سـازد.

در شـعر، بایـد اصـول شـعری و قواعـد ادبـی رعایت شـود، تا سـخن عـلاوه بر مـوزون و آهنگیـن بـودن، از صلابت و اسـتحکام و ظرافت و صحّت و درسـتی نیز برخوردار باشـد. شـعر ناپختـه و نـا اسـتوار، اگرچـه عدّه‌ای کم سـواد و بـی اطّلاع و غیـر متخصّص را هم مجـذوب کنـد ولـی پیش آنـان کـه سخن‌شـناس و نکته‌سـنج و باریک‌بین‌اند، ارزشـی نخواهـد داشـت و بـه صـورت فرزنـدی ناقص‌الخلقـه و معیوب جلـوه خواهد کرد.

شـاعر بایـد از طریـق مطالعـه آثـار ادبی گذشـته، آگاهی وسـیع بر فرهنگ یـک زبان، کار بـی وقفـه و پی‌گیـر در زمینه کار خود، عرضه اثر خود به اسـتادان و بزرگان، جهت نقـد و تکمیل، به زبان شـعر خود قوت و اسـتحکام بخشـد. (محدثـی، ۱۳۷۲،۱۵۱)

- فیلم

قهرمان‌جویـی یـا قهرمان‌پرسـتی یکـی از جلوه‌هـای روانـی اسـت کـه در سرشـت اوّلیه بشـر نهاده شـده اسـت. بشـر همواره در پی گمشـده‌ای اسـت که آن را جسـتجو می‌کنـد، «قهرمـان پرسـتی را اصـولاً یکـی از تجلّیـات اصیل روانی انسـان دانسـته‌اند کـه در فطـرت و نهاد انسـان حضـوری بـارز دارد.» (ماسـن، ۱۳۹۲،۱۸۸)

قهرمـان، انسـانی اسـت ممتـاز که در نظـر جسـتجوگر و انتخاب‌گر خویـش، از صفات ویـژه یـک انسـان متعالـی، دوسـت داشـتنی و شایسـته تقلیـد و پیـروی، بهـره دارد. امتیـاز، ویژگـی، کمـال، بایسـتگی و شایسـتگی قهرمـان، ممکـن اسـت در یک جهت

یـا در جهـات گوناگون باشـد. الگـو در جوامع مختلـف، عامل مهمی در صلاح و فسـاد جامعـه محسـوب می‌شـود. مؤمنان همـواره انبیا را تجسّـمی کامل از مکتـب یافته‌اند. عـلاوه بـر ایـن، از گفتارشـان درس آموخته‌انـد، آنهـا را قهرمـان صحنه‌هـای مختلـف می‌دانسـته‌اند و بـه آنـان تأسّـی می‌جسـته‌اند. بـا نگاهی گذرا بـه قرآن، به اسـوه‌های متعدّدی بر می‌خوریم. حضرت یوسـف ﷺ اسـوه ایسـتادگی در برابر شـهوت اسـت. حضـرت ابراهیـم ﷺ قهرمان توحید اسـت. حضـرت نوح ﷺ نمونـه و الگوی مقاومت و پایـداری اسـت. حضـرت یعقـوب ﷺ اسـوه صبـر و تحمّـل، حضرت اسـماعیل ﷺ الگـوی ایثـار و حضرت خاتم ﷺ اسـوه حسـنه و مقتدای همه اسـت. ایـن روش، یکی از مؤثّرتریـن شـیوه‌های تربیـت و تبلیغ اسـت.

«عملی‌تریـن و پیروزمندانه‌تریـن وسـیله تربیـت، تربیـت کـردن بـا یک نمونـه عملی و سرمشـق زنـده اسـت. الگـو بـه مردم عرضه می‌شـود تـا هر کس بـه انـدازه ظرفیت و اسـتعدادش، از آن شـعله فـروزان نـور برگیـرد. اسـلام، سرمشـق دادن را بزرگتریـن وسـیله تربیت می‌دانـد.» (قطـب،۱۳۸۹، ۲۵۱)

یکـی از ابزارهایـی کـه می‌تواند بـه مربّیان و والدیـن کمک کند تا در آمـوزش مفاهیم و آموزه‌هـای دینـی موفّـق باشـند ارائـه الگوهـای موفـق از طریق فیلم‌های آموزشـی، سـینمایی، سـریال‌ها، مسـتند زندگـی بـزرگان و کلیپ‌هـای آموزنـده می‌باشـد. فیلم و نمایـش چـون مبتنـی بـر مشـاهده و دیـدن اسـت، می‌توانـد نقـش زیـادی در ارایه الگوهای سـازنده به کودکان و نوجوانان داشـته باشـد. چشـم و گوش از سـایر حواس، نقـش مهم‌تـری در یادگیـری ایفـا می‌کننـد. سـه درصـد اطّلاعاتـی کـه مـا از جهـان پیرامـون خـود به دسـت می‌آوریـم از راه حسّ بویایـی، ۳ درصـد از راه ذائقه، ۶ درصد از راه لامسـه، ۱۳ درصـد از راه شـنوایی و ۷۵ درصـد بقیّـه از راه حسّ بینایی اسـت.

آنچه یک دیدن کند ادراک آن
سال ها نتوان نمودن با بیان

(مثنوی معنوی، دفترسوم، بیت ۱۹۹۴)

در این مورد رعایت چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

- انتخـاب الگـو بایـد بـا آگاهی صـورت بگیرد نـه از روی احساسـات، یـا غفلت و بـدون تفکّر.
- الگـو بایـد دارای کمـال واقعی(ارزشـی و دینـی) باشـد تـا در اثر پیـروی از او بـه سـعادت دنیـوی و اخروی آسـیب و ضرری نرسـد.

» و) روش محبت

یکـی ازابزارهایـی کـه می‌توانـد مـا را درهدایـت کـودکان به سـوی آموزه‌هـای دینی درفرزنـدان بـه یـاری کنـد محبـت کـردن اسـت. محبـت یکـی ازعوامـل بسـیار مهم درجـذب افـراد می‌باشـد کـه اثـر آن بـرروی فـرد تربیـت شـونده عمیـق و پایـدار می‌باشـد. درایـن مـدت والدیـن می‌تواننـد منویـات تربیتی خـود را به افـراد القا کنند و تغییررفتـار را درآنـان مشـاهده نماینـد.

از محبت تلخ ها شیرین شود
از محبت سرکه ها زرین شود

غاز محبت دردها صافی شود
از محبت دردها شافی شود

از محبت مرده زنده می کنند.
ز محبت شاه بنده می کنند.

(مثنوی معنوی، دفتر دوم، ابیات ۱۵۲۹تا۱۵۳۱)

دردیـن اسـلام،محبت بـه عنوان اسـاس و رکـن درجذب و هدایت انسـان‌ها به شـمار می‌رود.ادیـان الهـی برپایـه محبـت بـه دل‌هـا رسـوخ کـرده و راسـخ مانده‌انـد یکـی ازمهم‌تریـن و مؤثرتریـن روش‌هـای پیامبراکـرم ﷺ اسـتفاده ازاین روش بوده اسـت. زیـرا بـا ایـن روش هـم جاذبـه درافـراد ایجـاد می‌کردنـد و هم انگیـزه آنهـا را افزایش می‌دانـد و اگرپیامبراکـرم ﷺ ایـن روش را پـی نمی‌گرفـت، آن همـه اعـراب بادیـه نشـین بـه دورش جمـع نمی‌شـدند تـا ازبادیه نشـینی و بربریـت به تربیـت و فرهنگ دینـی پنـاه آورنـد. حضـرت علـی ؑ دربـاره اهمیـت و تأثیرایـن روش می‌فرمایـد: «دوسـتی ورزیـدن نیمـی ازخـرد اسـت.» (نهـج البلاغه،حکمـت ۱۴۲) و درجـای

دیگرمی‌فرماید: «دوستی ورزیدن پیوند با مردم را فراهم می‌آورد». (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱) درواقع نیروی محبت ازنظرتربیتی، نیرویی عظیم و کارساز است و بهترین تربیت آن است که بدین روش تحقق یابد، زیرا محبت با فطرت و سرشت آدمی سازگاری زیادی دارد و پذیرش آنها از ناحیه درون و بدون هیچگونه تحمیلی است.ضرورت و اهمیت به کارگیری روش محبت از این روست که محبت اطاعت آوراست و سبب همسانی و همراهی فرزند با والدین و مربی می‌شود. ازعلی(ع) نقل شده است که از رسول خدا(ص) درباره روش و سنت آن حضرت پرسیدم، فرمود: «والحب اساسی»؛ محبت بنیاد واساس (روش و سنت) من است. (الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ج ۱، ص ۱۸۷)

» چگونه محبت باعث علاقه کودکان به انجام رفتارهای دینی می‌شود؟

میـان محبـت و اطاعـت رابطـه‌ای بسـیارقوی وجـود دارد. بـا ظهورمحبـت همرنگی و اطاعـت پیـدا می‌شـود. محبـت هرکسـی کـه دردل آدمـی بنشـیند مطیـع و پیـرو او می‌شـود و ازخواسـت او سـرپیچی نمی‌کند.انسـان اسـیرمحبت و محکـوم آن اسـت، تـا جایی کـه گفته‌اند: «الانسـان عبدالاحسـان» (غررالحکم،حدیث ۸۷۷۱) احسـان و اظهاردوسـتی، می‌توانـد بشـر را تـا سـرحد بندگـی بـه پیش ببـرد و البته ایـن نتیجه طبیعـی محبـت‌ورزی نسـبت به انسـانی اسـت کـه فطرت بشـری خویش را از دسـت نداده باشـد.

اگروالدیـن و مربیـان بیـن کـودکان و نوجوانان رابطـه توأم با مهرو محبـت برقرارکنند بیـن خـود و کـودک یـک حـوزه عاطفـی ایجاد خواهنـد کرد کـه به واسـطه آن توجه کـودک جلـب می‌شـود. وقتـی توجـه کـودک جلـب شـد، پاسـخ‌های مثبتـی دربرابر دسـتورات و راهنمایی‌هـا ازخـود نشـان می‌دهـد و درصـورت دوام ایـن محبـت و راهنمایی‌هـا و پاسـخ‌های مثبـت، آموزه‌هـای دینـی درکـودک و نوجـوان بـه صـورت ارزش در می‌آیـد و دراو نهادینـه می‌شـود.

سـعدی معتقد اسـت تأثیر محبت و مهرورزی و احسـان، معجزه آساسـت.به گونه ای کـه عـلاوه برانسـان، حیوانـات را هم تحـت تأثیرقرار می‌دهـد. او دراین بـاره می‌گوید:

به ره بر یکی پیشم آمد جوان
به تک در پیش گوسفندی دوان

بدو گفتم این ریسمان است و بند
که می‌آرد اندر پیت گوسفند

سبک طوق و زنجیر از او باز کرد
چپ و راست پوییدن آغاز کرد

هنوز از پیش تازیان می‌دوید
که جو خورده بود از کف مرد و خوید

چو باز آمد از عیش و شادی به جای
مرا دید و گفت ای خداوند رای

نه این ریسمان می‌برد با منش
که احسان کمندی است در گردنش

به لطفی که دیده‌ست پیل دمان
نیارد همی حمله بر پیلبان

بـه وجـود آوردن احساسـات عاطفـی و اخلاقـی یکـی از اصـول مهم و اصلی اسـت که بایـد بیـن کـودک و پـدر و مـادر، یـا بزرگسـال بـه وجـود آیـد؛ زیـرا هرکدام بـه نوبه خـود نقـش مهمـی را در سـازندگی شـخصیت کـودک دارند و اگـر این اصـول بر پایه درسـتی در محیـط خانـواده استوارنباشـد، بـدون تردید ناهنجـاری در رفتـارو اخلاق کـودک بـه وجود می‌آید. (ژان پیـاژه، ۱۳۶۹، ص ۱۱۹) ژان ژاک روسـو درکتاب امیل درایـن بـاره می‌گوید: کودک دارای شـخصیت مسـتقلی اسـت، او نباید به طور آشـکار و جابرانـه تحـت فرمـان قرارگیـرد. پدرو مادر باید با او مانند دوسـت و موافق باشـند و یـا لااقـل نبایـد بداند که تحت فرمان قرار گرفته اسـت و بایسـتی فرمـان او را بپذیرد، فرزنـدان نبایـد فکـر کننـد که پـدران و مادران بـه آنان دسـتور می‌دهنـد، فرمان اگر دوسـتانه باشـد، کودکان با والدین شـان دوسـت می‌شـوند.

در واقـع محبـت نیـاز مسـتمر و همیشـگی کـودک اسـت و همـواره بایـد کـودک را بـا محبـت کـردن همـراه خـود کـرد. براین اسـاس می‌تـوان گفـت که نگـرش مثبت فرزنـدان نسـبت بـه مذهـب و امور دینـی ریشـه درمهـرورزی و محبت والدیـن دارد. آنـان می‌تواننـد بـا ایجـاد فضایی آکنـده ازمهر و محبـت، تجربه خوشـایندی در ذهن

کـودک ایجـاد نماینـد و بیـن اموردینـی و ذهـن کـودک ارتباط قـوی برقـرار نمایند.
البته محبت شرایطی دارد که عبارت است از:
۱- محبت به کودک باید راستین باشد.
۲- محبـت را بایـد ازدل و زبـان آورد تـا فرزنـد آنـرا با تمـام وجود لمس کنـد. ممکن اسـت پدری و مادری فرزند خود را در دل دوسـت داشـته باشـند اما اظهارنظر نکنند ایـن نوع محبـت تأثیر چندانـی ندارد.
۳- محبت به فرزندان باید یکسان باشد.
۴- محبت نباید مانع امر و نهی گردد.
۵- محبت به کودک باید معقول و به اندازه صورت گیرد.

» نتیجه‌گیری

آشـنا کـردن کودکان و نوجوانـان با معارف و ارزش‌های دینـی و مذهبی یکی از اصول مهـم در تعلیـم و تربیـت اسـلامی محسـوب می‌شـود و روز بـه روز بـا توسـعه زندگی اجتماعـی؛ علمـی و سیاسـی ضـرورت آن بیشتراحسـاس می‌شـود. بنابرایـن یکـی از محورهـای مهـم و اصلـی تربیـت باید عمق بخشـیدن بـه آموزه‌های دینـی درکودکان و نوجوانـان باشـد،زیرا درایـن صورت اسـت که فرزنـدان از هرنوع آسـیب‌های اخلاقی و اجتماعـی مصـون می‌ماننـد. بسـیاری از شـرارت‌های افراد ناشـی از نداشـتن تربیت دینـی و اخلاقـی می‌باشـد و تعلیـم آموزه‌هـای دینـی بـه کـودکان و نوجوانـان باعث می‌شـود آنـان دربرابرایـن انحرافات مقاومت بیشـتری داشـته باشـند.

تربیـت دینـی فرزندان را بایـد ازکودکی آغاز کـرد. زیرا روح آنان درایـن زمان انعطاف پذیـری قابـل توجهـی دارد و هرچـه انسـان بزرگتـر می‌شـود ازایـن انعطـاف کاسـته می‌شـود. بـا توجه بـه اینکه کودک درایـن دوران از حساسـیت‌ها و لطافت‌های خاصی برخورداراسـت، بایـد ازبهترین شـیوه‌ها بهره گرفـت تا نتایج مفید و مؤثرحاصل شـود. یکـی از روش‌هـای بسـیار مؤثـر درتربیت تشـویق کارهای خـوب کـودکان و نوجوانان اسـت. تشـویق راهـی مناسـب درایجـاد انگیـزش به سـوی کارهـای مثبت می‌باشـد. تشـویق در روح آنـان اثـر می‌گـذارد و آنهـا را به انجـام اعمال نیک تحریـض و ترغیب می‌کند.یکـی دیگـراز شـیوه‌ها روش الگویـی اسـت. درایـن روش فـرد، از فرد یـا افراد دیگـر بـه عنـوان سرمشـق و الگـو اسـتفاده می‌کنـد و تحـت تأثیـر مشـاهده از رفتـار دیگـران پیـروی نمـوده و خـود را بـا آن همسـاز می‌کنـد. روش محبت یکـی ازعوامل بسـیار مهـم درجـذب افـراد می‌باشـد کـه اثـرآن بـر روی فـرد تربیت‌شـونده عمیق و درازمـدت می‌باشـد. درایـن مـدت مربـی می‌توانـد منویـات تربیتی خـود را به کودک القـا کنـد و تغییررفتـار را در کـودک مشـاهده کنـد. داشـتن بصیرت و آگاهی نسـبت بـه انجـام یـک کار، دوام و قـوام آن عمـل را بیشـترخواهد کرد بنابرایـن روش بصیرت بخشـی، روش مؤثـری بـرای نهادینه کردن ارزش‌هـا در کودکان و نوجوانان محسـوب می‌شـود. بـا روش قصه‌گویـی نیـز می‌توانیـم دراعمـاق روح کـودک نفـوذ کنیـم و بـا بیـان قصه‌هـای آموزنـده و جـذاب کـودکان را بـا شـخصیت‌های قصه همانند سـازیم.

منابع

» قرآن کریم.
» نهج البلاغه.
» آشتیانی، محمدرضا، گنجینه آداب اسلامی، قم، انتشارات زهیر، ۱۳۸۴.
» احمدی، احمد، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴.
» امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۹.
» بهشتی محمد، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات سمت، ج ۲، ۱۳۷۹.
» پیاژه، ژان، پیرهانری سیمون، ترجمه عنایت الله شکیباپور، روان شناسی کودک و اصول تربیتی جوانان، تهران، کتاب فروشی نیما، ۱۳۹۶.
» جمعی ازنویسندگان، مجموعه مقالات نماز و خانواده، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ج ۱و۲، ۱۳۸۶.
» حسینی زاده، علی، (زیر نظر علیرضا اعرافی) ، سیره تربیتی پیامبراکرم و اهل بیت علیهم‌السلام ، تهران، انتشارات حوزه و دانشگاه، ج ۲، ۱۳۸۳.
» خادمی، عین الله، بررسی عوامل مؤثر بر درونی کردن ارزش‌های اسلامی دردانش آموزان، تهران، انتشارات اداره کل آموزش و پرورش، ۱۳۷۹.
» دفترتحقیقات و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، اخلاق وتربیت اسلامی، انتشارات چاپ و نشر ایران، ۱۳۶۹.
» دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، انتشار دریا، ۱۳۸۲.
» شرفی، محمدرضا، تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشرآثار امام خمینی، بیتا.
» شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
» عطاران، محمد، آرای مربیان بزرگ مسلمان در باره تربیت کودک، تهران، وزارت آموزش و پرورش ـ دفتر امورکمک آموزشی و کتابخانه‌ها، ۱۳۶۸.
» محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، بیتا.
» مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت دراسلام، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱.
» معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، انتشارات مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) ، ۱۳۷۹.
» مولوی، جلال الدین ، مثنوی معنوی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۲.
» نوری طبرسی، حسین، المستدرک الوسایل و مستنبط المسایل، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاءالتراث، ۱۴۰۸ق.
» مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

تدوین و تبیین عوامل ارتباطی مسجد و مدرسه:
با تأکید بر نقش محوری مسجد

جواد آقامحمدی[1]

چکیده

مسجد، سنگری است که در آن دل های مؤمنین به یکدیگر نزدیک تر و عزم آنان در دفاع از حریم مکتب، همه روزه به نمایش گذاشته می شود. در این سنگر الهی، هم سنگران، خویشتن را برای مبارزه با نفس اَماره آماده می سازند و در زلال بندگی، روح خویشتن را تطهیر می‌کنند.

هدف از پژوهش حاضر تدوین و تبیین عوامل ارتباطی مسجد و مدرسه با تأکید بر نقش محوری مسجد می باشد. نوع پژوهش براساس اهداف تعیین شده و سوالات تحقیق، کیفی است و در این رهگذر و با توجه به تحقیقات و مطالعات صورت گرفته، سه هدف و سه سوال اساسی و بنیادین مطرح و با استفاده از روش

[1] دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران
Email:javad-am-95@yahoo.com

تحلیلی-اسـتنادی و بـا بررسـی متـون دینـی و آموزه‌هـای اسـلامی و بـا اسـتناد بـه آیـات شـریفه قـرآن کریـم و منابع معتبـر و نتایـج مطالعات پیشـین، عوامـل کلیدی موفقیـت اثربخشـی مسـاجد اسـتخراج گردیـد. بـر اسـاس مطالعات پیشـین، آسـیب هـای موجـود در مـدارس شناسـایی و مـورد بحث و بررسـی قـرار گرفـت و در نهایت راهکارهـای عملـی و کاربـردی در جهـت حضـور امـام جماعـت مسـجد همجـوار در مدرسـه و حضـور دانـش آمـوزان در مسـجد همجوار مطـرح و ارائـه گردید.

واژگان کلیدی:
مسـجد، مدرسـه، اثربخشـی مسـاجد، آسـیب شناسـی وضعیت مدارس، امام جماعت مدرسه.

» مقدمه و کلیات

عملکـرد بهینـه و متعالـی مسـجد، نقشـی شـگرف در حفـظ و ارتقـای جایـگاه دیـن در سـطح جوامـع اسـلامی دارد. در سـند چشـم انـدازی کـه برای مسـاجد کشـور در ۲۰ سـال آینـده ترسـیم شـده: مسـجد نهادی اسـت فعـال، اثرگـذار، مسـئولیت پذیر در صحنـه تعامـلات فرهنگـی، برخـوردار از روحیه تعاون، سـازگاری اجتماعـی، توانا، پویـا، توانمنـد در ترویـج، آمـوزش و تبلیـغ فرهنگ اسـلامی، با بهره منـدی از حضور و مشـارکت مردمـی و حمایـت از حضـور و مشـارکت مردمـی و حمایت دسـتگاه های فرهنگـی، اجرایـی، متعهـد بـه انقلاب و نظام اسـلامی بر اسـاس تعالیم عالی اسـلام و اندیشـه هـای گوهربـار امام خمینـی قدس‌سره و رهنمودهای مقـام معظـم رهبری(دام‌ظله) در جهـت تربیـت و هویـت اسـلامی انقلابـی، وحـدت ملـی، الهـام بخـش، مؤثـر برای جهـان معاصـر، بـه ویژه کشـورهای اسلامی.(عباسـی و دیگـران، ۱۳۹۱، ص۳۸)

نقـش کلیـدی مسـجد در شـکل گیـری و پیشـرفت جامعـه اسـلامی در صدر اسـلام، امـری غیرقابـل انـکار اسـت. به گواهـی تاریـخ، پیامبر اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در اولین اقـدام برای پایه گذاری حکومت اسـلامی در مدینه، به سـاخت مسـجد همت گماشـتند. مسـجد بـه عنـوان مهـم تریـن پایـگاه و مرکـز گردهمایـی مسـلمانان در طـول تاریـخ، افزون بـر کارکـرد عبـادی، کارکردهای دیگـری نظیر کارکرد آموزشـی، سیاسـی، اجتماعی، فرهنگـی و نظامـی نیـز داشـته اسـت. این امـر نشـان از جایـگاه و اهمیـت والای این مـکان مقـدس در پیشـبرد اهـداف جامعـه اسـلامی دارد. مـی تـوان تأکیـدات قرآن، احادیـث و روایـات در مـورد مسـجد را نیز از همین منظر نگریسـت. سـاخت و آبادانی مسـجد بارهـا مـورد تأییـد دیـن قـرار گرفته و نتایـج و آثار رفـت و آمد به مسـجد نیز در کلام رهبـران و پیشـوایان بـه دفعات تکرار شـده اسـت.

مسـجد هویتـی بـس عظیـم و اصالتـی بـه غایـت برجسـته دارد؛ زیـرا تنظیـم کننده تمامـی شـئون و امـور مسـلمانان اسـت. در ایـن تفکـر، مسـجد از حصـار مـادی یک بنـا و مـکان خـارج شـده و در اندیشـه دارای نشـانگاهی معنـوی برای بیعـت و میثاق هـر لحظـه مـی شـود. مسـجد مدینـه در صـدر اسـلام نیز نـه تنهـا محلی بـرای ادای فریضـه نمـاز، بلکـه مرکـز جنـب و جـوش و فعالیـت هـای اجتماعـی مسـلمانان بود.

گردهمایی‌هـا بـرای اتخـاذ تصمیمات بـزرگ همگی در مسـجد برگـزار و نتایج آن در همـان جـا بـه اطـلاع مـردم می رسـید. بنابرایـن، در دیـن مبیـن اسـلام کارکردهای متعـددی بـرای مسـاجد ذکـر شـده و شـرایط متعـددی بـرای زیبایـی، آراسـتگی و پاکیزگـی آن هـا در نظـر گرفتـه شـده اسـت کـه غفلـت از آن هـا مـا را از اهـداف عالیـه مسـاجد دور می سـازد. (زنجیرچـی و دیگـران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۸) بنابراین عدم توجـه بـه هریـک از ایـن مـوارد و مـوارد دیگـر، خود آسـیب های جـدی را بـه همراه خواهـد داشـت، و اتفاقـاً در محیـط مـدارس هـم، همـان گونـه که اشـاره خواهد شـد از معضـلات و آسـیب هـای جـدی کـه باعث عـدم گرایش دانـش آموزان به مسـجد و نمـاز و نمازخانـه هـای مدارس می شـود همان آراسـتگی، پاکیزگـی و زیبایی ظاهری و در کنـار آن هـا مـوارد دیگـری خواهـد بـود کـه بـه بحث گذاشـته خواهد شـد.

از سـوی دیگـر، ضـرورت تعلیـم و تربیت و پرورش نیروی انسـانی پارسـا، کارآمد، توانا و متخلـق بـه اخلاق اسـلامی و دینـی به مثابه یکی از شـاخص های توسـعه فرهنگی، اجتماعـی و سیاسـی اسـت و بـدون شـک نیـروی انسـانی فعـال و متعهد و بـا اخلاق و صفـات عالیـه رکـن اصلـی توسـعه بـه شـمار مـی آیـد. در رابطه بـا نقـش و جایگاه نیـروی انسـانی فعـال و متعهـد در فرآینـد توسـعه ذکر ایـن نکته کافی اسـت که این قشـر مـی توانـد منشـأ تحـول در جوامـع باشـد، به خصـوص اگر ایـن قشـر در دوران جوانـی بـا مسـجد و فرهنـگ والا و غنـی دینـی مبیـن اسـلام عجیـن شـده و بـا این رویکـرد دینـی تربیت شـده و شـوند. دوران نوجوانـی وجوانی، دوران بسـیار مهمی در آمـوزش و تثبیـت اعتقـادات دینـی فـرد می باشـد، از این رو دوران بسـیار حسـاس و قابـل توجهی اسـت کـه اگر این فرصت از دسـت برود، دیگـر امکان بازیابـی آن وجود نـدارد و بـر همین اسـاس اسـت که فرهنـگ اسـلام، جـوان ونوجـوان را در جایگاهی ارزشـمند قـرار داده و تعابیر والایی در شـأن او آورده اسـت که در ایـن رابطه می توان بـه حدیـث شـریف نبوی اشـاره کـرد که مـی فرمایند: «ما بعـث الله عزوجـل نبیا الا و هـو شـاب و لا اوتـی عالم علمـا الا و هو شـاب.»(جانی پور، ۱۳۹۰، ص ۲۱) مدرسـه به عنـوان مرکـز فراگیـری مـی تواند بـه کنترل و درمـان نابسـامانی های دانـش آموزان بپـردازد. پژوهـش هـا نشـان مـی دهند مدارسـی کـه اقامه نمـاز را جـدی گرفته اند،

اضطـراب هـا و ناهنجـاری هـا، ضـد ارزش هـا و مشـکلات اخلاقی کمتری را شـاهد و ناظـر بـوده اند.(نصـر و دیگـران، ۱۳۸۷، ص۶۵) بنابرایـن بـر عمـوم و خصوصاً دسـت انـدرکاران و مسـئولین واجـب اسـت که با اقدامات مناسـب و شایسـته و بهـره گیری از امکانـات و توانایـی هـای موجـود و رفـع برخـی از معضـلات و آسـیب هـا، پیونـد محکمـی بیـن مدرسـه و مسـجد برقـرار نماینـد، تـا از ایـن طریـق بر تأمین سـلامت آینـده جامعـه گامـی مهـم بـر دارنـد. تحقیـق حاضر با هـدف بررسـی عوامـل مهم و تأثیرگـذار پیونـد بیـن مسـجد و مدرسـه و بـا تأکید ویژه بـر نقش محوری مسـجد به تبییـن و تدویـن برخـی از عوامـل مهـم و اثرگذار مـی پردازد.

» اهمیت و ضرورت مسأله

در فرهنـگ دینـی، نـام مسـجد یـادآور بندگـی و کرنـش در پیشـگاه خداونـد متعال اسـت. مسـجد بـه معنـای جایـگاه سـجده؛ و سـجده، اوج عبـادت و بندگـی انسـان بـرای خداونـد اسـت. در حقیقـت، برتریـن و اصیـل ترین محـل برای عبـادت و تقرب جسـتن بـه خداونـد متعـال، مسـجد اسـت. بنابرایـن، در قرآن بـر جنبه هـای عبادی مسـجد، بیش از هر بعد دیگری تکیه شـده اسـت. مسـجد، جایگاه عبادت و پرسـتش خالصانـه خداوند اسـت: «و ان المسـاجد لله فـلا تدعوا مع الله احدا.»[1] مسـجد، جایگاه زمزمـه و نجـوای صادقانـه بـا معبـود اسـت: «و اقیمـوا وجوهکـم عنـد کل مسـجد و ادعـوه مخلصیـن لـه الدیـن.»[2] مسـجد، پایگاه عـروج انسـان از خاک به افلاک اسـت: «سـبحان الـذی اسـری بعیـده لیـلا مـن المسـجد الحـرام الـی المسـجد الاقصـی.»[3] یکـی از نقـش های اساسـی مسـجد، فراهم کردن زمینـه عبادت پرحضـور و خالصانه اسـت تـا مؤمنـان در آنجـا بـا پرداختـن بـه نمـاز، ذکـر و دعـا، زنـگار غفلـت از دل و جـان بشـویند و بـا خداونـد متعـال بـه معنـای واقعـی کلمـه انـس بگیرنـد. مسـجد بـه عنـوان یـک مرکـز اجتماعـی، از طـرق مختلـف اجتماعی، سیاسـی و آموزشـی به مراجعـان خـود خدمـت می کند. مسـجد بـه دلیل در دسـترس بودن، محل مناسـبی بـرای برگـزاری مراسـم گوناگـون اجتماعی و مذهبی مسـلمانان شـد. از همـان اوایل، مسـجد عـلاوه بر محـل تجمع مسـلمانان، محـل امور سیاسـی آنان نیز بود. خواسـت رسـول اکـرم ﷺ از سـاختن مسـجد هـر چه بوده باشـد، با پیشـرفت اسـلام، مسـجد اهمیـت بیـش تـری یافـت و مرکـز سیاسـی و مذهبی جامعه جدید شـد. در مسـجد، مؤمنـان بـرای عبـادت بـه دور پیامبـر ﷺ گرد می‌آمدند. ایشـان سـخنان خـود را که شـامل تسـلیم شـدن در برابـر اراده خداونـد و اصول مربـوط به زندگـی اجتماعی بود، بیـان مـی کردنـد؛ امور مذهبی و سیاسـی مسـلمان به وسـیله مسـجد اداره می شـد. مسـاجد، نهادهـای اساسـی آمـوزش در زمینـه های: قـرآن، احکام و اخـلاق، و علومی هـم چـون: کلام و فقـه بـوده انـد. در پیوند بـا همین نقش آموزشـی، بتدریج مسـاجد

[1] . سوره مبارکه جن، آیه شریفه۱۸.
[2] . سوره مبارکه حج، آیه شریفه۴.
[3] . سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه۱.

عهـده دار کتابخانه‌هـای عظیـم و پـر رونقـی شـدند کـه در برخـی از شـهرهای ایران امـروز نیـز وجـود دارد. مسـاجد محل پرورش اسـتادان بزرگـی بودند کـه بعدها، خود از علما و مدرسـان بنام اسـلام و مسـلمین شـدند. مسـجد در گذشـته، همان نقشی را داشـت، کـه دانشـگاه ها و مراکـز علمی آکادمیـک کنونی دارند. بـزرگان و علما حیات علمـی خـود را در رواق‌هـای مسـاجد سـپری مـی کردنـد، و آن گاه کـه بهـره کافـی کسـب مـی کردنـد حلقـه های درس تشـکیل مـی دادنـد. از ایـن رو، می تـوان گفت کـه مسـاجد مسـلمانان در هیـچ دوره ای، از حلقـه درس علما و طلاب خالـی نبوده و نخواهـد بود. (ضرابـی، ۱۳۸۱، ص۴۶)

بـی شـک یکـی از عوامل مهـم و مؤثر در پیشـبرد فرهنگ و تمدن اسـلامی در زمینه هـای آموزشـی، تربیتـی و فرهنگـی وجـود مسـاجد بـود. علـی رغـم اینکـه مسـاجد معمـولاً در منظـر عـام بـه عنـوان یکـی از اصلـی تریـن کانـون هـای عبـادت و انجام اعمـال و مراسـم مذهبـی قلمداد می‌شـود، اما از تأثیر شـگرف این مـکان های عبادی در توسـعه آمـوزش و فرهنـگ نمـی توان به راحتی گذشـت. تـا زمانی که مـدارس به طـور رسـمی در دنیـای اسـلام موجودیـت نیافتـه بود بـار امـور علمی و آموزشـی به دوش مسـاجد بـود. از همـان اوایـل، آمـوزش و تعلیم با مسـجد مرتبط بـود و مدارس در حقیقـت از مسـاجد انشـعاب یافتـه بـود، چرا که تعلیـم و تربیت در دهـه های اول تاریـخ اسـلام معمـولاً در ارتبـاط با فرامیـن دینی بود و مسـلمانان نیازمند آشـنایی با معانـی و مفاهیـم مذهبـی بودنـد و طبعاً بـرای فراگیـری و آموزش راهی مسـاجد می شـدند. بـر طبـق منابع و متـون تاریخـی، نخسـتین مراکز تعلیـم و تربیت در اسـلام، مسـاجد و محـور ایـن آمـوزش و پـرورش، قـرآن کریـم بوده اسـت. به نوشـته اسـتاد جـلال الدیـن همایـی در ابتـدا مرکـز تعلیـم و محـل درس مسـلمانان مسـاجد بـود. حـوزه هـا و حلقـه هـای درس در جوامـع و مسـاجد تشـکیل می‌شـد. احیانـاً مجالس مناظـره نیـز در همـان مسـاجد بـود کـه تعـدادی از آنهـا کتابخانـه هـای عظیـم نیز داشـتند. (ریاحـی، ۱۳۸۹، ص۱۳) بـا ایـن اوصـاف و احـوال و دهها مـوارد مهم دیگر، مـی طلبیـد کـه در تحقیقاتی کامـلاً علمی به بررسـی و تبیین عوامل مؤثـر در تعامل بیـن مسـجد و مدرسـه پرداخـت و از ایـن رهگـذر راهکارهایـی بـرای بهبـود بخشـی

ایـن امـر مهـم ارائـه کرد، کـه تحقیق حاضـر با هـدف تدویـن و تبیین عوامـل مهم و تأثیرگـذار در تعامـل بیـن مسـجد و مدرسـه بـا تأکید ویژه بـر مسـجدمحوری در این راسـتا گام برخواهد داشـت.

هـدف کلـی تحقیـق حاضر بررسـی الگوی ارتباطی بین مسـجد و مدرسـه بـا تأکید بر نقـش محـوری اثربخشـی مسـجد خواهـد بـود و بـر همین اسـاس، اهـداف فرعی زیر مورد بررسـی قـرار خواهنـد گرفت:

- تعیین عوامل کلیدی موفقیت اثربخشی مساجد؛
- تعییـن آسـیب هـای موجـود و احتمالـی جـذب و گرایـش دانش آمـوزان به مسـجد و نماز؛
- تعییـن راهکارهـای عملـی حضـور امـام جماعـت در مـدارس و حضـور دانش‌آمـوزان در مسـاجد.

بـا توجه بـه ماهیت موضوع مقاله و همچنین سـاختار سـؤالات تحقیق، روش پژوهش مـورد اسـتفاده، روش تحلیلی-اسـتنادی خواهـد بـود، بـه این صورت که بـرای جواب هریـک از سـؤالات بـالا از متـون علمـی معتبـر و نتایج تحقیقـات مروری و پژوهشـی و میدانـی و از همـه مهـم تـر از آیـات، احادیـث و روایـات در جهـت برجسـته کـردن مفاهیم و اصطلاحات اسـتفاده شـده اسـت.

» الف) ادبیات نظری

۱.مفهوم شناسی مسجد

مسجد واژه ای عربی از ریشه «س - ج- د» به معنای سجده گاه است، گرچه برخی آن را عربی شده واژه آرامی «مزگت» می دانند. سجده یکی از اجزای نماز است و شاید سجده گاه نامیدن مکان برگزاری نماز از باب مهم شمردن این جزء از نماز باشد. مسجد، در اصطلاح شرعی تعریف دقیق تری دارد: «المکان الموقوف علی کافه المسلمین للصلاه» یعنی مکانی که برای نماز گزاردن همه مسلمانان وقف شود. بر این اساس، سه ویژگی اصلی مسجد چنین است: موقوف بودن و در تملک فرد خاصی نبودن، ویژه عده خاصی نبودن و برای همه مسلمانان بودن، برای خواندن نماز استفاده کردن. (الویری، ۱۳۸۶، ص۹۴) در فرهنگ دینی و قرآنی گاه از مسجد به عنوان «بیت الله» نیز یاد می شود. برای مثال از قرینه آیات زیر می توان به این مفهوم دست یافت: «فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبح له فیها بالعدو و الاصال»[۱] و «و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمه.»[۲] علامه طباطبایی نیز در کتاب شریف تفسیر المیزان می فرماید: «قدر مسلم از معنای بیوت همان مساجد است که جایگاهی ویژه برای ذکر نام خدا است و به همین منظور بنا شده و حتی خانه های پیامبران و ائمه اطهار نیز از مصادیق کلمه بیوت است.»(جانی پور، ۱۳۹۰، ص۲۵) قرآن کریم هم چنین کعبه را که برترین خانه خدا روی زمین است، خانه ای برای مردم به شمار آورده و می فرمایند: «ان اول بیت وضع للناس للذی ببکه.»[۳] بنابراین مسجد به معنی سجد و تعظیم بردن در مقابل ذات اقدس الهی و در واقع جایگاه و محل عبادت و یاد خداوند متعال می باشد، که در سوره مبارکه جن به آن به طور صریح اشاره می فرمایند.

---

۱ . سوره مبارکه نور، آیه شریفه ۳۶.
۲ . سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۱۴.
۳ . سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۹۶.

۲. مسجد نهادی آموزشی

مسجد علاوه بر محل نیایش، ذکر، وعظ، خطابه و تجمع مؤمنان در ساعاتی خاص، از آغاز، محل ابلاغ احکام، دستورها و آموزه های دینی، و کاربرد آن ها در زندگی روزمره بوده است. مسلمانان هیچ گاه دین را به صورت پدیده شناخته نشدنی معرفی نکرده اند و نافی تلاش عقلی برای فهم تجربه و باورهای دینی نبوده اند. از این رو، مبنای آموزش و پرورش دینی را منکر نبودند، بلکه تلاش می کردند که با کمک عقل، با یکدیگر و پیروان دیگر ادیان ارتباط برقرار کنند. در برخی از فرقه ها و نحله های اسلامی این تلاش، پر رنگ تر و در برخی نحله ها کم رنگ تر است، اما هیچ نحله ای خود را در یک قفس نفوذناپذیر زندانی نکرده و از گفتگو با دیگران سرباز نزده است. پیامبر ﷺ در مسجد مدینه به تعلیم دین به اصحاب می پرداختند و به پرسش های آنان پاسخ می دادند. در تاریخ اسلامی نیز مطالعات متنوع و متکثر دینی، نشانگر اعتقاد به فهم پذیری و قابلیت انتقال مفاهیم در حوزه های گوناگون دینی بوده است. در آغاز، در جلساتی که در مساجد تشکیل می شد، افراد به ویژه کودکان به حفظ آیات و احادیث تشویق می شدند. اما اندک اندک، کار آموزش به فراتر از حفظ معلومات کشیده شد، و متناسب با نیازهای آموزشی، دانش مربوط هم، بسط و گسترش یافت. مکتب های آموزش قرآن و مدارس علوم معارف دینی، از دل این توسعه بیرون آمد و عمدتاً در کنار مساجد تأسیس شد. در برخی مناطق، این مدارس و مکتب خانه ها در دل مساجد تشکیل می شدند و زبان متون و نصوص(عربی) در جوامع، مانعی بر سر کار آموزش متون ایجاد نمی کرد.

پیش از شکل گیری مؤسسه ها و مراکز تحقیقاتی دینی در دنیای جدید و مدرن امروزی که عمدتاً به دانشگاه ها و نهادهای دولتی وابسته اند، کار تحقیق و مطالعه درباره باورها و رفتارهای دینی، در مساجد انجام می شد. در قرن های پر رونق تمدن اسلامی، جلسات مباحثه و گفتگو در مسجد صورت می گرفت. مسجد در تمدن اسلامی، جایی برای بررسی وجوه دینی امور بوده است؛ جایی که مردم در آن می توانستند حقایق، هنجارها و قواعد دینی را جستجو کنند و

بـه معنایـی کلـی تر بـه هدایت دینـی برسـند. بنابراین، مسـاجد از آغاز شـکل گیری اسـلام، بـه صـورت مراکـزی بـرای آمـوزش دینـی عمل کـرده انـد. این آمـوزش، هم نقـش تعلیمـی (انتقـال آگاهی ها و اطلاعات) و هم نقش تربیتی (سـاختن شـخصیت اخلاقـی و اجتماعـی فـرد بـرای ورود بـه جامعـه) داشـت.(محمدی، ۱۳۸۹، ص۵۰) جایـگاه جلسـات علمـی و آموزشـی در مسـجد از نـگاه رسـول اکـرمﷺ بـه مراتـب والاتـر و ارجمندتـر از جلسـات دعـا اسـت؛ چنان که در روایت اسـت که روزی رسـول خـداﷺ بـه مسـجد وارد شـدند، در مسـجد، دو مجلـس جداگانـه برپـا بـود گروهـی در حـال یـاد دادن و فـرا گرفتـن دانـش بودنـد و جمعـی نیـز بـه دعـا و راز و نیـاز بـا خداونـد متعـال مشـغول بودنـد. پیامبـر اکـرمﷺ فرمودنـد: «هـر دو گروه به سـوی نیکـی گام برمـی دارند؛ دسـته ای خداوند متعـال را می خواننـد و گروهی نیز آموزش مـی بیننـد و نادانـان را تعلیـم مـی دهنـد؛ ولی این گـروه (تعلیـم و تعلـم) کار برتری را انجـام مـی دهنـد. مـن نیز به منظـور آموزش دادن مـردم مبعوث شـده ام.» آن گاه رسـول خـداﷺ در میـان گروهـی که سـرگرم آمـوزش بودند، نشسـتند. (سـلیمانی، ۱۳۹۰، ص۴۶) ناصـر خسـرو شـاعر و نویسـنده آزاده ایرانـی در توصیف مسـجد مصر بـه صـورت تلویحـی به نقش آموزشـی مسـاجد اشـاره می کنـد. آن جا که مـی گوید؛ در میـان بـازار مسـجدی اسـت که آن را بـاب الجوامع گوینـد و مدام در آن مدرسـان و مقربان نشسـته اند و سـیاحت گاه آن شـهر بزرگ، آن مسـجد اسـت و هرگز نباشـد کـه در آن کمتـر از پنـج هـزار خلق باشـد. چـه از طلاب علـوم دینی و چـه از غریبان و چـه از کاتبانـی کـه چـک و قبالـه مـی نویسـند و غیـر آن. (علی محمـدی، ۱۳۹۱، ص۳۸) پـس بـا ایـن وضعیت بین مدرسـه و مسـجد همیشـه پیوند و ارتبـاط عمیقی برقـرار بـوده اسـت و قبـل از تشـکیل و شـکل گیـری مدارس امـروزی، آمـوزش های رسـمی و غیر رسـمی در مسـاجد داده می شـد. همان گونه که اشـاره گردید در ابتدا فقـط آمـوزش هـای دینـی و عقیدتـی داده می شـد امـا به مـرور زمان آمـوزش های کلـی در همـه زمینـه ها و متناسـب با شـرایط و احـوال آن دوره در مسـاجد داده می شـد، و بـه همیـن دلیـل اسـت کـه مسـاجد مـا در طـول زمـان هیـچ گاه تـک بعدی نبـوده و نخواهـد بود.

۳. مسجد نهادی تربیتی

وجـه تربیتـی مسـجد معمـولاً در پیونـد بـا وجـه آموزشـی مورد توجـه قـرار گرفته و هنـوز مطالعاتـی مسـتقل و مسـتوفی دربـاره آن صـورت نگرفتـه اسـت. گرچـه نمـی تـوان ایـن پیونـد و نیـز پیونـد مباحـث تربیتـی را بـا وجـه عبـادی مسـجد نادیـده گرفـت، تردیـدی نیسـت کـه به هر حـال مقولـه تربیت مقولـه ای متفاوت بـا آموزش و عبـادت اسـت. مسـجد کانونـی بـرای رشـد اخـلاق فـردی و اجتماعی آحـاد جامعه اسـلامی و آشـنا شـدن آن هـا بـا فضایـل و رذایـل اخلاقـی و راه هـای منحلی شـدن بـه فضایـل و دوری جسـتن از رذایـل اسـت. (الویـری، ۱۳۸۶، ص۹۷) عـلاوه بر این و بـا توجـه بـه ویژگـی هـای نمازگـزاران حقیقـی، این افـراد تربیت شـده مسـجد بوده و الگوهـای تربیـت دینـی بـه شـمار مـی رونـد و در هدایـت بـه باورها و اعمـال دینی در مـورد دیگـران مؤثر هسـتند. (منشـی زاده نایینـی، ۱۳۸۷، ص۲۹۶) از جنبه های دیگـری کـه در حقیقـت بـه ابعـا تربیتی مسـجد بر می گـردد، نقش مؤثری اسـت که ایـن کانـون مقـدس در پیونـد دادن دلـدادگان خـود با انسـان هـای صالـح و برگزیده ایفـا مـی کنـد مسـجد بـا ایجـاد آشـنایی و پیونـد میان مـردم بـا نخبـگان و صالحان جامعـه، بسـتری مناسـب بـرای پـرورش و تربیـت روحـی انسـان فراهـم می کنـد. با ایـن وضعیـت، مسـجد هماننـد مدرسـه به رشـد درونـی و تعالـی فـرد در زمینه های اخلاقـی بسـیار توجـه دارد و چـه بسـا مسـجد در این بعد بـه مراتب سـخت گیرانه تر و وسـواس تـر از مدرسـه عمـل نماید.

۴. مسجد نهادی فرهنگی

پـس از نقـش عبـادی، آموزشـی و تربیتـی، نقـش فرهنگـی در بیـن دیگر نقـش ها و کارکردهـای مسـجد، دارای بیـش تریـن اهمیـت می باشـد. پیامبر اسـلام ﷺ محیط مسـجد را کامـلا فرهنگـی مـی دانسـتند، تـا جایـی کـه در حضـور آن حضـرت و بـا اجـازه ایشـان برخـی مسـابقات برگـزار مـی شـد و حضـرت ضمن ابـراز خرسـندی از ایـن کار، بـا حوصلـه و بردبـاری کامـل از چنین مسـایلی اسـتقبال می کردنـد. گرچه امـروز مراکز آموزشـی و فرهنگی گسـترش یافته اسـت؛ امـا نباید از ایـن کارکرد مهم

مسـجد و بـارور نمـودن فرهنگـی آن غافـل شـد. برگـزاری جلسـات شـبی بـا قـرآن، مسـابقات کتاب‌خوانـی و غیـره از جملـه برنامـه هایی هسـتند که می تـوان با حمایت مسـئولین منطقـه بـه اجـرا درآورد. (فجری، ۱۳۸۸، ص ۷۰) رسـول اکـرم ﷺ پس از فتـح مکـه بـر ضـرورت کارهـای فرهنگـی بسـیار تأکیـد داشـتند و پـس از رحلت آن حضـرت نیـز، فعالیـت های فرهنگی مسـجد ادامه یافـت و پایگاهی برای نشـر معارف اسـلامی گردیـد. بـه نظـر می رسـد که این نقـش در حال حاضـر و با توجـه به هجمه هـای سـنگین دشـمنان داخلـی و خارجی اسـلام بسـیار پر رنـگ و حیاتی می باشـد.

» ب) عوامل کلیدی موفقیت اثربخشی مساجد

در طـول تاریـخ، جایـگاه مسـجد فـراز و فرودهـای فراوانـی داشـته اسـت. نقطـه اوج اثربخشـی مسـجد در جنبـش هـای مذهبـی و سیاسـی تاریـخ اسـلام نمایـان اسـت؛ جنبـش هـای ماننـد جنبـش مختـار، جنبـش زیدبـن علـی و جنبـش صاحـب فـخ از مسـجد آغـاز شـده اسـت. در قـرون جدیـد و بـا پیشـگامی روشـنفکران و اصـلاح گـران اسـلامی، مسـجد پایگاهـی مهـم بـرای آغـاز و هدایـت جنبـش های سیاسـی و اجتماعـی بـوده اسـت. بـه نظـر مـی رسـد بـه رغـم جایـگاه برجسـته مسـجد در آمـوزه هـای دیـن و نیـز در تحـولات تاریخـی جوامـع اسـلامی، در عصـر کنونـی بـا ظهـور فزاینـده فنـاوری هـای گوناگـون اطلاعاتـی و ارتباطـی و افزایـش نفـوذ ایـن فنـاوری هـا در عرصه هـای گوناگون زندگی اجتماعی، و نیز شـکل گیری و گسـترش نهادهـای فرهنگـی مـوازی و رقیب، تـا حدودی جایگاه کانونی نهاد مقدسـی مسـجد، دسـتخوش تغییراتـی شـده اسـت. امـروزه در ایران اسـلامی، مسـجد به عنـوان اصلی تریـن پایگاه نشـر دیـن، از جایـگاه مطلوبی برخوردار نیسـت. عدم اهتمـام به ظرفیت هـای مسـجد بـرای پیشـرفت و عـدم بهـره گیـری اقشـار جامعـه از ظرفیـت هـای ارتباطـی و اجتماعـی مسـجد، بـه عنـوان اصیـل تریـن شـبکه ارتباطی و زمینه سـاز پیونـد و اعتمـاد اجتماعـی، سـبب تنزل جایـگاه و اهمیت ایـن نهاد مقـدس دینی در جامعـه شـده اسـت. (کـرم الهـی و کاشـانی زاده، ۱۳۹۱، ص۳۲)

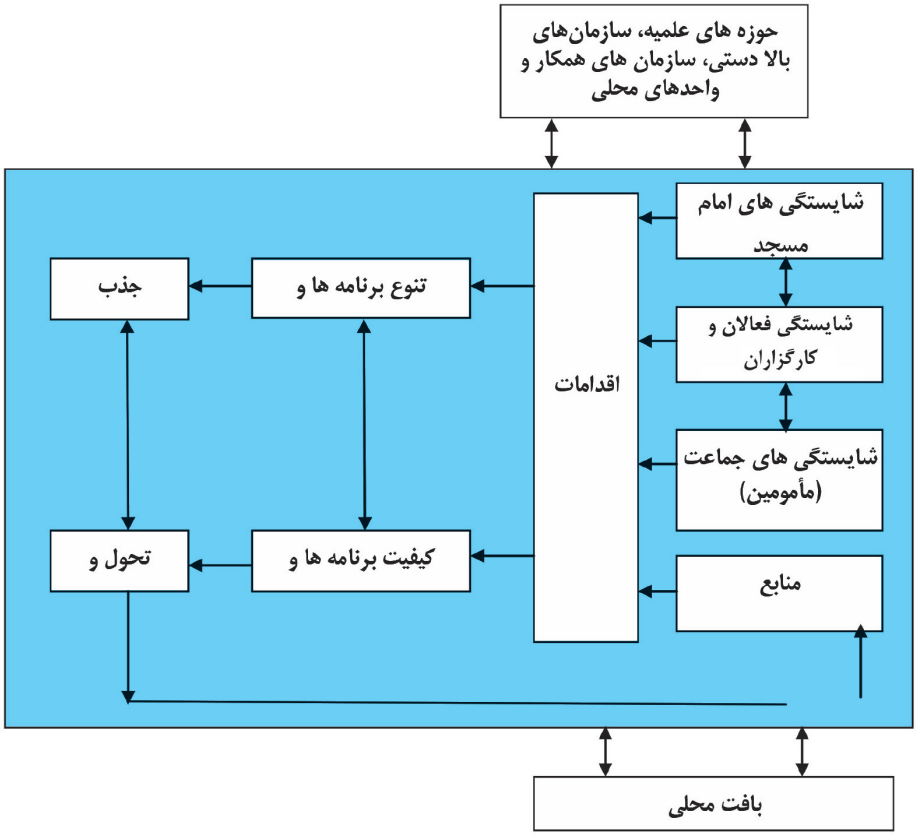
عباسـی و دیگـران(۱۳۹۱)، در پژوهشـی میدانـی بـا عنـوان «تدوین الگـوی مدیریت اثربخـش مسـجد» بـه تبییـن و تدویـن مـدل اثربخشـی مسـجد بـا اسـتفاده از نظـر خبـرگان و متخصصـان پرداختـه و طراحـی آن را متناسـب بـا تأسـیس مسـجد بـر اسـاس تقـوا و اخـلاص مبتنـی بـر آیه شـریفه ۱۰۸ سـوره مبارکـه توبه مـی داند. آن هـا بـا ایـن عبـارت شـروع مـی کننـد کـه، پرسـتش و عبـادت، هدف مسـجد اسـت؛ همـان گونـه کـه قـرآن کریـم مـی فرماینـد: «وان المسـاجد لله فـلا تدعـوا مـع الله احـدا» مسـاجد از آن خداونـد متعـال هسـتند پـس بایـد احـدی جـز او را نپرسـتید. هـم چنیـن تقـوا اسـاس مسـجد و نمازگزار اسـت. همـان گونه کـه خداونـد تبارک و تعالـی در قـرآن کریـم کی فرمایند: «المسـجد اسـس علـی التقوی مـن اول یوم احق

ان تقـوم فیـه رجـال یحبـون ان یتطهـروا و الله یحـب المطهرین»؛[1] آن مسـجدی که از روز نخسـت بـر اسـاس تقـوا بنـا شـده شایسـته تر اسـت در آن بـه نماز قیـام کنی، چـه ایـن کـه در آن کسـانی هسـتند که دوسـت دارنـد پاک و منـزه باشـند و خداوند پاکیـزگان را دوسـت دارد. بـدون شـک هـر مسـجد در جامعه اسـلامی، یک سـازمان منسـجم معنـوی اسـت کـه دارای مأموریـت، اهـداف، کارکرد، تشـکیلات و سیسـتم هـای مخصـوص به خود اسـت. تشـکیلات و سـازمان مسـجد یـک تشـکیلات اداری، انتفاعـی، تجـاری یـا اقتصـادی نیسـت، بلکه مسـجد سـازمان الهـی - مردمی اسـت کـه رسـالت هدایتـی، معنوی، آموزشـی، تربیتی و تبلیغـی دارد که بـا رهبری معنوی و نفـوذ کلمـه و مدیریـت امـام جماعـت و بـا حضـور تـوده مـردم و اقشـار مختلف آن سـازمان دهی می شـود. ورودی های این سیسـتم (مسـجد) اقشـار مختلف مردم، به ویـژه جوانـان و نوجوانـان هسـتند که بایـد با فرایند تعلیم و تربیت اسـلامی به انسـان هـای شایسـته، توانا، فرهیختـه و مؤمن تبدیل شـوند. عامل اصلی پذیرش مسـئولیت و حضـور نمازگـزاران در یک مسـجد، انسـجام، نظـم و اجرای دقیـق رهنمودهای امام جماعـت، شـخصیت علمـی، اخلاقی و معنوی امام جماعت و قداسـت مـکان و در یک کلام انگیـزه هـای معنوی اسـت. بر اسـاس یافته های تحقیق آن ها، شـخصیت علمی و معنـوی امـام جماعـت مسـجد بیـش تریـن تأثیـر و اهمیـت را در بیـن مؤلفـه های کلیـدی اثربخشـی مسـجد دارا می باشـد.

[1] . سوره مبارکه توبه، آیه شریفه ۱۰۸.

بازخورد(یادگیری و رشد)

نمودار شماره ۱: الگوی مدیریت اثربخشی مساجد



بـرای یافتن عوامل کلیدی موفقیت اثربخشـی مسـاجد، بر اسـاس مطالعـات کتابخانه ای و بـر مبنـای نظـری (نظریـه هـا، مـدل هـا، رویکردهـا و چارچـوب هـا) و مطالعـه پیشـینه پژوهـش هـا تعـداد ۳۰ گویـه اسـتخراج گردید و ایـن گویه ها در ۴ شـاخصه کلـی به شـرح ذیـل تدوین شـد.

۱.شرایط و امکانات فیزیکی

تمییزی و بوی مطبوع فضای محیط داخلی مساجد، وجود وسایل گرمایشی و سرمایشی مناسب در فصول مختلف سال، وجود امکانات مناسب از جمله (ضبط صوت، رادیو، ویدئو پروژکشن)، وجود کتابخانه مناسب با تعداد کتاب های مختلف و متنوع (مذهبی و غیر مذهبی)، وجود تعداد کافی میز و صندلی برای برگزاری مراسمات مختلف، دارا بودن محل مناسب جهت مطالعه (سالن مطالعه)، وجود فرش و سجاده های تمییز و رنگاو رنگ، وجود کفش کنی مناسب، داشتن مساحت کافی برای نمازگزاران در فصول مختلف (مخصوصاً ماه مبارک رمضان)، معماری زیبای بیرونی مسجد، فضای داخلی مسجد، نزدیک بودن به محیط و فضاهای آموزشی، محل استقرار مسجد در محل های خاص.

۲. مسئولان و متولیان امور مساجد

وجود روحانی در مساجد، میزان آمادگی علمی روحانی مسجد در مواقع مختلف (سخنرانی ها و پاسخگویی به سوالات)، وجود خادم یا خادمین خوش برخورد، داشتن هیئت امنای فعال و معتمد، تشویق افراد و مخصوصا سنین پایین نمازگزاران در جمع و در صورت امکان با ذکر نام، خوشنامی و متعهد بودن روحانی.

۳. برگزاری مراسمات و امور دینی و مذهبی در مساجد

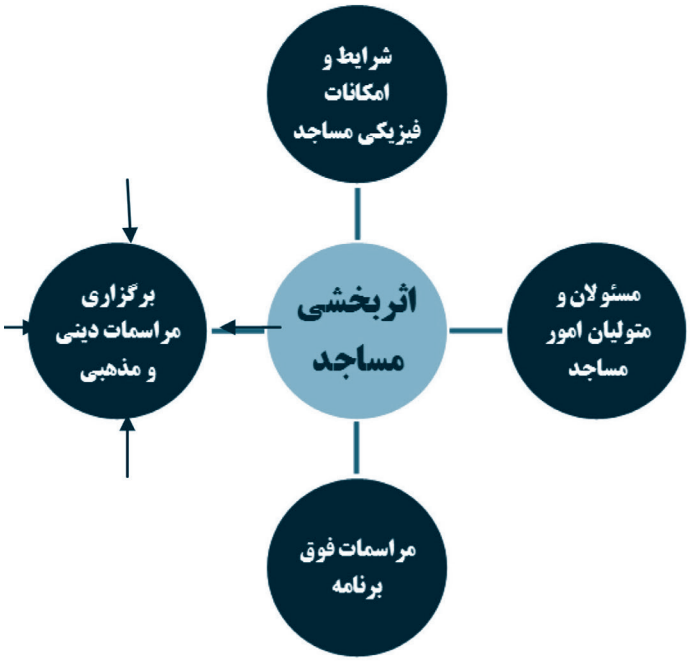
برگزاری کلاس های مختلف (احکام و مسائل شرعی) در فصول مختلف سال، وجود جلسات پرسش و پاسخ، برگزاری مراسمات مختلف در مساجد (سوگواری و جشن های مذهبی)، برگزاری دوره های تلاوت و تفسیر قرآن کریم.

۴. مراسمات فوق برنامه

فراهم آوردن امکان برگزاری کلاس های کمک آموزشی در مساجد، نمایش فیلم های مفید و به روز و مذهبی و دینی در مساجد، برگزاری نمایشگاه، دعوت از

چهـره هـای شـناخته شـده و محبوب بـرای ارائه سـخنرانی در مسـاجد در موضوعات مختلـف، همـکاری با دسـتگاه تعلیم و تربیـت مخصوصاً مدارس جهت تعامل بیشـتر، برگـزاری جلسـات انجمـن اولیـا و مربیان با حضور دانـش آموزان در مسـاجد به جای مدرسه.

نمودار شماره۲: مدل ساده اثربخشی مساجد بر اساس یافته‌های تحقیق و مطالعات صورت گرفته



» ج) آسیب شناسی وضعیت موجود در مدارس (گرایش و عدم گرایش دانش آموزان به نماز و مساجد)

در بیشتر نظرسنجی های انجام یافته در داخل کشور، ضعف مدیریت مسجد، دلیل اصلی گرایش نداشتن مردم و مخصوصاً جوانان و نوجوانان به مساجد عنوان شده است. ضعف آگاهی کادر اجرایی مساجد نسبت به شیوه های صحیح مدیریت و برنامه ریزی و چگونگی تعامل با جماعت مسجد از گروه های سنی مختلف، مخصوصا سنین کودکی و نوجوانی، باعث کم رونقی مساجد و خالی شدن آن ها از طیف سنین پایین (کودکی و نوجوانی) شده است و حتی بعضی از آنها به نمازخانه های بسیار کوچکی تبدیل شده اند.

در تأیید این مدعا به بخش هایی از نتایج طرح تهیه شناسنامه اماکن مذهبی کشور اشاره می شود:

- مسجدهایی که سه نوبت نماز را اقامه می کنند حدود ۶ درصد از کل مساجد کشور را تشکیل می دهند.
- بسیاری از مساجد از جهت بهداشتی و نظافت ظاهری جاذبه ای برای کودکان و نوجوانان و جوانان ندارند.
- خادمان و هیئت های امنا در غالب مساجد کشور نه تنها جاذبه ای برای جوانان ندارند، بلکه خود مانع فعالیت ها و کانون های فرهنگی آنان هستند و بیشتر مساجد کشور تنها در موقع نماز باز بوده و نقشی در اجتماع و حل معضلات فرهنگی و اجتماعی ندارند. (عباسی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۳۹)

بر اساس آیه شریفه «فطره الله التی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله»؛[1] انسان فطرتاً موجودی خداجو است و کنجکاوی از ویژگی های برجسته او به حساب می آید. از جمله سؤالاتی که انسان همواره در جست وجوی پاسخی برای آن بوده، این است که چرا او باید به عبادت خدا می پردازد. آثار و شواهد تاریخی موجود نشان می دهد که بشر در زمان ها و مکان های مختلف با شیوه های گوناگون خدا را عبادت کرده است و البته دلائل و مدارک زیادی در این خصوص وجود

[1] . سوره مبارکه روم، آیه شریفه ۳۰.

دارد. بـه عنـوان نمونه سـاموئل کوئینگ جامعه شـناس معروف معتقد اسـت: «اساسـاً در جهـان طایفـه یـا جامعـه ای بـدون نیایش، معتقدات و آداب و رسـوم وجـود ندارد. مـا نتوانسـتیم از لابـه لای اوراق، تاریـخ، لوحـه هـا و بقایـای آثـار تاریخـی، بشـر را از قیـد مذهـب و نیایش و پرسـتش آزاد ببینیم.» (مرادی و موسـی پـور، ۱۳۹۲، ص۲۷) خداونـد متعـال در قـرآن کریـم، درمـان تمـام نگرانـی ها و اضطـراب ها را یـاد و ذکر خداونـد معرفـی مـی کنـد و آرامـش دهنـده قلـب هـا را توجـه به خـدا و یـاد او می دانـد. آنجـا کـه می فرماینـد: «الا بذکر الله تطمئـن القلوب»؛[1] بدانید و آگاه باشـید که یـاد خـدا و ذکـر او آرامـش دهنده دل ها اسـت.

بـه تعبیـر رهبـری نظـام، نمـاز و نیایـش، ارتبـاط صمیمانـه ای اسـت میان انسـان و خـدا، آفریـده و آفریـدگار، تسـلی بخـش و آرامـش گـر دل هـای مضطـرب و خسـته و بـه سـتوه آمـده، مایـه صفـای باطن و روشـنی بخـش روان اسـت، برنامه ای اسـت بـرای بـاز یافتـن و آن گاه سـاختن خویـش. (خامنـه ای، ۱۳۷۴، ص۷) نمـاز، تقدیـم حمـد و سـپاس بـه درگاه خالـق منان و کامل ترین پاسـخ بـه عالی ترین نیاز انسـان؛ یعنـی کمـال جویی اسـت. نماز فرصتـی برای طراوت بخشـیدن روح و پلـی برای نیل بـه اوج کمـال مطلـق و زینـت بخـش شـخصیت و منـش مؤمنان اسـت. نمـاز یکی از اساسـی تریـن ارکان حیـات، تمـدن، فرهنـگ، زندگی و تحرک جوامع انسـانی اسـت. (آقامحمـدی و دیگـران، ۱۳۸۹، ص۷۹) بـا ایـن اوصـاف، نمـاز انسـان را از پلیـدی ها و زشـتی هـا دور نگـه مـی دارد و در ضمـن آرامـش دهنـده روح و روان و بـه تبـع آن سـلامت جسـمانی را بـه دنبـال خواهد داشـت. همان گونـه که تحقیقات بی شـماری بـر ایـن مدعا صحـه گذاشـته اند.

ترکیـب آسـیب شناسـی از علـوم پزشـکی به علـوم اجتماعـی وارد شـده و در اصل به معنـای علـل بیمـاری و عـوارض و علایـم غیرعادی اسـت و در اصطلاح علـوم طبیعی بـه معنـای مطالعـه و شـناخت عوامـل بـی نظمـی هـا در ارگانیسـم انسـانی جهـت درمـان بیمـاری هـای جسـمانی اسـت. برگـر و لوکمـان ایـن اصطـلاح را در حـوزه مسـائل اجتماعـی به معنـای وضعیـت غیرمتعارف و انحرافـی که به اصلاح نیـاز دارد،

[1] . سوره مبارکه رعد، آیه شریفه ۲۸.

بـه کار بـرده انـد. آسـیب شناسـی اجتماعـی به شـناخت علـل و عوامـل، نشـانه ها و علایـم آسـیب پذیـری انسـان در جامعه و زندگـی اجتماعی، اعم از تربیتـی، فرهنگی، اقتصـادی، سیاسـی و غیـره می پردازد. در حوزه آسـیب شناسـی دینی نیـز به معنای شـناخت آسـیب هـا و اشـکالاتی اسـت کـه بر دیـن و دینـداری و غیـره وارد شـده یا ممکن اسـت وارد شـود. (چـراغ چشـم، ۱۳۹۲،ص۱۵۶)

از نظـر اجتماعـی سـرمایه هـای واقعـی هـر جامعـه ای نیروهـای نوجـوان و جوانـی هسـتند کـه آینـده جامعـه را می سـازند و مشـی آینـده جامعه را ترسـیم مـی کنند. بـه خصـوص در کشـور مـا کـه درصـد بالایـی از جمعیـت کشـور در سـنین جوانی و نوجوانـی قـرار دارنـد، ایـن سـرمایه از ارزش و اعتبار بیـش تری در تصمیـم گیری ها برخـوردار مـی باشـد. هم چنیـن از نظر فـردی مرحله بسـیار مهمی از رشـد و تکامل انسـان و شـخصیت او در دوره نوجوانـی و جوانـی خواهد بود. ایـن دوره با ارزش ترین و پـر انـرژی تریـن دوران حیـات انسـانی اسـت و تحـولات کیفـی و کمـی فراوانـی از نظـر جسـمی و روانـی در ایـن دوره بـه وقوع می پیوندد که شـخصیت انسـان و آینده حیـات او را تحـت تأثیـر قرار می دهد. (نـگارش و دامن پاک مقـدم، ۱۳۸۸،ص۳۸) از ایـن رو چگونگـی پـرورش نسـل جدیـد یکـی از مهم ترین اصولی اسـت که پیشـرفت یـک کشـور بـدان وابسـته اسـت. سـرمایه گـذاری بـرای تربیت سـالم و دینـی دانش آمـوزان یـک جامعـه در واقـع سـرمایه گـذاری زیربنایی در جامعه اسـت. زیـرا همین نسـل اسـت کـه حاصـل اصلـی فرهنـگ و تمـدن جامعـه بـوده و پیشـرفت در جنبـه هـای گوناگـون یـک جامعـه وابسـته بـه آنـان مـی باشـد. بـی تردیـد مـدارس سـهم انکارناپذیـری در تعلیـم و تربیـت امـروز جامعه و آینـده آن دارند. (بخصـوص تعلیم و تربیـت دینـی)، در این مـکان علاوه بر تعلیم مطالب درسـی، دینـی و اخلاقی، مهارت هـای مـورد نیـاز زندگـی فـردی و اجتماعـی نیز بـه دانش آمـوزان آموخته می شـود. (انصـاری، ۱۳۸۲، ص۴۶۵) امـا متأسـفانه نتایـج برخـی پژوهـش هـا کـه در جامعـه دانـش آمـوزان انجام گرفته، نشـان داده اسـت که شـناخت نوجوانـان و جوانان از دین بسـیار سـطحی و ابتدایـی اسـت و پژوهـش ها در شناسـایی علـل ناموفق بـودن نظام آمـوزش و پـرورش در تربیـت دینـی؛ روش های سـطحی و غیرکارآمـد را مطرح کرده

انـد کـه نـه تنهـا نتیجـه مطلـوب نداشـته اسـت و دانش آمـوزان مـا دینی نشـده اند، بلکـه گاهـی فاصلـه هـا بیشـتر شـده و نتیجـه معکوس بـه بار آورده اسـت. بـر همین اسـاس یکـی از موضوعاتـی کـه نگارنـده بـه بررسـی و توصیـف آن می پـردازد همین آسـیب هایـی اسـت کـه در درون مـدارس وجـود دارد و بـا اسـتفاده از تحقیقـات و مطالعـات پیشـین، آسـیب هـا و ضعـف هـا شناسـایی و ارائه خواهنـد گردید.

کـرم الهـی و کاشـانی زاده(۱۳۹۱) در تحقیقـی پژوهشـی بـا عنـوان «تبییـن الگـوی مفهومـی آسـیب شناسـی وضعیـت مسـجد در ایـران» بـا اسـتفاده از مصاحبـه با ۲۳ نفـر از اسـتادان دانشـگاه و حـوزه و صاحـب نظـران و پژوهـش گـران حـوزه مطالعات مسـجد، با دیدی آسـیب شناسـانه به مسـئله نگریسـته اسـت. نتایج یافته های آن ها نشـان مـی دهـد که مسـائل و آسـیب های مربوط به نهاد مسـجد در سـه حـوزه کلی قـرار مـی گیرنـد: ۱.حوزه هـای گوناگون فرهنگـی، اجتماعی، سیاسـی و اقتصادی؛ ۲. عناصـر، سـازمان هـا و نهادهای مرتبط و دخیل در اداره مسـجد؛ ۳. نهادها و سـازمان هـای مذهبـی و فرهنگی موازی با مسـجد. این سـه حـوزه در بردارنده تمامی مسـائل پیرامـون مسـجد اسـت. بـر اسـاس الگـوی مفهومـی پیشـنهادی آن هـا، بسـیاری از آسـیب هـا، علـل بـروز، پیامدهـا، و راه کارهـای رفع آن ها در این سـه حـوزه قرار می گیرند.

جدول شماره۱: الگوی مفهومی آسیب شناسی مسجد در ایران

مدیریت کلان			مسایل فرهنگی	حوزه های مختلف مسجد
			مسایل اجتماعی	
			مسایل سیاسی	
			مسایل اقتصادی	
مدیریت مسجد	مدیریت خرد مسجد	امام جماعت	بعد شناختی	اجزا و عناصر دخیل در اداره مسجد
			بعد کنشی	
		هیئت امنا	بعد شناختی	
			بعد کنشی	
		خادم	بعد شناختی	
			بعد کنشی	
			مخاطبان مسجد	
			فضای فیزیکی و ساختمان مسجد	
	مدیریت کلان مسجد		سازمان ها و نهادهای متولی امور مسجد	سازمان ها و نهادهای متولی
			نهادهای متولی امور فرهنگی	
تعامل و یا تقابل			حسینیه و اماکن مذهبی	سازمان ها و نهادهای موازی
			فرهنگسرا	
			رسانه	
			نمازخانه	
			مجتمع فرهنگی	
			مصلی	

با این اوصاف و با توجه به بررسی ها و مطالعات صورت گرفته در این زمینه، نگارنده مقاله حاضر آسیب های موجود در مدارس را این گونه نام می برد.

۱. عدم وجود روحانی بودن امام جماعت مدارس: در تحقیقات بی شماری به نقش تعیین کننده امام جماعت در گرایش و عدم گرایش به مسائل دینی اشاره گردیده است. تربیت الگویی، یکی از بهترین شیوه های تربیتی است.

روحانـی بـودن امـام جماعـت که بیشـتر از دیگـران به احـکام دینی و الهـی پایبندند، بـه عنـوان الگـوی تربیتـی به شـمار مـی آینـد. (گلسـتانی شیشـوان، ۱۳۹۲، ص۳۲) ذوالفقـاری و خلجـی(۱۳۹۰) در تحقیقـی میدانـی کـه بـر روی دانشـجویان صـورت دادنـد، نشـان دادنـد کـه روحانـی بـودن امـام جماعـت در دانشـگاه تأثیر بسـزایی در شـرکت دانشـجویان در نماز جماعت داشـته اسـت. بنابراین وجود روحانی در مدارس بـه ایـن مسـئله کمـک شـایانی خواهـد کـرد و عدم وجـود روحانـی می تواند آسـیب بسـیار جـدی بـرای مـدارس باشـد. چرا که بعضا مشـاهده شـده اسـت، مدارسـی که از وجـود امـام جماعـت روحانـی سـود مـی برنـد میـزان حضور دانـش آمـوزان آن ها در نماز و مسـاجد بسـیار بیشـتر از مدارسـی هسـتند که از وجود روحانی در مدارس خود بـی بهـره اند.

۲. دبیـران و عوامـل اجرایی مدارس: در ایـن زمینه دهها تحقیـق میدانی صورت گرفتـه اسـت و همـه آن ها نشـان مـی دهند که دبیـران مخصوصاً مربیـان تربیتی و دبیـران درس دینـی و قـرآن و معاونین و مدیران نقش بسـیار اساسـی و تعیین کننده در جـذب و یـا عـدم جـذب دانـش آمـوزان بـه مسـجد و نمازخانـه بـازی مـی کنند. کـه در ایـن زمینـه می تـوان به نتایـج تحقیقات میدانی سـواری و همـکاران (۱۳۸۰) اشـاره کـرد کـه نقش دبیـران و عوامـل اجرایی مـدارس را بسـیار پر رنگ مـی بیند.

۳. عوامـل فـردی و روان شـناختی: بـر اسـاس یافتـه هـای تحقیقـات میدانی و مطالعـات صـورت گرفتـه در ایـن زمینـه مشـخص گردیـده اسـت کـه نقـش عوامـل فـردی و روان شـناختی فـرد تأثیـر بـه سـزایی در گرایـش و یـا عـدم گرایـش افـراد بـه مسـائل دینـی و عقیدتـی دارنـد. عواملـی از جملـه: امیـدواری به زندگی، داشـتن اعتمـاد بـه نفـس، ورزش جسـمی و روانـی، دوری از گناهـان.

۴. محتـوای کتـب آموزشـی: متأسـفانه در ایـن زمینه تحقیقـات زیادی به چشـم نمـی خـورد امـا آن چـه که مسـلم اسـت، این اسـت که محتـوای کتب درسـی چه به

صـورت متـن و چـه به صورت تصویـر مخصوصـا در دوران ابتدایی نقش بسـیار مهمی در ایـن زمینه خواهد داشـت. داشـتن تصاویـری زیبا و جذاب از مسـاجد در این مورد آموزنـده اسـت اما متأسـفانه در کتب درسـی مـا کمتر از ایـن تصاویر دیده می شـود.

۵. امکانـات فیزیکـی نمازخانـه های مـدارس: اگر مدارس مـا بـه نمازخانه های زیبـا و جـذاب مجهـز باشـند قطعـاً و یقینـاً دانـش آموزان بیشـتر به مسـاجد محلات روی خواهنـد آورد و تحقیقـات پژوهشـی میدانـی هم ایـن مدعا را اثبات کرده اسـت. مـی تـوان بـه تمیـزی و بـوی خوش محیـط داخلی، وسـایل سرمایشـی و گرمایشـی، فضـای روحانـی، محـل مناسـب و بهداشـت سـرویس هـای بهداشـتی و غیـره اشـاره کرد.

۶. همسـالان و دوسـتان: بنـا به گفتـه ژان پیـاژه[1] روان شـناس معروف سوئیسـی کـودکان بیـش تـر از همسـالان خود یـاد می گیرنـد تا از دیگـران گرچـه دیگران هم در ایـن زمینـه نقـش دارنـد. در تحقیقـات مختلفـی به واضح نشـان داده شـده اسـت کـه نقـش همسـالان و دوسـتان در گرایـش و عـدم گرایش افـراد مخصوصـا کودکان و نوجوانـان در مسـایل دینـی بسـیار تعییـن کننده می باشـد. بـه گفته بنـدورا[2] روان شناسـی معـروف اجتماعـی، افـراد بسـیاری از کارهـا و فعالیت ها و اعمـال را از طریق الگـو بـرداری و یـا مشـاهدات مسـتقیم انجـام مـی دهنـد بنابراین نقش همسـالان به عنـوان الگـو در ایـن زمینه بسـیار حائز اهمیت اسـت.

[1] .Jean Piaget.
[2] .Albert Bandura.

» د) راهکارهای حضور امام جماعت مسجد در مدرسه و یا حضور دانش آموزان در مسجد همجوار

خداونـد در قـرآن کریـم می فرماینـد:«و من اظلم ممن منع مسـاجد الله ان یذکر فیها اسـمه و سـعی فـی خرابهـا اولئک ما کان لهـم ان یدخلوهـا الا خائفین لهم فـی الدنیا خـزی و لهـم فـی الاخره عذاب عظیم»[1] کیسـت سـتم کارتر از منع کننـده از یاد خدا در مسـاجد الهـی و تلاش‌گـر ویرانـی آن هـا. آنـان حق ندارند جز ترسـان و لـرزان در آنهـا درآینـد؛ در ایـن دنیا ایشـان را خـواری و در آخـرت عذابی بزرگ اسـت. خداوند متعـال بـا ایـن آیه شـریفه قداسـت و عظمت مسـجد را بـه خوبی بـرای مؤمنان روش فرمـوده اسـت. بـا نگاهـی بـه نقـش مسـاجد از صدر اسـلام تاکنـون خواهیـم دید که مسـجد در تمامـی فعالیـت هـای سیاسـی، اجتماعـی، فرهنگـی، اقتصـادی و مذهبی نقـش کلیـدی داشـته و دارد. مسـاجد بـا قـدرت معنـوی خود همواره توانسـته اسـت نیروهـای متدیـن، فعـال و عالـم را پـرورش دهد تـا در مواقع خاص و ضـروری از دین و اسـلام عزیـز در برابـر هجمـه هـا دفـاع نماینـد. حضـور در مسـجد، مزیـن توجه به خـدا اسـت؛ گرچـه عبـادت در هـر زمانی و در هـر مکانی مـی تواند نیاز روحی انسـان را بـه طـور نسـبی فراهـم کند، ولـی در بعضی مـکان ها این نیاز بسـیار بهتـر و زیباتر تأمیـن مـی شـود و آنجـا، جایی نیسـت جـز مسـجد. (علی‌محمـدی، ۱۳۹۱، ص۳۶) بـا ایـن اوصـاف و بـا تأکید بر نقـش محوری مسـاجد در هدایـت کـودکان و نوجوانان و احسـاس خطـر دشـمنان اسـلام از ایـن ظرفیـت بسـیار عظیم، لازم اسـت تـا پیوند عمیقـی بیـن مـدارس، خانـواده و مسـاجد برقـرار گـردد و بـر همین اسـاس ضرورت برنامـه ریـزی مناسـب از سـوی مسـئولان امـری بسـیار جـدی می باشـد. بـر همین اسـاس چندیـن راهکار پیشـنهاد مـی گردد.

- حضـور دانـش آموزان در مسـجد همجوار هفته ای حداقل یـک بار و بالعکس حضـور امـام جماعت مسـجد همجـوار حداقـل هفته ای یـک بار در مدرسـه برای اقامه نمـاز جماعت؛
- برگـزاری جلسـات انجمـن اولیـا و مربیـان بـا حضـور کلیـه دانش آمـوزان و

[1] . سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۱۴.

اولیـای آنـان در مسـجد همجـوار؛

- حضـور و دعـوت از امـام جماعـت مسـجد همجـوار در مدرسـه بـه مناسـبت هـای مختلـف مذهبـی و ملـی و سـخنرانی در جمـع آن هـا؛
- دعوت از امام جماعت مسـجد همجوار در جلسـات شـورای معلمان و دبیران و شـورای مدرسـه با محوریت نماز و مسـجد؛
- حضـور معلمـان و عوامل اجرایی مدرسـه مخصوصاً مربیـان تربیتی و معاونان و مدیـران در مسـجد و حضـور تـک تـک آنـان در نماز جماعت مدرسـه مـی تواند سـودمند باشـد؛ چـرا کـه اکثـر تحقیقـات میدانـی صـورت گرفتـه به ایـن حضور مثبـت صحه گذاشـته‌اند؛
- تجلیـل و تشـویق دانـش آمـوزان برتـر و ممتاز درسـی و اخلاقی در مسـاجد بـا حضـور والدیـن و امام جماعت مسـجد؛
- ارتبـاط صمیمـی امام جماعت مسـجد و کـودکان؛ چرا که امامـان جماعت از مقبولیـت فراوانـی نـز د افـراد و به تبـع آن نزد کـودکان و نوجوانـان برخوردارند و ایـن امـر مهـم باعث جـذب آنان به مسـجد خواهد شـد؛
- ایجـاد تشـکل هـای مختلـف مذهبـی و علمـی و تشـکیل جلسـات آنـان در مسـاجد مخصوصـاً زمانـی کـه مـدارس تعطیـل اسـت و امـکان برگـزاری آن در مـدارس وجـود نـدارد. و ترغیـب و تشـویق آنـان بـه دعـوت از امامـان جماعت در جمـع دوسـتانه و علمـی آنـان؛
- دادن مسـئولیت هـای خـرد و کوچـک مسـاجد از جملـه جمـع آوری کمک هـای مردمـی به کودکان و نوجوانان و تشـویق آنـان در جمع نمازگـزاران؛ چرا که بـا ایـن کار فـرد خـود را متعلـق به مسـجد مـی داند و مسـجد را متعلق بـه خود؛
- بـر اسـاس یافتـه های تحقیـق و مطالعات صـورت گرفته یکـی از عوامل مهم اثربخشـی مسـاجد ایجـاد کتابخانـه و سـالن مطالعـه مـی باشـد کـه ایـن امـر در جـذب دانـش آمـوزان به مسـجد نقشـی مهمـی مـی تواند ایفـا کند؛
- امکانـات فیزیکـی مسـاجد، نقـش فـوق العاده مهمـی در زمینه جـذب دانش آمـوزان بـه مسـجد ایفا می کننـد، همان گونه کـه تحقیقات زیـادی در این زمینه

بـر ایـن مدعـا صحه گذاشـته انـد که در متن بـه تعـدادی از آن ها اشـاره گردید؛

- بـر اسـاس نظریـات معتبـر روان شناسـی مـدارس مـی تواننـد با اسـتفاده از آن هـا حضـور دانـش آمـوزان را در مسـاجد تقویت نماینـد. تعییـن ارزش جایزه و هدیـه براسـاس تعـداد دفعات حضـور دانش آمـوزان در مسـجد یکـی از آن موارد مـی باشـد کـه در نظریـات رفتارگرایـان روی آن تأکیـد فراوانی می شـود؛
- بـر اسـاس مطالعـات صـورت گرفته که در بـالا به آن هـا اشـاره گردید نقش متولیـان امـور مسـاجد در جذب و عدم جـذب افراد مخصوصاً کـودکان و نوجوانان بسـیار حائـز اهمیـت اسـت. آن هـا باید دارای اخلاق حسـنه باشـند تـا خاطره ای زیبـا در ذهـن مراجعین ثبت و ضبـط نمایند؛
- تشـکیل جلسـات مختلـف توسـط هیئـت امنای مسـاجد و دعوت رسـمی از کـودکان و نوجوانـان بـرای شـرکت در ایـن گونـه مجالس و تکریـم آنان.

مسـجد و مدرسـه مـی تواننـد در عیـن مجـزا بـودن، نهادهـای مکمـل یکدیگـر هـم باشـند، بـه گونـه ای کـه اگـر مدرسـه محـل تجلـی ارزش های اسـلامی و ملی باشـد مسـجد رونـق پیـدا مـی کند و اگر مسـاجد در جـذب و گرایـش دانش آمـوزان موفق عمـل نمایـد بـه سـلامت محیـط مدرسـه، پـر رونقی خـود مسـجد، سـلامت خانواده و جامعـه منتهـی خواهـد شـد. بنابرایـن لازم اسـت تا مـدارس و مسـاجد برنامه های مناسـبی را طراحـی و اجـرا کنند.

» نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر همان گونه که پیشتر بیان گردید با هدف بررسی عوامل ارتباطی بین مسجد و مدرسه و با تأکید ویژه بر نقش محوری مسجد تدوین و تبیین یافته است. طبق تحقیقات و مطالعات صورت گرفته و از لابه لای آنها عوامل کلیدی اثربخشی مسجد شناسایی و در چهار بعد بسیار کلی با عناوین شرایط و امکانات فیزیکی مسجد، مسئولان و متولیان امور مسجد مخصوصاً امام جماعت، برگزاری مراسمات دینی و مذهبی و برگزاری مراسمات فوق برنامه که هر یک از آنها دارای شاخصه های مخصوص به خود می باشند دسته بندی گردیدند. در بین ابعاد چهارگانه نقش امام جماعت در اکثر تحقیقات بسیار پر رنگ بوده است. بنابراین هر چه مساجد دارای اثربخشی بیش تری باشند به همان اندازه دارای کارآیی درونی و بیرونی خواهند بود. داشتن سعه صدر و خلق و خوی مثبت متولیان امور مساجد و امکانان فیزیکی مساجد در اثربخشی و هم چنین گرایش افراد مخصوصاً دانش آموزان به مسجد بسیار تأثیرگذار خواهد بود که در این زمینه می توان به نتایج تحقیقات میدانی ذوالفقاری و خلجی(۱۳۹۰)، زنجیرچی و دیگران(۱۳۹۱)، مرادی و موسی پور(۱۳۹۲) و نصر و دیگران(۱۳۸۷) نیز اشاره کرد.

بخش دیگر تحقیق به آسیب شناسی موجود در مدارس می پردازد که پس از بررسی مطالعات صورت گرفته و از لابه لای تحقیقات پیشین و منابع دیگر تعدادی آسیب بیرون آورده شد که عبارتند از: عدم وجود روحانی بودن امام جماعت مدارس؛ یعنی مدارسی که از وجود روحانی به عنوان امام جماعت سود می برند بسیار موفق تر از مدارسی هستند که این امکان را در مدارس فراهم نکرده اند. دبیران و عوامل اجرایی مدارس، محتوای کتب آموزشی، دوستان و همسالان، امکانات فیزیکی و ظاهری و عوامل فردی و روان شناختی می توانند به عنوان آسیب های موجود در مدارس نام برد که تحقیقات محققان از جمله سواری و دیگران(۱۳۸۰)، زنجیرچی و دیگران(۱۳۹۱)، جوادی و سادیی(۱۳۷۶) و عباسی و دیگران(۱۳۹۱) بر آن صحه گذاشته اند.

بخـش پایانـی تحقیق بـه راهکارهای حضور امام جماعت مسـجد در مدرسـه و حضور دانـش آمـوزان در مسـجد همجـوار پرداختـه اسـت که در ایـن زمینه چندیـن راهکار عملـی و کاربـردی ارائـه گردیـده اسـت. و عملیاتـی نمـودن هریـک از آن هـا به طور قطـع و یقیـن مـی توانـد در اثربخشـی مسـجد و همچنیـن در کاهـش آسـیب ها در مـدارس کمـک شـایانی نمایـد. همـان گونـه اشـاره گردیـد مسـاجد و مـدارس مـی تواننـد و بایـد بـه عنـوان دو نهاد قدرتمنـد و مکمل هم عمـل نماینـد و در این زمینه لازم و ضـروری اسـت کـه برنامـه هایی مناسـبی را طراحـی و اجرایـی نمایند.

» منابع:

» قرآن کریم.

» آقامحمدی، جواد و دیگران، بررسی نقش والدین در هدایت فرزندان به نماز جماعت و مسجد، نشریه مهندسی فرهنگی، سال چهارم، شماره۳۹ و۴۰، ۱۳۸۹، صص۷۸-۸۷.

» الویری، محسن، مسجد؛ ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه صادق، شماره ۳۱، ۱۳۸۶، صص ۹۳-۱۰۹.

» انصاری، طاهره، راهبردهای اساسی و روش های کارآمد در برنامه های آموزش و پرورش برای نیل به تربیت دینی مناسب دانش آموزان، مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، جلد دوم، تهران، انتشارات محراب قلم، ۱۳۸۲. صص۴۶۵-۴۸۳.

» بشلیده، کیومرث و دیگران، بررسی عوامل مؤثر درون مدرسه ای جذب دانش آموزان مقطع متوسطه استان خوزستان به نماز، سال دهم، شماره۳و۴، ۱۳۸۲، صص ۶۳-۹۰.

» جانی پور، محمد، راهکارهای تقویت و رشد فضایل اخلاقی و معنوی در جامعه با تأکید بر نقش مساجد، نشریه مهندسی فرهنگی، سال ششم، شماره ۵۹ و۶۰، ۱۳۹۰، صص ۲۰-۳۰.

» جوادی، محمدجعفر و سادیی، علی، بررسی عوامل مدرسه ای تأثیرگذار بر رغبت دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی و پسران مقطع متوسطه به نماز، چکیده تازه های تحقیق در دانشگاه ها و مراکز علمی تحقیقی ایران، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۶.

» چراغ چشم، عباس، آسیب شناسی تربیت دینی در مدارس، فصلنامه کتاب نقد، سال پانزدهم، شماره ۶۸، ۱۳۹۲، صص ۱۵۵-۱۶۸.

» خامنه ای، سیدعلی، از ژرفای نماز، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

» ذوالفقاری، علیرضا و خلجی، حسن رضا، بررسی عوامل مؤثر بر میزان حضور دانشجویان در نماز جماعت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تویسرکان، دو فصلنامه علمی- پژوهشی دین و ارتباطات، سال هفدهم، شماره۱، پیاپی۲۹، ۱۳۹۰، صص۶۲-۷۷.

» ریاحی، محمد حسین، جایگاه و پایگاه مسجد، فصلنامه معارف اسلامی، سال بیست و نهم، شماره۸۱، ۱۳۸۹، صص ۱۲-۲۲.

» زنجیرچی، سید محمود و دیگران، شناسایی و عارضه یابی ابعاد کارکردی نمازخانه های دانشگاهی با رویکرد فازی، مجله مدیریت در دانشگاه اسلامی، سال اول، شماره۱، ۱۳۹۱، صص ۱۴۴-۱۷۰.

» سلیمانی، فرشته و اسماعیلی، غلامرضا، نقش مساجد در افزایش آگاهی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خانوده‌ها، نشریه پیوند، شماره۳۸۳، ۱۳۹۰، صص ۴۳-۴۸.

» سواری، کریم و دیگران، بررسی دیدگاههای فلسفی-عقیدتی دانش آموزان پسر پایه سوم مقطع متوسطه شهر اهواز در مورد نماز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، سال هشتم، شماره ۱و۲، ۱۳۸۰، صص ۱۰-۱.

» ضرابی، عبدالرضا، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، مجله مسجد، سال یازدهم، شماره۶۳، ۱۳۸۱، صص ۴۶-۵۷.

» عباسی، رسول و دیگران، تدوین الگوی مدیریت اثربخش مسجد، دوفصلنامه علمی-تخصصی، سال اول، شماره۱، ۱۳۹۱، صص۳۷-۵۹.

» علوی، سیدحمید رضا، عوامل مرتبط با اقامه نماز در دانش آموزان دبیرستان ها و دانشجویان دانشگاه‌های شهر کرمان، دوفصلنامه تربیت اسلامی، شماره۳، ۱۳۸۵، صص ۱۴۱-۱۷۴.

» علی محمدی، مجید، نقش های چندگانه مساجد در تربیت جامعه اسلامی از دیدگاه امام، نشریه پیوند، شماره۳۹۷، ۱۳۹۱، صص ۳۶-۳۹.

» فتحی، امین و نوری زاده، عزت، بررسی جایگاه نماز و نیایش در مهندسی فرهنگی، نشریه

مهندسی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۴۹و۵۰، ۱۳۸۹، صص ۱۹-۳۵.
» فجری، محمد مهدی، آشنایی با کارکردهای مسجد، مبلغان، شماره ۱۲۰، ۱۳۸۸، صص ۶۸-۷۹.
» کرم الهی، نعمت الله و کاشانی زاده، امیرمسلم، تبیین الگوی مفهومی آسیب شناسی و ضعیت مسجد در ایران، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره۳، ۱۳۹۱، صص ۳۱-۴۸.
» گلستانی شیشوان، محمدعلی، نقش مساجد در سلامت فرد و جامعه، نشریه پیوند، شماره۴۰۷، ۱۳۹۲، صص ۳۰-۳۵.
» محمدی، علی، مسجد و تعلیم و تربیت، فصلنامه شیعه شناسی، سال هشتم، شماره۲۹، ۱۳۸۹، صص ۵۰-۵۵.
» مرادی، خدیجه و موسی پور، نعمت الله، راه های توسعه و ترویج فرهنگ اقامه نماز در بین دانش آموزان دختر دبیرستان های شهر تهران، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال دوازدهم، ۱۳۹۲، صص۲۶-۴۳.
» منشی زاده نایینی، مسعود، مدیریت مسجد دانشگاه، کارکردها، چالش ها و راه‌کارها، هفدهمین اجلاس سراسری نماز، جلد اول، ۱۳۸۷.
» نصر، احمدرضا و دیگران، بررسی فراتحلیلی عوامل مؤثر بر جذب و شرکت دانش آموزان در نماز جماعت مدارس، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال هفتم، شماره۲۶، ۱۳۸۷، صص ۶۳-۸۶.
» نگارش، حمید و دامن پاک مقدم، ناهید، آسیب شناسی تربیت اسلامی در مدارس راهنمایی استان قم و راه‌کارهای مدیریتی درمان آن، مجله مدیریت فرهنگی، سال سوم، شماره۵، ۱۳۸۸، صص۳۷-۵۹.
» هوشیاری، محمد مهدی و دیگران، گونه شناسی مسجد-مدرسه در معماری اسلامی ایران، دو فصلنامه معماری ایران، شماره۳، ۱۳۹۲، صص ۳۷-۵۴.

ورزشِ نوجوانان و جوانان در مساجد بایدها و نبایدها

محمود رضا قاسمی[1]

چکیده:

از روزی کـه خداونـد بشـر را خلـق فرمـود، نیـاز بـه تربیـت جسـمِ قـوی در او وجـود داشـته اسـت. چـه از جنبـه دفـاع شـخصی و یا کسـب معـاش و چـه از جهـت مقابله و رویارویـی بـا طبیعـت. نیـاز بشـر بـه ورزش و تربیـت بدنـی در طـول تاریـخ همواره وجـود داشـته و هیچـگاه انسـان خـود را از داشـتن بدنـی سـالم و قوی بی‌نیـاز ندیده اسـت. از همیـن رو اسـلام نیز بـه ورزش و انواع مفیـد و کاربردی آن توجّـه ویژه دارد، امـا نـگاه ورزشـی اسـلام بـه جنبه جسـم خلاصـه نمی‌شـود و به ابعـاد روحی انسـان نیـز می‌پـردازد. مسـجد نیـز کـه در اسـلام در جایـگاه نخسـت پـرورش روح انسـانی قـرار دارد، در صـدر اسـلام دارای کارکردهـای بسـیاری بـوده اسـت کـه امـروزه آن کارکردهـا رنـگ باخته اسـت؛ امـا چنانچه نخبـگان ما به دنبـال ایجاد تمدّن اسـلامی

[1] . سطح ۴ حوزه علمیه قم و کارشناس علوم تربیتی
Email:reza62@gmail.com

نویـن باشـند، می‌بایـد پیونـد بیـن اقشـار مختلـف جامعـه بـه خصـوص جوانـان را با مسـجد پایه‌ریـزی کننـد؛ زیرا کـه مسـاجد مهم‌ترین پایـگاه فرهنگی در مقابل سـیل تهاجمـات فرهنگـی انحرافـی اسـت، از این رو ورزش کـه جذّابیت خاصـی برای جوان و نوجـوان دارد، می‌توانـد بـا رعایـت چارچوب‌هایـی در کنـار مسـجد بـه جـذب آنان پرداختـه و از طفیلی حضورشـان در مسـجد ضمن ورزیدن جسـم به پـرورش روح نیز بپردازند، تا مسـیر سـاختن انسـان‌های مؤمن و متعهّد با ذهن و جسـمی سـالم برای ایجـاد یـک تمدن نوین اسـلامی فراهم شـود. در ایـن مختصر به اهمیّـت تربیت بدنی بـرای نوجـوان و جـوان و اهمیّت مسـجد بـا توجّه به آیـات و روایات پرداخته، سـپس بـه بـرکات برگـزاری ورزش‌هـا در محیط‌های پیرامون مسـاجد می‌پردازیـم و در ادامه بـا توجّـه بـه نظـرات حضـرت امـام‌ﷺ و مقام معظـم رهبـری بـه بایدهـا و نبایدهای ورزش جوانـان و نوجوانـان در مسـاجد می‌پردازیـم.

کلید واژه‌ها:

مسجد، ورزش، جوان و نوجوان، بایدها، نبایدها.

» الف) اهمیّت تربیت بدنی از منظر وحی

امروزه تربیت بدنی یکی از اموری است که به عناوین مختلف در جهان مطرح شده و گروه زیادی به اشکال گوناگون با آن سر و کار دارند. اسلام برای سلامت انسان و نقش ورزش در ارتقاء سلامت، جایگاه ویژه‌ای قائل بوده و در قرآن کریم هم آیاتی وجود دارد که بر اهمیّت ورزش و نیرومند سازی جسم در کنار تقویت روح و بعد علمی دلالت دارد. قرآن می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» هر آنچه در توان دارید از نیرو و سوار برای نبرد با آنها «کفّار» آماده کنید. (انفال/۶۰) ورزش از جمله مسائلی است که در تمامی ادیان، جایگاه ویژه‌ای دارد و پیامبر اعظم ﷺ هم درباره حقّ بدن بر انسان می‌فرمایند: پروردگارت بر تو حقّی دارد و بدنت بر تو حقی و خانواده‌ات نیز بر تو حقی دارد. (عطاردی،۱۳۷۸) پیامبر گرامی اسلام ﷺ در جای دیگر می‌فرمایند:«به فرزندان خود تیراندازی و شنا بیاموزید.» (نهج الفصاحه، حدیث۵۶۷) این حدیث بیانگر اهمیّتی است که دین و رهبران دینی ما برای ورزش و سلامتی جسمی و روانی مسلمانان قائل هستند و بیانگر نکات بسیاری است، از جمله:

۱. خطاب به کلیّه مردم اعمّ از مسلمان و غیر مسلمان بیان شده است.

۲. همه افراد، اعمّ از دختر و پسر را در بر می‌گیرد نه تنها پسران.

۳. ورزش باید جذّاب، مفرح و شاد باشد.

۴. امکان رقابت بین افراد وجود داشته باشد.

۵. در مواقع لزوم از آنها برای دفاع کردن از خود استفاده کنند.

۶. ورزش باید هدفمند باشد و نه پوچ و بیهوده.

نقش تربیت بدنی در ارتقاء سلامت نوجوان و جوان بر هیچ کس پوشیده نبوده و ورزش کمک شایانی به ایجاد و تقویت سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی می‌کند و افرادی که با روش صحیح ورزش کرده و یا دارای کارهای پرتحرک می‌باشند سالم‌تر بوده و عمرشان از افرادی که کارهای بدون تحرک دارند بیشتر است. اسلام نیز همواره انسان را به ورزش در زمینه‌های مختلف ترغیب نموده و به موازات تقویت جنبه‌های علمی و ایمانی به تقویت جسمانی هم توجّه کرده

است. به صورتی که در قرآن بارها کلمه «اشد» به معنای نیرومند شدن و « استوی» به معنای کمال خلقت و اعتدال بیان گردیده که گویا یک نحوه ارتباط بین سلامتی و نیرومندی جسمانی و یاد گرفتن حکمت و دانش وجود داشته و بیان نشده که هیچ‌یک از پیامبران و امامان ضعف بدنی داشته باشند؛ در قرآن کریم آیاتی به این مطلب تصریح دارد: «هنگامی که موسی نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم.»(قصص/۱۴)

به عبارت دیگر تربیت بدنی از منظر اسلام می‌تواند به تعمیق باورهای مذهبی بیانجامد، حضرت علی﵇ بارزترین نمونه یک ورزشکار در اسلام است که قدرت بدنی ایشان بی‌نظیر بوده است و ایشان جهت حفظ آمادگی جسمانی خود همواره به شمشیر زنی و اسب‌سواری می‌پرداختند. اسلام به فراگیری اسب‌سواری،شمشیرزنی، پرتاب‌نیزه، تیراندازی، شنا، و ورزش‌های رزمی توصیه نموده و حتّی برگزاری مسابقات آنها که نظر به یادگیری حرفه‌ای آنها بوده را مورد تأکید قرار می‌دهد و در آیات و روایات و در رفتار و گفتار پیامبر و ائمّه معصومین به کرّات به آنها پرداخته شده است؛ لذا باید با تمسّک به آنها و در جهت ارتقاء سطح سلامت جامعه نسبت به آن توصیه به ورزش همگانی انجام گیرد.

تربیت دینی و بدنی نسبت به یکدیگر می‌توانند نقش متقابل داشته باشند. تربیت بدنی نقش مستقیم در تربیت دینی دارد، و به صورت شرط لازم برای تربیت دینی ایفای نقش می‌کند و شرط کافی آن ملازم بودنش با ایمان الهی است و تربیت بدنی در اینجا نقش پشتیبانی دارد. حتّی تکالیفی که جنبه معنوی محض دارد، مانند روزه، نماز و حج در گرو سلامتی بدن است و ورزش نقش مؤثر و تعیین کننده در تأمین سلامتی دارد؛ از این رو دارای مطلوبیت و ارزش خواهد بود. از سوی دیگر بسیاری از تکالیف اجتماعی مانند جهاد و دفاع و حمایت از محرومان و مستضعفان در شکل‌های گوناگون، احتیاج به نیروی بدنی دارد و کسانی که نیرومند باشند بهتر می‌توانند از عهده این گونه تکالیف برآیند و از این جهت تقرّب بیشتری به خدای متعال پیدا می‌کنند. بنابراین ورزش از آن

جهـت کـه موجـب نیرومنـدی بـدن می‌شـود و زمینـه را بـرای انجـام بهتـر تکالیـف فراهـم می‌کنـد، مطلـوب و ارزشـمند اسـت و از اینجـا راز تأکیـد اسـلام بـر برخـی از ورزش‌هـا مشـخص می‌شـود.

» ب) مسجد از منظر اسلام

۱. اهمیّت بنای مساجد

«إِنَّما يَعْمُرُ مَساجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقامَ الصَّلاةَ وَ آتَى الزَّكاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلاَّ اللَّهَ فَعَسى أُولئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» مسجدهای خدا را کسانی عمارت می‌کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند و نماز می‌گزارند و زکات می‌دهند و جز از خدا نمی‌ترسند. امید است که اینان از هدایت‌یافتگان باشند. (توبه/۱۸) مسجد، پایگاه مهم عبادی و اجتماعی مسلمانان است. بنابراین، هم متولّیان آن باید صالح و پاک باشند و هم برنامه‌هایش سازنده و تربیت‌کننده، هم بودجه‌اش مشروع و حلال باشد و هم مسجدیان اهل تقوا و با خدا، وگرنه اگر سازندگان مساجد، جبّاران و سلاطین باشند و پیش‌نمازان، افراد بی‌سواد و ترسو، طبعاً مساجد از هدف اصلی خود که آبادی معنوی است، دور خواهند ماند. یکی از جنبه‌های آبادانی، رونق دادن به حضور جوانان در مسجد است، یکی از راه‌های جذب جوانان و نوجوانان توسعه کارکردهای مسجد بوده به این گونه که جوان حس نماید نیازهای مختلف روحی و جسمی خود را در کانون صفای الهی مسجد می‌یابد و از این منظر برگزاری کلاس‌های ورزشی در محیط پیرامونی مسجد می‌تواند این زمینه را فراهم نماید.

۲. اهمیّت و نقش مسجد از منظر قرآن و روایات

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «يَجِيءُ يَومَ القِيامَهِ ثَلاثَهٌ يَشكُونَ: اَلمُصحَفُ وَالمَسجِدُ وَ العِترَهُ» روز قیامت سه چیز برای شکایت از مردم به صحنه می‌آید: قرآن، مسجد و اهل‌بیت علیهم‌السلام (مجلسی، ج۷، ۲۲۲) یکی از شاکیان در قیامت، مسجد است. (مجلسی، ج۷، ۲۲۲)

در حدیث می‌خوانیم که رسول خدا ﷺ فرمود: روز قیامت مسجد به درگاه خداوند از مسلمانان شکایت می‌کند و می‌گوید: «يا رَبِ عَطِّلُونِي و ضَيَّعُونِي» (وسائل الشیعه، ج۳، ۴۸۴) خدایا! مرا تعطیل و حقّم را ضایع کردند.

خدا می‌فرماید: «وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِيَعٌ وَ

صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ يُذْكَرُ فيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثيراً» (حج/۴۰) و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد. خرابی مسجد یعنی: محو اتّحاد و تشکّل، قطع رابطه با امام عادل، فراموشی فقرا، عدم آگاهی از اوضاع و غفلت از خدا و لذا اگر دشمن بتواند، اوّل این مراکز را نابود می‌کند. «لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِيَعٌ...» این آیه شریفه در باب اهمیّت مسجد مباحثی را مطرح می‌کند.

۲-۱. مؤمنان، وسیله تحقّق اراده الهی هستند. «دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» (دفاع از خداوند است ولی به‌دست مؤمنین)

۲-۲. آنچه مهم است، دفاع از حریم مساجد است، خواه با جنگ باشد و خواه با قلم و بیان و یا برنامه‌های دیگر. «دَفْعُ اللَّهِ»...

۲-۳. مهم‌ترین برنامه دشمن، نابودی مراکز دینی بیدار کننده است. «لَهُدِّمَتْ» (معابد، نشانه حضور دین در جامعه است.)

یاد خدا هدف اصلی و روح اعمال در مراکز دینی است. «يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ» مساجدی مورد ستایش قرآن است که در آنها از خداوند بسیار یاد شود و به حداقل اکتفاء نشود. «كَثِيراً» (در هر مکانی که بیشتر یاد او شود، مقدّس‌تر است.) امداد و نصرت الهی، بعد از حرکت و تلاش ماست. «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸ ۵۰)

۳. کارکردهای معنوی مسجد در کلام معصوم

۳-۱. همنشینی با ملائکه

پیامبر اکرم ﷺ: «إِنَّ لِلْمَسَاجِدِ أَوْتَاداً الْمَلَائِكَةُ جُلَسَاؤُهُمْ إِذَا غَابُوا افْتَقَدُوهُمْ وَ إِنْ مَرِضُوا عَادُوهُمْ وَ إِنْ كَانُوا فِي حَاجَةٍ أَعَانُوهُمْ» در مساجد انسان‌های ثابت قدمی همچون میخ وجود دارند که ملائکه با آنان مأنوس و همنشین هستند. هنگامی که از مسجد غیب می‌شوند در پی آنها هستند و هنگامی که بیمار می‌شوند به عیادت آنها می‌روند و هر وقت در کارها احتیاج به کمک داشته باشند به کمک آنها می‌شتابند. (مجلسی، ج ۸۰، ۳۷۳)

۳-۲. بازار بهشتی

رسـول اکـرم ﷺ می‌فرمایـد: «الْمَسَـاجِدُ سُـوقٌ مِـنْ أَسْـوَاقِ الْآخِـرَهِ قِرَاهَـا الْمَغْفِـرَهُ وَ تُحْفَتُهَـا الْجَنَّـهُ» مسـاجد، بـازاری از بازارهـای آخـرت اسـت، پذیرایـی آن مغفـرت و هدیـه آن بهشـت اسـت. (نوری، ج۳، ۳۶۱؛ شیخ‌طوسـی، ۱۳۹، ۱۴۱۴)

۳-۳. فواید معنوی و مادی در مسجد

۳-۳-۱. پیدا کردن برادر معنوی

علـی علیه‌السلام می‌فرمایـد: «مَـنِ اختَلَـفَ اِلَی المَسـجِدِ اَصـابَ اِحدَی الثَّمـانِ؛ اَخاً مُسـتَفاداً فِـی اللهِ» کسـی کـه به مسـجد رفت و آمـد می‌کند، یکـی از منافع هشـت‌گانه نصیب او می‌شـود: بـرادری مفیـد و بـا ارزش در راه خـدا؛ علـم جدیـد: «اَو عِلماً مُسـتَطرَفاً»؛ نشـانه محکـم: «اَو آیَـهً مُحکَمَـهً» یا دلیـل و برهان محکم؛ سـخن هدایت کننـده: «اَو یَسـمَعُ کَلِمَـهً تَـدُلُّ عَلـی هُـدیً» یا کلماتـی که موجب هدایت شـود؛ رحمت واسـعه: «اَو رَحمَـهً مُنتَظَـرَهً» یـا رحمـت مـورد انتظار؛ [شـامل حال او می‌شـود.] باز داشـتن از فسـاد: «اَو کَلِمَـهً تَـرُدُّهُ عَـن ردی» یـا مواعظـی کـه او را از فسـاد و گنـاه بـاز دارد؛ کسـب حیـا: «اَو یَتـرُکَ ذَنبـا خَشـیَهً اَو حَیاءً»؛ یا بـه خاطر ترس یا حیـا و آبروی خود گناهـی را ترک می‌کنـد. (عاملـی، ۱۴۰۹ق، ج۳، ۴۸۰)

۳-۳-۲. تسبیح زمین برای نمازگزار مسجد

امـام صـادق علیه‌السلام می‌فرماید:«مَـنْ مَشَـی إِلَی الْمَسْـجِدِ لَمْ یَضَـعْ رِجْلَیْهِ عَلَـی رَطْبٍ وَ لَا یَابِـسٍ إِلاّ یُسَـبِّحُ لَـهُ إِلَـی الأَرَضِیـنَ السَّـابِعَهِ» هرکس به طرف مسـجد بـرود، پایش را بـر هیـچ تـر و خشـکی نمی‌گـذارد، مگر اینکـه زمین تا طبقـات هفت‌گانـه‌اش برای او تسـبیح می‌گویند. (ابـن بابویه، ج۱، ۲۳۳؛ مجلسـی، ج۸۴، ۱۳)

۳-۳-۳. مسجد تبلور زیبایی‌ها

امـام حسـن مجتبـی علیه‌السلام می‌فرمایـد: «إِذَا قَـامَ إِلَی الصَّلَـوهِ لَبِسَ أَجْـوَدَ ثِیَابِـهِ فَقِیلَ لَهُ یَـا ابْـنَ رَسُـولِ اللَّهِ لِـمَ تَلْبَـسُ أَجْوَدَ ثِیَابِـکَ فَقَـالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَـی جَمِیلٌ یُحِـبُّ الْجَمَالَ

فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّی وَ هُوَ یَقُولُ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْوَدَ ثِیَابِی» خیثمه بن ابی خثیمه گفت: امام حسن(ع) هنگامی که به نماز برمی خاست، بهترین لباس‌هایش را می‌پوشید. به او گفتند: ای فرزند رسول خدا، چرا بهترین لباس‌هایت را می‌پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من نیز خود را برای پروردگارم می‌آرایم، خدای تعالی فرماید: زینت خود را به هنگام عبادت در مسجد برگیرید. بنابراین، دوست دارم که بهترین لباسم را بپوشم. (مستدرک الوسائل، ج۳، ۲۲۶)

۴-۳-۳. بنای مسجد بنای خانه بهشتی

از پیامبر(ص) چنین نقل شده که فرمود:«من بنی مسجدا و لو کمفحص قطاه بنی اللّه له بیتا فی الجنه» کسی که مسجدی بنا کند هر چند به اندازه لانه مرغی بوده باشد، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا خواهد ساخت. (تفسیر المنار، جلد ۱۰، ۲۱۳)

۵-۳-۳. موجب استغفار ملائکه

و در حدیث دیگری از پیامبر(ص) نقل شده: «من اسرج فی مسجد سراجا لم تزل الملائکه و حمله العرش یستغفرون له ما دام فی ذلک المسجد ضوئه» کسی که چراغی در مسجدی برافروزد فرشتگان و حاملان عرش الهی مادام که نور آن چراغ در مسجد می‌تابد برای او استغفار می‌کنند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۷، ۳۱۹) مخصوصاً باید توجّه داشت مسجد، مرکزی برای جوانان با ایمان گردد، نه اینکه تنها مرکز بازنشستگان و از کار افتادگان شود. مسجد باید کانونی برای فعّال‌ترین قشرهای اجتماع باشد، نه مرکز افراد بیکار! و این مطلب که ورود ورزش در محیط پیرامونی مسجد می‌تواند بر این امر تأثیر بگذارد که یک نوجوان یا جوان به واسطه حضور ورزشی از برکات مسجد بهره‌مند می‌شود مسلّم است.

۳-۴. برکات حضور ورزشی در محیط پیرامونی مسجد

همان‌طور که بیان شد انجام تربیت بدنی در کنار مسجد می‌تواند روح پاک نوجوان و جوان را متعالی کند و این خود فرصتی است که فواید بسیاری برای نوجوان و جوان ما دارد، زیرا که این حضور کمکی مطلوب در جهت کسب معنویات برای اوست که همواره مورد تأکید بزرگان دین اسلام بوده است، امام خمینی قدس‌سره در این باره می‌فرمایند: «عقل سالم در بدن سالم است. ورزش همان‌طور که بدن را تربیت می‌کند و سالم می‌کند، عقل را هم سالم می‌کند و اگر عقل سالم شد، تهذیب نفس هم دنبال او باید باشد. شما همان‌طور که ورزش می‌کنید و اعصاب خودتان را قوی می‌کنید و ان شاء الله برای مملکت و آتیه مملکت مفید واقع خواهید شد، لازم است که همه ابعاد وجودی خودتان را تحت تربیت ورزشی درآورید. (موسوی الخمینی۱۳۸۳، ج ۷)

۱-۴-۳. تربیت و تقویت جسم مقدمه تقویت روح و اراده

لازمه عبودیت ایمان است، و چه بسا افراد قوی که فاقد ایمان بوده‌اند؛ اما در نگاه دینی تربیت بدنی زمانی که با ایمان عجین شود و به دنبال آن صبر بیاید شکست ناپذیر است. خداوند متعال می‌فرماید: «ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا ماتین، و ان یکن منکم ماه یغلبوا الفا من الذین کفروا» اگر بیست نفر از شما مردان با ایمان صبور و پایدار باشید، بر دویست نفر از دشمنان غالب خواهید شد، و اگر صد نفر بوده، بر هزار نفر از کافران غلبه خواهید کرد. (انفال/۶۵) این آیه، موازنه قوا را در عدد نفی می‌کند و به روحیّه، ایمان و صبر تکیه می‌کند و برای اینکه گمان نشود پیروزی بیست نفر بر دویست نفر مبالغه است، تکرار می‌کند که صد نفر بر هزار نفر چیره می‌شوند، به شرط آنکه مؤمن و صبور باشند.

در جنگ‌های صدر اسلام، هرگز موازنه آماری بین مؤمنان و کفّار نبوده است. در جنگ بدر، ۳۱۳ نفر در برابر هزار نفر، در اُحُد، ۷۰۰ مسلمان در مقابل ۳۰۰۰ کافر، در جنگ خَندق، سه هزار نفر در برابر ده هزار نفر و در جنگ موته، ده هزار

مسلمان در مقابل صد هزار نفر از کفّار قرار داشتند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۳۵۹/۴) بی‌شک حضور یک نوجوان ورزشکار در مسجد جنبه ایمانی او را تقویت کرده و به تبع آن صبر نیز در وی متجلّی می‌شود همان که از آن به عنوان سِرّ عبادات یاد شده است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: در آغاز کار، یک مؤمن مأمور بود که با ده مشرک جهاد کند و حقّ فرار و پشت کردن را نداشت. (کلینی،۶۹/۵) در حدیث نبوی می‌خوانیم: «المؤ من القوی خیر و احب من المؤ من الضعیف» شخص با ایمان قوی و نیرومند، از شخص با ایمان ضعیف بهتر و دوست داشتنی تر است. (خرمشاهی ۱۳۷۶، ۶۴)

مقام معظم رهبری در دیدار با انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان درتاریخ ۱۳۸۶/۲/۱۹ در ضمن بیان فواید ورزش فرمودند: ورزش بدن را سالم،کسالت را از انسان دور، اراده انسان را قوی می‌کند، توان افراد را در انجام کارها افزایش می‌دهد، بعضی از اموری که در ذات انسان‌ها وجود دارد با ورزش محقق می‌شود. امام خمینی رحمه‌الله ورزش را به تنهایی برای انسان کافی نمی‌دانند و تقویت قوه جسمانی را در کنار تقویت روحانی دارای ارزش می‌داند، یعنی همان ورزشی که دارای هدف باشد نه ورزشی که بیهوده و پوچ باشد. من وقتی شما جوان‌ها را می‌بینم، ماشاءالله جوان‌های برومند و پهلوان خیلی خوشم می‌آید و افتخار می‌کنم به اینکه جوان‌ها علاوه بر برومندی بدنی توجّه به دیانت و اسلام دارند و همان‌طوری که ورزش کردند برای تقویت بدن ان‌شاءالله ورزش برای تقویت روح هم کرده‌اند و می‌کنند. وقتی این دو تا قوّه با هم شد، قوّه جسمانی و قوّه روحانی، این ارزش پیدا می‌کند. این دو قوّه وقتی مجتمع شد، یک انسان، به تمام معنا انسان می‌شود. (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۹) و این از برکات ورزش در کنار مسجد است که می‌تواند این دو بُعد انسانی را توأمان با هم تقویت کند.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: یکی از مهم‌ترین کارهای ورزش این است که دائم میدان‌های تازه و افق‌های تازه‌ای را باز می‌کند و قابلیت‌های جسم انسان و قدرت پروردگار را در به وجود آوردن این جسم، در خلق این شیء بدیع که نامش انسان است، نشان می‌دهد. این جسمِ با این همه دارای تحرک،

بـا یـک عامـل معنـوی همـراه اسـت و آن عامل، خرد و اراده انسـان اسـت، که انسـان می‌توانـد ایـن دو را بـه کار بگیـرد و جسـم را هدایـت کنـد و در جهت‌هـای گوناگـون آن را حرکـت بدهـد. آن اراده هـم خودش یک چیـز فوق‌العاده‌ای اسـت. (بیانات رهبر انقـلاب در دیدار فاتحـان قله اورسـت، ۸۴/۰۸/۳۰)

۲-۴-۳. تربیت جسم مقدمه عبودیت الهی

قـرآن کریـم در آیـات متعـدد، خداونـد را قوی نامیـده و همـه قـوا را از آن او می‌داند. هماننـد آیـات ذیـل: «اَنَّ القُـوَّةَ للّهِ جَمیعـاً» تمامـی نیروهـا از آن خداونـد اسـت. (البقـره/۱۶۵) «اَوَلَـم یَـرَوا اَنَّ اللهَ الَّـذی خَلَقَهُم هُوَ اَشَـدُّ مِنهُم قُوَّه» آیا آنها ندانسـتند، خـدا کـه آنهـا را خلـق فرمـوده بسـیار از آنـان نیرومندتـر اسـت؟!«لاقُوَّةَ اِلا بِـالله» (کهـف/۳۹) جـز قـدرت خـدا قـوّه‌ای نیسـت. «اِنَّ اللهَ هُـوَ الـرَّزّاقُ ذُوالقُـوَّهِ المَتیـن» همانـا روزی بخشـنده [خلـق] تنها خداسـت کـه صاحب نیرومندی و سـخت اسـتوار اسـت. (الذاریات/۵۸)

«عَلَّمَـهُ شَـدیدُ القُـوی ذُومِـره فَاسـتَوی» (خـدا) آن کسـی که قـدرت عظیمـی دارد، او [پیامبـر] را تعلیـم داده اسـت همـان کـس کـه توانایـی فـوق العـاده و سـلطه بـر همـه چیـز دارد. (النجـم/۵) امـا معنـای قـویّ ایـن چنین آمده اسـت: قـویّ، نیرومند و آن از اسـماء حُسـنی اسـت. هماننـد آیـات ذیـل:«اِنَّ اللهَ قَـوِیٌّ شَـدیدُ العِقـاب» همانـا خداونـد توانـا و سـخت کیفر اسـت. (الانفـال/۵۲) «اِنَّ رَبَّـکَ هُوَ القَـوِیُّ العزیزُ» همانـا پـروردگارت نیرومنـد و گرامـی اسـت. (هود/۶۶) اگـر قوی بـودن، صفت خوبی نمی‌بـود، هرگـز خداونـد، خـود را بـه آن متّصـف نمی‌فرمـود. صفـت قـوی در قـرآن دربـاره انسـان نیـز به‌کار رفته اسـت هماننـد «إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْـتَأْجَرْتَ الْقَـوِیُّ الأَمِینُ» بهتریـن کسـی کـه می‌توانـی اسـتخدام کنـی، کسـی اسـت کـه قـوی و امین باشـد. (قصـص/۲۶) امیرالمؤمنیـن علیه‌السلام می‌فرمایـد: «ان الله... یُحِـبُّ أَنْ یَـرَی أَثَـرَ نِعْمَتِهِ عَلَی عَبْـدِهِ» خداوند دوسـت دارد اثـر نعمتش را بر بنده‌اش بینـد. (عاملی ۱۴۰۹ق، ۳۵/۵) و قطعـاً سـلامتی و قدرتـی کـه مأنوس با فضای مسـجد باشـد، یکـی از بزرگترین نعم الهـی اسـت کـه از آن در جهـت عبودیـت الهی اسـتفاده می‌شـود. در دعـای روزهای

اول مـاه رمضـان نیـز می‌خوانیـم؛« اللهـم قونـی فیـه علـی اقامه امـرک» پـروردگارا! مـرا در ایـن روز بـرای انجـام فرمانت قـوت بخش. (مفاتیـح الجنان، دعـای روز چهارم مـاه مبـارک رمضـان) امیرالمؤمنیـن علیه‌السلام نیـز در ایـن بـاره می‌فرماید: «الهـی قو علی خدمتـک جوارحی.»

پـروردگارا! اعضـا و جـوارح مـرا در راه خدمـت بـه خـودت، قـوی و نیرومنـد گـردان. (مفاتیـح الجنـان؛ فـرازی از دعـای کمیـل) و رابطـه قـوت بـا طاعـت الله را این چنین بیـان می‌نماینـد: «و اذا قویـت فاقـو علـی طاعـه الله و اذا ضعفـت فاضعف عـن معصیه الله» هـر گاه توانـا باشـی، بـر طاعـت خـدا توانا بـاش، و اگر ناتـوان بـودی، از معصیت خـدا ناتـوان بـاش. (عاملـی ۱۴۰۹ق، ۱۵/ ۲۳۹) و چـه جایگاهـی بهتـر و مطلوب‌تـر بـرای توانـا کـردن نوجـوان و جوان ورزشـکار بـر طاعت الهـی می‌توان یافـت. حضرت امـام خمینـی قدس‌سره در ایـن زمینـه می‌فرماینـد: مهم‌تریـن اثـر و فایده ورزش که شـاید بـه آن کمتـر پرداختـه شـده اسـت، ایـن نکته می‌باشـد که ورزشـکاران زودتـر از غیر ورزشـکاران آمادگـی پذیـرش معنویـات و ایمـان را دارنـد. حتّـی اگـر ورزش فقـط همیـن یـک فایده را داشـته باشـد، برای گسـترش آن هر اندازه سـرمایه‌گذاری شـود ناچیـز اسـت. آنهـا که جنبه ورزشـکاری و مادی را دارنـد، آنها جوان‌هایی هسـتند که قـوای جسمی‌شـان بـه خاطـر همیـن ورزش نشـاط و آمادگی پیـدا می‌کنـد، آن‌وقت روح آنهـا معنویـات و ایمـان را زودتـر قبـول می‌کنـد. یک وقت اسـت که ورزشـکاری تعلیـم و تربیـت در خدمـت طاغوت اسـت کـه این جز خسـران برای یک کشـوری به بـار نمـی‌آورد، ولـی وقتـی این دو قـوّه و نیـروی بـزرگ در خدمت خداسـت، آن‌وقت ایمـان در آنهـا تقویـت شـده و بـرای پیشـبرد مقاصـد اسـلام نیـروی عظیمـی پیـدا می‌شـود کـه هیـچ نیرویـی نمی‌توانـد جلویش را بگیـرد. چنانچـه به عیـان دیدید که اجتماعـات بـا قـوای مـادی و معنـوی و نیـروی ایمـان پیـش رفتنـد تـا اینجـا، و این نهضـت عظیـم را بپـا کردنـد و آن قدرت‌هـای شـیطانی را شکسـتند. «عقل سـالم در بـدن سـالم اسـت. ورزش همان‌طـور که بـدن را تربیـت می‌کند و سـالم می‌کند، عقل را هـم سـالم می‌کنـد و اگـر عقل سـالم باشـد تهذیـب نفس هـم بدنبال او باید باشـد. شـما همان‌طـور کـه ورزش می‌کنیـد و اعصـاب خودتـان را قـوی می‌کنید و انشـاءالله

بـرای آتیـه مملکـت مفیـد خواهیـد شـد، لازم اسـت که همـه ابعـاد روحـی خودتان را تحـت تربیـت ورزشـی قـرار بدهیـد» (روزنامـه کیهان، بیانـات امـام خمینی‌ﷺ در جمـع اعضـای تیم ملـی وزنه بـرداری تهـران ۱۳۵۸/۲/۲۳)

همانطـور کـه در کلام امـام راحـل منعکـس اسـت، ورزشـکار آمادگی ذاتی بیشـتری بـرای درک فضایـل معنـوی دارد کـه اگـر از آن بـه هنـگام اسـتفاده شـود می‌توانـد تأثیـر زیبایـی بـر صفحه دل نوجـوان و جوان بگذارد، این شـرایط در فضـای پیرامونی مسـجد مسـاعد اسـت و قابل مقایسـه با سـایر مکان‌های ورزشـی مثل باشـگاه نیست.

۳-۴-۳. تربیت جسم و افزایش توکّل:

بیـان شـد کـه تربیت جسـم با تقویـت روح و اراده ارتبـاط مسـقیم دارد و این ارتباط در مسـجد بـه راحتی امکان تحقـق دارد، قرآن کریـم می‌فرماید:« فَـإِذا عَزَمْتَ فَتوکّل عَلَـی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یُحِـبُّ الْمُتوکّلیـَن إِنْ یَنْصُرْکُـمُ اللَّهُ فَـلا غالِبَ لَکُـمْ وَ إِنْ یَخْذُلْکُمْ فَمَنْ ذَا الَّـذی یَنْصُرُکُـمْ مِـنْ بَعْـدِهِ وَ عَلَی اللَّهِ فَلْیَتـوکّل الْمُؤْمِنُونَ» زمانی کـه عزم و اراده‌ات را جـزم کـردی بـر خـدا توکّل کن که خـدا آنان را که بـر او اعتماد کنند دوسـت دارد و یـاری می‌کنـد. اگـر خـدا شـما را یـاری کنـد، محال اسـت کسـی بر شـما غالب آید و اگـر بـه خـواری واگذارد، آن کیسـت کـه بتواند بعد از آن شـما را یـاری کند؟ و اهل ایمـان تنهـا به خـدا (و قدرت و رحمـت او) باید اعتماد کنند. (آل عمـران/۱۵۹و۱۶۰) علّامـه طباطبایـی در ذیـل ایـن آیـه می‌فرمایـد: و چـون خـدای تعالی تـو را به خاطر اینکـه بـه او تـوکّل کـرده‌ای دوسـت مـی‌دارد در نتیجـه ولی و یـاور تو خواهـد بود، و درمانـده‌ات نخواهـد گذاشـت و بـه همیـن جهـت که اثـر توکّل بـه خدا یـاری و عدم خـذلان اسـت، دنبـال این جمله فرمـود:« إِنْ یَنْصُرْکُـمُ اللَّهُ...» و مؤمنیـن را هم دعوت کـرد بـه تـوکّل و فرمـود: اگـر خدا شـما را یـاری کند کسـی نیسـت که بر شـما غلبه کنـد، و اگـر شـما را درمانـده گـذارد کیسـت کـه بعـد از خدا شـما را یـاری کند؟ آن گاه در آخـر آیـه بـا بـکار بـردن سـبب توکّل (کـه ایمـان باشـد) در جای خـود توکّل مؤمنیـن را امـر بـه توکّل نمـوده و می‌فرمایـد:«وَ عَلَی اللَّهِ فَلْیَتـوکّل الْمُؤْمِنُـونَ» یعنی مؤمنیـن بـه سـبب اینکـه ایمان بـه خدا دارنـد و ایمان دارند بـه اینکه ناصـر و معینی

جـز او نیسـت باید فقـط بر او تـوکّل کنند. (طباطبائـی،۴ /۸۸)
پـس ورزش و تربیـت و تقویت جسـمانی سـبب تقویت اراده شـده و اراده اگر همراه با ایمـان الهـی باشـد و در بسـتری صحیـح همچـون مسـجد، توکّل بـر خدا را بـه دنبال دارد و نتیجـه تـوکّل نصـرت و یاری الهی اسـت.

۳-۴-۴. تربیت جسم و روح زمینه رعب در دشمنان:

قـرآن کریـم می‌فرمایـد: «وَأَعِـدُّوا لَهُـمْ مَـا اسْـتَطَعْتُمْ مِـنْ قُـوَّةٍ وَمِـنْ رِبَـاطِ الْخَيْـلِ تُرْهِبُـونَ بِـهِ عَـدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُـمْ» هـر آنچـه در تـوان داریـد از نیرو و سـوار بـرای نبرد بـا آنهـا «کفـار» آمـاده کنیـد تا به‌وسـیله آنهـا دشـمنان خـدا و دشـمنان خودتان را مرعـوب نماییـد. (انفـال/۶۰) کلمـه « قوه» نه تنها وسـائل جنگی و سـلاح‌های مدرن هـر عصـری را در بـر می‌گیـرد، بلکه تمـام نیروهـا و قدرت‌هایی را که به نوعـی از انواع در پیـروزی بـر دشـمن اثـر دارد شـامل می‌شـود، اعـمّ از نیروهـای مـادی و معنـوی. (قرائتـی، ۱۳۸۳، ۲۲۲/۷) مسـلماً بارزتریـن ایـن قـوّه و قدرت، قدرت جسـمی و بدنی اسـت کـه بـا روحیـه ایمانـی توأم شـده باشـد و مـا نقـش مسـاجد را در این بـاره در انقـلاب اسـلامی‌مان بـه خوبـی دیده‌ایـم. آنجـا کـه مسـاجد محـل تجمّـع و آمـوزش نیروهـای بسـیجی و رزمـی در دفـاع مقـدس قـرار گرفتنـد و بـه عنـوان اصلی‌تریـن پایـگاه جـذب نیروهـای مسـتعد و بـا ایمـان در دفـاع از کیـان اسـلامی و مقابلـه بـا دشـمنان نقـش ایفـا نمودند.

۳-۴-۵. تربیت جسم زمینه امانت و صداقت

در مـواردی از آیـات قرآنـی قـوی بـودن بـا امیـن بـودن قریـن شـده و گویـا مکمّـل یکدیگـر دانسـته شـده انـد. یکی از آن مـوارد، داسـتان حضرت موسـی علیه‌السلام و دختران حضـرت شـعیب علیه‌السلام اسـت. زمانی که دختر حضـرت شـعیب علیه‌السلام می‌خواهد حضرت موسـی علیه‌السلام را بـرای اسـتخدام شـدن بـه پـدر خـود پیـش نهـاد کنـد، بـه دو ویژگی مثبـت وی اشـاره نمـوده و می‌گویـد: «یـا ابـت اسـتاءجره ان خیـر مـن اسـتاءجرت القـوی الامیـن» (القصـص/۲۶) پدر جان! موسـی را اسـتخدام نما، زیرا بهترین کسـی

کـه می‌توانـی اسـتخدام کنی، کسـی اسـت کـه قـوی و امین باشـد. به طـور کلی اگر کسـی قـوی باشـد، ولـی امیـن نباشـد از کسـی کـه ضعیف اسـت، ولـی او هـم امین نیسـت، خطرناک‌تـر خواهـد بـود. مسـجد به عنـوان مظهر صـدق و صفا بـه نوجوان و جـوان ورزشـکار مـا می‌آمـوزد کـه دروغ کلیـد همـه بدی‌هاسـت و آنچه باعـث نجات اسـت صداقـت و صفاسـت. امـام رضـا علیه‌السلام فرمـود: حضـرت شـعیب علیه‌السلام از دختـرش پرسـید: چگونـه امانـت‌داری ایـن جـوان را فهمیدی کـه او را امین می‌خوانـی؟ گفت: وقتـی دعـوت شـما را بـه او ابـلاغ کردم، به مـن گفت: از پشت‌سـر من، مـرا راهنمایی کـن. تـا مبـادا بـه قامـت مـن چشـم بـدوزد. (قرائتـی ۱۳۸۳، ۴۰/۹) انسـان قـوی و نیرومنـد بهتـر می‌توانـد امانـت را حفـظ نمایـد. و «امیـن بـودن» بـا «قـوی بـودن» دارای ارتبـاط نزدیکـی اسـت؛ از ایـن رو در آیـه قـرآن، دو کلمه «قـوی» و «امین» در کنـار یکدیگـر بـه کار بـرده شـده انـد، و مسـجد هـم می‌توانـد پرچـم‌دار قـوت و هم امانـت برای یـک نوجوان باشـد.

۶-۴-۳. تربیت جسمانی و کسب روحیه حماسی

تربیـت بدنـی می‌توانـد؛ روحیـه جنـگاوری و سلحشـوری را در فرد بالا ببـرد؛ اگر چه سلحشـوری تمـام تربیـت حماسـی نیسـت و جزئـی از آن اسـت، اما مسـجد که خود جایـگاه حماسـه اسـت و امـام جماعـت آنسـان کـه در پیشـگاه خداوند می‌ایسـتد به محـراب یعنـی؛ محـل حـرب و محـل جنـگ بـا نفـس خویـش مـی‌رود، پس مسـجد محـل حـرب بـا شـیطان اسـت و تنهـا کسـانی از آن سـربلند بیـرون می‌آینـد که این روحیـه حماسـی را در خـود تقویت کنند. می‌توان ابعاد تربیت حماسـی را در مسـجد ایـن گونه بیـان کرد:

فتوت و جوانمردی:

در نـزد مـردم ایـن سـرزمین نـام افـرادی چـون تختی‌هـا و نیـز همّت‌هـا، باکری‌هـا، نامـی آشناسـت. قـرآن کریـم اوج جوانمـردی را در اصحـاب کهـف بیـان کـرده و از آنـان بـه فتیـه یـاد کـرده اسـت. دو مشـخصه فتـوت؛ یکـی تعجیـل در کار خیـر و

دیگـری دسـتگیری از مظلومـان اسـت. خداونـد همچنیـن در توصیـف پیامبرانـی همچـون ابراهیـم، لـوط، اسـحق، یعقـوب، نـوح، داود، سـلیمان، ایـوب، اسـماعیل، ادریـس، ذوالکفـل، یونـس و زکریـا می‌فرمایـد: «انهم کانوا یسـارعون فـی الخیرات»؛ (الانبیـاء/۹۰) و دربـاره حمایـت از مظلومـان از زبـان موسـی علیه‌السلام می‌فرمایـد: «قـال رب بمـا انعمـت علـی فلـن اکون ظهیـرا للمجرمین» موسـی بـاز گفت: پـروردگارا! به شـکرانه ایـن نعمـت (نیـرو) که به من عطـا فرمودی، مـن هرگز یاور بـدکاران نخواهم بـود. (القصص/۱۷)

شجاعت:

شـجاعت اگـر همراه با سرکشـی باشـد، تهوّر اسـت که خـود آفتی برای آن می‌باشـد. پیامبـر اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایـد: «آفَـهُ الشَّـجَاعَهِ الْبَغْی» آفت شـجاعت سرکشـی اسـت. (تحـف العقـول عـن آل الرسـول، ح۶) و نیـز شـخص شـجاع اگـر احتیاط را از دسـت بدهـد شکسـت خواهد خـورد. حضرت علی علیه‌السلام همین امر را آفت شـجاعت دانسـته و می‌فرمایـد: «آفـه الشـجاع اضاعه الحزم» آفت شـجاع، از بین بردن احتیاط هوشـیاری اسـت. (تمیمـی آمـدی، ۱۳۶۶،ح ۲۵۹) «آفه القوی اسـتضعاف الخصم» آفت شـخص قوی و شـجاع، دشـمن را ضعیف شـمردن اسـت. (همان، آفـات متفرقه، ۳۴۷)

حکمت و بصیرت:

در قـرآن حکیـم، در ایـن خصـوص چنیـن می‌خوانیـم: «و زاده بسـطه فـی العلـم و الجسـم» و او را (طالـوت را) در دانـش و قـوّت جسـم فزونـی بخشـیده اسـت. (البقـره/۲۴۷) دربـاره حضـرت داوود علیه‌السلام نیـز که جوانـی نیرومند و با ایمـان بوده و به همیـن مناسـبت توانسـته بـود بزرگ‌ترین رهبـر کافران را بـه قتل رسـاند، می‌فرماید: «و قتـل داوود جالـوت و اتـاه الله الملـک و الحکمه و علمه مما یشـاء» و داوود، جالوت را کشـت، و خداونـد حکومـت و دانـش را بـه او بخشـید، و از آنچـه می‌خواسـت بـه او تعلیـم داد. همچنیـن دربـاره او می‌فرمایـد«و شـددنا ملکـه و اتیناه الحکمـه» ما پایه حکومـت او را محکـم سـاختیم و بـه او دانـش دادیـم. (البقـره/۲۵۱) چنانچه ملاحظه

می‌شود، داوود(ع) از ایمان و قدرت بدنی کافی برخوردار بوده است؛ بنابراین لازم است که از نظر دانش هم به اندازه کافی نیرومند شود، تا آمادگی رهبری را پیدا کند. خداوند این علم و دانش را نیز خود به او تعلیم داده و ارزانی می‌دارد. گویا از نظر قرآن نوعی ارتباط بین کمال جسمانی و آمادگی جهت کسب دانش، بینش، حکومت و قضاوت وجود دارد؛ از این رو درباره برخی از پیامبران بزرگ چنین می‌فرماید: «و لما بلغ اشده اتینه حکما و علما» و هنگامی که (یوسف) به مرحله بلوغ و قوت رسید، ما حکم و علم به او دادیم. (یوسف/۲۲) «و لما بلغ اشده و استوی اتیناه حکما و علما» هنگامی که (موسی) نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم. (القصص/۱۴)

عفو و بخشش:

امیرالمومنین(ع) در این باره می‌فرماید: «اذا قدرت علی عدوک فاجعل العفو عنه شکرا للقدره » هرگاه بر دشمنت دست یافتی، پس بخشش و گذشت از او را شکر و سپاس (نعمت) توانایی بر او قرار بدهد. (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۰)

تربیت حماسی و تواضع:

«لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم » هیچ توان و نیرویی، جز از ناحیه الله که بلند مرتبه و والامقام است، وجود ندارد.

خداوند متعال نیز همین مطلب را در قرآن مجید تذکر داده و می‌فرماید: «ان القوه لله جمیعا» همه نیروها (بدون استثناء) از آن خداوند است. (البقره/۱۶۵) پس دلیلی وجود ندارد که یک نوجوان ورزشکار در محیط وابسته به مسجد به قوّت و توان خود مغرور شده، خدا را از یاد برده، و از آن در راه‌های غیر صحیح و غیر انسانی استفاده نماید، زیرا اولین درس مسجد این است که همه قدرت‌ها از آن خداست و هر چه غیر او محکوم به فناست. حضرت سلیمان با قدرتی فوق العاده وقتی اراده نمود که تخت بلقیس را از کاخش در سرزمین سبا به کاخ خود آورد یکی از یارانش در کمتر از یک چشم به هم زدن، این کار را برایش انجام داده و

بـه ایـن قـدرت و عظمـت فوق‌العاده‌ای کـه در اختیار داشـت مغرور نشـده و می‌گوید: «هـذا مـن فضـل ربـی لیبلونـی اشـکر ام اکفـر» (النمـل/۴۰) ایـن از فضل پـروردگار مـن اسـت، تـا مـرا آزمایش کنـد که آیا شـکر او را بـه جای مـی‌آورم یا کفـران نعمت می‌کنـم. مسـجد در تقویـت حـس حضـور در درگاه الهـی نوجـوان و جوان ورزشـکار را یـاری می‌کنـد.

تربیت حماسی؛ تربیت اندیشه و تعقل:

در تربیـت حماسـی کـه ناشـی از تربیـت جسـمانی ملازم ایمان اسـت صرفـاً تکیه به زور بـازو نیسـت و ایـن نیـرو می بایسـت به جـا و به موقع به کار گرفته شـود و افسـار آن در دسـت اندیشـه و تعقـل باشـد که ایـن همه «افـلا تعقلون»ها کـه در کلام الهی بـه کار رفتـه بـه نقـش سـازنده ایـن پیامبـر درون در جهـت دهـی بـه اعمـال و افکار مـا، و در ایـن مـورد خاص در سـوق دادن تربیت جسـمانی به سـوی پیدایـش روحیه حماسـی دلالت دارد.

۴. بایدها در ورزش مساجد

حـال کـه بـه اینجـا رسـیدیم کـه قـرار گرفتـن ورزش در محیـط پیرامونـی مسـجد چـه برکاتـی دارد بـه الزاماتـی کـه می‌بایسـت در ایـن باره از سـوی ورزشـکار نوجوان و جـوان مـد نظـر قـرار گیـرد اشـاره می‌کنیـم، در این قسـمت سـعی بـر اسـتفاده از کلمـات امـام راحـل ﷺ و رهبر معظم انقلاب در ترسـیم این خط مشـی اسـت، در این بـاره ایـن ویژگی‌هـا عبارتند از:

۴-۱. توجّه به خدا

مهم‌تریـن مـواردی که یک ورزشـکار کـه در پیرامون مسـجد به ورزش می‌پـردازد، باید بـه آن توجّـه کنـد آن اسـت که مسـجد و فضـای آن محل توجّه بـه خداونـد و ذکر نام اوسـت، حضور پیوسـته در شـرایط سـخت ورزشـی در محیط وابسـته به مسـجد سبب می‌شـود کـه یـاد خدا در تمام شـئون زندگی ورزشـکار تسـرّی پیـدا کند.

در ایـن بـاره می‌بینیـم کـه امـام خمینـی‌ﷺ در توصیه به ورزشـکاران به عـدم غفلت از یـاد خـدا توصیـه می‌کننـد، بی شـک ورزش در محیطـی که متأثر از فضای مسـجد اسـت در توجّـه بـه ذکـر الهـی بسـیار مؤثـر اسـت، ایشـان در ایـن بـاره می‌فرماینـد: «ایمانتـان را تقویـت کنیـد، بـه اسـلام پنـاه ببریـد؛ همهمـان بـه اسـلام پنـاه ببریم، همـه جـا یـاد خـدا باشـیم. مـن می‌دانـم کـه ورزشـکارها در گودهـای زورخانـه یـاد خـدا هسـتند، یـاد امیرالمؤمنیـن‌ﷺ هسـتند، تقویـت کنید ایـن یاد خـدا را، تقویت کنیـد ایـن یـاد مـولا را و همه بـا قدرت، همـه با ایمـان، ان شـاءالله به پیـش بروید.» (موسـوی الخمینـی، ۱۳۸۰، ج ۸، ۳۵) بـدون شـک هیـچ مکانـی همچـون در کنـار مسـجد قـرار گرفتـن به عنـوان مظهر ذکـر الله، این توانایـی را ندارد کـه فعّالیت بدنی و افـزودن قـوای جسـمانی را بـا یـاد خدا عجین سـازد. امـام راحل‌ﷺ توجّـه به قرآن را بـه عنـوان منبـع ذکـر الهـی بـه ورزشـکاران توصیه نمـوده و بنـا به توصیه ایشـان از مهم‌تریـن الگوهـا بـرای ورزشـکاران قـرآن اسـت، قـرآن در کلام امـام بـرای تمـام اقشـار جامعـه توصیـه شـده و عمل بـه دسـتورات آن باعث تقویـت بُعد معنـوی همه اقشـار جامعـه و طبقـه ورزشـکار می‌گـردد: «مملکـت مـا همان طـوری که بـه علما و دانشـمندان احتیـاج دارد بـه ایـن قـدرت شـما هـم احتیـاج دارد. این قـدرت وقتی با ایمـان باشـد، وقتـی کـه زورخانـه با قـرآن باشـد، با ایمان باشـد، پشـتوانه یـک ملت اسـت. وقتـی قهرمان‌هـا، قهرمان‌هـای اسـلامی باشـند، پشـتوانه یـک ملت هسـتند، بـازوی یـک ملّت هسـتند. آنهـا می‌خواسـتند قهرمان باشـد لکـن قهرمـان آریامهری باشـد، آن پشـتوانه ملـت نمی‌توانسـت باشـد. آنهـا همـه چیـز را می‌خواسـتند بـرای خودشـان، و مـا و شـما همه چیـز را می‌خواهیم برای خدا، برای اسـلام. آنکه پشـتوانه ملّت اسـت، پشـتوانه اسـلام اسـت آن، مردهای با ایمان هسـتند، ورزشـکار با ایمان، روحانـی بـا ایمـان، دانشـگاهی با ایمـان، بازاری بـا ایمان، دهقـان و کشـاورز و کارگر بـا ایمـان، اینهـا می‌تواننـد پشـتوانه یـک ملـت باشـند و نگذارنـد دسـت‌های خائنانه کسـانی کـه می‌خواهنـد همـه چیـز مـا را ببرنـد، قدرت مـادّی مـا، قدرت معنـوی ما را از بیـن ببرنـد اینهاینـد کـه نمی‌گذارنـد.» (همان،۳۴) مسـجد کـه مهم‌ترین کانون قرائـت قـرآن و درک مفاهیـم آن اسـت، نقـش بنیـادی در نهادینـه کردن ایـن امر در

روحیـه نوجـوان و جوان ورزشـکار دارد.

۴-۲. اقتدا به مولای متقیان علیه‌السلام

مسـجد بـه عنـوان محلی کـه هـم زادگاه امیرالمومنیـن علی علیه‌السلام و هم محل شـهادت آن بزرگـوار اسـت، بـا نام علـی علیه‌السلام درهم آمیخته و هیچ کس در اسـلام در این شـرف بـه پـای ایشـان نمی‌رسـد. از طرفـی علـی علیه‌السلام کسـی اسـت که نـام او لـرزه بـر اندام قهرمانـان و ابطـال عـرب همچـون عمـرو بـن عبـدود و مرحـب انداختـه اسـت، هیچ کـس در اسـلام نمی‌توانـد منکـر ایـن قضیه شـود کـه پهلوان‌ترین سـردار جنگ‌های رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله علـی علیه‌السلام اسـت، امـا علـی علیه‌السلام همان کسـی اسـت کـه در دل شـب در پـی ایتـام، نـان و خرمـا بـه دوش گرفتـه و اوج روح بـزرگ انسـانی خویـش را بـه مردمـان نمایـان می‌کنـد، بـه راسـتی چـه پیوندی بیـن نیـروی جسـمانی و روح متعالـی علـی علیه‌السلام بـا مسـجد و محـل ذکـر الهـی وجـود دارد! آنچـه مسـلّم اسـت از بـرکات حضـور ورزشـکار در فضـای متأثـر از مسـجد اقتـدا بـه مـولای متقیـان علیه‌السلام اسـت. حضـرت امـام قدس‌سره همـواره، بهترین الگو و سرمشـق را برای ورزشـکاران حضرت علـی علیه‌السلام می‌داننـد و همیشـه بـه آنان توصیـه می‌کنند کـه زندگی را در تمام شـئون بررسـی کـرده و از شـخصیت فراگیـر و جامـع ایشـان تبعیـت کننـد: «علـی علیه‌السلام کـه در هـر جـا می‌رویـم اسـم او هسـت، پیـش فقهـا وقتـی می‌رویـم فقـه علـی؛ پیـش زاهدهـا وقتـی کـه می‌رویـم زهـد علـی؛ پیـش صوفی‌هـا وقتی کـه می‌رویـم آنها هم می‌گوینـد تصـوف علـی؛ پیـش ورزشـکاران هـم کـه می‌رویم آنهـا هـم می‌گویند که علـی و بـا اسـم علـی شـروع می‌کنند. ایـن علی همـه چیز اسـت، یعنی در همـه ابعاد انسـانیّت درجـه یـک اسـت، و لهـذا هـر طایفه‌ای خودشـان را بـه او نزدیـک می‌کنند و خاصیـت هـر طبقـه را هـم دارد. خاصیـت قـدرت ورزشـکارها را به طور وافـی دارد. می‌گوینـد کـه حضـرت این بازوی ایشـان مثـل اینکه آهن بـوده اسـت! و قدرت‌هایی هـم در شمشـیرزنی بـه کار می‌بـرده اسـت کـه ضربت‌هـای علـی را می‌گوینـد کـه «یکـی بـوده»، از ایـن طـرف که مـی‌زده دوتـا می‌کرده، از ایـن طرف هم کـه می‌زده، دو تـا می‌کـرده، یـک دفعـه اگـر بـه فـرد مـی‌زد، دو نیـم می‌کـرد... ایـن علـی همـه

چیـز اسـت و همه چیـز ماسـت و مـا همـه باید تابـع او باشـیم. در عبادت، فـوق همه عبـادت کننـدگان هسـت، در زهـد، فـوق همـه زاهدهـا هسـت، در جنگ، فـوق همه جنگجویـان هسـت، در قـدرت، فـوق همـه قدرتمنـدان هسـت. و این یـک اعجوبه‌ای اسـت کـه جمـع، مابین متضـاد با هم کرده اسـت. آدم عابـد دیگر نمی‌تواند ورزشـکار باشـد؛ آدم زاهـد دیگـر نمی‌توانـد جنگجـو باشـد؛ آدم فقیـه دیگـر نمی‌توانـد از ایـن کارهـا داشـته باشـد ـ ایـن یک موجودی اسـت کـه نمونه اسـت ـ در هر صـورت، این علـی... کـه می‌گوینـد ایـن علی کیسـت، ایـن علی اسـت که همـه چیز ماسـت. همه چیـز اسـت و مـن امیـدوارم که شـما ورزشـکارها همان طـوری که قـدرت بدنی برای خودتـان تحصیـل می‌کنیـد ـ و ماشـاءالله بـا بازوهـای سـتبر اینجا الآن نشسـته اید و مـن هـم خیلـی خوشـم می‌آیـد ـ همان طـور به علـی علیه‌السلام اقتـدا کنیـد در آن مطالبی کـه او داشـته؛ در آن زهـدی کـه او داشـته، در آن تقوایـی کـه او داشـته اسـت. البته ماهـا هیـچ کـدام قـدرت نداریـم مثـل او باشـیم، ما تا یـک انـدازه‌ای که ماهـا قدرت داریـم، تبعیّـت بکنیـم از آن آقـا و تهذیـب نفـس بکنیـم و امیـدوارم کـه بـرای ملّـت خودتـان مفیـد باشـید و موجب سـربلندی کشـور خودتان باشـید. خداوند ان شـاءالله بـه شـما قـدرت زیادتـر، قـوّه ایمـان، قـوّه تهذیـب نفـس، قـدرت بر تسـلّط بـر نفس عنایـت کنـد. سـلام بـر همه شـما جوانـان برومنـد.» (همـان، ج ۷، ۲۶۱ ـ ۲۶۳)

در بررسـی کـه انجـام شـد بحمـدلله بـه رشـته ورزشـی تحـت عنـوان رزم انتظـاران رسـیدیم کـه تنهـا فعّالیـت خـود را در کنـار مسـاجد انجام می‌دهـد و اقتدا بـه مولی علـی علیه‌السلام در آن نمـود عینـی دارد. ایـن ورزش که تحـت عنوان کمیته رزمی مسـاجد کشـور زیـر نظر فدراسـیون کاراته جمهوری اسـلامی ایران فعّالیت می‌کنـد، به عنوان مثـال حرکتـی کـه رزمـی‌کاران از آن بـه تخلیـه سـریع هـوا یا «کیـا» یـاد می‌کنند. در آنجـا همـراه بـا گفتـن کلمـه علـی بیان می‌شـود و چـون در یـک بـازه زمانی یک سـاعت و سـی دقیقـه ایـن کلمـه بـه کـرات بـرده می‌شـود، تأثیـر مثبـت روحـی در ورزشـکاران ایجـاد می‌نمایـد، از جملـه ابتکارات ایـن ورزش بومی کـه تلفیقی از چند رشـته ورزشـی اسـت ایـن اسـت کـه بـر خـلاف روال مرسـوم در ورود به باشـگاه‌های کاراتـه کـه از کلمـه «اوس» بـه معنـای کسـب اجـازه بـرای ورود اسـتفاده می‌کنند،

از عبـارت «یـا حسـین» اسـتفاده می‌شـود. (بررسـی میدانـی از سـبک رزم انتظاران، مسـجد هدایـت، تهران)

۴-۳. ورزش مقدمه تهذیب نفس

یکـی دیگـر از بایدهـا و خصوصیـات مهمـی که ورزشـکار باید به همراه داشـته باشـد، همسـو شـدن با اخلاق و آداب انسـانی و اسـلامی اسـت. در این میان مهم‌ترین آداب اخلاقـی بـرای یـک ورزشـکار را می‌تـوان سـه ویژگـی مردانگـی و محبـت و پرهیـز از اختـلاف ترسـیم کـرد، امـام خمینـی‌ﷺ در ایـن بـاره می‌فرماینـد: «امیـدوارم کـه پهلوان‌هـای عزیـز مـا همـه جـا سـربلند باشـند و همـه جا بـا یـک روح انسـانی، یک روح اسـلامی، یـک نفـس مهـذب عمـل کننـد کـه هر جـا برونـد عـلاوه بـر اینکه در پهلوانـی مقـدم بـر دیگران بشـوند، در اخـلاق و در آداب و در انسـانیّت مقـدم بر همه باشـند.»(همان، ج ۱۲، ۱۰۴) «مـن امیـدوارم کـه خداوند به همه شـما توفیق عنایت کنـد و... دو نفـر کـه هـم را دوسـت دارند با هـم اختـلاف نمی‌کنند، و شـماها بینتان محبّـت رایـج اسـت و مردانگـی، و امیـدوارم کـه ایـن صفـت بزرگـی ـ کـه هـر دو آن صفـت از طـرف خداونـد تبارک و تعالی اسـت ـ این اسـباب این باشـد کـه اختلاف در کار نباشـد. همـه بـا هم، همـه مان بـا هم.»(همـان، ج ۷، ۵۴۴)

مقـام معظـم رهبـری در ایـن بـاره می‌فرماینـد: «بـرای جوانـان ورزش کـردن یـک سـرمایه انـدوزی اسـت. من اعتقـاد دارم ورزش برای همـه یک فریضه عمومی اسـت. البتـه منظـورم ورزش حرفـه‌ای نیسـت. ورزش حرفه‌ای را هم رد نمی‌کنـم، اما توصیه نمی‌کنـم کـه همـه جوانـان سـراغ ورزش حرفـه‌ای بروند؛ نـه. ورزش برای سـلامت و حفـظ نشـاط اسـت. ایـن هم سـرمایه‌ای اسـت که تـا اواخر عمر، بـرای شـما می‌ماند. تـن پـروری و بیکارگـی، ضایـع کردن آن سـرمایه عظیم اسـت. یـک خصوصیت دیگر هسـت کـه اگر در شـما باشـد، هم در دوران عمر شـما مفید اسـت، هم بـرای دیگران مفیـد واقـع خواهـد شـد و هـم بـرای نشـئه آخـرت و دوران بی‌پایـان زندگـیِ بعـد از مـرگ مفیـد اسـت. آن تهذیـب نفـس اسـت؛ خودتـان را پاکیـزه کنیـد.» (بیانـات در دیـدار اعضـای اتحادیه‌هـای انجمن‌هـای اسـلامی دانـش آمـوزان و مسـئولان امـور

تربیتی سراسر کشور، ۱۳۷۹/۱۲/۸)

مهم‌ترین وظیفه‌ای را که حضرت امام‌ﷺ برای ورزشکاران قائل هستند تقویت همزمان روح و جسم است. تأکید ایشان در تمام سخنرانی‌هایشان برای ورزشکاران بر این نکته است که جسم خود را همراه روح خود تقویت نمایید و پس از پیدا کردن قوای جسمانی به تقویت قوای روحانی خود بپردازید که این امر سبب افزایش نیروی جسمانی شما نیز می‌گردد: «ورزشکارها دو وظیفه دارند: یک، ورزش جسمانی برای قوّه پیدا کردن، قدرت پیداکردن. وقتی قدرت جسمانی پیدا شد، دفاع از مملکت می‌توانند بکنند. یکی هم پرورش روحانی که اگر پرورش روحانی در انسان پیدا بشود آن وقت قدرت جسمانی‌اش هم مضاعف می‌شود و شما کوشش کنید که آن قدرت را هم، که قدرت الهی است، آن قدرت هم به برکت اسلام و به برکت مولا امیرالمؤمنین ـ سلام الله علیه ـ در شما پیدا بشود که یک مرد روحانی قوی و جسمانی قوی بشوید، که هم جانب روحتان قوی باشد و هم جانب جسمتان قوی باشد.» (همان، ۲۵۲)

«به دوستان اسلام و مسلمین و دوستان ولی عصر ـ سلام الله علیه ـ و ورزشکاران آستان قدس عرض می‌کنم که همان طوری که با ورزش قوّت جسمانی خودتان را تقویت می‌کنید، قوای روحانی‌تان را هم تهیّه و تقویت کنید. همان‌طوری که کوشش می‌کنید که جسمتان قوی باشد، کوشش کنید که روحتان قوی باشد، آن قوّت روح و قوّت ایمان بود که شما را غلبه داد بر جنود شیطانی و بر طاغوت و باید آن قوّت ایمان و قوّت باطنی، شما را غلبه بدهد بر جنود شیطانی که در باطن انسان، انسان را می‌خواهد اغوا کند. اصلاح کنید حال خودتان را، همان طوری که تقویت می‌کنید جسم خودتان را.» (همان، ج ۸، ۳۷۴) یکی از دلایلی که حضرت امام تأکید زیاد بر همراهی تقویت جسمانی و معنوی می‌کنند این است که تقویت همزمان این دو نیرو باعث می‌شود انسان به انسانیت واقعی دست یابد. و این مطلب می‌بایست مورد توجّه مربّیان ورزشی در مساجد باشد. ایشان در جای دیگر درباره توأمان بودن ورزش بدنی جوان با ورزش روحی او می‌فرمایند: «[جوان‌ها] همان طوری که ورزش کردند برای تقویت بدن، ان‌شاءالله

ورزش بـرای تقویـت روح هـم کرده‌انـد و می‌کننـد. وقتـی ایـن دو تـا قـوّه با هم شـد ـ قـوه جسـمانی و قـوه روحانـی ـ ایـن ارزش خیلـی پیدا می‌کنـد. قوّه جسـمانی برای خدمـت و قـوّه روحانـی هم بـرای هدایت. بـا قوّه روحانی انسـان هدایـت کند خودش را و بـا قـوّه جسـمانی خدمـت کنـد. ایـن دو قـوّه وقتی که مجتمع شـد، یک انسـان ـ بـه تمام معنا ـ انسـان می‌شـود.» (همـان، ج ۷، ۵۴۱)

ارتبـاط دیگـر ورزش بـا مسـجد این اسـت کـه ورزش کردن باعث نشـاط روح شـده و روح مسـتعد پذیـرش بهتـری بـرای درک حقایق الهـی دارد. امام خمینـی‌ﷺ در این بـاره می‌فرمایـد: «مـن از این خوشـحالم که کسـانی جهت معنـوی را تقویت می‌کنند و اشـخاصی هـم جهـت مـادّی را، و امیـد اسـت هـر دو آنهـا دو جنبه مـادّی و معنوی را جمـع بکننـد. شـما معلمـان محترم و آقایـان ورزشـکاران عزیز اگر ایـن دو جنبه را تقویـت کنیـد و همچنیـن در همـه قشـرهای کشـور اگر ایـن دو جنبه تقویت بشـود، جنبـه معنـوی بـا آن تعلیمات معنوی که اسـلام آورده اسـت و جنبه‌هـای مادی با آن طرزهایـی کـه لازم اسـت، ایـن ملّت سـعادتمند می‌شـود. آنها کـه جنبه ورزشـکاری و مـادی را دارنـد، آنهـا جوان‌هایـی هسـتند کـه قـوای جسمی‌شـان به خاطـر همین ورزش، نشـاط و آمادگـی پیـدا می‌کنـد، آن وقت روح آنهـا معنویات و ایمـان را زودتر قبـول می‌کند.» (همـان، ج ۸، ۲۲۲)

حضـرت امـامﷺ همچنیـن به این نکته نیز اشـاره دارند کـه در بعد تقویت روح و جسـم نبایـد از توجّـه بـه قـدرت لایـزال الهی غفلت نمـود و این توجّـه قطعاً در فضـا و معماری روح‌بخـش مسـجد بـا پـس زمینه رنـگ لاجـوردی کاشـی‌ها، ایمـان مؤمنیـن حاضر در مسـجد، که نمادی از آرام شـدن روح انسـانی در پرتو انوار الهی اسـت میسّـر اسـت.

۴-۴. جهت دادن به نیروی جسمانی برای دفاع و مقاومت

امـام راحـل تقویـت بنیـه جسـمانی بواسـطه ورزش را مهـم می‌دانند، امـا در عین حال معتقدنـد کـه این قدرت نباید در راسـتای ظلم و سـتم بـه دیگران قرار گیـرد بلکه باید بـرای دفـاع از مملکـت و مظلـوم بـه کار رود. بـه عبارت دیگر ایشـان اسـتفاده از نیروی ورزشـکاران را فقـط در راسـتای خدمت به کشـور و مسـتضعفان مفیـد می‌دانند:

«وقتی قدرت جسمانی پیدا شد، دفاع از مملکت می‌توانند بکنند، دفاع از مخالفینی که می‌خواهند به آنها حمله کنند می‌توانند بکنند.» (همان، ج ۱۰، ۲۵۲) قطعاً یکی از الزامات ورزش در کنار مسجد این است که ورزشکار نوجوان و جوان ما به عنوان یک عنصر مکتبی، انقلابی و در راستای حفظ کیان نظام اسلامی گام بردارد که در این راستا مربیان ورزشی مورد استفاده در مساجد می‌بایست خود این گونه فکر کنند و این گونه عمل کنند.

۴-۵. معرفی و صدور انقلاب

وظیفه مهم دیگر ورزشکار نوجوان و جوانی که در مسجد به ورزش می‌پردازد معرفی و صدور انقلاب اسلامی و همچنین تقویت جمهوری اسلامی در زمان حضور در میادین بین‌المللی است. به عقیده حضرت امام‌ﷺ این کار مهم و خطیر توسط ورزشکارانی صورت می‌گیرد که دارای دو خصوصیت مهم برخورد با ارزش‌های اخلاقی و عمل به رفتار و کردار اسلامی هستند: «این چهره‌های شما و آن حال بشاشتی که در چهره‌های شما دیده می‌شود، این خودش پیروزی است و من امیدوارم که شماها انقلاب ایران را عملاً صادر کنید به کشورهای دیگری که می‌روید و امیدوارم که در جهان شما پیروز باشید و مهم این است که در کنار این پیروزی‌ها همان طور که توجّه داشتید و دارید... با اخلاق خوش خودتان و با رفتار خودتان و با کردار خودتان ان شاء الله که این وجهه اسلامی جمهوری اسلامی را صادر کنید به خارج. وقتی که شما پهلوان‌های عزیز و شما قهرمانان در خارج از کشور رفتید و پیروزی چشمگیر به دست آوردید و دیدند مردم که شما وضع روحی‌تان هم یک وضع خاصی است، با دیگران فرق دارد، اعمالتان هم با دیگران فرق دارد، این موجب این می‌شود که این‌همه بوق‌هایی که بر ضدّ اسلام و مسلمین و بر ضدّ ملّت ما هست اینها خنثی بشود. شما می‌دانید که الآن همه کوشش‌های قدرت‌های بزرگ این است که ایران را منزوی کنند بکلی و اصلاً از نقشه دنیا ساقطش کنند و آنها نمی‌دانند که خدا را نمی‌شود منزوی کرد، اسلام را نمی‌شود منزوی کرد و این جوان‌های اسلام

کـه بحمـدالله در صحنـه حاضرنـد و بـرای اسـلام کوشـش می‌کننـد، بـرای پیـروزی اسـلام فـداکاری می‌کننـد اینها را نمی‌شـود منـزوی کرد و شـما جای خودتـان را در دنیـا ان‌شـاءالله بـاز می‌کنیـد و نـام ایـران و نام اسـلام را همه جـا مشـهور می‌کنید و بیـرق اسـلام را سـرافراز می‌کنیـد و ملّـت مسـلمان را مفتخـر می‌کنیـد.» (همـان، ج ۱۵، ۴۲۲)

امـام راحـل‌ﷺ در ایـن بیانات بر روی رفتار و کردار ورزشـکار و وضـع روح خاص آنان اشـاره می‌فرماینـد تـا ثمـره کار آنـان بیرق اسـلام را سـرافراز کند، بی شـک توجّه به مسـجد بـرای تأثیـر گذاری معنـوی بر روی رفتـار و کردار ورزشـکار نوجـوان و جوان غیـر قابـل انـکار اسـت و مـا تبعـات دوری رفتـار و کـردار ورزشـکاران از معنویـات را در مجامـع بیـن المللـی دیده‌ایـم تـا آنجـا کـه متاسـفانه عـدّه‌ای قلیل از ورزشـکاران ملـی کـه ایـن روحیـه الهـی در آنـان متبلـور نبـوده اسـت حتّـی بـه دشـمنان ایران اسـلامی نیـز پناهنـده شـده‌اند، در آسـیب شناسـی ایـن حرکـت غیـر ورزشـی و غیر الهـی آنـان بایسـتی گفـت کـه این همـان گسسـت بیـن ورزش و رفتار و کـردار الهی اسـت و چـه مکانـی بهتر از مسـجد بـرای پیوند بیـن ایـن دو در اختیار ما می‌باشـد؟! مسـجد بـه عنـوان بزرگترین مؤسسـه فرهنگـی که خدای متعـال به مـا عنایت نموده بـا چنـد ده هزار شـعبه در سراسـر کشـور بیشـترین کارکـرد را در پیوند بیـن روحیه ورزشـی و رفتـار و کـردار الهـی می‌توانـد دارا باشـد، و بتوانـد یک ورزشـکار جـوان را بـه عنـوان نمونـه اخلاقـی و معنوی معرفـی نماید، امام راحـل در این بـاره می‌فرماید: «شـما نمونـه باشـید در کشـورهای دیگـر کـه شـماها از جمهوری اسـلامی هسـتید. مـا امـروز احتیـاج بـه ایـن داریـم کـه اسـلام را در هـر جـا تقویـت کنیـم و در هر جا پیـاده کنیـم و از مملکـت خودمـان اسـلام را بـه جاهـای دیگـر بـه آن معنایی که در مملکـت الآن حاصـل شـده اسـت صـادر کنیـم و یکـی از وجه صـدورش همین شـما جوان‌هـا هسـتید کـه در سـایر کشـورها می‌رویـد و جمعیّت‌هـای زیادی به تماشـای شـما می‌آینـد، بـه تماشـای قدرت‌هـای شـما می‌آینـد. بایـد طـوری بکنیـد کـه این جمعیت‌هـای زیـاد را دعـوت کنیـد عمـلاً بـه اسـلام. در اعمالتـان، در رفتارتـان، در کردارتان طوری باشـید که نمونه باشـد برای جمهوری اسـلامی و جمهوری اسـلامی

بـا شـما بـه جاهـای دیگر هم ان شـاء الله بـرود.» (همـان، ج ۱۶، ۸۱) «مـن امیدوارم کـه در پنـاه اسـلام همه قدرت‌هـا، همه قوّه‌هـا قدرتمندتر بشـوند، قوّت دارتر بشـوند و شـماها ان‌شـاءالله بـرای مملکت آبرومندی تهیـه کنید و مملکت مـا را معروف کنید در همـه جـا، چنان‌کـه در ایـن نهضت بحمـدالله همه جا معروف شـد و همه با چشـم احتـرام بـه ایـن ملّـت نـگاه می‌کننـد و عمده این اسـت کـه از ایـن به بعد هـم ما این احتـرام را حفـظ بکنیـم، بـه اینکـه همـه با اخلاق اسـلامی و با آداب اسـلامی باشـیم تـا ان‌شـاءالله ایـن قـدرت و ایـن قـوّه در جای خـودش خرج بشـود و نهضت اسـلامی مـا بـه ثمر برسـد.» (همـان، ج ۸، ۲۵۰)

امـام راحـل بـه ورزشـکار متعهـد توصیـه می‌کنـد کـه همـواره در صحنـه انقـلاب و پاسـداری از ارزش‌هـای آن باشـد: «همـان طـوری کـه در ورزشـکاری داریـد قـدم بر می‌داریـد، بـرای ملّتتـان هـم قـدم بردارید و ایـن هـم بـرای ملت اسـت، لکـن امروز احتیاجـات زیـادی ملّـت دارد، پشـت جبهـه، در خـود جبهه و شـما بـازوان قدرتمند ایـن جامعـه هسـتید... و ایـران هم که هسـتید بـه خدمت ایـن جامعه باشـید. جامعه مـا احتیـاج بـه جوان‌هـا دارد و خدمـت جوان‌هـا. اسـلام امروز احتیـاج دارد بـه اینکه ایـن جوان‌هـا کـه در اینجـا هسـتند و زورمنـد هسـتند، قدرتمنـد هسـتند و قـدرت روحـی هـم دارنـد، اینهـا همـه کوشـش کننـد تـا این کشـور از شـرّ مفسـدین نجات پیـدا کنـد. خداونـد همـه شـما را موفـق و مؤیـد و منصـور کنـد و بـرای ما نگـه دارد شـما را.» (همـان، ج ۱۶، ۸۱ ـ ۸۲) قطعـاً نوجـوان ورزشـکار مـا هیچ جایـی را بهتر از مسـاجد و کانون‌هـای انقـلاب بـرای انقلابـی شـدن و انقلابـی مانـدن پیـدا نمی‌کند.

۴-۶. ورزشکار متعهّد هوشیار

امـام راحـل‌ﷺ بارهـا ورزشـکاران را بـه هوشـیاری در قبـال توطئه‌های دشـمنان فرا خواندنـد، مسـجد بـه عنـوان کانـون اصلـی بیـداری و هوشـیاری هـر محلـه و شـهر چنانچـه جوانـان پرشـور ورزشـکار را از دسیسـه‌های دشـمنان آگاه سـازد در واقـع به کادرسـازی نیروهـای انقلابـی دسـت زده اسـت و از پایـه نیروهـای ارزشـی را تربیـت نمـوده کـه در آینده بتواند از کیان مقدّسـات خویش با سـلاح قوت و ایمان پاسـداری

نماینـد. امـام راحـل در ایـن بـاره می‌فرمایند:
«در همـه قشـرهایی کـه یـک احتمالـی می‌دادنـد کـه شـاید یـک مقاومتـی در اینها باشـد، بـه یـک وضعـی وارد می‌شـدند و یـا آنهـا را منحـرف می‌کردنـد و یا سـرکوب می‌کردنـد. قشـر شـما پهلوان‌هـا هـم مسـتثنا نبـود، قشـر ورزشـکارها هـم مسـتثنا نبودنـد از ایـن، بـرای اینکـه اینهـا هـم یـک جمعیّـت متدیّـن بودنـد، علاقه‌منـد بـه اسـلام بودنـد و قدرتمنـد اینهـا را هم به یک جوری سـرگرم می‌کردند، نمی‌توانسـتند از اسـلام منحرفشـان کننـد، گـوش نمی‌دادنـد بـه حرفشـان در آن بـاب امـا منحرف می‌کردنـد از مسـائل اصلـی. یک بسـاطی درسـت می‌کردند که سـرگرم بشـوند به آن بسـاط و از مسـائل اساسـی مملکـت غفلت بکننـد.» (همـان، ج ۹، ۷۸)
جـدا از تمـام مسـائلی که بیان گردید حضرت امام‌ﷺ همیشـه نسـبت به ورزشـکاران ابـراز علاقـه می‌کردنـد و ایشـان را دعـا می‌فرمودنـد: «مـن وقتـی کـه شـما جوان‌هـا را می‌بینـم، ماشـاءالله جوان‌هـای برومنـد و پهلـوان، خیلـی خوشـم می‌آیـد و افتخـار می‌کنـم بـه اینکـه ایـن جوان‌هـا علاوه بـر برومنـدی بدنـی توجّه بـه دیانت و اسـلام دارند.» (همـان، ج ۷، ۵۴۱.)

۵. نبایدها در ورزش مساجد

بـا توجّـه بـه اینکـه مـا در این مقاله بـا دلایل مختلـف قرآنـی و روایی در صـدد پیوند بیـن مسـجد و تربیـت بدنـی نوجوان و جـوان بودیم نبایـد از نظر دور داشـت که قطعاً بعضـی از مـوارد نبایـد در ایـن راسـتا اتفـاق بیفتد زیرا که مسـجد، مکانی اسـت برای تمرین و ممارسـت خلق و خوی و رفتار و کردار پسـندیده‌ی انسـانی و محل مناسـبی اسـت بـرای پیـاده کردن و عملی سـاختن ارزش‌های والای اخلاقی و رفتـاری در ابعاد گوناگـون زندگانـی و سـکّوی پـرواز اسـت بـه ملکـوت، برای فراهم شـدن عبـادت در مسـجد، بـه شـرایط و عوامـل فراوانی نیاز هسـت که مـکان عبادت، یکی از آنهاسـت.

۵-۱. عدم هتک قداست مسجد

حـال بـا توجّـه بـه اینکـه لازم اسـت کـه پیوندی بیـن تربیـت بدنـی و تربیـت دینی

(مسجد) صورت گیرد آیا جایز است که این ورزش در فضای مسجد انجام شود؟ پاسخ مراجع بزرگوار بدین صورت است که: خیر چون این کار باعث وهن و هتک حرمت مسجد است، جایز نمی‌باشد. در این باره حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی می‌فرمایند: «مسجد جای ورزش و تمرین ورزشی نیست و از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات داشته و با جهت وقف مخالفت دارد، باید پرهیز شود.» (وب سایت معظم له) حضرت آیت الله مکارم شیرازی نیز بیان می‌دارند: ورزش برای همگان، مخصوصاً برای جوانان و نوجوانان امر لازمی است؛ ولی مناسب مساجد و حسینیّه‌ها نیست. لازم است مکان مناسب دیگری برای آن در نظر گرفته شود. حضرات آیات سیستانی و صافی به ترتیب بیان می‌دارند که: مناسب مسجد نیست. و انجام این امور در مسجد جایز نیست. (وب سایت معظم له) بنابراین نباید ورزش در محیط مسجد انجام شود و بایستی در محیط کناری یا پیرامونی آن انجام شود.

۵-۲. مانع ذکر الله نشدن

فعّالیت بدنی ورزشکار نوجوان و جوان نباید در حین نماز جماعت ادامه پیدا کند و باید مربی در ساعاتی قبل از نماز کلاس را تعطیل و از ورزشکار بخواهد خود را برای اقامه نماز محیا کنند، زیرا در غیر این صورت این امر خود مانعی جدّی در راستای تحقق وحدت بین تربیت بدنی و دینی نوجوان و جوان به حساب می‌آید و مصداق جلوگیری از یاد خداست و بنابراین مسجد باید از هرچه که جلوی یاد خدا را می‌گیرد پیراسته باشد قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللهِ أَن يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُوْلَـئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَا إِلاَّ خَآئِفِينَ لهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الآخِرَهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ » و کیست ستمکارتر از کسانی که از ذکر نام خدا در مساجد او جلوگیری می‌کنند؟ اینان برایشان روا نیست که در آنها درآیند جز در حال ترس؛ برای آنان در دنیا ذلّتی در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود.(بقره/۱۱۴) زیرا ادامه فعّالیت ورزشی در حین نماز از مصادیق مسلّم باز داشتن از یاد خداست.

۵-۳. عدم پخش موسیقی در مسجد

در تعـدادی از باشـگاه‌های ورزشـی بـرای تهییج بیشـتر جـوان و نوجوان از موسـیقی اسـتفاده می‌شـود کـه تأثیـر هـم دارد امـا ایـن تحریـک بیرونـی بـوده و خودجوش و متأثـر از روحیـات درونـی نیسـت؛ ضمـن آنکه مضـرات روحی نیـز در پـی دارد؛ مثل عـادت به موسـیقی و در صورت نشـنیدن موسـیقی دلخـواه بوجود آمـدن حالت یأس در ورزشـکار، کـه ایـن امـر در جـای خـود قابـل بحـث و بررسـی اسـت، امـا در مورد مسـجد اصـولاً روح مسـجد کـه فضای روحانی و قدسـی اسـت با موسـیقی برگرفته از فضـای مـادی و زمینـی همخوانـی نـدارد، و پخش موسـیقی نیـز به مصـداق آیه فوق الذکـر در مسـجد جایز نیسـت و خود غفلـت از یاد خدا را در پـی دارد، البته جایگزین آن بـرای ایجـاد تهییـج می‌توانـد جملات حماسـی همراه با شـور ورزشـکار نوجوان و جـوان مـا باشـد، در برخـی ورزش‌هـای رزمی بومی شـده خودمـان بیان اسـامی ائمه اطهـار علیهم‌السلام، فرسـتادن صلـوات، بیـان سـرودهای متوالـی و هماهنـگ ورزشـکاران و.. جایگزیـن خوبی اسـت.

» نتیجه‌گیری

مـا در ایـن نوشـته درصـدد اثبـات ایـن مطلـب بودیم کـه پیوند بیـن تربیـت بدنی و تربیـت دینـی در مسـجد بـا حفـظ حـدود و شـرایط مسـجد امـکان پذیر اسـت، این امـر نـه تنهـا منافاتـی با قداسـت مسـجد ندارد بلکـه اگـر در محیط پیرامونی مسـجد باشـد برکاتـی چون پیوند بین روح و جسـم ورزشـکار نوجوان و جـوان، تقویت روحیه سلحشـوری، تقویـت روحیـه دشـمن سـتیزی را نیز در پـی دارد، اما در ایـن بین باید توجّـه شـود کـه ورزش کـه خـود هـدف نیسـت و ابـزاری فرهنگی بـرای رسـیدن به مقاصـد عالیـه اسـت، مانـع از ذکر خدا نشـود و خود در مسـیر دوری نوجـوان و جوان از یـاد الهی قـرار نگیرد.

منابع

» قرآن کریم. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
» ابـن شـعبه حرانـی، حسـن بـن علـی، تحـف العقـول عـن آل الرسـول، وصیتـه لأمیرالمؤمنیـن علیه‌السلام، جامعـه مدرسـین، قـم،۱۴۰۴ق.
» پاینـده، ابوالقاسـم، نهـج الفصاحـه (مجموعـه کلمـات قصـار حضـرت رسـول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بـا ترجمـه فارسـی)، دنیـای دانـش، ۱۳۸۲.
» تمیمی آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات، قم،۱۳۶۶.
» خرمشاهی، بها الدین و انشاری، مسعود، پیام پیامبر، منفرد، تهران،۱۳۷۶.
» روزنامه کیهان، ۹/۳/۱۳۵۸.
» سید رضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت،۱۴۱۴ق.
» طباطبایی، محمدحسین، ترجمه المیزان، (ترجمه موسوی همدانی)، جامعه مدرسین،قم،۱۳۷۴.
» عاملی، شیخ حر، وسائل‌الشیعه، موسسه آل البیت لاحیا التراث،قم،۱۴۰۹ق.
» عطاردی، عزیزاله، ایمان و کفر (ترجمه الإیمان و الکفر بحار الانوار)، تهران، عطارد، ۱۳۷۸ ش.
» قرائتی،محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن،۱۳۸۳.
» قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴.
» قمی، حاج شیخ عباس، مفاتیح الجنان، پگاه، قم، ۱۳۸۲.
» کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه کمره ای، اسوه، قم، ۱۳۸۵.
» مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه،۱۳۷۴.
» موسوی الخمینی، روح الله، صحیفه نور، موسسه نشر و تنظیم آثار امام، ۱۳۸۰.
» وب سایت www.Khamenei.ir
» وب سایت www.Sistani.org
» وب سایت www.saafi.org
» وب سایت www.makarem.ir

بازی کودکان در مسجد

فرشته روح افزا[1]

چکیده

در بررسی موضوع فوق دو محور اساسی وجود دارد، مسجد و بازی کودک. مسجد ستون جامعه اسلامی بوده و باید در تداوم نقش آن برای آینده تدبیر شود. کودک هم آینده جامعه و حیات آتی جامعه را رقم خواهد زد. پس بدیهی است که باید رابطه منطقی و همه جانبه و قوی بین این دو شالوده مهم جامعه تعریف و برقرار شود. در این مقاله ابتدا به نقش‌آفرینی هر یک از این شالوده‌ها پرداخته و سپس به رابطه‌ای که امروزه می‌توان بین این‌دو، به‌شکل جذّاب به‌وجود آورد می‌پردازیم. در بخش انتهایی فواید این ارتباط برای کودک اشاره خواهد شد و کمک به اعتلای فرهنگ و آگاهی بخشی والدین در این زمینه و نیز ارائه راهکارها و وظایف اصلی والدین، پژوهشگران و نهادهای فرهنگی است.

واژگان کلیدی:

ورزش، کودک و نوجوان، مسجد.

[1] . دکتری الکترونیک از دانشگاه منچستر انگلیس
Email:azfaguor-f@yahoo.co.uk

» مقدمه

انسـان به‌ناچـار در نشـئه دنیـا درون دو فضـا زندگـی می‌کنـد. یکی فضـای فیزیکی و دیگـری فضـای ارزشـی، فکـری و معنـوی. فضـای فیزیکی کـه انسـان‌ها در آن به‌دنیا می‌آینـد و تربیـت می‌شـوند خارج از اختیار ایشـان اسـت. فضای ارزشـی و فکری هم کـه در آن رشـد می‌کننـد، معمـولاً از کودکـی بـر آنها تحمیـل می‌شـود. از طرفی هم سـاختار شـناختی و دسـتگاه ادراکـی انسـان به‌گونـه‌ای اسـت کـه به‌دنبال شـناخت و انتخـاب یـک الگـو بـرای خویش اسـت. یـک گوهـر ذّراکه نیـز در وجود انسـان کار گذاشـته شـده اسـت کـه طهـارت و خباثـت را تـا حـدودی درک می‌کند. بـرای زنده نگـه داشـتن آن گوهـر لازم اسـت کـه ارتبـاط انسـان بـا محیط‌هـای معنوی و سـالم بطـور دائـم حفـظ شـود، و ایـن ارتبـاط دائمـی شـکل نمی‌گیرد مگـر اینکـه از دوران کودکـی بـرای انسـان ملکـه شـود. کـودکان در ایـن دوره حقوقـی بـر گـردن والدین خـود دارنـد کـه می‌بایسـت به آنهـا بپردازند و اگـر آن حقوق را مراعـات نکنند و ترک تکلیـف کننـد بایـد در آخـرت پاسـخگوی رفتار خود باشـند.

» الف) تعریف کودکی و اهمیّت بازی

کودکی یکی از مراحل رشد انسانی است که از آغاز تولّد شروع می‌شود و تا نوجوانی و جوانی ادامه می‌یابد. این مرحله از دو مرحله دیگر رشد وی بسیار مهم‌تر و اساسی‌تر ست. از این رو آموزه‌هایش نیاز به توجّه و اهتمام خاصی دارد؛ آینده هر شخصی به دوران کودکی او بستگی زیادی دارد. دغدغه اصلی اسلام تربیت انسان‌ها و ارائه جهان بینی اسلامی به اوست.

دوران کودکی بقدری حساس است که اگر از فرصت آن استفاده نشده و طفل ساخته و پرداخته نشود، امکان بازسازی او هیچگاه چون اول نخواهد بود، و دربسیاری از موارد، دوباره‌سازی او، امری قریب به محال است. در حدود ۳ تا ۶ سالگی، رشد کودک بسیار سریع است، و در همین دوره بحرانی رشد است که می‌توان به پرورش شخصیت او همّت گماشت، عادات نیکو و ضروری را در او ایجاد کرد، و او را به رعایت اصول و مقررات زندگی فردی و اجتماعی وادار نمود.» (قائمی‌امیری، ۱۳۵۰)

ما می‌توانیم از طریق تدارک زمینه مناسب برای بازی، به کودک، چیزی را بدهیم که او را قادر می‌سازد تا بالغ شود. با شجاعت و اعتماد به نفس با زندگی رو به رو شده و احساس کفایت را در خود برای مشارکت در نظم اجتماعی رشد دهد. با فراهم نمودن زمینه مطلوب به او کمک کنیم تا از خود تصویری را که هماهنگ با انتظارات و مسئولیت‌های یک نظام اجتماعی آزاد باشد، بسازد. نظمی که در آن هر عضو باید یاد بگیرد که بار آزادی را تحمل کند و به عنوان یک شخصیت مستقل در دنیایی با ارزش‌های مشترک و هدف‌دار زندگی کند. (بازی درمانی، ۴۵)

یکی از منابع بسیار مهم در مسیر و عامل بنیادی در رشد و تکوین شخصیت کودکان، «بازی» است. کودکان به کمک بازی و اسباب بازی با دنیای اطراف خویش آشنا می‌شوند، تا جایی که عشق و آرزوی کودک، در بازی و اسباب بازی خلاصه می‌شود و جهان بدون این دو، برای آنان زندانی بیش نیست. بنابراین، «بازی» و «اسباب بازی» سرمایه آنهاست. مدیریت صحیح این سرمایه به عهده والدین می‌باشد.

۱. کودک و بازی او از دیدگاه قرآن کریم

در آیـه ۵ سـوره حـج داریم: «یا أَیُّهَا النَّـاسُ إِنْ کُنْتُمْ فی رَیْـبٍ مِنَ الْبَعْـثِ فَإِنَّا خَلَقْناکُمْ مِـنْ تُـرابٍ ثُـمَّ مِـنْ نُطْفَهٍ ثُـمَّ مِنْ عَلَقَهٍ ثُـمَّ مِنْ مُضْغَـهٍ مُخَلَّقَهٍ وَ غَیْـرِ مُخَلَّقَـهٍ لِنُبَیِّنَ لَکُمْ وَ نُقِـرُّ فِـی الْأَرْحـامِ مـا نَشـاءُ إِلی أَجَلٍ مُسَـمًّی ثُـمَّ نُخْرِجُکُمْ طِفْلاً ثُـمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُـدَّکُمْ وَ مِنْکُـمْ مَـنْ یُتَوَفَّـی وَ مِنْکُـمْ مَنْ یُـرَدُّ إِلـی أَرْذَلِ الْعُمُـرِ لِکَیْلا یَعْلَمَ مِـنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَـیْئاً وَ تَـرَی الْأَرْضَ هامِـدَهً فَـإِذا أَنْزَلْنـا عَلَیْهَا الْمـاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَـتْ وَ أَنْبَتَتْ مِـنْ کُلِّ زَوْجٍ بَهِیجٍ» دوران کودکـی را مقدمـه‌ای بـرای رشـد و بلـوغ وی معرفـی می‌کند و در آیه ۲۰ سـوره حدیـد: «اعْلَمُـوا أَنَّمَـا الْحَیـاهُ الدُّنْیا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زینَـهٌ وَ تَفاخُرٌ بَیْنَکُمْ وَ تَکاثُـرٌ فِی الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ کَمَثَـلِ غَیْـثٍ أَعْجَبَ الْکُفَّـارَ نَباتُـهُ ثُـمَّ یَهِیجُ فَتَـراهُ مُصْفَـرًّا ثُمَّ یَکُـونُ حُطاماً وَ فِـی الْآخِـرَهِ عَـذابٌ شَـدیدٌ وَ مَغْفِرَهٌ مِـنَ اللَّهِ وَ رِضْوانٌ وَ مَا الْحَیـاهُ الدُّنْیا إِلاَّ مَتـاعُ الْغُرُورِ» چنـان کـه دیدیم بر اسـاس آیه ۲۰ سـوره حدید، خداوند، نخسـتین دوره رشـد انسـان را بـا بـازی همـراه کـرده اسـت. در روایاتـی کـه از امامـان معصـوم علیهم‌السلام وارد شـده نیـز سـفارش بسـیاری اسـت کـه کـودکان را تا هفـت سـالگی آزاد بگذاریـد تا بـازی کنند. امـام صـادق علیه‌السلام فرموده‌انـد: بگـذار فرزنـدت تـا هفت سـال به بـازی بپـردازد، در هفت سـال دوم به او ادب بیاموز و در هفت سـال سـوم مراقب او باش. (وسـایل الشیعه، ج۱۵، ۱۹۳) علامـه طباطبایـی بـا اشـاره بـه ویژگی‌هـای پنج‌گانـه‌ای کـه در ایـن آیـه مطرح شـده، آن را مطابـق مراحـل سـنّ انسـان از کودکـی تا پیـری می‌داند. (المیـزان، ج ۱۹، ۱۶۴) بـر اسـاس این تفسـیر، دوران کودکی دوران بازی اسـت و ایـن بازی‌های کودکانه نقش اساسـی در فرآیند رشـد کـودک دارد.

در داسـتان حضـرت یوسـف علیه‌السلام بـه ایـن معنا می‌تـوان پی‌برد کـه بـازی و تفریح یک ضـرورت فطـری اسـت، و پیامبـران الهـی بـا ایـن ضـرورت فطـری هیـچ گاه مخالفت نمی‌کردنـد. از ایـن رو بـرادران حضـرت یوسـف علیه‌السلام وقتـی می‌خواسـتند او را از پـدر جـدا کننـد، موضوعـی را مطـرح کردنـد کـه پدرشـان بـا توجّه بـه پیامبـری و بینش الهـی نتوانـد با خواسـته آنها مخالفـت کند. آنـان در توجیه بردن حضرت یوسـف علیه‌السلام بـه صحـرا این‌گونـه گفتنـد: ای پدر فردا یوسـف را با ما به صحرا بفرسـت تـا در چمن و مراتـع بگـردد و بـازی کند. (یوسـف/۱۲) حضرت یعقـوب علیه‌السلام نیز با این درخواسـت

مخالفت نکرد و نفرمود که یوسف علیه‌السلام نباید به بازی مشغول شود.
از آن جایی که دوره کودکی دوران ضعف و سستی است، (حج/۵ و روم/۵۴ و غافر/۶۷) تأکید بیشتری بر حقوق کودکان شده است؛ زیرا آنها در این دوران نمی‌توانند از حقوق خویش دفاع کنند و خواهان اجرای عدالت و عمل به تکالیف از سوی والدین خود گردند. در اینجاست که خداوند خود کفالت کودکان را به عهده گرفته و از والدین خواسته تا به حقوق کودکان پایبند باشند و از هر گونه ضرر و زیان به آنان خودداری کنند. بازی را می‌توان یک حق برای کودک در نظر گرفت. این حق باید در یک محیط سالم شکل گیرد. همچنین از نیازهای طبیعی کودکان، بازی و گردش است. (یوسف/۱۲ و حدید/۲۰ و المیزان، ج۱۹، ۱۶۴) بنابراین فراهم آوردن اسباب بازی و شرایط مناسب برای بازی و گردش کودکان از حقوق کودکان و وظیفه والدین، مؤمنان و دولت اسلامی است.
کودکان، نیازمند آموزش‌های درست و کاملی هستند تا بتوانند به رشد عقلانی دست یابند. از این رو در آیه ۶ سوره نساء از مؤمنان خواسته شده تا با آزمون‌های گوناگون شرایط رشد و بالندگی کودکان را در حوزه‌های گوناگون از جمله اقتصادی فراهم آورند. آزمون‌هایی که از سوی بزرگ‌ترها انجام می‌گیرد، می‌بایست در راستای رشد و بالندگی کودکان باشد؛ چنانکه بازی‌های کودکان نیز با این هدف مورد توجّه قرار گیرد و از هر آن چه که موجب ناتوانی جسمی و روحی و روانی کودک می‌شود جلوگیری به عمل آید.

۲. بازی کودک از نظر روایی

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله با جمعی از یاران از محلی عبور می‌کردند، کودکان را در حال خاک‌بازی دیدند برخی از یاران خواستند آنان را از بازی‌کردن باز دارند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: بگذارید بازی کنند که خاک محل پرورش کودکان است. (مجمع الزوائد، ج۸، ۱۵۹) امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌فرمایند: شایسته است که کودک به هنگام خردسالی بازیگوش باشد تا در بزرگسالی صبور و شکیبا گردد. (مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۵۳) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز می‌فرمایند: شیطنت و لجاجت کودک به هنگام

خردسالی، نشانه زیادی عقل او در بزرگسالی است. (نهج الفصاحه، شماره ۱۹۴۰، ۴۲۰) نمونه‌ای از بازی‌های بدون ابزار و بر پایه فکر که در سیره ائمه گزارش شده است و می‌تواند الگوی بازی در دوران امروز نیز باشد در زیر آدرس داده شده است. در مورد امام باقر علیه‌السلام نیز آمده است که به فرزندش امام صادق علیه‌السلام اجازه می‌داد تا با کودکان تفریح و بازی کند. امام صادق علیه‌السلام در کودکی افزون بر شرکت در بازی‌هایی که با دویدن و جهیدن همراه بود به بازی‌های فکری با دوستانش مشغول می‌شد. برای نمونه در یکی از بازی‌ها، امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌نشست و استاد می‌شد و کودکان دیگر شاگرد او می‌شدند. او نام میوه‌ای را می‌خواست که برای نمونه بر درخت یا زمین می‌روید، رنگ آن قرمز است و طعم شیرین یا ترش دارد و فصل آن همین فصل است. هر کس نام او را می‌گفت، او استاد می‌شد و گروه را رهبری می‌کرد. گاهی بعضی از کودکان از روی شوخی نام میوه ها را عوض می‌کردند و پاسخ اشتباه می‌دادند. حضرت به دلیل صداقت نداشتن بعضی از هم‌بازی‌هایش، بازی را ترک می‌گفت، ولی با خواهش باقی دوستانش که می‌گفتند بازی بدون او رنگی ندارد، دوباره به بازی باز می‌گشت. در بازی دیگر حضرت، باز هم یک استاد و چند شاگرد بود. استاد کلمه‌ای مانند «الشراعیه» و کلمات هم وزن آن مانند «الصفائیه»، «الدعیه» را می‌گفت، اگر چه بی معنا باشد، در حالی که شاگرد مدام باید همان کلمه نخست را تکرار می‌کرد. با رخ دادن اشتباه، شاگرد از بازی خارج می‌شد و دیگری جای او را می‌گرفت.

۳. بازی کودک از نظر روانشناسان

به واسطه اهمّیت بازی در زندگی انسان‌ها به ویژه کودکان، روان‌شناسان از دیر باز آن را مورد توجّه قرار داده‌اند، دانشمندان به طور ریشه‌ای به مطالعه بازی کودکان و نقش آن در رشد ذهنی و فکری و زندگی اجتماعی پرداخته‌اند. در روان‌شناسی رشد و شخصیت کودک، بخشی از مباحث به موضوع نقش بازی در فرآیند رشد اختصاص یافته است. چگونگی برخورد با بازی، انتخاب بازی، اهمّیت بازی و مانند آن، همگی نشان از چگونگی نگرش کودک به محیط خود

و راهنمایی برای وابستگی و ارتباط با محیطش دارد. بازی‌ها به انواع مختلف جسمی، تقلیدی، نمایشی، نمادی، تخیلی و آموزشی دسته‌بندی شده‌اند که هر یک از انواع آنها در رشد جسمی، اجتماعی، شخصیتی، عاطفی کودکان نقش مؤثری دارند. بازی علاوه بر رشد عضلات و سلسله اعصاب و پرورش حواس، تأثیر بسیاری در رشد ذهنی مهارت‌های فکری و یادگیری کودکان دارد.

یکی از فرضیه‌های روان‌شناسی این است که بازی، رشد هوشی را تسریع می‌کند. در تأیید این فرضیه نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد کودکانی که فاقد هرگونه اسباب بازی می‌باشند و یا امکانات اندکی برای بازی دارند، از لحاظ شناختی از همسالان خود عقب‌تر هستند. آدلر از روان‌شناسان مشهور معتقد است بازی فرآیندی است که آماده‌سازی کودک را برای آینده مشخص می‌کند. ویگوتسکی می‌گوید: بازی‌ها به رشد ذهنی و فکری، عاطفی، احساسی و اجتماعی کودکان کمک می‌کنند و در واقع بازی‌ها ابزار کنترل و تنظیم رفتار کودک هستند. ژان پیاژه به طبقه‌بندی بازی‌های کودکان دست زده و آن‌را به سه دسته تقسیم نموده است: ۱. بازی‌های تمرینی ۲. بازی‌های نمادین ۳. بازی‌های با قاعده. ویلیام استرن می‌نویسد: بازی یک غریزه برای رشد و نمو استعدادها بوده و یا تمرین مقدماتی برای اعمال آتی می‌باشد. (روانشناسی کودک، ۳۳۱) آنتوان سمیر نوویچ ماکارنکو مربّی شوروی می‌گوید: کودک در هر بازی هر طور باشد، وقتی که بزرگ شد، در کارها هم همان‌گونه خواهد شد زیرا در هر بازی خوب، قبل از هر چیز کوشش کار و کوشش فکر وجود دارد. بازی خوب شبیه کار خوب است. در بازی احساسات و آرزوهای کودک ظاهر می‌شوند. به کودکانی که بازی می‌کنند بنگرید، ببینید چگونه در نقشی که برای خود انتخاب کرده‌اند، واقعی هستند. احساسات کودکان در بازی، احساسات واقعی و اصیل است و بزرگ‌ترها نباید هیچ وقت به آنها بی اعتنا باشند. (روان‌شناسی تجربی کودک، ۱۳۰)

۴. بازی کودک از نظر اندیشمندان شرقی

ابن سینا﵀ سلب آزادی و جلوگیری از جنب و جوش و بازی کودکان را زمینه‌ای

بـرای افسـردگی آنهـا می‌دانـد و نتیجه ایـن افسـردگی‌های بی‌موقع و زودرس سـبب می‌شـود رغبت‌هـای کـودکان از بیـن بـرود، و آنهـا بیمـار شـوند. خواجـه نصیرالدین طوسـی‌ﷺ ورزش و بـازی را وسـیله‌ای بـرای رفـع خسـتگی از فعّالیت‌هـای جـدّی می‌دانـد، او شـرط بـازی را آزادی عمـل اطفـال می‌دانـد و ممانعـت از بازی‌هـای غم‌انگیـز را وظیفـه والدیـن می‌شـمارد؛ بـه این معنـا که اولیـاء نبایـد بگذارند کودک بـه بازی‌هـای غـم انگیـز بپـردازد. از نظر خواجـه نصیرﷺ بازی وسـیله‌ای بـرای بروز توانایی‌هـای کـودک، برانگیختـن شـور و نشـاط در کودک و وسـیله‌ای برای رسـیدن کـودک بـه سـلامت جسـم و روح اسـت. محمـد غزالـی می‌گویـد: بـازی اختصاص به دوره کودکـی نـدارد، بلکـه در دوره نوجوانی نیـز پس از مطالعه کتـاب، باید بازی کند تـا خسـتگی ناشـی از مطالعـه از تن او جـدا گردد.

۵. دیدگاه پرورشی در مورد بازی کودک

از نظـر پرورشـی نیـز اثـر و ارتبـاط بـازی بـا حـال و وضـع جسـمانی کودک بـه خوبی ثابـت شـده و ذکـر شـده که در انجـام بازی‌هـای مختلف چگونه جسـم کـودک ورزیده شـده و رشـد می‌کنـد. بنابرایـن نتیجـه گرفتـه می‌شـود کـه بیـن بـازی و آمـوزش و پـرورش رابطـه‌ای دقیـق وجـود دارد و می‌توان گفـت این دو لازم و ملـزوم یکدیگر بوده و موفّقیـت در امـر آمـوزش و پـرورش به معنای صحیح، مسـتلزم ارضـای کلیه تمایلات و نیازهـای جسـمانی و روانـی کودک در هنگام بـازی و فعّالیت‌های بدنی اوسـت. وقتی چنیـن ارتبـاط نزدیکـی بین بازی و آموزش و پرورش احسـاس می‌شـود، بدیهی اسـت زمانـی می‌توانیـم در امـر آمـوزش و پـرورش قدمـی مثبـت برداریم کـه واقعـاً کودکان را بشناسـیم و بـه روحیـات و عواطـف و احساسـات آنهـا آگاه باشـیم. از اینجاسـت کـه نقـش بـازی در فرآیند رشـد شـخصیتی کودک به خوبی آشـکار می‌شـود. بـازی از نظر جسـمی سـبب هماهنگی عضـلات و اعضای بـدن می‌شـود. کودکانی کـه فرصت بازی داشـته‌اند، چُسـت و چالاکنـد و بیشـتر بـرای رویارویـی بـا سـختی‌های زندگـی آماده می‌شـوند، بنابرایـن، در برابـر مشـکلات و ناملایمـات صبـور و پایـدار خواهند بود.

» ب) تربیت کودک

پیامبر اسلام ﷺ به پدران و مادران گوشزد می‌کند که هرگاه در کودکان خود فزون کنشی و به اصطلاح شیطنت و شلوغ بازی مشاهده کردند، مانع بازی و تحرک و فعّالیت آنها نشوند؛ زیرا ممکن است همین شلوغ بازی‌ها و جنب و جوش‌ها که گاه موجب به‌هم‌ریختگی اسباب و وسایل، ناراحتی و عصبانیت والدین می‌شود، به اخلاق فاضله و رفتارهای به‌هنجار آنان در بزرگسالی بیانجامد. به استناد روایت فوق هنگامی که هم پدر و هم مادر و یا یکی از آن دو بی‌حوصله باشند و تحمّل شلوغ بازی کودکان را نداشته باشند، نباید آسایش کودکان را از آنها سلب کرده و از بازی آنها جلوگیری کنند. در روایت دیگر از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «یُستحبُ عرامةُ الغلام فی صغره لیکون حلیما فی کبره. ثم قال: ما ینبغی الا أن یکون هکذا» مرحوم مجلسی در ذیل این روایت، «عرامه» را به شیطنت، بازیگوشی و علاقه بیش از حد کودک به بازی معنا کرده است. بنابراین، معنای روایت این می‌شود که: شایسته است کودک به هنگام خردسالی، بازیگوش و پر جنب و جوش باشد، تا در بزرگسالی صبور و شکیبا و باهوش شود. سپس فرمود: البته انتظار نمی‌رود که کودک غیر از این باشد.

اگر کودکی مطیع و آرام و به اصطلاح خوش اخلاق باشد، هنگام بزرگسالی، وابسته، کودن و کم هوش و ناشکیبا خواهد بود. پس بازی، شیطنت، شکستن و به هم ریختن، حقّ طبیعی کودک و نشانه هوش و زیرکی او در بزرگسالی است. والدین باید به آثار تربیتی بازی توجّه کنند و با الهام از سیره عملی معصومین علیهم‌السلام که به فرزندان خود اجازه بازی و تفریح می‌دادند، به کودکان خود اجازه دهند تا به تفریح و سرگرمی مشغول باشند.

خداوند در آیاتی از جمله آیات ۵ و ۸ سوره نساء از مؤمنان خواسته تا برخوردی شایسته و سازنده در گفتار و رفتار با کودکان داشته باشند. امام صادق علیه‌السلام دوران کودکی را دوران سفاهت می‌شمارد که با تربیت‌های مربیان به وسیله ابزارهای گوناگون از جمله تغذیه و آموزش و پرورش، این سفاهت به بلوغ و رشد فکری و اقتصادی و جسمی و جنسی تبدیل می‌شود. (تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ۴۴۲، ح ۵۰)

کـودکان نیازمنـد تربیـت بـه ویـژه از سـوی والدیـن خـود هسـتند. (اسـراء/ ۲۳و۲۴) خداونـد در آیـه ۵۸ سـوره نور پـدر و مادر را موظّف بـه تربیت فرزنـدان و تعلیم آداب می‌دانـد و از والدیـن می‌خواهـد تـا همـه تـلاش خویـش را بـه ایـن مبـذول دارند که ایـن امـر بـا روش‌هـای بـازی قابـل تحقـق اسـت. آمـوزش کـودکان بـه آداب زندگی ایـن فرصـت را بـه کـودکان می‌دهد تـا در جامعـه بتوانند بـه مراعات حقـوق دیگران بپردازنـد و توانایـی تحمّـل ایشـان بـالا بـرود. البتـه در این میـان مادر نقش بسـزایی در تربیـت کـودک دارد، لـذا خداونـد در آیه ۴ سـوره طـه و نیز آیات ۱۰ تا ۱۳ سـوره قصـص از مسـئله کفالـت مـادر برای تربیـت نیک کودک سـخن به میان مـی‌آورد. هر کسـی می‌کوشـد تـا بهتریـن کس را بـرای کفالت و سرپرسـتی کودک داشـته باشـد، در ایـن میـان مـادر بهتریـن گزینـه در این باره اسـت. مـادران با حوصلـه خاص خود به‌خوبـی می‌تواننـد ایـن وظیفـه را انجـام دهند.

رسـول خـدا ﷺ خطـاب بـه والدیـن می‌فرمایـد: «هفـت سـال فرزنـدت را بـه بـازی فراخـوان.» پیامبـر اکـرم ﷺ در فرصت‌هـای مناسـب بـا نوه‌هـای خود (امام حسـن و امـام حسـین علیهما السلام) بـازی می‌کـرد، و آنان را بـه بازی با همسـالان خود تشـویق می‌کرد.

۱. تربیت کودک در سنّت و سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام

روزی پیامبـر گرامـی اسـلام ﷺ از کنـار کودکانـی گذشـت که سـرگرم بـازی بودند. یکـی از اصحـاب، آنـان را از بازی منـع کرد. پیامبر اسـلام ﷺ فرمـود: «بگذارید بازی کننـد، خـاک چـراگاه کـودکان اسـت. » همچنیـن در جـای دیگـر می‌فرمایـد: «دع ابنـک یلعـب سـبع سـنین» فرزند خـود را آزاد بگذار تا سـن هفت سـالگی بـازی کند و حتّـی در سـنین بالاتـر هـم کـودکان را به بـازی توصیـه می‌کرد.

در روایـت اسـت کـه مؤمنـان می‌بایسـت بـه ایـن چهـار وظیفـه اصلـی در خانـواده خـود توجّـه داشـته باشـند: ۱. بدعائهـم الـی طاعـه الله؛ دعوت بـه اطاعـت خداوند ۲. و تعلیمهـم الفرائـض؛ آمـوزش واجبـات ۳. و نهیهـم عـن القبائـح؛ نهـی از محرمـات و زشـتی‌ها ۴. و حثهـم علی افعال الخیر؛ و تشـویق به کارهای خیـر و نیک. (بحارالانوار، ج ۱۷، ۶۸) بـا عنایـت بـه روایـت فوق پر واضح اسـت که بسـتر این تربیت در مسـجد

بـه نحـو احسـن فراهـم می‌گردد.

می‌تـوان از مسـجد و رهبـران دینـی بـر تربیت کـودک کمک گرفـت و اولیـا نیز خود تربیـت کـردن صحیـح را بیاموزند. رسـول خدا ﷺ در مـورد تربیت از سـنین کودکی فرموده‌انـد: هرکـس فرزنـدش را از کودکـی تربیـت کند تـا او بتواند بگویـد لااله‌الاالله، خداوندا ز او حسـاب نخواهد کشـید.

تربیـت دینـی کـودک در مسـجد به‌دلیـل تکـرار و تنوع محیطـی و گویشـی راحت‌تر اسـت. امـام صـادق ؑ می‌فرماینـد: هنگامـی کـه کـودک بـه سـه سـالگی رسـید «لااله‌الاالله» را بـه او بیاموزیـد و او را رهـا کنیـد. (همیـن مقـدار کافی اسـت.) وقتی هفـت مـاه دیگـر گذشـت «محمـد رسـول الله» ﷺ را بـه او آمـوزش دهیـد و سـپس او را رهـا کنیـد تـا چهـار سـاله شـود. آن گاه صلـوات فرسـتادن را بـه او بیاموزید. در پنـج سـالگی بـه او سـمت راسـت و چـپ را آمـوزش دهیـد و قبلـه را نشـان او داده و بگوییـد سـجده کنـد. آن گاه او را تا شـش سـالگی واگذاریـد. فقط پیـش روی او نماز بخوانیـد و رکـوع و سـجود را یـادش دهید تا هفت سـالش هم تمام شـود. وقتی هفت سـالگی را پشـت سـر گذاشـت، وضـو گرفتن را بـه او تعلیم دهیـد و بـه او بگویید نماز بخوانـد، تـا هنگامـی که نه سـاله شـد وضـو و نماز را به نیکـی آموخته باشـد. هنگامی کـه آن دو را بـه خوبـی یـاد گرفـت خـدا پـدر و مـادر او را بـه خاطـر این آموزششـان خواهـد آمرزید. (وسـائل الشـیعه، ج۱۵، ۳۹۱) و نیـز می‌فرماید: «علمـوا صبیانکم من علمنـا مـا ینفعهـم الله به لاتغلـب علیهم المرجئـه برایهـا»؛ کودکانتان را بـه دانش ما آمـوزش دهیـد که برای آنان سـودمند اسـت تـا مرجئـه [و منحرفین] بـا دیدگاه‌های خـود آنـان را گرفتـار دام خـود نسـازند. (الخصـال، ج۲، ۷۱) قواعد و اصـول و مقررات بازی‌هـا، کـودک را بـا روح قوانیـن و اصـول اخلاقـی آشـنا می‌سـازد و او را آمـاده می‌کنـد کـه اصـول و مقـررات زندگـی اجتماعـی را درک کنـد و مسـائل انضباطـی و اخلاقـی را درسـت و بـه موقـع بـه کار بنـدد. بسـیاری از اصـول ارزشـمند اخلاقـی و اجتماعـی ماننـد تعـاون، همکاری، همدلی، مشـارکت و مانند آن را کـودکان به هنگام بـازی می‌آموزنـد. از ایـن رو، والدیـن و مربّیـان بایـد امکانـات لازم را بـرای بازی‌هـای مفیـد کـودکان فراهـم کننـد و به هیـچ رو کودکان را منـع نکنند و به ایـن اصل توجّه

داشـته باشـند کـه شُـغل کودک تـا هفت سـالگی بازی اسـت.

۲. نقش مسجد در روح و روان انسان

انسـان امـروزی علی‌رغـم پیشـرفت تکنولـوژی بسـیار خسـته از زندگـی و روزمرّگی دنیاسـت و دچار نوعی آشـفتگی و عدم رضایت از تمام مراحل زندگی شـده اسـت. او نیازمنـد پناهـگاه امنـی برای بدسـت آوردن آرامش اسـت. جایگاهی کـه بتواند به آن اطمینـان کنـد و تکیه‌گاهـش باشـد و در آن فضـا بـه حقیقت سـکون روحـی - روانی دسـت پیـدا کنـد. مسـجد مأمن امـن الهی و پناهگاه انسـان اسـت. «ادخلو ها بسـلام آمنیـن» (حجـر/۴۶) ایـن قطعـه از زمیـن که مسـجد نـام گرفته بیشـتر از هـر مکان دیگـری نظـر رحمـت الهـی به آن اسـت. به همیـن دلیل نور خـدا را در ایـن مکان به وضـوح می‌تـوان دیـد. خانـه‌ای بـه‌دور از مظاهـر فریبنده دنیا و خسـته کننـده روح و روان، کـه نـام خـدا در آن بلنـد اسـت. مسـجد به عنـوان پناهگاهـی امن برای انسـان اسـت، چـه در شـرایط عـادی و چه در شـرایط بحران زندگـی آدمی، می‌توانـد کانونی مهـم برای ایجـاد خودباوری و آرامش انسـان باشـد.

این حریم پر نور و لبریز از صفا، این وادی مهر و صمیمیت و سرشـار از معنویت و عشـق، دوسـت داشـتنی‌ترین جـای زمیـن نزد خداسـت. ایـن مکان محل اسـتجابت دعـا، رفت و آمـد ملائکـه، ارتبـاط بـا خـدا و محـل آموزش تعالیـم وحـی و محلی برای پاسـخ‌گویی نیازهـای روحـی و روانـی و معنـوی انسان‌هاسـت. حال اگـر در این فضای نورانی، شـاکله شـخصیت انسـان شـکل بگیـرد و رشـد پیـدا کنـد، پیوسـتگی دائمـی روح آدمی بـا این فضـای پـاک می‌توانـد در تمام مراحـل زندگی، سـعادت ابـدی را تضمین کند.

از مسـائل مهمی اسـت که راه شـقاوت و یا سـعادت انسـان را رقم می‌زند، شکل‌گیری صحیـح شـخصیت انسـان می‌باشـد و پـر واضـح اسـت که عمـده شـخصیت آدمی در سـنین کودکـی شـکل می‌گیـرد. رشـد صحیـح و مکتبـی، اعتماد بـه نفـس، پایه‌های اعتقـاد دینـی، بـه فعلیّـت رسـیدن اسـتعدادهای نهفته در انسـان، علم آمـوزی، ادب، تواضـع و...تمـام ایـن مؤلّفه‌ها برای نهادینه شـدن شـخصیت انسـان عمدتـاً در دوران کودکـی شـکل می‌گیرد.

۳. مسجد کانون ارتباط عبد و معبود

همان‌طور که عوامل متعدّدی در ایجاد روحیه خودباختگی مؤثر است، عوامل دیگری می‌تواند در ارتقای روحیه خودباوری اثرگذار باشد که از جمله آنها، «مسجد» است. با توجّه به جایگاه مسجد در زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان، این نکته مبرهن است که در سخت‌ترین شرایط و بحرانی‌ترین حالات، انسان مؤمن، به خدا و مسجد پناهنده می‌شود و در این میعادگاه عاشقان، با معبود خود خلوت می‌کند. برای بهره‌مندی مؤثر از معنویات شخص نیاز دارد هم مجهز به اعتقادات سالم و کامل باشد و هم در فضایی معنوی قرار بگیرد. مصداق آیه مبارکه « و اذا رکبوا فی الفلک دعوالله مخلصین.»

۴. مسجد کانون ایجاد خودباوری فردی

پیامبر گرامی اسلام ﷺ همواره به کودکان احترام می‌گذاشت و دیگران را نیز به این امر سفارش می‌کرد. از سخنان آن حضرت است که فرمود: فرزندان خود را گرامی بدارید و با آداب نیکو با آنها معاشرت کنید. یکی از فلسفه‌های اصلی احترام به کودکان که در اسلام به آن سفارش شده، پرورش عزّت نفس آنها است. مسجد به‌دلیل اینکه یک محیط اجتماعی می‌باشد اگر در آن با کودکان با احترام برخورد شود، موجبات عزّت نفس و پذیرش دین را در کودکان به بهترین شکل فراهم می‌کند.

معمولاً در هنگام بازی بچه‌ها در مسجد به‌دلیل سر و صدا و یا شیطنت‌های خاصّ دوران کودکیشان مورد عتاب و یا رفتار خشن بعضی از بزرگسالان قرار می‌گیرند. از روایات بخوبی می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که احترام و درک آنان جز الزامات می‌باشد.

۵. ابراز محبّت به کودکان

یکی از راه‌هایی که باعث می‌شود افراد، احساس ارزشمندی کنند، ابراز محبّت به آنان است. محبّت عامل بسیار نیرومندی در شکل‌گیری شخصیت در تمام

دوره‌های رشد است؛ امّا این نیاز در دوره کودکی، اهمیّت و حساسیت بیشتری دارد، به گونه‌ای‌که شکل‌گیری و رشد شخصیت روانی کودک به ارضای این نیاز منوط است. از این رو، در آموزه‌های دینی، توجّه ویژه‌ای به آن شده و از محبّت به کودکان، به بهترین اعمال، وسیله رحمت الهی، و عبادت یاد شده و پیامبر گرامی اسلام ﷺ مکرّر به محبّت فرزند سفارش کرده است: «حبّوا الصبیان و ارحموهم و اذا وعدّتموهم ففوا لهم، فَانَّهم لاَ یَرَوُنَ اِلاّ اَنّکم ترزقونهم» کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربانی کنید، و هرگاه به آنان وعده دادید، به وعده خود عمل کنید؛ زیرا آنان شما را روزی‌دهنده خود می‌دانند.

«خودباوری» یکی از خصائص مؤمنان و از علائم رشد آنان است و ریشه در عزّت و کرامت انسان مؤمن دارد که خداوند متعال به او عطا کرده است. انسان مؤمن نسبت به دارایی‌ها و توانایی‌های خویش بی‌توجّه نیست، بلکه نسبت به آنها حسّاسیت دارد و بر پایه آنها برای آینده خود برنامه‌ریزی و حرکت می‌کند. خود را باور دارد و در عین حال نواقص، ضعف‌ها و کمبودها را نمی‌پوشاند.

احترام به کودکان و محبّت به آنان در رشد شخصیتی آنها نقش کلیدی دارد و بازی نیز نیاز کودک است، هنگام بازی از صدا و شلوغ کردن گرفته تا گاهی درگیری بین کودکان و...از مسائلی است که نمازگزاران را آزار می‌دهد. به هر حال مسجد جایگاه عبادت و مناجات با معبود است و نمازگزار نیازمند آرامش است. اگر مکان بازی بچه‌ها با محل عبادت یکی باشد مسلماً تداخل بوجود می‌آید. لذا ضمن حفظ احترام مسجد به‌عنوان محراب و محل عبادت، باید بچه از کودکی قرابت با مسجد را تجربه نماید و مزاحمتی هم برای مراسم نماز و تمرکز نمازگزاران نباید به‌وجود آید. هم باید شخصیت و اعتماد به‌نفس بچه تأمین گردد و هم حوصله بزرگسالانی که تحمل سر و صدای کودکان را ندارند رعایت گردد. جمع بین این دو حالت این است که اگر همزمان بخواهیم هر دو را با هم داشته باشیم دو فضای مجزا اختصاص داده شود و اگر فضای لازم وجود ندارد زمان‌بندی حضور کودکان مدیریت گردد.

۶. مسجد کانون اجتماعات اسلامی که زمینه‌ساز روحیه‌ی مذهبی در کودکان است

مسجد نقش مهمی در اجتماعات مؤمنان دارد. بدین جهت، مسجد می‌تواند در گسترش فرهنگ و روحیه خودباوری جمعی مؤثر واقع شود.

اجتماعات در روح و روان انسان‌ها آثار ماندگار می‌گذارند و از نشاط خاصی برخوردارند و معمولاً خاطرات خوش و مؤثر، در همین اجتماعات شکل می‌گیرند. کودک به لحاظ داشتن روحیه اجتماعی در این‌گونه محیط‌ها شاداب‌تر، با نشاط‌تر و اثر پذیرتر می‌شود. دنیای کودکی که دنیایی سرشار از نشاط و یادگیری و تقلید است و با حضور کودک در اجتماعات مذهبی شاکله و بنیادش با باورهای مذهبی شکل می‌گیرد.

مسجد جایگاهی است که بر پایه عبودیت و پرستش خداوند متعال، صفوف مؤمنین را یکپارچه به وجود می‌آورد. پیوستن مؤمنان به هم در یک فضا، یک زمان و با یک هدف امری بسیار مقدس و دارای آثار فراوان تربیتی است. «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا»

بی‌شک اگر این استحکام صفوف به استحکام قلوب و همگرایی دل‌ها و ایجاد اخوّتِ ایمانی منجر شود، نیرویی عظیم در روح مؤمنان ایجاد می‌کند که انسان مؤمن در مقابل ضعف‌ها، سختی‌ها و دشمنی‌ها هیچ بیمی به خود راه نمی‌دهد و تمرین اجتماعات باعث تولید نیروی ثانویه دیگری می‌شود که می‌توان آن‌را ایمان اجتماعی نامگذاری نمود. «کم من فئه قلیله غلبه فئه کثیره باذن الله...» که حتّی تعداد کم شما می‌تواند بر تعداد زیاد دشمنان به اجازه الهی پیروز شود.

این مهم می‌تواند در فرهنگ‌سازی جامعه نقش ایفا کند که اگر از دوران کودکی این نقوش در وجود انسان شکل بگیرد، پایه‌های شخصیتی روحی روانی و مذهبی انسان بطور صحیح ساخته می‌شود. برای رسیدن به این هدف لازم است از کودکی رابطه کودک با مسجد برقرار شود.

۷. ایمان در کودک

مهم‌ترین کارکرد مسجد کمک به تقویت ایمان است. ایمان مذهبی نقش مهم و اساسی در زندگی بشر دارد. استاد مطهری می‌نویسد: «ایمان مذهبی در انسان نیروی مقاومت می‌آفریند، تلخی‌ها را شیرین می‌گرداند. انسان با ایمان می‌داند هر چیزی در جهان حساب معینی دارد و اگر عکس‌العملش در برابر تلخی‌ها به نحو مطلوب باشد، فرضاً خود این غیرقابل‌جبران باشد به نحوی دیگر از طرف خداوند متعال جبران می‌شود.»

بدین جهت، کلیه برنامه‌های مسجد باید در راستای تقویت ایمان مؤمنان به داشته‌ها و ظرفیت‌های خود باشد؛ به‌خصوص تقویت ایمان مردم به دین و معارف ناب اسلامی که مهم‌ترین سرمایه انسان است. از این رو فضای معنوی و ربّانی مسجد نقش عمده‌ای در تقویت ایمان آدمی دارد.

۸. گسترش فضا برای خودشناسی کودک

در معارف اسلامی معرفت نفس جایگاه بسیار مهمی دارد. حفظ فطرت پاک کودک با فضاسازی مناسب برای تعلیم و تربیت و بازی مناسب و سالم امکان پذیر می‌باشد.

برو ای خواجه خود را نیک بشناس
که نبود فربهی مانند آماس

(شبستری در گلشن راز)

فضا و روح حاکم بر مسجد فضایی است که انسان را به خودشناسی وا می‌دارد و به جای آن‌که انسان گرفتار زرق و برق فیزیکی بی‌حاصل باشد، محیط تفکر را فراهم می‌آورد و موجبات پی بردن فرد به حقیقت خود را فراهم می‌سازد. مسجد بهترین جایی است که انسان نمازگزار می‌تواند در خلوت معنوی فرو رود.

یکـی از آثـار بازی مناسـب می‌توانـد فکر کردن و تمرکـز در فکر و درسـت فکر کردن باشـد. اصـولاً روی آوردن بـه تفکر آموزشـی اسـت کـه از کودکی تمرین می‌شـود و تا آخـر عمـر دوام می‌آورد.

۹. استحکام قلوب مؤمنین

مسـجد مهم‌تریـن جایـگاه در اسـلام اسـت کـه بر پایـه عبودیـت و پرسـتش حضرت حـق صفـوف، مؤمنیـن را بـه وجـود مـی‌آورد. پیوسـتن مؤمنـان بـه هم در یـک فضا، یـک زمـان و بـا یـک هدف امـری بسـیار مقـدس و دارای آثـار فـراوان تربیتی اسـت. بی‌شـک اگـر ایـن اسـتحکام صفـوف بـه اسـتحکام قلـوب و همگرایـی دل‌هـا و ایجاد اخـوتِ ایمانـی منجـر شـود، نیرویـی عظیـم در روح مؤمنـان ایجاد می‌کند که انسـان مؤمـن در مقابـل ضعف‌هـا، سـختی‌ها و دشـمنی‌ها هیچ بیمـی به خـود راه نمی‌دهد. چنان‌کـه در قـرآن کریـم آمـده اسـت: «کَـمْ مِنْ فِئَـةٍ قَلِیلَـةٍ غَلَبَـتْ فِئَـةً کَثِیرَةً بِـإِذْنِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ مَـعَ الصّابِرِینَ.»

» ج) آسیب‌های ناشی از عدم حضور کودکان در مسجد و انقطاع از مسجد

۱. خود فراموشی

بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل خودباختگی، خود فراموشی یا عدم شناخت خویشتن است. انسان اگر به خویشتن خویش علم و معرفت نداشته باشد، ارزش خود را نادیده می‌گیرد و به دنبال این و آن می‌رود. حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید: «مَن هانت علیه نفسُهُ فلا تَرجُ خَیرَهُ» از کسی که برای خود شخصیتی قائل نیست، امید نیکی مدارید.

۲. عدم توانایی ابراز وجود

یکی از نیازهای انسان به‌خصوص نوجوان و جوان، علاقه به خود و نیاز ابراز وجود و اثبات خود است. از این رو همواره به دنبال آن است که خود را معرفی کند و از این طریق به خودشکوفایی برسد. مانند شرکت در مراسم جمعی، گفتن اذان در جمع، قرائت قرآن و...اما اگر جوان جایی را برای عرضه خویشتن نیابد به «منفی گرایی» روی می‌آورد و به مقابله و جبهه‌گیری در قبال دارایی‌های خود و یا اطرافیان اقدام می‌کند.

۳. ضعف ایمان

نداشتن ایمان قلبی به معنویت و آخرت، بی‌توکّلی و بی‌صبری به وجود می‌آورد و در نبود این صفات در انسان، خودباختگی تولید می‌شود.

۴. احساس تنهایی در طریق

یک انسان معمولی اگر همراه خود انسان‌هایی را مشاهده کند که با او همدل و یک‌رنگ هستند، راحت‌تر به حرکت ادامه می‌دهد تا انسانی که خود را تنها مشاهده کند. تنهایی موجب وحشت، یأس، نا امیدی و نهایتاً خود باختگی است.

۵. عدم مشاهده و لمس آثار کاربردی توانایی‌ها

انسان‌ها دوست دارند آثار و برکات توانایی‌ها و دارایی‌های خود را به‌طور ملموس و محسوس احساس کنند.

۵-۱. گسست نسل‌ها

عدم ارتباط خوب و سالم میان نسل جوان با نسل پیش از خود، موجب نوعی گسست و فاصله می‌شود. اگر این گسست‌ها و فاصله‌ها جبران نشود به‌تدریج موجب بیگانگی جوان با فضا و فرهنگی می‌شود که نسل پیشین ساخته‌اند.

۵-۲. نداشتن الگو و عدم آشنایی با اندیشمندان علمی‌فرهنگی خود

الگو داشتن نقش بسیار مهمی در تربیت انسان دارد. اگر جوان مسلمان از مفاخر خود اطلاع نداشته باشد و در عوض دانشمندان و مفاخر بیگانه و حتّی هنرپیشه‌ها و ورزشکاران خارجی هر روزه به او معرفی شوند، نسبت به فرهنگ خود بیگانه می‌شود.

۵-۳. عدم اطلاع از پیشرفت‌های ملّی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی

نداشتن اخبار و اطلاعات دقیق و گسترده از پیشرفت‌های ملّی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی موجب ناامیدی می‌شود.

۵-۴. تبلیغات دشمن و تهاجم فرهنگی

دشمن با استفاده از نقاط ضعف ما و با استفاده از رسانه‌های خود موجبات خودباختگی ما می‌شود، و به‌تدریج غرب را به عنوان الگو و جامعه ایده‌ال معرفی می‌کند.

» د) آثار و برکات حضور کودک در مسجد

۱. ثمره تلاقی کودک و مسجد

بـازی کودکانـه‌ای کـه معقـول و مشـروع باشـد موجـب رشـد کـودک اسـت. فضـای معنـوی مسـجد به‌عـلاوه شـادی‌های کودکانه و ابزارهـای بازی‌های کودکانـه می‌تواند فطـرت بی‌آلایـش کودکانـه را بیـدار و جـذب نمایـد و ثابت‌قـدم گرداند.

۲. الدرس فی الصغر کالنقش فی الحجر

روح و روان کـودک در محیـط سـالم می‌توانـد آرامش واقعی را تجربـه نماید. در مکان امـن و معنـوی خاطراتـش شـکل می‌گیرد و نوع نگاهـش به زندگی و جهـان بینی‌اش شـکل گرفتـه و تکمیـل می‌شـود. اگـر فرزنـدان بـا ریشـه‌های دینـی و فرهنگـی مـا آشـنا نشـوند، بـا مشـکلاتی کـه در بالا ذکر شـد روبـرو خواهند شـد. آشـنایی و دین داریشـان رابطه مسـتقیمی بـا مراکز مذهبی از جمله مهم‌ترین آنها مسـجد می‌باشـد. برنامه‌هـای مسـاجد بایـد در راسـتای تقویت کـودکان و رفع آسـیب‌های فوق طراحی و اجـرا شـوند. اگـر کـودکان از دوران طفولیـت جـذب مسـجد شـوند و بیاموزنـد کـه پاسـخ سـؤالات و شـبهات خـود را همواره از محیط مسـجد دریافت نماینـد، در دوران بلـوغ تـا بزرگسـالی نیـز این ارتبـاط و پیوند برقرار خواهد ماند. ثمره شـادابی و نشـاط دوران کودکـی تـا پایـان عمـر در شـخص باقـی می‌مانـد و مثلاً اگـر خاطـره پیروزی تیـم ملّـی کشـور را در مسـجد و در کنـار سـایر دوستانشـان تجربـه نماینـد، خاطـره خـوش و مانـدگاری در آنـان بوجود مـی‌آورد. در قسـمت پیشـنهادات راهکارهایی در ایـن خصوص آمده اسـت.

») پیشنهاداتی جهت ارتباط کودک و مسجد و جذاب نمودن مسجد

۱. جذّاب نمودن محیط فیزیکی مسجد

- بردن طبیعت بداخل فضای حیاط مسجد مانند گل و گیاه و درختان میوه و ... .
- داشتن حوض آب کم عمق و پاکیزه و یا آب‌نما موجب نشاط و جذب کودکان می‌شود.
- استفاده از وسایل بازی نظیر تاب و سرسره و ... .
- استفاده از رنگ‌های شاد در محیط داخل مسجد.
- ایجاد اطاق‌های مخصوص بازی کودکان متناسب با سن مجهز به وسایل بازی فکری و اسباب بازی‌های فکری، نقاشی، خطاطی، کاردستی و بی خطر و با حضور مربی
- ایجاد مهدهای قرآنی ویژه ساعات نماز جهت آموزش نماز و وضو و حدیث و قرآن (در ساعات نماز این حسن را دارد که کوتاه بودن زمان کلاس‌ها به جذّابیت آنها می‌افزاید و موجب رجوع خانواده ها در ساعات نماز به مساجد می‌گردد.)
- ایجاد مهدهای قرآنی جهت نگهداری کودکان در ساعات اداری و با محوریت آموزش نماز و وضو و حدیث و قرآن و...(برتری چنین مهدهایی نسبت به مهدهای معمولی در این است که بجای آموزش موسیقی و موارد غیر ضرور و مضرّ، روح و روان کودک در محیطی مذهبی و شاد رشد می‌یابد.)
- ایجاد کلاس‌های رفع اشکال درسی مانند ریاضی و فیزیک و...برای سنین بالاتر توسط جوانان فارغ التحصیل یا دانشجوی محل به دانش آموزان و همچنین برای مقاطع مختلف تحصیلی.
- فراهم نمودن مکانی برای ارائه خدمات آموزشی در مسجد
- انجام آموزش توسط افراد مطمئن و متدّین (مانند طلّاب و دانشجویان محل) که خود یک الگوی عملی برای آموزش بیننده فراهم می‌آورند.
- جذب جوان به محیط مسجد و محیطی که فضای کار آموزی داشته و

می‌توانـد در ارتقـاء توانایـی کسـب و کار آتـی جوانـان موثر باشـد.

- ایجـاد پایگاه‌هـای تابسـتانی و برگزاری کلاس‌هـای هنری، معـرق، خطاطی، نقاشی و ...

۲. جذّاب نمودن محیط معنوی (نرم افزاری) مسجد

۲-۱. از جملـه وظایـف دولـت اسـلامی و مؤمنـان آن اسـت کـه کـودکان را از محیط کفـر و ظلـم بیـرون آورنـد و حتّـی بـا جهـاد و شـهادت اجـازه ندهنـد تا کـودکان در محیطـی رشـد کننـد کـه فطـرت ایشـان لطمـه ببینـد و نتواننـد کمـالات بایسـته و شایسـته خویـش را به دسـت آورنـد. خداوند در آیه ۷۵ سـوره نسـاء، نجـات کودکان از محیـط کفـر و شـرک را بـه عنـوان یـک وظیفه و مسـئولیت بـرای مؤمنـان تعریف کـرده اسـت و بـر همیـن اسـاس مسـئولیت دولـت اسـلامی در ایـن حـوزه به سـبب امکانـات و توانایی‌هـا بـه مراتـب سـخت‌تر و شـدیدتر اسـت.

۲-۲. بـرای جـذب مـردم بـه مسـاجد بایـد از طریـق اخـلاق، معنویـت و ابـزار هنری جـذّاب و زیبـا، نظافـت و برنامه‌هـای متنـوع و خـوب اسـتفاده کـرد کـه بسـیار مؤثر اسـت. بـه عبـارت سـاده ایجاد طهـارت ظاهـر و باطـن بوجـود آید.

و از برنامه‌هایی که در شـأن مسـاجد نیسـت و انواع آهنگ و سـبک‌ها برای مداحی‌ها و سـرودهایی که به کار می‌رود و در شـأن مسـجد نیست اجتناب شود.

۲-۳. خاطـرات دوران کودکـی می‌توانـد در شـخصیت انسـان بسـیار مؤثـر باشـد. مکان‌هـا و زمان‌هایـی کـه ایـن خاطـرات برای انسـان در کودکـی شـکل می‌گیرند، از اهمّیـت ویـژه‌ای برخوردارنـد. مکانی که احسـاس شـادابی می‌دهد از اهمیـت ویژه‌ای برخوردار اسـت.

در جـذب کـودکان بـه مسـجد، در حالاتـی ممکـن اسـت نیاز بـه اولویت بندی شـود کـه در ایـن صـورت کـودکان یتیم و مسـتضعف از اولویَـت بالاتری برخـوردار خواهند بود.

۲-۴. خداونـد بـا تأکیـد بـر حقـوق کـودکان یتیـم، خواهـان فرهنگ‌سـازی در ایـن زمینـه اسـت بـه گونـه‌ای کـه همـگان خـود خواهـان رعایـت حقـوق یتیمان شـوند.

مراعـات حقـوق کـودکان یتیـم به یـک فرهنـگ اجتماعی تبدیـل می‌شـود. از این رو خداونـد در آیـه ۸ و ۹ سـوره نسـاء بـه ایـن نکتـه مهـم و اساسـی اشـاره می‌کنـد.

۲-۵. از نظـر قـرآن رعایـت حقـوق کـودکان مسـتضعف از مصادیـق خیرات آشـکار و نیکی‌هـای پایـدار اسـت. (نسـاء/۱۲۷) ناگفتـه نمانـد کـه کـودکان مسـتضعف غیر از کـودکان یتیـم هسـتند هـر چنـد کـه می‌توانـد شـامل آنـان نیز شـود. خداونـد برای مراعـات حقـوق کـودکان مسـتضعف حتّـی از مـردم خواسـته اسـت تـا پـای جهاد و شـهادت نیـز پیـش برونـد. از این رو در آیه ۷۵ سـوره نسـاء مـردم را به جهـاد و دفاع بـرای حفـظ حقـوق کـودکان مسـتضعف تشـویق می‌کند.

پیشـنهاد عملـی کـه از دو بنـد اخیـر می‌تـوان گرفت این اسـت کـه علاوه بـر بنیادها و مراکـز رسـمی رسـیدگی بـه مسـتضعفان و ایتـام، به‌کمـک مسـجد و خیّرین محل نسـبت بـه سرپرسـتی و رسـیدگی بـه امور کـودکان یتیم و مسـتضعف اقـدام گردد.

» و) جذب کودکان به مسجد از طریق احترام، بازی و ایجاد مراکز پاسخگویی

۱. از معصوم توصیه شده است که در مساجد به خاطر مراعات پیرمردان و کودکان نمازهای جماعت را سریع بخوانند تا کسی خسته و دلزده نشود.

۲. نمازگزاران باید با کودکان با محبّت بیشتری برخورد کنند.

۳. پدران و مادرانی که کودکانشان را به مساجد می‌آورند، تحمّل فرزندان را در نظر بگیرند تا موجب دلزدگی کودکان از مساجد شوند.

۴. رفتار روحانیون و هیأت امنای مساجد باید برای سایرین الگو باشد تا هیچ فردی جرأت نکند در مساجد کودکان را مورد بداخلاقی قرار دهد.

۵. صدای بیش از حدّ بلندگوها در بعضی مساجد و یا عدم رعایت نظافت و بهداشت در مورد بوی بد پا، دهان یا بوی عرق بدن افراد که موجب عدم جذّابیت و حتّی موجب ایجاد دافعه برای کودکان، نوجوانان و جوانان می‌شود.

۶. بها دادن به جشن‌ها و ولادت‌ها به اندازه‌ای که کودکان مساجد را فقط جای عزاداری ندانند، موجب جذّابیت بیشتر مسجد برای کودکان می‌شود و شادیِ ایشان در مسجد شکل بگیرد.

۷. ترتیب دادن برنامه‌های جذاب برای کودکان و نوجوانان مانند اردوها، برنامه‌های ورزشی، مسابقات فرهنگی، هنری و ... که موجب کشاندن کودکان و نوجوانان به مساجد می‌گردد.

۸. پرهیز از هر گونه صحبتی که موجب عدم اعتماد یا بی‌علاقگی فرزندانمان به مؤمنان اهل مساجد گردد.

۹- عدم حضور یا حضور به ندرت والدین به همراه کودکان در مساجد مضر و بی فایده خواهد بود پس به نظر می‌رسد کیفیت و کمیّت حضور در مسجد باید مورد دقت والدین قرار بگیرد.

۱۰- بعضی مسائل ریز هستند که از نظر بزرگترها شاید هیچ جذابیتی نداشته باشند، اما برای کودکان جذاب و دوست داشتنی باشند. مثلاً فرض کنید در یک محفل قرآنی کودکانه، کودکان قرآن تلاوت می‌کنند، مثلاً همین قرائتشان با بلندگو انجام شود و یا در جایگاه خاص قرائت قرار بگیرند، جذابیت برنامه را برای کودکان افزایش می‌دهد.

» ز) راه‌های جذب کودکان به مسجد

۱. سلام کردن به کودکان

رسول خدا ﷺ خود به این سیره پایبند بود و همیشه آن را رعایت می‌کرد. انس ابن مالک می‌گوید: ما کودک بودیم که پیامبر ﷺ بر ما گذشت و فرمود: «سلام بر شما کودکان.»

یکی دیگر از عوامل و زمینه‌هایی که باعث احساس ارزشمندی در کودک می‌شود و اسلام بر آن تأکید کرده، سلام کردن به کودکان است. پیامبر گرامی اسلام در این باره فرمود: «خمسٌ لا أدعهُنَّ حتّی المَمَاتِ [...الی ان قال] و التسلیم عَلَی الصّبیَانِ لِتَکُونَ سُنَّةً مِنْ بعدی» پنج چیز را تا هنگام مرگ ترک نخواهم کرد [...تا اینکه فرمود] و (پنجمین عمل) سلام کردن به کودکان (است) برای اینکه سنّتی باشد وپس از من (باقی بماند.)

۲. ایجاد ارتباط مفید بین جوانان محل از طریق بازی‌های محلی

بازی‌های محلی و مسابقات محلی و برگزاری این نوع مراسم از طریق مساجد می‌تواند در جذب جوانان به مسجد و ارتباطشان با یکدیگر بسیار مؤثر است.

۳. احادیث ورود کودکان به مسجد

در این باب دو دسته حدیث داریم:

احادیثی که ورود کودکان را به مسجد مکروه می‌شمارد.

احادیثی که دلیل بر جواز حضور کودکان در مسجد، و تشویق بدان امر است.

در دو سه حدیثی که به طرق مختلف در باب کراهیت حضور کودکان در مساجد وارد شده است صرف نظر از اینکه تقدم در کلمات آنها مشاهده می‌شود چنین است : « جنبوامساجدکم مجانینکم وصبیانکم» رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: از مساجدتان دیوانگان و کودکان خود رادورنگه دارید. (نوری ،ج ۱،۲۳۰)

البته، شماری از علمای اهل سنّت از این حدیث حکم عدم جواز ورود کودک را به مسجد استنباط کرده و بدان فتوی داده اند. قابسی از مالک نقل می‌کند: اگر

کـودک در سـنین بـازی و شـیطنت اسـت، مـن ورود او را بـه مسـجد جایـز نمی‌دانم. (داغ،تاریـخ تعلیـم وتربیـت دراسـلام،۱۲۳) امـا در مقابل مـا در مأخذ دینی شـاهدیم کـه پیامبـر ﷺ و اصحـاب، بچـه هـای خـود را به مسـجد می‌آورنـد. نه تنهـا بچه‌های سـه چهـار سـاله بلکـه زنـان اصحـاب بـا بچه‌هـای شـیرخوار خـود در نمـاز جماعـت حاضر می‌شـدند.

گاهـی، پیغمبـر ﷺ درحـال سـجده بودنـد، که امام حسـن علیه‌السلام می‌آمدند و بر پشـت پیامبـر ﷺ می‌نشسـتند. پیغمبـر ﷺ بـه همـان حـال می‌ماندنـد و سـجده را طـول می‌دادنـد. (قرشـی،ج۱،۶۸) شـبی پیامبر ﷺ در نماز عشـاء سـجده‌ای بسـیار دراز به جـا آورنـد. پـس از پایان نماز، علّت را از ایشـان پرسـیدند، پیامبر ﷺ فرمودند: پسـرم حسـن بر پشـتم سـوار بـود، و ناراحت بـودم که پیـاده‌اش کنم. (قرشـی،ج۱، ۶۸)

ابـن عمـر دربـاره پیامبـر ﷺ چنیـن می‌گویـد:« رایـت رسـول الله ﷺ علـی المنبـر یخطـب النـاس، فخـرج الحسـن فعثـر، فسـقط علـی وجهـه، فنزل علـی المنبـر یرید اخـذه، فاخـذه النـاس فاتـوا به، قـال قاتـل الله الشـیطان : ان الولد فتنـه و الله ماعلمت انـی نزلـت مـن المنبـر حتـی اتیت به » (رسـول خـدا ﷺ را دیـدم که در منبـر برای مـردم سـخنرانی می‌کـرد امـام حسـن علیه‌السلام درخـروج از مسـجد پایـش لیز خـورد و به زمیـن افتـاد. حضـرت از منبـر پایین آمد تـا او را بگیرد. مردم او را گرفتند و به ایشـان دادنـد. حضـرت ﷺ فرمودنـد: خـدا شـیطان را بکشـد. واقعـاً فرزنـد موجـب آزمایش اسـت. بـه خـدا قسـم، هیـچ متوجّـه پاییـن آمـدن از منبر نشـدم، تـا اینکـه او به من رسـانده شـد.) (هندی کنزالعمـال،ج۱۶، ۲۸۹)

حضـور نوه‌هـای پیامبـر در مسـجد مؤیّـد این کلام اسـت که نـه تنها پیامبـر با حضور کـودکان در مسـجد مخالـف نیسـتند، بلکـه بـازی حسـنین در مسـجد هنـگام نمـاز دلیـل بـر تأکیـد بر حضـور کودکان اسـت.

» نتیجه‌گیری

بـه مصـداق روایـت شـریفه از رسـول اکرم ﷺ کـه نماز را به منزله چشـمه‌ای تشـبیه فرمودنـد کـه مسـلمین روزانـه ۵ نوبت خـود را در آن می‌شـویند، بهترین مـکان برای ایـن شست‌وشـو مسـجد اسـت. در واقـع بـا ایـن شست‌وشـو کدورت‌هـا و ناپاکی‌های نفـس انسـان شست‌وشـو می‌شـود و نفـس امّـاره تربیـت شـده و تحـت کنتـرل نفس لوّامـه یـا همـان نفـس عاقلـه در خواهـد آمـد. انسـان‌ها می‌تواننـد بـا مراقبـت از رفتارهـای خـود در زمینه‌هـای مختلـف، بهشـت را نصیـب خـود کنند که این بسـیار ارزشـمند است.

و بـه مصـداق روایـات امیرالمؤمنیـن علیه‌السلام کـه فرمـود هرکـس بتوانـد عقل خـود را بر شـهوت خـود قالـب کنـد، از ملائک هـم بالاتر اسـت و هرکس که شـهوتش بر عقلش قالـب شـود از حیـوان کمتـر خواهـد بـود. مسـجد محلّـی بـرای شـکوفایی باطـن و پیـروزی نفـس مطمئنه انسـان بر نفـس امّاره او خواهـد بود که سـعادت دنیا و آخرت شـخص را تضمیـن می‌نمایـد. دوران کودکـی دوران بـازی اسـت و ایـن بازی‌هـای کودکانـه نقـش اساسـی در فرآینـد رشـد کـودک دارد. نمونـه‌ای از بازی‌هـای بـدون ابـزار و بـر پایـه فکـر کـه در سـیره ائمـه گـزارش شـده اسـت و می‌تواند الگـوی بازی در دوران امـروز نیـز باشـد. بسـتر ایـن تربیـت دینی در مسـجد به نحو احسـن فراهم می‌گـردد. می‌تـوان از مسـجد و رهبـران دینـی بـر تربیـت کـودکان کمـک گرفـت، و اولیـا نیـز خـود تربیت کـردن صحیح را با مشـورت بیاموزنـد. تربیت دینـی کودک در مسـجد به‌دلیـل تکـرار و تنـوع محیطـی و گویشـی راحـت تـر اسـت. واضح اسـت که عمـده شـخصیت آدمـی در سـنین کودکـی شـکل می‌گیرد. رشـد صحیـح و مکتبی، اعتمـاد بـه نفـس، پایه‌هـای اعتقـاد دینـی، بـه فعلیّـت رسـیدن اسـتعدادهای نهفتـه در انسـان، علـم آمـوزی، ادب، تواضـع و...تمـام ایـن مؤلفه‌هـا بـرای نهادینـه شـدن شـخصیت انسـان عمدتـاً در دوران کودکـی شـکل می‌گیـرد.

مسـجد به‌دلیـل اینکـه یـک محیـط اجتماعـی می‌باشـد، اگـر در آن بـا کـودکان بـا احتـرام برخـورد شـود، موجبات عـزّت نفس و پذیرش دیـن را در کـودکان به بهترین شـکل فراهـم می‌کنـد. معمـولاً در هنـگام بـازی بچه‌ها در مسـجد به‌دلیل سـر و صدا

و یـا شـیطنت‌های خـاص دوران کودکیشـان مـورد عتـاب و یـا رفتار خشـن بعضی از بزرگسـالان قـرار می‌گیرنـد. از روایـات به‌خوبـی می‌تـوان این‌گونـه نتیجه‌گیـری کرد کـه احتـرام و درک آنـان جـزء الزامات می‌باشـد.

احتـرام بـه کـودکان و محبّـت به آنان در رشـد شـخصیتی آنهـا نقش کلیـدی دارد و بـازی نیـازش اسـت، هنـگام بـازی از صـدا و شـلوغ کـردن گرفته تـا گاهـی درگیری بیـن کـودکان و...از مسـائلی اسـت کـه نمازگـزاران را آزار می‌دهد. به هر حال مسـجد جایـگاه عبـادت و مناجات با معبود اسـت و نمازگـزار نیازمند آرامش اسـت. اگر مکان بـازی بچه‌هـا بـا محل عبـادت یکی باشـد، مسـلماً تداخل به‌وجـود می‌آیـد. لذا ضمن حفـظ احتـرام مسـجد به‌عنـوان محـراب و محـل عبـادت باید بچـه از کودکـی قرابت بـا مسـجد را تجربـه نمایـد و مزاحمتـی هـم بـرای مراسـم نمـاز و تمرکـز نمازگزاران نبایـد به‌وجـود آیـد. هـم باید شـخصیت و اعتمـاد به‌نفس کـودک تأمین گـردد و هم حوصلـه بزرگسـالانی کـه تحمل سـر و صـدای کـودکان را ندارند رعایت گـردد. جمع بیـن ایـن دو حالـت این اسـت که اگـر همزمان بخواهیم هر دو را با هم داشـته باشـیم دو فضـای مجـزا اختصـاص داده شـود و اگـر فضـای لازم وجـود نـدارد زمان‌بنـدی حضور کـودکان مدیریـت گردد.

ایـن مهـم می‌توانـد در فرهنگ‌سـازی جامعـه نقش ایفا کنـد که اگـر از دوران کودکی ایـن نقـوش در وجود انسـان شـکل بگیرد پایه‌های شـخصیتی روحی روانـی و مذهبی انسـان به‌طـور صحیـح سـاخته می‌شـود. بـرای رسـیدن بـه ایـن هـدف لازم اسـت از کودکـی رابطـه کودک با مسـجد برقرار شـود.

منابع

» قرآن کریم.
» نهج الفصاحه.
» ابن بابویه، محمد بن علی،الخصال، مترجم محمد باقر کمره ای، تهران، کتابچی، ۱۳۷۷.
» استرن، ویلیام، روانشناسی کودک.
» حسام الدین هندی، علاء الدین، کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج۵، بیروت، نشر مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
» داغ، محمد، تاریخ تعلیم وتربیت دراسلام، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۹.
» سمیر نوویچ ماکارنکو، آنتوان، روانشناسی تجربی کودک.
» شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مصحح مؤسسه آل البیت؛ قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
» طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، بیتا.
» مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ق.
» نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
» هویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، علمیه، ۱۳۸۳ق.
» الهیثمی، نور الدین علی بن أبی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد دار الکتاب العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۹۶۷م.

مسجد به مثابه یک رسانه و جایگاه آن در تربیت کودک و نوجوان

امید نیک داد [1]

چکیده

رسانه در عصر حاضر جزء اساسی‌ترین دانش‌های بشری است که توانسته به عنوان عنصری کلیدی و تعیین کننده، دنیای کنونی را در عین وابستگی، تحت الشعاع خود قرار دهد. رسانه‌ها به ابزارهای انتقال پیام‌ها از فرستنده یا فرستندگان به مخاطب یا مخاطبان گفته می‌شود، که شامل روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، فنّاوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و... است. رسانه به سبب داشتن ویژگی‌هایی همچون سرعت انتشار، نظم انتشار، گستردگی حوزه انتشار، تداوم انتشار، فراگیری و پوشش مخاطبان، دستیابی به قضاوت و داوری مخاطبانِ انبوه و آسانی دسترسی و هزینه ناچیز، داری نقش و

[1] . دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه اخلاق
Email: omid.nikdad@yahoo.com.

اهمیّت بسیار مهمی در عصر حاضر هستند. رسانه‌ها دارای کارکردهایی همچون خبررسانی و ابلاغ پیام، کارکرد نظارتی، کارکرد تعلیم و آموزش، سرگرم‌سازی و پر کردن اوقات فراغت، نوگرایی و توسعه، راهنمایی و رهبری، بحران‌زدایی و ... است. در این میان تلویزیون به سبب داشتن مخاطبین بیشتر از اهمیّت بیشتری در امر تربیت کودکان و نوجوانان برخوردار است. از جمله کارکردهای مهم تلویزیون می‌توان به پر کردن اوقات فراغت، اجتماعی شدن و کارکرد تعلیم و آموزش اشاره کرد. با توجه به این ویژگی‌های رسانه، مسجد نیز به علّت داشتن شاخصه و ابزارهایی مانند منبر جزء رسانه‌های قدیمی محسوب می‌شود و دارای کارکردهای مشابهی، همچون کارکرد فرهنگی، (پر کردن اوقات فراغت) کارکرد اجتماعی و روان‌شناختی، کارکرد آموزشی، سیاسی، تربیتی و ... است. با توجّه به این مطالب این سؤال مطرح می‌شود که آیا مسجد به مثابه یک رسانه می‌تواند همان جایگاه و نقشی را که رسانه‌ای مانند تلویزیون در تربیت کودک و نوجوان را ایفا می‌کند، داشته باشد. مسجد از نخستین روزهای ظهور اسلام به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایگاه اسلام و مکانی برای انجام فرایض دینی، برنامه‌ریزی در خصوص مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و ...، از جایگاه والایی برخوردار بوده است. از این رو دارای اشتراکات زیادی از نظر کارکردها با دیگر رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون در تربیت کودک و نوجوان است؛ که در حقیقت می‌تواند با کمی برنامه‌ریزی و دقت در استفاده از این کارکردها، پایاپای سایر رسانه‌ها در امر تربیت کودک و نوجوان پیش رود.

واژگان کلیدی:

رسانه، مسجد، تلویزیون، کارکردهای رسانه، تربیت، کودک و نوجوان.

» مقدمه

بشـر همـواره از وسـیله‌ای بـرای برقـراری ارتبـاط اسـتفاده می‌کرده اسـت، تـا بتواند پیـام خـود را بـه دیگـران برسـاند، او در ابتـدای آفرینـش بـا حیوانـات تفـاوت زیادی نداشـت، زیـرا اطلاعـات را به شـیوه آنان، یعنـی از طریق لمس کردن، حـرکات چهره و ...، مبادلـه می‌کـرد؛ امـا بـرای روحیـه کنجـکاو او، ایـن وسـایل ابتدایـی ناکافی بود و نمی‌توانسـت نیازهـای او را برطـرف سـازد. انسـان‌های عصـر گذشـته در زمان‌هـای دور، از ارتباطـات چهـره بـه چهـره و رودررو اسـتفاده می‌کردنـد و از طریـق کوبیـدن بـر طبـل و دود، پیام‌هایشـان را بـرای دیگـران ارسـال می‌کردنـد. بشـر ایـن دوره از دنیـای بیـرون بی‌خبـر بـود تـا اینکـه بعـد از مدتـی بـه زبـان شـفاهی دسـت یافت و ارتباطـات جنبه مسـتقیم شـنیداری و دیـداری پیدا کرد و در ایـن کار از ۵ حس خود اسـتفاده می‌کـرد؛ ولـی حـس غالب، حس شـنوایی بـود؛ این رونـد ادامه داشـت تا در یونـان حـروف الفبـا اختـراع شـد و عصر کتابت آغاز شـد. بعدهـا اختراع چاپ توسـط گوتنبـرگ موجـب شـد انسـان برای ارتبـاط برقرار کردن به نوشـتار چاپـی روی آورد. در اینجـا حـسّ غالـب، حـسّ بینایـی بود و علاوه بـر محتوا به رسـانه و وسـیله انتقال پیـام توجـه شـد. مطبوعـات یکـی از محصـولات مهـم در جامعـه صنعتـی بـود کـه بـه دلیـل افزایـش جمعیّـت انسـان‌ها، تنهـا از مطبوعـات و روزنامه‌هـا نمی‌توانسـتند نیازشـان را بـرآورده کننـد. اختـراع بـرق توسـط توماس ادیسـون و پیدایـش تلگراف توسـط سـاموئل مورس سـبب شـد انسـان بـرای نخسـتین بـار اطلاعات را با سـرعت بـالا بـه مسـافت‌های طولانـی انتقـال دهـد، پـس از مدتـی تلفـن توسـط الکسـاندر گراهـام بـل و واتسـون بـه وجـود آمـد کـه عـلاوه بـر غلبه بـه زمـان و مـکان، صدای انسـان دیگـری کـه کیلومترهـا بـا آن فاصلـه داشـت از طریـق ایـن دسـتگاه شـنیده می‌شـد؛ امـا بـه دلیل اسـتفاده از سـیم، محدودیـت در ارتباطات ایجاد شـد؛ با اختراع رادیـو توسـط مارکنـی در قـرن ۱۹، انسـان وارد عصـر الکترونیـک شـد و در آغـاز کهکشـان مارکنـی، حـس غالـب، حس شـنیداری بـود در مرحله بعد سـینما توسـط بـرادران والدنـر در آمریـکا متولد شـد. این وسـیله ارتباطی در ابتدا هدفش سـرگرمی و پـر کـردن اوقـات فراغـت بـود. بعـد از جنـگ جهانـی دوم، تلویزیون به عنـوان یک

رسـانه همگانـی بـه وجـود آمـد کـه توانسـت پیام‌هـا را بـرای میلیون‌هـا نفر بـه طور همزمان ارسـال کند. در سـال ۱۹۵۷ روس‌ها، نخسـتین ماهواره به نام اسـپوتنیک را بـه مـدار زمیـن فرسـتادند، ظهـور کامپیوتر باعث شـد انسـان بتواند اطلاعـات فراوان در کامپیوتـر ذخیـره نمایـد. با راه‌اندازی شـبکه‌های محلی و شـبکه جهانـی اینترنت، فیبرهـای نـوری بالاتریـن حجـم اطلاعـات را در کوتاه‌ترین زمـان به فواصـل مختلف ارسـال می‌کردنـد و وسـایل ارتباط‌جمعـی وارد عرصه انتقـال پیام‌های چندرسـانه‌ای شـدند. (تجـری غریب آبـادی، ۱۳۸۹، ۲)

با توجه به پیشـینه رسـانه، رسـانه در یک تعریف شـامل وسـیله‌ای برای نقل و انتقال اطلاعـات، ایده‌هـا و افـکار افراد یا جامعه؛ و واسـطه عینی و عملـی در فرآیند برقراری ارتبـاط اسـت و دارای انواع گوناگونی ماننـد روزنامه، کتاب، رادیـو، تلویزیون، ماهواره، فنّاوری‌هـای نویـن ارتباطـات و اطلاعـات و اینترنـت و ...، اسـت. در ایـن تعریف منبر نیـز از جملـه رسـانه‌ها محسـوب می‌شـود. رسـانه‌ها بنـا بـر تعریـف یـاد شـده دارای کارکردهـای گوناگونـی همچون، خبررسـانی و ابلاغ پیـام، کارکرد نظارتی، آموزشـی، آگاهی‌رسـانی، اجتماعـی، کارکـرد تبلیغی، هدایتی و غیره هسـتند.

مسـجد نیـز در بیـن مسـلمانان از صـدر اسـلام تا کنـون از اهمیّـت و جایـگاه والایی برخـوردار بـوده اسـت و آیـات و روایات زیـادی در وصـف منزلت و اهمیّـت این مکان مقـدس آمده اسـت. مسـجد از نخسـتین روزهای ظهور اسـلام به عنـوان بزرگ‌ترین و مهم‌تریـن پایـگاه اسـلام و مکانی بـرای انجام فرایـض دینی، برنامه‌ریـزی در خصوص مسـائل اجتماعی، سیاسـی، فرهنگی، علمی و ...، بوده اسـت. در قرآن واژه مسـجد ۲۸ بـار بـه صـورت مفرد و جمع آمـده که در ۲۲مورد بـه صورت مفـرد و در ۶مورد دیگر، بـه صـورت جمـع ذکر شـده اسـت. (میرنـژاد۱۳۹۱) بـا توجه بـه این مطلـب بحث بر سـر ایـن موضـوع اسـت کـه آیـا بـا توجـه بـه کارکردهـای رسـانه‌ها و همچنیـن این نکتـه مهـم کـه منبـر و مسـجد نیـز از جمله رسـانه‌ها محسـوب می‌شـود و همچنین بـا توجـه بـه کارکردهـای مشـترک بـا رسـانه‌های دیگر اساسـاً مسـجد نیـز می‌تواند همـان جایگاهـی کـه رسـانه‌ها بـا کارکردهـای تربیتـی به‌ویـژه در تربیـت کـودک و نوجوان دارد، (رسـانه در اینجا تلویزیون مدنظر اسـت و کودک و نوجوان از ۲/۵ سـال

تـا ۱۸ سـال مدنظـر اسـت) نیز داشـته باشـد و اگر پاسـخ مثبت اسـت، نیاز بـه انجام چـه کارهـا و برنامه‌ریزی‌هایـی اسـت. در ایـن مختصـر کـه در چهـار بخـش تدویـن شـده اسـت ضمـن تبییـن رسـانه و جایـگاه و اهمیّـت و کارکردهـای آن بـه بررسـی نقـش یکـی از ایـن رسـانه‌ها (تلویزیـون) در تربیـت کـودک و نوجوان پرداخته شـده اسـت. در ادامـه نیـز بـا توجـه بـه رسـانه بودن مسـجد بـه بررسـی اهمیّـت و جایگاه مسـجد و همچنین کارکردهای مسـجد پرداخته اسـت و سـپس به تطبیق اشـتراکات کارکـردی این رسـانه با رسـانه دیگـر در تربیت کـودک و نوجوان پرداخته اسـت و در پایـان نیـز بـه ارائـه راهکارهایـی بـرای ایـن مطلب که مسـجد اگـر بخواهد در شـمار رسـانه‌های قـوی و مفیـد باشـد چـه کارهـا و برنامه‌ریزی‌هایـی بایـد انجام شـود.

» الف) رسانه

۱. مفهوم شناسی رسانه

رسانه‌ها به ابزارهای انتقال پیام‌ها از فرستنده یا فرستندگان، به مخاطب یا مخاطبان گفته می‌شود؛ که شامل روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، فنّاوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و ...، است. این وسایل دارای ویژگی‌هایی مانند پیام‌گیران ناآشنا، سرعت عمل زیاد و تکثیر پیام هستند. (دادگران ۱۳۸۴، ۵۶) در حقیقت رسانه وسیله‌ای برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد یا جامعه، و واسطه عینی و عملی در فرآیند برقراری ارتباط است. (از کمپ، ۱۳۷۶، ۱۳۲) با توجه به این تعریف منبر نیز در ردیف رسانه‌ها شمرده می‌شود. رسانه با توجه به نوع ارتباط با مخاطب و همچنین نحوه این ارتباط دارای انواع گوناگونی است که در ذیل به این تقسیم‌بندی اشاره شده است.

۲. انواع رسانه‌ها

با توجه به گسترش روزافزون فناوری در دنیا، رسانه ها را می‌توان در انواع زیر طبقه‌بندی نمود:

۲-۱. رسانه‌های نوشتاری، مانند مطبوعات، کتاب و مجلّات؛

۲-۲. رسانه‌های شنیداری، مانند رادیو؛

۲-۳. رسانه‌های دیداری، مانند تلویزیو؛ن، سینما، اینترنت، منبر؛

۲-۴. رسانه‌های ابزاری، مانند اعلامیه، بروشور، تابلوی اعلانات، کاتالوگ، پوستر، تراکت، شعارنوشته، آرم، لوگو، فیلم‌های تبلیغی، فیلم کوتاه و بلند، سخنرانی، همایش و تئاتر؛

۲-۵. رسانه‌های نهادی یا گروهی، همچون روابط عمومی‌ها، شرکت‌های انتشاراتی، بنیادهای سینمایی؛

۲-۶. رسانه‌های فرانهادی همچون خبرگزاری‌ها، دفاتر روابط بین‌الملل، کارتل‌ها، بنگاه‌های سخن‌پراکنی و تراست‌های خبری، شرکت‌های چندملّیتی سازه، فیلم‌های سینمایی، شبکه‌های ماهواره‌ای.

۳. اهمیّت و ویژگی رسانه‌ها

رسانه در عصر حاضر جزء اساسی‌ترین دانش‌های بشری است که توانسته به عنوان عنصری کلیدی و تعیین‌کننده، دنیای کنونی را در عین وابستگی تحت الشعاع خود قرار دهد.

بحث ارتباطات و رسانه‌های گروهی از چنان اهمیّتی برخوردار است که در سده اخیر، اطلاعات و ارتباطات به کالایی قابل تبادل تبدیل شده است و محوری اساسی و مهم برای تعامل دولت‌ها و همگرایی ملت‌ها قرار گرفته‌اند؛ لذا امروزه بحث ارتباطات و رسانه‌ها مرزهای ملی را در نوردیده و به کالایی فراملّی و فرامرزی تبدیل شده است، بنابراین دارای نقش مهمی در برنامه‌ریزی و تصمیم سازی در همه شئون جامعه و اجتماعات است. عدّه‌ای مانند دانیل لرنر و لوسین پای معتقد به نقش رسانه‌ها در ایجاد هم‌فکری میان افراد جامعه و بالا رفتن آگاهی‌های سیاسی و در نتیجه مشارکت وسیع‌تر و همه‌جانبه مردم هستند. (کازنو ۱۳۵۶، ۳۳۳)

برخی دیگر چون ساموئل هانتینگتون بر تأثیر رسانه‌های گروهی در ایجاد توقع روزافزون میان مردم تأکید دارند و گروهی دیگر مانند ویلبر شرام که عمدتاً منتقد نقش رسانه‌های گروهی هستند، از نقش تخدیری رسانه‌ها سخن می‌گویند. این نظریات را اگر در کنار نظریات دیگری مانند نظریه آینه‌ای [معتقدند که جایگاه رسانه‌ها مانند آینه است که باید تمام حقایق را بیان نماید] و نظریه تحمیلی [در این دیدگاه وظیفه رسانه‌ها تحمیل و القاء نوعی خاص از ارزش‌های سیاسی مذهبی یا ملی است] قرار دهیم، (محمدی ۱۳۷۰، ۱۲۵) به این نتیجه خواهیم رسید که جایگاه رسانه‌های گروهی و اهمیّت آن بسیار قابل توجه و مهم است. رسانه به سبب داشتن ویژگی‌هایی همچون: سرعت انتشار، نظم انتشار، گستردگی حوزه انتشار، تداوم انتشار، فراگیری و پوشش مخاطبان، دستیابی به قضاوت و داوری مخاطبان انبوه و آسانی دسترسی و هزینه ناچیز داری نقش و اهمیّت بسیار مهمی در عصر حاضر هستند.

۴. کارکردهای رسانه

بـرای آنکـه بتوانیـم از رسـانه‌های مختلـف بهـره کافـی و درسـت را ببریم، ابتـدا باید کارکردهـای رسـانه را بـه طـور کامـل دانسـت تـا بتـوان از ایـن ابـزار مهـم بـه نحـو ایـده‌آل و درسـت بهـره بـرد. بـرای رسـانه‌ها کارکردهـای مختلـف و گوناگونـی بیـان شـده اسـت کـه در ایـن نوشـتار بـه مهم‌تریـن آنها بـه نحـو اختصار اشـاره می‌شـود:

۴-۱. کارکرد خبررسانی و ابلاغ پیام

اولیـن و شـاید یکـی از اساسـی‌ترین کارکـرد رسـانه، خبررسـانی و ابـلاغ پیـام بـه مخاطبیـن باشـد، ایـن کار نیز می‌تواند به دو شـیوه و شـکل مسـتقیم و غیر مسـتقیم انجـام شـود. در حقیقـت ایـن ویژگـی رسـانه جـزء فلسـفه وجودی رسـانه اسـت.

۴-۲. کارکرد نظارتی

یکـی از مهم‌تریـن کارکردهـای رسـانه خبـری، نظـارت بـر محیـط اسـت. کارکـرد نظـارت و حراسـت از محیـط، شـامل رسـاندن اخبـار توسـط رسـانه‌ها می‌شـود؛ کـه بـرای اقتصـاد و جامعـه ضروری اسـت؛ مانند گزارش اوضاع سـهام، ترافیک و شـرایط آب و هوایـی. (انـکارد، جیمـز و سـورین، ورنـر ۱۳۸۶، ۴۵۱-۴۵۲)

۴-۳. کارکرد تعلیم و آموزش

یکـی دیگـر از کارکردهـای مهـم رسـانه، کارکـرد آموزشـی یـا انتقـال دانسـته‌ها و فرهنـگ اسـت. رسـانه‌ها فراهـم آورنـده دانـش و شـکل‌دهنده ارزش‌هـا هسـتند و مـردم همـواره از آنهـا تأثیـر می‌پذیرنـد و دانـش می‌آموزنـد؛ لـذا بحـث آمـوزش و تربیـت جامعـه می‌توانـد یکـی از کلیدی‌تریـن ویژگی‌هـای رسـانه باشـد. اهمیّـت وظیفـه آموزشـیِ وسـایل ارتباطـی در جوامـع معاصـر، بـه حـدّی اسـت کـه بعضـی از جامعه‌شناسـان بـرای مطبوعـات، رادیـو و تلویزیـون، سـینما و سـایر رسـانه‌ها، نقـش آمـوزش مـوازی بـا آمـوزش دائمـی قائـل هسـتند. آنهـا معتقدنـد کـه وسـایل ارتباطـی بـا پخـش اطلاعـات و معلومات جدید، به موازات کوشـش معلمان و اسـاتید،

دانستنی‌های عملی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و دانشجویان را تکمیل می‌کنند. (معتمدنژاد ۱۳۸۵، ۵)

۴-۴. کارکرد سرگرم‌سازی و پر کردن اوقات فراغت

رسانه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین ابزار تفریحی و سرگرمی افراد به شمار می‌روند؛ که با پخش و انتشار برنامه‌های سرگرم‌کننده بر الگوی رفتارِ اوقات فراغت انسانی اثراتی تعیین‌کننده دارند و از این طریق است که فرد از تنهایی و زندگی سخت روزمره‌اش رهایی می‌یابد و با محیط بیرونی تماس برقرار می‌کند و به‌گفته برخی، سلیقه عمومی از نظر هنری بالا می‌رود. (دادگران ۱۳۸۵، ۱۰۶)

۴-۵. کارکرد نوگرایی و توسعه

فرآیند توسعه، رابطه پایداری با تعامل میان مردم و مشارکت فعّال گروه‌های اجتماعی دارد که این امر صورت نمی‌گیرد، مگر در پرتو نظام جامع ارتباطی-اطلاعاتی؛ که می‌تواند تا حدّ زیادی در رفع اختلافات و تضادهای موجود در ارزش‌ها و رفتارهای مردم و فراهم آوردن محیط مساعد برای توسعه ملی مؤثر باشد. امروزه رسانه‌ها با انتقال اطلاعات و دانش‌های جدید و تبادل افکار و عقاید عمومی در راه پیشرفت و توسعه فرهنگ و تمدن بشری نقش اساسی بر عهده دارند. (باهنر ۱۳۷۸، ۱۳۱)

۴-۶. کارکرد راهنمایی و رهبری

نقش رهبری‌کننده رسانه‌ها و اثر آنها در بیداری و ارشاد افکار عمومی، امری واضح بوده و روز به روز بر اهمیّت آن افزوده می‌شود، در نظام‌های دموکراسی، رسانه‌ها می‌توانند در راه گسترش ارتباط میان رهبری‌کنندگان و رهبری‌شوندگان، خدمات مهمی را انجام داده و به‌عنوان آیینه تمام‌نمای افکار عمومی در جلب همکاری مردم و شرکت دادن آنها در امور اجتماعی، تأثیر فراوانی به‌جای بگذارند. (معتمد نژاد ۱۳۸۵، ۵-۶)

۴-۷. کارکرد بحران‌زدایی

رسانه‌های گروهی می‌توانند در عرصه مقابله با بحران‌های اجتماعی، به ایفای نقش بپردازند و در کاهش بحران‌های مختلفی، مانند بحران هویّت یا حوادث تهدیدکننده ثبات اجتماعی، کارکرد مؤثری داشته باشند. (کریمی ۱۳۸۲، ۸۴)

۴-۸. کارکرد آگاه‌سازی

از جمله کارکرد مهم رسانه‌ها کارکرد آگاه‌سازی است. هرچند این وظیفه با مقوله آموزش از طرفی و مقوله خبررسانی جمعی از طرف دیگر، تداخل دارد، اما رسانه‌ها باید علاوه بر انتقال اخبار و اطلاعات، به تحلیل درست اخبار و تشریح آنان نیز بپردازند. تحلیل عِلّی پدیده‌های خبری و آگاه‌سازی انسان‌ها از این علل، موجب تغییر در جهان‌بینی انسان‌ها می‌شود. به‌همین سیاق وسایل ارتباط جمعی بایستی موجبات آگاهی انسان‌ها از کالاهای مورد نیاز را فراهم سازند. این فرآیند می‌تواند نسبت به تمام مسائل مورد نیاز بشر صدق کند. (ساروخانی ۱۳۸۵، ۸۳)

۴-۹. همگن‌سازی و تقویت روحیه جامعه

رسانه موجب نزدیکی سلیقه‌ها، خواست‌ها و انتظارات تمامی ساکنان یک جامعه شده و جوامع را از عصر محدوده‌های جدا خارج می‌گردانند. ورود وسایل ارتباط‌جمعی به جامعه، خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های خاص و مجزا را ناپدید کرده و به‌نوعی تشابه میان تمامی ساکنان یک جامعه به وجود می‌آورد و مردم آن جامعه، از سبک زندگی و علایق و خواسته‌هایی که رسانه‌های جمعی ارائه می‌دهند، پیروی می‌کنند. (همان، ۹۱-۹۲)

۴-۱۰. اعطای پایگاه اجتماعی

این وسایل با دادن معروفیت به اشخاص و گروه‌ها به آشکار کردن یا ارتقای پایگاه‌های آنان می‌پردازند. حمایت از هنجارهای اجتماعی؛ (وظیفه اخلاقی)

انتقـال میراث‌هـای فرهنگـی و اجتماعـی از نسـلی بـه نسـل دیگـر، نقـش و کارکـرد بیـان عقایـد، ایجـاد همبسـتگی میـان اجـزای جامعه در پاسـخ بـه نیازهـای محیطی و کارکـرد تبلیغـی از دیگـر کارکردهـای مهم رسـانه اسـت؛ در تمـام کارکردهای بیان شـده ویژگـی بـارز رسـانه، اصـل جذابیـت و تنوع اسـت. (کرباسـیان ۱۳۹۰)

» ب) جایگاه رسانه در تربیت کودک و نوجوان

با توجه به مطالب بیان شده درباره رسانه و اهمیّت و کارکردهای آن، در این مختصر برای تبیین مسئله به بررسی جایگاه یکی از این رسانه‌ها که اهمیّت زیادی در تربیت کودک و نوجوان دارد، یعنی تلویزیون می‌پردازیم. در اینجا منظور از کودک از سن دو و نیم سال تا دوازده سال است که شامل نوجوان نیز می‌شود.

تلویزیون، در شکل‌گیری رفتار کودکان و نوجوانان، دارای اهمیّت بسیاری است. اگرچه همه رسانه‌ها از جمله مطبوعات و رادیو، در زمینه تربیت کودکان و نوجوان نقش دارند؛ ولی تأثیر تلویزیون به دلیل برخوردار بودن از جنبه‌های شنیداری، دیداری و حرکتی از بقیه بیشتر است. در طول تاریخ، دانشمندان زیادی از حوزه‌های مختلف، مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت، اقتصاد و ...، درباره تلویزیون و اثرات آن، مطالعه و پژوهش انجام داده‌اند. در این رسانه می‌توان از روش‌های گوناگونی برای تربیت دینی کودکان بهره جست. تلویزیون، تأثیرگذارترین رسانه‌ای است که در عرصه اجتماعی و فرهنگی فعالیت می‌کند. این رسانه به خاطر برخورداری از ویژگی‌های خاص و با توجه به وسعتی که در میدان عمل خود دارد، می‌تواند جنبه‌های متعددی از زندگی فردی و اجتماعی افراد را در جامعه تحت‌تأثیر خود قرار دهد. تأثیر وسایل ارتباط‌جمعی، به‌ویژه تلویزیون بر کودک و نوجوان به حدّی است که هیجانات و احساسات عمیق را برمی‌انگیزد و در جهت دلخواه خود، هدایت می‌کند و به این ترتیب عکس‌العمل‌های رفتاری افراد را بر اساس اهداف خود، شکل می‌دهد. شدت تأثیرپذیری از برنامه‌های گوناگون تلویزیون به عوامل متعدّدی بستگی دارد. به اعتقاد روان‌شناسان، کودکان و نوجوانان در مقایسه با بزرگسالان، به دلیل محدودیت تجربه و آگاهی از پدیده‌های جسمانی پیرامون خود، به میزان بیشتری از برنامه‌های تلویزیون متأثر می‌شوند. از این رو تلویزیون می‌تواند دارای کارکردهای مثبت و منفی در مواجهه با کودک و نوجوان داشته باشد که می‌توان به پر کردن اوقات فراغت کودک و نوجوان، کمک به اجتماعی کردن آنها (که

شـامل درک نقـش جنسـیتی، انتخاب شـغل، نقش‌های خانوادگـی، معلومات عمومی، سیاسـی کـردن، شـکل‌گیری گـروه همسـالان و ...)، آمـوزش و یادگیری، اشـاره کرد کـه در ذیـل بـه صـورت مفصـل توضیـح داده شـده اسـت. (جـک لایـل و بـی پارکـر ۱۳۷۷، ۵)

۱. پرکردن اوقات فراغت کودک و نوجوان

انسـان‌ها هـر سـنّی کـه داشـته باشـند، یـک فعّالیـت اصلـی و محـوری دارنـد کـه گذرانـدن زمـان در آن سـن، حـول آن محور اسـت. ایـن فعّالیت اصلـی در طول زمان (بـه خاطـر طبـع خـاص انسـان) برای انسـان مـلال‌آور می‌شـود. ایـن تنـوع، اولاً باید غیـر از آن فعّالیـت اصلـی باشـد و ثانیـاً در زمانـی خـارج از زمـان آن فعّالیت باشـد تا آسـیبی بـه ایـن فعّالیت اصلی نرسـد. فعّالیـت اصلی کـودک پیش از مدرسـه، بازی و پـس از مدرسـه، درس اسـت. طبیعـی اسـت کـه کودک از بازی و درس خسـته شـده و نیازمنـد یـک فعّالیـت جانبـی می‌شـود تـا اوقات خالـی از فعّالیـت اصلـی را پر کند و خسـتگی‌های خـود را برطـرف کنـد. تلویزیـون یکـی از بهتریـن وسـائلی اسـت که می‌توانـد اوقـات فراغـت کـودک را پـر کنـد. (آذری ۱۳۷۷، ۷۷)

برخـی از اندیشـمندان بـا طـرح پرسـش‌های غیرمسـتقیم از کـودکان و ربـط دادن پاسـخ آنهـا بـه رفتارشـان، بـه ایـن نتیجـه رسـیده‌اند کـه دلایـل تماشـای تلویزیون توسـط کـودکان، دسـتِ‌کم بـه سـه دسـته بـزرگ تقسـیم می‌شـوند. اولیـن دسـته از ایـن دلایـل کـه حجمـی چندیـن برابـر دسـته دوم دارد، شـامل گذرانـدن اوقـات فراغـت اسـت. کـودکان وقتـی با این هدف به تماشـای تلویزیون می‌نشـینند، بیشـتر، خواهـان برنامه‌هـای شـاد و سـرگرمی‌های سـاده و پرهیجان هسـتند. در ایـن مرحله، توجّـه کمتـری بـه برنامه‌هـای آموزشـی شـده و آرامش‌بخش‌تریـن برنامـه‌ای کـه موجـب افزایـش احسـاس خوش‌بینـی و امنیّت‌خاطـر مخاطبـان می‌شـود، برنامه‌های خانوادگـی اسـت. (همان)

۲. تلویزیون و اجتماعی شدن

زندگی اجتماعی دارای شاخص‌ها و نمادهایی است. بدون شناخت نمادهای اجتماعی، نمی‌توان در اجتماع زیست. در واقع، مقدمه زندگی اجتماعی، اجتماعی شدن است. تولّد کودک مقارن با اجتماعی شدن اوست. به همان نسبت که کودک رشد می‌کند، باید هم‌زمان رشد اجتماعی نیز داشته باشد؛ زیرا رشد، پرورش و جامعه‌پذیری، سه ماهیّت همراه در وجود کودک است. کودکی یعنی سال‌هایی که انسان، راه و رسم زندگی را می‌آموزد. اولین جایی که کودک، اجتماعی شدن را می‌آموزد، خانواده است. ولی توان خانواده برای پاسخ‌گویی به این نیازِ بزرگ، ناچیز است. گرچه مدرسه در کنار خانواده تا اندازه‌ای خانواده را در این راه یاری می‌کند، ولی به دلیل آنکه نیاز کودک فراتر از این حد است، باز هم این کمبود به وضوح مشهود است ولی تلویزیون به خاطر برنامه‌های فراگیر و متنوّع، بهترین وسیله‌ای است که می‌تواند این نیاز کودک را برطرف کند؛ زیرا تلویزیون واسطه‌ای فراگیر است که در دسترس همه کودکان قرار دارد. کودکان از طریق تلویزیون، درباره خود، زندگی خود، چگونگی رفتار در شرایط گوناگون و چگونگی برخورد با مشکلات خانوادگی و شخصی، چیزهای زیادی می‌آموزند و این اجتماعی شدن از طریق تلویزیون با توجه به ویژگی‌های تلویزیون و کودک، از هر چیزی نافذتر است. (شرام و همکاران ۱۳۸۶، ۵)

برخی از جنبه‌های اجتماعی شدن کودکان عبارتند از:

۲-۱. درک نقش جنسیتی: جنسیت دربرگیرنده مجموعه‌ای از مفاهیم و باورهاست؛ درباره اینکه ما چگونه فردی هستیم، چگونه ویژگی‌ها و شخصیت خود را به نمایش بگذاریم، چگونه با دیگر مردم رفتار کنیم و چگونه باید باشیم؟

۲-۲. انتخاب شغل: مسیر واقعی انتخاب کار یا حرفه ممکن است با توجه به قابل رؤیت بودن شغل‌های خاصی که در قلمرو عمومی، به‌ویژه از طریق رسانه‌های عمومی از جمله تلویزیون میسّر می‌شود، شکل گیرد. تلویزیون، باورهای قالب‌بندی شده شغلی، در کودک ایجاد می‌کند که این می‌تواند کوتاه

مـدت یـا بلندمـدت باشـد. (گوننـز و آلـر ۱۳۸۰، ۵۹)

۲-۳. نقش‌هـای خانوادگـی: تلویزیـون در شـکل‌دهی بـه باورهـای کـودکان دربـاره زندگـی خانوادگـی، نقـش مهمـی دارد. تلویزیـون، خانواده‌های نمونـه را برای بیننـدگان از جملـه کـودکان معرفـی می‌کنـد و بر ارزش‌هـای خاصی تأکیـد می‌ورزد یـا برخـی از مسـائلی کـه بـرای اعضـای خانـواده (دختـران و پسـران) مهم هسـتند، بـه بیننـدگان ارائـه می‌کنـد. در ایـن میان، کـودک، نقش‌هـای خانوادگی خـود را در خـلال برنامه‌هـای تلویزیـون می‌یابـد. بنابرایـن تلویزیون بـه یک معنـا، نمایش‌دهنده خانـواده و نقش‌هـای خانوادگـی (نقـش مـادری، پـدری، خواهـری، بـرادری و روابـط بیـن آنها) اسـت کـه کـودک آنهـا را می‌آمـوزد. (عزیـزی ۱۳۸۳، ۱۰۷)

۲-۴. معلومـات عمومی: بیشـتر بیننـدگان در اتاق جرّاحی، دادگاه، پاسـگاه پلیس، زنـدان یـا اتـاق هیئت‌مدیره مؤسسـه‌ای نبوده‌اند؛ امـا درباره هر یـک از اینها اطلاعاتی دارنـد. بیشـتر چیزهایـی که دربـاره این مـوارد می‌داننـد از طریق تلویزیون به دسـت آورده‌انـد. اطلاعاتـی کـه کـودکان از طریـق صفحـه تلویزیون کسـب می‌کنند، شـاید کمتـر از اطلاعـات بزرگترهـا نباشـد، بـا ایـن تفـاوت کـه کـودکان تجربـه‌ای کمتر از بزرگسـالان نسـبت بـه زندگـی دارنـد و بـه تبـع آن، ممکـن اسـت راحت‌تر به‌وسـیله چیزهایـی کـه در تلویزیـون می‌بیننـد، فریـب بخورند. واقعیت این اسـت کـه با وجود تمـام مزایـای مثبـت تلویزیـون از قبیـل نقـش برجسـته آن در امـر اطلاع‌رسـانی و آمـوزش، فرهنگ‌پذیـری، ایجـاد تفنّـن و سـرگرمی، تماشـای تلویزیـون به‌ویـژه در سـال‌های نخسـت زندگـی کـودک، اثـرات بـدی بـر مهارت‌هـای فکـری، ارتباطـی، کلامـی و حتّـی خلاقیـت کـودکان دارد. تماشـای تلویزیـون به‌صورت متمـادی باعث می‌شـود، کـودکان از فعّالیت‌هایـی کـه می‌تواننـد و بایـد در زمـان رشـد خـود انجـام دهنـد غافـل بماننـد و در اصطـلاح کودکـی نکننـد. به‌عنـوان مثـال، بـازی، ارتباط با کـودکان دیگـر و حتـی بزرگسـالان کـه بـه تقویـت مهارت‌هـای کلامـی و ارتباطی و عاطفـی کـودک می‌انجامـد اگـر در زمـان خـود و به‌موقـع صـورت نپذیـرد، کـودکانِ امـروز را بـا مشـکلات عدیده در آینـده روبه‌رو خواهد کـرد؛ کودک به‌عنـوان مخاطبِ منفعـل، سـاعت‌ها روبـه‌روی تلویزیـون می‌نشـیند و بـه تماشـای آن می‌پـردازد و در

واقـع مهارت‌هـای لازم ضمـنِ رشـد را نیاموختـه و تجربـه نمی‌کنـد. (عزیـزی۱۳۸۳، ۹۳-۱۲۵)

۲-۵. سیاســی کــردن: پیش‌تر بیان شـد کـه در هر جامعـه، یک ایدئولـوژی حاکم وجـود دارد کـه تمام فعّالیت‌های آن جامعه باید در جهت آن باشـد. بنابراین، تماشـای منظـم تلویزیـون، خواسـته یـا ناخواسـته در کـودک یـک چارچـوب فکری-گرایشـی ایجـاد می‌کنـد کـه در کنـار دیگـر مسـائل، می‌توانـد زندگـی سیاسـی آینـده او را شـکل دهـد. ازایـن‌رو، این حوزه تأثیرگذاری به‌شـدت مـورد توجه سیاسـتمداران قرار گرفتـه اسـت تـا جایی کـه هیتلـر در سـخنرانی‌های خود، چنیـن می‌گویـد: هنگامی کـه یکـی از مخالفـان اعـلام می‌کند: «من در کنار شـما قـرار نخواهم گرفـت» من به آرامـی بـه او می‌گویـم: فرزنـد شـما هـم اکنون بـه مـا تعلّق دارد. شـما چه هسـتید؟ شـما در می‌گذریـد، امـا فرزنـدان شـما اکنـون در اردوی جدید قـرار دارنـد. در زمانی کوتـاه، آنهـا هیـچ چیزی دیگـری را به‌جـز این اجتماع جدیـد نخواهند داشـت. (راش ۱۳۸۳، ۱۰۳) او در جایـی دیگـر می‌گویـد: مـا تزریـق روح ایـن اجتمـاع را از سـنین بسـیار پاییـن بـه جوانانمـان، وظیفـه خـود قـرار داده‌ایـم و ایـن «گرایـش جدیـد»، جوانـان را بـه هیـچ کـس نخواهنـد داد، بلکه خود بـه جوانان روی مـی آورد و آموزش و تربیـت خـود را بـه آنان القـا می‌کنـد. (همان)

تلویزیـون می‌توانـد در هـر قالبـی از برنامه‌هـا، وفـاداری بـه دولـت و حکومـت را در کـودکان بـه وجـود آورد؛ چنانکـه در آلمـان نـازی، با اسـتفاده از مدرسـه، خانـواده و ارتباطـات جمعـی بـه کـودکان یاد داده می‌شـد کـه در درجه نخسـت باید نسـبت به دولـت آن‌گونـه کـه در پیشـوا -یعنی آدلف هیتلر- تجسّـم یافته اسـت، وفادار باشـند. (همان، ۱۰۳)

۲-۶. شــکل‌گیری گروه‌هــای همســالان: یکـی از تأثیرهـای روشـن و مهـم تلویزیـون بـر کـودکان، ایجـاد گروه‌هـای همسـالان اسـت. کـودکان عـلاوه بـر اینکه بـا تماشـای برنامه‌هـای تلویزیونـی تقلیـدوار، دسـت به تشـکیل گروه‌های همسـالان می‌زننـد، وجـود خـود تلویزیـون نیـز موجـب تقویـت ایـن بُعـد از زندگـی کـودک می‌شـود. (امـه دور ۱۳۷۴، ۱۵۲) البتـه جنبه‌هـای اجتماعـی شـدن کودک به‌وسـیله

تلویزیون منحصر در این موارد نیست، بلکه با دقّت بیشتر می‌توان موارد زیادی را برشمرد؛ ولی به دلیل آنکه این مقاله درصدد بیان موارد مهم این جنبه است، از موارد دیگر صرف‌نظر می‌کند. لازم به ذکر است اجتماعی شدن کودکان به وسیله تلویزیون، در طبقه دوم از طبقه‌بندی سه گانه دلایل تماشای تلویزیون توسط کودکان قرار دارد که حجمی کمتر از طبقه اول و بیش از طبقه سوم را شامل می‌شود. (جوکار۱۳۸۶)

۳. تلویزیون و آموزش و یادگیری کودکان

تلویزیون یکی از ابزارهای مؤثر در افزایش شناخت و آگاهی به شمار می‌آید. در حال حاضر، بر اساس نتایج بسیاری از تحقیقات انجام شده به روش مشاهده، یک معلم خوب با استفاده از تلویزیون به عنوان یک رسانه کمک آموزشی به مراتب، اطلاعات خود را بهتر منتقل می‌کند، تا صرفاً از طریق روش‌های معمولی تدریس در ایالات متحده آمریکا، بیش از ۴۰۰ مورد مطالعه تطبیقی میان ارائه آموزش‌های عادی کلاسی به دانش‌آموزان با آموزش از طریق تلویزیون صورت گرفته است. در تمام موارد، به دنبال بررسی نمرات امتحان پایان سال، اختلاف معناداری رؤیت نشد، اما چنانچه تفاوتی هم وجود داشت، همیشه به نفع کسانی بود که از طریق تلویزیون آموزش گرفته بودند. پس می‌توان چنین استدلال کرد که درصورت نیاز و کمبود متخصّص آموزشی برای بچه‌ها، می‌توان از تلویزیون استفاده کرد؛ این‌گونه بهره‌وری، بخصوص در موارد آموزش‌های تخصصی، می‌تواند کارساز باشد و برای مثال، با استفاده از تلویزیون، آموزش زبان‌های زنده در سطح مدارس ابتدایی بسیار موفقیت‌آمیز خواهد بود. ضمن آنکه برخورداری از این ابزار در هر محلی که نیروی برق داشته باشد، امکان‌پذیر است؛ به ویژه برای کشورهای بزرگی که امکانات آموزشی به تمام نقاط آن به طور کامل نرسیده باشد، کاملاً قابل استفاده است، به گونه‌ای که حتّی می‌توان از تلویزیون به عنوان یک معلم سرخانه استفاده کرد و در منازل به بچه‌ها آموزش داد. (همان)

البته در کنار مسائل مطرح‌شده، تلویزیون نقش زیادی در تعلیم و تربیت دارد.

برخـی از کارکردهـای مثبـت تلویزیـون عبـارت اسـت از: افزایش آگاهی کـودکان در زمینـه جغرافیایـی، علمی و مسـائل بهداشـتی، تشـویق کـودکان به کارهـای خوب با نمایـش دادن مهربانی، سـخاوت؛ گسـترش برنامه‌های آموزشـی با اسـتفاده صحیح از تلویزیـون و تشـویق کودکان، ایجاد دوسـتی چـه با گرد هم جمع‌کـردن خانواده و چه بـا در اختیـار گذاشـتن مجموعه‌ای از دوسـتان خیالـی برای کودک، ترویـج و آموزش ارزش‌هـای اجتماعـی و دینـی، معرفـی روش‌های دوسـت‌یابی و حفظ دوسـتی، ایجاد حـس مسـئولیت در کـودکان، جلوگیـری از رفتـار خودخواهانـه کودکان با بـه تصویر کشـیدن رفتارهـای جامعه‌گرایانه. (سـعید ۱۳۹۱، ۴۳)

بـا توجـه بـه مطالـب بیـان شـده ایـن مسـئله مطرح می‌شـود کـه آیـا مسـجد نیز به عنـوان یـک رسـانه می‌توانـد همـان کارکردهایی کـه رسـانه‌ها در امر تربیـت کودک و نوجـوان و همچنیـن جـذب آنهـا بـه خـود دارنـد، ایفـا کنـد و اساسـاً چـه عواملـی می‌توانـد باعـث شـود کـه همـان جذّابیّتـی کـه رسـانه‌ها به‌ویـژه تلویزیـون در جذب و تربیـت کـودک و نوجـوان دارد را داشـته باشـد. در ادامـه این پژوهـش ضمن تبیین اهمیّـت و جایـگاه مسـجد بـه عنـوان یـک رسـانه بـه کارکردهـای تربیتی این رسـانه توجـه می‌شـود.

» ج) مسجد به مثابه یک رسانه و جایگاه آن در تربیت کودک و نوجوان

اهمیّت و احترام مسجد، در دین مبین اسلام بر کسی پوشیده نیست و در نزد مسلمانان دارای جایگاه و اهمیّت خاصی است. مسجد از نخستین روزهای ظهور اسلام به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایگاه اسلام و مکانی برای انجام فرایض دینی، برنامه‌ریزی در خصوص مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و علمی ... از جایگاه والایی برخوردار بوده است. بی‌شک در فرهنگ اسلام، هیچ نهادی به اندازه مسجد دارای این اندازه اهمیّت نیست؛ زیرا در قاموس اسلام، دین و دنیا در مسجد گرد می‌آیند؛ لذا آیات و روایات بسیاری درباره مسجد و لزوم پاسداری آن نقل شده است. علاوه بر اشارات قرآن در احادیث نیز بر اهمیّت مسجد تأکید شده است. در حدیثی از پیامبر ﷺ وارد شده که «در دنیا همچون میهمان باشید و مسجدها را خانه کنید.» (سیدجوادی ۱۳۷۸) همچنین در تورات آمده است: «مساجد خانه‌های من در روی زمین هستند، خوشا به حال کسی که در خانه خود وضو گیرد، آنگاه در خانه من، مرا زیارت کند.» حضور در مسجد به عنوان مظهر عبودیت و بندگی انسان در برابر خدا و مکانی مقدس که اثری از زشتی در آن یافت نمی‌شود، افزون بر آنکه «خود توفیقی بزرگ و کمالی ارزشمند است، کمالات روحی دیگری را نیز در پی دارد. رحمت خاص خداوند، آمرزش الهی، بهشت برین، هم‌نشینی و همدلی با فرشتگان الهی از آن جمله است».(درانی ۱۳۷۶) جان کلام اینکه اسلام به‌مثابه یک مکتب جهانی و جاودانی، مسجد را پایگاهی برای تفکر، تدبر، تصفیه روح، خلوص و اتصال بنده به خالق یکتا فرض کرده است. (سلطانی ۱۳۹۰)

۱. مفهوم‌شناسی

واژه مسجد از باب «سجد، یسجد» مصدر میمی یا اسم زمان و مکان است و بر وزن مشرق و مغرب و به‌معنی سجده‌گاه است. (لسان العرب) در قرآن و تمدن اسلامی، مسجد به مکانی گفته می‌شود که عبادتگاه مؤمنان است. از آن‌روی به عبادتگاه مسلمانان مسجد می‌گویند که سر به سجده نهادن، اوج

فروتنـی و کرنـش دربرابـر خداونـد اسـت. در روایت‌های اسـلامی، همه زمین مسـجد و سـجده‌گاه انسـان اسـت. رسـول اکـرم ﷺ فرمودنـد: «جُعِلَـتْ لِـیَ الأَرْضُ مَسْـجِداً وَ طَهُـوراً» (صـدوق،۲، ۱۱۱) زمیـن بـرای مـن سـجده‌گاه، پـاک و پاک‌کننـده قـرار داده شـد. قاضـی عیـاض گفتـه اسـت: «مسـجد بـودن کل زمیـن از خصایـص امـت مسـلمان اسـت.» (زرکشـی ۱۴۱۰ ق، ۲۷) در برخـی دیگـر از روایت‌ها، مسـجد خانه دوم مسـلمانان و تثبیت‌کننـده فرهنـگ جمع‌گرایـی و پرهیـز از خودمحـوری بیـان شـده اسـت. واژه‌هـا، ضمیرهـا و فعل‌هـای بـه‌کار رفتـه در سـوره حمـد نیـز کـه در نمازهـای روزانـه تکـرار می‌شـود، به‌طـور ضمنی، پنهـان و غیرمسـتقیم مسـلمانان را بـه جمع‌گرایـی و پرسـتش جمعـی فرا می‌خواند. مسـجد قُبا نخسـتین مسـجد جهان اسـلام اسـت کـه بیرون شـهر مدینـه قـرار دارد. نخسـتین سـنگ‌های این مسـجد را حضـرت محمـد ﷺ پـس از مهاجـرت از مکه بـه مدینه بنا گذاشـتند. قبا نـام قریه‌ای در نزدیکـی مدینـه بـود. پیامبر ﷺ این مسـجد را در سـال اول هجری و به پیشـنهاد عمّـار یاسـر یـا به تقاضای سـاکنان محـل در قبا بنـا کردنـد. خداوند متعـال در قرآن کریـم می‌فرماینـد: «لَمَسْـجِدٌ أُسِّـسَ عَلَـى التَّقْـوى مِـنْ أَوَّلِ يَـوْمٍ أَحَـقُّ أَنْ تَقُـومَ فِيهِ فِيـهِ رِجَـالٌ يُحِبُّـونَ أَنْ يَتَطَهَّـرُوا وَاللهُ يُحِـبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (توبه/۱۰۹) مسـجدی که از آغـاز بـر پایه تقوا بنا شـده اسـت، سـزاوارتر اسـت که در آن نمـاز بگزاری. مسـجد در قـرآن کلمـه مسـجد حـدود ۲۸ بـار در قرآن ذکر شـده اسـت؛ ۲۲ بار به‌صـورت مفرد (مسـجد) و ۶ بـار به‌صـورت جمـع (مسـاجد) بـرای مـا مسـلمانان، مهم‌تریـن معیـار در ارزش‌گـذاری مسـجدها توصیف‌هـا و شـاخص‌گذاری‌هایی قـرآن کریـم اسـت. در روایات متعدّدی نیز بر جایگاه و نقش مسـجد تأکید شـده اسـت. (شـاملی و یوسـفی ۱۳۹۱)

اعـمّ محورهـای فعّالیتی در مسـجد شـامل عبـادت، تعلیم و تعلّم، ذکـر و یاد خداوند، اصـلاح و تزکیـه، خدمـت و نفـع رسـانی به مـردم و همچنیـن دعوت و آگاهی اسـت. از ایـن رو مسـجد عـلاوه بـر اینکـه محلـی برای عبادت اسـت، همـواره از صدر اسـلام تاکنـون دارای نقش‌هـای اساسـی دیگـری در بیـن مسـلمانان بـوده اسـت. حـال این سـؤال پیـش می‌آیـد کـه با توجـه به این مطلـب که منبـر از ابزار رسـانه و مسـجد از

انـواع رسـانه‌ها، یعنـی جـزء رسـانه‌های دیـداری اسـت و بـا توجه بـه نقـش و جایگاه مسـجد، آیـا می‌تـوان گفـت کـه مسـجد نیـز ماننـد دیگـر رسـانه‌ها دارای همـان کارکردهایـی باشـد که سـایر رسـانه‌ها از آن برخوردارنـد؟ و آیا مسـجد می‌تواند مانند رسـانه‌ها به‌ویـژه تلویزیـون جایـگاه تربیتـی در تربیت کودک و نوجوان داشـته باشـد. بـرای فهـم و درک ایـن مطلب، نخسـت باید کارکردهای مسـجد را بررسـی و سـپس بـا کارکردهـای رسـانه تطبیـق داد و بعـد نتیجه‌گیـری کرد.

۲. کارکردهای مسجد

۲-۱. کارکرد تربیت عبادی مسجد (جایگاه عبادی)

عبـادت و راز و نیـاز بـا خداونـد نیـاز واقعی و فطری هر انسـان اسـت و مکمّل یا حتی مقـوّم شـخصیّت اوسـت. گرچـه عبـادت در هـر مکانـی ایـن نیـاز روحـی را بـه طـور نسـبی تأمیـن می‌کنـد؛ ولـی این نیـاز در مسـجد و عبـادت‌گاه بهتر و کامل‌تـر تأمین می‌شـود. بـر ایـن اسـاس، انسـان بنـا بـه فطـرت خویـش معبـد و مسـجد را دوسـت دارد و بـدان عشـق مـی‌ورزد؛ تاریـخ نیـز بـه درسـتیِ ایـن سـخن گواهـی می‌دهـد. پژوهش‌هـای تاریخـی نشـان می‌دهـد کـه معبد با انسـان همـراه و همزاد بوده اسـت؛ از همیـن رو، معصومـان: مسـجد را آشـیانه و پناهـگاه مؤمـن برشـمرده‌اند؛ پناهگاهی کـه انسـان از دغدغـه و اضطـراب فاصلـه می‌گیـرد و به آرامـش می‌رسـد. در فرهنگ اسـلام، نـام مسـجد یـادآور بندگـی در پیشـگاه خداونـد متعال اسـت. با توجـه به این مطلـب مشـخص می‌شـود که یکـی از کارکردهای مهم مسـجد تربیت عبـادی و محل عبادت بـودن اسـت. (همان)

۲-۲. کارکرد تربیت اخلاقی

مسـجد مکانـی اسـت بـرای تمریـن خلق و خـوی پسـندیده انسـانی، محلی مناسـب بـرای عملی‌کـردن ارزش‌هـای والای اخلاقـی و رفتـاری در بُعدهای گوناگـون زندگی و همچنیـن پـس از خودسـازی فـردی و اجتماعی، سـکوی پروازی اسـت بـه ملکوت؛ زیـرا خداونـد می‌فرماید: «فیـه رجـالٌ یُحِبُّـونَ أن یَتَطَهَّرُوا»(توبه/۱۰۸) در مسـجدی

که براساس تقوا و پارسایی تأسیس شده باشد، مردم دوست دارند پاکیزه باشند و خداوند نیز پاکیزگان را دوست دارد. با اینکه گناه‌های دینی و اخلاقی در همه‌جا نکوهیده است، اما در مسجد زشتی آن دو چندان است؛ پس مؤمن باید تلاش بیشتری کند تا در مسجد به گناه آلوده نشود، سخنان ظالمانه بر زبان نیاورد، به آبروی دیگران تجاوز نکند، غیبت نکند، سخنان بی‌فایده را کنار نهد و از گفت و گوهایی که بوی دنیاپرستی می‌دهد پرهیز کند. درحقیقت، تلاش برای انجام‌ندادن این کارها خود تمرینی برای انجام‌دادن کارهای خیر و دوری از بدی‌هاست. بنابراین دومین کارکرد مسجد تربیت اخلاقی افراد یک جامعه است. اخلاقی که در جامعه اسلامی از ارزش و اهمیّت والایی برخوردار است. (همان)

۲-۳. کارکرد تربیت اجتماعی مسجد (کارکرد همگن سازی و گروه‌همسالان)

از جنبه‌های دیگر تربیتی مسجد نقش مؤثّر آن در پیوند دلدادگان خود با انسان‌های صالح و برگزیده است. از دید آگاهان مسائل تربیتی، نقش دوست خوب در سعادت انسان بسیار ممتاز است. مسجد میان مؤمنان و نخبگان و صالحان جامعه پیوند ایجاد می‌کند، و با این کار بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی آنها فراهم می‌کند. کسی که با خوبان در ارتباط باشد، دست‌کم از سر حیا از برادران دینی خود راه انحراف را در پیش نمی‌گیرد؛ حتی اگر به درجه‌ای از تکامل نرسیده باشد که به‌سبب ترس از خداوند به گناه دست نزند. مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع، روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند و درون‌گرایی افراطی و بیگانگی از جمع را از آنان می‌زداید. اگر خانواده‌های مسلمان در مسجد به هم پیوند بخورند بستر مناسبی برای همیاری‌های جمعی آنان فراهم می‌شود. این کارکرد مسجد با کارکرد رسانه‌های دیگر مانند همگن‌سازی و همنوع‌طلبی و اجتماعی شدن مشترک است.

۲-۴. کارکرد روان‌شناختی مسجد (کارکرد اجتماعی و عاطفی)

مسجد می‌تواند گَرد اندوه را از چهره و جان مسلمان بزداید و «افسردگی» وی را برطرف کند چراکه مسجد نشاط را به فرد مسلمان هدیه می‌کند. خانواده‌های مسجدی، در تعامل‌های خود، مشکلات و سختی‌های زندگی را در جمع دیگر خانواده‌ها بیان می‌کنند و تخلیه عاطفی می‌شوند و همچنین حس پذیرفتگی در جمع آنها را از احساس تنهایی، زمین‌گیرشدن و واماندگی نجات می‌دهد. حتّی اگر خانواده‌ها نتوانند برای یکدیگر گره‌ای بگشایند، احساس همدردی و صفایی که در جمع یکدیگر پیدا می‌کنند، انگیزه تلاش دوباره و مبارزه با مشکلات را در آنها تقویت می‌کند. مسجد به طور معمول جایگاه طرح مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی است. به طور طبیعی، حضور در چنین مکانی روح تعهّد و دردمندی را در فرد می‌دمد. پرورش این خوی پسندیده در اشخاص نوعی مبارزه با روح بی‌تعهّدی و بی‌تفاوتی است؛ روحیه‌ای که هرگاه در افراد جامعه ـ به‌ویژه نسل جوان ـ پیدا شود، آسیب‌های اساسی بر پیکر آن اجتماع وارد خواهد شد. یکی از زمینه‌هایی که فرهنگ مسئولیت و همیاری را در مسلمانان رواج می‌دهد، حضور خانوادگی در مسجد است. در مسجد نیازها، کاستی‌ها، چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، برجسته و توصیف می‌شود و خانواده‌ها می‌توانند برای همدیگر پشتیبان باشند. گذری بر جامعه خود مؤیّد خوبی برای این مطلب است که ریشه درمان بسیاری از افسردگی‌ها و مشکلات روحی و روانی در دور افتادن از این مسیر است. (شاملی، پیشین ۱۳۹۱)

۲-۵. کارکرد آموزشی مسجد (کارکرد تعلیم و آموزش و آگاه‌سازی)

از آغاز گسترش اسلام، خط و کتابت در مسجد آموزش داده می‌شد و این امر موجب بروز اشکال در فعّالیت‌های عبادی نمی‌شد. شاید بتوان گفت که کارکردهای آموزشی و فرهنگی مسجد، پس از کارکردهای تربیتی و به‌ویژه تربیت عبادی، سرآمد دیگر کارکردهای مسجد است. آموزش‌های اسلامی با دعوت پیامبر ﷺ، نخستین مربّی و معلّم مسلمانان و از مسجد آغاز شد که

درواقـع پایـگاه تعلیماتـی مسـلمانان بـود. مسـجد کـه در عصـر نبـوّت و دوره خلفای راشـدین بنای بسـیار سـاده‌ای داشـت، مجمع نو مسـلمانانی شـد که برای آشـنایی با آموزه‌هـای اسـلامی و حـلّ و فصـل مسـائل جدید در آن رفـت و آمد می‌کردنـد. اقامه نمـاز، اسـتماع سـخنان پیامبـر ﷺ در بـاب آیه‌های قـرآن کریـم، تبلیغ دیـن و ابلاغ احـکام شـرع، اعـلان جنـگ و جهـاد و صلـح، آمـوزش مهارت‌هـای زندگـی، تقسـیم غنایـم جنگـی، ارسـال نامه‌ها، تشـییع‌جنازه و مسـائلی از ایـن قبیل در مسـجد انجام می‌شـد کـه بیشـتر آنهـا بـا هجـرت رسـول خـدا ﷺ بـه مدینـه آغـاز شـد. درواقـع، «مسـجد» کهن‌تریـن دانشـگاه اسـلامی و اساسـی‌ترین پایـگاه تعلیم در تاریخ اسـلام اسـت. (همان)

۲-۶. کارکرد سیاسی مسجد (کارکرد رهبری و هدایت)

یکـی از کارکردهـای مهم مسـجد، کارکرد سیاسـی اسـت که از زمان رسـول خدا ﷺ بـر آن تأکیـد شـده و هم‌اکنـون نیز اهمیّـت آن به خوبی مشـاهده می‌شـود. بر همین اسـاس، آن حضـرت پـس از بنیان‌گذاری نظام اسـلامی، بـه منظور دخالت مسـلمانان در شـیوه حکومـت و آگاه سـاختن آنـان بـا اهـداف سیاسـی اسـلام، مسـجد را کـه مرکـزی عمومـی و محـل تجمّـع مسـلمانان بـرای ادای فرایـض دینی بود، بـه عنوان پایـگاه حکومـت و نهاد سیاسـی اسـلام برگزیـد. در دوره‌های بعد نیز کارکرد سیاسـی مسـجد فعّال‌تـر گردیـد و امـور سیاسـی آن روز مانند معرفـی خلیفه، مراسـم بیعت با وی، عـزل و نصـب اسـتانداران و کارگزاران و... در مسـجد صـورت می‌گرفت. در دوران انقـلاب اسـلامی ایـران نیز پـس از محور اعتقـادی و عبـادی، پررنگ‌تریـن، فعّال‌ترین و بارزتریـن بخـش کار مسـاجد در محـور سیاسـت بـوده اسـت؛ چـرا کـه مسـاجد در آگاهـی و بیـداری توده‌هـا در دوران قبـل و بعـد از انقـلاب نقـش مؤثـری داشـته‌اند و هم‌اکنـون نیـز اسـتعمارگران جهـان از مسـجد بیـش از هر نهـاد انقلابی می‌ترسـند.

۲-۷. کارکرد فرهنگی مسسجد (برنامه و کارکرد اوقات فراغت)

پـس از نقـش عبادی و آموزشـی، نقش فرهنگـی در بین دیگر نقش‌هـا و کارکردهای

مسـجد، دارای بیش‌ترین اهمیّت می‌باشـد. پیامبر اسـلام ﷺ محیط مسـجد را کاملاً فرهنگـی می‌دانسـتند تـا جایـی کـه در حضـور آن حضـرت و با اجـازه ایشـان برخی مسـابقات برگـزار می‌شـد و حضـرت ضمـن ابـراز خرسـندی از ایـن کار، بـا حوصله و بردبـاری کامـل از چنیـن مسـائلی اسـتقبال می‌کردند. گرچـه امروزه مراکز آموزشـی و فرهنگـی گسـترش یافتـه اسـت؛ اما نباید از ایـن کارکرد مهم مسـجد و بارور نمودن بُعـد فرهنگـی آن، غفلـت نمـود. برگزاری جلسـات شـبی با قـرآن، مسـابقات همچون کتاب‌خوانـی و... از جملـه برنامه‌هایـی هسـتند کـه می‌تـوان بـا حمایـت مسـئولین منطقـه بـه اجـرا درآورد. چنانکـه ذکر شـد حضـور امام جماعـت مدتی قبـل و بعد از نماز در مسـجد برای پرسـش و پاسـخ، مشـاوره و... شـرایطی ویژه جهت رشد فرهنگی مـردم را بـه وجـود مـی‌آورد. همچنیـن مناسـب اسـت برخـی برنامه‌هـای فرهنگـی مسـجد از درون مسـجد بـه فضاهای دیگـر مثل کوه، مـکان های اردویی و... کشـانده شـود تـا عـلاوه بـر جذّابیت و اثر بخشـی بیشـتر، تبلیغـی برای حضـور دیگر افـراد به سـوی مسـجد باشد. (رسـتمی ۱۳۸۲، ۷۵-۸۱)

۲-۸. کارکرد آگاهی دهی (اطلاع رسانی و هدایتی)

یکـی از نیازهـای مهم بشـر، وسـایل ارتباطی اسـت تـا انسـان‌ها را از اخبار مهـم مطّلع سـاخته و آنـان را در حـوادث بـه یـاری یکدیگـر طلبیـده و از حملـه دشـمنان آگاهـی داده، آنـان را آمـاده دفـاع نمایـد. دیـن مبیـن اسـلام از ۱۴۰۰ سـال پیـش ایـن نیاز را در نظـر گرفتـه و مکانـی بـه نـام «مسـجد» را به عنـوان پایـگاه ارتباطی بسـیار مهم در افزایش پیوندهای انسـانی و توسـعه فرهنگی اسـلام معرفی کرده اسـت. به تعبیر دیگر مسـجد اصلـی ترین مکان شـکل دهـی افـکار عمومی، فرهنگ سـازی و اطلاع رسـانی در تمـدّن اسـلامی بـوده اسـت. نـدای «الصـلاه جامعـه» در عهـد پیامبـر ﷺ و پس از آن یـک فراخـوان عمومـی بـرای گرد هـم آوردن مسـلمانان در مسـجد و آگاهی از یک امـر مهـم بـوده اسـت. به همیـن دلیل کارکـرد رسـانه ارتباط جمعـی با همـه تحوّلات تکنیکـی، زمانـی قریـن توفیق قلمداد می‌شـود که بتوانـد عمیق‌ترین ارتبـاط و پیوند را بـا مخاطـب برقـرار سـازد که ایـن ویژگـی فقط در مسـجد یافت می‌شـود.

۲-۹. کارکرد ابلاغی و تبلیغی (اطلاع رسانی و ابلاغ پیام)

شـاید هیـچ پایگاهـی بـه انـدازه «مسـاجد» در تبلیـغ اسـلامی ایفـای نقـش ننموده باشـد؛ از زمـان رسـول خـدا ﷺ تاکنـون اذان، نمـاز، وعـظ و خطابـه از مهم‌تریـن برنامه‌هـای مسـاجد بـوده و هسـت.

بـا توجـه بـا کارکردهـای مسـجد و نگاهـی بـه کارکردهای تربیتـی رسـانه در تربیت کـودک و نوجـوان حـال این بررسـی صـورت می گیـرد کـه در کارکردهای مشـترک ایـن دو رسـانه همان‌طـور کـه وظیفـه و عملکـرد رسـانه در اینجا تلویزیون مشـخص شـد، عملکـرد مسـجد چگونـه باید باشـد. در ذیل بـه کارکردهـای با رویکـرد تربیتی نـگاه می‌کنیم.

» د) رسانه مسجد و جایگاه آن در تربیت کودک و نوجوان

همان‌طور که بیان شد یکی از کارکردهای مشترک این دو رسانه کارکرد آگاهی بخشی است. مسجد می‌تواند از طریق دادن اطلاعات گوناگون مورد نیاز نوجوانان، در تعیین و انتخاب صحیح بینش نوجوان تاثیرگذار باشد. امام جماعت و متولّیان مسجد، باید با برگزاری مباحث هستی‌شناسی و جهان‌شناسی و جلسات و حلقه‌های معرفتی درباره گزاره‌های دین و احکام دینی و بیان علل و فلسفه و حکمت گزاره‌ها و احکام خمسه و اثرات وضعی و تکلیفی احکام، در ایجاد یک بینش و نگرش درست و عمیق و منطقی در نوجوان کمک کنند. «مسجد» در قالب یک مکان بسیار مقدّس و امنی که به سبب برخورداری از فضای معنوی و آرامش‌بخش که با نظام فطرت انسان و به ویژه نسل پاک نوجوان هماهنگ است، می‌تواند بسیاری از انتظارات و نیازهای درونی و بیرونی نوجوان را تأمین کند. ارتباط با خداوند، امنیت و آرامش، داشتن روابط اجتماعی و شرکت در گروه‌های سالم و فعّالیت‌های دسته‌جمعی و مرکزی مهم و مطمئن برای دریافت پاسخ سؤالات و شبهات گوناگون، از ویژگی‌های مهم مسجد است. مسجد و به طور خاص امام جماعت، می‌توانند با تأمین این نیازها، حس اعتماد نوجوان را جلب نماید و با تکیه بر این اعتماد، بر بینش و نگرش و رفتار نوجوان تأثیرگذار باشد و با ارائه اطلاعات درست و مبتنی بر دین مبین اسلام که همسو و همگِن با فطرت است، نگرش نادرست و اشتباه نوجوان را اصلاح کند و بینش و نگرش جدیدی را از طریق تشویق و تحسین جایگزین نمایند.

از جمله کارکردهای مشترک این دو می‌توان به بحث اجتماعی شدن و تربیت اجتماعی اشاره کرد که در این باره «نقش مسجد» در تربیت اجتماعی نوجوان، بسیار مهم است. نوجوان با حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت و جلسات بحث و مناظره، کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی، گروه‌های علمی، فعّالیت‌های گروهی و غیر آن، می‌تواند به طور ناخودآگاه به رشد و تربیت اجتماعی دست یابد؛ زیرا در مسجد، کلیه ویژگی‌های اجتماعی یک جامعه فاضله و الهی وجود دارد. مسجد به عنوان یک محیط و نهاد مهم اجتماعی، در جامعه می‌تواند

جنبه‌های گوناگون اجتماعی یک فرد را تربیت کند. فرد در مسجد، احترام به بزرگ‌ترها، سکوت وسخن گفتن به موقع، عمل براساس قوانین اجتماعی، برقراری نظم و انضباط، مسئولیت‌پذیری امور مختلف وغیر آن را می‌آموزد. مسجد به عنوان محیطی خارج از خانه، می‌تواند نیاز جامعه‌پذیری و برقراری ارتباط و رشد شخصیت اجتماعی نوجوان را ایفا کند و در امور مهم، کمک شایانی برای خانواده و والدین باشد. (کمالی لطف ۱۳۹۱، ۱۴-۱۷)

در کارکرد مشترک دیگر که بحث تربیت عاطفی و روانشناختی است، امام جماعت و فعّالان مسجد، می‌توانند در این موقعیت بحرانی خدمت بزرگی به کودکان و نوجوان بکنند. در مرحله اول، روحانی مسجد باید نوجوان را با ویژگی‌ها و خصوصیّات ذاتی و طبیعیش آشنا کند. سپس با گفت وگوهای مستدل و منطقی به او کمک کند تا با درنظر گرفتن خصوصیّات فردی به تعیین هویّت، شخصیت، نیازها و استعدادهایش بپردازد. از رهگذر این مکان مقدس و آموزه‌های دینی و مذهبی، هویّت دینی نوجوان که جنبه‌ای از هویّت اوست، تربیت می‌شود. نحوه رفتار و عملکرد والدین و به‌خصوص روحانی مسجد در حوزه دین و مسائل دینی، می‌تواند تأثیری بسزا در گرایش و جذب نوجوان به دین داشته باشد. (همان)

در بحث کارکرد آموزشی مسجد؛ روزگاری مسجد، یگانه پایگاه مهم آموزشی در کشورهای اسلامی بوده است. متأسفانه مسئله آموزش در مساجد کم‌رنگ شده و مناسب است با برنامه‌ریزی و متناسب با امکانات موجود و استفاده از کارشناسان، برنامه‌هایی از قبیل آموزش احکام و قرآن مخصوصاً برای بانوان و نوجوانان، پاسخ به سؤالات و... برگزارشود. نکته‌ای که نباید از آن غفلت نمود آموزش بر اساس نوع مخاطب است. متأسفانه امروزه برخی سخنرانی‌ها بدون در نظر گرفتن نوع مخاطب صورت می پذیرد، در حالی که در نظر گرفتن سن، جنس و معلومات مخاطب علاوه بر جذابیت، اثر بخشی مضاعفی خواهد داشت. گاه لازم است برای هر یک از گروه های کودک و نوجوان، جوان، میانسال و پیر، بانوان و مردان جلسات مجزا برگزار شده و احکام و مسائل مرتبط با آنان بیان شود.

همچنین امام جماعت می‌تواند کلاس‌های کمک آموزشی عربی، معارف اسلامی

و قـرآن را در مسـجد برگـزار نمایـد و بـرای کلاس‌هـای متعدّد دیگر مثـل کلاس‌های کمـک آموزشـی در رده‌هـای تحصیلـی مختلف و نیز آمـوزش خطاطـی، کامپیوتر و... از نمازگـزاران فرهنگـی اسـتفاده نمایـد. برگـزاری اینگونه کلاس ها علاوه بر اسـتفاده از ظرفیـت آموزشـی مسـجد موجـب تقویـت و پویایـی جوانـان و نوجوانان مسـجدی می‌گـردد. جایـگاه جلسـات علمـی و آموزشـی در مسـجد از نـگاه پیامبـر اکرم ﷺ به مراتـب والاتـر و ارجمندتـر از جلسـات دعـا اسـت؛ چنانکـه در روایت اسـت که روزی رسـول خـدا ﷺ بـه مسـجد وارد شـدند. در مسـجد، دو مجلـس جداگانـه برپـا بـود. گروهـی در حـال یـاد دادن و فراگرفتـن دانـش بودنـد و جمعـی نیـز بـه دعـا و راز و نیـاز بـا خداونـد مشـغول بودنـد. پیامبـر ﷺ فرمود: هـر دو گـروه به سـوی نیکی گام برمی‌دارنـد؛ دسـته‌ای خـدا را می‌خواننـد و گروهـی نیز آمـوزش می‌بیننـد و نادانان را تعلیـم می‌دهنـد؛ ولـی این گـروه (تعلیـم و تعلّـم) کار برتـری انجام می‌دهـد. من نیز بـه منظـور آمـوزش دادن مردم مبعوث شـده‌ام. آنـگاه پیامبر ﷺ در میـان گروهی که سـرگرم آموزش بودند، نشسـت.

در بحـث فرهنگـی کـه مسـجد بـا برنامـه صحیـح می‌توانـد برنامه‌هـای خوبـی بـرای پـر کـردن اوقـات فراغت بچه‌ها داشـته باشـد؛ رعایـت اصـل جذّابیـت در برنامه‌هایی فرهنگـی و همچنیـن بـه‌روز بـودن متولّیـان مسـجد می‌تواند تا حـدّ بسـیاری به این مطلـب کمـک کنـد. تا ابتدا مثـل رسـانه‌ها اول جذب بعد القای اندیشـه و بـاور دینی کنـد. در کارکردهـای دیگـر ماننـد کارکـرد تبلیغـی و سیاسـی نیـز مسـجد می‌تواند نقـش بسـزایی داشـته باشـد. در اینجـا یکـی از مهم‌تریـن کارکردهـا مشـترک بیـن تلویزیـون و مسـجد، یعنـی پـر کـردن اوقات فراغـت می‌توانـد تحقق یابـد. همان‌طور کـه بیـان کردیـم یکـی از عوامـل جـذب رسـانه‌ها، برنامه داشـتن بـرای ایـن کارکرد اسـت. برنامه‌هایـی کـه از اصـل جذّابیـت نیـز کمـک می‌گیـرد و سـاعت‌ها کـودک و نوجـوان را سـرگرم خـود می‌کنـد. مسـجد نیـز در ایـن بخـش (فرهنگـی) می‌توانـد بـا ظرافـت و برنامه‌هـای درسـت و جـذاب ایـن کار را بـه نحـو احسـن انجـام دهـد و باورهـای دینـی و مسـائل تربیتـی را بـه آنها آمـوزش دهد.

امـا بـرای اینکه مسـجد بتواند پایاپایِ سـایر رسـانه‌ها بـه نقش و جایگاه خـود بپردازد

نیـاز بـا برنامه‌ریزی‌هـای درسـت و مناسـب دارد که در اینجـا به ارائه برخـی راهکارها اشاره شـده است.

۱. داشـتن امـام جماعتـی کـه دانش، تقـوا، تعهّد، دلسـوزی، روزآمد بودن، سـلامت و آراسـتگی بدنی و ظاهری داشـته باشـد.

۲. حضـور شـورای علمی و هیئت‌امنای مسـجد کـه ترکیبی از مسـجدیان کارآزموده، بـا تجربـه، جـوان و کارآمـد اسـت؛ از عواملـی کـه در جـذب نسـل جـوان به مسـجد نقـش زیـادی دارد، طولانـی نشـدن نمازهای جماعت اسـت. امـام جماعت بـا در نظر گرفتـن ایـن نکتـه کـه جـذب و پـس از آن حفـظ جوانان در مسـجد، بـه ظرافت‌های خاصـی نیـاز دارد، بایـد تـلاش نمایـد تا رعایـت حوصلـه و وقـت نمازگـزاران، به‌ویژه قشـر جـوان را بنماید.

۳. حضـور کمیته‌هـای علمـی و تخصصـی درون هـر مسـجد، به‌ویـژه کمیته مشـاوره و مهـارت زندگی.

۴. افـزودن بـر جاذبه‌هـای مسـجد، ماننـد برگـزاری کلاس‌هـای هنـری و علمـی در رشـته‌های گوناگون، تأسـیس مکان‌های مناسـب ورزشـی و دعوت از مربیـان باتجربه بـرای آمـوزش، برگـزاری اردوهـای سـیاحتی و زیارتی، نمایـش فیلم و اجـرای تئاتر و ماننـد آن بـا رعایت موازین اسـلامی.

۵. تقویـت مسـاجد از نظـر امکانـات ظاهـری، مانند رسـیدگی به سـاختمان مسـجد، نظافـت و امکانـات لازم بـرای برنامه‌هـای مناسـب.

۶. حضـور اتـاق فکـر خانـواده در مسـجدها که دربـاره موضوع‌ها و محورهـای زندگی خانـواده و چالش‌هـای پیـش رو گفتمـان می‌کنند.

۷. تشـکیل انجمـن هنـر؛ ماننـد سـینما، تئاتـر، خطاطـی، طراحـی، نقاشـی و ترویـج هنرهـای اصیل اسـلامی.

۸. توسعه و ارتقای فعّالیت‌های فرهنگی و سیاسی و ....

۹. تشـکیل و تقویـت کتابخانـه مناسـب بـرای مسـجد و در اختیار داشـتن کتاب‌های مفیـد و متنـوع یکی دیگـر از راهکارهای جذب جوانان به مسـجد هسـت. برای جذب و اسـتفاده بیش‌تـر از امکانـات کتابخانـه، می‌توان بـه برگزاری مسـابقات کتاب‌خوانی،

قصه‌نویسی و خلاصه‌نویسی کتاب و مانند آن اقدام کرد.

۱۰. راه‌اندازی صندوق مهر خانواده برای کمک‌رسانی‌های مالی و اعطای قرض‌الحسنه برای کمک به زندگی، ازدواج، بیماری، ایجاد شغل، تحصیل و مانند آن.

۶. کمیته آموزش و پرورش مسجد برای برنامه‌ریزی موضوع‌های گوناگون، به‌ویژه تربیت دینی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و جنسی. مسجد علاوه بر امور عبادی باید در فکر اشاعه فرهنگ و اخلاق زیبای اسلامی نیز باشد؛ احترام به علماء، افراد مسن و بزرگ‌ترها و محبّت به کوچک‌ترها و رعایت ادب در برابر سایر مؤمنان، باید از دیگر اهداف بانیان مساجد باشد. لازم به ذکر است که مساجد آنگاه خواهند توانست نقش تاریخی خود را در تربیت عبادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایفا کنند که بتوانند مخاطبان خود، به‌خصوص نسل جوان را جذب و حفظ نمایند. برای اوقات فراغت نوجوانان و جوانان برنامه‌ریزی صحیح انجام گیرد. در ایام تعطیلات، بیشتر وقت کودکان و نوجوانان و جوانان به بطالت می‌گذرد و باتوجه به اینکه اکثر خانواده‌ها وضعیت مالی خوبی ندارند و نمی‌توانند به کلاس‌های مختلف بروند، باید بکوشیم که با برنامه‌های جذاب این قشر عظیم را به سمت مسجد فرا بخوانیم. نوجوان و جوان به دلیل عدم وابستگی و نداشتن علاقه بسیار به دنیا و مسائل مادی و آزاد بودن فکر و ذهن، بهتر می‌تواند مفاهیم دینی را درک کند و به همین سبب حافظ ارزش دستاوردهای مذهبی و اعتقادی خواهد بود.

» نتیجه‌گیری

همان‌طور که در این مختصر بیان شد، جهان امروز، جهان رسانه‌هاست و رسانه‌ها تأثیر زیادی در مسائل سیاسی، فرهنگی، علمی، تربیتی و ...، دارند. رسانه‌ها با داشتن کارکردهای زیادی می‌توانند باعث تغیر و دگرگونی در رفتار و باورهای افراد یک جامعه داشته باشند. در این میان شاید نقش تربیتی رسانه‌ها به‌ویژه در بحث تربیت کودک و نوجوان بیشتر در رسانه‌ای مانند تلویزیون نمایان باشد. این نیز به این دلیل است که رسانه‌ها به علت داشتن ویژگی‌های بارزی همچون فراگیر بودن، سرعت انتشار مطالب، اصل جذابیت و ...، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. با نگاهی به کارکردهای رسانه‌ها و همچنین این نکته که مسجد نیز با داشتن ابزار رسانه‌ای مانند منبر و همچنین کارکردهای مشابه با رسانه‌ها می‌تواند دوش به دوش سایر رسانه‌ها در امر تربیت کودک و نوجوان موفق باشد و در کنار رعایت یک سری اصول از جمله اصل جذّابیت و به‌روز بودن در این کار پیشرفت خوبی داشته باشد؛ اما داشتن صرف این کارکردها بدون برنامه‌ریزی صحیح و مناسب کافی نخواهد بود و در صورتی این امر محقق می‌شود که از این ظرفیت‌ها به نحو احسن استفاده شود تا مسجد به همان جایگاه اصلی خود که همانا پایگاه عبادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی، تربیتی، تبلیغی و ...، بودن در بین مردم برسد.

» منابع

» آذری، سعید، «اثرات رفتای تلویزیون بر کودکان و نوجوانان»، مجله پژوهش و سنجش، ش ۱۵ و ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۷.

» ازکمپ، استوارت، روانشناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه فرهاد ماهر، تهران، موسسه انتشارات به نشر، ۱۳۸۵.

» امه دور، تلویزیون و کودکان، رسانه‌ای خاص برای مخاطبان خاص، ترجمه علی رستمی، تهران، سروش، ۱۳۷۴.

» باهنر، ناصر، رسانه‌ها و دین، تهران، مرکز تحقیقات صداوسیما، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

» بری گوننز و بیل مک آلر، کودک و تلویزیون، ترجمه نصرت فتی تهران، سروش، ۱۳۸۰.

» تانکارد، جیمز و سورین، ورنر، نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

» جوکار، قاسم، «بررسی تأثیر تلویزیون بر کودکان»، قم، ماهنامه معرفت، سال شانزدهم، شماره ششم، شهریور ۱۳۸۶.

» حاج سید جوادی، فریبرز، «مسجد- مدرسه‌های قزوین»، مجموعه مقالات همایش معماری (معماری، مسجد، گذشته، حال، آینده)، ج اول، چ اول، دانشگاه هنر، تهران، ۱۳۷۸.

» دادگران، محمد، مبانی ارتباطات جمعی، تهران، مروارید، چاپ نهم، ۱۳۸۵.

» درانی، کمال، تاریخ آموزش‌وپرورش قبل و بعد از اسلام، سمت، تهران، ۱۳۷۶.

» راش، مایکل، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت، ۱۳۸۳.

» رستمی، محمدعلی و همکاران، آیین مسجد، تهران، انتشارات گویه، ۱۳۸۲.

» زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام المساجد باحکام المساجد، قاهره، ص ۲۷، ۱۴۱۰ق.

» ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، اطلاعات، چاپ هفدهم، ۱۳۸۵.

» سعید، زهره، «بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تربیت و رشد کودک و نوجوانان»، قم، فصلنامه پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی، شماره دوم، ۱۳۹۱.

» سلطانی، ابراهیم، «بررسی کارکردهای مسجد در گذشته و حال»، بیستمین اجلاس سراسری نماز، بوشهر، تابستان ۱۳۹۰.

» شاملی، عباسعلی و یوسفی، ش، بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد به‌ویژه در حوزه خانواده، قم، امور مساجد دفتر مطالعات قم، ۱۳۹۱.

» شیخ الصدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، برگرفته از لوح فشرده‌ی جامع الاحادیث، نور ۲، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

» عزیزی، شهلا، خانواده و تلویزیون، تهران، مرندیز، ۱۳۸۳.

» عزیزی، شهلا، خانواده و تلویزیون، تهران، مرندیز، ۱۳۷۳.

» کازنو، ژان، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط‌جمعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ هشتم، انتشارات اطلاعات ۱۳۸۴.

» کرباسیان، قاسم، کارکردهای وسایل ارتباط‌جمعی، قم، سایت پژوه پژوهشکده باقرالعلوم، کتاب فرهنگ علوم انسانی، ۱۳۹۰.

» کریمی، سعید، رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

» کمالی لطف، نسرین، «نقش مسجد در تعلیم و تربیت نوجوانان»، قم، دفتر مطالعات امور مساجد قم، ۱۳۹۱.

» لسان العرب، واژه «مسجد»، برگرفته از لوح فشرده‌ی جامع الاحادیث، نور ۲، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

» محمدی، مجید، «رسانه سینما»، فصلنامه رسانه، شماره پنج، بهار ۱۳۷۰.
» معتمدنژاد، کاظم، وسایل ارتباط‌جمعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
» میرنژاد، مریم، «جایگاه مسجد در قرآن و روایات»، سایت مؤسسه فرهنگی جام طهور.
» ویلبر شرام جک لایل و ادوین بی پارکر، تلویزیون در زندگی کودکان، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما، ۱۳۷۷.

مسجد مجازی و نقش آن در تربیت دینی کودکان و نوجوانان

رحیم دهقان سیمکانی[1]

چکیده

امروزه سایبر و فضای مجازی، بستری را فراهم آورده که با بهره‌مندی منطقی و علمی از آن، می‌توان ضمن بکارگیریِ شیوه‌های نوینِ تبلیغی، با تعداد بی‌شماری از مخاطبان، بدون محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی، ارتباطی دو سویه برقرار نمود. با استفاده درست از این بستر، می‌توان جوانان، نوجوانان و حتّی کودکان که اغلب فرصت‌های خود را با سرگرمی در فضای مجازی می‌گذرانند را با مولّفه‌های اصیل اسلامی آشنا و تربیت نمود. بکارگیریِ ساز وکارهای مسجد در فضای مجازی و عرصه سایبر، از مهمترین اقدامات در این راستا است. «مسجد

[1] . دانشجوی دکتری فلسفه دین و پژوهشگر پژوهشگاه بین المللی المصطفی
Email: r. dehghan@urd.ac.ir.

مجـازی» یـا بـه تعبیـری؛ بخشـی از کارکردهـای مسـجد واقعـی کـه امـکان ارائه در فضـای سـایبر را دارد، می‌توانـد ضمـن بکارگیـریِ فنـاوری و امکانـات ارتباطـی، از جملـه منبـر مجـازی، شـبکه‌های اجتماعـی، و بازی‌هـای رایانـه‌ای و نیـز با اسـتفاده از محتـوای درسـت و مسـتند، بسـتر مناسـب بـرای الگوسـازی و هدایـت فرهنگـی، هنـری، آموزشـی و اجتماعـی کـودکان و نوجوانان را فراهـم نموده و در رشـد تربیتی آنهـا تاثیرگـذار باشـد. ایـن مقالـه تـلاش خواهـد نمود تـا ضمـن تبیین سـازوکارها و ظرفیت‌هـای مسـجد در فضـای مجـازی، نقـش مسـجد مجـازی در تربیـت کودک و نوجـوان[1] را بـر مبنـای برخـی اصول تربیتـیِ مهم در تربیـت دینی، مورد بررسـی قرار داده و آن را مقدمـه و راهـکاری بـرای ورود آنان به مسـجد واقعـی قلمداد نماید. روش مقالـه، در تبییـن محتـوا، تحلیلـی و در مراجعـه بـا آراء، اسـتنادی خواهد بود.

واژگان کلیدی:
مسجد مجازی، تربیت، کودک، نوجوان، اینترنت، فضای مجازی.

[1] . در ایـن مقالـه رده‌هـای سـنی بیـن ۷ یـا ۸ سـال تـا ۳۰ سـال مـدّ نظـر قـرار داده شـده کـه هـم کـودکان نونهـال [کـه در سـنین بیـن ۷ تـا ۱۰ سـال قـرار دارنـد]، هـم نوجوانـان و هـم جوانـان را شـامل می‌شـود. مـا در عنـوان ایـن مقالـه بـه اختصـار از آنـان بـه کـودکان و نوجوانـان تعبیـر کرده‌ایـم. ایـن رده سـنّی، بیشـترین مخاطبـان فضـای مجـازی، اعـمّ از بازی‌هـای رایانـه‌ای و اینترنـت را تشـکیل می‌دهنـد. بـرای مطالعـه بیشـتر در رابطـه بـا رده هـای سـنّی رک، (لطـف آبـادی، حسـین، روان شناسـی رشـد ۲؛ نوجوانـی، جوانـی و بـزرگ سـالی، تهـران، سـمت ،۱۳۸۰)

» مقدمه

در دنیـای امـروز کـه فنـاوری اطلاعـات و ارتباطـات جایـگاه منحصـر به فـردی را در زندگـی بشـر پیـدا کرده، نقـش شـبکه‌های اینترنت و بازی‌هـای رایانـه‌ای در انتقال و مبادلـه حجـم عظیمـی از اطلاعات روشـن‌تر و بارزتر شـده اسـت. مهم‌تریـن تغییری کـه فنـاوری اینترنـت در جهـان بوجـود آورده را می‌تـوان بـه خوبـی در ایـن سـخن مارشـال مـک لوهان خلاصـه کرد:

«در ایـن فضـا، انسـان آنچه را خطی، پشـت سـرهم، یکنواخـت، و قابل تکرار اسـت به دور می‌انـدازد، و بـه جهانـی کلّـی و همه‌جانبه قـدم می‌گذارد. این جهـان، الکترونیک اسـت. در ایـن جهـان همـه چیـز می‌توانـد با هـم و در کنار هـم اتفاق بیفتـد و جهان بـه دهکده‌ای بزرگ تبدیل می شـود.» (مددپـور ۱۳۸۸، ۱۸۱)

در ایـن فضـا، مـردم نقـاط مختلف در سراسـر کره زمین بـه مثابه یک دهکـده، امکان برقـراری ارتبـاط بـا یکدیگـر و اطـلاع از اخبـار و رویدادهـای جهانـی در مـدّت زمان بسـیار کوتـاه را دارنـد. ایـن ظرفیـت، بسـتری را فراهم سـاخته اسـت تا هـم منادیان دروغیـن صلـح و دشـمنان اسـلام از فضـای مجـازی، ماهواره‌هـا و رسـانه‌ها بـرای دسـتیابی بـه اهـداف شومشـان در قالب هجمه‌هـای فرهنگی بهره برنـد و هم منادیان راسـتین دیـن و آنهـا کـه دغدغـه هدایـت بشـر دارنـد، مفاهیـم و آموزه‌هـای اصیل و مسـتند خـود را بـرای هدایـت جهانیـان ارائـه کننـد. در ایـن بسـتر، طبعاً آنهـا موفق خواهنـد بـود کـه بـر مبنـای اعتقادات حـق، و بـا بهره‌گیـری از اسـتدلالات منطقی و متقـن، نظـام اخلاقـی، دینـی، معنوی و اعتقـادی را به بهترین شـیوه عرضـه کنند. از ایـن رو، نیروهـای مسـجدی و جوانـان باید با ورود به بخش فضای مجازی در راسـتای تبلیـغ آموزه‌هـای اصیـل اسـلام گام بردارنـد. انسـان‌های متعهـد و با ایمـان با حضور گسـترده در فضـای مجـازی، بایـد معنویـت موجـود در مسـاجد را در فضـای مجازی نیـز منتشـر کننـد. در حالـی کـه دشـمنان اسـلام، تـلاش دارند تـا چهره خشـنی از اسـلام را بـه دنیـا معرفـی کنند، مبلّغان اسـلام باید سـازوکارهایی اندیشـیده و فضای معنویـت، قـرآن و مسـجد و داشـته‌های دیـن مبیـن اسـلام را در ابعـاد مختلـف بـه جهـان عرضـه کنند.

یکـی از ابعـاد دین اسـلام، بُعـد تربیتی و اخلاقی اسـت و از آنجا که امـروزه از تأثیرات رسـانه‌های جمعـی بـر هویّت کـودکان و نوجوانان گریزی نیسـت، (ملویـن و همکاران ۱۳۸۳، ۳۰۰) و نیـز از آنجـا کـه اسـتفاده از اینترنـت در میـان جوانـان و نوجوانـان، بیـش از هـر گـروه سـنّی دیگر اسـت، (بولـن ۲۰۰۵، ۵) لازم اسـت تا با ایجـاد فضایی تربیتـی در قالـب مسـجد مجـازی، راهکارهـا، مفاهیـم و آموزه‌هـای اصیـل تربیتـی بـه جامعـه جـوان و نوجـوان کـه آمـار قابـل توجّهـی از کاربـران اینترنتـی را بـه خود اختصـاص داده‌انـد، ارائه گردد. مسـجد مجازی با ارائه سـازوکارهای مسـجد در فضای مجـازی، می‌توانـد نقـش قابـل توجّهـی را در ایـن زمینـه ایفـا کنـد، چرا که مسـاجد همـواره مهمتریـن پایگاه‌هـای تربیتـی در جوامـع اسـلامی بوده‌اند.

از ایـن رو، در ایـن نوشـتار بـا توجه به نو بـودن مطالب و برخـی از واژه‌ها و اصطلاحات جهـت تبییـن و درک بهتـر و بیشـتر موضوعـات مهـم و مسـائل مطروحـه، در بخـش اول مقالـه بـه تبییـن مسـجد مجـازی، ضـرورت توجـه بـه مسـجد مجـازی و بیـان ظرفیت‌هـای مسـجد مجـازی جهـت تربیـت کـودکان و نوجوانـان خواهیـم پرداخت. بخـش دوّم را بـه ضـرورت توجّه به تربیت کـودک و نوجوان، جهت جـذب نوجوانان و جوانـان به سـوی مسـاجد مجازی و سـپس واقعی اختصـاص خواهیـم داد و در بخش سـوّم بـر اسـاس اصول مهـم در تربیـت کـودکان و نوجوانان، تـلاش خواهیـم نمود تا نقـش مسـجد مجـازی و تاثیـر آن بـر تربیت نوجوانـان را مـورد تبیین و بررسـی قرار دهیـم. در ضمـنِ مباحـث، روش‌هـا و شـیوه‌های کاربـردی و قالب‌هایی کـه در فضای مجـازی، بـه منظـور افزایـش جاذبه برای جذب این قشـر وسـیع به سـوی مسـاجد و نمازخانه‌هـا قابلیـت بهره‌گیـری دارد را نیـز مورد تبیین و تشـریح قـرار داده، در پایان راه‌کارهایـی را بـرای نهادینه سـاختن مسـاجد مجازی بـه اختصار بیـان خواهیم کرد.

» الف) مسجد مجازی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

۱. مسجد مجازی

واژه مسجد در لغت به معنای سجده‌گاه و پیشانی است. «ابن‌منظور» در لسان‌العرب درباره مسجد می‌نویسد «مسجَد و مسجِد جایی است که در آن سجده می‌کنند و مفرد مساجد است». (ابن منظور ۱۴۰۵ ق، ج۳، ۲۰۴) ابن اعرابی می‌گوید «مسجَد به فتح جیم، محراب و نمازگاه خانه‌ها است و مسجِد به کسر جیم، نمازگاه جماعات است و جمع آن مساجد (مسجدها) است». (زبیدی ۱۴۱۴ ق، ج۵، ۷) مسجد در اصطلاح به عبادت‌گاه مسلمانان اطلاق می‌شود. در این که چرا کلمه مسجد، برای مکان عبادت و محل نماز استعمال شده است، گفته شده که چون عظیم‌ترین عبادتی که در آن برگزار می‌شود، نماز و شاخص‌ترین جزء نماز نیز سجده است از این رو به آن مکان، مسجد می‌گویند. (دشتی ۱۳۸۵، ۳۵۱) برخی معتقدند، این واژه، معرّب «مزکت» است که از زبان آرامی وارد زبان عربی شده است و به جای سجده و محلی که مسلمانان در آن نماز می‌گزارند، اطلاق می‌شود. (معین ۱۳۸۸، ج۳، ۱۴۰۶) راغب اصفهانی درباره واژه مسجد می‌گوید «مسجد محل نماز است و گفته شده که همه زمین مسجد است چون در روایتی آمده که زمین، مسجد و پاک کننده قرار داده شده است.» (راغب اصفهانی ۱۴۰۴ ق، ۳۹۷)

واژه «مجاز»، گاهی در مقابل امر حقیقی معنا می‌شود، گاهی به عنوان امری وهمی و خیالی فرض می شود و گاهی در مقایسه با واقعیت محسوس به‌کار برده می‌شود. مراد از «مسجد مجازی»، مسجد در فضای مجازی اعمّ از تلوزیون، سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های رایانه‌ای است که به مرور زمان، فرد را به یک شبکه معنوی اصیل متّصل می‌کند. مسجد مجازی در واقع سازوکارهای مسجد واقعی در فضای مجازی را داراست و از این جهت، می‌تواند در امر تربیت، به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به مسجد واقعی، تاثیرگذار باشد. طبیعی است که تمام سازوکارهای مسجد واقعی قابل انتقال به فضای مجازی نیست و از این رو، مراد از مسجد مجازی، بخشی از سازوکارهای مسجد واقعی است که امکان عرضه

در عرصه سایبر را دارد. منبر مجازی، تبلیغ و سخنرانی در فضای مجازی، اذان و اوقات آن، ایجاد کتابخانه مجازی، استفاده از امکانات ارتباطی بین کاربر و مبلّغ دینی، همه در کنار هم مفهوم مسجد مجازی را متبلور می‌سازند. مسجد مجازی نیز در واقع در پی اهداف تربیتیِ مسجد واقعی است. رسول خدا فرمود «در مسجد هر نشستنی مگر برای سه چیز بیهوده است؛ نماز خواندن، ذکر گفتن، و بحث علمی کردن» (مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۸۳، ۳۷۰) و در مسجد مجازی، حداقل یکی از این موارد، یعنی بحث علمی کردن تحقق خواهد یافت، علاوه بر اینکه ذکر گفتن و نماز گزاردن را نیز اگر محصور در شکل ظاهری آن ندانیم، شامل خواهد شد.

«هر کس به مساجد رفت و آمد کند، به یکی از این هشت چیز می‌رسد: یا برادری دینی که از او بهره‌مند می‌شود، یا دانش و نکته حکمت‌آمیز، یا آیت و نشانه‌ای محکم، یا رحمتی مورد انتظار، یا سخنی که او را از هلاکت بازمی‌دارد، یا کلامی که او را به هدایت رهنمون شود، یا گناهی را به خاطر خشیّت خدا ترک می‌کند.» (مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۸۰، ۳۵۱)

با توجّه به بیانی که از مسجد مجازی ارائه شد و با توجّه بیان این حدیث شریف، به نظر می‌رسد غالب کارکردهای مسجد که در این حدیث بیان شده از طریق مسجد مجازی نیز قابل دسترسی بوده و مسجد مجازی ارائه دهنده پیام های دینی، و منبع حرکت‌های فرهنگی ـ معنوی، و هدایت‌کننده انسان‌ها خواهد بود. کارکردهای مسجد عبارتند از کارکردهای عبادی، آموزشی، تربیتی، فرهنگی و ارتباطاتی، اجتماعی، سیاسی، معماری و نقش‌آفرینی در فضای کالبد شهری و... (الویری ۱۳۸۶، ۹) که بیشتر آنها را می‌توان از کارکردهای مسجد در فضای مجازی نیز دانست. این فضا، حتّی می‌تواند به گونه‌ای طراحی شود که کاربر را موظّف سازد تا آداب و شرایط خاصی که برای ورود به مسجد واقعی لازم است را رعایت نماید؛ مثلاً می‌توان سازوکاری اندیشید تا هر کاربر برای ورود به فضای سایت با وضو باشد و اگر قصد خرید در این فضا را دارد، زکات را داده باشد. در این صورت، بیان شریف رسول خدا شامل حال کاربرانی که در این فضا قرار

دارنـد نیـز خواهد شـد کـه فرمودند:

تـا زمانـی کـه در مسـجد نشسـته ای، حق‌تعالـی بـه تعـداد هر نفسـی که می‌کشـی، یـک درجـه در بهشـت بـه تو می‌دهـد و فرشـتگان بر تو درود می‌فرسـتند. (مجلسـی ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ۳۳۶)

مسـجد مجـازی، رسـانه‌ای دینـی اسـت کـه هـر پیامـی را اشـاعه نخواهـد داد بلکـه بـه جهـت اینکـه رسـانه‌ای دین‌محـور اسـت، واقعیت‌گـرا بـوده و تـلاش می‌کنـد تـا واقعیت‌هـای دینـی را بـه صـورت غیرحضـوری و در فضایـی مجازی ارائه دهـد. از این رو، مسـجد مجـازی، «آن بخـش از کارکردهـای مسـجد واقعی اسـت که امـکان ارائه در فضـای سـایبر را دارد.» (جهانگیـری سـهروردی ۱۳۸۸، ۷۲)

فضـای مسـجد و منبـر مجـازی را بـه صورت‌هـای متعـددی می‌تـوان مهیّـا سـاخت. عـلاوه بـر طراحـی ایـن فضـا از طریـق سـایت‌ها و شـبکه‌های اجتماعـی، ایـن فضا را می‌تـوان بـه صـورت یک نـرم افـزار نیز طراحـی کـرد؛ نرم‌افزاری کـه امکانـات دنیای مجـازی رایانـه‌ای را در جهـت معرفی و شناسـایی و اطلاع رسـانی حوزه‌هـا، بخش‌ها، عناصـر و کارکردهـای گوناگون و متنوع مسـجد به عموم کاربران رایانه‌های شـخصی، بـه کار می‌گیـرد. بـا کمک گرفتـن از امکانات رایانـه‌ای از قبیل انیمیشـن، پخش فیلم و عکـس، اسـتفاده از منابـع اطلاعاتـی در کنـار فضـای سـه بعـدی و مجازی مسـجد، می‌تـوان بسـتری مناسـب بـرای الگوسـازی و هدایـت فرهنگـی، هنـری، آموزشـی و تربیتـی فراهـم نمـود. با تهیه چنیـن نرم‌افزاری و در اختیـار قراردادن رایـگان آن، هر کاربـری می‌توانـد بـا کمتریـن دانـش فنـی و رایانه‌ای، بـا قـراردادن یک لوح فشـرده در رایانـه خـود، وارد فضـای مجـازی مسـجد و سـایر مراحل آن شـود تا پـس از ورود کامـل بـه ایـن محیط بـا تمامی قسـمت‌های مسـجد حقیقی، مسـاجد برتـر و الگوی مطابق با سـنّت اسـلامی آشـنا شـود.[1]

البتـه توجّـه بـه ایـن نکتـه مهـم لازم اسـت کـه اهمیّـت دادن بـه مسـجد در فضـای

[1] . کـودکان و نوجوانـان بـا دیـدن انـواع تصاویـر و عکس‌هـا می‌تواننـد احساسـات منفـی و یـا مثبـت خـود را بـروز دهنـد. بـرای مطالعـه بیشـتر در ایـن رابطـه رک: (درانـی، کمـال، اسـتفاده از رسـانه هـای گروهـی نـزد دانش‌آمـوزان دوره راهنمایـی و متوسـطه شـهر تهـران در رسـانه‌های تصویـری، مجلـه روانشناسـی و علـوم تربیتـی، دانشـکده روان‌شناسـی و علـوم تربیتـی دانشـگاه تهـران، دوره جدیـد، سـال چهـارم، شـماره ۲، ۱۳۸۱، ۴۷.)

مجـازی، بـه هیـچ وجـه بـه معنای دسـت کشـیدن از مسـاجد واقعی نیسـت. طبیعی اسـت کـه نمی‌تـوان ادّعا کرد، مسـجد مجـازی تمام کارایی مسـاجد واقعـی را خواهد داشـت. مسـجد مجـازی، هرچند بر کیفیـت، تأثیر و رنـگ و لعـاب آن بیفزاییم، جای یـک لحظـه حضـور در مسـجد واقعـی و مراسـم حـج یـا نمـاز جمعـه و... را نخواهـد گرفـت. بـا ایـن حـال، از نقش موثّر مسـجد مجـازی، به عنـوان مقدمه‌ای بـرای جذب جوانـان آشـفته در بـازار دیجیتـال و دنیای مجـازی به مسـاجد واقعی و سـنّتی نباید غافـل شـد؛ چـرا کـه کاهـش اسـتقبال جوانـان از مسـاجد و فزونـیِ اسـتقبال آنان از اینترنـت و فضـای مجـازی، امـری غیرقابـل انـکار اسـت. در واقـع مجـازی بـودن، به هیـچ عنـوان از تأثیـر واقعیـت نمی‌کاهـد بلکـه تنهـا واقعیتـی را بـه شـکل مجـازی بازنمایـی می‌کنـد. چـه بسـا موازی بـا جهان واقعـی، واقعیـت مجازی تـلاش می‌کند تـا محیط‌هـای جدیـدی خلـق کنـد و از قلمروهـای خیال گونـه‌ای که به شـیوه‌هایی منحصـر بفـرد «واقعـی» بـه نظـر می‌رسـند، امـا بـه صـورت مسـتقیم بـا جهـان، بـه صورتـی کـه آن را درک می‌کنیـم ارتبـاط ندارنـد، اسـتفاده کند.

۲. ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مسجد مجازی

مسـجد مجـازی، قابلیت‌هـا و ظرفیت‌هـای خاصـی دارد کـه می‌توانـد در جهت جذب جوانـان و انجـام فعالیت‌هـای تربیتـی و تبلیغـی، موثّـر باشـد. ایـن قابلیت‌ها بـه بیان مختصـر از ایـن قرارند:

۲-۱. در فضـای مسـجد مجـازی، مخاطبـان و کاربـران از سـایر مناطـق جهـان بـه صـورت تعامـل دوسـویه و گفتمـان مجـازی می‌توانند با مبلّـغ دین در ارتباط باشـند. دو طـرف گفتگـو، می‌تواننـد اطلاعـات و مطالـب هدفمنـد را در قالـب نثـر ادبـی، داسـتان کوتـاه، حکایـت، ضـرب المثل، شـعر، پنـد و اندرزهـای جهـت‌دار، در اختیار دیگـر کاربـران عـام و خاص فعـال در عرصه اینترنت قـرار دهند. در این راسـتا، امکان راه انـدازی وبـلاگ و درگاه‌هـای تخصصـی بـا موضوعـات مختلـف دینـی مثـل قرآن، احـکام، آیـات، روایـات، ادعیـه، و مباحـث فقهی می‌تواند مسـجد مجـازی را به عنوان مهمتریـن ابـزار تبلیـغ دینـی در دنیـای مجازی اسـلام معرفـی کند.

۲-۲. در فضـای مسـجد مجـازی می‌تـوان هـم گفتگـو کـرد و هـم گفتگـو را آموزش داد کـه هـر دو بـه قـدر کافـی ارزشـمندند. ایـن فضـا می‌توانـد، مقدمـه‌ای را بـرای کنـدوکاو در جهت‌یافتـن حقایقـی کامل‌تـر (نسـبت بـه بقیه عقایـد) فراهم سـازد. از ایـن رو، بـرای محققانـی کـه دنبـال حقیقـت هسـتند، این امـکان فراهم می‌شـود که در میـان عقایـد متکثـر تفحّص نمـوده و آگاهانـه، بهترین عقیـده را انتخـاب کنند. با توجـه به گسـتره بسـیار وسـیع اطلاعـات، داده‌ها و محتـوای متنـوع و مختلف، فضای مجـازی می‌توانـد برای انسـان‌های منصـف، در زمینه تقویـت مبانی دینـی، اعتقادی، آموزشـی و... نقـش تکمیلـی و جبرانـی را ایفـا نمایـد. عـلاوه بـر اینکـه در ایـن فضـا، تعامـل بیـن فرسـتنده و مخاطـب منجـر بـه فعال شـدن مخاطـب در جریـان ارتباط می‌شـود؛ در عرصـه‌ای کـه یـک فـرد هـم می‌تواند فرسـتنده پیـام و هم گیرنـده پیام باشـد. هابرمـاس در ایـن زمینه معتقد اسـت:

نیازهـای اساسـی یـا اصیـل معیّنـی وجـود دارد کـه تمامـی افـرادِ کامـلا آزاد آنها را دارنـد و ایـن نیازهـا توسـط هرکـس کـه صمیمانـه وارد یـک گفتمـان عملـی شـود ضرورتـاً کشـف خواهـد شـد. (اسـتیون ۱۳۸۰، ۷)

۲-۳. مسـجد مجـازی، امـکان بهره‌منـدی از کارکردهـای تربیتـیِ مسـجد را بـرای ناتوانهـای جسـمی اعـمّ از نابینایـان و کسـانی کـه نقـص عضـوی دارنـد و توانایـی برقـراری ارتبـاط بـا مسـاجد واقعـی را ندارنـد، فراهـم می‌سـازد. فـردی کـه بـه هـر علّتـی توانایـی حضـور در مسـجد را نداشـته باشـد، بـا تهیـه نرم‌افزارهـای متعدد که سـازوکارهای مسـجد را در فضـای مجـازی ترسـیم نمـوده انـد، می‌تواند، با قـراردادن یـک لـوح فشـرده در رایانه خود، وارد فضای مجازی مسـجد شـده و از فضـای معنویِ آن بهره‌منـد شـوند.

۲-۴. بـا توجـه بـه اینکـه یکـی از راه‌هـای انتقال پیـام و مفاهیـم، اسـتفاده از تصویر، عکـس و گرافیـک و نقاشـی مـی باشـد، ایـن مـوارد در فضای مسـجد مجازی بسـیار کاربـرد داشـته و در ایـن فضـا امکان اسـتفاده را برای بی‌سـوادان و کم‌سـوادان فراهم می‌کنـد. عـلاوه بـر اینکـه وجـود عناصری چـون عکـس، تصویـر، گرافیـک، و... نقش موثـری در تبلیـغ و انتقـال مفاهیـم دینـی بـه کاربـران ایفـا می‌کننـد و کـودک یـا

نوجـوان بـا دیـدن ایـن تصاویـر، آگاهانـه یـا ناآگاهانـه سرمشـق و الگـو می‌گیرنـد. (رشـیدپور ۱۳۸۴، ۶۱)

۲-۵. یکـی ازظرفیت‌هـای مناسـب در فضـای مسـجد مجازی، امکان شـناخت منطقه زندگـی و محـل تمـاس کاربـران متفـاوت از قاره‌هـا، کشـورها و مناطـق مختلـف می‌باشـد کـه ایـن امـر موجـب می‌شـود تا مبلّـغ با شـناخت درسـت از آنهـا، محتوا و اطلاعـات متناسـب بـا محیط‌هـای مختلـف فضـای مجـازی را در قالب منبـر مجازی و سـخنرانی اینترنتـی و یـا وبـلاگ و چـت در اختیارشـان قـرار دهد. همچنیـن، مبلّغ می‌توانـد بسـیاری از منابـع و کتـب مرجـع بـرای پاسـخگویی را در کنـار خویـش بـه صـورت آنلایـن داشـته باشـد و بـه محض نیـاز بـه تبیین و تشـریح موضوعی بـا دقّت و صحّـت بـالا آن را بـرای کاربـر ارائـه نمایـد. عـلاوه بـر اینکـه، در این فضا یـک مبلّغ می‌توانـد تنهـا بـا یـک کلیک و ارسـال پیـام، تعـداد بی‌شـماری از کاربـران را در یک لحظـه مـورد خطـاب قـرار داده و با ارسـال اطلاعات و محتـوای مفید از طریق پسـت الکترونیکـی، هـم زمـان بـا مخاطبـان و کاربـران مختلـف بـه گفتگـو و تبـادل نظـر بپردازد.

۲-۶. در فضـای حاکـم بـر مسـجد مجازی، امـکان ذخیره‌سـازی اطلاعـات و محتوای ارائـه شـده و حتـی مجموعـه صحبت‌ها و حرف‌های رد و بدل شـده بیـن مبلّغ و کاربر وجـود دارد کـه تمامـی این پیام‌هـا قابل اسـتفاده و بهره‌بـرداری و آنالیـز و بازآفرینی در آینـده می‌باشـند. عـلاوه بـر اینکـه امـکان بهـره گیـری از چشـم الکترونیکـی، نیز وجـود دارد کـه وقایـع را ذخیـره می‌کنـد کـه در صـورت لـزوم، می‌تـوان از وقایـع ذخیـره شـده در حافظـه چشـم الکترونیکی اسـتفاده نمود.

۲-۷. امـکان دسترسـی آسـان و سـریع بـرای هـر مطلـب یـا اطلاعاتـی که مـورد نیاز کاربـر باشـد از طریـق موتورهای جسـتجوگر اینترنتـی از دیگر قابلیت‌هایی اسـت که در اختیـار مسـجد مجـازی اسـت. نومسـلمانی کـه می‌خواهـد در مورد اسـلام چیزی بیامـوزد، در سـهل‌الوصول‌ترین جـا یعنـی اینترنـت دنبـال کلیـدواژگان اسـلامی از جملـه مسـجد مـی‌رود و با فقدان فضای مناسـب، ممکن اسـت از همان ابتـدا انحراف در تربیـت او ایجـاد شـود. فضـای مسـجد مجـازی مـی توانـد او را در ایـن زمینـه،

رهنمـون باشـد و او را در حداقـل زمـان ممکـن به نکته دلخـواه و اطلاعات مـورد نیاز خود برسـاند.

۳. تهدیدهای پیش‌روی مسجد در فضای مجازی

علیرغـم وجـود قابلیت‌هـایِ چشـمگیر مسـجد مجـازی، تهدیدهایـی نیـز بـرای آن وجـود دارد کـه متولّیـان فرهنگـی بایـد نسـبت بـه آنهـا آگاه باشـند. در واقـع، عمده چالش‌هـای تربیتـی کـه فضاهـای مجـازی از جملـه اینترنت و شـبکه‌های مجـازی با آن مواجـه هسـتند، دامن‌گیـر مسـجد مجـازی نیـز خواهد بـود و مبلّغ بایـد تمام این مطالـب را مـد نظـر داشـته باشـد تـا بتوانـد منبـری موثّـر در فضـای اینترنت داشـته باشد.

۳-۱. خاصیت ذاتی فضای مجازی و مشـخص نبودن نام و نشـانی کاربران و تا حدودی کارگـزاران، سـبب وجـود هنجارهـا و ارزش‌هایی می‌شـود که قابلیت ظهـور در جهان واقعـی و اجتمـاع واقعـی را ندارنـد و همین امر جرم و آسـیب‌های اجتماعـی- روانی و تهدیـد امنیـت را در پـی خواهد داشـت. اساسـاً خلـوت اینترنت، برای انسـان‌هایی که در سـطح قابل توجهی از رشـد و تربیت قرار نگرفته باشـند، آسـیب‌زا اسـت. شـیطان در همـه حـال وسوسـه‌انگیز اسـت، ولـی قـدرت وسوسـه‌انگیزی و تأثیر وسوسـه‌های او در خلـوت و در فضایـی کـه فـرد بـدون آگاهی دیگـران، به راحتی امکان دسترسـی بـه انـواع تصویرها و محتواهای جنسـی مسـتهجن را دارد، بیشـتر می‌گـردد. بنابراین، ماهیـت اینترنـت، ماهیـت وسوسـه‌انگیز اسـت و در بسـیاری از روایت‌های اسـلامی از خلـوت کـردن، به‌ویـژه در موقعیت‌هایـی که زمینـه گناه فراهـم اسـت ـ مانند خلوت کـردن بـا نامحرم ـ نهی شـده اسـت؛ پیامبر ﷺ در بیانـی فرمود:

«لا یخلـونَّ رجـلٌ بأمـرأةٍ فـان ثالثهمـا الشـیطان؛ مـرد نامحـرم بـا زن نامحـرم خلـوت نمی‌کنـد مگـر اینکه شـیطان در کنـار آنها حضور خواهـد یافت (محدث نـوری ۱۴۰۸، ج۱۴، ۲۶۶)؛ ایاکـم و محادثـه النسـاء فانـه لا یخلـو رجلٌ بأمـرأةٍ لیس لها محـرمٌ الاّ همَّ بهـا؛ از سـخن گفتـن بـا زنان نامحـرم بپرهیزیـد، چرا که مـرد در صورت خلـوت کردن بـا نامحـرم تحریک خواهـد شد».(حسـام‌الدین هنـدی ۱۴۱۳ق، ج۵، ۳۲۷)

در پژوهشی که برسون و فرون[1] انجام داده‌اند، یک دختر نوجوان اظهار داشته است که «ارتباط از طریق اینترنت، مانند نقابی در برابر دنیا است؛ می‌توانید هرچیزی می‌خواهید بگویید و هر کاری می‌خواهید انجام دهید و هرگز هم کسی شما را نمی‌شناسد و از کار شما آگاهی نمی‌یابد.(بولین ۲۰۰۰، ۹۸) این اظهارنظر، هرچند سخن یکی از پاسخ‌دهندگان به پژوهشی درباره گمنامی اینترنتی است، امّا یکی از مسائل مهم روان‌شناسی اینترنت، یعنی تأثیرهای گمنامی را بر بروز اعمال غیراخلاقی از سوی کاربران اینترنت نشان می‌دهد. ماهیت گمنام اینترنت می‌تواند سبب شود افراد کارهایی بکنند و چیزهایی بگویند که در خارج از آن فضا چنین افعالی را مرتکب نمی‌شوند. بولن و هاره (۲۰۰۰م.) در پژوهشی با عنوان «اینترنت؛ پی‌آمدهای آن بر سلامت و رفتار[2]»، از عواملی به عنوان آسیب‌هایی که کاربران اینترنت را تهدید می‌کند، نام برده‌اند که از جمله آنها؛ ماهیت سانسور نشده اینترنت و ناتوانی افراد در ارزیابی دقیق اطلاعاتی که با آن مواجه می‌شوند؛ پی‌آمدهای منفی دیدن هرزه‌نگاری‌ها و محتواهای جنسی و غیراخلاقی؛ و پی‌آمدهای تحریک جنسی است. در این فضای مجازی، این احتمال هست که افراد به طور ناخودآگاه از داده‌ها و تصویرها تأثیر پذیرند. از نظر روان‌شناسی، ما می‌توانیم محرک‌هایی را ثبت کنیم که از ادراک آنها ناآگاهیم. در واقع، می‌توانیم به نوعی یادگیری و تأثیرپذیری از محرک‌های جنسی در اینترنت معتقد باشیم که آگاهانه نیست و افراد بدون قصد و آگاهی به ثبت آن اقدام می‌کنند. (اتکسیون ۱۳۷۱، ج۱، ۳۰۲)

بر این اساس، آسیب‌های روانی کاربران به خصوص نوجوانان یکی از شایع‌ترین و مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی ناشی از دنیای مجازی است و اگر قرار است در این فضا مسجد مجازی ارائه شود، باید آنقدر دقیق و در عین حال جذّاب باشد تا در مقابل این مسائل مقاومت کند. در عین اینکه این همه مشکلات وجود دارد، امّا با این حال رسانه ها و به خصوص رسانه‌های الکترونیکی، با توجه به کارکردها و قابلیت‌هایی که دارند می‌توانند در جهت حفظ سلامت و بهداشت

[1] . Berson, Ferron.
[2] . The Internet: Its Effects on Safety and behavior.

روان کـودکان و نوجوانـان تاثیـر زیادی داشـته باشـند. (اخگـر ۱۳۸۸، ۵۲)
۳-۲. دنیـای مجـازی نـه تنهـا سـبب تغییر عـادت رفتاری کـودکان و نوجوانان شـده بلکـه بـه طـور کلـی سـطح زندگـی و حتـی اصـول و باورهـای اخلاقـی را نیـز دچـار دگرگونـی کـرده اسـت. امـروزه سـایت‌هایی طراحی شـده‌اند کـه مسـائل غیراخلاقی در قالـب تبلیغـات و فیلـم و حتـی بازی‌هـای رایانـه‌ای بـرای کـودکان و نوجوانانـی کـه قـدرت تشـخیص و تمایـز آن را ندارنـد کـه تشـخیص دهند آیـا اینترنت بـه آنها خدمـت مـی کند یـا خیانـت، رواج می‌دهند. نیـل پسـتمن جامعه شناسـی امریکایی بـا اشـاره بـه ایـن مطلـب، بـر بسـته شـدن زمینه‌هـای رشـد و پـرورش کـودکان بـه واسـطه وجـود چنیـن فضایـی تأکید مـی کند:
«زمانـی کـه کـودک را از جهـان کودکـی دور می‌سـازیم و زمینه‌های رشـد و پرورش را از او می‌گیریـم و او را بـه انـواع بازی‌هـا و فیلم‌هـای رایانـه‌ای و اینترنتـی سـرگرم می‌کنیـم راه را بـر روح لطیـف و جسـم با نشـاط او بسـته‌ایم و آینـده هدفمند، خلّاق و پربـار و تعهّـدآور را بی‌چـون و چـرا از او و از جامعـه انسـانی گرفته‌ایـم. (پسـتمن ۱۳۷۸، ۱۲)
آمـوزش نوجوانـان در مـدارس بـه عنـوان یـک نهـاد فرهنگـی و مجهّـز سـاختن آنها بـه سـواد رسـانه‌ای لازم، می‌توانـد یکـی از بهتریـن راهکارهـا در پیشـگیری از ایـن آسـیب‌های روانـی باشـد. نیـل پسـتمن در ایـن بـاره مـی گویـد:
«یـک محتوای نوین آموزشـی بـا خصوصیات لازم خـود بهترین امکانـات را در اختیار یـک فرهنـگ می‌گـذارد تـا بتواند با مشـکلات ناشـی از تکنوپولی (تکنولـوژی زدگی) برخیـزد. مدرسـه مهم‌تریـن ابـزار اسـت کـه می‌تـوان بـا آن بـه تصحیـح مشـکلات پرداخت.» (پسـتمن ۱۳۷۸، ۲۵۶)
۳-۳. یکـی از خاصیت‌هـای ویـژه فضـای مجـازی، جاذبـه و گرایـش مسـتمر به سـیر و گـردش در آن توسـط کاربـران اسـت کـه پـس از مدتـی افـراد را بـه شـدت بـه خـود وابسـته می‌کنـد تـا حـدی کـه بـرای برخـی افـراد اعتیـاد مـی‌آورد و زندگـی بـدون اینترنـت بـرای آنـان غیرممکن می‌شـود. بدین ترتیـب فضای مجـازی در کنار جنبه‌هـای مثبـت آن سـبب اتـلاف وقـت مفیـد کاربـران بی‌هـدف و بازداشـتن آنهـا

از فعالیت‌های هدف‌داری است که سبب تکامل فردی و اجتماعی می‌شود. در تعالیم اسلامی، هدر رفتن وقت جز تباهی عمر و پشیمانی حاصل دیگری ندارد. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «از تباه شدن عمرها در آنچه برای شما باقی نماند بپرهیزید که عمر رفته باز نمی‌گردد.» (محدث ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ۱۹۹) اعتیاد به اینترنت، مشکلاتی از جمله افسردگی، درون‌گرایی، خجالتی بودن، کم حوصله بودن، احساس ترس و اضطراب، و بیش فعالی را به دنبال خواهد داشت.(سامسون ۲۰۰۵، ۲)

۳-۴. خشونت مجازی یکی دیگر از نتایج مخرب حاصل از دنیای مجازی است. در هر جامعه‌ای بیماران روحی و روانی وجود دارند که از آزار و اذیت دیگران لذت می برند و به راه‌اندازی سایت‌های غیراخلاقی و خشونت‌آمیز می‌پردازند که هدف اصلی این سایت‌ها، جوانان و نوجوانان هستند. مطالعات انجام شده در زمینه قرار داشتن در معرض خشونت رسانه‌ای نشان می‌دهد که در این زمینه مسائل دیگری نیز مثل رواج خشونت و وحشت در محتوای رسانه‌های مختلف، موقعیت اجتماعی ـ اقتصادی، جنسیت و برخی از الگوهای گزینشی مؤثر هستند. (گرینر ۱۳۸۵، ۱۵)

۳-۵. گرچه امروزه با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته ارتباطی، تبلیغ معارف دینی بسیار آسان گشته و فضایی جدید فراهم آمده است، امّا با این حال علیرغم اینکه دین مبین اسلام کاملترین دین بوده و از حیث منابع و مراجع دینی در بین دیگر ادیان از غنای بسیار زیادی برخوردار است متأسفانه هم اکنون کمترین محتوا و مطالب را نسبت به دیگر ادیان در فضای مجازی دارا می‌باشد. علاوه بر اینکه، تعداد آمار مربوط به سایت‌ها، وبلاگ‌های فعال، شبکه‌های مجازی اجتماعی، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های ارتباط جمعی مجازی، چت روم ها وتالارهای گفتگو و... در حوزه دین به خصوص مساجد بسیار پایین بوده و نسبت به حجم بسیار بالای دیگر زمینه‌های فعال در فضای مجازی چندان قابل توجه نمی‌باشد. عدم حضور جدی و کم‌شمار کاربران، بلاگِران، مدیران و متولّیان سایت‌ها و وبلاگ‌های فعّال در حوزه دین به ویژه در حوزه تخصصی مساجد در

فضـای مجـازی جهـت انتقـال مفاهیـم و آموزه‌هـای دینـی و نیـز پاییـن بـودن آمار، اطلاعـات، محتـوا و مطالـب در خصـوص مسـائل دینی و مذهبـی مخصوصـاً در مورد مسـاجد کـه پایـگاه و بسـتر فعالیت‌های دینـی و عبادی و مناسـکی می‌باشـد به زبان غیـر فارسـی، از دیگـر عوامـل تشـدید کننده این مسـاله هسـتند که از موانع اساسـی در تبییـن مفاهیـم دینـی و نیـز ارتبـاط مبلغـان و متولیـان ترویـج مباحـث دینی در ایـن فضا می باشـد.

» ب) ضرورت توجّه به مسجد مجازی در جهت تربیت کودکان و نوجوانان

تأسیس مسجد در فضاهای مجازی با صرف‌نظر از تبلیغ آموزه‌های اسلامی و دینی، برای تربیت کودکان و نوجوانان ضرورت بسیار دارد و در صورت غفلت از این امر مهم، ممکن است نسل آینده جوانان که مسئولیت‌های آینده را بدست خواهند گرفت، به جهت انحرافات تربیتی ناشی از فضای مجازی در دوران کودکی و نوجوانی، نه تنها خود، بلکه جامعه را نیز با مشکلات اساسی مواجه سازند. این امر بدین دلیل است که شخصیت نوجوان و جوان، تحت تأثیر عوامل و مؤلّفه‌های فراوان شناخته شده و یا ناشناخته بیرونی ودرونی شکل می‌گیرد. در کنار مؤلّفه‌هایی چون وراثت، خانواده، جامعه، ملّیت، زیست بوم، طبقه اجتماعی، فرهنگ عصری ملّی و جهانی، دیانت، و.... حضور در فضای مجازی و اینترنت نیز میزان اثرگذاری بسیار عمیق و وسیعی دارد. فضای مجازی به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، می‌توانند بر دانش و اعتقادات ملّی مخاطبان و گروههای سنّیِ مختلف، به ویژه نوجوانان تاثیر زیادی بگذارد. (حسینی انجدانی ۱۳۸۸، ۵۲)

تقریباً در اکثر کشورها، به ویژه کشورهای در حال رشد، تعداد نسل جوان بیشتر و دلبستگی آنان بر رسانه‌های جمعی فزونتر است. نتایج تحقیقات انجام شده در ایالات متحده نشانگر آن است که استفاده از اینترنت در میان جوانان، بیش از هرگروه سنّی دیگر است. (بولن و هاره ۲۰۰۰، ۵) کودکان نیز گروه سنی دیگری هستند که استفاده وسیعی از اینترنت دارند. در سال ۲۰۰۵، بیش از ۷۷ میلیون کودک وارد فضای سایبر شده‌اند. (غمامی ۱۳۸۴، ۴۵) تحقیقات انجام شده در شهر تهران نیز، حاکی از آن است که بیشتر تماشا کنندگان تلویزیون، کودکان زیر ۱۵ سال و بعد از آنان بانوان خانه‌دار و سپس جوانان بیشتر از ۱۵ سال هستند. (شیخاوندی ۱۳۷۳، ۳۴۴) با توجه به اینکه بیشترین کاربران و مخاطبین در محیط سایبر و فضای مجازی را نوجوانان وجوانان تشکیل می‌دهند، لازم است برنامه‌ای در محیط سایبر و فضای مجازی برای این قشر عظیم، طرح‌ریزی نمود که زمینه‌ساز سوق دادن آنها به سوی مساجد باشد و بهترین راه، تشویق

آنهـا بـه سـازوکارهای مسـجد در فضای مجازی اسـت. آشـنا سـازی قشـر نوجـوان با مبانـی دینـی و معرفت‌شناسـی در فضـای مجـازی با محتـوای غنی دینی و مناسـب؛ آنهـا را در برابـر هجمـه فرهنـگ بیگانـه، مقـاوم خواهـد سـاخت و می‌توانـد آینـده آنـان و جامعـه را، از حیـث حفـظ هنجارهـا و ارزش‌هـا بیمه نمایـد. با توجه بـه اینکه آنهـا در مرحلـه‌ای از زندگـی خویـش بـه سـر می‌برنـد کـه بیـش از سـایر اقشـار در معـرض تأثیرپذیـری فرهنگی قـرار دارند و عمدتاً نیـز از اسـتفاده‌کنندگان این پدیده هسـتند، ایـن ارتبـاط می‌توانـد در نگاهـی مثبـت، زمینه تعالـی و افزایـش آگاهی‌ها و نیـز رشـد مهارت‌هـای مختلف آنهـا را فراهم سـازد.

عـلاوه بـر ایـن، خصایصـی در وجـود کـودک و نوجـوان اسـت کـه به صـورت طبیعی ضـرورت برنامه‌ریـزی در جهـت اسـتفاده از فضـای مجـازی را طلـب می‌کنـد. جوهره وجـودی نوجـوان و جـوان، تحوّل‌خواهـی و تحوّل‌گرایـی اسـت. ایجاد تحـوّل مثبت و رشـد و حرکـت بـه جلـو از خصیصه‌هـای ذاتـی آنـان می‌باشـد. (لطف آبـادی ۱۳۸۰، ۱۱۲) حضـور آنـان در برنامه‌ریـزی، برنامه‌سـازی و تعامل دو سـویه در فضای مجازی و نیـز در نهایـت فعالیـت در مسـاجد، آنـان را از فعالیّت‌هایـی کـه موجـب روزمرگـی خواهـد شـد، دور کـرده و زمینه‌سـاز تحـوّل فکـری آنهـا در زمینه‌هـای مختلـف متناسـب بـا محتواهایـی کـه فضـای مجـازی در اختیـار آنـان قـرار می‌دهـد خواهـد شـد. بـر ایـن اسـاس، لازم اسـت در برنامه‌ریزی‌هـا و فعالیّت‌هـای هدفمنـد در حـوزه تکنولـوژی ارتباطـی، بـه ویژه فضای سـایبر و مجـازی، جایـگاه و نگاه ویژه‌ای نسـبت به آن داشـته باشـیم.

» ج) نقش مسجد مجازی در تربیت دینی کودک و نوجوان

۱. مسجد مجازی و اصول لازم در تربیت دینی

تربیت دینی عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند. (داوودی، ۱۳۸۳، ج۱، ص۲۶) آموزش گزاره‌های دینی، مبتنی بر اصول و ویژگی‌هایی از جمله زمینه‌سازی، اختیاری بودن، فطری بودن و ... دارد که با توجه به آنها، می‌توان نقش فضایی را که پیشتر در رابطه با مسجد مجازی ترسیم نمودیم در جهت تربیت کودک و نوجوان مورد تبیین و تحلیل قرار داد. به بیان دیگر، روش‌ها و شیوه‌های آموزش مسائل دینی در کودکان و نوجوانان بر اصولی استوار است که با بکارگیری این اصول در فضای مسجد مجازی، می‌توان اصول تربیتی را در وجود کودک و نوجوان نهادینه ساخت. این اصول و ویژگی‌ها از این قرارند:

۱-۱. اصل زمینه‌سازی و آموزش تدریجی مسائل دینی: در بین متخصصان تعلیم و تربیت در مورد نقطه شروع پرورش مذهبی و آموزش برنامه‌های معنوی و تعلیمات دینی، دو نظر متفاوت دیده می‌شود. گروهی معتقدند کودک و نوجوان تا به حدّ بلوغ و رشد نرسد، استعداد درک آموزش‌های دینی را ندارد و نباید تحت تربیت دینی قرار گیرد؛ گروه دیگری عقیده دارند که کودک و نوجوان نیز لیاقت و استعداد آن را دارند که تحت تربیت دینی قرار گیرند و مربیان می‌توانند مطالب دینی را ساده و قابل فهم نمایند و به کودکان تلقین کنند. (کریمی‌نیا، ۱۳۸۶، ص۲۱۲) اسلام در این باره دیدگاه‌های متقن و دقیقی ارائه کرده است. بر اساس نظر شرع مقدّس اسلام، کودکان تا به سن بلوغ نرسند، تکلیفی متوجه آنان نیست؛ اما هنگامی که به سن تکلیف می‌رسند و با مجموعه تکالیف شرعی مواجه می‌شوند، در صورت نداشتن آشنایی و آمادگی پیشین، پذیرش و انجام تکالیف دینی برای آنان دشوار می‌باشد. درست است که پسر بعد از پانزده سال و دختر بعد از نه سال به تکلیف می‌رسند و قبل از آن تکلیفی ندارند؛ اما انجام تکالیف دینی را نمی‌توان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت. باید انسان از کودکی

بـه انجـام عبـادات و تکالیـف دینـی عـادت کند تا در سـن بلوغ بـه آنها رغبت داشـته باشـد. (امینی ۱۳۸۵، ۱۵۶)

«بچه‌هـا را از کوچکـی بایـد بـه نمـاز تمرین داد. دسـتور رسـیده اسـت که بـه بچه از هفت‌سـالگی نمـاز تمرینـی یـاد بدهید. البتـه بچه هفت سـاله نمی‌تواند نمـاز صحیح بخوانـد؛ ولـی صـورت نمـاز را می‌توانـد بخوانـد. از هفـت سـالگی می‌توانـد بـه نمـاز عـادت کنـد؛ چـه پسـر و چـه دختـر؛ یعنی همـان اولی کـه بچه بـه دبسـتان می‌رود، بایـد نمـاز را در دبسـتان بـه او یـاد بدهنـد؛ در خانـواده هـم بایـد بـه او یـاد بدهند.» (مطهـری، ۱۳۷۳، ۱۰۰)

بـر همین اسـاس، در واقـع یکی از اصول تربیتی در تربیت دینی، اصل «زمینه‌سـازی» و ایجـاد آمادگـی در کـودکان از نظـر روحـی، روانـی و عاطفـی نسـبت بـه مسـائل دینـی اسـت؛ چـرا کـه زمینه‌هـای گرایـش بـه فضائـل معنـوی واخلاقـی در مقطـع نوجوانـی وجوانـی ایجـاد می‌شـود. بـرای زمینه‌سـازی اعمـال عبـادی در کـودکان، بایـد تمهیداتـی فراهـم شـود.[1] همچنیـن بایـد زمینه‌ای فراهم شـود تا حـس و رغبت کـودکان نسـبت بـه تکالیـف عبادی، بـه انگیزه و خواسـت درونـی تبدیل شـود و این علاقـه از درون بجوشـد، و لازمـه ایـن امـر آشـنا سـاختن کـودک و نوجوان بـا فضای عبـادی اسـت. از آنجـا کـه پیشـتر بیـان شـد کـه اکثـر نوجوانـان، اوقـات خـود را در فضـای مجـازی می‌گذراننـد، می‌تـوان سـازوکاری اندیشـید تـا ایـن زمینه‌سـازی، از طریـق آشـنا سـاختن آنهـا با سـازوکارهای مسـجد در فضـای مجازی صـورت پذیرد. عـادت دادن و آمـوزش کـودکان و نوجوانـان به مسـائل عبادی و اخلاقـی، می‌تواند به نحـو مؤثـری از طریـق فضـای مسـجد مجازی بـه تدریج حاصل شـود. با قـرار گرفتن در ایـن فضـای معنـوی، به صورت ناخـودآگاه، رفتارهـا و آموزه‌های اخلاقـی در وجود آنهـا نهادینه می‌شـود.

۱-۲. اصـل فطـری بـودن مسـائل دینـی: نیـاز به پرسـتش و نیایـش یکـی از نیازهای

[1] . بـه همیـن جهـت، مسـتحب اسـت هنـگام تولـد در گـوش نـوزاد، نـوای ملکوتـی اذان و اقامـه نواختـه شـود. شـاید ایـن بـدان علـت باشـد کـه ایـن عمـل آثـار روانـی و تربیتـی بسـیار مفیـدی را در کـودک بـه جـای می‌گـذارد، گرایـش فطـری کـودک را بـه خـدا و پرسـتش رشـد می‌دهـد و نخسـتین بـذر نمـاز را در دل کـودک مـی‌کارد. (علی‌نقـی فقیهـی، شـیوه‌های ترغیـب و جـذب بـه نمـاز، تهـران، مؤسسـه مهـر تابـان، چـاپ ۱، ۱۳۸۴، ۳۰.)

اساسی و عمیق است که در عمق روان بشر وجود دارد. در بررسی تاریخی، این موضوع ثابت شده است که پرستش جزئی از وجود و کشش فطری انسان است. گاهی که این میل و روح پرستش در مسیر صحیحی قرار گرفته و به خداپرستی ختم می‌شود، اما گاهی بر اثر جهل، انحراف و لجاجت، موجودات و اشیای گوناگون مانند سنگ و چوب، ماه، خورشید و ... مورد پرستش قرار گرفته و یا به بی‌دینی منجر شده است.

«یکی از پایدارترین و قدیمی‌ترین تجلّیات روح آدمی و یکی از اصیل‌ترین ابعاد وجود انسان‌ها حس نیایش و پرستش است. مطالعه آثار زندگی بشر نشان می‌دهد هر زمان، هر جا که بشر وجود داشته است، نیایش و پرستش هم وجود داشته است. چیزی که هست شکل کار و شخص معبود متفاوت شده است.» (مطهری ۱۳۸۷، ۲۱)

لازمه پرورش این استعداد فطری و جلوگیری از انحراف آن، فراهم ساختن شرایطی است که متناسب با این استعداد فطری باشد. از آنجا که پیشتر بیان شد که اکثر نوجوانان، اوقات خود را در فضای مجازی می‌گذرانند، مسجد مجازی به جهت اینکه برخوردار از سازوکارهای مسجد واقعی است و نیز به گونه‌ای جذّاب و متناسب با طبیعت زیبایی‌پسند انسان‌ها طراحی شده است، می‌تواند در جهت پرورش فطرت پاک، نقش قابل توجّهی داشته باشد و اتّفاقاً اگر کودک و نوجوان در این فضا قرار نگیرد، بیشتر اوقات خود را به صورت بی‌هدف، در سایت‌های مستهجن خواهد گذراند که در آنها مسائل غیراخلاقی در قالب تبلیغات، فیلم و حتّی بازی‌های رایانه‌ای برای کودکان و نوجوانانی که قدرت تشخیص و تمایز آن را ندارند، فراهم است. امروزه که نوجوانان، بیشتر اوقات خود را با بازی‌های رایانه‌ای و پرسه زدن در فضای مجازی می‌گذرانند، اگر مشاهده می‌شود که گروهی از کودکان و نوجوانان نسبت به مسائل دینی از جمله نماز، رغبت و تمایلی از خود نشان نمی‌دهند، به جهت مذهبی نبودن فضای مجازی است که فطرت کودک را از مسیر خود منحرف کرده است.

۱-۳. اصل اختیاری بودن مسائل دینی: انسان به اقتضای فطرت الهی خود و به

دلیـل آن کـه موجـودی چنـد بُعـدی اسـت و بـه اعتبـار کرامتی کـه خداوند بـرای او مقـرّر نمـوده، موجـودی اسـت مختـار و کرامـت خویـش را می‌توانـد بـا اختیـار خود کسـب نمایـد. در واقـع، از دیـدگاه اسـلام، انسـان موجودی اسـت کـه دارای میل‌ها و جاذبه‌هـای معنـوی اسـت که سـایر موجـودات فاقد آن می‌باشـند. انسـان قادر اسـت در برابـر میل‌هـای درونـی خـود ایسـتادگی کنـد و فرمـان آنهـا را اجـرا نکنـد یـا بـه بعضـی از آنهـا پاسـخ گویـد و بعضـی دیگـر را مهـار نماید یـا از آنهـا در جهتی خاص اسـتفاده کنـد. در قـرآن و منابـع تعلیم و تربیت اسـلامی، دلایل متعـددی وجود دارد کـه دالّ بـر آزادی و اختیار انسـان اسـت.[1]

بـر اسـاس ایـن اصل، نبایـد هیچگاه کـودکان و نوجوانـان را مجبور به دیـن‌داری کرد بلکـه همـواره بایـد فضایـی را بـرای او فراهـم سـاخت تـا خـود او بـا قـرار گرفتـن در آن فضـا بتوانـد مسـیر خـود را انتخـاب کنـد. فضای مسـجد اعـم از واقعـی و مجازی، بهتریـن فضایـی اسـت کـه زمینـه‌ای را فراهم می‌سـازد تا فرد مسـیر دیـن را انتخاب کـرده و اعتقـادی درونـی یابـد؛ اعتقـادی کـه نـه بـرای جلـب منفعـت، نـه بـه دلیل تـرس از اجبـار بلکـه بـر مبنـای تناسـب بـا روح و فطـرت الهـی انسـان اسـت. وقتـی نوجـوان مجبـور بـه دیـن‌داری نشـود و دیـن بـه نحـو منطقـی و در شـرایط و فضای مناسـب بـه او عرضـه گـردد، هرچنـد بـا یـک تفکـر انتزاعـی و در فضایی مجـازی به ایـن درک دینـی رسـیده باشـد، دلایـل قابـل دفاعـی را، هرچنـد در حد تـوان ذهنیِ خـود بـرای اعتقـادات مهیّـا خواهد سـاخت و دین یـا مذهبـی را خواهـد پذیرفت که نـه وراثتـی و ریاکارانـه، بلکـه خالصانـه و از روی رغبـت خواهـد بـود. از ایـن رو، اگـر والدیـن می‌خواهنـد فرزنـدان آنهـا نمازخـوان و معتقـد بارآینـد، باید سـعی کنند که در دوران کودکـی، آنهـا را بـا فضای مذهبی مأنوس سـازند و یکـی از فضاهای مذهبی مهـم و پرکاربـرد، مسـجد مجـازی اسـت. حضـور پررنـگ نوجوانان در فضـای مجازی اقتضـاء می‌کنـد تـا تدبیری هم‌سـنخ بـا فضای مجازی در این راسـتا اندیشـیده شـود و بـه نظـر می‌رسـد کـه مسـجد مجـازی و نیـز بازی‌هـای رایانـه‌ای هدفمنـد، بهترین

[1] . از جملـه بیـان شـریف قـرآن کـه فرمـود: «اِنّـا هَدینـاهُ السَّـبیلَ اِمّـا شـاکراً و اِمّـا کفـوراً» (انسـان/ ۳)؛ مـا راه راسـت را بـه او (انسـان) نشـان دادیـم؛ یـا شـکرگزار خواهـد بـود یـا کفـران خواهـد ورزیـد.

گزینـه در ایـن رابطـه هسـتند که می‌تواننـد کاربران بی‌هـدف در فضای مجـازی را با اسـتفاده از جذابیّت‌هـای خـود، بـه فضـای دینـی سـوق دهند.

۱-۴. اصـل مشـاهده و تجربه محسَّـنات مسـجد: اسـلام به مشـاهده و تجربـه اهمیّت فراوانـی می‌دهـد؛ زیـرا مشـاهده، تجربـه، تفکـر و تعلیـم، وسـایلی هسـتند کـه بـه انسـان قـدرت تشـخیص می‌دهند. کودکان اولیـن و بهترین درس دیـن‌داری و ارتباط معنـوی بـا خـدا را در محیط مذهبـی از طریق مشـاهده و تجربه بـه ارث می‌برند. این مشـاهده و تجربـه، می‌توانـد در فضـای واقعـی حاصل شـود؛ بـه این شـکل که حضور کـودکان در اماکـن و برنامه‌هـای مذهبـی، به‌ویـژه نمـاز جماعت، آنان را بـه حضور در مسـجد و اقامـه نمـاز ترغیب می‌کند. مشـاهده و تجربـه همچنین می‌توانـد در فضای مجـازی نیـز واقـع شـود؛ بـه ایـن شـکل که اعمـال عبـادی و دینـی از طریق مسـجد مجـازی بـه نوجوانانـی کـه بیشـتر اوقـات خـود را بـا سـرگرمی از طریـق بازی‌هـای رایانـه‌ای و ... در فضـای مجـازی می‌گذراننـد عرضـه شـود تـا از این طریـق، معنویت را در فضـای مسـجد تجربـه و مشـاهده نماینـد. قـرار گرفتـن کـودکان و نوجوانان در محیـط و فضـای مسـجد [اعـم از واقعی و مجازی] مشـوّق کودک و نوجـوان به اعمال عبـادی خواهـد بـود و زمینـه گرایـش بـه اعمـال عبـادی در او بـه صـورت آگاهانـه شـکل می‌گیـرد. (مطهـری، ۱۳۷۳، ۱۰۰) در واقـع هـر چـه میـزان شـرکت کودک و فعالیت‌هـای او در ایـن محیـط بیشـتر باشـد، بـه نگرش‌هـای دینـی والاتـری دسـت خواهـد یافـت. نکتـه جالـب دیگـر در ایـن زمینـه آن اسـت کـه میـزان علاقه‌منـدی کـودک بـه ایـن محیـط مقـدّس نیز بـا میزان شـرکت او و ارتبـاط و فعالیتـش در این محیـط، رابطه مسـتقیم دارد. (باهنـر، ۱۳۸۷، ۱۲۲)

۱-۵. اصـل بصیرت‌دهـی از طریـق گفتگـو در فضـای مجـازی: در دوران نوجوانـی، سـؤالات زیـادی از جملـه در رابطه با مسـائل اعتقـادی و ماورائی در ذهـن وجود دارد. نوجـوان همـواره بـه دنبـال این اسـت کـه بدانـد از کجا آمـده و به کجـا خواهد رفت؟ او در خـود احسـاس نیـاز بـه پرسـتش و ارتبـاط بـا یـک نیـروی مطلق می‌کنـد؛ چرا کـه حـس پرسـتش در فطـرت او قـرار دارد. (مطهـری، ۱۳۷۳، ۱۰۰) بـا ایـن حـال، پرسـش‌هایی ماننـد اینکـه فلسـفه و هـدف ایـن اعمـال و عبادت چیسـت؟ چـرا باید

نمـاز بخوانیـم؟ چـرا بایـد به این شـیوه نمـاز بخوانیم؟ فلسـفه روزه چیسـت؟ همواره ذهـن او را بـه خود مشـغول سـاخته اسـت.

از طرفـی، بـه جهـت اینکـه فاصلـه جوانـان و نوجوانـان بـا مسـاجد کم بـوده و غالب اوقـات خـود را در اینترنـت و فضـای مجـازی می‌گذراننـد، آنهـا تـلاش می‌کننـد تـا پاسـخ ایـن سـؤالات را در فضـای مجـازی بیابند و اینجاسـت کـه اگر تمهیـدات لازم توسّـط مبلّغـان دیـن و متولّیـان مسـجد در فضـای مجـازی اندیشـیده نشـده باشـد، نوجـوان بـا پاسـخ‌های انحرافـی مواجـه و گمـراه خواهـد شـد. اگـر فضایـی بـرای او فراهـم نشـده باشـد تـا او را با فلسـفه ایـن امور آشـنا کند، ممکن اسـت در او نسـبت بـه اعمـال عبـادی حالـت بی‌رغبتـی حاصل شـود و چه بسـا بـه تدریج اصـل عمل را کنـار بگـذارد. در واقـع بـه جرأت می‌تـوان گفت یکی از علـل ترک یا اسـتخفاف نماز، بی‌اطلاعـی نوجوانـان و جوانـان از فلسـفه عبادات اسـت؛ امـا اگر انجام اعمـال عبادی در دوره دوم و سـوّم کودکـی و نوجوانـی بـر اسـاس شـناخت صورت گیـرد، و با ایجاد بصیـرت دینـی، رفتـار از حالـت تقلیـدی بـه حالـت نگـرش همـراه بـا آگاهـی تبدیل شـود، او هرگـز آن عمـل را در مراحـل بعـدی تـرک نخواهـد کرد.

پـس ضـروری اسـت ضمـن اینکه تکالیـف عبـادی را به طور سـاده و با زبـان کودکانه بـه کـودکان و نوجوانان انتقال دهیم، متناسـب با رشـد فکری و ظرفیـت درک متربّی، فلسـفه اعمـال و تعلیمـات عبـادی را نیـز بـرای او بیـان کنیم تا بر اسـاس شـناخت و اُنـس، بـه اعمـال عبـادی روی آورد. ایـن مهـم را، محتوای مسـجد مجـازی در اختیار کـودک و نوجـوان قـرار خواهـد داد. فضـای مهیّـا شـده در مسـجد مجـازی می‌توانـد بـرای محققـان کنجـکاو کـه دنبـال حقیقـت هسـتند، ایـن امـکان را فراهم سـازد تا در حداقـل زمـان ممکـن بـه اطلاعـات مـورد نیاز خـود برسـند و برای سـؤالات خود پاسـخی مناسـب دریابنـد. در ایـن فضـا، تعامـل بیـن کاربر و مبلّـغ دین کـه در قالب منبـر مجـازی فعّالیـت می‌کنـد، امکان گفتگـو را بین آنهـا فراهم می‌سـازد. یک مبلّغ متخصّـص، بـه راحتـی پاسـخ‌های قانع کننـده‌ای را به کاربـر خواهـد داد و از آنجا که کاربـر پاسـخ‌های خـود را در یـک تعامـل فکـریِ دوطرفـه و در فضای گفتگـو دریافت نمـوده اسـت، طبعـاً از روی انتخـاب و بصیـرت تن به پذیـرش آن پاسـخ خواهد داد و

بـرای همیشـه در وجـود او باقـی خواهـد مانـد. در واقع آنچـه موجب حصـول معرفت واقعـی دینـی می‌شـود، تنهـا آموزش‌هـای نظـری معـارف دینـی نیسـت؛ بلکـه بایـد آمـوزش دینـی بـه همـراه پـرورش حـس دینـی و بـه تعبیـر دیگـر، ایجـاد بصیـرت معنـوی و درونی‌سـازی معـارف دینـی باشـد، تـا در نتیجـه اعتقـاد و علاقـه قلبـی به دیـن و تکالیـف آن در وجـود متربـی نهادینه شـود. اگر بر اسـاس اصـل بصیرت‌دهی، احساسـات مذهبـی در کـودک پـرورش یابد و مورد تشـویق قـرار گیـرد، او در مراحل بعـدی یـک فـرد معتقـد، متعبّـد و مؤمـن خواهد بـود و مهارت‌هـای سـه‌گانه گرایش بـه معنویـت، کسـب معنویـت و تقویت معنویـت، با بهره‌گیـری از فضای علمـی، در او تحقـق خواهـد یافـت. (کشـانی ۱۳۸۸، ۱۲۶) به همیـن جهت، در دین اسـلام، تأکید فـراوان بـر ایـن مطلـب می‌شـود کـه اصـول دیـن تقلیـدی نیسـت، بلکـه فـرد باید با آگاهـی و آزادی آن را بپذیـرد. بنابرایـن، بایـد تـلاش کنیـم کـه کـودک و نوجـوان را بـه طریقـی مثبـت و ترغیـب کننـده، به دیـن دعـوت نماییـم و از مبلّغیـن متخصص در جهـت ایجـاد فضـای گفتگـوی صمیمانـه در فضـای مجـازی، کمک بگیریـم. باید توجـه داشـته باشـیم که کـودک و به ویـژه نوجـوان، در مقابـل برخوردهـای آمرانه و آموزش‌هـای نظـریِ صـرف، مقاومـت می‌کنـد. (کاظمـی، ۱۳۷۷، ۸۷)

۱-۶. اصـل برخورداری از سـواد رسـانه: سـواد رسـانه‌ای امـری ضروری بـرای افراد، و بـه خصـوص جوانـان و دانش‌آمـوزان در جوامـع معاصـر اسـت، زیـرا بخش زیـادی از اوقـات خـود را در اینترنـت می‌گذرانـد و رسـانه‌ها تأثیـری قدرتمنـد بـر زندگـی آنها دارنـد. جیمـز پاتـر می‌گوید «سـواد رسـانه‌ای چشـم‌اندازی اسـت کـه بـا آن، ما خود را در معـرض رسـانه‌ها قـرار می‌دهیـم و معنـای پیامـی را کـه با آن مواجه می‌شـویم، تفسـیر می‌کنیـم». (داویـس، ۱۹۹۹، ۸) دی‌کیـارا سـواد رسـانه ای را «توانـا شـدن بـرای فهـم زبـان رسـانه‌ها» می‌دانـد (دکیـارا، ۲۰۰۲) و زیـل کـه از دیگـر متخّصـان در ایـن زمینـه اسـت، سـواد رسـانه‌ای را فهم سـاختار و کارکـرد پیام‌های رسـانه‌ای و سـازمان‌هایی کـه آنهـا را ایجـاد می‌کنـد می‌دانـد. (زیـل، ۱۹۹۸، ۱۰)

مفهـوم سـواد رسـانه‌ای مبتنـی بـر ایـن مفروض اسـت کـه در معرض فضـای مجازی بـودن، آثـاری را بـر مخاطـب می‌گـذارد کـه آن آثـار را می‌تـوان تغییـر داد، از آنهـا

پرهیـز کـرد یـا بـا انگاره‌هـا یـا برنامه‌هـای آموزشـی و تربیتی متنـوع آنها را به سـوی اهـداف بهتـر و خلّاقانه‌تـر سـوق داد.

از آنجـا کـه فاصلـه جوانـان و نوجوانـان بـا مسـاجد و فضاهـای مذهبـی کـم بـوده و غالـب اوقـات خـود را بی‌هـدف در اینترنـت و فضـای مجـازی می‌گذراننـد، طبعـاً از آسـیب‌های فضـای مجـازی آگاه نبـوده و پس از مدّتـی انحرافات تربیتـی در آنها بروز خواهـد یافـت. از ایـن رو، بایـد چـاره‌ای اندیشـید و بـه نظر می‌رسـد مسـجد مجازی، بـه عنـوان یـک فضای قابـل اعتمـاد می‌توانـد در بطنِ فضـای مجـازی، راه‌کاری برای ایجـاد سـواد رسـانه‌ای در نوجوانـان و نیـز والدیـن آنها محسـوب شـود و از طریق آن، می‌تـوان سـواد رسـانه‌ای لازم را در کاربـران ایجـاد نمـود تـا از آثـار مخـرّب فضـای مجـازی جلوگیـری شـود. نقـش مبلّغـان آگاه در ایجاد منابـر مجازی و ارتبـاط یافتن بـا کاربـران اینترنـت و قـراردادن آنهـا در فضـای گفتگـوی دوجانبـه، می‌توانـد نقش قابـل توجّهـی در برمـلا سـاختن ایدئولوژی‌هـای نهفتـه در محتوای نمادین رسـانه‌ها داشـته باشـد. این امر، هوشـیار شـدن افراد نسـبت به آسـیب‌های اینترنت، ماهواره و شـبکه‌های اجتماعـی را در پی‌خواهـد داشـت و باعـث امنیّـت آنها در فضـای مجازی و در نتیجـه قرارگرفتـن در مسـیر صحیـح تربیتـی، خواهـد شـد. در ایـن صـورت، به جهـت برخـوردار بـودن نوجوانـان از سـواد رسـانه‌ای لازم، و نیـز با توجّه بـه این اصل کـه کاربـران بیشـتر بـه دنبـال آن نـوع اسـتفاده از اینترنـت هسـتند کـه بیشـترین خشـنودی را بـرای آنهـا داشـته باشـد، (مـک کوائیـل، ۱۳۸۰، ۴۷) در صـورت وجود فضـای مناسـب مذهبـی بـا محتـوای دقیـق و متقـن، کاربـر بـه سـوی دیگـر فضاهـا نخواهـد رفـت و در عیـن اینکـه همواره اوقـات خـود را در فضای مجـازی می‌گذراند، در مسـیر تربیت درسـت قـرار خواهـد گرفت.

۲. منبر مجازی و شکوفایی احساس مذهبی کودکان و نوجوانان

در بخـش اوّل بیـان شـد کـه یکـی از ظرفیت‌های مناسـب در فضای مسـجد مجازی، ایجـاد منبـر مجازی اسـت کـه از طریـق آن، مبلّغ دینـی، محتوا و اطلاعات متناسـب بـا محیط‌هـای مختلـف فضای مجـازی را در قالب منبـر مجازی و سـخنرانی اینترنتی

و یـا تنهـا بـا یـک کلیـک و ارسـال پیـام از طریـق پسـت الکترونیکـی هم‌زمـان در اختیـار مخاطبـان و کاربـران مختلـف قـرار می‌دهـد. در واقـع، نمـود مسـجد مجازی در فضایـی محدودتـر، منابـر مجـازی هسـتند. منبـر، از جملـه نهادهایی اسـت که در کنـار مسـجد و از طریـق آن، رفتارهـای اخلاقی، معنوی و سیاسـیِ جوانـان، نوجوانان و حتـی کودکان سـازماندهی می‌شـود. (لطیف پـور، ۱۳۷۹، ۱۵۶- ۱۵۷) با پیشـرفت تکنولـوژی و در دسـترس بـودن اینترنـت و فضای مجازی در خانواده‌ها و سـایر اقشـار جامعـه، منبـر مجـازی، همـان کارکرد خود نسـبت به تربیـت کـودکان و نوجوانان در فضـای واقعـی را می‌توانـد در فضـای مجازی ایفـاء کند.

از آنجـا کـه فاصلـه جوانـان و نوجوانـان بـا منبـر در مسـاجد واقعـی کم شـده و غالب اوقـات خـود را در اینترنـت و فضـای مجازی می‌گذراننـد، و نیز به جهـت اینکه علاقه بـه کارهـای نـو و شـیوه‌های جدیـد از تمایـلات طبیعـی جوانـان و نوجوانـان اسـت، (فلسـفی، ۱۳۴۸، ۱۳۷) منابـر مجـازی می‌تواننـد عامـل مؤثّـری در جهت شـکوفایی احسـاس مذهبـی و اخلاقی آنها واقع شـود. در مرحله بلوغ، تمایـلات ایمانی و اخلاقی و نشـو و نماهـای مذهبـی، در جوانـان و نوجوانـان زنـده می‌شـود و آنهـا علاقه‌منـد می‌گردنـد تـا از علـل و مفاهیـم آن باخبـر شـوند. بـه عقیـده برخـی از روان‌شناسـان (اسـتانلی هـال)، ایـن احسـاس‌ها در حـدود شـانزده سـالگی پیـدا می‌شـود و برخـی دیگـر دوازده سـالگی را سـن آغـاز آن ذکـر کـرده انـد.[1] شـکفته شـدن ایـن تمایلات اخلاقـی، آنـان را به سـوی جسـت‌وجوی حـق و پی بردن بـه حقیقت هدایـت می‌کند و آنـان را وا مـی‌دارد تـا در ایـن سـن، به زهـد و تقوا و عبـادت روی آورنـد. آنها تلاش می‌کننـد تـا درهـای معرفـت را بـه روی خـود گشـوده و فطریـات نهفتـه شـده را در خـود بیـدار سـازند. جهش‌هـای عارفانـه‌ای در آنهـا پدیـد می‌آیـد و روابـط انسـان با خـدا کـه بـرای آنـان بی‌مفهـوم بوده، در این سـن مفهـوم پیـدا می‌کند. در این سـن، آنـان بـرای آنکـه در فراگرفتـن اخـلاق پسـندیده و رشـد شـخصیت بـه خطـا نروند و دچـار سـیئات اخلاقـی نشـوند، نیـاز بـه مربیانی دارنـد که به صـورت غیرمسـتقیم و البتـه گاهـی نیـز مسـتقیم آنها را بـه خواسته‌هایشـان برسـاند و از آنجا که بیشـتر در

[1] . برای مطالعه بیشتر در این رابطه رک: (علی قائمی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان، تهران، انتشارت امیری، ۱۳۶۳).

فضـای مجـازی پرسـه می‌زننـد، تـلاش می‌کننـد تـا مربّیـان خـود را در همیـن فضا بیابنـد. وظیفـه مبلّغـان دینـی در ایـن فضا این اسـت که [با تأسـیس منابـر مجازی]، برنامـه پـرورش جوانـان و نوجوانـان را طـوری تنظیـم نماینـد کـه از طرفـی، حـاوی تمـام ارزش‌هـای ایمانـی و اخلاقـی، علمـی، عملـی، جسـمی، روانی، مـادی و معنوی باشـد و از طـرف دیگـر، کیفیـت و کمیّـت مواد برنامـه را طوری اندازه‌گیـری کنند که اجـرای آن بـرای جوانـان سـنگین و طاقت فرسـا نباشـد، وجد و نشـاط آنـان را درهم نشـکند و به نیرو و قدرت‌شـان آسـیب نرسـاند. (فلسـفی، ۱۳۴۸، ۴۶- ۴۸) جوانان و نوجوانانـی کـه از برنامه‌هـای دینـی و عملـی بی‌نصیـب مانده‌انـد و جوانانـی که مربی لایـق در ایـن زمینـه ندارنـد، همـواره در معـرض انحراف‌هـای اخلاقـی و بیماری‌های روانـی قـرار دارنـد و احسـاس‌های پرشـور و حساب‌نشـده جوانـی، آنـان را بـه پرتگاه سـقوط و تباهـی سـوق می‌دهـد. در همیـن راسـتا، برخـی از شـبکه‌های اجتماعـی، وبلاگ‌هـا، فیلم‌هـا و سـریال‌های تلویزیونـی، فـرار از خانـه، روحیـه اسـتقلال‌طلبی غیرمنطقـی در سـنین نوجوانـی، تنوع طلبـی، عدم رعایت احترام نسـبت بـه والدین، پرخاشـگری نسـبت بـه بزرگترها، ترویج فرهنگ فرزند سـالاری و مـادی گرایی و .. را ترویـج می‌کننـد کـه دامـی برای کاربـران و مخاطبانی اسـت کـه از مربّیـان و مبلّغان در فضـای مجـازی محرومند.

فضـای مجـازی ایـن امـکان را فراهـم می‌سـازد تـا مربیـان بـا خطابه‌هـای خـود، یـا از طریـق منبرهـای الکترونیکـی و یـا از طریـق کرسـی کلاس‌هـای علمـی و فرهنگی در فضـای وب، در فضایـی مجـازی و اتّفاقـاً بـا مخاطبـان سراسـر جهـان بـه شـکوفا شـدن حـس اخلاقـی و معنـوی در وجـود کاربـران، کـه غالبـاً نوجوانـانِ سـرگردان در شـبکه‌های اجتماعـی هسـتند، کمـک کننـد و آنهـا را بـه سـوی سـلامت فکـر و اندیشـه سـوق دهـد.[1] البتـه ادراه منبـر مجـازی، شـرایط خاصـی دارد کـه حتمـاً

[1] . ایـن شـیوه‌ای موثّـر در عرصـه تبلیـغ محسـوب می‌شـود و بـه نظـر می‌رسـد در صورتـی کـه نگـرش طـلاب بـه تبلیـغ اینترنتـی متحـوّل شـود، شـاهد رشـد و شـکوفایی هـر چـه بیشـتر تعالیـم دینـی و تربیـت اسـلامی در فضـای مجـازی خواهیـم بـود و طـلاب نیـز می‌تواننـد سـریع‌تر و آسـان‌تر تبلیغـات خـود را بـه مـردم و جوینـدگان تعالیـم نـاب دینـی ارائـه دهنـد. در همیـن راسـتا، ایجـاد حـوزه هـای علمیـه ومـدارس دینـی مجـازی، محیـط مناسـبی را در فضـای مجـازی ایجـاد خواهـد نمـود تـا مخاطبـان و کاربـران علاقمنـد بـه آشـنایی بیشـتر بـا مفاهیـم؛ محتـوا و اطلاعـات دینـی از سراسـر دنیـا بـه راحتـی بـه آنهـا دسترسـی پیـدا کننـد.

بایـد مـورد ملاحظـه واقـع شـود. مبلّغـان دینـی کـه مسـئولیت منابـر مجـازی را بـر عهـده خواهنـد داشـت، بایـد بداننـد کـه اگـر می‌خواهنـد حضـور تبلیغـی قـوی در بیـن جوامـع مختلف داشـته باشـند، می‌بایسـت ضمـن یادگیـری تکنولوژهـای نوین، راه‌هـا و روشـهای نویـن ورود در عرصـه فضـای مجـازی را بـه خوبـی دانسـته و بـکار ببندنـد. مبلّـغ در فضـای مجـازی اوّلاً بایـد متخصـص و صاحب‌نظـر باشـد و به نحوی نباشـد کـه در مـورد یـک مسـئله چندیـن نظریـه و جـواب مطـرح کند که ایـن خود باعـث بی‌محتـوا کـردن مسـائل و بی‌رغبتـی کاربـران می‌شـود. او بایـد بدانـد که اگر فراینـد تربیـت در قالـب مراحـل تحـوّل روانـی کـودک و نوجـوان، با تسـریع بیش از حـد همـراه باشـد، یادگیـری مفاهیـم و ارزش‌هـای اخلاقـی ـ تربیتی ناپایـدار خواهد بـود تـا حـدی که کـودک قـادر بـه تعمیـم اصـول یادگرفته شـده بـه شـرایط جدید و موقعیت‌هـای تـازه نخواهـد بـود. (کریمـی ۱۳۸۱، ۱۸۱) ثانیـاً برخـوردار از اخـلاق حرفـه‌ای باشـد؛ چـرا کـه تربیـت اینترنتـی (مجـازی) و توانایـی در مدیریـت منبـر مجـازی موفّـق و مؤثّـر، نیازمنـد برخورداری از اخلاق حرفه‌ای[1] اسـت. عـلاوه بر اینکه مـواردی چـون، مخاطب‌شناسـی (شـناخت دقیـق مخاطبان خـاص و مخاطبـان عام) و برنامه‌ریـزی متناسـب بـرای هـر یک از آنها، شـناخت نیـاز و خواسـته‌های کاربران، به‌کارگیـری روش‌هایـی کـه از تأثیرگـذاری بالا برخوردار هسـتند، شـناخت اقتضائات زمانـی، شـناخت دقیـق جغرافیـای مکانـی، زمان‌شناسـی و... همه از مواردی هسـتند کـه بـرای داشـتن یـک منبـر مجازی موفـق باید مـد نظر قـرار داده شـوند. عـلاوه بر اینکـه بـرای گسـترش دامنه کاربـران و مخاطبان منبر مجازی در سـطح جهـان، ارائه مطالـب و محتـوای منبر به زبان‌هـای پرمخاطب (عربی، انگلیسـی، فرانسـوی، آلمانی و ...) نیـز ضـروری اسـت کـه مبلّـغ یـا مربّـی بایـد خـود را بـر آنها مسـلّط کند.

[1] . تعاریـف متعـددی از اخـلاق حرفـه ای ارائـه شـده اسـت از جملـه: اخـلاق حرفـه‌ای، بـه منزلـه شـاخه‌ای از دانـش اخـلاق بـه بررسـی تکالیـف اخلاقـی در یـک حرفـه و مسـائل اخلاقـی آن می‌پـردازد و در تعریـف حرفـه، آن را فعالیـت معینـی می‌داننـد کـه موجـب هدایـت فـرد بـه موقعیـت تعیین‌شـده همـراه بـا اخـلاق خـاص اسـت. (احـد فرامـرز قراملکـی، اخـلاق حرفـه‌ای، ص .۱۳۷)

» د) راهکارهایی برای نهادینه ساختن مساجد مجازی

با توجّه به اهمیّت سازوکارهای مسجد و منبر در فضای مجازی، به هدف تربیت نوجوانان و جوانان که فاصله آنها تا حد قابل توجّهی با مساجد واقعی کم شده و غالب اوقات خود را در اینترنت و فضای مجازی می‌گذرانند، لازم است به برخی راه‌کارها جهت نهادینه شدن مساجد مجازی، جهت هموار شدن مسیر تربیت دینی در جامعه، اشاره شود:

۱. تشکیل هسته‌های مختلف علمی، ورزشی و خبری، ویژه دانش‌آموختگان و دانش‌آموزان مسجدی: تشکیل این هسته‌ها در فضای مجازی برای ارتباط و تعامل بیشتر کاربران این حوزه با یکدیگر، باعث ارتقاء سطح دانش علمی، و علاقه بیشتر مخاطبان و کاربران فعّال حوزه مسجد به ورزش خواهد شد. در این صورت، ضمن فراهم سازی زمینه حضور نوجوانان و جوانان در فضای مسجد، می‌توان مقدمات هدایت هدفمند آنها را فراهم ساخت. علاوه بر اینکه، می‌توان بستری برای ورود نوجوانان وجوانان در عرصه اطلاع رسانی و فعالیت در نشریات و مطبوعات فراهم ساخت. این امر آنها را از گشت و گذار بی‌هدف در فضای مجازی باز داشته و باعث ایجاد نوعی حس فعّالیت مثبت در وجود آنها می‌شود.

۲. اهمیّت دادن به کتابخانه دیجیتالی مساجد: یکی از عرصه‌هایی که حضور نوجوانان وجوانان در آن پر رنگ می‌باشد، عرصه کتاب وکتابخوانی است. البته قبل از تشکیل این کتابخانه ضروری است برای دستیابی به نتایج مطلوب، شناخت کافی از سلیقه، ذوق و میزان علاقمندی نوجوانان نسبت به نوع کتاب و موضوعات مورد علاقه و ... صورت پذیرد. برگزاری مسابقات کتابخوانی، همراه با تعیین سیر مطالعاتی هدفمند برای کاربران و آموزش کتاب‌سازی در فضای مجازی و دریافت کتاب‌های مورد علاقه از سایت‌های مشخص و ... نیز می‌تواند در تربیت نوجوانان و جوانان و آشنایی بیشتر آنها با مفاهیم دینی و اقبال به مساجد مؤثّر باشد.

۳. تأسیس شبکه‌های اجتماعی مجازی ویژه نوجوانان و جوانان با محوریت مسجد و با موضوعات اعتقادی: با بهره‌گیری از ارتباطات چندرسانه‌ایِ صوتی و تصویری و

بـا بکارگیـریِ محتـوا و داده‌هـا و اطلاعـات جذاب و مـورد علاقه نوجوانـان، می‌توان از حضـور آنهـا را در شـبکه‌های اجتماعـی آسـیب‌زا کاسـت و آنهـا را به مشـارکت فعال در شـبکه‌های اجتماعـی دینـی سـوق داد. از جملـه ایـن شـبکه‌ها می‌توان به شـبکه خودکنترلـیِ صحـت نماز اشـاره کـرد که از طریـق آن می‌توان فرهنـگ قرائت صحیح و اعمـال درسـت نمـاز را در فضـای مجـازی بسـط و گسـترش داد. این امر، بـه ترویج فرهنـگ نمـاز در بیـن نوجوانـان کمـک می‌کنـد. درایـن فضـا، کاربـر بـدون حضـور فیزیکـیِ فـرد دیگـری، صحّت نمـاز خـود را کنترل می‌نمایـد و دیگر مسـئله خجالت و تـرس، بـرای او معنایـی نـدارد. همیـن راهـکار در رابطـه با آشـنا سـاختن نوجوانان بـا اصـول دیـن، احـکام، اعمـال مناسـکی و افعالی، آمـوزش صـوت و لحن قـرآن و ... نیز مؤثّر اسـت.

۴. تأسیس«حسـینیه مجـازی» یـا «حسـینیه اینترنتـی» بـا بهره‌گیـری از هنـر و معمـاری اصیـل اسـلامی: هنـر و معمـاری اصیل اسـلامی و ایرانـی در طـول تاریخ از جایـگاه ویژه‌ای در بین جوامع اسـلامی و حتی غیراسـلامی برخـوردار بوده و ظرفیتی بسـیار بـالا برای بسـط زمینه‌هـای جـذب و جذابیت به اماکـن مذهبی و اُنس بیشـتر کاربـران بـا پایگاه‌هـای ترویـج دیـن را فراهم می‌سـازد. علـی رغم وجود ایـن ظرفیت عظیـم، متأسـفانه نتوانسـته‌ایم از ایـن هنرهـای زیبـا و بسـیارجذاب در جهـت ارائـه محتـوا و اطلاعـات دینـی در فضـای مجازی اسـتفاده کنیـم. ایجاد فضاهایـی از جمله حسـینیه اینترنتـی و مراسـم حج، با اسـتفاده از ایـن معماری سـنّتی و دینی می‌تواند در جـذب کاربـران مؤثّـر باشـد به این شـکل که قالـب تارنما به گونه‌ای طراحی شـود کـه بـا اسـتفاده از کاشـی‌کاری‌های مسـاجد و معماری اسـلامی، و بکارگرفتن اشـعار و جمـلات کلیـدیِ اسـلامی، فضـای حسـینیه و مسـجد را تداعـی کند. ایجـاد چنین فضایـی سـبب می‌شـود که کاربـر فضای مجـازی، احسـاس نزدیکی زیـادی به فضای حسـینه واقعی داشـته باشـد. چنین فضایـی، در صورتی کـه با محتوای درسـت، مثلاً بـا ارائـه جـدول سـخنرانی‌ها و جـدول نوحه‌خوانـی در تمـام شـب‌های اول تا سـی‌ام بـا انـواع سـخنرانی، نوحـه، مراسـم عـزاداری و فیلـم از حـرم ائمـه علیهم‌السلام همـراه باشـد، یـک حسـینیه اینترنتـی تمـام و کمـال خواهـد بـود و می‌توانـد ضمـن از بیـن بـردن

محدودیت‌های زمانی و مکانی، فرد را در هر مکانی با هر فاصله‌ای در جریان اعمال دینی همان لحظه و زمان قرار دهد.

۵. فراهم نمودن تمهیدات لازم جهت راه‌اندازی و گسترش برنامه وبلاگ‌سازی با موضوعات و محتوای مسجدی برای ترویج و بسط فرهنگ مسجد، از دیگر موارد جهت نهادینه ساختن کارکردهای مسجد در فضای مجازی است. اعضاء هیئت امنای مساجد، می‌توانند انجمن وبلاگ‌نویسان متشکل از نوجوانان و جوانان فعّال را تشکیل دهند که در قالب‌های مختلف وبلاگ طراحی کنند. از جمله این قالب‌ها، می‌توان به وبلاگ‌های پرسش و پاسخ و رفع شبهات و وبلاگ‌های شخصیت محور اشاره نمود. در وبلاگ‌های پرسش و پاسخ و رفع شبهات، نویسندگان برای موفقیت باید ابتدا شناسایی کنند که مخاطب بیشتر در چه موضوعاتی دچار شبهه و اشکال است و در مرحله بعد با استدلال و استنتاج، سعی در روشن کردن موضوع نمایند. در وبلاگ‌های شخصیت محور نیز، به هدف الگوپذیری کاربران، باید عالمان و اشخاص متدیّن و مقدس شناسایی شده و اطلاعات وسیعی از آنان را در قالب وبلاگ ارائه کرد تا جوانان و نوجوانان از آنها الگوگیری نموده و در مسیر آنان قرار گیرند.

» نتیجه‌گیری

پس از بررسی و تحلیل نقش سایبر و فضای مجازی در تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان، از مجموع مباحث این‌گونه بدست می‌آید که امروزه به دلیل سلطه سایبر و فضای مجازی، فاصله جوانان و نوجوانان با مساجد، کم شده و غالب اوقات خود را، بی‌هدف در اینترنت و فضای مجازی می‌گذرانند. این امر باعث شده تا آنها غالباً در فضای مجازی به دنبال پاسخ به سؤالات و ابهامات خود باشند. این مسئله، نشان دهنده ضرورت توجّه به منبرهای مجازی و ایجاد سازوکارهای مسجد در فضای مجازی جهت ارئه بخشی از سازوکارهای مسجد واقعی است که امکان عرضه در عرصه سایبر را دارد. بر این اساس، اگر تمهیدات لازم توسّط مبلّغان دین و متولّیان مسجد در فضای مجازی اندیشیده شود، مساجد مجازی و یا به تعبیری دقیق‌تر، سازوکارهای مسجد در فضای مجازی، به مقدمه‌ای برای ورود نوجوانان و نسل آینده به مساجد واقعی خواهد بود و در حد قابل توجّهی، زمینه تربیت دینی و اسلامی آنها را فراهم خواهد ساخت.

اصول مورد نظر در تربیت دینی کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد که مسجد، مکانی فقط برای انجام مناسک دینی نیست بلکه عاملی است که هویّت افراد در آن شکل می‌گیرد. با اهمیّت قائل شدن به مساجد مجازی، در زمانی که کودکان و نوجوانان از مسجد فاصله گرفته‌اند و بخش عظیمی از اوقات خود را در فضای مجازی می‌گذرانند، می‌توان زمینه‌ای فراهم ساخت تا آنها با هویّتی دینی و اسلامی تربیت شوند. بر اساس اصول تربیت دینی کودکان و نوجوانان، از جمله اصل بصیرت‌دهی، اصل مشاهده و تجربه، اصل اختیاری بودن و نیز فطری بودن مسائل دینی، و اصل لزوم برخورداری از سواد رسانه، مساجد مجازی زمینه‌ای را فراهم خواهند ساخت تا احساسات مذهبی در کودک پرورش یافته و به فردی معتقد، متعبّد و مؤمن تبدیل شود. مسجد مجازی به جهت اینکه برخوردار از سازوکارهای مسجد واقعی بوده و متناسب با طبیعت زیبایی‌پسند انسان طراحی شده، می‌تواند در جهت پرورش فطرت پاکِ کودکان و نوجوانان، نقش قابل توجّهی داشته باشد. مسجد مجازی، در واقع مهم‌ترین راه ارضاء نیازهای معنوی

در آن سوی مرزها از طریق معنویت شیعی بوده و پلی است برای کاربران اینترنتیِ سرگشته در دامان مدرنیته و گرفتار در میان معنویت های کاذب، تا از طریق آن بتواند خود را به معارف اصیل اسلام برساند.

از این رو، بر نهادهای متولی مساجد لازم است تا با استفاده از محیط سایبر و فضای مجازی به عنوان یک عرصه تبلیغی و اطلاع رسانی، راه‌کاری بیندیشند تا فرزندان و کودکان از فضای مذهبی دور نشوند. بر کانون‌های فرهنگی، متولّیان مساجد و ائمّه جماعات، لازم است تا علاوه بر رهبری و مدیریت منابر و مساجد واقعی، مفاهیم دینی و برنامه‌های مربوط به مسجد را در اینترنت و فضاهای مجازی نیز به نمایش بگذارند و یا در قالب بازی رایانه‌ای یا هر قالب دیگری به جامعه عرضه کنند. تشکیل اتاق‌های فکر قرآنی و دینی در فضای مجازی با عضویت نوجوانان فعّال، برگزاری مسابقات وبلاگ‌نویسی با موضوع مسجد مجازی، فراخوان مسابقه وبلاگ‌نویسی با عناوین دینی، و پخش برنامه‌های مساجدِ مؤثر در فضای مجازی، از مهمترین راه‌کارها در جهت نهادینه ساختن مساجد مجازی و هدایت جوانان به فضای مجازی است که نهادهای فرهنگی باید بدان‌ها توجّه داشته باشند. طبیعی است که اگر نوجوانِ امروزی که بخش زیادی از وقت خود را با گردش بی‌هدف در فضای مجازی و سرگرم شدن با بازی‌های رایانه‌ای می‌گذراند، در این فضای تربیتی قرار نگیرد، بیشتر اوقات خود را در سایت‌های مستهجن و فضاهای نامناسب خواهد گذراند که عامل انحرافات اخلاقی است.

» منابع و مآخذ:

» قرآن کریم.

» ابن‌منظـور، جمال‌الدّیـن ابوالفضـل، لسـان‌العرب، ج۳، مجلّـدات، الطبعـه الاوّلـی، بیـروت, دار إحیـاء التّراث‌العربـی، ۱۴۰۵ق.

» اتکسـیون، ریتـا ال و هیلـگارد، ارنسـت، زمینـه روانشناسـی، ج۱، ترجمـه محمّـد نقـی براهنـی و دیگـران، تهـران، رشـد، ۱۳۷۱.

» اخگـر، محمـد، زن و رسـانه، ماهنامـه اطلاعـات حکمـت و فلسـفه، موسسـه اطلاعـات، شـماره ۴۰، تیرمـاه ۱۳۸۸.

» اسـتیون، وایـت، خـرد، عدالـت و نوگرایـی، نوشـته هـای اخیـر یورگـن هابرمـاس، ترجمـه محمـد حریـری اکبـری، تهـران، نشـر قطـره، ۱۳۸۰.

» الویـری، محسـن، مسـجد، فصلنامـه علمـی نامـه صـادق، انتشـارات دانشـگاه امـام صـادق ﷺ، شـماره ۳۱، ۱۳۸۶.

» امینی، ابراهیم، تربیت، قم، بوستان کتاب، چ۲، ۱۳۸۵.

» باهنـر، ناصـر، آمـوزش مفاهیـم دینـی همـگام بـا روان‌شناسـی رشـد، تهـران، سـازمان تبلیغـات اسـلامی، چ۹، ۱۳۸۷.

» پستمن، نیل، زوال دوران کودکی، ترجمه صادق طباطبایی تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸.

» جهانگیـری سـهروردی، یحیـی، مسـجد مجـازی، (بـه همّـت دفتـر مطالعـات و پژوهش‌هـای مرکـز رسـیدگی بـه امـور مسـاجد)، قـم، انتشـارات نینـوا، ۱۳۸۸.

» حسـام الدیـن هنـدی، عـلاء الدیـن، کنزالعمـال فـی سـنن الاقـوال و الافعـال، ج۵، بیـروت، نشـر مؤسسـه الرسـاله، ۱۴۱۳ق.

» حسـینی انجدانـی، مریـم و دیگـران، نقـش رسـانه‌ها در رشـد هویّـت ملّـی نوجوانـان شـهر تهـران، فصلنامـه پژوهشـهای ارتباطـی، شـماره ۲، پیاپـی ۸۵)، ۱۳۸۸.

» حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، ج۹، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵.

» داوودی، محمـد، سـیره تربیتـی پیامبـر ﷺ و اهل‌بیـت ﷺ، ج۲، تربیـت دینـی، قـم، پژوهشـکده حـوزه و دانشـگاه، چ ۱، ۱۳۸۳.

» درانـی، کمـال، اسـتفاده از رسـانه هـای گروهـی نـزد دانـش آمـوزان دوره راهنمایـی و متوسّـط شـهر تهـران در رسـانه هـای تصویـری، مجلـه روانشناسـی و علـوم تربیتـی، دانشـکده روان شناسـی و علـوم تربیتـی دانشـگاه تهـران، دوره جدیـد، سـال چهـارم، شـماره ۲، ۱۳۸۱.

» دفلـور، ملویـن، ای دنیـس اورت، شـناخت ارتباطـات جمعـی، ترجمـه سـیروس مـرادی، تهـران، دانشـکده صـدا و سـیما، ۱۳۸۳.

» راغـب اصفهانـی، حسـین بـن محمـد، مفـردات الفـاظ القـرآن، الطبعـه الاولـی، قـم، مکتبـه نشـر الکتـب، ۱۴۰۴ق.

» رشـیدپور، حمیـد، تربیـت دینـی و اخلاقـی، نشـریه پیونـد، سـازمان مـدارس غیـر دولتـی، توسـعه مشـارکت‌های مردمـی و خانـواده، شـماره ۲۴، ۱۳۸۴.

» زبیـدی، محـب الدیـن و حسـینی، سـید محمـد مرتضـی، تـاج العـروس مـن جواهـر القامـوس، ج ۵، تصحیـح و تحقیـق علـی شـیری، بیروت-لبنـان، دارالفکـر للطباعـه و النشـر، ۱۴۱۴ق.

» شـیخاوندی، داور، جامعـه شناسـی انحرافـات آسـیب شناسـی جامعـه، تهـران، نشـر مرندیـز، سـال ۱۳۷۳.

» غمامـی، سـید محمدمهـدی، خطـر سـایبر بـرای کـودکان، ماهنامـه اصـلاح و تربیـت، سـازمان زندانهـا و اقدامـات تأمینـی و تربیتـی کشـور، شـماره ۳۷، فروردیـن مـاه ۱۳۸۴.

» فقیهی، علی‌نقی، شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز، تهران، مؤسسه مهر تابان، چ ۱، ۱۳۸۴.

» فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی؛ جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۸.
» قائمی، علی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان، تهران، انتشارت امیری، ۱۳۶۳.
» قراملکی، احد فرامرز، اخلاق حرفه‌ای، تهران، احد فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲.
» کاظمی، یحیی، آموزش و پرورش از خردسالی تا جوانی، مشهد، شرکت به نشر، ۱۳۷۷.
» کریمی، عبدالعظیم، تربیت طبیعی در مقابل تربیت عاریه ای، تهران، سازمان انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.
» کریمی‌نیا، محمد علی، الگوی‌های تربیت اجتماعی، قم، پیام مهدی۴، چ ۲، ۱۳۸۶.
» کشانی، مهدیه، برنامه درسی برای دست‌یابی به تربیت دینی، در، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم، مؤسسه امام خمینی قدس‌سره، چ۱، ۱۳۸۸.
» گربنر، جورج، خشونت و وحشت در رسانه ها، ترجمه داوود جعفری، فصلنامه فرهنگ رسانه، ۱۳۸۵.
» لطف آبادی، حسین، روان شناسی رشد ۲؛ نوجوانی، جوانی و بزرگ سالی، تهران، سمت، ۱۳۸۰.
» لطیف پور، ید الله، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
» مجلسی، محمّدباقر، بحارالانوار، ج ۸۳، بیروت، مؤسسه‌الوفاء، ۱۴۰۳ق.
» مددپور، محمد، دین و سینما، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸.
» مطهری، مرتضی، انسان در قرآن مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی)، تهران، انتشارت صدرا، ۱۳۸۷.
» مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، صدرا، چ ۱۴، ۱۳۷۳.
» معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸.
» مککوایل، دنیس، مخاطب شناسی، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ای، ۱۳۸۰.
» نوری، محدّث، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، قم، نشرآل بیت، ۱۴۰۸ق.

» Arpna Seth, The Internet , Addiction or Hobby? Active Karma Ventures Pvt. Ltd, 2003.
» Francis J Davis, Media Literacy, from Activism to Exploration , Background paper for the National Leadership conference on media Literacy, 1992.
» Jeri Samson., and Beth Keen, Internet Addiction, Webmaster@notmykid. Org, 2005.
» Karen Zill, Media literacy , Television meets the internet, March/April, volume 9, 1998.
» Pat Bullen., Niki Harré, The Internet, It's Effects on Fatety and Behaviour Implications for Adolescents, Department of Psychology, University of Auckland, November, 2000.
» Tina Dechiara, Teaching Basic Concepts of Mass Communication with the Brain in Mind , An Enriched Approach to Introducing Media Literacy at the Middle Level, 2001.
» Tori DeAngelis, Is internet addiction real? Monitor on Psychology, Volume 31, No. 4, April, 2005.

طرح صالحین، دستاوردها و پیشنهادها

روح‌الله حریزاوی[1]

چکیده

طرح صالحین به عنوان یکی از طرح‌های گسترده فرهنگی ـ تربیتیِ اجرا شده در ظرف مساجد کشور، بخش عظیمی از نیروهای دغدغه‌مندِ انقلابی و روحانیون آگاه را سازماندهی نموده است. ابتکارات ساختاری، روشی و محتوایی در مقوله تعلیم و تربیت و توفیقات کسب شده در جهت گفتمان‌سازی و زمینه‌سازی برای کادرسازی نیروهای انقلابی از یک سو و موانع، ناکامی‌ها و کارشکنی‌ها از سوی دیگر؛ ضرورت کاوش و علّت‌یابی در اطراف این حرکت عظیم فرهنگی را دوچندان می‌نماید. این مقاله درصدد است ضمن شناسایی نقاط قوّت این طرح توصیه‌هایی در جهت تقویت آن ارائه داده و با بیان نقاط ضعف آن، نکاتی در جهت رفع آن ارائه نماید.

کلیدواژه‌ها:

صالحین، مسجد، بسیج، روحانیت، تربیت، نوجوان، جوان، جذب، کادرسازی، انسان سازی.

[1] . دانش آموخته و مدرس حوزه علمیه قم
email:r.harzavi1357@gmail.com

» مقدمه

«إنما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر» (توبه / ۸۱) بی شک اعمار مساجد به احداث ساختمان و گسترش بنای فیزیکی آن خلاصه نمی‌شود. آنچه آبادانی حقیقی مساجد خدا به شمار می‌رود، حیات معنوی، بالندگی و نشاط انسانی آن است. مسجد در فرهنگ اصیل اسلامی مرکز حکومت اسلامی و ملجأ تربیت مجاهدان راه خداست. به تعبیر امام خامنه‌ای«مسجد هم مدرسه است هم دانشگاه هم مرکز تفکّر و تأمل است هم مرکز خلوص، مرکز ارتباط بنده و خداست، ارتباط زمین و آسمان است». (۷۵/۱۰/۱۹)

انقلاب اسلامی ایران به رهبری یک فقیه جامع الشرایط، زمینه را برای بازگشت به سنن اصیل اسلامی فراهم نمود. یکی از برنامه‌های اساسی اسلام تأسیس و تحکیم مراکز تربیت و سازماندهی نیروی انسانی سالک الی الله است. تاریخ انقلاب حاکی از آن است که در دوره تظاهرات و شکل‌گیری نهضت، مساجد با رهبری روحانیت نقش محوری داشته‌اند. در دوره جنگ تحمیلی نیز مساجد به عنوان مرکز رسیدگی به نیازهای عمومی مردم و به عنوان مرکز اعزام نیرو به جبهه‌ها نقش اساسی خود را ایفا نمودند. در انتخاب مسئولان خرد و کلان برای مناصب نظام مقدس جمهوری اسلامی نیز همواره سابقه مسجدی مورد توجّه بوده است. اما سؤال اصلی اینجاست که در دهه هفتاد و به تعبیر دقیق‌تر با آغاز دوره تهاجم فرهنگی آیا مساجد نقش جدّی خود را در تربیت نسل جوان و کادر سربازان مجاهد مکتب روح الله ایفا نمودند؟ با نگاهی گذرا به تاریخ دهه شصت در می‌یابیم که در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی نوعی سردی و افول در حرکت مساجد بوجود آمده است. پس از جنگ تحمیلی و همزمان با افزایش ضربان سازندگی و اقتصادگرایی، شاهد ارائه نظریاتی در دولت هستیم که با حفظ احترام و قداست مسجد، در جهت ایجاد مراکز هم‌عرض با مسجد مثل فرهنگ‌سرا و خانه جوان تلاش می‌کند. این تفکّر سکولار در دولت اصلاحات NGOها را به عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد گسترش داد و هزاران نفر از جوانان را در این قالب دموکراتیک و بی روح غربی سازماندهی نمود و هر از گاهی نیز به نفع مقاصد

سیاسی استفاده کرد.

در تمام این سال‌ها در گوشه و کنار کشور، دغدغه‌مندان اسلام و دلسوزان نظام سعی در حفظ نقش محوری مساجد در هدایت و تعالی نوجوانان و جوانان داشته‌اند و طرح صالحین یکی از ایده‌های موفق در این عرصه است. طرح صالحین را نه به عنوان یک طرح مصوّب در یک نهاد نظامی، که به عنوان یک برنامه فرهنگی پیشرو در تربیت و رشد نیروی انسانی کارآمد برای حفظ دین خدا و حکومت اسلامی باید شناخت. صالحین را نه بعنوان یک ابلاغ و دستور، که به عنوان یک جوشش و ابتکار فرهنگی از عمق دغدغه‌مندی و درد دین باید دانست. صالحین را نه به عنوان یک گل‌خانه حمایت شده، که به عنوان یک حرکت فی سبیل‌الله و کاملاً مردمی و جوشیده از قلب تپنده طلّاب و دانشجویان ولایی و انقلابی باید دید.

» الف) تاریخچه صالحین

پس از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ تحمیلی، رکود خاصی در مراکز فرهنگی پیدا شد. جریان کلی کشور به سوی سازندگی و بازسازی اقتصادی رفت و بسیاری از رزمندگان در صدد تأمین معاش و رسیدگی به امور زندگی بر آمدند. پوشیده نیست که رکود نیروی انسانی در سال‌های پایانی دفاع مقدس به عنوان یکی از دغدغه‌های فرماندهان و متولّیان جهاد و دفاع در سال‌های بعد از جنگ نیز جای نگرانی داشت. در همان سال‌ها بود که رهبر معظم انقلاب مسئله تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی را مطرح نمودند: «کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت یک شبیخون و یک قتل عام و غارت فرهنگی است.» (رهبر معظم انقلاب ۷۱/۴/۲۲)

این مطالبه حضرت آقا را می‌توان به عنوان نقطه عطف یک حرکت خودجوش فرهنگی دانست. نگارنده معتقد است این طرح عظیم فرهنگی در پنج مرحله اساسی شکل گرفت که هر کدام نقطه عطفی در تعالی و رشد آن به شمار می‌رود.

مرحله‌ی اول:

تاریخ شفاهی خوزستان حاکی از آن است که در سال ۱۳۷۰ تعدادی از رزمندگان مسجدی اهواز که بعد از اتمام جنگ وارد وادی طلبگی شده بودند، طراحی و برنامه‌ریزی ویژه‌ای برای فعّالیت فرهنگی در عرصه کودک و نوجوان، را آغاز نمودند. عملکرد این گروه دغدغه‌مند، با اشراف حجت الاسلام والمسلمین پاکباز خاصیت ویژه‌ای داشت و آن انتخاب مسجد، به عنوان محور فعّالیت فرهنگی بود. مسجدی که هم ظرف حرکت بود و هم محتوای آن. این حرکت ظرف مدت کوتاهی در این شهر گسترش یافت و طلّاب بسیجی بصورت خودجوش به عنوان امام جماعت یا مسئول واحد فرهنگی مساجد اهواز مشغول به کار شدند. این حرکت نوپای فرهنگی به مثابه هر حرکت نو مورد نقد فعّالان فرهنگی سنّتی قرار گرفت. مواردی چون مریدپروری و سطحی‌گرایی از مهم‌ترین ایرادات

مخالفـان بـود. امـا از آنجـا کـه هدایـت و رهبـری ایـن جریـان توسـط تعـدادی طلبه زبـده و خـلّاق انجـام می‌شـد تـا حـدود زیـادی از آفت‌هـا پیشـگیری شـد و کار بـه سـرعت توسـعه پیـدا کرد.

مرحله‌ی دوم:

در سـال ۱۳۷۹ و در اوج رخنـه طبقـه سـکولار فرهنگـی در قلـب دولـت وقـت و همزمـان بـا فعّالیـت منسـجم روزنامه‌های زنجیـره‌ای که رهبـر فرزانه انقـلاب آنان را پایـگاه دشـمن نامیـد، جمعـی از روحانیـون مبتکر و خلّاق اهـواز به فکـر ملّی نمودن برنامـه فرهنگـی تربیتـی مسـاجد خود افتادنـد. در همان سـال و در تاریـخ ۷۹/۲/۱۷ رهبـر معظـم انقـلاب در جلسـه‌ای محرمانـه فرماندهـان وقـت سـپاه و بسـیج را بـه یـک طراحـی نویـن در عرصـه فرهنـگ و تربیـت فراخواندنـد. در پـی فرمـان رهبـر، مسـئولان بسـیج بـه سـراغ طرح‌هـای موفّـق فرهنگـی رفتنـد و در همان سـال طرح ۳۰۰ صفحـه‌ای منشـور تشـکیلات مسـجد در عـرض یـک مـاه بصـورت شـبانه‌روزی توسّـط جمعـی از طـلّاب مسـجد موسـی بـن جعفـر علیه‌السلام اهـواز تدویـن و بـه تهـران ارسـال شـد و پـس از تأییـد گـروه ۱۴ نفره بازرسـان بسـیج مبنای شـکل‌گیری طرح اسـوه در بسـیج قـرار گرفـت و بـه همیـن منظور حجّت الاسـلام دسـمی عـازم تهران گردیـد و تصـدّی ایـن وظیفـه خطیـر را بـه عهـده گرفت.

مرحله‌ی سوم:

همزمـان بـا تبییـن طرح اسـوه در تهران و اسـتان‌ها در سـال ۱۳۸۳، اهـواز به عنوان مصـدر ایـن طـرح، شـاهد انجـام آن در بیـش از یکصد مسـجد فعـال در بسـتر حوزه علمیّـه و تحـت نظـر نماینده محترم ولی فقیه در اسـتان خوزسـتان حضـرت آیت الله موسـوی جزایـری بـود. در این راسـتا جمعی از اسـاتید حـوزه علمیّه بـا محوریت آیت الله فرحانـی نماینـده مرکـز مدیریـت حوزه‌های علمیّـه، طرح پیوند حوزه و مسـجد را تدویـن و بـه عنـوان طـرح مسـجدی با هویـت حوزوی بـه دفتـر مقام معظـم رهبری ارائـه نمودنـد. پـس از آنکـه مسـئول دفتـر مقـام معظـم رهبـری، مسـئول ارتباطات

حـوزوی دفتـر معظـم لـه و رئیـس مؤسسـه آموزشـی و پژوهشـی امـام خمینی قدس‌سره با حضـور در خوزسـتان جامعیـت ایـن طرح را تأییـد نمودنـد، اتفاقی مانـدگار در تاریخ حرکـت فرهنگـی مسـاجد اهواز رقم خـورد و آن دیـدار تاریخی ۶۰۰۰ جـوان اهوازی بـا مـراد خویـش یعنـی حضرت آیـت الله العظمی امـام خامنـه ای بود.

رهبـر فرزانـه انقـلاب در آن دیـدار آکنـده از شـور و احسـاس، از خاطـرات سـال‌های جنـگ یـاد نمودنـد و بـه طـلّاب، دانشـجویان و دانـش آمـوزان مسـجدی و بسـیجی خـود فرمودنـد: «همیـن راه مبـارک را ادامـه دهیـد؛ راه ارتقـای علمی و عملی نسـل جـوان.» شـنیده‌ها حاکـی از آن اسـت کـه طـرح پیوند حوزه و مسـجد توسـط معظم لـه مـورد مطالعـه و تحشـیه قـرار گرفته و فیلم مسـتند کادرسـازی پیوسـت، توسـط ایشـان مشـاهده شـده است.

مرحله‌ی چهارم:

در سـال ۱۳۸۷ و پس از تغییرات در فرماندهی و سـاختار تشـکیلاتی سـپاه پاسداران انقـلاب اسـلامی، رویکـرد جدیـد بـه مسـائل فرهنگـی و تربیتـی در این نهـاد مقدس انقلابـی پدیـدار شـد. تولّـد «طـرح صالحیـن» و تأکیـد فرمانـده کل سـپاه و رئیـس سـازمان بسـیج بـر آن و قلمداد شـدن آن به عنـوان محوری‌ترین برنامه خـود، تحوّلی بـزرگ در ایـن مجموعـه بـزرگ انقلابی بـود. حلقه‌هـای تربیتـی به عنـوان مهمترین رکـن سـاختار طـرح صالحیـن و در قالب حرکت فرهنگی مسـاجد، مـورد توجّه جدّی متولّیـان بسـیج قـرار گرفـت و موجب شـد با سـرعت و شـدّت بـه سراسـر پایگاه‌های مقاومـت ابلاغ شـود.

مرحله‌ی پنجم:

مسـئولان بسـیج بـا ارائه گزارش بـه محضر مقام معظم رهبری، پیوسـته از ارشـادات معظـم لـه بهره می‌جسـتند، تـا اینکـه در سـال ۱۳۹۰ و در پی عنایـت و حمایت این رهبـر فرزانـه «شـجره طیبه صالحین» شـکل گرفـت. علت اطلاق لفظ شـجره (متخذ از پیـام تاریخـی حضـرت امام‌خمینـی قدس‌سره) بـر صالحیـن ایـن بـود کـه شـبکه تربیتی

صالحیـن بـه شـبکه روحانیت کشـور متصـل گردید و یک تشـکیلات هرمی را شـکل داد. شـنیده‌ها حاکـی از آن اسـت کـه رهبـر فرزانـه انقـلاب ضمـن تأکید بر تأسـیس شـبکه صالحیـن از بـالا بـه پاییـن در سـال ۱۳۹۱، اولویـت را در دیـدار سـالانه هفته بسـیج بـه دسـت‌اندرکاران و سـرمربیان اختصـاص دادند. معظـم له در ایـن دیدار که در تاریـخ ۷ محـرم الحـرام ۱۴۳۳ انجـام شـد فرمودنـد: «اصل تشـکیل مجموعه‌های صالحیـن بـر اسـاس همیـن دید به وجـود آمد کـه از لحاظ معنـوی، از لحـاظ تربیتی و از لحـاظ تعلیمـی عمـق بخشـیده شـود بـه فکر و بـه روحیـه جوانان بسـیجی ما در بخش‌هـای مختلف».

» ب) ساختارشناسی صالحین

۱. شجره‌ی طیّبه صالحین چیست؟

برنامـه اصلـی طـرح صالحین تشـکیل یک گـروه تربیتی ۱۵-۲۰ نفره در یک مسـجد بـا محوریّـت یـک سـرگروه بـود. حـال اگـر سـرگروه‌های چنـد مسـجد تحـت نظـر یـک مربّـی قـرار گیرنـد، حلقـه جدیـدی بـه نـام حلقـه سـرگروه‌ها شـکل می‌گیرد و اگـر مربّیـان یـک منطقـه یـا یک شـهر تحـت نظر یـک سـرمربّی قـرار گیرنـد، حلقه جدیـدی بنـام حلقـه مربّیـان شـکل می‌گیـرد و به همیـن منـوال اگر سـرمربّیان یک حلقـه تشـکیل دهند، اسـتادی فرزانه اشـراف بـر حلقه سـرمربّیان را بر عهـده خواهد گرفـت. در کتـاب راهنمـای سـرگروه آمـده اسـت: «شـجره طیّبـه صالحیـن، نظـام تربیتـی، معرفتـی و بصیرتـی در سـطوح مختلـف سـازمان بسـیج مسـتضعفین اسـت کـه بـا اسـتفاده از ظرفیت‌های علمـی و معنوی نظام اسـلامی، موجبـات ارتقای آحاد بسـیجیان را در ابعـاد مختلـف فراهـم می‌نمایـد.»

۲. تعریف ماهیت ارکان شجره‌ی صالحین:

۲-۱. حلقـه تربیتـی: جمـع محـدودی از افـراد هم‌سـطح کـه بـه صـورت هدفمند بـه وسـیله شـرکت در جلسـات تربیتـی و ارتبـاط اثـر بخـش خـارج از جلسـات، بـا هدایت‌گـری، کنتـرل و جهت‌بخشـی سـرگروه بـا مشـارکت تمامـی اعضـای حلقـه و هم‌افزایـی مؤثّـر، سـیر مشـخصی در عرصه‌هـای تربیتـی، معرفتـی و بصیرتـی می‌گذراننـد و مراتـب رشـد و تکامـل خویـش را بـا مطالعـه، هم‌اندیشـی، مشـاوره و عمـل صالـح در ابعـاد مختلـف طـی می‌نماینـد.

۲-۲. سـرگروه: فـردی آگاه، دلسـوز و آشـنا بـه روش‌هـای تربیـت اسـلامی کـه مهارت‌هـای تشـکیل و اداره حلقـه تربیتـی را متناسـب بـا متربیـان دارا می‌باشـد.

۲-۳. مربـی: فـردی بـا تجربـه و مسـلّط بـه روش‌هـای تربیـت اسـلامی کـه توانایـی نظـارت و قـدرت رشـد و تعالـی حلقه‌هـای تربیتی بـا اسـتفاده از ظرفیت سـرگروه را دارا می‌باشـد.

۲-۴. سرمربّی: فردی فاضل، آگاه و مسلّط به اصول و روش‌های تربیت اسلامی است.

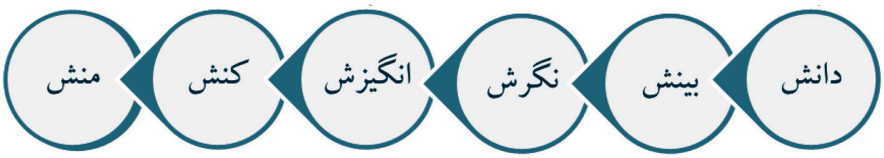
۲-۵. استاد: فردی اندیشمند وصاحب‌نظر در مبانی و اصول تربیت اسلامی است.

توضیح آنکه در ساختار فعلی بسیج محلّات، اساتید غالباً مجتهد یا قریب‌الأجتهادند و در حیطه استانی یا بسیج فعّالیت می‌کنند. سرمربّیان به عنوان عالمان دینی در حیطه شهرها و مربّیان در حیطه مناطق مختلف شهری فعّالیت می‌کنند.

۲-۶. مرکز تولید اندیشه بسیج: به منظور ایجاد هم‌گرایی فکری و هدایتی در قوه عاقله صالحین و خصوصاً رسیدگی به عمق و تعالی اساتید و سرمربّیان، مرکزی به نام مرکز تولید اندیشه و پاسخ‌گویی به شبهات (مرکز تابش ولایت) در قم تأسیس گردید و مأموریت اصلی این مرکز تولید اندیشه و محتوای مورد نیاز حلقات و پاسخگویی به شبهات آحاد بسیجیان است، و ۱۰ وظیفه مهم را بر عهده دارد. این مرکز که از سال ۸۹ تأسیس شده است زیر نظر شورای عالی تعلیم و تربیت صالحین فعّالیت می‌نماید و رئیس آن با حکم رئیس سازمان بسیج منصوب گردیده است. شنیده‌ها حاکی از آن است که رهبر معظم انقلاب عنایت خاصی به تأسیس و انتخاب رئیس این مرکز داشته‌اند.

» ج) روش‌شناسی صالحین

آنچـه صالحیـن را در محافـل فرهنگـی و مجموعه‌هـای تربیتـی متمایـز کرده اسـت ابـداع و تبییـن روش‌های نوین تربیتی ملهم از انسان‌شناسـی اسـلامی اسـت. حقیقت آن اسـت که در طول سـال‌های پس از پیروزی انقلاب اسـلامی روش‌های سـنّتی در تشـکیلات‌های فرهنگـی رایـج بـود و نیـاز چندانی بـه نـوآوری و فـرآوری متدولوژی تربیتـی احسـاس نمی‌شـد که شـاید بتـوان علت آن را غلبـه شـعارهای انقلابی و عدم هجـوم فرهنگـی همـه جانبـه دشـمن دانسـت. اما با شـدت گرفتـن تهاجـم فرهنگی دشـمن و از رونـق افتـادن برخـی از سـبک‌های کار فرهنگی نیـاز به بازنگـری در این روش‌هـا ضـرورت دو چنـدان یافـت. نظریه‌پـردازان صالحیـن بـا عنایـت بـه مراحلـی کـه انسـان در دریافـت و پـردازش علـم تـا رسـیدن بـه مرحلـه عمـل و تعمیـق آن طـی می‌کنـد، برنامـه خـاص تربیتـی خـود را پایه‌گـذاری نمودنـد. در انسان‌شناسـی اسـلامی مراحـل تبدیـل علم بـه عمـل از این قرار اسـت:



توضیـح آنکـه یـک فاعـل مختـار و یـک انسـان عاقـل ابتـدا در خصـوص یـک پدیده کسـب علـم می‌نمایـد و سـپس بـا تعمیق ایـن علـم، زمینه ایجاد بـاور و ایمـان به آن معلومـات را فراهـم مـی‌آورد. ایمان کـه همان بـاور عمیق و دقیق اسـت، مقدمه عمل اسـت. بدیـن نحو که ذهن انسـان بـا تأمل بر آن تصـورات، آنها را تبدیـل به تصدیقات می‌کنـد. توجّـه انسـان بـه تصدیقـات موجـب یافتـن انگیـزه بـرای عمل اسـت و این همـان اراده اسـت. اراده وتصمیـم باعـث فرمـان مغـز به عضـلات و صدور عمل اسـت. نهایـت آنکـه هـر عمل و رفتاری که از انسـان سـر می‌زنـد در صورت تکـرار و توجّه به مبـدأ علمـی، تبدیـل بـه ملکه می‌شـود که جزیی از شـخصیت ومنش انسـان اسـت.

مرحله‌ی اول: جذب

نخستین مرحله تربیت، جذب است. اگر متولّیان امر تربیت سعی کنند مقدّمات فصل اختیاری را بر اساس آنچه گفته شد به درستی فراهم آورند، زمینه دین‌گریزی جوانان به حدّاقل خواهد رسید و موجبات اتصال آنان به معنویت فراهم خواهد شد. اگر در مرحله اول تربیت سعی شود معلومات تبدیل به باور و ایمان شود و بجای تأکید بر افزایش اطلاعات (تعلیم) به تغییر رفتارها (به عنوان مقدّمه تربیت) توجّه شود، رشد انسان در مسیر فطری و حقیقی خود قرار خواهد گرفت. صالحین سعی دارد این گفتمان را جا بیندازد که اگر جوانان به درستی جذب نشوند، زمینه رشد و تعالی وی فراهم نخواهد شد. لازم به ذکر است که جذب با جذاب ملازمه دارد. یعنی لازم است یک رابطه دو طرفه میان مربّی و متربّی فراهم شود که متربّی به مربّی جذب شود و مربّی نیز متقابلاً زمینه مناسب و پذیرش لازم برای جذب شدن او را در خود فراهم آورد. این سخن حاکی از نوعی مطاوعه و اثرپذیری است که هم در خصوص مربّی و هم در خصوص متربّی صادق است.

از دیگر تأکیدات موجود در مباحث جذب، تفکیک میان نیروهای داوطلب و غیرداوطلب است. آنچه در محافل فرهنگی رایج است جذب نیروهای داوطلب است که راحت‌ترین نوع جذب است. نیروهای داوطلب با انگیزه‌های مختلف به عضویت مجموعه در می‌آیند و از باب «هر کسی از ظن خود شد یار من» پس از احساس عدم تحقّق انگیزه اولیه خود، مجموعه را ترک می‌کنند. اما نیروهای غیر داوطلب از قبل انگیزه چندانی ندارند. فلذا لازم است متولّیان مجموعه پس از ارتباط اولیه و گفتگو پیرامون اهداف و برنامه‌های خود، در آنان ایجاد انگیزه نمایند و آنان را با انگیزه‌های متعالی و همگن جذب نمایند. طبیعتاً این گونه جذب، مدیریت شده‌تر و هدفمندتر است و دوام بیشتری خواهد داشت.

آخرین نکته قابل ذکر در این خصوص سطح جذب و مجذوبٌ به می‌باشد. باید توجّه داشت که جذب نیروها چه مقدار دقیق است و اساساً نیروها به چه چیز جذب می‌شوند؟ به نظر می‌رسد غالباً در مرحله اول کار تربیتیِ مجموعه‌های

فرهنگـی، افـراد، جـذب به اشـخاص می‌شـوند و رفتارهای فـردی و حتّی طـرز لباس پوشـیدن و خندیـدن و لـوازم شـخص سـرگروه و متصـدی جـذب مـورد توجّـه و الگوگیـری مخاطـب قـرار می‌گیـرد. امـا بـا پیشـرفت حرکت تربیتـی می‌تـوان انتظار داشـت در مراحـل آتـی (تثبیـت و رشـد) جـذب عمیق‌تـر شـود و افـراد، جـذب بـه باورهـا و اندیشـه‌ها شـوند و ایـن همـان هـدف مـورد انتظار از تربیت اسـلامی اسـت.

مرحله‌ی دوم: تثبیت

بسـیاری از مجموعه‌هـای فرهنگـی بـر ایـن باورند کـه ما مشـکل جذب نداریـم. آنان عنـوان می‌کننـد کـه در مرحلـه جـذب می‌تواننـد تعـداد قابـل توجّهـی از جوانـان و نوجوانـان را بـه عضویـت مجموعـه خـود در آورنـد، امّا بعـد از مدّت کوتاهـی با ریزش مواجـه می‌شـوند و بـه همیـن دلیـل غالبـاً دچـار یـأس و ناامیـدی می‌گردنـد. در گفتمـان صالحیـن بـرای حل این معضـل، اصطلاحی به نام تثبیت جعل شـده اسـت. نظریه‌پـردازان تربیتـیِ ایـن گفتمـان معتقدنـد کـه ریزش‌های شـدید، ناشـی از عدم توجّـه بـه ملزومـات مرحلـه تثبیـت اسـت و چـون اتفاقـی که بایـد در مرحلـه تثبیت بیفتـد، نمی‌افتـد مقولـه جـذب دچـار شکسـت می‌گـردد. آنچـه لازم اسـت از لحـاظ تربیتـی مـورد توجّـه متصدیـان جذب قرار گیـرد توجّه بـه درونی‌سـازی و باورپذیری مفاهیـم دینـی اسـت و مهارتـی که لازم اسـت در امر تربیت مـورد اسـتفاده مربّیان و متصدّیـان قـرار گیـرد، مهارت تبدیل علـم به ایمان اسـت. مرحوم اسـتاد مطهری ﷺ در کتـاب انسـان و ایمـان بصـورت مبسـوط تفاوت‌هـای علـم و ایمـان را مـورد مداقه قـرار داده اسـت کـه طالبـان را بـه آن نوشـتار فوق‌العـاده ارجـاع می‌دهیـم. آنچـه در حوصلـه ایـن مقالـه اسـت عبارتسـت از لـزوم ایجـاد بی‌قـراری، عطـش تربیتـی برای ارائـه مفاهیـم دینی:

«آب کم جو تشنگی آور به دست
تا بجوشد آبت از بالا و پست»

متأسفانه بسیاری از مبلّغان دینی و حتّی والدین به‌دلیل دلسوزی مفرط به رشد و کمال فرزندان و مخاطبان خود، به توزیع گسترده معارف دینی و ارشادات اخلاقی می‌پردازند؛ بی آنکه احساس نیاز لازم را در مخاطب فراهم آورند. این اشتباه تربیتی منجر به خام‌خواری و به اصطلاح بی‌اشتهایی تربیتی خواهد شد که نتیجه آن عدم هضم صحیح مفاهیم دینی است. مربّی موفق کسی است که ابتدا در ذهن مخاطب ایجاد سؤال نماید، سپس ذهن وی را بی‌قرار نماید و در آخر با ذکر بخشی از جواب منابع مناسب را برای کشف پاسخ به جان‌های تشنه معرفی نماید.

آخرین نکته قابل ذکر در این مقوله تناسب بین علایق و نیازهاست. در مقالات تربیتی نگاشته شده توسط محققین صالحین تأکید شده که در مرحله جذب لازم است به علاقه‌مندی‌ها و خواسته‌های مخاطبان توجّه بیشتری نمود. این امر در مرحله تثبیت و سپس در مرحله رشد به صورت تدریجی، جای خود را به نیازهای حقیقی مخاطبان خواهد داد. اگر نوجوانان در مرحله جذب تمایل به تفریح سالم و ورزش زیاد دارند نباید با آن مخالفت نمود اما در مراحل بعدی با گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی، زمینه را برای توجّه آنان به نیازهای روحی و معنوی فراهم آورد و اصطلاحاً به تغییر مبدأ میل آنها مبادرت ورزید. به نظر می‌رسد نفس توجّه به اصل تدریج و تغییر هدفمند علاقه‌مندی‌های سطحی یک نوجوان به امور مفید و لازم الأکتساب مانند مطالعه، تحقیق، عبادت و خودسازی به مربّیان تربیتی کمک ویژه ای خواهد نمود.

مرحله‌ی سوم: رشد

پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین مرحله تربیت، مرحله رشد است. در مراحل قبل مشاهده می‌شود که مخاطبان روحیّات و رفتارهای متغیری دارند؛ اما در مرحله رشد رفتارها به نوعی استقرار و ثبات می‌یابند؛ ثباتی که خود زمینه‌ای برای کمال و سعادت حقیقی است. گاهی جوانان در مرحله جذب از نوعی بی‌اعتمادی به اهل ایمان رنج می‌برند؛ این حالت در دوره تثبیت به اعتماد نسبی و در مرحله

رشـد بـه اعتمـاد کافـی تبدیـل می‌شـود. در مرحلـه جـذب افـراد از نوعی اعتمـاد به نفـس کاذب و غیـر سـازنده برخـور دارنـد؛ امـا در مرحله تثبیـت این اعتمـاد به نفس تبدیـل بـه سـوءظن بـه نفس امّـاره می‌شـود و در مرحله رشـد تبدیل به عـدم اعتماد بـه آن می‌شـود کـه مـلازم بـا شـناخت نفـس مطمئنـه و لوّامـه و حرکـت در مسـیر هدایـت الهـی اسـت. در طرح صالحین رشـد افـراد به صـورت جامع مـورد تأکید قرار گرفتـه و ابعاد رشـد عبارتند از: رشـد عقلانی، رشـد عاطفی، رشـد رفتـاری. همچنین سـاحت‌های رشـد عبارتنـد از رشـد فردی و رشـد اجتماعـی، و همچنیـن موضوعاتی کـه لازم اسـت در آن رشـد صـورت پذیـرد از ایـن قـرار اسـت: رشـد اقتصادی، رشـد عبادی، رشـد جنسـی، رشـد هیجانی، رشـد مهارتی، رشـد تحصیلـی و.....

یکـی از تأکیـدات جـدّی بنیـا نگـذاران صالحیـن نقـش بی‌بدیـل مربّـی و مرشـد در رشـد جامع انسـان اسـت کـه ریشـه در تأکیـدات ائمه معصومیـن علیهم‌السلام دارد. امـام زین العابدیـن علیه‌السلام می‌فرماینـد: «هلـک مـن لیس لـه حکیم یرشـده.» (بحار الأنـوار ج ۷۵ ص ۱۲۸)

در خصـوص نقـش مربّـی در تربیـت، نظریاتـی میـان اسـاتید فن مطرح شـده اسـت: حجـه الاسـلام و المسـلمین پاکباز تربیـت را دارای ۳ ضلع می‌دانـد: فعّالیت، آموزش، نظارت.

حجت الاسـلام والمسـلمین دسمی (مؤسـس طرح صالحین در بسـیج) نیز با تعابیری مشـابه، وظیفـه نوجوانان و جوانـان را این‌چنین عنوان می‌کنـد: درس، کار، اخلاق.

نگارنـده معتقـد اسـت فرایند رشـد انسـان ترکیبـی از نقش مربّـی و متربّی اسـت که مربّـی نقـش نظارتـی و هدایتـی بر عهـده دارد و متربّی باید در سـه حیطـه مربوط به رابطـه بـا خـدا، با خـود و بـا خلق خـدا حرکت و تـلاش نماید.

در خصـوص مرحلـه رشـد و ابعـاد آن نـکات ذی‌قیمتی در کتب مرحوم اسـتاد شـهید مطهـری رحمه‌الله وجـود دارد کـه طالبان تحقیق بیشـتر را بـه کتاب‌های «تعلیـم و تربیت در اسـلام» «انسـان کامـل» «ده گفتـار» و «گفتارهـای معنـوی (آزادی معنـوی)» ارجـاع می‌دهـم.

مرحله‌ی چهارم: سازماندهی

توجّـه تـوأم بـه مسـائل تربیتـی و تشـکیلاتی از امتیـازات طـرح صالحیـن اسـت کـه شـاید بخشـی از آن مربوط به فضای تحقّق آن یعنی سـازمان گسـترش بسـیج باشـد. بسـیج بـه عنـوان نیـروی مدافـع انقـلاب و شـبکه شـریانی نظـام مقـدس جمهـوری اسـلامی، نیازمنـد برنامه‌ای اسـت کـه نیروها را پـس از آماده‌سـازی تربیتی به خدمت درآورد و از ظرفیـت آنـان اسـتفاده نماید.

متأسـفانه یـک نـگاه ناصواب نسـبت بـه فعّالیـت و سـازماندهی وجود دارد که ناشـی از توجّـه صـرف بـه نتایـج و فوایـد آن اسـت. برخـی بـرای تبییـن ضـرورت فعّالیت و خدمـت، فقـط بـه آثـار و اهدافی که برای نظـام و انقلاب و اسـلام پدید می‌آید اشـاره می‌کننـد. غافـل از آنکـه اول کسـی کـه از فعّالیـت و خدمـت بهره‌مند می‌شـود، خود فـرد فعّـال اسـت. آیـت الله شـهید مرتضـی مطهـری﵀ در کتـاب تعلیـم و تربیت در اسـلام بـه نقـش بی‌بدیـل کار و فعّالیـت در تربیت انسـان اشـاره می‌کند و با اسـتفاده از روایتـی از نهـج البلاغـه تفـاوت درخت بیابان و درخت باغ را در اسـتقامت و صبوری بیـان می‌کنـد: « والشـجره البرّیّـه أصلـب عـوداً و الرواتـع الخضـراء أرق جلـوداً»(نهج البلاغـه، مـن کلام له ۴۵)

بنابرایـن مسـئله سـازماندهی صـرف نظـر از ابعـاد و فوایـد تشـکیلاتی آن، از لحـاظ تربیتـی و معنـوی واجـد آثـار ذی‌قیمتـی برای جوانـان و نوجوانـان می‌باشـد و از این جهـت توجّـه بـه ایـن معنـی در طـرح صالحین سـتودنی اسـت.

مرحله‌ی پنجم: کادر سازی

از منظـر پایه‌گـزاران صالحیـن، یک تشـکیلات کوچک فرهنگی از همان بدو تأسـیس لازم اسـت بـه فکـر تأمین نیروی انسـانی کار آمـد برای آینده خود باشـد. این ضرورت بـرای همـه مجموعه‌هـای فرهنگـی و نهادهـای انقلابی نیز پـر واضح و مبرهن اسـت. کادرسـازی فراینـدی دو طرفـه اسـت کـه میـان مربّـی و متربّـی اتفـاق می‌افتـد و ناشـی از بـروز اسـتعدادها از یـک سـو و رصـد توانمندی‌هـا و ظرفیت‌هـا از سـوی دیگـر اسـت. مربّـی موظـف اسـت از اوان جـذب نیـرو، توانایی‌هـا و قابلیت‌های خاص

افـراد را شناسـایی و آنهـا را بـه فعلیّـت برسـاند. لـذا کارسـپاری و مسـئولیت‌دهی از وظایـف مربّیـان تربیتـی اسـت کـه از بـدو حضـور نیروهـا در مجموعـه بایـد مـورد توجّـه قـرار گیـرد. در ایـن مرحلـه نیـز هماننـد مرحله قبـل متربّـی نفع بیشـتری از تشـکیلات می‌بـرد و از رشـد توانایی‌هـای فکـری و اجتماعـی خـود سـود می‌بـرد و ایـن رشـد را در خـود احسـاس می‌کنـد. یکـی از تفاوت‌هـای مجموعه‌هـای تربیتی با گروه‌هـای سیاسـی و احـزاب در ایـن اسـت که در تشـکل‌های سیاسـی افراد همیشـه نگـران سوءاسـتفاده و نردبان‌شـدن خود می‌باشـند؛ امـا در تشـکل‌های تربیت جوهر، هیچـگاه چنیـن احساسـی به‌وجـود نمی‌آید؛ مشـروط بر اینکـه موازین شـرع واخلاق اسـلامی رعایت شـود.

مرحله‌ی نهایی: نخبه پروری

ایـن مرحلـه جـزو مراحـل رسـمی صالحیـن نیسـت و در اسـناد ایـن طرح ارزشـمند مـورد اشـاره قـرار نگرفته اسـت و شـاید از لحـاظ مفهومی معـادل همـان مرحله قبل باشـد. لیکـن مطالبـه جـدّی رهبـر معظـم انقلاب از حـوزه و دانشـگاه ضـرورت توجّه بـه آن را دو چنـدان می‌نمایـد: «بایـد بـرای نخبگان حسـابی باز کرد. ممکن اسـت به نظـر بیایـد ایـن یـک تبعیض اسـت؛ اما تبعیـض همه جـا غیـر عادلانه نیسـت ... این حسـاب بـاز کـردن بـرای نخبـگان عیـن عدل اسـت؛ به خاطـر اینکـه ما بایـد نخبه و هوشـمند را در حـدی کـه می‌توانـد رشـد کند، رشـد بدهیـم». (۱۳۸۱/۷/۳)

از آنجـا کـه شـبکه گسـترده شـجره طیّبـه صالحیـن از اسـاتید، سـرمربّیان، مربّیان و سـرگروه‌ها تشـکیل شده اسـت و در طرح اولیه نظام شـجره‌ای ایده ارتقای رتبه ارکان شـجره صالحیـن وجـود داشـت؛ می‌تـوان برنامـه نخبه‌پروری را بـه عنوان یـک برنامه منظـم در طـرح صالحیـن مـورد اشـاره قـرار داد. لیکـن از آن جا که هنـوز محصولات انسـانی صالحیـن تولید نشـده اسـت و صالحیـن ارکان خـود را از ظرفیت‌های موجود جامعـه حـوزوی و دانشـگاهی انتخـاب نموده اسـت؛ باید انتظار داشـت در یک چشـم انـداز ۱۰ سـاله نخبـگان تربیتـی و فرهنگـی مورد انتظار تولید شـود. بدیهی اسـت در صـورت طراحـی چشـم انداز نخبگانـی برای صالحیـن و توجّه به منویـات رهبر حکیم

انقـلاب اسـلامی در ایـن زمینـه موجبـات ارائـه طرحی نـو در صالحین فراهـم خواهد گشـت. شـایان ذکـر اسـت در حـال حاضـر برخـی از تشـکل‌های تربیتـی و فرهنگـیِ هم‌افـق بـا صالحیـن ماننـد حـوزه علـوم اسـلامی دانشـگاهیان یـا طرح حکمـت نهاد مقـام معظـم رهبـری در دانشـگاه‌ها ضمـن توجّـه بـه ایـن رسـالت خطیـر اقـدام بـه برنامه‌ریـزی نخبگانـی نموده‌انـد، و بسـتر رشـد نخبـگان را دو عنصـر تربیـت و جهاد قـرار داده‌انـد. نگارنـده بـر ایـن پنـدار اسـت کـه در سـالی کـه مطالبـه حضـرت ولی امـر، حرکـت ملـی و جهـادی بـه سـوی اقتصاد و فرهنگ اسـت، ضـرورت هـم افزایی جریان‌هـای تربیتـی و فرهنگـی ضـرورت دو چنـدان پیـدا کـرده اسـت و لازم اسـت رویکردهـای جامـع شـبیه آنچه توسـط متولّیان قـرار گاه خاتم الاوصیـاء ﷺ در صدد آن هسـتند، انجـام پذیـرد و کارهـای مـوازی به حداقل برسـد.

» د) محتواشناسی صالحین

۱. اندیشه‌های امام و رهبری

تمرکز صالحین بر مطالعه روشمند افکار و اندیشه‌های رهبران انقلاب اسلامی یعنی امام خمینی قدس‌سره و امام خامنه‌ای و کشف نظام فکری این دو حکیم فرزانه، از ویژگی‌های منحصر به فرد طرح صالحین است. در کتاب راهنمای سرگروه که دستورالعمل تشکیل حلقات تربیتی می‌باشد، تأکید ویژه‌ای بر تعقیب و شناخت ابعاد فکری امام و آقا صورت گرفته است، تا جایی که یکی از وظایف سرگروه استماع سخنرانی‌های ولی فقیه و پیگیری مطالبات ایشان است. در این زمینه نکات قابل توجّهی وجود دارد که از حوصله این نوشتار خارج است.

۲. اندیشه‌های شهید مطهری قدس‌سره

طرح بینش مطهّر که توسط جمعی از دانشجویان و دانش‌آموختگان متعهّد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام ارائه گردیده است، به عنوان یکی از متون اصلی طرح صالحین پذیرفته شده و در دروس آموزشی مربّیان و سرگروه‌ها ارائه گردیده است. کتب منتشره توسّط دفتر این طرح در ابتدا با رویکرد خلاصه‌نویسی کتب استاد مطهری قدس‌سره توسط دانشجویان در دانشگاه مزبور آغاز گردیده و در حال حاضر رویکرد موضوعی پیدا کرده است. هرچند، نفسِ طرح مطالعاتی بینش مطهر نوعی سیر مطالعاتی از آسان به مشکل است، امّا ناشران این کتب معتقدند برخی از کتاب‌ها که پس از شهادت استاد مطهری قدس‌سره توسط انتشارات صدرا چاپ شده است، فاقد موضوع بندی صحیح است و لازم است سخنرانی‌ها و یادداشت‌های استاد بر اساس موضوعات دسته بندی شود. به همین جهت اقدام به تدوین و نشر کتبی از قبیل مسأله نفاق، آزادی انسان، امر به معروف و نهی از منکر و... نمودند.

۳. مدرسه‌ی مجازی و پرتال صالحین

در سال‌های گذشته بیش از یکصد سایت خبری و محتوایی در جهت تأمین محتوای مورد نیاز حلقات تربیتی و سرگروه‌ها و مربّیان آنها طراحی گردیده

است، مرکز آموزش‌های مجازی بسیج که با نشانی esalehin.ir فعّالیت می‌کند دوره هایی تحت عنوان مفاهیم پایه فناوری اطلاعات، درس‌های قرآنی، امر به معروف ونهی از منکر، کاربری کامپیوتر ICDL برگزار می‌نماید که در قیاس با نیازهای شبکه گسترده صالحین بسیار ناچیز می‌باشد. پرتال صالحین به نشانی salehin.ir نیز شامل بخش‌های شاخص، ثاقب، انعکاس و میزان است که بیشتر یک سایت ترویجی است و با رقبای مطرح و قوی‌پنجه‌تری در عرصه مجازی رقابت می‌نماید. البته در بخش ثاقب این پورتال محتواهای متنوعی در چهار بخش معرفتی، بصیرتی، تربیتی و مهارتی وجود دارد که می‌تواند در حلقه‌های تربیتی مورد استفاده قرار گیرند.

۴. مرکز تولید اندیشه و پاسخگویی

این مرکز بیش از ۴ سال است در قم راه‌اندازی گردیده است و دو رکن اصلی دارد: یکی هیأت‌های علمی که با حضور چند تن از مجتهدین طراز اول در سه عرصه تربیتی، بصیرتی، معرفتی آغاز به کار نمود. رئیس بخش معرفتی آیت الله ممدوحی بودند که با استفاده از تعداد قابل توجهی از شاگردان خود (که از اساتید و فضلای حوزه علمیّه قم به شمار می‌روند،) کار تدوین و پاسخگویی به سؤالات و شبهات اعتقادی و تربیتی را بر عهده گرفتند و به مدت ۲ سال فعّالیت نمودند. رئیس بخش بصیرتی آیت الله کعبی بودند که با استفاده از چند تن از اعضای هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی‌ﷺ و پژوهشکده فقه سیاسی مجلس خبرگان رهبری به فعّالیت سیاسی بصیرتی مشغول بودند.

بخش تربیتی نیز قرار بود با تصدّی حجت الاسلام والمسلمین صدیقی (امام جمعه موقت تهران) فعّالیت نماید که این امر محقق نشد. متأسفانه با اختلاف نظر سازمان بسیج و حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه این سه بخش مهم از مرکز تولید اندیشه جدا شد و این مرکز فقط در زمینه موضوعات مهارتی تحت نظر آیت الله فرحانی (معاونت آموزش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیّه) و جمعی از شاگردان ایشان به فعّالیت مشغول است.

رکـن دوم ایـن مرکـز، معاونت پاسـخگویی به شـبهات اسـت که در دو بخـش مجازی (آنلایـن و آفلایـن) بـه نشـانی pasokhgooi.ir و تلفنـی (صوتـی و پیامکی) مشـغول بـه خدمـت اسـت و تاکنـون بیـش از ۲۰۰۰ سـؤال را پاسـخ داده اسـت. نگارنـده کـه تأسـیس و مدیریـت معاونـت پاسـخگویی را بـه مـدت شـش مـاه بـر عهـده داشـته، معتقـد اسـت نیـاز محتـوای شـبکه عظیم بسـیجیان عضو در شـجره طیبـه صالحین، سـرگروه‌ها، مربّیان و سـرمربّیان آنها بسـیار بیشـتر از تـوان و فعّالیت فعلـی این مرکز اسـت کـه بـه دلیـل فراز و نشـیب‌های مختلـف مدیریتی، آن طـور که باید و شـاید به ایـن شـبکه عظیـم متّصل نگردیده اسـت. هم اکنـون بیش از ۴۰ مرکز پاسـخگویی به شـبهات در سـطح کشـور وجـود دارد کـه برخی از آنها بـه مراتب از مرکز پاسـخگویی بسـیج توانمندترنـد و بـا هزینـه‌ای بـه مراتـب کمتـر اداره می‌شـوند. بـه عنـوان مثال سـایت پرسـمان نهـاد مقام معظم رهبـری در دانشـگاه‌ها در ۲ اتاق مدیریت می‌شـود و یـا سـایت طلبـه پاسـخگو با هزینه شـخصی یـک طلبه دلسـوز و دردمنـد در فضای مجـازی مشـغول بـه خدمت رسـانی اسـت و مخاطبین جـدّی و پرتعـداد دارد.

۵. منشورات صالحین

صالحیـن در جنبـه مطبوعاتـی اقـدام به انتشـار چند مجلـه ترویجی تحت عنـوان راه صالحیـن نمـوده اسـت که بـه ارائه مقـالات، گزارشـات و مصاحبه‌هایـی در موضوعات تربیتـی و مهارتـی، معرفتـی و بصیرتـی می‌پـردازد. همچنیـن سـالنامه صالحیـن بـه منظـور اسـتفاده سـرگروه‌ها بـا بخش‌هـای متنـوع منتشـر می‌گـردد. عـلاوه بـر آن نرم‌افزارهـای متعـدّدی توسّـط مجموعه‌هـای مرتبـط ماننـد مؤسسـه اسـوه صدیقین اهـواز تولیـد شـده اسـت و در اختیـار مربّیـان و سـرگروه‌ها قـرار گرفته اسـت.

۶. مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

ایـن مرکـز با حضـور تعـدادی از دانش‌آموختـگان دانشـگاه امام صـادق علیه‌السلام در تهران راه انـدازی شـده اسـت و کانون‌هایـی از قبیـل تربیـت و دانشـگاه، مدرسـه، مسـجد، رسـانه، اقتصـاد و ... کـه همگـی مضـاف بـه تربیـت هسـتند را در خـود جـای داده

اسـت. ایـن مجموعـه با همـکاری دانشـگاه امـام حسـین(ع) سـعی دارد علاقه‌مندان دانشـگاهی را تغذیـه علمـی کنـد. و اخیراً اقدام به تأسـیس رشـته مدیریـت فرهنگی در ایـن دانشـگاه نموده اسـت.

۷. مدرسه علمیّه بقیه‌الله تهران

مؤسّسـان صالحیـن از بـدو حضـور در تهران، به منظـور کادرسـازی محتوایی و تربیت نیـروی انسـانی کار آمـد و فاضـل، اقـدام به تأسـیس مدرسـه علمیّه امـام خمینی(ره) ازگل تحـت اشـراف حجـت الاسـلام والمسـلمین صدیقی نمودند. با گذشـت ۷ سـال از فعّالیـت ایـن مجموعـه حـوزوی، تأسـیس مـدارس بقیـه الله در تهران آغـاز گردید کـه اکنـون در چنـد مرکـز حـوزوی بـرادران و خواهـران تحـت نظـر مرکـز مدیریـت حوزه‌هـای علمیّـه اسـتان تهـران بـه جـذب و تربیـت طـلّاب و فضـلا اشـتغال دارد. تـلاش متولّیـان ایـن مـدارس علمیّـه بـر تربیـت طلّابـی فاضـل و مجاهـد اسـت کـه دغدغـه انقـلاب و درد دین داشـته باشـند و بتواننـد دوره تحصیـل را در حداقل زمان لازم طـی نمایند.

۸. دوره‌های آموزشی صالحین

معاونـت تعلیـم و تربیـت سـازمان بسـیج مسـتضعفین بـا در دسـت داشـتن چندیـن مرکـز آموزشـی در تهـران، قـم، مشـهد و اهـواز دوره‌هـای متعـدّدی جهـت رشـد و ارتقـای سـرگروه‌ها، مربّیـان و سـرمربّیان شـجره طیبـه برگزار نمـوده اسـت و بالغ بر ۵۰/۰۰۰ نفـر در ایـن دوره‌هـا شـرکت نموده‌انـد کـه از دروس محتوایـی در دو عرصه انگیزشـی و بینشـی بهره‌منـد شـده‌اند.

») دستاوردهای صالحین

تمامی طرح‌هایی که بعد از انقلاب اسلامی توسط دغدغه‌مندان و دلسوزان نظام و روحانیّت مجاهد طراحی گردیده‌اند، دارای امتیاز مختص به خود می‌باشند، چنانچه از ضعف‌هایی نیز برخوردارند. از آنجا که این نوشتار در مقام بررسی طرح صالحین می‌باشد، ناگفته روشن است که تجلیل از این طرح مستلزم نفی امتیازات دیگر طرح‌ها نیست و به تعبیر طلبگی اثبات شئ نفی ماعدا نمی‌کند. در این مقام بر ۱۰ ویژگی برجسته که تا حدودی صالحین را از سایر برنامه‌ها و طرح‌ها متمایز می‌کند اشاره می‌کنیم و صد البته ممکن است امتیازات بیشتری قابل طرح باشد که از دید نگارنده مخفی مانده است که پیشاپیش عذر می‌طلبم.

۱. گفتمان سازی تربیتی

همانطورکه در مبحث روش‌شناسی صالحین مختصراً اشاره شد، علی‌رغم دغدغه‌های مبنایی معمار کبیر انقلاب و رهبر معظم انقلاب، تربیت به عنوان یک فضیلت فراموش شده نیاز به احیا داشته و دارد، مراجعه به تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که تلاش شهیدان رجایی و باهنر در جهت تأسیس امور پرورشی و تبدیل دانش‌سراها به مراکز تربیت معلم، حاکی از خلاء جدی تربیت در نظام آموزشی کشور است؛ ضرورتی که با روی کار آمدن دولت اصلاحات فراموش شد و از وزارت آموزش و پرورش ریشه کن شد. اما این عمق مصیبت نیست! مصیبت اصلی آنجاست که در نهادهای فرهنگی- تبلیغی دیگر نظام نیز دغدغه تربیت و پرورش نفوس مهذّب بسیار کم‌رنگ و کم‌فروغ شده است.

سازمان تبلیغات و وزارت ارشاد و تمامی نهادهای اینچنین و حتّی حوزه‌های علمیّه نوعی رویکرد آموزشی و تبلیغی را وجهه همّت خویش قرار داده‌اند که شاید دلیل آن را بتوان ساده‌تر بودن، زود بازده بودن و قابل ارزیابی بودن فرایند تعلیم و تبلیغ دانست. تربیت یک فرایند پیچیده و دیر بازده است و غالباً مؤسّسین یک مجموعه تربیتی شاهد نتایج کار خویش نیستند؛ فلذا رغبت خاصی به این گونه فعّالیت‌ها نیست. خصوصاً که ارزیابی کیفی فعّالیت‌های تربیتی

بسیار مشکل است و امکان تبدیل شاخص‌های کیفی به کمیّ معمولاً فراهم نیست. در حالیکه آموزش یک فرایند معیّن ومدرّج است که پس از پایان مراحل تحصیلی و اعطای مدرک قابل ارزیابی کمیّ است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین خدمتی که طرح صالحین به انقلاب اسلامی و متولّیان امر فرهنگ و تربیت نموده احیای گفتمان تربیت و انسان‌سازی است. صالحین توانست به مخالفان خود این ادبیات را منتقل کند که باید دست از روش‌های سنّتی برداشت و به روش‌های اصیل بازگشت. باید به جای کلاس اخلاق، جلسه اخلاق برگزار کرد. باید به جای معلّمی، مربّی‌گری کرد. باید کنار منبر، حلقه تشکیل داد. باید طبیبٌ دوّار بطبه بود. باید مانند رسول خدا ﷺ به سراغ بیماران رفت. باید برای هر مخاطبی متناسب با نیازهای آنان خوراک آماده کرد. باید سطح‌بندی نمود. باید مخاطب‌شناسی کرد. نباید به مجالس بزرگ و پرتعداد اکتفا کرد. نباید مسجد را با هیئت معاوضه کرد. نباید به تبلیغ و تدریس اکتفا کرد. نباید به ارتباطات مجازی قانع شد. نباید از کار چهره به چهره غافل شد.

۲. احیای نقش مسجد در تربیت

آنچه به تربیت هویّت می‌دهد معنویت است. در غیر اینصورت غربی‌ها نیز سودای تربیت در سر دارند و تربیت سکولار را ترویج می‌کنند. تربیت اسلامی همان تربیت معنوی است که در غیر از مسجد محقق نمی‌شود. تربیت اسلامی در یک کلام تربیت مسجدی است. فرهنگ مسجد رنگ و بوی خاصی دارد. صبغه الله از آن استشمام می‌شود. به تعبیر یکی از دانشمندان، بازار مسجدی با غیرمسجدی متفاوت است. معلّم مسجدی با غیرمسجدی متفاوت است. پاسدار مسجدی با غیرمسجدی متفاوت است. حتی روحانی مسجدی با غیرمسجدی متفاوت است! فرهنگ مسجد شور و حرارت و سوزی ایجاد می‌کند که در غیر آن وجود ندارد. فرهنگ مسجد درد دین را در نهاد مسجدیان نهادینه می‌کند. فرهنگ مسجد درد غیر را در جان‌ها زنده می‌کند و بی‌تفاوتی را بر می‌کند. از آنجا که خاستگاه صالحین مسجد است و الگوی ارتباطی مدرسه و مسجد را

در بـدو تأسـیس توصیـه نمـوده اسـت می‌توان گفـت این طـرح وثیق، هویّـت تربیت دینـی را در یـک بسـتر صحیح قـرار داد و در یک کلام تربیت را بیمـه کرد و به اهلش سـپرد. در حـال حاضـر نهادهای مختلـف فرهنگی ماننـد کانون پـروش فکری کودک و نوجـوان، حـوزه هنری سـازمان تبلیغات اسـلامی، وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی، فرهنـگ سـراها و شـهرداری‌های کلان‌شـهرهای کشـور و ... وجـود دارنـد و سـالانه میلیاردهـا تومـان از بودجـه بیـت المـال را صـرف مقوله فرهنـگ و تربیـت می‌کنند؛ امـا شـاید بتـوان ادعـا کـرد، هیـچ یک بـه صورت مشـخص دغدغـه تربیت مسـجدی را ندارنـد. صالحیـن بایـد افتخـار کنـد که بسـتر تربیت را مسـجد قـرار داد و علاوه بر معرفـی یـک قالـب مقدس، محتـوای مربوط بـه این قالـب را به مخاطـب منتقل کرد. صالحیـن بـا عنایـت بـه رهنمـود ارزشـمند امام خامنـه‌ای کـه «امام جماعـت رئیس طبیعـی یـک مسـجد اسـت» و بـا توجّه بـه نقـش بی‌بدیـل علمـای ربّانـی در تربیت نفـوس و بـا اسـتفاده از بسـتر پـاک بسـیج، مثلـث حـوزه، بسـیج و مسـجد را بـا این رویکـرد پایـه گـذاری کرد:

- الـف) حـوزه علمیّـه بـه عنـوان پایـگاه اندیشـه دینـی و پشـتوانه فکـری و محتوایـی؛
- ب) مسجد به عنوان ظرف تحقق اهداف تربیتی اسلام و تربیت نفوس؛
- ج) و بسیج به عنوان ساختاری ولایی برای تربیت مجاهدان راه خدا.

۳. احیای کتب شهید مطهری

امام خمینی‌ﷺ فرمود: «من به دانشـجویان و طبقه روشـنفکران متعهّد توصیه می‌کنم کـه کتاب‌های این اسـتاد عزیز را نگذارند با دسیسـه‌های غیر اسـلامی فراموش شـود.» همچنیـن امـام خامنـه‌ای می‌فرماینـد: «یکـی از عناصری کـه بنیه اصلی فکر اسـلامی مـن را پایه‌گـذاری کرده اسـت، سـخنرانی‌های بیسـت سـال پیش آقای مطهری اسـت ... آثـار شـهید مطهـری مبنـای فکـری نظام جمهوری اسـلامی اسـت ... اگر کسـی آثار وی را بـا دقـت و بـه طـور کامـل بخوانـد، کافـی اسـت کـه او را بـه یـک سـطح راقی از معارف اسـلامی برسـاند.» (۶۹/۲/۱۲ - ۷۹/۶/۱۴ سـایت دفتر رهبری)

جملات متعدّدی ازحضرت امام و حضرت آقا وجود دارد که ناظر به ابعاد مختلف اندیشه‌های استاد شهید مرتضی مطهری قدس‌سره است. افکار استاد مطهری قدس‌سره نه به عنوان یک نویسنده و سخنران چیره‌دست، بلکه به عنوان معمار فکری انقلاب اسلامی و طراح مدل جدید جهان بینی اسلامی نیاز به توزیع گسترده و هدفمند داشته و دارد. آن چه تا کنون وجود داشته اهتمام به انتشار و توصیه علاقه‌مندان به مطالعه کتب شهید مطهری قدس‌سره است. اما صالحین توانست عدّه‌ای را علاقه‌مند به مطالعه روشمند این کتب نماید. و علاقه‌مندان را نیز ملتزم به این کار نماید. می‌توان گفت صالحین مشکل جامعه جوان ما را به درستی تشخیص داده است. مشکل عمده جوان ما این نیست که نمی‌دانند کتب شهید مطهری قدس‌سره یا علّامه مصباح و علّامه جوادی و سایر اندیشمندان اسلامی مفید است. بلکه مشکل اصلی آنها این است که انگیزه‌ای برای مطالعه کتب این بزرگان ندارند. صالحین با ایجاد یک ساختار گسترده و تزریق کتب شهید مطهری قدس‌سره در آن توانست ضمن تبیین ضرورت مطالعه کتب استاد، مخاطبان خود را نسبت به ادامه مطالعه تشویق نماید و از طریق تشکیل جلسات مطالعاتی توسط سرگروه‌ها و مربّیان استمرار این فعّالیت علمی ارزشمند را تا وصول به نتیجه دنبال نماید.

۴. ابداع روش‌های نوین تشکیلاتی

یکی از نیازهای نیروهای حزب‌الهی و انقلابی، آگاهی از روش‌های علم مدیریت و ابعاد آن می‌باشد. مقوله‌هایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و ارزشیابی و مهارت‌هایی چون تصمیم‌گیری، هدایت و رهبری، مدیریت زمان و از همه مهم‌تر مدیریت فرهنگی و مدیریت تربیتی، همگی اموری هستند که نیاز به مطالعه عالمانه و تخصصی دارند. یکی از امتیازات صالحین را می‌توان ترویج گفتمان مدیریت و تشکیلات و تعریف نسبت میان روحیه جهادی و نظم تشکیلات دانست. کما اینکه یکی از چالش‌های صالحین تحقق این نظم تشکیلاتی در بسیج است. یکی از آفاتی که در خصوص مجموعه‌های انقلابی مطرح است «تز نظم در بی نظمی» است که به تعبیر امام راحل قدس‌سره از القائات دشمنان اسلام

است و بسیج از این آفت مستثنی نیست. به نظر می‌رسد صالحین توفیق زیادی در تبیین ضرورت و ماهیت تشکیلات اسلامی و نحوه تحقق مرحله‌بندی شده آن داشته است. نگارنده معتقد است تدوین و تبیین مراحل تربیت (جذب، تثبیت، رشد، سازماندهی و کادرسازی) توسط جمعی از طلّاب انقلابی که در بخش روش‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت، نوعی مهندسی تربیت در ظرف تشکیلات فرهنگی است و در نوع خود ابتکاری ارزشمند است که نیازمند تدقیق و تعمیق بیشتر می‌باشد.

از ابداعات مرتبط با این مسئله می‌توان به ارائه بحث مبانی تربیتی تشکیلات و پافشاری برای گفتمان شدن آن توسط بنیان‌گذاران صالحین اشاره کرد. واقعیت این است که در گفتمان نسل اول اساتید و طراحان صالحین بیش از دیگر مدافعان آن، توجّه و تأکید بر مبانی تربیت و التفات به هسته بیش از پوسته به چشم می‌خورد. آنان معتقدند تقوی، اخلاص و توکّل فقط توصیه‌های اخلاقی نیستند، بلکه باید از اصول مدیریت اسلامی محسوب شوند. همچنین اصل «لا مؤثر فی الوجود الا الله» تنها یک اصل اعتقادی نیست، بلکه زیر بنای مهارت ارتباط است که توجّه به آن آثار شگرفی در تغییر نگرش و بینش مخاطب خواهد داشت.

۵. کادر سازی برای انقلاب اسلامی

رهبر معظم انقلاب در خصوص اهمیّت توجّه به نیروی انسانی می‌فرمایند: «حقیقت این است که در طول ۳۵ سال از عمر انقلاب اسلامی، آن طور که باید و شاید، به مقوله کادرسازی و نیروسازی برای آینده نظام اسلامی توجّه نشده است.» شاهد این مدعی در حال حاضر دغدغه جدی بسیاری از نهادهای انقلابی نسبت به بازنشستگی ناگهانی نیروهای انقلابی و رزمنده و عدم وجود نیروی کافی برای سپردن سمت‌ها و پست‌های کلیدی به آنهاست. بحمدالله توجّه جدّی طرح صالحین به مقوله کادرسازی و نظام پلّکانی شجره طیبه، زمینه را برای تحقق این امر فراهم کرده است. در حال حاضر صدها دانشجو و

طلبـه فاضـل، انقلابـی و دغدغه‌منـد در بسـتر صالحیـن تربیـت شـده‌اند و بـه عنـوان مدافـع، مبیّـن و مـدرس منویـات امـام و رهبـری در مسـاجد و دانشـگاه‌ها مشـغول خدمـت می‌باشـند. متأسـفانه نمی‌تـوان بـه ذکـر نـام تمـام کسـانی پرداخـت کـه در طـول بیسـت سـال حیـات صالحین رشـد و نمـو یافته‌انـد و اکنـون به عنوان اسـاتید مبـارز حـوزه علمیّـه و اعضای هیـأت علمی دانشـگاه یا مدیران برجسـته انقـلاب و ... مشـغول بـه انجـام وظیفـه و خدمتند.

۶. هویت‌بخشی به بسیج

پـس از پایـان دفـاع مقدس سـپاه پاسـداران انقـلاب اسـلامی آرایش سـازمانی جدید یافـت. هویـت بسـیج هماننـد ۴ نیـروی دیگـر نظامـی سـپاه، تـا حـدودی نظامـی تعریـف شـد و عمـده توجّهـات فرماندهـان بـه سـازماندهی دفـاع محـور ایـن نیروی عظیـم انقـلاب معطـوف گردیـد. تشـکیل گردان‌هـای عاشـورا و الزهـرا﵉ و تقویـت معاونت‌هایـی چـون آمـوزش و عملیّـات در نیـروی مقاومـت بسـیج، شـاهدی بـر این مدعاسـت. فعّالیت‌هـای فرهنگـی اجتماعـی بسـیج نیـز در این قالـب طرح‌هایی چون طـرح میثـاق (طـرح تابسـتانه اوقـات فراغـت) ارائـه می‌شـد و تشـکیل معاونت‌هایـی چـون امـر بـه معـروف و نهـی از منکـر با رویکـرد مبـارزه با منکـرات و تقویـت مراکز اجرایـی سـپاه، خاطـرات فـراز ونشـیب‌های دوران فعّالیت کمیته‌های انقلاب اسـلامی را تداعـی می‌کـرد. در ایـن فضـا بـود کـه طرح اسـوه و سـپس طـرح صالحیـن، باعث تغییـرات اساسـی در شـاخص‌ها و معیارهـای فعّالیـت بسـیج گردید. اگر تـا قبل از آن مـلاک انتخـاب پایگاه نمونه بسـیج را تعداد ایسـت و بازرسـی‌ها و نیروهـای آماده رزم می‌دانسـتند، بـا روی کار آمـدن اندیشـه صالحیـن تعداد جـذب فعال و تعـداد حلقات تربیتـی و مربّیـان توانمنـد، معیـار اصلی انتخـاب پایگاه‌هـای برتر گردیـد. نگارنده که سـال‌ها تجربـه فرماندهـی پایگاه بسـیج را دارد خوب به خاطر دارد کـه هنگام مراجعه بـه حـوزه مقاومـت بسـیج بـرای میدان تیر پاسـخ مثبت شـنیده می‌شـد ولـی هنگام پیگیـری یـک دسـتگاه مینی‌بـوس بـرای برگـزاری اردوی فرهنگـی تربیتی پاسـخ‌ها منفـی بـود. طـرح صالحین بـا حاکم کـردن گفتمان تربیـت و ایجـاد نقش‌هایی چون

سـرگروه و مربّی در نمودار سـازمانی بسـیج در همه سـطوح، توانسـت روحی تازه در کالبـد بسـیج بدمـد و زمینـه را بـرای رشـد و تعالـی بسـیج فراهـم کند. امـروزه ده‌ها هـزار سـرگروه، هـزاران مربی، صدها سـرمربّی و ده‌ها اسـتاد در سـاختار بسـیج دارای مسـئولیت و جایـگاه تعریـف شـده‌اند، و ایـن امر هویّت جدیدی برای بسـیج به شـمار می‌رود.

۷. بکارگیری طلّاب و روحانیت

یکـی از مسـائل جـدی نظـام کـه از موضوعـات اختلافـی میـان علمـا نیـز بـه شـمار مـی‌رود مسـئله ورود روحانیـت بـه عرصه‌هـای خدمت‌گـزاری دینـی و کیفیـت آن اسـت. ایـده غالـب این اسـت که طلبه پـس از اتمام لمعتین (سـطح یک) معمم شـده و در ایـام تبلیـغ بـه نقـاط دور و نزدیک برود و به منبر و ارشـاد مردم بپردازد. سـؤالی کـه مطـرح اسـت اینکـه آیـا نمی‌توان زودتـر از ایـن موعد طـلّاب را به تبلیغ فرسـتاد و سـؤال مهم‌تـر آنکـه آیـا اساسـاً ایـن روش سـنّتی تبلیغ نافع اسـت؟ پاسـخ روشـن اسـت. شـاید صـد سـال قبـل از این اگر یـک مبلّغ یـک دهه از محـرم را به روسـتایی می‌رفـت و چنـد مسـئله شـرعی و حدیـث را بیـان می‌کـرد، می‌توانسـت در دهـه آخـر صفـر مطالـب ارائه شـده را تکمیـل نماید. امـا در دورانـی که رسـانه‌ها لحظه‌ای مـردم را تنهـا نمی‌گذارنـد روش‌هـای سـنّتی تبلیغ ناکارآمد اسـت. بایـد طرحی نو در انداخـت و ارتباطـات تبلیغـی را بـر محـور ارتبـاط چهره به چهـره بصورت پـر تکرار و صمیمـی برگـزار کـرد. بایـد روحانیـت شـیعه با حفـظ جایگاه رسـمی خود، به سـراغ خانواده‌هـا و اعضـای آن بـرود و بـه مثابه عضـوی از اعضـای خانواده به انتقـال باورها و مفاهیـم دینـی بپـردازد. می‌تـوان گفـت: صالحیـن بـا تأکیـد بـر ایـن تفکّـر، فصـل جدیـدی در مهارت‌هـای تبلیغـی گشـوده و با تعریف جایـگاه مربّیگری بـرای مبلّغان، آنـان را بـه قلـب جامعـه اسـلامی فرسـتاده اسـت. صالحین توانسـت بیـش از ۵۰۰۰ طلبـه را در سـطوح مختلـف تربیتی و مدیریتی در سـطح کشـور سـازماندهی نماید و بـه یکـی از نهادهـای فعّـال در عرصـه اعـزام و به‌کارگیـری طـلّاب علوم دینـی مبدل گردد.

هم‌اکنـون چنـد مجموعـه مقتـدر تبلیغی ماننـد دفتر تبلیغات اسـلامی حـوزه علمیّه قـم، سـازمان تبلیغات اسـلامی، سـازمان اوقـات، نمایندگی ولـی فقیه در سـپاه، نهاد نمایندگـی مقـام معظـم رهبـری در دانشـگاه‌ها و معاونـت تبلیـغ حوزه‌هـای علمیّـه در زمینـه اعـزام مبلـغ بـه نقـاط دور و نزدیـک کشـور فعّالیـت می‌نماینـد کـه تنهـا مـورد آخـر در قالـب طـرح هجـرت مسـتقر (بلنـد مـدت) روحانیـون را در مناطـق محـروم اسـکان می‌دهـد. لیکـن صالحیـن بـا اسـتفاده از شـبکه مویرگـی بسـیج، در تمـام شـهرها، روسـتاها، عشـایر کشـور از همه صنـوف و اقشـار نفوذ نمـوده و مبلغ را نـه بـه صـورت موقّـت بلکه بـه صورت مسـتمر و بـا عنـوان مربّـی اسـتفاده می‌نماید. شـاید بتـوان گفـت ایـن وظیفه ذاتـی حوزه‌هـای علمیّه اسـت کـه در صدد بـازار کار فرهنگـی تربیتـی بـرای نیروهـای خـود بـر آیـد و در خـلال آن دغدغه معـاش طلّاب را نیـز پاسـخ‌گو باشـد.

۸. ساماندهی و سازماندهی فعّالان فرهنگی

مسـئله سـازماندهی و شبکه‌سـازی نیروهـای فرهنگی و دغدغه‌منـد انقلابی اختصاص بـه طـلّاب و روحانیـون ندارد؛ بلکه مسـئله‌ای فراگیر اسـت که لازم اسـت در خصوص آن برنامه‌ریـزی شـود. در حـال حاضـر نوعـی بی‌نظمی و لجـام گسـیختگی در زمینه امـور فرهنگـی وجـود دارد و بسـیاری از مجموعه‌هـا بـه صـورت منفصـل مشـغول به فعّالیت‌هـای مـوازی هسـتند. صالحیـن به سـهم خـود توانسـت بسـیاری از نیروهای فرهنگـی دغدغه‌منـد را در زمینـه تربیـت اسـلامی از لحـاظ تشـکیلاتی سـازماندهی نمایـد و از جنبـه فکـری سـاماندهی کند. همانطور که قبلاً اشـاره شـد با فعّال شـدن قـرارگاه فرهنگـی خاتـم الاوصیـاء ﷺ حرکـت قابـل ستایشـی در زمینه سـازماندهی جبهـه فعّـالان فرهنگـی انقـلاب اسـلامی با محوریّـت روحانیـت به وجود آمده اسـت کـه می‌توانـد مکمـل فعّالیت‌هـای صالحیـن به شـمار رود.

» و) پیشنهادهایی به طرح صالحین

ما در این نوشتار، نقائص، ناکامی‌ها و ضعف‌هایی را که در حرکت ارزشمند صالحین مشاهده می‌کنیم تحت عنوان توصیه‌هایی مشفقانه با دست اندرکاران صالحین مطرح می‌کنیم. نگارنده که خود از نویسندگان و مدرّسان دوره‌های صالحین است و در مجالی مختصر، در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی نیز همکاری‌هایی داشته است، معتقد است طرح صالحین یکی از جامع‌ترین و بدیع‌ترین طرح‌های فرهنگی - تربیتی پس از انقلاب است که اگر ایرادات آن بر طرف شود می‌تواند تا آخر پیشرو بماند. بدیهی است که عیوب و مشکلات تابع موانع و عوامل متعددی است و متغیرهای مختلفی در تحقق آنها دست داشته است که برخی از آنها درونی و برخی دیگر بیرونی محسوب می‌شود.

۱. لزوم توجّه به محدودیت‌های ساختاری

یکی از مشکلاتی که حرکت صالحین را با کندی مواجه کرده است ساختار نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. این نهاد انقلابی به دلیل حسّاسیت‌هایی که ارگان‌های نظامی دارند سخت‌گیری‌ها و مراقبت‌هایی بر عملکرد مجریان و متولّیان صالحین داشته است. البته سازمان بسیج مستضعفین به عنوان یک سازمان گسترده مردمی، نهایت تلاش خود را در جهت کاهش بار روانی مذکور مبذول داشته است. اما به هر حال برخی از نیروهای مذهبی و انقلابی به دلیل حسّاسیت‌های مربوط به نهاد متبوع بسیج از همکاری رسمی با آن استنکاف داشته‌اند.

۲. لزوم ارتباط با حوزه نمایندگی ولی فقیه

این مجموعه که نقش نظارتی و مشروعیت‌بخشی به اعضاء و فعّالیت‌های سپاه و بسیج را ایفا می‌کند، از بدو تأسیس این طرح ارزشمند بر اساس وظیفه ذاتی خود اقدام به کنترل و مراقبت از افراد و برنامه‌های صالحین نموده است. یکی از ایرادات متولّیان حوزه نمایندگی ساز و کار اجرایی حضور طلّاب در سازمان سپاه

است که باید با هماهنگی و نظارت آنها انجام شود. اشکال دیگر آن مجموعه، موضوعات موازی و مشترک صالحین و حوزه نمایندگی است و دخالت صالحین در حیطه وظایف آنهاست. به نظر می‌رسد ایراد اول که امری اعتباری است ارزش چندانی ندارد. لیکن در خصوص ایراد دوم باید گفت برنامه‌های حوزه نمایندگی نیازمند تحوّل و نوآوری است و با این انرژی و توان نمی‌توان پاسخگوی نیاز گسترده بسیجیان بود. نفس حضور و فعّالیت صالحین نشان دهنده خلأ جدّی در وضع جاری برنامه‌های فرهنگی و تربیتی است؛ البته اگر نگوییم که تقریباً هیچ برنامه تربیتی برای کادر سازی وجود نداشته است.

حال این مانع موجب کُندی کار صالحین گردیده و خساراتی را نیز در برداشته است و ضرورت تعامل دو طرفه صالحین و آنان را جدّی‌تر می‌نماید.

۳. ضرورت توسعه‌ی منطقی

توسعه کمی و ابلاغ سراسری صالحین به تمام اقشار و پایگاه‌های بسیج کشور موجب شده تا ابعاد کیفی کار در برخی استان‌ها به شکل قابل توجّهی کاهش یابد و به یک برنامه یکنواخت و قالبی تبدیل گردد. به نظر می‌رسد اگر متولّیان امر قدری حوصله به خرج می‌دادند و به جای دستور همگانی از روش گلخانه‌ای (pilot) استفاده می‌کردند و در هر استان چند پایگاه را به عنوان مراکز صالحین انتخاب می‌کردند و رسیدگی‌های خاص انجام می‌دادند؛ آثار عمیق‌تری بر این حرکت ارزشمند تربیتی ـ فرهنگی می‌گذاشت.

۴. ضرورت گزینش دقیق

گسترش کمی و توسعه جغرافیایی و قشری طرح صالحین در تمام کشور منجر به نیاز شدید این شبکه تربیتی به سرگروه و مربّی شد. برخی متولّیان امر در سطح استان‌ها با دقّت تمام، گزینش و انتخاب سرگروه و مربّی را انجام دادند. اما بسیاری از استان‌ها افراد غیر ذی‌صلاح را برای تصدّی این امر خطیر به دوره‌های آموزشی اعزام نمودند. نگارنده که طی دو سال متوالی به عنوان

مصاحبه‌گر صالحین مسئولیت بررسی صلاحیت شرکت کنندگان در دوره‌های مربّیان را داشت، شاهد بود که افراد زیادی بدون توجیه و فهم صحیح نسبت به جایگاه خطیر مربّیگری، به دوره‌های صالحین نگاهی چون سایر دوره‌های بسیج داشتند و آن را یک اردوی زیارتی تلقی می‌کردند و به دلیل عدم صلاحیت گاهی تا ۵۰% ریزش داشتند. در مراحل بعد نیز که آموزش و گزینش به استان‌ها واگذار گردید وضعیت تغییر چندانی نیافت و دغدغه حضور افراد ناتوان کماکان باقی ماند. البته اکنون که اهمیّت صعوبت تربیت و هدایت مشخص شده است، دقت و وسواس بیشتری اعمال می‌شود و وضعیت قدری بهبود یافته است. شاید بتوان کمبود کادر توانمند و نیروی اثرگذار در استان‌ها را به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده ارزیابی کرد.

۵. ضرورت طراحی الگوی ویژه دانش آموزی و دانشجویی

قبلاً گفته شد که یکی از امتیازات صالحین توجّه خاص به جذب نوجوانان و جوانان به مسجد می‌باشد، لیکن به‌دلیل وجود دو سازمان بسیج دانش‌آموزی و بسیج دانشجویی و نظامات آموزشی و اداری حاکم بر آنها برنامه‌ها و ایده خاص برای نفوذ طرح صالحین به این دو عرصه مهم لازم بود. در بسیج دانش‌آموزی طرح‌هایی مانند پیشگامان و در بسیج دانشجویی طرح‌هایی مثل ولایت وجود داشت که ماهیّت آموزشی آنها بر کارکرد تربیتی آنها غلبه و ترجیح دارد. برای ارائه طرحی جامع در این دو عرصه، لازم است تمامی اقتضائات محیطی مورد بررسی قرار گیرد؛ تاریخچه و ابعاد محتوایی طرح‌های حاکم دقیقاً مطالعه شود؛ نیروهای کارآمد وتازه‌نفس انتخاب شود؛ رایزنی لازم با همه ذی‌نفعان و فعالان در عرصه دانشگاه به‌ویژه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری صورت پذیرد و در نهایت طبق یک برنامه هماهنگ و مدوّن عملیاتی، عملیّات فرهنگی آغاز گردد. ناگفته واضح است که عرصه دانشگاه و مدرسه به‌دلیل حساسیت بالا و روحیه لطیف نسل جوان و نوجوان به هیچ وجه عرصه آزمون و خطا نیست و نمی‌توان بدون ملاحظه اطراف تعامل وارد این عرصه گردید.

نگارنده که به حسب موقعیت فعلی خدمتگزاری در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها از فعّالیت‌های صورت گرفته عزیزان صالحین در دانشگاه‌های تهران کمابیش مطلع است، امید دارد اخلاص و تلاش طلّاب فاضل و انقلابی فعّال در این عرصه، زمینه را برای ارتقای قابل توجّه در محیط هدف فراهم آورد و توفیقات این مجموعه‌ها نیز قابل ستایش است. در همین‌جا می‌توان به ضرورت طراحی مدل‌های اختصاصی برای سایر اقشار بسیج مانند هنرمندان، ورزشکاران، مهندسان، اساتید و ... اشاره کرد که فعّالیت‌هایی در این زمینه صورت گرفته است.

۶. لزوم تعامل جدی با حوزه‌های علمیّه

بی شک یکی از منابع نیروی انسانی مورد نیاز حلقات صالحین، روحانیت و طلّاب مجاهد است که لازم است به عنوان سرگروه، مربی، سرمربی، استاد و همچنین مدیر تعلیم و تربیت سپاه‌های شهری و استانی انجام وظیفه کنند و در صورتی که تعامل وثیق مدارس علمیّه و بسیج به‌صورت هدفمند و مستمر صورت پذیرد؛ تأثیر قابل توجّهی در رشد و تعالی مجموعه‌های فرهنگی و تربیتی خواهد داشت.

متأسفانه اشتغال مدارس علمیّه به برنامه‌های آموزشی و تبلیغی مانع از تعامل ارگانیک آنها با نهادهای انقلابی گردیده است و موجب ضعف همکاری‌های فیمابین شده است. ضرورت دارد از هر دو سو، استفاده صحیح از ظرفیت آنان در شکل‌دهی و تعالی حلقات صالحین صورت گیرد. به نظر می‌رسد اگر یک طلبه از همان ابتدای طلبگی خود در یک جمع کوچک دانش‌آموزی به تدریس و تربیت بپردازد، توفیقات قابل توجّهی در مراحل آتی خواهد داشت.

۷. لزوم حضور جدی‌تر در عرصه‌ی مجازی

با مراجعه به سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی صالحین می‌توان دریافت که علیرغم هزینه‌های گزافی که در این زمینه صورت گرفته، توفیقات قابل توجهی

کسب نشده است. شاید بتوان گفت سایت‌های صالحین به عنوان سایت مطرح در عرصه مجازی شناخته نمی‌شود. لازم است سیاست‌گذاران این طرح ارزشمند با برنامه‌ریزی‌های راهبردی، زمینه حضور در رقابت جدّی‌تر را در دنیای مجازی فراهم آوردند.

۸. لزوم تأسیس شبکه‌های اجتماعی

دنیای امروز، دنیای ارتباطات مجازی و حضور خیره کننده مردم در شبکه‌های اجتماعی است؛ تا جایی که شبکه فیس بوک ادعای تشکیل بزرگترین کشور جهان را نموده است. علاقه زاید الوصف ایرانیان به حضور در شبکه‌های اجتماعی و داشتن صفحه شخصی برای خود و تعامل بی‌هدف، تهدیدی است که اگر تبدیل به فرصت نشود، بنیان‌های فرهنگ دینی و ملی کشور را دچار آسیب جدی خواهد کرد. ارتباط لجام گسیخته محرم و نامحرم، تبرج، نفاق، کذب و افترا از خلقیاتی است که سکه رایج شبکه‌های اجتماعی است. در شبکه‌های اجتماعی بسیاری از افراد با نام غیرواقعی، جنسیت غیرواقعی و حتی عکس‌های دیگران حضور می‌یابند و ساعات ارزشمند عمر خود را صرف وبگردی و هرزه‌نگاری می‌نمایند. اضافه بر این معضلات، خطر جاسوسی و توطئه‌های سیاسی و فرهنگی متنوعی است که دشمنان اسلام و انقلاب از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای تحقق آن بهره می‌جویند.

شبکه میلیونی صالحین در کنار ارتباطات چهره به چهره و حقیقی که اساس تربیت و انسان‌سازی را شکل می‌دهد، نیاز به شبکه سازی مجازی و ایجاد شبکه‌های اجتماعی متنوع برای مخاطبان متعدد خود دارد.

» خاتمه

پرواضح است که جریان صالحین به‌عنوان یک ثمره مترقی انقلاب و نتیجه مجاهدت‌های امام خمینی قدس‌سره و شاگردان مجاهد ایشان به‌ویژه خلف صالح امام یعنی حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای مدظله الشریف دستاوردی برای تربیت سرباز مخلص و منتظر حقیقی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد و می‌تواند به عنوان الگوی تربیت و کادرسازی در جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرد. باشد تا با رفع موانع و تقویت عوامل موفقیت، زمینه رشد و بالندگی هرچه تمام تر شجره طیبه صالحین فراهم گردد.

» منابع

» قرآن کریم.
» نهج البلاغه.
» بحارالأنوار.
» پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری
» پایگاه اطلاع رسانی صالحین.
» سامانه پاسخگویی بسیج.